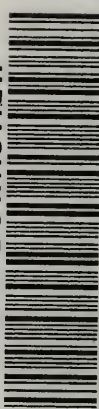


UTL AT DOWNSVIEW



. D RANGE BAY SHLF POS ITEM C  
39 10 05 03 13 004 2

PLEASE DO NOT REMOVE  
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

---

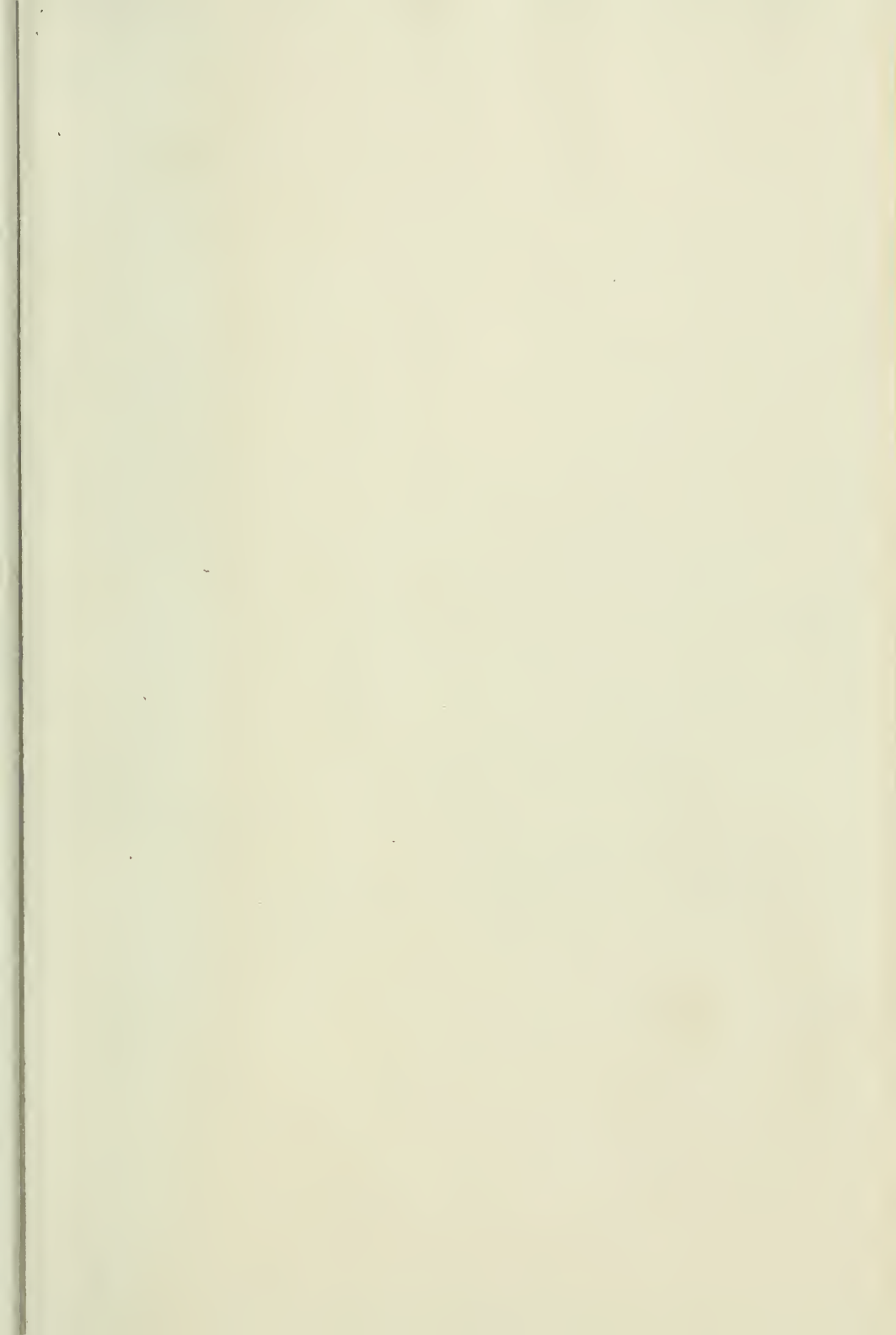
UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY

---

K                      Cevdet, Ahmet  
                            Mecelle-'i ahkām-i  
C4242M4              'adliye  
1883



Digitized by the Internet Archive  
in 2010 with funding from  
University of Toronto







27-37

SF/18

0





Covdet, Ahmet, Pasa

مجلة احكام عدليه

Mecelle-i ahkâm-ı adliye

استانبول

اشيو مجلة عدليه نظري و مجله جمعيت جليله سي رئيسي  
دولتو احمد جودت پاشا حضرتك رينك ترتيب و تنسيق  
و معارف نظارت جليله سي رخصت رسميه سيله بو دفعه  
( مطبعة عثمانيه ده ) طبع اولينشدر .

سید

۱۳۰۰

مجله جمعيتندن تنظيم اولنان مضبوطه نك صورتى	۲
( مقدمه ايكي مقاله يى حاويدر )	
مقاله اولى • علم فقهك تعريف و تقسيمى	۲۰
« ثانى • قواعد فقهيه بياننده در	۲۲
( كتاب البيوع بر مقدمه ايله يدى بابدرد )	
مقدمه • يسوعه متعلق اصطلاحات فقهيه	۳۹
باب اول • عقد بيعه متعلق مسائل بش فصلدر	۵۰
فصل اول • ركن بيع حقنده در	۵۰
« ثانى • قبولك ايجابه • موافق اولسنه لزومى	۵۳
« ثالث • مجلس بيع حقنده در	۵۶
« رابع • شرطله بيع حقنده در	۵۸
« خامس • اقاله بيع حقنده در	۵۹
باب ثانى • بيعه متعلق مسائل بياننده درت فصلدر	۶۱
فصل اول • مبيعك شروط و اوصافى حقنده	۶۱
« ثانى • بيعى جائز اولوب اولميان شيلر حقنده	۶۲
« ثالث • مبيعك كيفيت بيعنه متعلق مواد بياننده	۶۵
« رابع • صراحتذ كر اولمقننيزين بيعده داخل اولوب اولميان شيلر بياننده	۷۲
ثمنه متعلق مسائل بياننده ايكي فصلدر	۷۵



۷۵	فصل اول	• ثمنك اوصاف و احوالند مترتب مواد
۷۷	» ثانی	• وعده ایله صاتش حقه اولان مواد
۷۹	باب رابع	• بعد العقد ثمن و مثمنه تصرفه
		متعلق مسائل بیانده اولوب ایکی
		فصلدر
۷۹	فصل اول	• بعد العقد و قبل القبض بايعك ثمنه
		و مشترينك مبيعه حـق
		تصرفلى
۷۹	فصل ثانی	• ثمن و مبيعك تزيد و تنزيلي بیانده
۸۳	باب خامس	• تسليم و تسلمه متعلق مسائل التي فصلدر
۸۳	فصل اول	• تسليم و تسلمك حقیقت و کیفیتي بیانده
۸۷	» ثانی	• مبيعك حق حيسنه دائر مواد
۸۸	» ثالث	• مكان تسليم حقه
۸۹	» رابع	• تسليمك و وثنتی و لوازم تمامیتی بیانده
۹۰	» خامس	• هلاك مبيعه مترتب اولان مواد
۹۱	» سادس	• سوم شرا و سوم نظر حقه
۹۳	باب سادس	• خيارات بیانده اولوب يدي فصلدر
۹۳	فصل اول	• خيار شرط حقه در
۹۵	» ثانی	• خيار وصف
۹۶	» ثالث	• خيار نقد
۹۷	» رابع	• خيار تعيين

»	خیار رؤیت	» خامس	۹۸
»	خیار عیب	» سادس	۱۰۲
»	غبین و تغریر	» سابع	۱۰۹
	مبیعك انواع و احكامی بیاننده التی	باب سابع	۱۱۱
	فصلدر		
	بیعك انواعی	فصل اول	۱۱۱
	انواع بیوعك احكامی	» ثانی	۱۱۲
	سلم حقهده در	» ثالث	۱۱۵
	استصناع بیاننده در	» رابع	۱۱۶
	بیع مریضك احكامی	» خامس	۱۱۷
	بیع الوفا حقهده در	» سادس	۱۲۰

( کتاب الاجارات بر مقدمه ایله سکر بادر )

	اجاره یه متعلق اصطلاحات فقهیه	مقدمه	۱۲۴
	ضوابط عمومییه بیاننده در	باب اول	۱۲۷
	عقد اجاره یه متعلق درت فصلدر	» ثانی	۱۳۲
	رکن اجاره یه دائر مسائل	فصل اول	۱۳۲
	اجاره نك شرائط انعقاد و نفاذی حقهده	» ثانی	۱۳۵
	صحت اجاره نك شرائطی حقهده	» ثالث	۱۳۶
	اجاره نك بطلان و فسادی حقهده	» رابع	۱۳۸
	اجرتیه متعلق مسائل بیاننده اوچ فصلدر	باب ثالث	۱۴۰

- ۱۴۰ فصل اول • بدل اجاره حقننده در
- ۱۴۱ « ثاني • اجرتك سبب لزومنه و اجرتك اجرتيه
- كيفيت استحقاقنه متعلق مسائل
- ۱۴۶ فصل ثالث • اجرت ايچون اجيرك مستأجر فيهي
- حبس ايدوب ايديه مامسي حقننده در
- ۱۴۲ باب رابع • مدت اجاره يه متعلق مسائل
- ۱۵۰ باب خامس • خيارات حقننده اولوب اوچ فصلدر
- ۱۵۰ فصل اول • خيار شرط حقننده
- ۱۵۴ « ثاني • خيار رؤيت حقننده
- ۱۵۵ « ثالث • خيار عيب حقننده
- ۱۵۹ باب سادس • مأجورك انواع و احكامي بيننده
- اولوب درت فصلدر
- ۱۵۹ فصل اول • اجاره عقاره متعلق مسائل
- ۱۶۲ « ثاني • اجاره عروض حقننده
- ۱۶۳ « ثالث • اجاره حيوان حقننده
- ۱۷۰ « رابع • اجاره آدمي حقننده
- ۱۷۵ باب سابع • بعد العقد آجر و مستأجرك وظيفه
- و صلاحيتلرينه دائر اولوب اوچ
- فصلدر
- ۱۷۵ فصل اول • تسليم مأجور حقننده در
- ۱۷۲ « ثاني • عاقدينك، مأجورده تصرفلرينه دائر

- ١٧٨ » ثالث • رد و اعاده مأجوره متعلق مواد  
 ١٨٠ باب ثامن • ضمانات بيانده اولوب اوچ فصلدر  
 ١٨٠ فصل اول • ضمان منفعت حقنده  
 ١٨٢ » ثاني • مستأجر ك ضمانی حقنده  
 ١٨٥ » ثالث • اجير ك ضمانی حقنده

( كتاب الكفاله بر مقدمه ايله اوچ بابدر )

- ١٩٠ مقدمه • كفالته دائر اصطلاحات فقهيہ  
 ١٩٢ باب اول • عقد كفالت حقنده اولوب ايكي  
 فصلدر  
 ١٩٢ فصل اول • ركن كفالته دائر در  
 ١٩٣ » ثاني • شرائط كفالته متعلقدر  
 ١٩٦ باب ثاني • كفالتك احكامی حقنده اولوب  
 اوچ فصلدر  
 ١٩٦ فصل اول • كفالت منجزه و معلقه و مضافه نك حكمی  
 ٢٠٠ » ثاني • كفالت بالنفسك حكمی  
 ٢٠٠ » ثالث • كفالت بالملاك احكامی  
 ٢٠٦ باب ثالث • كفالتدن برأت حقنده اوچ فصلدر  
 ٢٠٦ فصل اول • بعض ضوابط عمومیه بيانده  
 ٢٠٧ » ثاني • كفالت بالنفسدن برأت حقنده  
 ٢٠٨ » ثالث • كفالت بالمالدين برأت حقنده

( کتاب الحواله بر مقدمه ایله ایکی بابدیر )

صیغه

- ۲۱۲ مقدمه • حواله به دائر اصطلاحات فقهیه  
۲۱۳ باب اول • عقد حواله بیاننده اولوب ایکی  
فصلدر  
۲۱۳ فصل اول • رکن حواله بیاننده در  
۲۱۴ » ثانی • شرائط حواله بیاننده  
۲۱۶ باب ثانی • احکام حواله بیاننده در

( کتاب الرهن بر مقدمه ایله درت بابدیر )

- ۲۲۲ مقدمه • رهنه دائر اصطلاحات فقهیه  
۲۲۳ باب اول • عقد رهنه دائر اولوب اوچ فصلدر  
۲۲۳ فصل اول • رکن رهنه دائر مسائل بیاننده در  
۲۲۴ » ثانی • انعقاد رهنک شرائطی حقیقده  
۲۲۴ » ثالث • مرهونک زواید متصله سی ورهندن  
صکره واقع اولان تبدیل وزیاده  
حقیقده در  
۲۲۶ باب ثانی • راهن و مرتهنه متعلق بعض مسائل  
۲۲۷ باب ثالث • مرهونه متعلق مسائل حقیقده ایکی  
فصلدر  
۲۲۷ فصل اول • مرهونک مؤنت و مصافی حقیقده  
۲۲۸ » ثانی • رهن مستعار حقیقده

- ۲۲۹ باب رابع • رهنك احكامى بيانده درت فصلدر  
 ۲۲۹ فصل اول • رهنك احكام عمومیه سی بیانده  
 ۲۳۳ « ثانی • راهن و مرتهنك رهنده تصرفلى  
 ۲۳۵ « ثالث • يد عدلده اولان رهنك احكامى  
 ۲۳۶ « رابع • بيع رهن حقهده

( كتاب الامانات بر مقدمه ايله اويچ بابدر )

- ۲۴۰ مقدمه • اماناته متعلق اصطلاحات فقهييه  
 ۲۴۱ باب اول • اماناته دائر بعض احكام عموميه  
 ۲۴۴ باب ثانی • وديعه حقهده اولوب ايكي فصلدر  
 ۲۴۴ فصل اول • عقد و شرط ايداعه متعلق مسائل  
 ۲۴۵ « ثانی • وديعه نك احكامى و ضماناتى حقهده  
 ۲۵۷ باب ثالث • عاريت حقهده اولوب ايكي فصلدر  
 ۲۵۷ فصل اول • عقد و شرط اعاره يه متعلق مسائل  
 ۲۵۹ « ثانی • عاريتك احكام و ضماناتى حقهده

( كتاب الهبه بر مقدمه ايله ايكي بابدر )

- ۲۷۰ مقدمه • هبه يه دائر اولان اصطلاحات فقهييه  
 ۲۷۱ باب اول • عقد هبه يه متعلق مسائل ايكي فصلدر  
 ۲۷۱ فصل اول • ركن و قبض هبه يه دائر مسائل  
 ۲۷۵ « ثانی • شرائط هبه بيانده در



- ۲۷۷ باب ثانی • احکام هبه بیاننده اولوب ایکی فصلدر  
 ۲۷۷ فصل اول • هبه دن رجوع حقنده  
 ۲۸۱ » ثانی • هبه مریض حقنده در

( کتاب الغصب بر مقدمه ایله ایکی بادر )

- ۲۸۴ مقدمه • غصب و اتلافه دائر اصطلاحات فقهیه  
 ۲۸۶ باب اول • غصب حقنده اولوب اوچ فصلدر  
 ۲۸۶ فصل اول • غصبک احکامی بیاننده  
 ۲۹۱ » ثانی • غصب عقاره متعلق بعض مسائل  
 ۲۹۴ » ثالث • غاصب الغاصبک حکمی بیاننده  
 ۲۹۵ باب ثانی • اتلاف بیاننده اولوب درت فصلدر  
 ۲۹۵ فصل اول • مباشرة اتلاف حقنده  
 ۲۹۸ » ثانی • تسبیباً اتلاف بیاننده  
 ۳۰۰ » ثالث • طریق عامده احداث اولنان شیره  
 دائر

- ۳۰۲ » رابع • جنایات حیوان حقنده در  
 ( کتاب الحجر والا کراه والشفعه بر مقدمه ایله اوچ بادر )  
 ۳۰۸ مقدمه • حجر و اکراه و شفعهیه متعلق  
 اصطلاحات فقهیه  
 ۳۱۱ باب اول • حجره متعلق مسائل بیاننده درت  
 فصلدر

- ۳۱۱ فصل اول • صنوف واحكام محجور بن حقهده  
 ۳۱۳ » ثانی • صغیر و مجنون و معتوهه دار مسائل  
 ۳۲۰ » ثالث • صغیره محجور حقهده  
 ۳۲۲ » رابع • دیون محجور حقهده  
 ۳۲۴ باب ثانی • اگراهه متعلق مسائل  
 ۳۲۶ باب ثالث • شفعه حقهده اولوب درت فصلدر  
 ۳۲۶ فصل اول • مراتب شفعه بیانده  
 ۳۳۰ » ثانی • شرائط شفعه حقهده  
 ۳۳۳ » ثالث • طلب شفعه یه دایر  
 ۳۳۵ » رابع • حکم شفعه یه دایر

(کتاب الشریکت بر مقدمه ایله سگز بادر)

- ۳۴۰ مقدمه • شریکت متعلق اصطلاحات فقهیه  
 ۳۴۳ باب اول • شریکت دلاک بیانده اولوب اویج  
 فصلدر  
 ۳۴۳ فصل اول • شریکت ملک تعریف و تقسیم  
 ۳۴۶ » ثانی • اعیان مشترک که کیفیت تصرفنه دایر  
 ۳۵۴ » ثالث • دیون مشترک حقهده در  
 ۳۶۲ باب ثانی • قسمت حقهده اولوب طقوز فصلدر  
 ۳۶۲ فصل اول • قسمت تعریف و تقسیم بیانده  
 ۳۶۶ » ثانی • شرائط قسمت بیانده در

قسمت جمع	»	ثالث	•	۳۷۰
قسمت تفریق	»	رابع	•	۳۷۳
کیفیت قسمت	»	خامس	•	۳۷۶
خیارات بیانده	»	سادس	•	۳۷۸
قسمت فسخ و اقاله سی حقننده	»	سابع	•	۳۸۰
احکام قسمت حقننده	»	ثامن	•	۳۸۱
مهائنه بیانده در	»	تاسع	•	۳۸۶
حیطان و جیرانه متعلق مسائل در ته	»	باب ثالث	•	۳۹۲

## فصلدر

احکام املاکه دائر بعض قواعد	•	فصل اول	•	۳۹۲
معاملات جواریه بیانده در	•	»	ثانی	۳۹۴
طریققر حقننده در	•	»	ثالث	۴۰۱
حق مرور و مجری و مسیله دائر	•	»	رابع	۴۰۴
شرکت اباحه حقننده التي فصلدر	•	»	باب، رابع	۴۰۸
مباح اولوب اولیان شیلر حقننده	•	»	فصل اول	۴۰۸
مباح اولان شیلرک استملاکی حقننده	•	»	ثانی	۴۱۱
مباح اولان شیلرک احکام عمومیه سی	•	»	ثالث	۴۱۳
حق شرب و شفه بیانده در	•	»	رابع	۴۱۵
احیاء موات حقننده در	•	»	خامس	۴۱۸
قبولر و وصولر و اشبحارک حریمی	•	»	سادس	۴۲۱

حقننده

- ۴۲۴ » سابع • احکام صییده متعلق اولان مسائل
- ۴۲۹ باب خامس • نفقات مشترکه بیاننده ایکی فصلدر
- ۴۲۹ فصل اول • اموال مشترکه نك تعمیرات و مصارفی
- ۴۳۴ » ثانی • نهر و مجر الرک کری و اصلاحی
- ۴۳۷ باب سادس • شرکت عقد بیاننده اولوب الی فصلدر
- ۴۳۷ فصل اول • شرکت عقدک تعریف و تقسیم
- ۴۴۰ » ثانی • شرکت عقدک شرائط عمومی سی
- ۴۴۱ » ثالث • شرکت اموالک شرائط مخصوصه سی
- ۴۴۴ » رابع • شرکت عقده متعلق ضوابط بیاننده
- ۴۴۸ » خامس • شرکت مفاوضه به دائر در
- ۴۵۱ » سادس • شرکت عنان مباحثی حقنده
- ۴۶۷ باب سابع • مضاربه حقنده اولوب اوچ فصلدر
- ۴۶۷ فصل اول • مضاربه نك تعریف و تقسیم
- ۴۶۸ » ثانی • مضاربه نك شروط طی حقنده
- ۴۷۰ » ثالث • مضاربه نك احکامی حقنده
- ۴۷۵ باب ثامن • مزارعه و مسافاة حقنده ایکی فصلدر
- ۴۷۵ فصل اول • مزارعه بیاننده در
- ۴۷۸ » ثانی • مسافات بیاننده در
- ( کتاب الوکاله بر مقدمه ایله اوچ بابدر )
- ۴۸۲ مقدمه • و کالت حقنده اصطلاحات فقهیه
- ۴۸۳ باب اول • و کالتک رکن و تقسیم حقنده در

- ۴۸۶ باب ثانی • شرط وکالت بیاننده در  
 ۴۸۸ باب ثالث • وکالتک احکامی حقننده الی فصلدر  
 ۴۸۸ فصل اول • وکالتک احوال عمومیه سی بیاننده  
 ۴۹۲ « ثانی • شرایه وکالت حقننده در  
 ۵۰۱ « ثالث • بیعه وکالت حقننده در  
 ۵۰۴ « رابع • مأموره دائر اولان مسائل  
 ۵۰۸ « خامس • خصوصیه وکالت حقننده در  
 ۵۰۹ « سادس • عزل وکیلله دائر مسائل بیاننده

( کتاب الصلح والابرا بر مقدمه ایله درت بادر )

- ۵۱۵ مقدمه • صلح و ابرایه دائر اصطلاحات فقهییه  
 ۵۱۶ باب اول • عقد صلح و ابرا ایذنله دائر در  
 ۵۲۰ « ثانی • مصالحه نك احوال و شروطی حقننده  
 ۵۲۱ « ثالث • مصالحه عنده حقننده اولوب ایکی فصلدر  
 ۵۲۱ فصل اول • صلح عن الاعیان حقننده در  
 ۵۲۴ « ثانی • دیندن و حقوق سائر دین صلح حقننده  
 ۵۲۵ باب رابع • احکام صلح و ابرا حقننده ایکی فصلدر  
 ۵۲۵ فصل اول • احکام صلحه دائر اولان مسائل  
 ۵۲۶ « ثانی • ابرایه دائر اولان مسائل

( کتاب الاقرار درت بادر )

- ۵۳۲ باب اول • اقرارک شرائطی بیاننده در

- ۵۳۶ » ثانی • اقرارک وجوه صحیحی بیانده  
 ۵۳۸ » ثالث • اقرارک احکامی حقنده اوچ فصلدر  
 ۵۳۸ فصل اول • احکام عمومیه بیانده در  
 ۵۴۰ » ثانی • نفی ملک و نام مستعار بیانده  
 ۵۴۳ » ثالث • اقرار مریض حقنده در  
 ۵۵۰ باب رابع • اقرار بالکتابه بیانده در

( کتاب الدعوی بر مقدمه ایله ایکی بابدر )

- ۵۵۶ مقدمه • دعوی حقنده اصطلاحات فقهیه  
 ۵۵۷ باب اول • دعوانک شروط و احکامی درت  
 فصلدر  
 ۵۵۷ فصل اول • دعوانک شروط صحیحی  
 ۵۶۳ » ثانی • دفع دعوی حقنده  
 ۵۶۵ » ثالث • خصم اولوب اولیاینلر بیانده در  
 ۵۷۲ » رابع • تناقض بیانده در  
 ۵۸۰ باب ثانی • مرور زمان حقنده در

( کتاب البینات بر مقدمه ایله درت بابدر )

- ۵۹۰ مقدمه • بعض اصطلاحات فقهیه بیانده  
 ۵۹۱ باب اول • شهادت حقنده اولوب سکز فصلدر  
 ۵۹۱ فصل اول • شهادتک تعریف و نصابی

۵۹۲ » ثانی • شهادتک کیفیت اداسی حقنده

۵۹۶ » ثالث • شهادتک شروط اساسیه می

۵۹۹ » رابع • شهادتک دعویاه موافقتی

۶۰۳ » خامس • شاهدلرک اختلافری بیاننده

۶۰۵ » سادس • تزکیه و تکلیف شهود حقنده

۶۱۰ » سابع • شاهدلرک شهادتدن رجوعی حقنده

۶۱۲ » ثامن • تواتر حقنده در

۶۱۳ باب ثانی • حجج خطیه و قرینه قاطعه ایکی فصلدر

۶۱۳ فصل اول • حجج خطیه بیاننده در

۶۱۴ » ثانی • قرینه قاطعه بیاننده در

۶۱۴ باب ثالث • تکلیف بیاننده در

۶۱۹ باب رابع • ترجیح بینات و تحالفه دائر درت  
فصلدر

۶۱۹ فصل اول • تنازع بالایدی بیاننده در

۶۲۱ » ثانی • ترجیح بینات حقنده در

۶۲۷ » ثالث • سوز کیمک اولدیغنه و تحکیم حاله دائر

۶۳۰ » رابع • تحالفه دائر در

( کتاب القضا بر مقدمه ایله درت بادر )

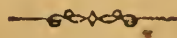
۶۳۶ مقدمه • قضا حقنده اصطلاحات فقهیه

۶۳۸ باب اول • حکامه دائر اولوپ درت فصلدر

۶۳۸	فصل اول	• حاکم اوصافی بیانده
۶۳۸	» ثانی	• حاکم آدابی بیانده
۶۴۰	» ثالث	• حاکم وظائفی حقنده
۶۴۵	• رابع	• صورت محاکمه به دائر در
۶۴۸	باب ثانی	• حکمه دائر اولوب ایکی فصلدر
۶۴۸	فصل اول	• حکمک شروطی بیانده در
۶۵۰	» ثانی	• حکم غیابی بیانده در
۶۵۲	باب ثالث	• دعوانک بعد الحکم رؤیتی حقنده
۶۵۳	باب رابع	• تحکیمه دائر مسائل بیانده در

❀ متفرقات ❀

۶۵۸	کتاب بینات حقنده بعض وصایایی
	شامل مذکره
۶۶۱	بلا بینه مضمونیه عمل و حکم جائز
	اوله بیله جک صورتده سندت
	شرعیته نک تنظیمی حقنده تعلیمات
	سنیه
۶۷۱	تعلیم اصول تحلیف





مَدِينَةُ وَدَارُهَا  
عَلَى نَهْرِ دجلة  
وَأَسَدُهَا أَمِيرُهَا  
عَلَى نَهْرِ دجلة

۲  
\* مجله جمعیتندن تنظیم اولنان مضبوطه نك صورتيدر \*

محاط علم عالی و کالت پناهیلیری بیورلدیغی اوزره  
علم فقہک امر دنیایه تعلق ایدن جهتی مناسکات  
و معاملات و عقود قسملرینه منقسم اولدیغی کبی ملل  
متمدنه نك قوانین اساسیه سی دخی بو اوج قسمه تقسیم  
و معاملات قسمی قانون مدنی دیو توسیم اولنور فقط  
بو عصرلرده معاملات تجاریه پك زیاده توسیع ایلش  
اولدیغندن پولیچه و افلاس کبی پك چوق خصوصلرده  
قانون اصلیدن استئنا اولمش و بو مسائل استئناییه  
حاوی بشقه جه برده تجارت قانوننامه سی تنظیم قلمشدر که  
خصوصیات تجاریه ده معمول به اولوب جهات سائر ده  
ینه قانون مدنی به مراجعت قلمشور مثلا بر محکمه تجارتده  
تجارت قانونی حکمنجه رؤیت اولنان بر دعوانك رهن  
و کفالت و وکالت کبی بعض خصوصیات متفرعه سنده  
قانون اصلی به مراجعت اولنسه یور جراثمدن نشأت  
ایدن حقوق عادیه دعوالرند دخی بو منوال اوزره  
معامله ایدیلیور قانون مدنی به مقابل دولتعلیه ده  
قدیم و حادثا پك چوق قوانین و نظامات یانیش در

و اگر چه بونلر کافه معاملاتک فصل و تسویه سنه کافی  
 دکل ایسه ده علم فقهک معاملات قسمی بو خصوصده  
 اولان احتیاجاته کافی و وافیدر و دعاوینک شرع و قانونه  
 حواله سنبجه بعض مشکلات کورلمکده ایسه ده تمیزده  
 حقوق مجلسلری حکامک تحت ریاستلرنده بولنه رق  
 امور شرعیه بی شرمارؤیت ابتدکاری کبی مجالس تمیزده  
 نظاما رؤیت اولنسان ماده لر دخی انلرک معرفتیه فصل  
 و بو مثللو مشکلات حل اولنمقده در شو قدر که قوانین  
 و نظامات ملکیه نک اصل و مرجعی علم فقه اوله رق  
 نظاما رؤیت اولنسان موادک دخی نیجه خصوصات  
 متفرعه سی مسائل فقهیه یه تطبیق ایله فصل و جسم اولنه  
 کلوب مجالس تمیز اعضاسی ایسه مسائل فقهیه یه  
 مطلع اولدقلمرندن کویا حاکم افندیلر قوانین و نظامات  
 موضوعه نک خار یخنده اوله رق مرافعاتی استکاری  
 قابله دوکه یورلر نظریله باقوب برطاقم سوء ظنره ذهاب  
 ایله کفتکویه باعث اولیورلر .  
 دوات علیه نک تجارت محکمهلرنده دخی تجارت  
 قانوننامه همایونی دستورالعمل اولوب دعوانک تجارت  
 تعلق ایتمیان خصوصات متفرعه سنده عظیم مشکلات  
 چکلمکده در شو یله که اورو پا قانونلرینه مراجعت

اولئسه چونکه بونلر با اراده سئیه موضوع قوانین  
اولدیغندن محاکم دولتعلیه ده مدار حکم اوله مز شرعه  
حواله اولدیقده دخی محاکم شرعیه او مثلاً و خصوصات  
متفرعه ده مرافعه بی اساسندن طوتغه مجبور اولور  
حالبو که ایکی محکمه ک اصول محاکمه سی اساساً مختلف  
اولدیغندن بالطبع ایشده چتالقی پیدا اولدیغی جهتله  
بو مثلاً و خصوصاتده محاکم تجارتدن محاکم شرعیه یه  
مراجعت ابدیه میور محاکم تجارت اعضاسی کتب  
فقهیه یه مراجعت ایتسون دینلورسه بو دخی قابل  
دکدر زرافن فقهه انتساب خصوصنده انلر دخی  
مجالس تمیز اعضاسیله هم حالدر .

علم فقه ایسه بر بحر بی پایان اولوب بوندن درر  
مسائل لازمی استنباط ایله حل مسئله ایده بیلک خیلیدن  
خیلی مهارت و ملکه یه موقر فدر علی الخصوص مذهب  
حنفی اوزره طبقات متفاوته ده پک چوق مجتهدلر کلوب  
اختلافات کثیره وقوعبولش و فقه حنفی فقه شافعی  
کی تنقیح ایدیله میوب پک متشعب و متشکت اولمشدر  
ایشته بو نمجه اقوال متخالفیه ایچنده قول صحیحی تمیز  
ایله حوائثک اکا تطبیقنده عظیم حسرت واردر قالدیکه  
تبدل اعصار ایله عرف وعادته مبتنی اولان مسائل

فقہیہ دخی تبدل ایدر مثلاً قدمای فقہا عندندہ اشترأ  
اولہ جق خانہ نك بر او طہ سنی کورمک کافیدر و متأخرین  
عندندہ هر او طہ سنی کورمک لازمدر بو ایسہ عن دلیل  
بر اختلاف اولمیوب بلکه انشأت حقندہ عرف و عادتک  
اختلافندن نشأت ایتشدر کہ مقدا خانہ لک هر او طہ سی  
بر طرز اوزرہ یا پیلہ کلدیکننن بر او طہ سنی کورمک  
سارینی کورمکدن مغنی ایمش مؤخرأ خانہ لک او طہ لری  
مختلف یا بلق عادت اولدیغندن هر او طہ سنی کورمک  
لازم کلمشدر حقیقت خالدہ لازم اولان کیفیت ایسہ  
مقصد شرایہ کورہ بر علم کافی حاصل ایتکدن عبارت  
اولمسیلہ اصل قاعدہ شرعیہ تغیر ایتمیوب فقط بونک  
حوادثہ امر تطبیق تبدل احوال زمان ایله تبدل  
ایدیور بو مثللو اختلاف زمانی ایله اختلاف برهانی  
بینی فرق و تمیز ایتک دخی خیلی دقتہ محتاجدر  
مسائل فقہیہ بی احاطہ ایله غورینہ اطلاع ایسہ نك  
کوچدر و برارالق مسائل فقہ حنفی بی جمع و احاطہ  
ایتک اوزرہ عصرک فقہا و فضلاسی جمع ایدیلہ لک  
تاتار خانیه و فتاوی جهانگیریه کبی کنابلر تألیفنه همت  
اولنش ایسہ ده ینہ بالجمله فروع فقہیہ و اختلافات  
مذهبیہ حصر و احاطہ ایدیلہ مامشدر .

وفي الواقع كتب فتاوی حوادثك قواعد فقهیه  
 تطبیقه دائر و یرلش اولان فتواری حاوی مؤلفات  
 دیمك اولوب حالبو كه بونجه عصرلردن برو سادات  
 حنفیه طرفندن و یرلش اولان فتاوانك جمع واحاطه سی  
 نقدر دشوار اولدیغی محتاج بیان دكلدر بناء علیه  
 ( ابن نجیم ) بر طاقم قواعد و مسائل کلیه یی جمع ایدرك  
 بونرك تحتنده فروع فقهی علی وجه الاحاطه درج ایلک  
 یولنده برکوزل چغراچش ایسه ده اندن صکره کی  
 عصرلرك عالم و فقیه یتشدرمك یولنده اولکی سماحتی  
 کور یله مدیکندن انك اثرینه اقتفا ایله اچش اولدیغی  
 چغری شاهراه ایدمبیله جك ذاتلر ظهور یله بو یولده  
 بذل جهد ایلرینه مساعد اولماشدر و شمدی ایسه  
 هر طرفده علوم شرعیده مهارتلو ذواته ندرت کلدیکندن  
 محاکم نظامیه ده لدی الايجاب کتب فقهیه مر اجعتله  
 حل شبهه ایدمبیله جك اعضا بولندرمق شویله طورسون  
 ممالک محروسه ده کائن بوقدر محاکم شرعیه کافی قضات  
 بولمق مشکل اولمشر .

بناء علی ذلك اختلافاتدن عاری و بالکمز اقوال  
 مختاره یی حاوی اولمق اوزره معاملات فقهده دائر سهیل  
 المأخذ بزکتاب یا پلسه هرکس قولایلقله مطالعه ایدرك

معاملاتنی اکا تطبیق و بویله مضبوط بر کتاب اولدیغی  
 جالده نائب افند یلره عظیم فائده سی اوله جنی کبی  
 مجالس نظامیه اعضاسیله امر اداره ده بولنان مأمورین  
 دخی بالمطالعه مسائل شرعییه انتساب ایله ندی الایجاب  
 ایشلرینی و سهعلری مرتبه شرع شریفه توفیق ایدر لر  
 وهم محاکم شرعیه ده معتبر و مرعی و همده مجالس  
 نظامیه ده حقوق دعواری ایچون قانون وضعندن مستغنی  
 اولور مطالعه سنه مبنی اوله بر اثر جلیک وجوده  
 کلمسی خیلی وقتدنبرو ارزو اولنور بر کیفیت اولوب حتی  
 بونک ایچون مجلس تنظیمات دائره سنده بر جمعیت علیه  
 تشکیل ایدلمش و خیلجه مسائل یازلمش ایکن حیرت فعله  
 کله میوب بودخی ( الامور مرهونه باوقانها ) حکمنجه  
 تأسیسی اهم اولان بر چوق مواد خیریه کبی مضبوط  
 اعصار اولان عصر محاسن حصر همایونه قالمشدر .  
 موقیت جلیله حضرت پادشاهی ثمره فیض بهره سی  
 اوله رق مشاهد اعین افتخار اولان بونجه آثار حسنه  
 صره سنده بودخی حصوله کلمک اوزره علم فقهدن  
 عصرک احتیاجاته کوره روزمره ظهوره کلان معاملاتک  
 تطبیقنه کافی اوله بیله جک اوله بر اثر خیرک وجوده  
 کتورلمسی امر اشمی عاجز لرینه حواله ییورلمش

اولدیغندن بر موجب ارادهٔ علیه دیوان احکام عدلیه  
 دائرهٔ سنده بالا اجتماع فقهک معاملات قسمندن کثیر الوقوع  
 و معاملات عصره کوره بدیهی اللزوم اولان مواد  
 حقیقه سادات حنفیه نک اقوال معتبره سی جمع ایدیلرک  
 متعدد کتابلره تقسیم و ( احکام عدلیه ) اسمیله توسیم  
 اولنق اوزره بر مجله ترتیبینه بالابتدار مقدمه سیله کتاب  
 اولی ختام بولهرق بر نسخه سی ذات حقایق ایات  
 حضرت فتوی پناهی یه و یرلدیکی کبی علم فقهدمه مهارت  
 و معلومات کافیه سی اولان دیکر بعض ذوات فخامه  
 دخی بر نسخه سی بالاعطا اولنان اخطارات اوزرینه  
 تعدیلات لازمه اجرا اولندقدنصکره تبیض ایله حضور  
 حقایق ظهور و کالت پناهیلرینه عرض اولندی بونک  
 لسان عربی یه نقل و ترجمه سی در دست اولدیغی کبی  
 دیکر کتابلر دخی جمع و تألیف اولنق اوزره در

بالمطالعه محاطعلم عالی بیور یلور که مقدمه نک ایکنجی،  
 مقاله سی ( ابن نجیم ) ایله انک مسلکنه سالک اولان  
 فقهاک جمع ایلدکاری قواعد فقهیه اولوب حکام شرع  
 بر نقل صریح بولدجه یالکز بونلرله حکم ایدهمز لیکن  
 مسائل فقهیه نک انضباطنه کلی فائده لری اولهرق  
 ار باب مطالعه مسائلی ادله سیله ضبط ایتش اولورلر



و مأمورین سائریه هر خصوصه مرجع اوله بیلور  
و بونرله بر آدم معاملاتنی مهما امکن شرعه توفیق  
و تقریب ایده بیلور بناء علیه کتاب یا خود باب عنوانیه  
یا زیوب مقدمه یه درج اولنمشدر کتب فقهیه ده  
اکثر یا مسائل ایله مبادی مخلوط اوله رق ذکر اولنمش  
ایسه ده بوجمله ده هر کتابه متعلق اولان اصطلاحات  
اول کتابک مقدمه سی اولق اوزره ذکر اولنه رق  
مسائل سازجه ترتیب اوزره یازیلوب فقط بومسائل  
اساسیه بی ایضاح ضمننده مثال اوله رق کتب فتاوا دن  
برخیلی مسائل درج و علاوه اولنمشدر .

فی زمانناجر یان ایدن اخذ و اعطا اکثر یا بعض  
شرائطه مربوط اولوب مذهب حنفیده ایسه صلب  
عقدده درمیان اولنان انواع شرائطک اکثری بیعی  
مفسد اولدیغی جهتله کتاب البیوعک المهمه  
( بیع بالشرط ) فصلی اوله رق جمعیت عاجزانه مزجه  
بک چوق بحث و مناظره بی موجب اولدیغندن مباحثات  
جاریه نك خلاصه سی بروجه آتی ایراد اولنق مناسب  
کورلشدر .

( بیع بالشرط ) حنفیده اکثر مجتهدینک اقولی  
یکدیگره مخالفدر مذهب مالکیده مدت جزئیه ایچون

و مذهب حنبلیه علی الاطلاق بایع کندوسی ایچون  
 مبیعه منفعت مخصوصه شرط ایده ییلور لکن بایعه  
 بوصلاحیت اولوبده مشتری طرفنده اولماماسی رأی  
 و قیاسه مخالف کورینور امام اعظم رحمة الله علیه  
 حضرت لایله هم عصر اولوبده مؤخرأ تباعی منقرض  
 اولان مجتهد لردن ( ابن ابی لیلی ) ایله ( ابن شبرمه )  
 رحمة الله علیهما حضرتینی دخی بو خصوصه یکدیگره  
 ضد تام اوله رق برر رأیده بولمشلردر شویله که  
 ابن ابی لیلی عندنده علی العموم بیع و شرط فاسد و ابن  
 شبرمه عندنده علی الاطلاق هم بیع جائز و همده شرط  
 جائزدر .

مذهب ابن ابی لیلی ( المسلمون عند شروطهم )  
 حدیث شریفنه مابین کورینور ابن شبرمه مذهبی بو  
 حدیث شریفه تمامینه موافق ایسه ده بایع و مشتری  
 اجراسی جائز و قابل اولمیان شرطلر درمیان ایده ییلوب  
 شرطه رعایت ایسه بقدرالامکان اولق فقها عندنده  
 مسلماتدن اولمسایله شرطه رعایت مسئلهسی تخصیص  
 واستثنا قبول ایدر بقاعده در بناء علی ذلک مذهب  
 حنفیده بر طریق متوسط اتخاذ اولنه زق بیعک شرائطی  
 ( جائز ) و ( مفسد ) و ( لغو ) دیو اوچ قسمه تقسیم

اولمشدن شو و بله که عقد بیعک مقتضاسندن اولیوب  
 یا خود مقتضای عقد بیعی تأیید ایتیمو بده احد طرفینه  
 نافع اولان شرط مفسد و اکا معلق اولان بیع فاسد  
 اولور و بر طرفه نفعی اولمیان شرطله بیع صحیح  
 و شرط لغودر زرا بیع و شرادن مقصد تملیک و تملک  
 خصوصی یعنی بلا مانع و مزاحم مشتریک مبیعه و بایعک  
 ثمنه مالک اولسی کیفیتیدر حالبو که بر طرفه نافع اولان  
 شرطک اجراسنی اول طرف طالب و طرف آخراندن  
 هارب اوله رق منازعه یه مؤدی اوله بیلور بوضورتده  
 ایسه عقد بیع تمام اولد ایش دیمک اولور فقط عرف  
 و عادت منازعه بی قاطع اولدیغندن علی الاطلاق شرط  
 متعارف ایله بیع تجویز اولمشدن .  
 معاملات تجاریه بوجه مشروح ذاتا مستثنی  
 بر حالده اولوب اصنافک اکثر یسندده دخی برر معامله  
 متعارفه تقرر ایتدیکنده و عرف طاری دخی معتبر  
 اولدیغنه نظرا فسادی موضوع بحث اوله جق یا لکز  
 بر طایفه متفرق و متشتت الیش و یرش ایدنلرک خارج  
 از عرف و عادت ایتدکری شرطلر قالوب بونلرک دخی  
 چندان ذکر و بحث کوتورر یری اولدیغندن معاملات  
 عصرک تیسیری ایچون مذهب حنفینک خارجنده

اوله‌رق ابن شبرمه مذهبنك اختیاری مناسب کورلیوب  
سائر فصللرده اولدیغی کبی باب اولك دردنجی فصلمنده  
دخی مذهب حنفی اوزره بیعی مفسد اولیان شرطلك  
بیانیله اکتفا اولمشدر .

الحاصل بوجملهده مذهب حنفینك خارجنه  
چیقلیوب مواد مندرجه سنك اکثری الحاله هده  
فتوا خانهده معتبر و معمول به اولدیغی جهتله بونلر  
حقیقته بحثه لزوم کورلمز فقط ینه فقهای حنفیه دن  
بعض قول ائمه نك اقوال معتبره سی ناسه ارفق  
ومصلحت عصره اوفق اولق حسه بیله اختیار اولمش  
ایدو کندن بونلرک مأخذ مقبوله واسباب موجبیه سی  
بروجه آتی بیان اولنور .

یوز طقسان یدنجی و ایکی یوز بشنجی ماده لر  
موجبینجه معدومك بیعی صحیح دکلدر حالبو که  
کل وانکنار کبی شکوفه وسبزه ومیوه محصولاتی  
مثلا حق الورود اوله‌رق بعض افرادی ظهور ایتمدن  
دیگر بعض افرادی حصوله کلوب کچر اولدیغی  
جهتله اکثریا بومثلولرک ظهور ایتمش و ایده جک  
اولان محصولاتی طویدن اوله‌رق صاتلق عرف  
وعادت اولمشدر و بومثللو محصولاتده موجوده تبعاً

معدومك دخی برابر اوله رق طوپدن صاتلمنی ( امام محمد بن حسن الشیبانی ) رحمة الله علیه حضرت تلمی استحسانا تجوز بیورمش و ( امام فضلی ) و ( شمس الائمة الحلوانی ) و ( ابوبکر بن فضل ) رحمة الله علیهم انک قولیه افتاتمش اولدقلرندن وناسی بومثناو عرف وعادتلرندن کچورمک قابل اوله میوب حالبو که معاملات ناسی فساده نسبتدن ایسه مهما امکان صحته حیل ایتمک اولی اولدیغندن بوجمله ده دخی قول محمد بالتر جمیع ایکی یوز یدنجی ماده ا کا موافق اوله رق یازلمشدر

( صبره ) مسئله سنده مثلا کیله سی شو قدر غروشه اولوق اوزره بر یغین بغدای صاتلدقده ( امام اعظم ) رحمة الله علیه حضرت تلمینک عندنده یالکیز بر کیله سی حقنده بیع صحیح اولور وامامین رحمة الله علیهما عندلرنده اول یغین تماما صاتلمش اوله رق قاچ کیله چیقارسه ا کا کوره ثمنی و یرلک لازم کلوب معاملات ناسی تیسیر ایتمک حسبیه صاحب هدایه کبی نیجه فقهها دخی بو خصوصده انلرک قولانی اختیار ایلمش اولدقلرندن ایکی یوز یکرمنجی ماده اول منوال اوزره  
تکریر قلمشدر

امام اعظم حضرت تریک عندندہ خیاری شرطک  
مدتی اوچ کوندن زیاده اوله میوب امامین عندندہ  
ایسه هر قاج کون مقاوله اولنورسه جائز اولدیغنه  
و بو خصوصده دخی انلرک قوی حال و مصلحتہ اوفق  
کور لیدیکنه مبنی اختیار اولنهرق اوچیونجی مادهده  
مدت مطلق اولهرق درج اولمشدر

خیار نقدده دخی بو اختلاف جاری اولوب بونده  
مدتک اطلاق خصوصنده ( امام محمد ) علیه رحمة  
الصمد حضرت لری منفرد ایسهده مصلحت ناسه اوفق  
اولق حسبیله انک قوی اختیار اولنهرق اوچیونز  
اون اوچنجی مادهده دخی فلان وقتہ قدر دیو مدت  
اطلاقی اوزره براغلمشدر

امام اعظم حضرت تریک عندندہ استصناعا  
منعقد اولان بیعدن مستصنع رجوع ایده بیلور  
ایسهده امام ابو یوسف رحمة الله علیه حضرت تریک  
عندندہ مصنوع تعریفه موافق اولدیغی حالده  
رجوع ایده من شمعی ایسه عالمده پک چوق کار کاهلر  
یاپیله رق بونجه تو پلر و تفنکار و واپور لر مقاوله  
وسپارش ایله یایدیریله کلوب استصناع کیفیتی  
مصلح جسمیه جاریدن اولسیله مستصنعک عقد

استصناعی فسخنده مخیر اولسی نیجه مصالح جسمیه بی  
 اخلاص ایله جکشدن واستصناع خصوصی خلاف  
 قیاس اولهرق عرف ناسه مبنی استحصانا مشروع  
 اولان سلمه مقیس وعرفه مستند بر کیفیت اولدیغندن  
 مصلحت عصره نظرا امام ابو یوسف قولنک اختیارینه  
 لزوم کور یله رک اوچیز طقسان ایکنجی ماده اکاموافق  
 اولهرق یازلمشدر .

مسائل مجتهد فیهاده امام المسلمین حضرتلری  
 هر قنخی قول ایله عمل اولنق اوزره امر ایدرسه  
 موجبجه عمل اولنق واجب اولدیغندن معروضات  
 مبسوطه نزد حقایق وفد وکالتیناهیلمنده دخی قرین  
 تصویب بیورلدیغی حالده مجله ملفوفه نك بالاسی  
 خط همایون حضرت خلافتیناهی ایله توشیح  
 بیورلق بابتده

فی ۱۸ ذی الحجه ۲۸۵ و فی ۱۰ مارت ۲۸۵

مفتش اوقاف همایون

سید خلیل

عن اعضاء دیوان

احکام عدلیه سید

احمد خلوصی

عن اعضاء شورای

دولت محمد

امین

ناظر دیوان احکام عدلیه

احمد جودت

عن اعضاء

شواری دولت

سیف الدین

عن اعضاء دیوان

احکام عدلیه سید

احمد حلمی

عن اعضاء جمعیت

ابن عابدین زاده

علاء الدین





❁ مجله احكام عدليه ❁

( بر مقدمه ايله اون التي كتابي شاملدر )

- كتاب اول بيوع حقهده در
- » ثاني اجارات »
  - » ثالث كفالت »
  - » رابع حواله »
  - » خامس رهن »
  - » سادس امانات »
  - » سابع هبه »
  - » ثامن غصب »
  - » تاسع حجز و اكراه و شفعه »
  - » عاشر انواع شركت »
  - » حادي عشر وكالت »
  - » ثاني عشر صلح و ابرا »
  - » ثالث عشر اقرار »
  - » رابع عشر دعوى »
  - » خامس عشر بينات و تحليف »
  - » سادس عشر قضا »

❀ كتاب البيوع ❀

( اخطار )

اشبوو مجله ده مندرج مسائل اساسيه ساذجه بي  
شرح وايضا ح ضمننده ايجاب و لزومنه كوره مثال  
اوله رق كتب فتاوا دن اخذ و درج اولان مسائلك  
تفر يقنه علامت اولق اوزره مسائل اساسيه اشبوو  
بيوك و امثله و علاوات سائر ده كوچك حروفله ترتيب  
و طبع ايتديرلدي .

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

✽ صورت خط همايون ✽

و جبنجه عمل اولنه

( ✽ مقدمه ✽ )

( ايکي مقاله بي حاو يدر )

( مقاله اولی )

( علم فتهک تعريف و تقسيمی بيانده در )

۱ ماده

علم فته مسائل شرعية عمليه بي بيلاکنر  
مسائل فتهيه يا امر آخرته تعلق ايدر که احکام عبادتدر  
و يا خود امر دنيايه تعلق ايدر که مناسکات و معاملات  
و عقوبات قسملرینه تقسيم اولنور . شويله که جناب حق  
بونظام عالمک وقت مقدره دک بقاسنی اراده ايدوب بو  
ايسه نوع انسانک بقاسنه و نوعک بقاسنی تناسل و توالد  
الچون ذکور و اناتک ازدواجنه منوطدر . و برده

نوعك بقاسی اشخاصك عدم انقطاعیله در . انسان  
 ایسه اعتدال مزاجی حسیه بقاده غذا و لباس و مسکنجه  
 امور صنعیه به محتاج اولور بو دخی افرادی بیننده  
 تعاون و اشتراك حصولنه توقف ایدر . الحاصل  
 انسان مدتی الطبع اولدیغندن سائر حیوانات کبی  
 منفردا یشایه میوب بسط بساط مدنیت ایله یکدیگره  
 معاونت و مشارکته محتاجدر . حالبوکه هر شخص  
 کندویه ملایم اولان شیئی طلب و مزاجم اولان شیئه  
 غضب ایدر اولدیغندن بینلرنده عدل و نظامك خللدن  
 محفوظ قلمسی ایچون كرك ازدواج و كرك مابه التمدن  
 اولان تعاون و اشتراك خصوصلرنده بر طاقم قوانین  
 مؤیده شرعییه به محتاج اولور که اولکیسی قتهك  
 مناسکات قسمی و ایکنجیسی معاملات قسمیدر و امر  
 تمدنک بو منوال اوزره پادار اولسی ایچون احکام جزا  
 ترتیبی لازم کلوب بو دخی قتهك عقوبات قسمیدر .  
 اشبو معاملات قسمنك کثیر الوقوع اولان مسائلی  
 کتب معتبره دن جمع ایله کتابلره و کتابلر بابلره و بابلر  
 فصللاره تقسیم اولنمق اوزره بو مجله نك تالیفنه ایتدار  
 اولنمشدر . ایشته محاکمه معمول به اوله جق مسائل  
 فرعییه بر وجه آتی ابواب و فصولده ذکر اولنه جق

مسائلدر . انجق محققین فقها مسائل فقهیه بی بر طاقم  
 قواعد کایه به ارجاع ایشدر در که هر بری نیجه مسائلی  
 محیط و مشتمل اوله رق کتب فقهیه ده مسلماتدن اولوق  
 اوزره بو مسائلک اثباتی ایچون دلیل اتخاذا اولنور .  
 و اول امرده بو قواعدک تفهیمی مسائله استیناس حاصل  
 ایدر و مسائلک ذهنلرده تقریرینه وسیله اولور .  
 بناء علی ذلک طقسااں طقوز قاعده فقهیه جمع ایله  
 مقصوده شروعدن مقدم بر وجه آتی مقاله ثانیه اولوق  
 اوزره ایراد اولنور . و اگرچه بونلردن بعضیسی  
 منفردا اخذ اولند قدہ بعض مستثنیاتی بولنور ایسه ده  
 یکدیگرینی تخصیص و تقیید ایتد کارندن من حیث المجموع  
 کایت و عمومیتلرینه خلل کلز .

✽ مقاله ثانیه ✽

( قواعد فقهیه بیاننده در )

۲ ماده

بر ایشدن مقصد نه ایسه حکم اکا کوره در  
 یعنی بر ایش اوزرینه ترتب ایده جک حکم اول ایشدن  
 مقصد نه ایسه اکا کوره اولور

۳ ماده

عقودده اعتبار مقاصد و معانی یه در الفاظ و مبانی یه

د کادر

بناء علی ذلك ( بیع بالوفا ) ده رهن حکمی جریان ایدر

۴ ماده

شك ایله یقین زائل اولماز

۵ ماده

بر شیئک بولندیغی حال اوزره قلمسی اصلدر

۶ ماده

قدیم قدیمی اوزره ترک اولنور

۷ ماده

ضرر قدیم اولماز

۸ ماده

برائت ذمت اصلدر

بناء علی ذلك بر کیسه بر ینک مالنی تلف ایدو بده مقدارنده

اختلاف ایتسه لر سوز متلفک اولوب مال صاحبی ادما

ایتدیکی زیاده نی اثباته محتاج اولور

۹ ماده

صفات عارضه ده اصل اولان عدمدر

مثلا ( شرکت مضار به ) ده کار اولوب اولدیغنده

اختلاف اولسه عدمی اصل اولدیغنه بناء سوز مضاربك  
اولوب صاحب سرمایه کار اولدیغنی اثباته محتاج  
اولور  
۱۰ ماده

بر زمانده ثابت اولان شئیك خلافتیه دلیل اولدیغیه  
بقاسیله حکم اولنور  
بناء علی ذلک بر زمانده برشی بر کیسه نك ملکی اولدیغنی  
ثابت اولسه ملکیتی ازاله ایدن بر حال اولدیغیه ملکیتك  
بقاسیله حکم اولنور  
۱۱ ماده

بر امر حادثك اقرب اوقاتنه اضافتی اصلدر  
یعنی حادث اولان بر ایشك سبب وزمان وقوعنده  
اختلاف اولسه زمان بعیده نسبتی اثبات اولدیغیه حاله  
اقرب اولان زمانه نسبت اولنور  
۱۲ ماده

کلامده اصل اولان معنای حقیقیدر  
۱۳ ماده

تصریح مقابله سنده دلالتیه اعتبار یوقدر  
۱۴ ماده

مورد نصدیه اجتهاده مساع یوقدر



۱۵ ماده

على خلاف القياس ثابت اولان شی سائرہ مقیس علیہ

اولماز

۱۶ ماده

اجتهاد ینہ اجتهاد نقض اولنماز

۱۷ ماده

مشقت تیسیری جلب ایدر

یعنی صعوبت سبب تسهیل اولور و طارلق وقتندہ

وسعت کوسترملک لازم کاور

قرض وحوالہ و محزکبی پک چوق احکام فقہیہ بو اصلہ

متفرعدر و فقہانک احکام شرعیہ کوستردکاری

رخص و تخفیفات هب بو قاعده دن استخراج اولنمشدر

۱۸ ماده

بر ایش ضیق اولدقده متسع اولور

یعنی بر ایشده مشقت کور یلنجہ رخصت و وسعت

کوستریلور

۱۹ ماده

ضرر و مقابله بالضرر بو قدر

۲۰ ماده

ضرر ازالہ اولنور

۲۱ ماده

ضرورتلر ممنوع اولان شیرلی مباح قیلر

۲۲ ماده

ضرورتلر کندو مقدار لر نجه تقدیر اولنور

۲۳ ماده

بر عذر ایچون جائز اولان شی اول عذرک زوالیله باطل اولور

۲۴ ماده

مانع زائل اولدقده ممنوع عودت ایدر

۲۵ ماده

بر ضرر کندو مثلیله ازاله اولنده ماز

۲۶ ماده

ضرر عامی دفع ایچون ضرر خاص اختیار اولنور

طیبیب جاهلی منع ایتمک بو اصلدن تفرع ایدر

۲۷ ماده

ضرر اشد ضرر اخف ایله ازاله اولنور

۲۸ ماده

ایکی فساد تعارض ایتد کده اخنی ارتکاب ایله اعظمک

چاره سنه باقیلور

۲۹ ماده

اهون شرین اختیار اولنور

۳۰ ماده

دفع مفسد جلب منافعدن اولادر

۳۱ ماده

ضرر بقدر الامکان دفع اولنور

۳۲ ماده

حاجت عمومی اولسون خصوصی اولسون ضرورت  
منزله سنه تنزیل اولنور

بيع بالوفانك تجویزی بوقبیلدندر که بخارا اهالیسنده بورج  
تکثر ایتد کده کور یلان احتیاج اوزرینه بو معامله  
مرعی الاجرا اولشد

۳۳ ماده

اضطرار غیرک حقی ابطال ایتمز  
بناء علی ذلک بر آدم آج قالوبده برینک اکیکنی ییسه بعده قیمتی  
و یرمی لازم کاور

۳۴ ماده

المسی ممنوع اولان شیئک و یرمی دخی ممنوع اولور

۳۵ ماده

ایشلمسی ممنوع اولان شیئک استئمی دخی ممنوع اولور

۳۶ ماده

عادت محکمدر

یعنی حکم شرعی بی اثبات ایچون عرف و عادت حکم

قیلنور کرک عام اولسون و کرک خاص اولسون

۳۷ ماده

ناسک استعمالی برجتدر که انکله عمل واجب اولور

۳۸ ماده

عاده ممتنع اولان شی حقیقه ممتنع کبیدر

۳۹ ماده

از مالک تغیر یله احکامک تغیری انکار اولنه ماز

۴۰ ماده

عادتک داللتیله معنای حقیقی ترک اولنور

۴۱ ماده

عات انجق مطرد یا خود غالب اولدقده معتبر اولور

۴۲ ماده

اعتبار غالب شایعه اولوب نادره دکلددر

۴۳ ماده

عرفا معروف اولان شی شرط قلمش کبیدر

۴۴ ماده

بین التجمار معروف اولان شی بیلنرنده مشروط کبیدر

۴۵ ماده

عرف ایله تعیین نص ایله تعیین کبیدر

۴۶ ماده

مانع و مقتضی تعارض ابتدا کده مانع تقدیم اول نور  
بناء علی ذلک بر آدم بور جلیسی بدنده مرهون اولان  
مالی اخره صاته ماز

۴۷ ماده

وجودده بر شیئه تابع اولان حکمه دخی اکا تابع اولور  
بناء علی ذلک بر کبه حیوان صاتلقدده قارنده کی  
یاوریسی دخی تبعاً صاتلمش اولور

۴۸ ماده

تابع اولان شیئه آروجه حکم ویریله من  
مثلاً بر حیوانک قارنده کی یاوریسی آروجه صاتیله من

۴۹ ماده

بر شیئه مالک اولان کیمسه اول شیئک ضرور یاتندن  
اولان شیئه دخی مالک اولور  
مثلاً بر خانه بی صاتون الان کیمسه اکا موصل اولان  
طریقه دخی مالک اولور

۵۰ ماده

اصل ساقط اولدقدده فرع دخی ساقط اولور

۵۱ ماده

ساقط اولان شی عودت ایتمز

یعنی کیدن کیرو کلز

۵۴ ماده

برشی باطل اولدوقده آک ضمننده کی شی دخی باطل

اولور

۵۳ ماده

اصلک ایفاسی قابل اولدیغی حالده بدلی ایفا اولنور

۵۴ ماده

بالذات تجویز اولنمیان شی بالتسع تجویز اولنه بیلور

مثلا مشتری بیعی قبض ایچون بایعی توکیل ایتمسه جائز

اولماز اما اشترا ایلدیکی ذخیره یی اولچوب قویمق ایچون

بايعه چوالی ویروب او دخی ذخیره یی چواله وضع

ایدیکک ضمنا وتبعاً قبض بولنور

۵۵ ماده

ابتداء تجویز اولنمیان شی بقاء تجویز اولنه بیلور

مثلا حصه شایعه یی هبه ایتمک صحیح دکادر اما بر مال

موهوبک بر حصه شایعه سنه بر مستحق چیقوبده ضبط ایتمسه

هبه باطل اولیوب حصه باقیه موهوب لهک مالی

اولور

۵۶ ماده

بقا ابتداءن اسهلدر

۵۷ ماده

تبرع انجق قبض ايله تمام اولور  
مثلا بر آدم برينه برشيء هبه ايتسه قبل القبض هبه تمام اولماز

۵۸ ماده

رعيه يعنى تبعه اوزرينه تصرف مصلحته منوطدر

۵۹ ماده

ولايت خاصه ولايت عامدن اقوادر  
مثلا متولى ووقفك ولايتى قاضينك ولايتندن اقوادر

۶۰ ماده

كلامك اعمالى اهمالندن اولادر  
يعنى بر كلامك بر معنايه حلى ممكن اولدقجه اهمال يعنى  
معناسز اعتبار اولنما مليدر

۶۱ ماده

معناى حقيقى متعذر اولدقده مجازه كيديلور

۶۲ ماده

بر كلامك اعمالى ممكن اولماز ايسه اهمال اولنور  
يعنى بر كلامك حقيقى و مجازى بر معنايه حلى ممكن اولماز  
ايسه اولخالده مهمل يعنى معناسز بر اغيلور

۶۳ ماده

متجزى اولميان بر شينك بعضنى ذكر ايتك كلنى ذكر كبيدر

۶۴ ماده

مطلق اطلاق اوزره جاری اولور . اکر نص یا خود  
دلالة تقیید دلیلی بولتماز ایسه

۶۵ ماده

حاضرده کی وصف و لغو غایبه کی وصف معتبر در  
مثلا بایع مجلس بیعده حاضر اولان بر قیر آتی صانه جق  
اولدیغی حالده شو یاغز آتی شو قدر یک غروشه صاندم  
دیسه ایجابی معتبر اولوب یاغز تعبیری لغو اولور اما  
میدانده اولمیان بر قیر آتی یاغز دیو صانسه وصف معتبر  
اولمغله بیع منعقد اولماز

۶۶ ماده

سؤال جوابده اعاده اولتمش عد اولنور  
یعنی تصدیق اولنسان برسؤالده نه دینلمش ایسه مجیبانی  
سولتمش حکمکنده در

۶۷ ماده

سا کنه برسوز اسمناد اولتماز . لکن معرض حاجتده  
سکوت بیاندر

یعنی سکوت ایدن کیمسه به شوموزی سولتمش اولدی  
دینلمز لکن سویلیه جک یرده سکوت ایتمی اقرار و بیان  
عد اولنور



۶۸ ماده

رشیتك امور باطنه ده دلیلی اول شیئك مقامنه قائم او اور  
یعنی حقیقتنه اطلاع متمسر اولان امور باطنه ده دلیل  
ظاهر یسی ایله حکم اولنور

۶۹ ماده

مکاتبه مخاطبه کبیدر

۷۰ ماده

دلسزك اشارت معهوده سی لسان ایله بیان کبیدر

۷۱ ماده

ترجانك قوی هر خصوصه قبول اولنور

۷۲ ماده

خطاسی ظاهر اولان ظنه اعتبار یوقدر

۷۳ ماده

سنده مستند اولان احتمال ایله حجت یوقدر

مثلا برکیمسه ورثه سندن برینه شوقدر غروش بورجی

اولدیغنی اقرار ایتدیکی تقدیرده اکر مرض موتده

ایسه دیکر ورثه تصدیق ایتدیجه بو اقراری حجت

دکدر زیرا دیکر ورثه دن مال قاچرمق احتمالی مرض

موتده مستنددر اما حال صحیحنده ایسه اقراری معتبر اولور

واول حالده اولان احتمال مجرد برنوع توهم اولدیغندن

اقرارک حجتینه مانع اولماز

۷۴ ماده

توهمه اعتبار یوقدر

۷۵ ماده

برهان ایله ثابت اولان شی عیانا ثابت کبیدر

۷۶ ماده

بینه مدعی ایچون و یمین منکر اوزرینه در

۷۷ ماده

بینه خلاف ظاهری اثبات ایچون و یمین اصلی بقا

ایچوندر

۷۸ ماده

بینه حجت متعدیه و اقرار حجت قاصره در

۷۹ ماده

کشی اقرار یله مؤاخذه اولنور

۸۰ ماده

تناقض ایله حجت قالماز لیکن متناقضک علیهنه اولان

حکمه خلل کلز

مثلا شاهددر شهادتلرندن رجوع ایله تناقض ایتد

کلرنده شهادتلی حجت اولماز لیکن اولکی شهادتلی

اوزرینه قاضی حکم ایتمش ایسه بو حکم دخی بوزیله

میوب محکوم بهی شاهدلرک تضمین ایتسی لازم کلور

۸۱ ماده

اصل ثابت اولدیغی حالده فرعک ثابت اولدیغی واردر  
مثلا بر کیمسه فلانک فلانه شو قدر غروش دینی واردر  
بن دخی اکا ککفیلیم دیسه و اصلیک انکاری اوزرینه  
دائن ادا ایتسه مبلغ مزبوری کفیلک و یرمسی لازم کلور

۸۲ ماده

شرطک ثبوتی عندنده اکا معلق اولان شیئک ثبوتی لازم  
اولور

۸۳ ماده

بقدر الامکان شرطه مراعات اولنمق لازم کلور

۸۴ ماده

و عدل صورت تعلیقی اکتسا ایله لازم اولور  
مثلا سن بو مالی فلان آدمه صات اکر اچقدسنی و یرمز  
ایسه بن و یررم دیسه و مالی الان آچجه بی و یرمسه  
بو وعدی ایدن کیمسه نک آچجه بی و یرمسی لازم کلور

۸۵ ماده

برشیئک نفعی ضمانی مقابله سنده در  
یعنی برشی تلف اولدیغی تقدیرده خساری کیمه عائد  
ایسه انک ضماننده دیمک اولوب اول کیمسه نک بو وجهله  
ضمانی اول شی ایله انتفاعه مقابل اولور

مثلا خيار عيب ايله رد اولنان بر حیوانی مشتری قوللائمش اولسندن طولایی بايع اجرت اله ماز زيرا قبل الرد تلف اولیدی خساری مشتری به عائد اوله جق ایدی

۸۶ ماده

اجرت ايله ضمان مجتمع اولماز

۷۸ ماده

مضرت منفعت مقابله سنده در

يعنى بر شيئك منفعته نائل اولان انك مضرتنه متحمل اولور  
۸۸ ماده

كلفت نعمته ونعمت كلفته كوره در

۸۹ ماده

بر فعلك حكمی فاعلنه مضاف قلنور • ومجبر اولدقچه  
مرینه مضاف قتمماز

۹۰ ماده

مباشر يعنى بالذات فاعل ايله متسبب مجتمع اولدقده  
حكيم اول فاعله مضاف قلنور

مثلا بر ينك طريق عامده قازمش اولديغی قویی به ديگری  
بر ينك حیواننی القایله اتلاف ایتسه اوضامن اولوب  
قویی بی حفر ایدن کیسه به ضمان لازم کلز

۹۱ ماده

جواز شرعی ضمانه منافی اولور  
مثلا بر آدمک کندو ملکنده قازمش اولدیغی قوییه  
بر ینک حیوانی دوشوب تلف اولسه ضمان لازم کلز

۹۲ ماده

مباشر متعمد اولسه ده ضامن اولور

۹۳ ماده

متسبب متعمد اولدجه ضامن اولماز

۹۴ ماده

حیواناتک کندو لکندن اوله رق جنایت و مضرتی

هدردر

۹۵ ماده

غیرک ملکنده تصرفله امر ایتمک باطلدر

۹۶ ماده

بر کیمسه نک ملکنده انک اذنی اولمق سزین آخر بر کیمسه نک

تصرف ایتمی جائز دکلدر

۹۷ ماده

بلا سبب مشروع بر ینک مالنی بر کیمسه نک اخذ اللمی

جائز اولماز

۹۸ ماده

برشیده سبب تملک تبدلی اول شیئک تبدلی مقامنه

قائمدر

۹۹ ماده

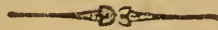
کیمکه برشیی وقتندن اول استیجال ایله ایسه محرومیتله

معاتب اولور

۱۰۰ ماده

هرکیمکه کندو طرفندن تمام اولان شیئ نقض ایتمکه سعی

ایله ایسه سعی مردود در



❖ کتاب اول ❖

( بیوع حقه‌ده اولوب بر مقدمه ایله یدی )

( بابہ منقسمدر )

❖ مقدمه ❖

( بیوعه متعلق اصطلاحات فقہیه بیاننده در )

۱۰۱ ماده

ایجاب . انشای تصرف ایچون ابتدا سو یلنیلان  
سوزدر که تصرف انکله اثبات اولنور

۱۰۲ ماده

قبول . انشای تصرف ایچون ثابیا سو یلنیلان سوزدر که  
انکله عقد تمام اولنور

۱۰۳ ماده

عقد . طرفینک بر خصوصی التزام و تعهد ایتمل یدر که  
ایجاب و قبولک ارتباطندن عبارتدر

۱۰۴ ماده

انعقاد . ایجاب و قبولک متعلقنده اثری ظاهر اوله جق  
وجهله یکدیگره بر وجه مشروع تعلقیدر

۱۰۵ ماده

بیع . مالی ماله دکشمکدر که منعقد یا خود غیر منعقد اولور

۱۰۶ ماده

بیع منعقد • انعقاد بولان بیع دیمک اولهرق صحیح  
وفاسد و نافذ و موقوفه تقسیم اولور

۱۰۷ ماده

بیع غیر منعقد • بیع باطلدر

۱۰۸ ماده

بیع صحیح • یعنی بیع جائز ذاتاً و وصفاً مشروع اولان بیعدر

۱۰۹ ماده

بیع فاسد • اصلاً صحیح اولوبده و صفاً صحیح اولمیان

یعنی ذاتاً منعقد اولوبده بعض اوصاف خارجییه سی

اعتبار یله مشروع اولمیان بیعدر (باب سابعه باق)

۱۱۰ ماده

بیع باطل • اصلاً صحیح اولمیان بیعدر

۱۱۱ ماده

بیع موقوف • غیرک حتی تعلق ایدن بیعدر بیع فضولی کبی

۱۱۲ ماده

فضولی • بغیر اذن شرعی دیگر بر کیمسه نک حقنده

تصرف ایدن کیمسه در

۱۱۳ ماده

بیع نافذ • غیرک حتی تعلق ایتمیان بیعدر که لازم و غیر

لازم قسملرینه منقسم اولور



١١٤ ماده

بيع لازم . خيار اتدن عاری اولان بيع نافذدر

١١٥ ماده

بيع غير لازم . کندوسنده خيار اتدن بریسی بولنان  
بيع نافذدر

١١٦ ماده

خيار . مخیرلك دیمکدر تکیم باب مخصوصنده بیان  
اولنه جقدر

١١٧ ماده

بيع بات . بيع قطعی دیمکدر

١١٨ ماده

بيع الوفا . برکیسه برمالی آخره ثمنی رد ایتدکده کیرو  
و یرمک اوزره شو قدر غروشه صاتمقدر که مشتری مبيع  
ایله انتفاع ایلسنه نظرا ببع جائز حکمنده و طرفین بونی  
فسخه مقدر اولدقلری جهته ببع فاسد حکمنده و مشتری  
مبیی اخره صاته مدیغی جهته رهن حکمنده در

١١٩ ماده

بيع بالاستقلال . بابع برمالی استیجار ایتک اوزره وفاء  
بيع ایتکدر

۱۲۰ ماده

بیع . مبیع اعتبار یله دخی درت قسیمه تقسیم اولنور  
 قسم اول . ثمن مقابله سنده دیکر مالی صاتمقدر که بیوعک  
 اک مشهوری بو اولدیغندن بو کا ( بیع ) تسمیه اولنور  
 قسم ثانی . صرف و قسم ثالث بیع مقایضه و قسم رابع سلمدر  
 ۱۲۱ ماده

صرف . نقدی نقده بیع ایتمکدر که ترکیه آجه بوزمق  
 تعبیر اولنور

۱۲۲ ماده

بیع مقایضه . عینی عینه یعنی غیر از نقدین مالی ماله مبادله  
 ایتمکدر که لسان ترکیده طرانیه دنیلور

۱۲۳ ماده

سلم . مؤجلی مجمله صاتمق یعنی پشین پاره ایله ویره سی یه  
 مال المقدر

۱۲۴ ماده

استصناع . برشی یا بمق آوزره اهل صنعت ایله عقد مقاوله  
 ایتمکدر که یاپانه ( صانع ) و یایدیرانه ( مستصنع )  
 و یاپیلان شیئه ( مصنوع ) دینلور

۱۲۵ ماده

ملك . انسانك مالك اولدیغی شیدر كرك اعیان اولسون  
 و كرك منافع اولسون

۱۲۷ ماده

مال • طبع انسانی مائل اولو بده وقت حاجت ایچون  
دخار اولنه بیلان شیر که منقوله و غیر منقوله شامل  
ولور

۱۲۸ ماده

مال متقوم • ایکی معنایه استعمال اولنور • بری  
تنفاهی مباح اولان شیر • دیکری مال محرز دیمکدر  
شلا دکرده ایکن بالقی غیر متقوم اولوب اصطیاد ایله  
حراز اولندقده مال متقوم اولور

۱۲۸ ماده

منقول • بر محلدن محل آخره نقلی ممکن اولان شیر  
که نقود و عروضه و حیوانات و مکملات و موزوناته  
شامل اولور

۱۲۹ ماده

غیر منقول • عقار دبلان خانه و اراضی مثلانو محل  
آخره نقلی ممکن اولمیان شیر

۱۳۰ ماده

نقود • نقدک جمعی اولوب التون و کوشدن عبارتدر

۱۳۱ ماده

عروض • عرضک جمعی اولوب نقود و حیواناتدن

و مکيلات و موزوناتدن بشقه اولان متاع و قاش امثالی شيلردر

ماده ۱۳۲

مقدرات • کيل يا وزن يا صايي يا ذراع ايله مقدراری  
تعيين اولنان شيلر اولوب مکيلات و موزونات و عددیات  
و مذروعاته شامل اولور

ماده ۱۳۳

کيلي و مکيل • کيل ايله اولچيلان شی

ماده ۱۳۴

وزنی و موزون • طارتیلان شی

ماده ۱۳۵

عددی و معدود • صاییلان شی

ماده ۱۳۶

ذری و مذروع • ارشون ايله اولچیلان شی

ماده ۱۳۷

محدود • حدود و سنورلری قابل تعیین اولان عتار

ماده ۱۳۸

شاع • حصص شایعه بی حاوی اولان شی

ماده ۱۳۹

حصه شایعه • مال مشترکک هر جزئه ساری و شامل

اولان سهمدر

۱۴۰ ماده

جنس • شامل اولدیغی افرادی باینده غرضجه تفاوت  
فاحش اولیان شیردر

۱۴۱ ماده

جزاف و مجازفه • کوتوری بازار دیمکدر

۱۴۲ ماده

حق مرور • آخرک ملکنندن پچمک حقیدر

۱۴۳ ماده

حق شرب • بر نهردن نصیب معین معلومدر

۱۴۴ ماده

حق مسیل • بر خانهک خارجه صوی و وسیلی آقق

و طامله لق حقیدر

۱۴۵ ماده

مثلی • چارشو و بازارده معتدبه یعنی بهانک اختلافنی

موجب بر تفا و تسز مثلی بولنان شیردر

۱۴۶ ماده

قیممی • چارشو و بازارده مثلی بولنمیان یاخود بولنور

سه ده فیئآتجه متفاوت اولان شیردر

۱۴۷ ماده

عددیات متقاربه • آحاد و افرادی باینده قیمتجه تفاوت

اولیان معدوداتدر که هب مثلیاتندر

۱۴۸ ماده

عدديات متفاوتة ، آحاد و افرادى بيننده قيمتجه تفاوت  
بولنان معدوداتدر كه هب قيمياتدن معدود اولور

۱۴۹ ماده

رکن البيع • يعنى مبيعك ماهيتى مالى ماله دکشمکدن  
عبارت اولوب آنجق بوکا دلالت ایتک حسیله ایجاب  
و قبوله دخی ( رکن بیع ) اطلاق اولنور

۱۵۰ ماده

محل البيع • مبیعدن عبارتدر

۱۵۱ ماده

بیع • صاتیلان شی که ببعده تعین ایدن عیندر و بیعدن  
مقصود اصلی او در

زیرا انتفاع انجق اعیان ایله اولوب ثمن مبادله امواله  
وسيله در

۱۵۲ ماده

ثمن • صاتیلان شیئک بهاسیدر که ذمته تعلق ایدن شیدر

۱۵۳ ماده

ثمن مسمى • طرفینک بالتراضی تسمید و تعیین ایتسدکری  
ثمندر کرک قیمت حقیقیه به مطابق اولسون و کرک ناقص  
یا زائد اولسون

۱۵۴ ماده

قیمت • بر مالک بهای حقیقیسمیدر

۱۵۵ ماده

مثن • ثمن مقابلنده صاتلمش شی

۱۵۶ ماده

تأجیل • دینی بر وقت معینه تعلیق و تأخیر ایتمکدر

۱۵۷ ماده

تقسیط • دینی متعدد و معین و قتلرده تأدیبه ایتمک اوزره

تأجیل در

۱۵۸ ماده

دین • ذمتده ثابت اولان شیدر

مثلا بر کیمسه نك ذمتنده شو قدر غروش بورجی و میدانده

وجود اولیان شو قدر غروش و میدانده موجود اولان

اچسه نك یاخود بر بیغین بغدایك قبل الافراز بر مقدار

معینی هب دین قبیلندندر

۱۵۹ ماده

عین • معین و مشخص اولان شیدر

مثلا بر خانه و بر آت و بر صندالیه و میدانده موجود بر

بیغین بغدای و بر مقدار اچسه هب اعیانندندر

۱۶۰ ماده

بایع • مال صاتااز

۱۶۱ ماده

مشتري • صاتون الان

۱۶۲ ماده

متبايعان • بايع ايله مشـتريدر كه ( عاقدین ) دخي

دينور

۱۶۳ ماده

اقاله • عقد بيعي رفع و ازاله ايتمكدر

۱۶۴ ماده

تغرير • الداتق

۱۶۵ ماده

غبن فاحش • عروضده نصف عشر و حيوانانده عشر

و عقارده خمس مقداري و ياندها زياده الداتمقدر

۱۶۶ ماده

قديم • اولدر كه اولني بيلور كسنه اوليه



## ( شرح )

عروض کلمه سی عقار و حیوانات و مکيلات و موزوناته  
 مقابل اوله رق استعمال اولنور ايسه ده بعضاً دخي  
 يالكز حيوان و عقاره مقابل اوله رق استعمال اولنور  
 مجله نك يوز التمش بشنجي ماده سنده مكيلات و موزونات  
 مذکور اولديغندن عروض بوراده مكيلات و موزوناته  
 شامل اولور مجله جمعيتنده بو وجهله مطالعه اولنمشدر

( جودت )

( باب اول )

( عقد بعه متعلق مسائل بیاننده اولوب بش فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( رکن بیع حقه در )

۱۶۷ ماده

ایجاب و قبول ایله بیع منعقد اولور

۱۶۸ ماده

بعده ایجاب و قبول عرف و عادت بلده ده انشای بیع  
ایچون مستعمل اولان لفظ لر در که بونرله بازارلق  
کسیلوب لسانمزده خیرلشمق تعبیر اولنور

۱۶۹ ماده

ایجاب و قبول ایچون اکثر یا ماضی صیغه سی استعمال  
اولنور

مثلا بابع شو متاعی سکا یوز غروشه صاتم و مشتری  
دخی الدم و یاخود مشتری الدم وبعده بابع صاتم دیسه  
بیع منعقد اولوب اولکی صورتده ( صاتم ) لفظی  
ایجاب و ( الدم ) لفظی قبول وایکنجی صورتده الدم

لفظی ایجاب و صاندم لفظی قبولدر و کذا بایع صاندم  
 یرنده و یردم و یاخود تملیک ایتدم دیوب مشتری دخی  
 الدم یرنده راضی اولدم و یاخود قبول ایلدم دیسه بیع  
 منعقد اولور

۱۷۰ ماده

آلورم و صاتارم کبی مضارع صیغه سیله حال مراد  
 اولنورسه بیع منعقد اولور و اگر استقبال مراد اولنور  
 سه منعقد اولماز

۱۷۱ ماده

آله جفم صاتا جفم کبی وعد مجرد معناسنده اولان مستقبل  
 صیغه سیله بیع منعقد اولماز

۱۷۲ ماده

صات و صاتون آل کبی امر صیغه سیله دخی بیع منعقد  
 اولماز . فقط بطریق الاقتضا حاله دلالت ایدن امر ایله  
 دخی بیع منعقد اولور

مثلا مشتری شو و مالی بکا شو قدر غروشه صات دیوب  
 بایع دخی صاندم دیسه بیع منعقد اولماز . اما بایع بو  
 مالی شو قدر غروشه آل دیوب مشتری دخی آلدیم دیسه  
 یاخود مشتری آلدیم دیوب بایع دخی آل و یاخود وار  
 خیرینی کور دیسه بیع منعقد اولور

زیرا بو مقامده ال و یاخود وار خیرینی کور تعبیر لری  
ایشته صاتم آل دیمکدر

۱۷۳ ماده

ایجاب و قبول شفاها اولدیغی کبی مکاتبه ایله دخی اولور

۱۷۴ ماده

دلسزک اشارت معروفه سیله بیع منعقد اولور

۱۷۵ ماده

ایجاب و قبولدن مقصد اصلی که تراضی طرفیندر بوکا  
دلالت ایدن مبادله فعلیه ایله دخی بیع منعقد اولور .

• و بوکا بیع ( تعاطی ) دینلور .

مثلا بازار لقسز و لاقر دیسز مشتری اچیه یی و یروب

اتمکچی دخی اکا اتمکی و یرسه بیع منعقد اولور .

و کذا مشتری اچیه یی و یروب قارپوزی السه و بایع

سکوت ایتسه ینه بیع منعقد اولور .

و كذلك مشتری بغدادی المق ایچون بغدادیچی به بش

انتون و یروب وشو بغدادی قچه صاتیور سین دیوب

اودخی کیله سی بر التونه دیسی اوزر ینه مشتری سکوت

ایتد کدنص کره بغدادی ایستدکنده بایع یارین و یررم

دیه و بینلرنده ایجاب و قبول جریان ایتسه بیع ینه

منعقد اولور . حتی فرداسی بغدادیک کیله سی بر بیچق

التونه چيقسه بايع ينه برالتون في ايله و یرمکه مجبور  
اولور . و بالعکس بغدادیک بهاسی تنزل ایتسه مشتری  
بوندن طولایی اولکی فی ايله المقدن امتناع ایده مز .  
کذلک مشتری بولحمک شوراسندن بکا شو قدر غروشلق  
طارت دیمسی اوزرینه قصاب دخی کسوب طارتسه  
بیع منعقد اولوب مشتری المقدن امتناع ایده مز .

۱۷۶ ماده

بعدالعقد ثمنک تبدیلی و یاخورد تزیید و یا تنزیلی ايله تکرار  
پازارلق اولندقده عقد ثانی معتبردر .  
مثلا برمالک یوز غروشه پازارلغی کسملد کدن صکره  
بر یوزلک التونه یاخود یوز اون و یا طقسان غروشه  
تکرار پازارلق اولندقده عقد ثانی معتبردر .

( فصل ثانی )

( قبولک ایجابیه موافق اولسنک لزومی بیاننده در )

۱۷۷ ماده

عاقدیندن بری هر نه ايله نه بی ایجاب ایدر سه دیکری دخی  
بعینهما انکله انی قبول ایتک لازمدر . یوقسه ثمنی  
یاخود ثمنی تبعیض و تفریق ایتکه صلاحیتی یوقدر .

مثلا بايع مشتری به شو قاشی سکا یوز غروشه صاتم  
دیدکه مشتری اولوجهله قبول ایدرسه تمام او قاشی  
یوز غروشه آلور . یوقسه اول قاشی یاخود نصفی  
اللی غروشه قبولانه من .

وکذا شو ایکی حیوانی اوچ بیک غروشه صاتم دیدکه  
مشتری قبول ایدرسه ایکیسینی اوچ بیک غروشه الور  
اما ایکیسندن بزینی بیک بشیوز غروشه الهماز .  
۱۷۸ ماده

قبولك ايجابه ضمنا موافقتی کافیدر

مثلا بايع شومالی سکا یوز غروشه صاتم دیوب، مشتری  
دخی بیک بشیوز غروشه آلدن دیسه بیع بیک غروش  
اوزرینه منعقد اولور . انجق اول مجلسده بايع اول  
زیاده بی قبول ایدرسه مشتری طرفندن زیاده قلمش  
اولان بشیوز غروشک دخی اعطاسی لازم کلور .  
وکذا مشتری شومالی بیک غروشه آلدن دیوب بايع دخی  
سکز یوز غروشه ویردم دیسه بیع منعقد اولوب ایکی  
یوزک حط و تنزیلی لازم کلور .

۱۷۹ ماده

متبايعانندن بری متعدد شیرک بهارینی تفصیل ایتسه بیله  
صفتی واحده ایله یعنی طو پدن اوله رق بیعی ایجاب

ایتدکده دیکری دخی اولوجهله قبول ایدرک مجموع  
 ثمن ایله مجموع مبیعی اله بیلور .

یوقسه صفتقه بی تفریق ایدرک ایچندن دیلدیکنی ذکر  
 اولنان بهاسیله قبول ایدوب المقده مخیر دکدر .

مثلا بایع شو ایکی حیوانی اوچ بیک غروشه صاتم  
 شو بیک غروشه و بوایکی بیک غروشه و یاخود هر بری  
 بیک بشر یوز غروشه در دیسه مشتری ایکسینی اوچ  
 بیک غروشه اله بیلور . یوقسه ایکسندن دیلدیکنی  
 ذکر اولنان بهاسیله اله مز .

و کذا بایع شو اوچ طوپ قاشی یوز غروشه صاتم  
 دیوب مشتری دخی برطوپنی یوز غروشه یاخود ایکی  
 طوپنی ایکی یوز غروشه قبول ایتدم دیسه بیع منعقد اولماز  
 ۱۸۰ ماده

متبايعانندن بری متعدد شیلرک بهالرینی تفصیل و بشقه  
 بشقه بیعی ایجاب ایتدیکی صورتده دیکری دیلدیکنی  
 ثمن مسماسیله قبول ایتسه بیع منعقد اولور .

مثلا بایع متعدد مبیعک بهالرینی تفصیل و تعیین ایله برابر  
 صاتم لفظنی دخی تکرار ایدرک شونی بیک غروشه  
 صاتم و بونی ایکی بیک غروشه صاتم دیرسه اول  
 حالده مشتری ایکسندن برینی معین اولان بهاسیله  
 قبول ایدوب اله بیلور .

## ( فصل ثالث )

## ( مجلس بیع حقیقه در )

۱۸۱ ماده

مجلس بیع بازارلق ایچون اولان اجتماعدر

۱۸۲ ماده

مجلس بیعه بعدالایجاب نهایت مجلسه قدر طرفین مخیردر  
 مثلا متبایعاندن بری مجلس بیعه بومالی شو قدر  
 غروشه صاتم یا خود آ لدم دیو بیعی ایجاب ایلسه  
 دیگری در عقب آ لدم یا خود صاتم دیمو بده بر مدت  
 اراسی کچدکن صکره ینه اول مجلسده قبول ایلسه  
 بیع منعقد اولوب هر نقدر مجلس اوزون اوزادی یه  
 سورمش و ایجاب و قبولک اره سی خیلی اوزامش  
 اولسه ده ضرر ویرمز

۱۸۳ ماده

بعدالایجاب قبل القبول احد طرفیندن اعراضه دلالت  
 ایدر بر قول یا خود فعل بولنور ایسه ایجاب باطل  
 اولوب قبوله محل قالماز  
 مثلا متبایعاندن بری صاتم یا خود آ لدم دیدکدنصکره  
 ایکیسندن بریسی بشقه بر ایشله یا خود بر دیگر بحث



ومذا کره ایله مشغول اولسه ایجاب باطل اولوب  
اندن صکره قبول ایله بیع منعقد اولماز

۱۸۴ ماده

متبایعاندن بری بیعی ایجاب ایدوب انجیق دیکرینک  
قبولندن اول رجوع ایتسه ایجاب باطل اولوب اندن  
صکره قبول ایله بیع منعقد اولماز .

مثلا بایع بومتاعی شو قدر غروشه صاتم دیوبده  
مشرتی قبول ایتدم دیمدین رجوع ایتسه مشترینک  
صکره دن قبول ایتدم دیمسیله بیع منعقد اولماز

۱۸۵ ماده

قبل القبول ایجابک تکراری ایجاب اولی ابطال ایدوب  
ایجاب ثانییه اعتبار اولنور

مثلا بایع بومالی یوز غروشه صاتم دیدکدن صکره  
هنوز مشرتی قبول ایتدم دیمدین دونوب یوز یکرمی  
غروشه صاتم دیسه و مشرتی قبول ایتسه ایجاب  
اوله اعتبار اولمیوب بیع یوز یکرمی غروش اوزینه  
منعقد اولور

## ( فصل رابع )

## ( شرطله بیع حقه در )

۱۸۶ ماده

عقد بیعك مقتضاسندن اولان شرطله بیع صحیح و شرط  
معتبر اولور

مثلا بایع قبض ثمن ایدنجیه دك بیعی حبس ایتك  
شرطیله صانده بو شرط بیعه ضرر و یرمیوب بلکه  
مقتضای عقدی بیاندر

۱۸۷ ماده

مقتضای عقدی تأیید ایدن شرطله بیع صحیح و شرط  
معتبردر

مثلا فلان شیئی ترهین ایتك یا خود شو آدمی کفیل  
و یرمك شرطیله برشی صاتمق صحیح و شرط معتبردر .  
حتی مشتری بو شرطله رعایت ایتز ایسه بایع بیعی  
فسخ ایده پلور . زیرا بو شرطله مقتضای عقد  
اولان تسلیم ثمنی تأیید ایلر

۱۸۸ ماده

متعارف یعنی عرف و عادت بلده جاری اولان شرطله

بیع دخی صحیح و شرط معتبر در

مثلا کورکی قابل مق و کلیدی یرینه میخلاق و یرتق  
البسه بی یامه مق شرطیله صتامق صحیح اولوب بو  
بو شرطه دخی بایعک رعایت ایتمسی لازم کلور

۱۸۹ ماده

احد عاقدینه نفعی اولمیان شرطیله بیع صحیح اولوب  
انجق شرط فاسددر

مثلا آخره صتامق یاخود مرعایه صالحیو یرمک  
شرطیله بر حیوانی صتامق صحیح اولوب فقط شرط  
لغودر

( فصل خامس )

( اقاله بیع حقهنده در )

۱۹۰ ماده

عاقدین بعد العقد رضایله بیعی اقاله ایده بیلور لر

۱۹۱ ماده

بیع کبی ( اقاله ) دخی ایجاب و قبول ایله اولور  
مثلا عاقدیندن بری بیعی اقاله یاخود فسخ ایتم  
و دیگرزی قبول ایتم دیسه و یاخود بری بیعی اقاله  
ایت و دیگرزی ایتم دیسه اقاله صحیح یعنی بیع منفسخ اولور

۱۹۲ ماده

ایجاب و قبول مقامنه قائم اولان تعاطی صورتیله دخی  
اقاله صحیح اولور

۱۹۳ ماده

بیع کبی اقاله ده دخی اتحاد مجلس لازمدر  
یعنی مجلس ایجاب بده قبول بولمق لازم کلوب یوقسه عاقدیندن  
بری بیعی اقاله ایتدم دیو پده دیکری اول مجلسده قبول  
ایتمدین مجلس بوزلسه یا خود احد طرفیندن اعراضه  
دلالت ایدر بر شی صادر اولسه بعده دیکرینک قبولی  
مفید اولماز

۱۹۴ ماده

حین اقاله ده بیع مشتری یدنده قائم و موجود اولمق شرطدر  
بناء علیه بیع تلف اولمش ایسه اقاله صحیح اولماز

۱۹۵ ماده

مبیعک بعضیسی تلف اولسه باقیسنده اقاله جائزدر  
مثلا بایع اکینیله برابر ملکی اولان ارضی صاتو بده  
مشتری اکینی بچد کد نصره اقاله ایلسه لر ارضده ثمندن  
حصه سیله اقاله صحیح اولور

۲۹۶ ماده

ثمنک تلف اولسی اقاله نک صحته مانع دکدر

## ( باب ثانی )

( مبیعه متعلق مسائل بیانده اولوب درت فصله منقسمدر )

## ( فصل اول )

( مبیعك شروط و اوصافی حقیقه در )

۱۹۷ ماده

مبیعك موجود اولسی لازمدر

۱۹۸ ماده

مبیعك تسلیمی ممکن و مقدور اولیق لازمدر

۱۹۹ ماده

مبیعك مال متقوم اولسی لازمدر

۲۰۰ ماده

مبیعك مشتریك معلومی اولیق لازمدر

۲۰۱ ماده

مبیعك معلومیتی ساثرندن تمیز ایده جك حال و وصفنی

بیان ایله حاصل اولور

مثلاشو قدر کیله قزله بغدادی . یا خود فلان و فلان حدود

ایله محدود اولان عرصه دیو صاتلسه مبیع معلوم و

بیع صحیح اولور

۲۰۲ ماده

مبيع مجلس بعهده حاضر ايسه اشارت حسيه كافيدر  
مثلا بايع شوحيواني صاندم ديوب مشتري دخي كوره رك  
قبول ايده جك بيع صحيح اولور

۲۰۳ ماده

مبيعك مشتري عنندنه معلوم اولسي كافي اولوب بشقه  
صورتله تعريف و توصيفه حاجت يوقدر

۲۰۴ ماده

مبيع عقدده كي تعيين ايله تعيين ايدر  
مثلا بايع اشارت حسيه ايله تعيين ايدرك شو ساعتی  
صاندم ديوب مشتري دخي قبول ايتد كده بايعك اول  
ساعتی عينا ويرمسی لازم كلور . يوقسه اني اليقويوبده  
يرينه اول جنسندن ديكرير ساعت ويره من

( فصل ثاني )

( بيعي جائز اولوب اولميان شيلر بياننده در )

۲۰۵ ماده

معدومك بيعي باطلدر

مثلا بر اغاجك هيچ بلور مامش اولان ميوه سني صاتمق

باطلدر

۲۰۶ ماده

کاملاً بلور مش اولان میوه بی اگله صالح اولسون  
اولسون اغاجی اوزرنده ایکن صاتمق صحیحدر

۲۰۷ ماده

افرادی متلاحق اولان یعنی بردن ظهور ایتیموده رفته  
رفته ظهور ایده کلان میوه و شکوفه و پیراق و سبزه نك  
بر مقداری بلور مش اولدیغنی حالده انلره تبعاً انلره برابر  
هنوز بلور مامش اولنلری دخی طوپدن صاتمق صحیح اولور

۲۰۸ ماده

جنسی بیان اولنهرق صاتیلان شی بشقه جنسدن  
چیقسه بیع باطل اولور  
مثلاً بابع صرچه بی الماس دیو صاتسه باطلدر

۲۰۹ ماده

تسلیمی ممکن و مقدر اولمیان شی صاتمق باطلدر  
مثلاً در بایه باطوبده اخراجی ممکن اولمیان قایغک و  
طوتوبده تسلیمی ممکن اولمیان بر فراری حیوانک بیعی  
باطلدر

۲۱۰ ماده

بین الناس مال اولمیان شی صاتمق یاخود انکله بر مال  
صاتون آلمق باطلدر

مثلا لاشه ي و حر اولان بنی آدمی صاتمق و یاخود انلرک  
مقابلنده بر مال اشترایتمک باطلدر

۲۱۱ ماده

مقوم اولمیان مالی صاتمق باطلدر

۲۱۲ ماده

مقوم اولمیان مال ایله بر مال صاتون المق فاسد در

۲۱۳ ماده

مجهولک بیعی فاسد در

مثلا بایع مشتری یه مالک اولدیغم کافه اشیا می سکا شو قدر

غروشه صاتمدم دیوب مشتری دخی الدم دیسه و لیکن

اشیا مشترینک معلومی اولسه بیع فاسد اولور

۲۱۴ ماده

بر ملک عقارک قبل الافراز بر حصه معلومه شایعه سنی

مثلا نصفنی یاثلثنی یاخود عشرینی صاتمق صحیحدر

۲۱۵ ماده

بر کیسه حصه شایعه سنی شریکندن اذن المقسزین آخره

صاته بیلور

۲۱۶ ماده

ارضه تبعاً حق مرورک و حق شربک و حق مسایک

و قنواته تبعاً صویک بیعی جائز در



## ( فصل ثالث )

( مبيعك کیفیت بیعنه متعلق مواد بیاننده در )

٢١٧ ماده

مکیلات و موزونات و عددیات و مزروعانک کیل و وزن  
و صایب و زراع ایله بیعی صحیح اولدیغی کبی جزافا  
صامتق دخی صحیحدر

مثلا بابع بریغین بغدادی و برطام صمانی و بریغین طوغله بی  
و بردنک متاعی کوتوری صاتسه صحیح اولور

٢١٨ ماده

حبوباتی برمعین قاب و اولچک ایله اولچوب و یاخودی  
برمعین طاش ایله طارتوب صاتسه هر نقدر اول قاب  
و اولچکک نه مقدر ایدوکی و طاشک قاج قیمه و درهم  
اولدیغی معلوم دکسه ده بیع صحیح اولور

٢١٩ ماده

منفردا صاتلمی جائز اولان شیئک مبیعدن استثناسی  
دخی جائز اولور

مثلا بابع براغاجک میوه سندن شو قدر قیه سی کندوسنه قالمق  
اوزره باقیسنی صاتسه صحیح اولور

٢٢٠ ماده

مقدراتك يالكز افراد واقسامنه بها تقدير ايدرك طويدن  
صاتمق صحیح اولور

مثلا بريغين بغدادی و بر قایق اودونی و بر سوری قویونی و بر  
پاسنال چوقایی کیله سی یا چکیسی یا قیه سی و یا هر رأس  
یا خود هر زراعی شو قدر غروشه اولمق اوزره صاتمق  
صحیح اولور

٢٢١ ماده

محدود اولان عقارات ذراع و دونم ایله صاتلدیغی کبی  
تعین حدود ایله دخی صاتیلور

٢٢٢ ماده

عقد بیع نه مقدار اوزینه واقع اولور سه انجق اکا  
اعتبار اولنور

٢٢٣ ماده

مکیلات و عددیات مقار به ایله تبعیضنده ضرر اولمیان  
موزوناتدن بر مجموعک مقداری بیان اولته رق صاتلدقده  
کر کسه یالکز اول مجموعک شنی ذکر اولنسون کرک  
کیله سنک یا عدد و وزنک بهاسی بیان و تفصیل  
اولنسون بیع صحیح اولور

فقط لدى التسليم تمام چيقارسه بيع لازم اولور .  
 و ناقص چيقارسه مشتري نخير اولوب ديلرسه بيعي  
 فسوخ ايدر . و ديلرسه ظهور ايدن مقداري نمندن  
 حصه سيله آلور . و زائد چيقارسه زياده سي بايعكدر  
 مثلا بايع بريغين بغداديي طوپدن اوله رق اللى كيله  
 اولمق اوزره بشـيوز غروشه ياخود اللى كيله اولمق  
 اوزره هر كيله سنى اونر غروشه صائده تمام كلورسه  
 بيع لازم اولور و قرق بش كيله چيقارسه مشتري نخير  
 اولوب استرسه بيعي فسوخ ايدر استرسه قرق بش كيله بي  
 درتيوز اللى غروشه آلور و اللى بش كيله چيقارسه  
 فضله سي اولان بش كيله بايعكدر

و كذا بر كوفه يمورطه يوز عدد در ديو اللى غروشه  
 ياخرد يوز عدد ديو دانه سي بكره ميشر پاره يه صائده  
 عند التسليم طقسان عدد چيقارسه مشتري نخير اولوب  
 ديلرسه بيعي فسوخ ايدر ديلرسه طقسان يمورطه بي قرق  
 بش غروشه الور و اكر يوز اون عدد چيقارسه  
 فضله سي اولان يمورطه بايعكدر

كذلك بر فوجي ياغ يوز قيه اولمق اوزره صائده  
 حكيمى منوال مشروح اوزره در

۲۲۴ ماده

تبعيضنده ضرر اولان موزوناتدن بر مجموعك مقداری  
 بیان و یالکز اول مجموعك بهاسی ذکر اولنهرق  
 صاتلدقده لدی التسلم ناقص چیقارسه مشتری مخیر  
 اولوب دیلرسه بیعی فسح ایدر و دیلرسه چیقان مقداری  
 مجموع ثمن مسما ایله الور و زائد کلورسه زیادهسی  
 مشتریك اولوب بایع مخیر اوله ماز

مثلا بش قیراطدر دیو یکرمی بیک غروشه صاتیلان بر  
 الماس طاش درت بوچق قیراط چیقسه مشتری مخیر  
 اولوب دیلرسه ترك ایدر و دیلرسه اول طاشی یکرمی  
 بیک غروشه الور و اکر بش بوچق قیراط چیقارسه  
 اول طاش یکرمی بیک غروشه مشتریك اولوب بونده  
 بایع مخیر اوله ماز

۲۲۵ ماده

تبعيضنده ضرر اولان موزوناتدن بر مجموعك مقدار یله  
 اقسام اجزاسنك بهاسی دخی بیان و تفصیل اولنهرق  
 صاتلدقده لدی التسلم كرك ناقص چیقسون و كرك  
 زائد چیقسون مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسح  
 ایدر و دیلرسه چیقان مقداری اقسام و اجزا ایچون  
 بیان اولنان بها حسابیله الور

مثلاً بش قیه در دیو هر قیه سی قرقر غروشه صـ اتیلان  
 بر باقر منقال درت بوچق یاخود بش بوچق قیه چیقسه  
 ایکی صورتده دخی مشتری مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر  
 ودیلرسه اول منقال درت بوچق قیه ایسه یوز ساکسان  
 غروشه و بش بوچق قیه ایسه ایکیوز یکرمی غروشه آاور  
 ماده ۲۲۶

کرك عرصه اولسون و كرك امتعه و اشیاى سااره اولسون  
 على العموم و مذروعاتدن بر مجموعك مقداری و بالکز اول  
 مجموعك بهاسی بیان یاخود ذراعنك دخی بهاسی تفصیل  
 اولنه رق صاتلدقده ایکی صورتده دخی حکمی تبعیضنده  
 ضرر اولان موزوناتك حکمی کبدر . فقط کرباس  
 و چوقه مثللو قطع و تبعیضنده ضرر اولیان امتعه و اشیا  
 مکيلات حکمنده در

مثلاً یوز ارشون اولمق اوزره بیک غروشه صاتیلان بر  
 عرصه طقسان بش ارشون چیقسه مشتری مخیر اولوب  
 دیلرسه ترك ایدر و دیلرسه اول عرصه یی بیک غروشه  
 الوروزاند چیقسه مشتری تماماً اول عرصه یی بیک غروشه  
 آاور

و کذا برقات روبه لقی اولمق اوزره یا بئش اولان برطوب  
 قاش ساکزارشوندر دیو درتیوز غروشه صـ اتلسه یدی

ارشون چیتدیغی تقدیرده مشتری مخیر اولوب دیلرسه  
 ترك ایدر و دیلرسه درتیوز غروشه اول طوپی آلور  
 و طقوز ارشون چیتدیغی صورتده مشتری تماما اول طوپی  
 درتیوز غروشه آلور

کذلک یوز ارشون اولوق اوزره هر ارشونی اوزر غروشن  
 دیو صایتیلان بر عرصه طقسان بش یاخود یوز بش ارشون  
 چیتدیغی تقدیرده مشتری مخیر اولوب ترك ایدر یاخود  
 طقسان بش ارشون ایسه طقوز یوز اللی غروشه و یوز  
 بش ارشون ایسه بیك اللی غروشه آلور

و کد ابرقات و بدلق اولوق اوزره یا پیلش اولان برطوپ قاش  
 سکز ارشوندر دیو ارشونی الیشر غروشه صانلسه یدی  
 یاخود طقوز ارشون چیتدیغی صورتده مشتری مخیر اولوب  
 ترك ایدر یاخود یدی ارشون ایسه اوچ یوز اللی غروشه  
 و طقوز ارشون ایسه درتیوز اللی غروشه آلور

اما بر پستال چوقه یوز اللی ذراع اولوق اوزره یدی بیك  
 بشیوز غروشه دیو یا نود هر ذراعی الیشر غروشه دیو  
 صانلقدده یوز قرق ذراع چیتسه مشتری مخیر اولوب  
 دیلرسه بیعی فسح ایدر • و دیلرسه یوز قرق ذراعی یدی  
 بیك غروشه آلور • و اگر زائد چیتسه زیاده سی  
 بایع کدر

۲۲۷ ماده

عدد یات متفاوتده یالکز مجموعک مقدار بهاسی بیان  
اولنهرق صاتلدقده عند التسلیم تمام کاورسه بیع صحیح  
ولازم اولور . وناقص ویاخود زائد کاورسه ایکی  
صورتده دخی بیع فاسد اولور

مثلا الی رأس در دیو ایکی بیک بشیوز غروشه صاتیلان  
برسوری قیون عند التسلیم قرق بش یاخود الی بش  
رأس چیقسه بیع فاسد اولور

۲۲۸ ماده

عدد یات متفاوتده مجموعک مقدار یله آحاد وافرادیکنک  
بهاسی بیان وتفصیل اولنهرق صاتلدقده عند التسلیم  
تمام کاورسه بیع لازم اولور . وناقص چیقارسه مشتری  
مخیر اولوب دیلرسه ترک ایدر ویلرسه اولقصداری  
نمن مسمان حصیه سیله الور . وزائد کاورسه بیع فاسد  
اولور

مثلا الی رأس در دیو هر بری الیشر غروشه صاتیلان  
برسوری قویون قرق بش رأس چیقسه مشتری مخیر  
اولوب دیلرسه ترک ایدر و دیلرسه قرق بش قویونی ایکی  
بیک ایکیوز الی غروشه الور والی بش رأس چیقارسه  
بیع فاسد اولور

۲۲۹ ماده

مواد آنفهدن مشتريك مخير اولديغى صورتلرده مشتري  
مبيعك ناقص اولديغى بيلهرك قبض ايتدكدن صكره بيعك  
فسخنده مخير اوله ماز

( فصل رابع )

( صراحة ذكر اولتمقنيزين بيعده داخل اولوب )  
( اولميان شيلر بياننده در )

۲۳۰ ماده

عرف بلدهده مبيعك شامل اولديغى هر شي من غير ذكر  
بيعه داخل اولور  
مثلا خانه بيعنده مطبخ و كيلارى و زيتونلك بيعنده زيتون  
اچاچلرى من غير ذكر داخل اولور زيرا مطبخ و كيلار  
خانهك مشتملاتنددر و زيتونلك برطاقم زيتون اچاچلرينى  
حاوى اولان ارضه اطلاق اولنور يوقسه يالكز برارضه  
زيتونلك تعبير اولتماز

۲۳۱ ماده

مبيعك جزئى حكمنده اولان يعنى غرض اشترايه نظرا  
مبيعدن انفكاكى قابل اولميان شيلر من غير ذكر بيعده  
داخل اولور



مثلا کلیدک بیعنده مفتاحی وسوتی ایچون النان اینکک  
بیعنده سوت امن یاورسی من غیر ذکر داخل اولورلر  
۲۳۲ ماده

مبیعک توابع متصله مستقره سندن اولان شیرلر من غیر ذکر  
بیعده تبعاً داخل اولور

مثلا برقوناغک بیعنده میخ لائمش کلیدلر ویرلی طولاب  
ومندر لککر کبی یرلی اولمق اوزره موضوع ومبئی اولان  
شیرلر وحدودی داخلنده اولان باغچه سیهله طریق عامه  
یاخود چیقماز قاقغه موصل اولان یوللر و باغچه و عرصه  
بیعنده مستقر اولمق اوزره مغروس اغاچلر بازارلقده  
تصریح اولنسه دخی مبیعدن ایرلمیوب برابر صماتلمش  
اولورلر

۲۳۳ ماده

اسم مبیعک مشتملاتندن یاخود مبیعک توابع متصله  
مستقره سندن اولمیان ومبیعک جزئی حکمنده ویا انکله  
برابر صماتلمسی عرف وعادت اقتضاسندن بولنمیان شیرلر  
حین بیعده ذکر اولندقجه بیعده داخل اولماز . فقط  
عرف وعادت بلده جه مبیعه تبعاً صماتیه کلان شیرلر من  
غیر ذکر بیعده داخل اولور

مثلا خانه بیعنده یرلی اولمیان طولاب وقنده په وصندالیه

کبی یرلی اولیو بده قالدیرلسق اوزره موضوع اولان  
 شیر و باغ و باغچه بیعنده لیمون و چچیك صاقسه یلری و  
 آخر محله نقل اولنمق اوزره دیکلمش اولان فدانلر و  
 اراضی بیعنده اکین و اشج-اراک بیعنده میوه بازارلقده  
 ذکر و شرط اولنمقجه مبیع ایله برابر صاتمیش اولمازلر  
 قسط برلکده صاتمیشی عرف و عادت اولان یرلرده بنک  
 آتک کی و یوک بارکیرینک یولاری من غیر ذکر بیعده  
 داخل اولور

۲۳۴ ماده

تبعاً بیعده داخل اولان شیشک ثمندن حصه سی یوقدر  
 مثلاً یوک بارکیرینک قبل القبض یولاری سرقت اولنسه  
 ثمن مسمدان برشی تنزیل ایتمک لازم کلر

۲۳۵ ماده

حین بیعده علاوه اولنان بعض الفاض عمومی دنگ شامل  
 اولدیغی شیر بیعده داخل اولور

مثلاً بایع شو خانابی جمیع حقوقیله صاتم ديسه اول  
 خانانک حق مروری و حق شربی و حق مسیلی بیعده

داخل اولور

۲۳۶ ماده

بعد العقد و قبل القبض بیعده حاصل اولان ثمره

و زیاده مشتری به عائد اولنور  
 مثلا بر باغچه صاندل قدده قبل القبض حاصل اولان میوه  
 و سبزه مشتری به عائد اولور  
 كذلك صانتش اولان اینکک قبل القبض تولد ایدن  
 یاوریسی مشتری نیک مالیدر

( باب ثالث )

( ثمنه متعلق مسائل بیانده اولوب ایکی فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( ثمنک اوصاف و احوالنه مرتب اولان مواد بیانده در )

۲۳۷ ماده

حین بیعده تسمیه ثمن لازمدر

بناء علیه مبیعک بهاسی ذکر اولنماز ایسه بیع فاسد اولور

۲۳۸ ماده

ثمنک معلوم اولماسی لازمدر

۲۳۹ ماده

ثمنک معلومیته میدانده ایسه مشاهده ایله دکل ایسه

مقدار و وصفنی بیان ایله حاصل اولور

۲۴۰ ماده

متنوع التون تداول ایدن بلده ده نه درلوا التون اولدیغی

بیان اولتمسزین علی الاطلاق شو قدر التون دیو بازارلق

اولنمه بیع فاسد اولور . کومش سکه دخی بو کاقیناس اولنه  
۲۴۱ ماده

غروش اوزرینه بازارلق اولندقدده مشتری رایج  
اولان مسکوکاتک ممنوع اولمیان هر قنغی نوعندن استر  
ایسه ویره بیلور  
۲۴۲ ماده

ثمنک وصفی بیان اولنهرق بازارلق اولندیغی صورتده  
عقد هر قنغی نوع نقد اوزرینه واقع اولمش ایسه اندن  
ویرملک لازم کلور

مثلا مجیدیه التونی یاخود انکلین ویا فرانسر التونی  
ویاخود یکرملک مجیدیه ویادیرکلی ریال ویرملک اوزرءدیو  
بازارلق اولندیغی صورتده هر نه درلو مسکوکات دینلش  
ایسه اندن ویریلور  
۲۴۳ ماده

عقدده کی تعیین ایله ثمن تعیین ایتمز  
مثلا مشتری النده کی یوزلک التوننی کوستره رک شوالتون  
ایله بومالی اشترایتدم دیوب بایع دخی ویردم دیدکده  
مشتری عینا اول التونی ویرمکه مجبور اولماز بلکه انی  
الیقویوبده یرینه مثلی اولهرق بشقه بریوزلک التونی  
ویره بیلور

۲۴۴ ماده

بر نوع مسکوکاتک یرینه اجزاسی دخی و یريله بیلور  
 فقط بو خصوصده عرف، وعادت بلده به اتباع اولنق لازم  
 کلور

مثلا یکر میلک مجیدیه دیو بازارلق اولندیغی صورته  
 یکر میلک یرینه اجزاسندن اولان اولنق و بشلک دخی  
 و یريله بیلور اما الحاله هنده در سعادتده جاری اولان عرف  
 و عادتده نظرا یکر میلک یرینه اجزاسندن اولان قرقلق  
 و ایکیملک و یريله مز

( فصل ثانی )

( وعده ایله صائش حقیقده اولان مواد بیانده در )

۲۴۵ ماده

ثمنی تأجیل و تقسیط ایله بیع صحیح اولور

۲۴۶ ماده

ثمنک تأجیلینده و تقسیطینده مدت معلوم و معین اولق

لازم در

۲۴۷ ماده

شو قدر کون یا آی و یا سنه و یا خود روز قاسم کبی عاقدین  
 عندنده معلوم و معین اولان بروقته قدر وعده ایله بازارلق

اولنسه بیع صحیح اولور

۲۴۸ ماده

( یغمور یا غدیغی وقت ) کی معین اولمیان بر مدت بیابله

بازارلق اولنسه بیع فاسد اولور

۲۴۹ ماده

ویره سییه بازارلق اولنوبده مدت تعیین اولنسه بر آیه

مصروف اولور

۲۵۰ ماده

ثمنک تأجیل و تقسیط یطنده مقاوله اولنسان مدت مبیعت

تسلیمندن اعتبار اولنور

مثلا بر سنه وعده ایله صاتلمش اولان بر متاعی بایع بر

سنه توقیف ایتد کدنصکره مشتری یه تسلیم ایتسه حین

تسلیمندن اعتباراً بر سنه بکلمسی یعنی وقت بیعدن تمام

ایکی سنه مرورنده مشترینک آنچه یی ویرمی لازم کلور

۲۵۱ ماده

بیع مطلق پیشین اولوق اوزره منعقد اولور . فقط بیع

مطلق بر مدت معلومه ایله موقت و مقسط اولوق اوزره

عرف و عادت اولان یرده اول مدته مصروف اولور

مثلا پیشین یا ویره سییه لاقردیسی اولقسزین چارشردن

بری برشی السه آنچه سنی پیشین ویرمی لازم کلور . فقط

آی یا هفته باشنده ثمنک تمامی یا خود بر مقدار معینی التمیق

عادت بلده ایسه اول عادته رعایت اولنور

## ( باب رابع )

( بعد العقد ثمن و مئتمنه تصرفه متعلق مسائل بیانده )

( اولوب ایکی فصله منقسمدر )

## ( فصل اول )

( بعد العقد و قبل القبض بايعات مئتمنه و مشتريك مبيعهده )

( حق تصرفلری بیانده در )

۲۵۲ ماده

بايع قبل القبض ثمن مبيعهده تصرف ايده بيلور

مثلا بر كيمسه صاتمش اولديغى ماللك آقچه سنى بور جنه

حواله ايده بيلور

۲۵۳ ماده

مشتري قبل القبض مبيعى عقار ايسه آخره صاته بيلور

واكر منقول ايسه صاته ماز

## ( فصل ثانى )

( بعد العقد ثمن و مبيعتك تزويد و تنزيلی بیانده در )

۲۵۴ ماده

بايع بعد العقد مبيعتك مقدار ينى زياده ايده بيلور و مشتري

مجلس زياده ده قبول ايدر ايسه اول زياده ينى طلبه حتى

اولوب بايعك ندامتى مفيد اولماز . اما اول مجلسدن

صكره مشتريك قبولى معتبر دكلدر

مثلا يکرمی غروشه يکرمی عدد قارپوز بازارلق اولندقدن  
صکره بايع بش دهها ويردم ديوب مشترى دخى اول  
مجلسده قبول ايدرايسه يکرمی غروشه يکرمی بش قارپوز  
الور اما اول مجلسده قبول ايتيويده صکره دن قبول  
ايده جک اولسه بايع اول زياده يي ويرمک اوزره اجبار  
اولندهماز

۲۵۵ ماده

مشرى بعد العقد ثمن مسمايى تزويد ايده بيلور • و بايع  
مجلس زياده ده قبول ايدر ايسه اول زياده يي طلبه حقى  
اولوب مشترينک ندامتى مفيد اولماز • اما اول مجلسدن  
صکره بايعک قبولى معتبر دکلدن

مثلا بيک غروشه بر حيوان بازارلق اولندقدن صکره مشترى  
ايکيوز غروش دهها ضموز ياده ايتدم ديوب بايع دخى اول  
مجلسده قبول ايدرسه اول حيوانى بيک ايکيوز غروشه  
الور • اما بايع اول مجلسده قبول ايتيويده صکره دن  
قبول ايده جک اولور ايسه مشترى فضله ويره جک  
اولديغى ايکيوز غروشى ويرمکه اجبار اولندهماز

۲۵۶ ماده

بايعک بعد العقد ثمن مسمادن بر مقدارينى حط و تنزيل  
ايتسى صحيح و معتبر در



مثلا بر مال یوز غروشه بازارلق اولندقدن صکره بایع یکریمی  
غروشنی تنزیل ایتدم دیسه اول مالک مقابلنده انجق  
سکسان غروش الهیلور

۲۵۷ ماده

بعد العقد بایعك مقدار مبیعی و مشتریك ثمن مسمايی تزید  
ایتمری و یا بایعك ثمن مسمادن تنزیلی اصل عقده ملتحق  
اولور یعنی اصل عقد کویا اول تزید و یا تنزیل اوزرینه  
واقع اولمش حکمنده طوتیلور

۲۵۸ ماده

بعد العقد بایع مبیعی تزید ایتدکده زیادهك ثمن مسمادن  
حصه سی اولور

مثلا بایع اون غروشه صاتمیش اولدیغی سکز قارپوز  
اوزرینه ایکی قارپوز ده. از زیاده و مشتری قبول ایتدیکی  
صورتده اون غروشه تمام اون قارپوز صاتمیش اولوب  
حتی قبل القبض بو ایکی قارپوز تلف اولسه بهالرینک  
ثمندن تنزیلیله سکز قارپوز ایچون بایع انجق سکز غروش  
طلب ایده بیلور

کذلک بایع عرصه سنک بیک ذراعنی اون بیک غروشه  
صاندقدن صکره یوز ذراع دخی زیاده و مشتری قبول

ایتدیکی تقدیرده بر شفیع چیقسه اون بیک غروشه مجموعی  
یعنی بیک یوز ذراعنی اله بیلور  
۲۵۹ ماده

بعد العقد مشتری ثمن مسما بی تزید ایتدکده ثمن مسما  
ایله زیاده نیک مجموعی عاقدین حقنده تمام مبیعه مقابل اولور  
مثلا اون بیک غروشه بر مالک عقار اشتر اولندقدن صکره  
قبل القبض مشتری بشیوز غروش دها زیاده و بایع قبول  
ایتدیکی صورتده اول عقارک بهاسی اون بیک بشیوز  
غروش اولوب حتی بر مستحق چیقاروق بعد الاثبات  
والحکم اول عقاری السه مشتری یا بعدن اون بیک بشیوز  
غروش طلب وانفذ ایده بیلور اما اول عقاره بر شفیع  
چیقسه چونکه انک حتی اصل عقدده اسمیه اولنان ثمن  
اوزرینه تعلق ایتمش اولدیغنه و صکره کی زیاده نیک عاقدینه  
کوره اصل عقده التحاقی الیک حتی اسقاط ایده میده چکنه  
مبنی اول عقاری شفیع اولان کیمسه اون بیک غروشه  
اله بیلور صکره دن زیاده اولنان بشیوز غروشی بایع اندن  
طلب ایده من

۲۶۰ ماده

بعد العقد بایع ثمن مبعی حط و تنزیل ایتدکده مبیعک تمامی  
ثمن مسماک باقیسنه مقابل اولور

مثلا بر ملك عقار اون بيك غروشه اشترا اولندقدنصكره  
 بايع بيك غروشنى حط و تنزىل ايتديكى صورتده اول  
 عقار طقوز بيك غروشه مقابل اولوب بناء عليه بر شفيع  
 چيقسه انى طقوز بيك غروشه الهيلور  
 ماده ۲۶۱

بايع قبل القبض ثمن مبيعك بجله منى حط ايده بيلور  
 فقط اصل عقده ملحق اولماز

مثلا بايع بر ملك عقارى اون بيك غروشه صاندقدن  
 صكره قبل القبض اول اچهدن كاملا واز كچسه شفيعى  
 اول عقارى اون بيك غروشه الهيلور . بوقسه اچهدن  
 الورم ديده من

( باب خامس )

( تسليم و تسلمه متعلق مسائل بيانده اولوب التى )

( فصلى حاويدر )

( فصل اول )

( تسليم و تسلمك حقيقت و كيفيتى بيانده در )

ماده ۲۶۲

بيعه قبض شرط دكلدر . فقط بعد العتد اولو مشتري  
 ثمنى بايعه و ثانيا بايع مبيعى مشتري به و ير مكه بور جلو اولور

۲۶۳ ماده

مبيعك تسليمى مشتريك بلا مانع مبيعى قبض ايدہ بيلہ جك  
وجھلہ تسليمہ بايعك اذن ويرمسيہ حاصل اولور

۲۶۴ ماده

مبيعك تسليمى حاصل اولديغى كېي مشتري دخى آنى قبض  
ايتمش اولور

۲۶۵ ماده

مبيعك اختلافيلہ كيفيت تسليمى دخى مختلف اولور

۲۶۶ ماده

مشتري عرصہ و اراضينك ايجندہ بولنديغى وياخود  
برطرفدن كورر اولديغى حالده قبضہ بايعك رخصت  
ويرمسي تسليمدر

۲۶۷ ماده

اوزرنده اكين اولان ارضك تسليمندہ اوزرنده كى  
اكينى بچوب ياخود حيوانہ يديروبدہ ارضى تخلية ايتمكہ  
بايع مجبور اولور

۲۶۸ ماده

اوزرنده ميوه اولان اغاجك تسليمندہ ميوه سنى ديوشروب  
اغاجى تخلية ايتمكہ بايع مجبور اولور

۲۶۹ ماده

اغای اوزرنده اوله رق صاتلمش اولان میوه بی مشتری نیک  
دیو شرمسنه بایعک رخصت ویرمسی تسلیمدر

۲۸۰ ماده

خانه و باغ کبی کلیدلی عقارک ایچنده ایکن بایعک مشتری یه  
تسلیم ایتدم دیمسی تسلیمدر و خارچنده ایکن بیع اکر  
مشتری درحال انی کلیدلیه بیله جک مرتبه قریب ایسه  
مجرد تسلیم ایتدم دیمسی تسلیمدر . و اکر اول مرتبه  
قریب دکل ایسه اورایه واروبده ایچنه کیزه بیله جک قدر  
وقت مرور بیله تسلیم تحقق ایدر

۲۷۱ ماده

کلیدلی عقارک مفتاحنی ویرمک تسلیمدر

۲۷۲ ماده

حیوان باشندن یا قولاغندن و یا یولارندن طوتیلوب تسلیم  
اولنور . فقط مشتری نیک کلفتسزجه تسلیمه قدرتی اولان  
محلده ارانه سیله قبضنه رخصت اعطاسی دخی تسلیمدر

۲۷۳ ماده

مکیلات و موزونات مشتری نیک امریله کیل یا وزن  
اولنهرق تهیه و اعطا ایلدیکی ظرف و قاب دروننه قونلق  
تسلیمدر

۲۷۴ ماده

عروضك تسليمى مشـترينك انه اعطـاسيله ياخود يانه  
قويق ويا ميدانده اولوبده بالارائه قبضنه رخصت ويرمك  
ايه اولور

۲۷۵ ماده

انبار و صندوق کبی کلیدی بر محل ایچنده بولسان شـیلر  
طوپدن صائلدوقده مفتاحنك مشـتری به اعطـاسيله قبضنه  
رخصت ويرمك تسليمدر

مثلا بر انبار بغدادی یاخود بر صندوق کـتاب طوپدن  
صائلدوقده مفتاحنك اعطاسی مبیعی تسليم ديمکدر

۲۷۶ ماده

مشـتری مبیعی قبض ايدر ايکن بايعك کوروبده منع  
ایتمامسی قبضنه رخصتدر

۲۷۷ ماده

بايعك اذنی اولقمنزین مشـترينك ثمنی تأديه ایتمدین مبیعی  
قبض ایتمسی معتبر دکلدر

فقط مشـتری بلا اذن قبض ایدوبده یاندده مبیعك تلف  
اولور یاخود سقطنور ایسه قبض معتبر اولور

## ( فصل ثانی )

( مبیعك حق حبسنه دائر مواد بیانده در )

۲۷۸ ماده

پشین صانتشده مشتری ثمنی تماماتأدیبه اینجده به دك بايعك  
مبیعی حبس و توقیف ایتك حق و اردر

۲۷۹ ماده

بايع اشـیای متعدده بی صفتقه واحده ایله صانتدقه هر  
برینك بشقه بشقه بهاسنی بیان ایتش اولسه بیله تماما  
ثمنی قبض اینجده به دك مجموع بیعی حبس ایده یلور

۲۸۰ ماده

مشـترینك رهن و كفیل و برمیسی بايعك حق حبسنی  
اسقاط ایده مز

۲۸۱ ماده

بايع ثمنی قبض ایتدین مبیعی تسلیم ایدر ایسه حق حبسنی  
اسقاط ایتش اولور

بو صورتده ثمنی قبض اینجده به دك توقیف ایتك اوزره  
مبیعی استرداد ایده مز

۲۸۲ ماده

ثمن مبیعی المق اوزره بايع بر کیمسه بی مشتری اوزرینه  
حواله ایدر ایسه حق حبسنی اسقاط ایتش اولور .

و بصورتده همان مبیعی مشتری به تسلیم ایتسی لازم کاور  
 ماده ۲۸۳

ویرهسی به صانتهده بایعك حق حبسی اولیوب وعدهسی  
 حلولنده ثمنی قبض ایتك اوزره همان مبیعی مشتری به  
 تسلیم ایتسی لازم کاور  
 ماده ۲۸۴

بایع پشین اولیق اوزره صانتهقدن صکره ثمن مبیعی  
 تأجیل ایدر ایسه حق حبسی اسقاط ایتش اولور  
 و وعدهسی حلولنده ثمنی قبض ایتك اوزره همان مبیعی  
 تسلیم ایتسی لازم کاور

( فصل ثالث )

( مکان تسلیم حقنده در )

ماده ۲۸۵  
 عقد مطلق حین عقده مبیع نزه ده ایسه اوراده تسلیمینی  
 اقتضا ایدر

مثلا بر کیمسه تکفور طاغنده کی بغدایینی استانبولده بر  
 کیمسه به صانتهقدده اول بغدایی تکفور طاغنده تسلیم  
 ایدر یوقسه استانبولده تسلیم ایتك اوزره اجبار اولنده ماز  
 ماده ۲۸۶

مبیعك نزه ده اولدیغی مشتری نك معلومی اولیوبده



بمدالعقد مطلع اولسه مخیر در • دیلرسه بیعی فسح ایدر  
و دیلرسه حین عقده مبیع زه ده ایسه اوراده قبض ایلر  
۲۸۷ ماده

بر محل معینده تسلیم اولنق شرطیله صاتلمش اولان مالک  
اوراده تسلیمی لازم کلور

( فصل رابع )

( تسلیمک مؤنتی یعنی کافتی و لوازم تمامیتی بیاننده در )

۲۸۸ ماده

ثمنه متعلق اولان مصارف مشتری به عاقد در  
مثلا آنچه نك صایمه و طارتمه اجر تلی کبی مصارف  
صرافیه مشتری طرفندن ویرلمک لازم کلور

۲۸۹ ماده

مبیعک تسلیمنه متعلق مصرفلر بایعه عاقد در  
مثلا کیله حی و قنطار حی اجر تلی نبی بایعک ویرمی لازم  
کلور

۲۹۰ ماده

جزافا صاتیلان شیلرک مؤنتی مشتری به عاقد در  
مثلا بر باغک اوزومی مجازفة صاتلمدقده دیو شیرمی  
مشترینک اوزرینه در

كذلك بر انبار بغدادی مجازفة صامتة قدده انباردن اخراج  
و نقلی مشتریك اوزرینه لازمدر

۲۹۱ ماده

اودون و کور کبی حیوان اوزرنده محجـ و لاصه اتمش  
اولان شیرلی مشتریك خانه سنه نقل ایتك امرنده عرف  
و عادت بلده نه ایسه اکا اتباع اولنور

۲۹۲ ماده

سند و حجت تحریری اجرتی مشتری اوزرینه لازمدر  
فقط بایعك دخی محکمه ده بیعی تقریر و اشهاد اتمسی لازم  
کلور

( فصل خامس )

( هلاک مبیعه مترتب اولان مواد بیاننده در )

۲۹۳ ماده

مبیع قبل القبض بایعك یدنده تلف اولسه مشتری حقیقده  
بر شی ترتب ایتیوب ضرری بایعه عائد اولور

۲۹۴ ماده

مبیع بعدالقبض تلف اولسه بایع حقیقده بر شی ترتب  
ایتیوب ضرری مشتری به عائد اولور

۲۹۵ ماده

مشتری مبیعی قبض ایدوب لکن ثمنی تأدیبه ایتدین مفلسا

فوت اولسه باع مبیعی استرداد ایده میوب غرمایه داخل  
اولور

۲۹۶ ماده

مشتري مبیعی قبض و ثمنی تأدیه ایتمدین مفلسا فوت اولسه  
باع ثمنی مشترینک ترکه سندن استیفا ایدنجده یه دلک مبیعی  
حبس ایده بیلور

بو صورتده حاکم مبیعی بیع ایدوب ثمنی وفا ایدر ایسه  
بایعک اله جغنی تماما ایفا ایدر و فضلہ سی قالدیغنی تقدیرده  
غرمایه ویرر و اکر بایعک اله جغندن ناقص ایسه اول  
ثمنی باع تماما الدقدن صکره نقصاننی غرامه مشترینک  
ترکه سندن الور

۲۹۷ ماده

باع ثمنی قبض ایدوب لکن مبیعی مشتری یه تسلیم ایتمدین  
مفلسا فوت اولسه مبیع باع یدنده امانت قالمش اولور  
بو صورتده مشتری مبیعی اولوب سائر غرما مداخله ایده مز

( فصل سادس )

( سوم شرا و سوم نظر حقنده در )

۲۹۸ ماده

سوم شرا طریقله یعنی تسمیه ثمن اولنه رق اشترایتمک

اوزره مشتریك قبض ایدوبده کوتوردیکی مال مشتری  
 یدنده تلف و ضایع اولدوقده قیامتدن اولدیغی تقدیرده  
 قیمتینی و مثلیاتدن اولدیغی تقدیرده مثلنی بایعه و یرمسی  
 لازم کلور. اما ثمن تسمیه اولنماش ایسه مشتری یدنده  
 امانت حکمنده اولهرق بلا تعد تلف و ضایع اولدیغی  
 حالده ضمان لازم کلز

مثلا بايع بو حیوانك بهاسی بیک غروشدر کوتور بکنور  
 ایسهك آل دیوب مشتری دخی اولوجهله اشترا ایتک  
 اوزره اولوب کوتورسه و خانه سنده حیوان تلف اولسه  
 دکر بهاسنی بایعه و یرمسی لازم کلور. اما بهاسی بیان  
 ایدلیهرک بايع کوتور بکنور ایسهك الورسون دیوب  
 مشتری دخی بکنور ایسه بعده نازارغنی ایدوبده اشترا  
 ایتک اوزره کوتوردکده یدنده بلا تعد تلف اولسه ضمان  
 لازم کلز

۲۹۹ ماده

سوم نظر طریقيله یعنی کورمک یاخود کوسترمک اوزره  
 قبض اولنان مال کرک بهاسی بیان اولنسون و کرک بیان  
 اولنسون قابضک یدنده امانت اولهرق بلا تعد تلف  
 و ضایع اولسه ضمان لازم کلز

( باب سادس )

( خيارات بيانده اولوب يدي فصلي حاويدر )

( فصل اول )

( خيار شرط بيانده در )

۳۰۰ ماده

بايع يا مشترى و يا خود ايکيسي بردن مدت معلومه  
ايچنده بيعي فسخ ايتمک يا خود اجازت ايله انذاذ ايتمک  
خصوصنده مخير اولوق اوزره بيعده شرط قيلمک جائز در

۳۰۱ ماده

خيار شرط ايله مخير اولان ظرف مدت خيारنده يعني مخير  
اولديغي مدت ظرفنده، دليلرسه بيعي فسخ ايدر و دليلرسه  
مخير اولور

۳۰۲ ماده

کرك فسخ و کرك اجازت قوللا اولديغي کبي فعلا دخی  
اولور

۳۰۳ ماده

اجازت قوليه اجازت ويردم ياراضی اولدم کبي رضايه  
و فسخ قولی فسخ ايتدم يا واز کچدم کبي عدم رضايه  
دلالت ايدن سوزلر در

۳۰۴ ماده

اجازت فعلیه رضایه و فسخ فعلی عدم رضیه دلالت  
ایدن فعلیدر

۳۰. لا مشتری مخیر اولدیغی حالدده مدت خیارینده مبیعی  
صانلغه چیقارمق یاخود رهن و یا ایجار ایتمک کبی  
تملک لوازمندن اولان بروجهله تصرف ایتمی اجازت  
فعلیه و بایع مخیر اولدیغی حالدده اولوجهله تصرف  
ایتمی فسخ فعلیدر

۳۰۵ ماده

مخیر اولان کیسه بیعی فسخ و یاخود انفاذ ایتمدین مدت  
خیار مرور ایدر ایسه بیع تمام او اور

۳۰۶ ماده

خیار شرط وارثه انتقال ایتمز  
بو صورتده مخیر اولان کیسه بایع ایسه وفاتبله مشتری  
مبیعه مالک اولور و اگر مخیر مشتری ایسه وفاتنده  
وارثی مخیر اولقمنزین مبیعه مالک اولور

۳۰۷ ماده

بایع و مشتری ایکیسی بردن مخیر اولدقلری تقدیرده هر  
قنغیسی فسخ ایدر ایسه بیع منفسخ اولور و هر قنغیسی اجازت  
ویرزه یالکزانک خیاری زائل اولوب دیگرى مخیر قالور

۳۰۸ ماده

یا لکز بایع مخیر اولدیغی صورتده مبیع کندی ملکندن  
چیقیمیوب ینه کندوسنک مالی عد اولنور . و مبیع  
بعد القبض مشتری یدنده تلف اولسه ثمن مسمی لازم  
کلیوب مشتریک یوم قبضنده کی قیمتنی ویرمی لازم کلور

۳۰۹ ماده

یا لکز مشتری مخیر اولدیغی صورتده مبیع بابعک ملکندن  
چیقوب مشتریک مالی عد اولنور . و مبیع بعد القبض  
مشتری یدنده تلف اولسه ثمن مسماک اعطاسی لازم کلور

( فصل ثانی )

( خیاری وصف بیاننده در )

۳۱۰ ماده

بابعک بروصف مرضوب ایله متصف اولوق اوزره ساتمش  
اولدیغی مال اول و صفدن عاری چیقسه مشتری مخیر در .  
دیلسه بیعی فسخ ایدر و دیلسه مجموع ثمن مسما ایله  
بیعی قبول ایدر بوکا خیاری وصف دیر لر  
مثلا صاغیلور دیو ساتلمش اولان براینک سوتدن کسلمش  
اولدیغی ظاهر اولسه مشتری مخیر اولور  
و کذا کیجه وقتی قرمز یاقوتدر دیو ساتیلان طاش صاری  
یا قوت چیقسه مشتری مخیر در

۳۱۱ ماده

خیار و صف و ارثه انتقال ایدر

یعنی خیار و صف ایله مخیر اولان مشتری وفات ایدیجک  
مبیعک اول و صفدن عاری اولدیغی ظاهر اولدوقده وارثک  
دخی بیعی فسخ ایتکه صلاحیتی واردر

۳۱۲ ماده

خیار و صف ایله مخیر اولان مشتری مبیعه تملکک لوازمندن  
اولان بروجله تصرف ایدر سه خیار ابطال ایتمش اولور

( فصل ثالث )

( خیار نقد حقه در )

۳۱۳ ماده

بیع و مشتری فلان وقته قدر تأدییه ثمن اولنقی و اولنه مزسه  
بینلرنده بیع اولقی اوزره بازارلق ایتسه لر صحیح اولور  
بوکا خیار نقد دینلور

۳۱۴ ماده

مدت معینه ده مشتری ثمنی تأدییه ایده مز ایتسه خیار نقد  
ایله عقد اولنان بیع فاسد اولور

۳۱۵ ماده

خیار نقد ایله مخیر اولان مشتری مدت معینه ایچنده  
وفات ایدر ایتسه بیع باطل اولور



( فصل رابع )

( خیار تعیین بیانده در )

۳۱۶ ماده

قیمتدن ایکی یاخود اوچ شیئک بشقه بشقه بهالری بیان  
اولندهرق بونلردن مشتری دیلدیکنی المق یاخود بایع  
دیلدیکنی ویرمک اوزره صاتمق صحیح اولور  
بوکا خیار تعیین دینلور

۳۱۷ ماده

خیار تعیینده تعیین مدت لازمدر

۳۱۸ ماده

خیار تعیین ایله مخیر اولان کیمسه مدت سعینه مرورنده  
الدیغی شیئی تعیینده مجبور اولور

۳۱۹ ماده

خیار تعیین وارثه انتقال ایدر.

مثلا اعلی و اوسط و ادنی اولمق اوزره بر جنسدن اوچ  
طوپ قاشک، اوچ یا درت کون ظرفنده مشتری قنغیسنی  
اختیار ایدر ایسه المق اوزره بایع لاعلی تعیین برینی  
صاتسه و مشتری دخی بو منوال اوزره قبول ایتمسه  
بیع منعقد اولور و مدت معینه مرورنده مشتری برینی

تعیین ایله ثمن مسماستی ویرمکه مجبور در . و قبل التعمین  
وفات ایتسه وارثی دخی اولوجهله برینی تعیند مجبور  
اولور .

( فصل خامس )

( خیاری رؤیت حقنده در )

ماده ۳۲۰

برکیمسه برمالی کورمدین اشترای ایتسه کورنجه به دک مخیردر  
کور دکیه دیلرسه فسخ ایدر و دیلرسه قبول ایدر  
بوکا خیاری رؤیت دینلور

ماده ۳۲۱

خیاری رؤیت وارثه انتقال ایتمز

بناء علی ذلک مشتری المش اولدیغی مالی کورمدین وفات  
ایتسه وارثی مخیر اولمقسزین اول ماله مالک اولور

ماده ۳۲۲

مالی کورمدین صاتان بایع ایچون خیاری رؤیت یوقدر  
مثلا برکیمسه کندویه ارثا انتقال ایدن مالی کورمدین  
صانسه بیع بلاخیاری منعقد اولور

ماده ۳۲۳

خیاری رؤیت بخشنده رؤیت مبیعک اصل مقصدی  
یلدیرن حال و محلنده واقف اولمقدن کنایه در

مثلا مشترى ایچی طیشی بردوزییه اولان سساده بز  
 وقاشك طیشنی وچمچکلی وچبوقلی قاشك چمچکرینی  
 وچبوقلرینی کوروب ودول ایچون النان قیونك مہسنی  
 واتی ایچون النان قیونك ارقہسنی یوقلایوب و ما کولات  
 ومشروبانك چاشنیسنی طاتوبده بعدہ اشترا ایلسہ خیار  
 رؤیت یوقدر

۳۲۴ ماده

نمونه کوسـتریلہرک صاتیلان شـیلرک نمونہسنی کورمک  
 کفایت ایدر

۳۲۵ ماده

مبیع نمونہدن دون جیقار ایسہ مشترى مخیر اولوب  
 دیلرسہ قبول ایدر و دیلرسہ رد ایدر

مثلا بغدادی ویاغ و بردوزییه یاپیش اولان بز وچوقہ  
 وامثالی معمولاتک نمونہسنہ باقیلہرق اشترا اولنوبده بعدہ  
 نمونہدن اشاغی ظهور ایسہ مشترى مخیر اولور

۳۲۶ ماده

خان و خانہ کبی عقرانک اشتراسندہ ہراوطہسنی کورمک  
 لازمدر . فقط اوطہلری یک نسق اولنلرک بر اوطہسنی  
 کورمک کافیدر

۳۲۷ ماده

متفاوت شیلرک طوپدن اشترا سنده هر برینی بشقه بشقه  
کورمک لازمدر

۳۲۸ ماده

مشتری متفاوت شیلرک بعضیسنی کور و بده بعضیسنی  
کور مدین طوپدن اوله رق اشترا ایتسه و کور مدیکنی  
کور دکده بکنمسه مخیر اولوب دیلر سه هپسنی بردن  
قبول ایدر و دیلر سه هپسنی بردن رد ایدر . یوقسه  
بکندیکنی الو بده بکنم. یکنی رد ایده مز

۳۲۹ ماده

اعمانک بیع و شرایی صحیح اولوب فقط و صفنی بیلدیکی  
برمال اشترا ایتدکده مخیر اولور  
مثلا و صفنی بیلدیکی برخانه اشترا ایلسه مخیر اولوب  
و صفنی او کوردکده دیلر سه قبول ایدر و دیلر سه رد ایدر  
۳۳۰ ماده

مبیع قبل الشرا اعمایه وصف و تعریف اولنوبده اشترا  
ایلسه مخیر اوله ماز  
۳۳۱ ماده

اعمانک یوقلامق ایله معلوم اولان شیلرده ایله طوتوب  
یوقلامسیله و قوقلیه جق شیلرده قوقلامسیله و طاتیله جق  
شیلرده طاتمسیره مخیرلکی ساقط اولور

یعنی بومثللو شیلری یوقلایوب و قوقلایوبده بعده اشترا  
ایسه بیعی صحیح و لازم اولور  
ماده ۳۳۲

برکیمسه شرا قصدیه یعنی ایچی کوزیله کورمش  
اولدیغی مالی برمدت صکره اول مال اولدیغی بیلهرک  
اشترا ایتسه خیبار رؤیتی یوقدر . فقط اول مالده برتغیر  
حاصل اولمش ایسه اولوقت مخیر اولور  
ماده ۳۳۳

مببعك اشتراسنه یاخود قبضنه وکیل اولان کیمسه نك  
رؤیتی اصیلک رؤیتی کبیدر  
ماده ۳۳۴

رسولک یعنی مجرد مببعی الوب کوندرمکه مأمورا  
کوندر یلان آدمک رؤیتی مشترینک خیبار رؤیتی  
اسقاط اینلز  
ماده ۳۳۵

مشترینک مببعده تملکک لوازمندن اولان بروجمله  
تصرف ایتمی خیبار رؤیتی اسقاط ایدر

( فصل سادس )

( خيار غيب بيانده در )

ماده ۳۳۶

بيع مطلق مبيعك عيبدن سالم اولسنى اقتضا ايدر  
يعنى عيو بدن برائتى شرط ايمكسزىن و صماغلام  
و چوروك و قصورلى و قصورسز ديمكسزىن مال صاتمق  
مالك صماغلم و عيپسز اولسنى ايجاب ايدر

ماده ۳۳۷

بيع مطلق ايله صاتيلان برمالك عيب قديمى تين ايتدكده  
مشتري مخيردر ديلرسه رد ايدر و ديلرسه ثمن مسما ايله  
قبول ايلر . يوقسه مالى اليقويوبده عيبى ايجون بهاسنى  
تفقيص ايده مز . ايشته بوكا خيار عيب ديلور

ماده ۳۳۸

عيب ديو اهل و اربابى بيننده مالك بهاسنه ايراث نقصان  
ايدن قصوره ديرلر

ماده ۳۳۹

عيب قديم بايع ينده ايكن مبيعه موجود اولان قصوردر

ماده ۳۴۰

بعدا لبيع قبل القبض بايع ينده ايكن مبيعه حادث اولان  
عيب موجب رد اولان عيب قديم حكمنده در

۳۴۱ ماده

بایع حین بعهده مبیعک بر عیننی بیان ایدرک مشتری اولی  
عیب ایله قبول ایتدکده اول عیب سببیله مخیر اوله ماز

۳۴۲ ماده

بایع بر مالی هر عیب دعواسندن ذمتی بری اولوق شرطیله  
صاندقده مشتری ایچسون خییار عیب یوقدر

۳۴۳ ماده

مشتری بر مالی هر عیبیله مقبولدر دیو اشترا ایلسه ارتق  
انده عیب دعواسنه صلاحیتی یوقدر

مثلا مشتری بر حیوانی کور طوپال چوروک چاریق  
هرنه ایسه مقبولدر دیو صاتون ایسه ارتق عیب  
قدیمی وار ایتمش دیو رد ایده من

۳۴۴ ماده

مشتری مبیعک عیننه مطلع اولدقدن صکره انده تملکک  
لوازمندن اولان بوجه ایله تصرف ایسه خییار عیبی  
اسقاط ایتمش اولور

مثلا مشتری مبیعی عیب قدیمنه بعد الاطلاع بیعه عرض  
ایسه یعنی صاتیلقه چیقارسه عیب رضادیمک اوله رق  
ارتق رد ایده من

۳۴۵ ماده

مبيعك مشترى عندنده بر عيبي حادث اولدقدن صكره  
 عيب قديمى ميدانه چيقسه مشتريتك بايعه رد اتمكه  
 صلاحيتى اوليوب فقط نقصان ثمن ادعاسنه صلاحيتى  
 واردر

مثلا مشترى صتون الديغى بر طوپ قاشى كسوب  
 بچيدكدن صكره چوروك يا خود ياتقين اولوق مثلو بر عيب  
 قديمه مطلع اولسه چونكى كسوب بچمسيله بر ايكي  
 قصور دها پيدا اولديغندن رد ايده ميوب فقط عيب  
 قديمندن طولايى نقصان ثمن الور

۳۴۶ ماده

نقصان ثمن بيغرض اهل و قوفك اخبارى ايله معلوم  
 اولور

شويله كه مبيعك بر كره سالما و بر كره معيبا قيمتى تقويم  
 و تقدير اولنوب بو ايكي قيمت بيننده كى تفاوت سالما  
 اولان قيمتك قاچده برى ايسه ثمن مسمالك اول نسبتله  
 نقصانى نقصان ثمن اعتبار اولنور

مثلا مشترى التمش غروشه الديغى بر طوپ قاشى كسوب  
 بچيدكدن صكره عيب قديمه مطلع اولدقده اهل و قوف  
 اول قاشك سالما قيمتى التمش و عيب قديمى ايله قيمتى



قرق بش غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر نقصان ثمن  
اونش غروش اولغله مشتری نك انی طلب و دعوا ایتسه  
صلاحیتی وار در

و اکر اول مالک سالما قیمتی سکسان و معیبا قیمتی التمش  
غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر اشبو ایکی قیمت بیننده کی  
تفاوت که یکرمی غروشدر سکسان غروشک ربعی اولغله  
ثمن مسمانک ربعی اولان یکرمی غروشی مشتری نك طلب  
و دعوا یه صلاحیتی اولور

و اکر اول قاشک سالما قیمتی اللی و معیبا قیمتی قرق  
غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر ایکی قیمت بیننده تفاوت  
اولان اون غروش اللی غروشک خسی اولغله ثمن  
مسمانک خسی اولان اون غروش نقصان ثمن اعتبار  
اولور

۳۶۷ ماده

عیب حادث زائل اولسه عیب قدیم ینه ردی موجب  
اولور

مثلا بر حیوان اشترأ اولنوبده مشتری عندنده خسته  
اولدقدن صکره عیب قدیمی میدانه چیقسه آنی بایعه رد  
ایده میوب نقصان ثمن آور فقط اول خسته بق زائل اولسه  
مشتری عیب قدیمی ایله اول حیوانی بایعه رد ایدر

۳۴۸ ماده

بایع اگر مشتری عندننده بر عیب حادث اولدقدن صکره  
عیب قدیمی میدانه چیقان مبیعی اول عیب حادث ایله  
کیرو المغه راضی اولور ایسه مانع زد بولندیغی  
تقدیرده مشتریک نقصان ثمن ادعاسنه صلاحیتی قالمیوب  
یامبیعی بایعه ردیاخود تمام بهاسیله قبول ایتمکه مجبور اولور  
حتی مشتری اول مالی عیب قدیمه مطلع اولدقدن صکره  
آخره صاتسه ارتق نقصان ثمن ادعاسنه صلاحیتی قالماز  
مثلا مشتری بر طوپ بز الوب کوملک کسدکدن صکره  
چوروک ایدوکند مطلع اولدیغی حالده صاتسه بایعدن  
نقصان ثمن ادعا ایده مز

زیرا بایع بنانی عیب حادث ایله یعنی کسملش اولدیغی  
حالده الوردیم دیه بیله جکندن مشتری انی صاتمسیله  
حبس و امساله ایتمش اولور

۳۴۹ ماده

زیاده یعنی مبیعه مشتریک مالندن بر شئیک ضم و علاوه سی  
مانع رد اولور

مثلا بزى دیکمک یاخود بویاتمق ایله مشتریک ایلیکی  
یاخود بویاسی بزه ضم اولنمق و کذا عرصه به مشتری  
طرفندن اجاج دیکمک رده مانعدر

۳۵۰ ماده

مانع رد بولندیغی حالده بایع راضی اولسه دخی معیب  
اولان مبیعی کیر و الله میوب نقصان ثمن ویرمکه مجبور  
اولور

حتی مشتری اول مالی عیب قدیمنه مطلع اولدقن صکره  
صاتسه بیله بایعدن نقصان ثمن الله بیلور

مثلا مشتری صاتون الدیغی برطوپ بزرن ~~ک~~ و ملک  
بیچدیروب دیکدیردکن صکره بزک چوروک اولدیغنه  
مطلع اولدقده بایع راضی اولسه دخی استر زاد ایده میوب  
نقصان ثمن ویرمکه مجبور اولور و مشتری اول کوملکی  
صاتسه بیله بزک نقصان ثمنی بایعدن الور

زیرا بوضورته مشتری نک مالی اولان ایملک مبیعه علاوه  
والتحاقی مانع رد اولغله بایع بن انی بویله کسلس و دیکلمش  
اولدیغی حالده الوردم دیمکه صلاحیتی اولیه جغندن  
مشتری انی بیع ایله حبس و امساک ایتمش اولماز

۳۵۱ ماده

صفتیه واحده ایله اشترای اولنان شیلرک بعضیسی معیب  
چیقدقه قبل القبض ایسه مشتری مجموعنی رد ایدر  
یاخود ثمن مسما ایله قبول ایلیر یوقسه معیبی رد ایدوبده  
دیگری ایقویغنه صلاحیتی یوقدر . واکر بعد القبض

ایسه تفریقنده ضرر اولدیغی حالده یالکز معیب اولان  
 ثمن مسمان سالما حصه سیله رد ایدر و بایعک رضاسی  
 اولدقجه ایکیسنی بردن رد ایدمز . اما تفریقنده ضرر  
 اولدیغی حالده مجموعنی بردن رد ایدر یا خود مجموعنی  
 ثمن مسما ایله قبول ایلر

مثلا قرق غروشه النان ایکی فسدن بریسی قبل القبض  
 قصورلی چیقسه ایکیسنی بردن رد ایده بیلور . و اگر بعد  
 القبض بریسی قصورلی چیقسه یالکز انی سالما قیمتی قاچ  
 غروش ایسه قرق غروشدن تنزیل ایله رد ایدر . فقط  
 بر جفت ایاق قابی النوبده بعد القبض برتکی قصورلی  
 چیقسه ایکیسنی بردن رد ایله تماما آقچه سنی استرداد  
 ایده بیلور

۳۵۲ ماده

مکیلات و موزوناتن اوله رق بر شخص بر چنسدن اولق  
 اوزره اشترا و قبض ایتش اولدیغی مقدار عینک بعضیسنی  
 چوروك بولسه مخیر در دیلر سه جله سنی قبول ایدر  
 و دیلر سه جله سنی رد ایدر

۳۵۳ ماده

بغدای و امشالی حبویات طپراقلی چیقدیغی تقدیرده عاده  
 قلیل عد اولنور سه بیع صحیح و لازم اولور و اگر

بین الناس عیب عد اولنور درجده ایسه مشتری  
مخیر اولور

ماده ۳۵۴

یمورطه وجوز مقولهسی شیلرک بعضیسی فنا وچوروک  
چیقهسه یوزده اوچ کبی عرفا وعاده استکشار اولنیه جق  
درجهسی معفو اولور ۰ واکر قصورلی چیقان یوزده  
اون کبی چوق اولورسه معفو اولوب مشتری جمله  
میعی بایعه رد ایله تماما ثمنی کیرو الور

ماده ۳۵۵

میعی اکر اصلا منتقع به اولیه جق حالدہ ظهور ایدر ایسه  
بیع باطل اولوب مشتری تماما ثمنی استرداد ایلر  
مثلا اشتر اولنان یمورطه اصلا ایسه یرامن صورته  
بوزوق چیقهسه مشتری تماما آقچه سنی کیرو الور

( فصل سابع )

( غبن و تغیر بیاننده در )

ماده ۳۵۶

بیعه بلا تغیر غبن فاحش بولنسه مغبون اولان کیسه  
بیعی فسخ ایده من  
قط مال یتیمی بلا تغیر اولنسه دخی غبن فاحش ایله

بيع صحيح اولماز مال وقف و بيت المال دخی مال یتیم  
حکمنده در

ماده ۳۵۷

متبايعاندين بری ديکريني تغير ايدوبده بيعدہ غبن فاحش  
اولديغی تحقق ايتدکده مغبون اولان کيمسه بيعی فسخ  
ايدہ بيلور

ماده ۳۵۸

غبن فاحش ايله مغبون اولان کيمسه نک وفاتنده تغير  
دعوایي وارثه انتقال ايتز

ماده ۳۵۹

تغیر اولنان مشتری بيعدہ غبن فاحش اولديغنه مطلع  
اولدقن صکره مبيعدہ تملکک لوازمندن اولان بروجہ  
ايله تصرف ايدر ايسه ارتق حق فسخی قالماز

ماده ۳۶۰

تغیر و غبن فاحش ايله اشترا اولنان مبيع تلف یا مستهلک  
اولسه و یا خود اول مبيعدہ معيب اولمق و عرصه  
اولوبده اوزرينه بنا ياپلق کبی بر کیفیت حدوث ايتسه  
مغبون اولان کيمسه نک بيعی فسخه صلاحیتی قالماز

## ( باب سابع )

( بیعک انواع و احکامی بیاننده اولوب الی فصله منقسمدر )

## ( فصل اول )

## ( بیعک انواعی بیاننده در )

۳۶۱ ماده

بیعک انعقادنده رکنی اهلندن یعنی عاقل و میزدن صدور  
ایتک و حکمی قابل اولان محله مضاف اولوق شرطدر

۳۶۲ ماده

رکننده خلل اولان بیع مثلا مجنونک بیعی باطلدر

۳۶۳ ماده

بیعک حکمنی قابل اولان محلی موجود و مقدور التسلیم  
و مال متقوم اولان مبیعدر

بناء علی ذلك معدومک و مقدور التسلیم و مال متقوم اولمیان

شیتک بیعی باطلدر

۳۶۴ ماده

انعقاد بیعک شرطی بولنوبده بعض او صاف خارجیه سی  
اعتباریه مشروع اولمازسه مثلا مبیع مجهول یا خود

ثمنده خلل واقع اولور ایسه بیع فاسد اولور

۳۶۵ ماده

بيعك نافذ اولسى ايچون بايع مبيعه مالك يا خود مالک  
صاحبنك و كيلي يا وليسى يا وصيسى اولقى وغيرك حقي  
اولماق شرطدر

۳۶۶ ماده

بيع فاسد عند القبض نافذ اولور  
يعنى مشتريتك مبيعه تصرفي جاز اولور

۳۶۷ ماده

خيار اتدن بريسى بولنور ايسه بيع لازم اولماز

۳۶۸ ماده

بيع فضولى و بيع مرهون كبي غيرك حقي تعلق ايدن بيع  
اول غيرك اذنه موقوفا منعقد اولور

( فصل ثانى )

( انواع بيوعك احكامى بيانده در )

۳۶۹ ماده

بيع منعقدك حكيمى ملكيتدر  
يعنى مشتريتك مبيعه و بايعك ثمنه مالك اولمسيدر

۳۷۰ ماده

بيع باطل اصلا حكيمى افاده ايتمز



بناء عليه بيع باطله مشتری بايعك اذنيه مبيعي قبض  
 ايتدكده مبيع مشتری خندنده امانت قبيلندن اوله رق  
 بلاتعد تلف اولسه مشتری يه ضمان لازم كلز  
 ۳۷۱ ماده

بيع فاسد عند القبض حکمی افاده ايدر  
 یعنی مشتری بايعك اذنيه مبيعي قبض ايتدكده اکا مالک  
 اولور  
 بناء عليه بيع فاسد ايله اشترا اولنان مبيع مشتری خندنده  
 تلف اولسه ضمان لازم کلور . شوبله که مثلياتدن ايسه  
 مثلنی و قيمياتدن ايسه يوم قبضنده کی قيمتی مشتری نك بايعه  
 ویرسی لازم اولور  
 ۳۷۲ ماده

بيع فاسدده عاقديندن هر برينك بيعی فسخ ايتدکه حق  
 وارد  
 فقط مبيع اگر مشتری ينده تلف اولور ايسه يا خود  
 مشتری انی استهلاك و ياد يکره بيع صحيح ايله بيع ياهبه  
 کبی بر صورتله نندن چيقارر ايسه و يا خود مبيع خانه  
 اولوبده تعمیر اولمقی و يا عرصه اولوبده اجاج دیکلمک  
 کبی بر صورتله مشتری طرفندن مبيعه برشی علاوه  
 و يا خود بغدادی اولوبده طحن ايله اون ايدلمک کبی

مبیعك اسمی دكيشه جك صورتله تغییر ایدیلور ایسه حق  
فسخ قالمز

۳۷۳ ماده

بیع فاسد فسخ اولندوقده اکر قبض ثمن اولنش ایسه  
بایع ثمنی رد ایدنجه یه دك مشترینك مبیعی حبس ایتك

حق واردر

۳۷۴ ماده

بیع نافذ فی الحال حکمی افاده ایدر

۳۷۵ ماده

بیع نافذ لازمه متبایعاندن هیچ بریسی دونه من

۳۷۶ ماده

بیع غیر لازمه مخیر اولان کیمسه بیعی فسخ ایده یلور

۳۷۷ ماده

بیع موقوف عندالاجازه حکمی افاده ایدر

۳۷۸ ماده

بیع فضرلیده مالی صاحبی ویاوکیلی یاخود وایسی

یاخود وصیسی اجازت ویررایسه نافذ وویرمن ایسه

منفسخ اولور . فقط اجازتمده بایع و مشتری و مجیر

ومبع قائم اولوق شرطدر بونلردن بریسی هلاک اولسه

اجازت جائز اولمز

۳۷۹ ماده

بيع مقايضه بدينك ايکيسنده مبيع حکمنده اولديغندن  
 بوزلرده مبيعك شرائطي معتبردره . فقط تسليمجه منازعه  
 وقوعنده متبايعان ايکيسي بردن تسليم وتسلم ايدرلر

( فصل ثالث )

( سلم حقنده در )

۳۸۰ ماده

بيع کبي سلم دخي ايجاب وقبول ايله منعقد اولور  
 مثلا مشتری بايعه يوز کيله بغدادی ایچون بيك غروش سلم  
 ويردم ديوب اول دخي قبول ايتدکده (سلم) منعقد اولور

۳۸۱ ماده

سلم انجق مقداريني وصفتنی مثلا اعلالغنی یا ادنالغنی  
 تعیین ايتك قابل اولان شيلرده صحیح اولور

۳۸۲ ماده

مکيلات وموزونات ومذروعاتک مقداری کيل ووزن  
 وذراع ايله تعیین اولنور

۳۸۳ ماده

اعدديات متقاربانك تعیین مقداری صایي ايله اولديغنی کبی  
 کيل ووزن ايله دخي اولور

۳۸۴ ماده

طوغله و کرپیج کبی عددیاتک قالببری معین و معلوم اولمق  
لازمدر

۳۸۵ ماده

بز و چوقه امثالی ذراعیاتک طول و عرضی و رقتی و نهدن  
معمول و زره نک ایشی تعیین اولنمق لازمدر

۳۸۶ ماده

سملک صحتمنده و مبیعک جنسی مثلا بغدای و پرنج و خورما  
دیو و نوعی مثلا یغمور ایله یاسقی ایله حاصل اولان دیو  
و صفقی مثلا اعلا یا خود ادنا دیو تعیین و کرک مبیعک  
و کرک ثمنک مقداری و مبیعک زمان و مکان تسلیمی بیسان  
اولنمق شرطدر

۳۸۷ ماده

صحت سملک بقاسنده ثمنک مجلس عقدده تسلیمی شرطدر  
و عاقدین قبل التسلیم افتراق ایدر لر ایسه عقد سلم منفسخ  
اولور

( فصل رابع )

( استصناع بیاننده در )

۳۸۸ ماده

بر کیمسه اهل صنایعدن برینه بکا شو قدر غروشه شویله

یرشی یاب دیوب اودخی قبول ایتسه استصناعا بیع منعقد  
اولور

مثلاً مشتری پاپوشچی یه ایاغنی کوستره رک فلان نوع  
سختیاندن شو قدر غروشه بکا برچفت پاپوش یاب دیوب  
اودخی قبول ایتسه یاخود مرانقوز ایله طول و عرضی  
و اوصاف لازمه سنی بیان ایدرک بر قایق یاخود کمی  
یا بمق اوزره بازارلق ایتسه استصناع منعقد اولور  
کذلک طول و حجمی و سائر اوصاف لازمه سی بیان  
اولنهرق هر بری شو قدر غروشه اولوق اوزره بر  
فایقه جی ایله شو قدر ایکنه لی تفنک یا بمق اوزره بازارلق  
اولنسه استصناع منعقد اولور

۳۸۹ ماده

استصناعی متعامل اولان شیرده علی الاطلاق استصناع  
صحیحدر . اما تعامل جاری اولمیان شیرده مدت بیان  
اولنور ایسه سلم اولوب انده شرائط سلم معتبردر . و  
اگر مدت بیان اولنمازسه ینه استصناع قبیلندن  
اولور

۳۹۰ ماده

استصناعده مصنوعک مطلوبه موافق اوله جق و جهله  
توصیف و تعریفی لازمدر

۳۹۱ ماده

استصناعده پشین آنچه ویرمک لازم دکلدن

۳۹۲ ماده

استصناع منعقد اولدقدن صکره طرفین بازارلقدن  
 دونه مز • فقط مصنوع اکر تعریفه موافق اولمزسه  
 مستصنع مخیردر

( فصل خامس )

( بیع مریضک احکامی بیانده در )

۳۹۳ ماده

بر مریض مرض موتنده ایکن ورثه مندن بریسنه برشی  
 صاتسه دیکر وارثلرک اجازتنه موقوف اولوب مریضک  
 وفاتندن صکره اجازت ویردرلر ایسه نافذ اولور ویرمزلر  
 ایسه نافذ اولماز

۳۹۴ ماده

مرض موتنده ایکن مریض حین وفاتنده کندوبه وارث  
 اولمیان برینه ثمن مثلیله برشی صاتسه صحیح و معتبر  
 اولور • و اکر محایات یعنی ثمن مثلندن نقصان ایله بیع  
 و تسلیم ایتدکدن صکره فوت اولسه ثلث مالی محایاته  
 مساعد اولدیغی تقدیرده بیع ینه صحیح و معتبر اولور

وثلث مالی محایاته مساعد اولدیغی صورتده مقدار نقصانی  
 مشتری اکیله مجبور اولور . و اکیال ایتز ایسه ورثه  
 بیعی فسخ ایده بیلور  
 مثلا بیک بش یوز غروش قیمتلو بر خانه دن بشقه نسنه یه  
 مالک اولمیان مرض موتدن اول خانه سنی وارثی اولمیان  
 بر کیسه یه بیک غروشه بیع تسلیم ایتدکن صکره فوت  
 اولسه محایات ایتش اولدیغی بشیوز غروش ثلث ماله  
 مساعد اولغله بیع صحیح و معتبر اولوب ورثه بو بیعی  
 فسخ ایده مز . و اگر مریض اول خانه نی بشیوز  
 غروشه بیع و تسلیم ایتش اولسه محایات ایتش اولدیغی  
 بیک غروش ثلث مالک ایکی قاتی اولغله ورثه مشتری یه  
 ثمنی مبیعک ثلثان قیمتده ابلاغ ایت دیو تکلیف ایتدکننده  
 مشتری ناقص اولان بشیوز غروشی ویرر ایسه ورثه  
 بیعی فسخ ایده مز و اگر ویرر ایسه بیعی فسخ ایله  
 خانه نی استرداد ایده بیلور  
 ماده ۳۹۵

ترکیبی مستغرق دیون اولان کیسه مرض موتده مالنی  
 ثمن مثلندن نقصان ایله صاتوبده فوت اولدیغی صورتده  
 داینلری مبیعک ثمن مثلنی مشتری یه اکیال ایتدیرر و  
 اکیال ایتزسه بیعی فسخ ایده بیلور

( فصل سادس )

( بیع الوفا حقه‌ده در )

ماده ۳۹۶

بیع وفاده بابع ثمنی ردایله مبیعی استرداد ایده بیلدیگی کبی  
مشتري دخی مبیعی ردایله ثمنی استرداد ایده بیلور

ماده ۳۹۷

بیع وفا ایله صاتیلان مبیعی کرک بابع و کرک مشتري  
آخره صاته من

ماده ۳۹۸

مبیعک منافعه‌دن بر مقداری مشتري یه عائد اولمق اوزره  
شرط قلنسه اول شرطه رعایت اولنور

مثلا وفاء صاتیلان باغک اوزومی بابع ایله مشتري بیننده  
مناصفة تقسیم اولمق اوزره بالتراضی مقاوله ایتسه لر

اول مقاوله موجبجه عمل اولمق لازم کلور

ماده ۳۹۹

وفاء صاتیلان مالک قیمتی دینه مساوی اولدیغی حاده  
مشتري یدنده تلف اولسه مقابلی اولان دین ساقط اولور

ماده ۴۰۰

وفاء صاتیلان مالک قیمتی دیندن ناقص اولدیغی حاده  
مشتري یدنده تلف اولسه قیمتی مقدار دیندن ساقط اولور



و اوست طرفنی دخی مشتری بایعدن اخذ و استرداد  
ایله

۴۰۱ ماده

وفاء صاتیلان مالک قیمتی دیندن زیاده اولدیغی حالده  
مشتری یدنده تلف اولسه قیمتندن دین مقابلی اولان  
مقداری ساقط اولور و تعدی و قوعبولش ایسه زیاده بی  
دخی مشتری ضامن اولور و اگر بلا تعد تلف اولمش  
اولسه اول زیاده بی مشتری نیک اوده سی لازم کلز

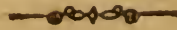
۴۰۲ ماده

بیع وفاده متبایعاندن بریسی فوت اولدوقده حق فسخ  
وارثه انتقال ایله

۴۰۳ ماده

مشتری اله جعنی استیفا ایتدیجه وفاء اشترا ایتمش اولدیغی  
ماله بایعک دیگر غریملری مداخله ایده مز

اراده سنیه تاریخنی فی ۸ محرم سنه ۲۸۶





— ❖ ❖ ❖ — كتاب الاجارات — ❖ ❖ ❖ —

✽ صورت خط همایون ✽

موجب‌بنجه عمل اولنه

— ✽ کتاب ثانی ✽ —

( اجارات حقنده اولوب بر مقدمه ایله سگز بابی شاملدر )

( مقدمه )

( اجازیه متعلق اولان اصطلاحات بیاننده در )

۴۰۴ ماده

اجرت • کرا یعنی بدل منفعت و ایجار کرایه و یرمک  
و استیجار کرا ایله طوتمق دیمکدر

۴۰۵ ماده

اجاره • لغت عربده اجرت معناسنه در فقط ایجار  
معناسنده دخی استعمال اولنمشدر اصطلاح فقهاده  
منفعت معلومه بی عوض معلوم مقابله سندن بیع ایتمک  
دیمکدر

۴۰۶ ماده

اجاره لازمه • خیيار شرط و خیيار عیب و خیيار رؤیتدن

عاری اولان اجاره صحیحه در که طرفیندن بریسی بلاعذر  
 بونی فسخ ایدمز  
 ماده ۴۰۷

اجاره منجزه . وقت عقددن اعتبارا ایجاردر  
 ماده ۴۰۸

اجاره مضافه . کله جک بر وقت معیندن اعتبارا  
 ایجاردر

مثلا کله جک فلان آیک ابتدا مندن اعتبارا بر خانه بوقدر  
 مدت ایچون شو قدر غروشه ایجار اولنسه اجاره مضافه  
 اوله رق منعقد اولور

ماده ۴۰۹

آجر . اجاره یه ویرن کیسه در ضم میم ایله مکاری  
 و کسر جیم ایله موجر دخی دینلور  
 ماده ۴۱۰

مستأجر . کسر جیم ایله استیجار ایدن کیسه در  
 ماده ۴۱۱

مأجور . کرایه ویریلان شیدر جیملرک فتحیله موجر  
 و مستأجر دخی دینلور  
 ماده ۴۱۲

مستأجر فیه . اجیرک عقد اجاره ایله التزام ایلدیکی

عملی ایضا ایچون مستأجر طرفندن کندوسنه تسلیم  
اولنان مالدر

البسه دیکمک اوزره درزی به ویریلان قاش و نقل ایچون  
حاله ویریلان حوله کبی

۴۱۳ ماده

اجیر • نفسنی کرایه ویرن کیسه در

۴۱۴ ماده

اجر مثل • بیغرض اهل وقوفک تقدیر ایتدکری اجرتدر

۴۱۵ ماده

اجر مسمی • حین عقدده ذکر و تعیین اولنان اجرتدر

۴۱۶ ماده

ضمان • برشیئک مثلیاتدن ایسه مثلنی و قیامتدن ایسه

قیمتنی ویرمکدر

۴۱۷ ماده

معد للاستغلال • کرایه ویرملک اوزره اعداد و تعیین

اولنمش شیدر که فی الاصل کرایه ویرملک اوزره یا پلش

یا آلمش خان و خانه و حمام و دکان کبی عقارات ایله کرا

عربه سی و کرا بار کیری مثللو شیلردر

و برشیئک علی التوالی اویچ سنه ایچا راولنمی معد

لاستغلال اولدیغند دلیلدر

و بر کیمسه نفسی چون یابد رمش اولدیغی بر شـ یئک معد  
 للاستغلال اولدیغنی ناسه اخبار و اعلام ایله معد للاستغلال

اولور

۴۱۸ ماده

مسترضع • اجرت ایله سوت اناطوتان کیمسه در

۴۱۹ ماده

مه‌ایاه • تقسیم منافعدن عبارتدر

مثلا بر خانه ده مشترک اولان ایکی کیمسه بر سنه بری و دیگر  
 سنه دیگری مناوبه انتفاع ایتک اوزره قرار و بر ملک کبی

( باب اول )

( ضوابط عمومیہ بیاننده در )

۴۲۰ ماده

اجاره ده معقود علیه منفعتدر

۴۲۱ ماده

معقود علیه اعتباریله اجاره ایکی نوعدر

نوع اول منافع اعیان اوزرینه وارد اولان عقد اجاره

اولوب ایجار اولنان شیئه عین مأجور و عین مستأجر دخی

دینلور و اشبو نوع اول اوج قسمه تقسیم اولنور

قسم اول اجاره عقاردر • خانه و اراضی ایجاری کبی

قسم ثانی اجاره عروضدر . البسه و او انی ایجاری کبی

قسم ثالث اجاره حیواندر

نوع ثانی عمل اوزرینه وارد اولان عقد اجاره اولوب  
بوندن . مأجوره اجیر دینلور اجرتله عمله و خدمه طوتمق  
کبی

حرف و صنایع اصحابنی استیجار ایتک دخی بوقبیلندرکه  
مثلا قاش درزیدن اولوق اوزره البسه کسدرمک  
استصناع اولدیغی کبی درزی یه قاش و یروپده البسه  
دیگدرمک دخی عمل اوزرینه اجاره دیمکدر

۴۲۲ ماده

اجیر ایکی قسمدر

قسم اول اجیر خاصدرکه یالکنز مستأجره ایشلمک اوزره  
طوتیلان اجیردر . آیلقلی خدمتکار کبی

قسم ثانی اجیر مشترکدرکه مستأجردن بشقه سنه ایشلامک  
شرطیله مقید اولمیان اجیردر

مثلا حال و دلال و درزی و ساعتچی و قیومچی و اسکله  
قایقچیسی و کرا عربه جیسی و قریه چوبانی هب اجیر  
مشترکدرکه بر شخصه مخصوص اولیوب هرکس ایچون  
ایشلیبه بیلورلر فقط بونلردن بری فلان وقته قدر یالکنز  
مستأجره ایشلمک اوزره استیجار اولندقدنه اول مدت



ظرفنده اجیر خاص اولور کذک بر جمال یا خود  
 عربہ حی یا قایقچی فلان محلہ قدر بشقہ سنہ ایشلیوب  
 مستأجره مخصوص اولق اوزره استیجار اولندقدہ  
 اورایه وارنجیه قدر اجیر خاص اولور

۴۲۳ ماده

اجیر خاصک مستأجری بر شخص اولدیغی کبی شخص  
 واحد حکمنده اولان متعدد شخصلر دخی اوله پیلور  
 بناء علیہ برقریه اهالیسی کندولرینه مخصوص اولق  
 اوزره عقد واحد ایله برچوبان استیجار ایتدکرنده اول  
 چوبان اجیر خاص اولور اما کندولرندن بشقہ سنک  
 حیوانی دخی رعی ایلسنی تجویز ایتدکاری صورتده  
 اول چوبان اجیر مشترک اولور .

۴۲۴ ماده

اجیر مشترک اجرتہ استحقاقی عمل ایله در

۴۲۵ ماده

اجیر خاصک اجرتہ استحقاقی مدت اجازده عمل ایچون  
 حاضر بولنمسیله در یوقسه بالفعل ایشلمی شرط دکدر  
 فقط عملدن امتناع ایدهمز وایدرسه اجرتہ مستحق

اولماز

۴۲۶ ماده

عقد اجاره ایله منفعت معینه به مستحق اولان کیمسه عینا  
اول منفعتی یا مثلنی یا خود مادوننی استیفا ایده بیلور .  
اما مافوقنه تجاوز ایده من

مثلا تیمورجیلک ایشلمک اوزره استیجار اولنان دکانده  
مستأجر مضرته تیمورجیلکه مساوی یا خود اندن  
اهون بر صنعتی اجرا ایده بیلور و بر کیمسه ساکن اولمق  
اوزره استیجار ایلدیکی خانه ده ساکن اولمیوبده اشیا  
وضع ایده جک اولسه جائز اولور . اما عطارلق  
ایتمک اوزره استیجار ایلدیکی دکانده تیمورجیلک ایشلیه من  
۴۲۷ ماده

هرشی که مستعملینک اختلافیه مختلف اوله انده تقید  
معتبردر

مثلا بر کیمسه نك ركوبی ایچون استکرا اولنان آنه  
بشقه سی ارباب اولنه من

۴۲۸ ماده

هرشی که مستعملینک اختلافیه مختلف اولیه انده تقید  
لغودر

مثلا بر کیمسه نك سکناسی ایچون استیجار اولنان خانه ده  
بشقه سی اسکان اولنه بیلور

۴۲۹ ماده

كرك قابل تقسيم اولسون و كرك اولسون بر كيمسه  
 حصه شايعه سنی شريكنه ايجار ايدہ بيلور ايسه ده  
 آخره ايجار ايدہ مز . فقط بعد المہایاہ نوبتی ايجار  
 ايدہ بيلور

۴۳۰ ماده

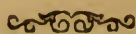
شيوخ طاری عقد اجاره بی افساد ایتز  
 مثلا بر كيمسه خانه سنی ايجار ایتد كدن صكره نصف  
 حصه سی بر مستحق طرفندن ضبط اولنسه . باقی حصه  
 شايعه حقنده اجاره باقی قالور

۴۳۱ ماده

ایکی شريك بر لنگده اوله رقی مال . مشتری شخص آخره  
 ايجار ايدہ بيلور لر

۴۳۲ ماده

بر شینی ایکی كشی به ايجار ایتك جائزدر . وهر بری  
 اجرتدن كندو حصه سینه عائد اولان مقداری و یروب  
 یكدی كره كفیل اولدقجه برینك حصه سی دیکردن  
 الله ماز



## ( باب ثانی )

( عقد اجاره یه متعلق مسائل بیاننده اولوب درت فصلی حاویدر )

## ( فصل اول )

( رکن اجاره یه دائر اولان مسائل بیاننده در )

۴۳۳ ماده

بیع کبی اجاره دخی ایجاب و قبول ایله منعقد اولور

۴۳۴ ماده

اجاره ده ایجاب و قبول ایجار ایتدم و کرایه ویردم

و استیجار ایتدم و قبول ایتدم کبی عقد اجاره ایچون

مستعمل اولان سوزلردر

۴۳۵ ماده

اجاره دخی بیع کبی ماضی صیغه سیله منعقد اولوب، مستقبل

صیغه سیله منعقد اولماز

مثلا بری ایجار ایده جکم دیوب دیکری استیجار ایتدم

یا خود بری ایجار ایت دیوب دیکری ایجار ایتدم دیسه

ایکی صورتده دخی اجاره منعقد اولماز

۴۳۶ ماده

اجاره مشافهه ایله اولدیغی کبی مکاتبه ایله و دلسزک

اشارت معروفه سیله دخی منعقد اولور

۴۳۷ ماده

تعاطی طریقہ دخی اجارہ منعقد اولور  
تہ کم شفاہا بازارلق اولتقسزین یولجی واپورینہ واسکله  
قایقنہ وکرا بارکیرینہ بٹک کبی کہ اجرت معلوم ایسہ اولقدر  
ودکل ایسہ اجرت مثل اعطاسی لازم کاور

۴۳۸ ماده

اجارہ ده سکوت رضا وقبول عد اولنور  
مثلا بر آدم شهریه الی غروش کرا ایله بردکان استیجار  
ایدوبده برقاچ ای ساکن اولدقدنصکره آی باشنده آجر  
اکر التمش غروشه راضی اولور ایسہ ک اتور اولماز  
ایسہ ک دکانی براق دیدکده مستأجراتی رد ایله التمش  
غروشه راضی اولم دیدکدنصکره دکانده مسترا اتورسه  
کما فی السابق الی غروش کرا لازم اولور . واکر برشی  
دیمیوب ودکاندن چیقمیوبده مسترا اتورمش ایسہ شهریه  
التمش غروش ویرمی لازم کاور

کذلک دکان صاحبی یوز غروشه و مستأجر سکسان  
غروشه دیسه وصاحبی مستأجری براغوب اولدخی دکانده  
ساکن اولسه سکسان غروش اجرت لازم اولور .  
واکر طرفین سوزلرنده اصرار ایلدکری حالده مستأجر  
ساکن اولور ایسہ اجر مثل لازم کاور

۴۳۹ ماده

بعد العقد بدلك تبديل وياتزید وياتنزيلي ايله تکرار بازارلق  
اولندوقده عقد ثانی معتبر در

۴۴۰ ماده

اجاره مضافه صحیح ووقتی حلوندن اول لازم اولور  
بناء علیه احد عاقدین مجرد وقتی کلمدی دیواجاره بی فسخ  
ایده من

۴۴۱ ماده

اجاره صحیح اوله رق منعقد اولدوقدنصکره بشقه سی اجرتیه  
نقدر ضم ایتسه آجر مجرد بونک ایچون اجاره بی فسخ  
ایده من

فقط وصی یا متولی یتیمک یاوقفک عقالینی آجر مثلندن  
نقصان ايله ایجار ایتسه اجاره فاسد اولوب آجر مثلک  
اکالی لازم کلور

۴۴۲ ماده

مس-تأجر ارث یا هبه کبی بر وجهله عین مأجوره مالک  
اولیچق اجاره نک حکمی قالماز

۴۴۳ ماده

موجب عقدله اجراسنه مانع اولور بر عذر ظهور  
ایتدکده اجاره منفسخ اولور

مثلا دو کون ایچون بر اشجی استیجار اولندقدده اح  
 زوجین فوت اولسه اجاره منفسخ اولور  
 و کذا دیشی اغریان کیمسه دیشنی چیقارمق اوزره شو قدر  
 غرو شه بردیشجی ایله مق اوله ایتشیمکن اغری زائل  
 اولیورسه اجاره منفسخ اولور  
 كذلك مسترضعك وقاتيله اجاره منفسخ اولیوب اما  
 چوجغك یاخود سود انانك وقاتيله منفسخ اولور

( فصل ثانی )

( اجاره نك شرائط انعقاد و نفاذی حقنهدر )

۴۴۴ ماده

اجاره نك انعقادنده عاقدینك اهلیتی یعنی عاقل ممیز اولمری  
 شرطدر

۴۴۵ ماده

بیوعده اولدیغی کبی اجاره نك انعقادنده دخی ایجابك  
 قبوله موافقتی و مجلس عقدك اتحادی شرطدر

۴۴۶ ماده

آجر ایجار ایده جکی شئك متصرفی یاخود متصرفنك  
 وکیللی یا ولیسی یا وصیسی اولمق لازمدر

۴۴۷ ماده

فضولینك ایجاری متصرفك اجازتنه و متصرفی صغیر

و یا مجنون ایسه اجر مثلله ایجار اولدیغی صورتده  
 و لیسنگ و یا وصیسنگ اجازته موقوفا منعقد اولور  
 فقط اجازتک صحتده دت شیئک یعنی عاقدین و مالک  
 و معقود علیهمک و بدل اجاره عروضدن اولدیغی  
 تقدیرده انک دخی قیام و بقاسی شرط اولوب بونلردن  
 برتسی معدوم اولسه اجازت صحیح اولماز

( فصل ثالث )

( صحت اجاره نک شرائطی حقهده در )

۴۴۸ ماده

اجاره نک صحتده عاقدینک رضاسی شرطدر

۴۴۹ ماده

مأجورک تعیینی لازمدر

بناء علیه ایکی دکاندن بری تعیین و تخیر ایدلمکسزین

ایجار اولسه صحیح اولماز

۴۵۰ ماده

أجرت معلوم اولوق شرطدر

۴۵۱ ماده

اجارهده منفعت مانع منازعه اوله جق وجهه معلوم

اولوق شرطدر



۴۵۲ ماده

خانه و دكا كين وسوت انا امثالنده مدت اجاره نك بيانيله  
منفعت معلوم اولور

۴۵۳ ماده

حيوان استيجار اولندوقده يوك يوكتمك ايچونميدر يوخسه  
ركوب ايچونميدر و كيم بنه جكدر بوراسنك تعييني ياخود  
ديلديكنى اركاب ايتك اوزره تعميمي ايله برابر اجاره نك  
مدتى ياخود مسافه سى دخى بيان اولتمق لازمدر

۴۵۴ ماده

اراضى استيجارنده تعين مدتله برابر نه ايش ايچون  
اولديغى بيان اولتمق وزراعت ايچون ايسه نه اكييله جكي  
تعين و ياخود مستاجر هر نه ديلرسه اكك اوزره ديو  
تمميم قلمق دخى لازمدر

۴۵۵ ماده

اهل صنعتك استيجارنده منفعتك معلوميتى عملك بيانيله  
يعنى نه يابه جغنى ونصل يابه جغنى تعين ايله اولور  
مثلا اثواب بو ياديله جق اولدوقده اثوابك بو ياجبه  
ارائه سى ياخود غلظت و رقتك بيلديرلسى ورنكسك  
بيانى لازمدر

۴۵۶ ماده

اشیا نقلنده اشارتله و نقل اولنه جق محلك تعیینيله منفعت

معلوم اولور

مثلا شویوکی فلان محله نقل ایده جکسک دینلدکده یوک

مشاهده و مسافه معلوم اولدیغی جهتله منفعت دخی

معلوم اولور

۴۵۷ ماده

منفعت مقدر الاستیفا اولق شرطدر

بناء علیه برفراری حیوانک ایجاری صحیح اولماز

( فصل رابع )

( اجاره‌نک بطلان و فسادى حقه‌ده در )

۴۵۸ ماده

انعقاد اجاره‌نک شرائطندن بری بولنمسه اجاره باطل

اولور

مثلا مجنونک و صبی غیر ممیزک ایجار و استیجاری باطلدر .

فقط بعدالانعقاد آجر یا مستأجرک تجنن ایتیمسینه اجاره

منفسخ اولماز

۴۵۹ ماده

اجاره باطلده استعمال ایله اجرت لازم اولماز

فقط مال وقف و یا مال یتیم اینسه استعمال ایله اجر مثل

لازم اولور

مجنون دخی یتیم حکمنده در

۴۶۰ ماده

انعقاد اجاره نك شرطی بولنوبده شرائط صحتدن بریسی

بولنمسه اجاره فاسد اولور

۴۶۱ ماده

اجاره فاسده نافذدر . فقط اجاره فاسدهده آجر اولان

کیمسه اجر مثله مالک اولوب اجر مسمایه مالک اونماز

۴۶۲ ماده

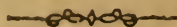
اجاره نك فسادی بعضا بدلك مجهول اولسندن و بعضا

دیگر شرائط صحتك بولنمامسندن نشأت ایدر

اولکی صورتهه بالغه مابلغ اجر مثل لازم کاور .

ایکنجی صورتهه اجر مسمایه تجاوز ایتماک شرطیله

اجر مثل لازم کاور



( باب ثالث )

( اجرتہ متعلق مسائل بیانندہ اولوب اوچ فصلی حاوید )

( فصل اول )

( بدل اجاره حقندہ در )

۴۶۳ ماده

بیعدہ ثمن اولغہ صالح اولان شیء اجارہ دہ بدل اولغہ  
صالح اولدیغی کبی ثمن اولغہ صالح اولمیان شیلر دخی  
بدل اجاره اوله بیلور

مثلا بر حیوان مقابلندہ یا خود بر خانه نک سکناسی  
مقابلندہ بر بستان استیجار اولنه بیلور

۴۶۴ ماده

بدل اجاره نقد ایسه ثمن مبیع کبی مقدارینی تعیین ایله  
معلوم اولور

۴۶۵ ماده

بدل اجاره عروضدن یا خود مکیلات یا موزونات یا خود  
عددیات متقار به دن اولدیغی حالده مقدار یله برابر  
وصفنی دخی بیان اتمک لازم کلور

و نقل جل و مؤتته محتاج اولان شیلر دہ هر نردہ تسلیمی  
شرط قلنور ایسه اورادہ ایفا اولنق لازم کلور . و مکان

ایفا بیان اولدیغی تقدیرده مأجور اکر عقار ایسه اول  
 عقار؛ اولدیغی محلهده و اکر عمل ایسه اجیرک عملی ایفا  
 ایندیگی یرده و اکر حوله ایسه اجرتک لازم اولدیغی  
 مکانده ایفاسی لازم کلور  
 اما محل و مؤنتی اولیان شیرده دیلدیگی یرده اولور

( فصل ثانی )

( اجرتک سبب لزومنه و آجرتک کیفیت استحقاقنده )  
 ( دائر اولان مسائل بیانده در )

۴۶۶ ماده

عقد مطلق ایله اجرت لازم اولماز  
 یعنی مجرد اجاره منعقد اولدیغی کبی همان بدل اجاره نك  
 تسلیمی لازم کلز

۴۶۷ ماده

تعجیل ایله اجرت لازم اولور  
 یعنی مستأجر بر وجه پیشین اجرتی تسلیم ایتمسه آجر  
 ا کمالک اولوب بعده مستأجر انی استرداد ایده من

۴۶۸ ماده

شرط تعجیل ایله اجرت لازم اولور  
 یعنی بدل اجاره نك بر وجه پیشین و برلمسی شرط قلندوقده

عقد اجاره كرك منافع اعيان اوزرينه وارد اولسون و  
 كرك عمل اوزرينه وارد اولسون هر حالده مستأجر ك  
 اول سرده بدل اجاره يي تسليم ايتمي لازم كلور  
 و اولكي صورتده آجر اجرتي استيفا ايدنجيه دك مأجوري  
 تسليم دن و ايكنجى صورتده اجير اجرتي استيفا ايدنجيه دك  
 عملدن امتناع اينده بيلور

و ايكي صورتده دخی آجر ك بر وجه پشين اجرتي مطالبه  
 اينه مستأجر ايفادن امتناع ايدر ايسه فسخ اجاره يه  
 حقي وار در

۴۶۹ ماده

استيفاي منفعت اينه اجرت لازم اولور  
 مثلا بر محله كتمك اوزره استيجار اولنان بار كيره ركوب  
 اينه اورا يه وارلدوقده آجری اجرتيه مستحق اولور

۴۷۰ ماده

اجاره صحبجه ده استيفاي منفعتيه اقتدار اينه دخی اجرت  
 لازم اولور

مثلا بر كيمسه اجاره صحبجه اينه استيجار ايلديكي خانه يي  
 قبض ايتدكدن صكره ساكن اولسه بيله اجرت و ير مسی  
 لازم كلور

۴۷۱ ماده

اجاره فاسده استيفای منفعتہ اقتدار کافی اولیوب  
حقیقۃ انتفاع بولند قبحه اجرت لازم اولماز

۴۷۲ ماده

من غیر عقد و بلا اذن بر کیمسه برینک مالنی استعمال ایتدیکی  
صورته معد للاستغلال ایسه اجر مثل لازم اولور  
دکل ایسه لازم اولماز

فقط مال صاحبی اجرت مطالبه ایتدکن صکره استعمال  
ایدر ایسه معد للاستغلال اولسه دخی اجرت اعطاسی  
لازم کلور

زیرا بو حالده استعمال ایتسیله اجرتہ لازم اولمش  
اولور

۴۷۳ ماده

اجرتک تعجیل و تأجیلی حقنده عاقدین هر نه شرط  
ایدر لر ایسه اکار عایت اولنور

۴۷۴ ماده

تأجیل بدل شرط اولندیغی صورته ابتدا آجرتک  
مأجوری تسلیم و اجیرک عملی ایضا ایلمسی لازم کلوب  
اجرتک ایفاسی ابحق مقاوله اولنسان وقت تأدیہنک  
انقضاسنده لازم اولور

۴۷۵ ماده

تعجيل و تأجيل شرطى اولمقسزين عقد اولنسان اجارهء  
مطلقهده عقد اجاره كرك منافع اعيان اوزرينه اولسون  
و كرك عمل اوزرينه اولسون هر حالده ابتدا آجرك  
ماجورى تسليم واجيرك عملى ايضا ائلسى لازم كلور

۴۷۶ ماده

اجرت اكر شهریه يا خود سنويه كنى بروقت معين ايله  
موقوف ايسه لزوم ايضامى اول وقتك انقضا سننده در  
مثلا شهریه ايسه آيك تمامنده و سنويه ايسه سنه ختامنده  
ايضا اولنقى لازم كلور

۴۷۷ ماده

اجرتك لزومنده ماجورك تسليمى شرطدر  
يعنى كرا وقت تسليمى اعتبارا ايشلر

بوصورته آجر قبل التسليم مرور ايدن مدتك اجرتنى  
اله مز . و اكر قبل التسليم مدت اجاره منقضى اولور  
ايسه اجرتدن بر شيهء مستحق اولماز

۴۷۸ ماده

ماجور ايله انتفاع بالسكليه فوت اولدوقده اجرت ساقط  
اولور

مثلا جام تعميره محتاج اولوبده تعميرى ائناسنده بر مدت



معطل قالسه اول مدتك اجرتدن حصه سنی ساقط اولور .  
 كذلك دكرمنك صوبی كسیلو بده معطل قالسه صوبك  
 انقطاعی وقتدن اعتبارا اجرت ساقط اولور . فقط  
 مستأجر اون او كوتتمكدن غیری بر صورتله اول  
 دكرمنك اوندن انتفاع ایتدكده بدل اجاره دن اكا اصابت  
 ایدن حصه یی ویرمی لازم كلور

۴۷۹ ماده

بر كیمسه بر دكان استیجار و قبض ایتمشكن بر مدت اخذ  
 واعطایه كساد عارض اولمغله صنعت ایشلمندی و دكان  
 قیالو قالدی دیو اول مدتك كراسنی اعطادن امتناع  
 ایده مز

۴۸۰ ماده

مدت اوزرینه بر قایق استیجار اولنوبده اثنای راهده  
 مدت منقضى اولسه ساخنه یناشنجیه دك اجاره متمد اولور .  
 و مستأجر فضله اولان مدتك اجر مثلنی ویرر

۴۸۱ ماده

بر كیمسه خانه سنی دیگر كسنه یه مرمت ایتك و بلا اجرت  
 ساكن اولمق اوزره ویرسه و اودخی كندو طرفندن  
 مرمت ایدرك بر مدت ساكن اولسه عاریت قبیلندن  
 اولمغله مصارف تعمیریه اول كسنه یه عائد اولور .

و صاحب خانه دخی اندن اول مدت ایچون اجرت نامنه  
برشی الهماز

( فصل ثالث )

( اجرت ایچون اجیرک مستأجر فیهی حبس )

( ایدوب ایده مامسی حقننده در )

۴۸۲ ماده

درزی و بویاچی و جامه شوی کبی عملنده اثر اولان اجیرک  
ویره سی یه مقاوله اولنماش ایسه اجرت ایچون یدنده  
مستأجر فیهی حبس ایتمکله صلاحیتی وارددر . و بو  
وجهله حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه  
ضامن اولماز فقط اجرت دخی الهماز

۴۸۳ ماده

حال و ملاح کبی عملندن اثر اولیان اجیرک اجرت ایچون  
مستأجر فیهی حبس ایتمکله صلاحیتی یوقدر  
و بو حالده حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه  
ضامن اولور و مال صاحبی بونده مخیر اولوب دیلرسه  
محمول اولهرق قیمتی تضمین ایتردر و اجرتنی ویررودیلرسه  
غیر محمول اولهرق تضمین ایتریروب اجرت ویرمز

## ( باب رابع )

( مدت اجاره یه متعلق مسائل بیانده در )

۴۸۴ ماده

بر کیمسه کرک یوم کبی قصیر اولسون و کرک سنین کبی  
طویل اولسون معلوم اولان مدت اوزرینه مال  
و ملکینی آخره ایجار ایده بیلور

۴۸۵ ماده

مدت اجارنک ابتداسی حین عقدده تسمیه یعنی ذکر  
و تعیین اولنان و قعدن اعتبار اولنور

۴۸۶ ماده

حین عقددن ابتدای مدت تسمیه اولنمزایسه وقت عقددن  
اعتبار اولنور

۴۸۷ ماده

بر سنه لک اولق اوزره هر آیلغی شو قدر غروشه اوله رق  
بر عقارک ایجاری جاړ اولدیغی کبی شهر به سی بیان  
اولنمقسزین بر سنه لک اولق اوزره شو قدر غروشه  
ایجاری دخی صحیح اولور

۴۸۸ ماده

آیک ابتداسنده ایکن اجاره کرک بر آیلق اولسون و کرک  
زیاده اولسون شهریه اوله رق مقاوله اولنور ایسه

آیلق اولق اوزره منعقد اولور بو صوته آی اوتوز  
 کوندن ناقص اولسه دخی تمام آیلق اعطاسی لازم کلور  
 ۴۸۹ ماده

آیک برازی کچمشیکن بر آیلق اولق اوزره مقاوله  
 اولندیغی صورتده بر آی اوتوز کون اولق اوزره  
 اعتبار اولنور  
 ۴۹۰ ماده

آیک برازی کچمشیکن شو قدر آیلق اوله رق مقاوله  
 اولنور ایسه اولکی ناقص آی اک صکره کی آیدن اوتوز  
 کون اولق اوزره اتمام اولنوب اجرتی یومیه حسابیله  
 ایضا اولنور. واره یرده کی آیلر غره ایله حساب و اعتبار قیلنور  
 ۴۹۱ ماده

آیک برازی کچمشیکن قاچ آیلق اولدیغی بیسان  
 اولتمسزین هر آیلیغی شو قدر غروشه اولق اوزره مقاوله  
 اولندیغی صورتده ابتدا کی ناقص آی اوتوز کون اعتبار  
 اولنق لازم کله جکی کبی دیگر آیلر دخی اولوجهله  
 اونوزر کون اولق اوزره اعتبار اولنور  
 ۴۹۲ ماده

آیک ابتدا سنده ایکن بر سنده لک اوله رق عقد اجاره  
 اولندقه سنه اون ایکی آی اولق اوزره اعتبار اولنور

۴۹۳ ماده

آيك بر ازی پشمشيكن اجاره بر سنه لك اوله رق عقد  
اولندقدده بر آي ایامی اوله رق اعتبار اولنوب دیکر اون  
بری غره اعتباریله حساب اولنور

۴۹۴ ماده

قاج آیلق اولدیغی ذکر اولتمق سزین هر آیلغی شو قدر  
غروشه اولق اوزره بر عقار ایجار اولنسه عقد صحیح  
اولور

فقط برنجی آی تمام اولدقدده ایکنجی و دها صکره کی  
آیلک برنجی کیچه سیله برنجی کوننده آجر و مستأجر دن  
هر بری اجاره بی فسخ ایده بیلور . اما اولکی کیچه سیله  
کونی کچد کدنصکره فسخ ایده من

و اگر احد عاقدين بویله اثنای شهرده فسخ ایتدم دیسه  
اول آيك نهایتنده منفسخ اولور

و اگر اثنای شهرده شهر آتی ابتدا سنندن اعتباراً فسخ  
ایتدم دیسه شهر آتی حلولنده منفسخ اولور

و اگر ایکی یا زیاده آیلق بشین ویرلمش ایسه هیچ بریسی  
اول آیلک اجاره سنی فسخ ایده من

۴۹۵ ماده

برکیسه برکون ایشلمک اوزره بر اجیر طوتدیغی صورتده

طلوع شمس - دن عصره قدر یا خود غروب شمسه قدر  
ایشلمک خصوصاً عرفت بلده نه ایسه اکا کوره عمل  
اولنور

۴۹۶ ماده

بری مثلاً اون کون ایشلمک اوزره بر دولکر استیجار  
ایتسه عقد ولی ایدن کونلر اعتبار اولنور  
و اکر یازین اون کون ایشلمک اوزره دیو استیجار ایتسه  
قنغی آیک قاچنجی کونلر اعتباراً ایشلمیه جکنی بیان  
ایتمدکجه صحیح اولماز

( باب خامس )

( خیارات حقنده اولوب اویج فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( خیاری شرط بیاننده در )

۴۹۷ ماده

بیعه اولدیغی کبی اجاره ده دخی خیاری شرط جاری  
اوله رق احد طرفین یا خود ایکیسی بردن شو قدر کون  
مخیر اولوق اوزره ایجار و استیجار جائز اولور

۴۹۸ ماده

مخیر اولان کیمسه مدت خیارنده دیلر سه اجاره بی فسخ  
ایدر و دیلر سه مخیر اولور

۴۹۹ ماده

کرك فسخ كرك اجازت (۳۰۲) و (۳۰۳) و (۳۰۴)  
ماده لرده بیان اولندیغی اوزره قول اولدیغی کبی فعلا  
دخی اولور

بناء علیه آجر مخیر اولدیغی صورتده مأجورده تملک  
لوازمندن اولان بروجمله تصرف ایتسی فسخ فعلیدر.  
و مستأجر مخیر اولدیغی صورتده مأجورده مستأجرینک  
تصرفی کبی تصرف ایتسی اجازت فعلیدر

۵۰۰ ماده

مخیر اولان کیمسه اجاره بی فسخ یا خود انفاذ ایتدن مدت  
خیار مرور ایدر سه خیاری ساقط اوله رق اجاره لازم اولور

۵۰۱ ماده

مدت خیار وقت عقددن اعتبار اولنور

۵۰۲ ماده

مدت اجاره نك ایتداسی خیاری ساقطی وقتندن معتبردر

۵۰۳ ماده

شو قدر ذراع یادونم اولوق اوزره استیجار اولنان یر زیاده

یا خود ناقص چیکسه اجاره صحیح اولور . و اجر مسمی  
لازم کلور

فقط نقصان صورتنده مستاجر مخیر اولوب دیرسه  
اجاره بی قسح ایده بیلور  
۵۰۴ ماده

هر دونمی شو قدر غروشه اولق اوزره بریر استیجار اولنسه  
اجرتی دونم حسابیله ویرمک لازم کلور  
۵۰۵ ماده

برایش فلان وقتنه قدر ایفا اولنق اوزره اجرتی تعیین  
اولنهرق عقد اجاره جائز و شرط معتبر اولور  
مثلا بر کیمسه کسوبده کومک دیکمک و بو کون یتشدرمک  
اوزره درزی یه بز ویرسه یا خود شو قدر کونده مکله یه  
یتشدرمک اوزره بر آدمدن دوه استکرا ایتسه اجاره  
جائز اولور . و اجر شرطی ایفا ایدر ایسه اجر مسمی  
الور و ایفا ایتز ایسه اجر مسمایی تجاوز ایتماک اوزره  
اجر مثل الور

۵۰۶ ماده

عملده و عاملده و جل و مسافده و مکانده و زمانده ایکی  
یا اوچ صورت اوزرینه اجرتک تردیدی صحیح اولور .



وهر قنغی صورت فعله چیقار ایسه اکا کوره اجرت  
اعطاسی لازم کاور

مثلا کنه اردی دیکمک اوزره شو قدر و او یولغامه  
دیکمک اوزره بو قدر غروشه بازارلق اولندقده قنغی  
صورتده دیکیلور ایسه اکا کوره مقاوله اولنان اجرتک  
اعطاسی لازم کاور

یاخو دبر دکانده عطارلق ایتمک اوزره شو قدر و تیمور جیلک  
ایشلمک اوزره بو قدر غروشه مقاوله اولندقده مستأجر قنغی  
عملی اجرا ایدر ایسه اکا کوره اجرت معینه سنی اعطا  
ایدر

کذا بردابه به بغدادی یو کلمتک اوزره شو قدر و تیمور یو کلمتک  
اوزره بو قدر غروشه استکرا اولندقده قنغی سنی یو کلمدر  
ایسه اکا کوره معین اولان اجرتی ویرر

یاخو دکاری شو حیوانی چورلی یه دک یوز و ادر نه یه دک  
ایکی بوز و فلبه یه دک او چبوز غروشه ایجار ایتدم دیدکده  
مستأجر زه یه کیدر ایسه اوراسنک اجرتنی اعطا ایلر  
و کذلک آجر شو خانه بی یوز و بو خانه بی ایکبوز غروشه  
ایجار ایتدم دیوب مستأجر دخی قبول ایتد کدنصکره هر  
قنغیسنده ساکن اولور ایسه انک ایچون معین اولان اجرتی  
ویرمی لازم کاور

کذاک برکیمسه برجه بی درزی یه بوکون دیکرسه الی  
ویارین دیکرسه اوتوز غروش ویرمک اوزره بازارلق  
ایتسه جائز و شرطلر معتبر اولور

( فصل ثانی )

( خیار رؤیت حقننده در )

۵۰۷ ماده

مستأجر ایچون خیار رؤیت واردر

۵۰۸ ماده

مأجورک رؤیتی منافعک رؤیتی کبیدر

۵۰۹ ماده

مستأجر کورمدن بر عقاری استیجار ایتسه کوردکده

مخیر اولور

۵۱۰ ماده

برکیمسه مقدا کورمش اولدینغی بر خانه بی استیجار ایتسه

انک ایچون خیار رؤیت یوقدر . مکرکه سکنایه مضر

اوله جق بر محلی منهدم اوله رق هیئت اولاسی تغیر ایتش

ایسه اولخالده مخیر اولور

۵۱۱ ماده

هر عمل که محلاک اختلافیه ذاتا مختلف اوله انده اجیرک

خیار رؤیتی واردر

مثلا برجه دیکمک اوزره درزی ایله پازارلق اولندیغی  
صورتده درزی دیکه چکی چوقه یاشالی بی کوردکده

مخیر اولور

۵۱۲ ماده

هر عمل که محک اختلافیه مختلف اولیه انده خیار  
رویت یوقدر

مثلا شوقدر قیه پموغک چکردکنی ایقلامق اوزره شوقدر  
غروشه مقاوله اولندقدده اجیر پموغی کورمه کندوسی  
ایچون خیار رویت یوقدر

( فصل ثالث )

( خیار عیب حقننده در )

۵۱۳ ماده

بعده اولدیغی کبی اجاره ده دخی خیار عیب واردر

۵۱۴ ماده

اجاره ده خیاری موجب اولان عیب منافع مقصوده نک  
بالکلیه فوت یا خود مختل اولسنه سبب اولان شیدر  
مثلا خانه بتون بتون منهدم اولیق و دکرمنک صوی  
کسلیک ایله منفعت مقصوده فوت اولدیغندن و خانه نک  
چاتیمی چوکک یا خود سکنایه مضر بر محمل منهدم

اولمق و کرا بار کیرینک صرتی یاره لئمق منافع مقصوده بی  
 اخلال ایلدیکندن بونلر اجاره ده خیاری موجب اولان  
 عیب و بندر • اما خانه نك ایچروسنه یغمور و صغوق  
 کیرمه جک صورتده صواسی دوکک و بار کیرک یله سی  
 یاخود قویروغی کسملک کبی منافی اخلال ایتمیان قصور لر  
 اجاره ده خیاری موجب اولماز

ماده ۵۱۵

منفعتک استیفاسندن مقدم مأجورده بر عیب حادث  
 اولسه وقت عقدده موجود کبی در

ماده ۵۱۶

• مأجورده بر عیب حادث اولنقده مستأجر مخیر در  
 دیلر سه عیبیله برابر استیفای منفعت ایلر بوصورتده  
 اجرتی تماما ویرر و دیلر سه اجاره بی فسخ ایلر

ماده ۵۱۷

مستأجرک اجاره بی فسخندن مقدم آجر ا کر عیب حادثی  
 ازاله ایدر ایسه مستأجرک حق فسخی قلماز •  
 و مستأجر بقیه مدته متصرف اولمق استدکده آجر دخی  
 اکا مانع اوله ماز

ماده ۵۱۸

منافی اخلال ایدن عیب حادثک رفعندن مقدم مستأجر

اجاره‌ی فسخ ایدہ جک اولور ایسہ آجرک حضورندہ  
 فسخ ایدہ بیلور • یوخسہ غیابندہ فسخ ایدہ من  
 واکر آجرک غیابندہ یعنی اکا خبر ویر مکسزین فسخ  
 ایدر ایسہ فسخی معتبر اولیوب کماکان مأجورک کراسی  
 ایشلر

اما منافع مقصوده بالسکلیه فوت اولدیغی صورتده آجرک  
 غیابندہ دخی فسخ ایدہ بیلور  
 وکرک فسخ ایتسون وکرک فسخ ایتسون درتیوز یتمش  
 سکرزنجی ماده ده بیان اولندیغی اوزره اجرت لازم  
 اولماز

مثلا خانه مأجورک منافعی اخلال ایدر بر محلی منهدم  
 اولسه مستأجر فسخ اجاره ایدہ بیلور • فقط آجرک  
 حضورندہ فسخ ایتسی لازم کلور یوخسہ اکا خبر  
 ویر مکسزین خانه دن چیقیورسه چیقمامش کبی اجرت  
 ویرمی لازم کلور

اما خانه بتون بتون منهدم اولدیغی صورتده آجرک  
 حضورینه محتاج اولقسزین مستأجر فسخ اجاره  
 ایدہ بیلور • وهر حالده اجرت لازم کلز  
 ماده ۵۱۹

خاندک بر او طه سی یا خود بر دیواری منهدم اولوبده

مستأجر فسخ اجاره اتمیه رك باقیسنده ساکن اولسه  
 اجرتدن برشی ساقط اولماز  
 ماده ۵۲۰

برکیمسه ایکی خانه بی بردن شو قدر غروشه استیجار  
 ایدوبده بریسی منهدم اولسه ایکیسنی بردن ترك  
 ایدوبیلور  
 ماده ۵۲۱

شو قدر اوطله لی اولق اوزره استیجار اولنیاں خانه نك  
 اوطله لی ناقص چیقسه . مستأجر مخیردر دیلرسه فسخ  
 اجاره ایدر و دیلرسه اجر مسمی ایله اجاره بی قبول ایلر  
 اما اجاره بی ایفا ایدوبده اجرتدن بر مقدارینی تنقیص  
 ایدر



( باب سادس )

( مأجورك انواع و احكامى بيانده اولوب درت )

( فصلى حاويدر )

( فصل اول )

( اجاره عقاره متعلق مسائل بيانده در )

ماده ۵۲۲

کیمک سکناسی ایچون اولدیغی بیان ایدلمیه رک بر خانه  
یا دکان استیجار اولنمه جائز اولور

ماده ۵۲۳

بر کیمسه خانه سنی یا دکانی ایچنده امتعه واشیاسی اولدیغی  
حالده ایجار ایتسه اجاره صحیح اولوب آجر امتعه  
واشیاسنی تخلیه ایله خانه بی تسلیمه مجبور اولور

ماده ۵۲۴

بر کیمسه نه اکه جکی تعیین یا خود هر نه دیلرسه امک  
اوزره دیو تعیم ایتیه رک بر ارضی استیجار ایتسه اجاره  
فاسد اولور . فقط قبل الفسخ تعیین ایدوبده آجر دخی  
راضی اولور ایمه صحتیه منقلب اولور

ماده ۵۲۵

بر کیمسه دیلدیکنی امک اوزره استیجار ایلدیکی ارضده

صیفیه و شتائیه اوله رق برسنه ایچنده مکررا زراعت  
ایده بیلور

ماده ۵۲۶

زرعك ادراكندن مقدم مدت اجاره منقضى اولسه  
زرعك ادراكندهك مسـتأجر اجر مثلنی ویرهك ارض  
اوزرنده اكینی بقا ایده بیلور

ماده ۵۲۷

نه ایچون اولدیغنی بیان ایلمیهرك دكان و خانه استیجاری  
صحیح اولوب کیفیت استعمالی عرف و عادتته مصروف اولور

ماده ۵۲۸

بر کیسه نه ایچون اولدیغینی بیان ایتمیهرك استیجار ایلمدیکی  
خانه ده کندوسی ساکن اوله بیلدیکی کبی بشقه سنی دخی  
اسکان ایده بیلور • و ایچنه اشیا سنی وضع ایده بیلور •  
و بنایه و هن و ضرر کتوره میه جک هر نوع ایش ایتمیه  
بیلور • اما بنایه و هن و ضرر کتوره جک ایشی صاحبناک  
رضاسی اولدقده یاه ماز

حیوان باغـله ـ قی خصوصنده عرف و عادت بلده معتبر  
و مرعیدر • دکانک حکمی دخی بو وجهله در

ماده ۵۲۹

منفعت مقصوده بی اخلال ایدن شیرلی یا قی آجره عائددر



مثلاً ذکر منک خرقنی آبقلاقی صاحبک اوزرینه در .  
 كذلك خانه نك و صوبولارینک و کونشکرینک تعمیر و اصلاحی  
 و سکنایه محل اولان شیلرک انشاسی و بنایه متعلق مسأله  
 ایشلر هب صاحبی اوزرینه لازمدر . و اگر صاحبی  
 بونلری یا مقصدن امتناع ایدر ایسه مستأجر اول خانه دن  
 چقبه بیلور . مگر که استیجار ایتدیکی وقت اول خانه  
 بو حال اوزره اولوبده آنی کورمش ایسه عیبه راضی  
 اولمش دیمک اولسه یله صکره دن بونی بهانه ایدرک اول  
 خانه دن چقبه ماز . و اگر مستأجر بوشیلری کندی  
 طرفندن یا پار ایسه تبرع قبیلندن اولوب مصرفنی آجردن  
 طلب ایدمز

۵۳۰ ماده

آجرك اذنیله مستأجرک اجرا ایتدیکی تعمیرات اکر  
 طامک کر میدینی اقطاعار مق کبی مأجورک اصلاحتنه  
 و خلال تطرقندن سیانته عائد ایسه مصرفنی آجردن التحق  
 شرطی ذکر اولتماش ایسه یله مستأجر بوتعمیر انک  
 مصرفنی آجردن الور . و اکر خانه نك فروونی تعمیر  
 ایتک کبی مجرد مستأجرک منافعه عائد ایسه اولیه بر شرط  
 ذکر اولتمدقبجه مستأجر انک مصرفنی آجردن الهمز

ماده ۵۳۱

مستأجر بر عقار مأجورده بنا احداث ایلسه یا خود اذاج  
 دیکسه اجاره نك انتضاسنده آجر مخیر اولور . دیلر سه  
 اول بنایی یا خود اذاجی قلع ایتدیرر . و دیلر سه قیمتنی  
 از اولسون چوق اولسون ویروب ایبقا ایدر

ماده ۵۳۲

مدت اجاره ده ترا کم ایدن توز و طپراق و سو پرندینک  
 تطهیر و ازاله سی مستأجر اوزرینه در

ماده ۵۳۳

مستأجر مأجوری تخریب ایدر اولوبده آجر منعنه  
 مقتدر اوله مسه حاکمه مراجعتله اجاره بی فسخ  
 ایتدیره یلور

## ( فصل ثانی )

( اجاره عروض حقه در )

ماده ۵۳۴

مدت معلومه ایچون بدل معلوم مقابلنده البسه واسلحه  
 و چادر و امثالی منقولاتک اجاره سی جائز در

ماده ۵۳۵

بر کیمسه بر محله کیتک اوزره البسه استیجار ایتدکده اول

محلہ کیتو بدہ خانہ سنده کیسہ یا خود ہیچ کیسہ نہ بہلہ  
اجرتک اعطاسی لازم کلور

۵۳۶ مادہ

بر کیسہ کندو کیمک ایچون استیجار ایلدی یکی البسه دین  
بشقه سنہ کیدیره مز

۵۳۷ مادہ

حلیات البسه کبندر

( فصل ثالث )

( اجاره حیوان حقندہ در )

۵۳۸ مادہ

معین بر حیوانی استکرا ایلک صحیح اولدیغی کبی بر محل  
معینه قدر کوتورمک اوزره مکاری ایلہ مقاولہ ایتک دخی  
صحیحدر

۵۳۹ مادہ

فلان محلہ قدر دیو بر معین دابه استکرا اولدیغی صورتده  
ا کر دابه یولده بیتاب اولوب قالور ایسه مستأجر مخیر  
اولور . دیلرسه حیوان طور انجیمہ قدر بکلر و دیلرسه  
اجاره بی نقض ایلر و بحالده اورایه قدر اولان مسافه نك  
اجر مسمان حصه سی نه ایسه انی آجره ویرر

۵۴۰ ماده

فلان محله شو قدر يوك كوتورمك اوزره بازارلق اولنديغي  
 صورتده حيوان يولده بيتاب اولوب قالور ايسه بشقه  
 حيوانه تحمیل ايله يوكی اول محله قدر كوتورمكه مكارى  
 مجبور اولور

۵۴۱ ماده

لاعلى التعمین بر حیوان استیجاری جائز اولماز . فقط  
 بعد العتد تعین اولنوبده مستأجر دخی قبول ایدر ايسه  
 جائز اولور

وبرده معتاد اولديغي اوزره لاعلى التعمین بر نوعدن  
 بردابه استیجار اولندقدده جائز ومطلق معارفه مصروف  
 اولور

مثلا عادت اولديغي اوزره مكارى ايله فلان محله قدر  
 بر باركیر استیجار اولندقدده مكارى بروجه معتاد بر باركیر  
 ايله اول كیمسه يی اورايه ایصال ایتمه بورجلی اولور  
 ۵۴۲ ماده

اجارده سنجاق و ولایت کبی بر قطعته نك اسمیله حد مسافه یی  
 تعین ایتك کافی دکلدر . مکر که اول قطعته نك اسمی  
 بر شهره اطلاق اولتمق اوزره عرف اوله  
 مثلا بوسنه یه دك یا خود عربستانه قدر دیو حیوان استکرا

ایلك صحیح اولیوب واریله جق شهر یاقصبه یاقریه نك  
 تعیینی لازم کلور . فقط شام لفظی بر قطعه نك اسمی  
 اولدیغی حالدده شهر دمشقه اطلاق اولنق اوزره عرف  
 اولدیغندن شامه قدر دیو حیوان استکرا اولنسه صحیح  
 اولور

۵۴۳ ماده

فلان محله قدر دیو بر حیوان استکرا اولنوبده اول محلك  
 اسمی ایکی بلده یه اطلاق اولنور اولدیغی تقدیرده هر  
 قنغیسنه کیدیلور ایسه اجر مثلی لازم کلور

مثلا استانبولدن چکمهجه یه دک بر حیوان استکرا اولنوب  
 ده بیوک یاخود کوچک چکمهجه دیو تصریح قلمدیغی  
 تقدیرده هر قنغیسنه کیدیلور ایسه انک مسافه سنه کوره  
 اجر مثل ویرمک لازم اولور

۵۴۴ ماده

بر بلده یه دک بر حیوان استکرا اولندقدده مستأجری اول  
 بلده ده کی خانه سنه قدر کوتورمک لازم اولور

۵۴۵ ماده

بر فحل معینه دک حیوان استیجار ایدن کیسه مکارینک  
 اذنی اولمدجه اول محلی تجاوز ایده مز . و تجاوز ایتدکده  
 صاغ و سالم صاحبنه تسلیم ایدنجیه دک اول حیوان

مستأجر ك ضمانده اولوب كرك ذهابنده و كرك ايانده  
تلف اولسه ضمان لازم كلور

۵۴۶ ماده

بر محل معينه كيمك اوزره ديو دابه استتكر اولندوقده  
مستأجر اول حيوان ايله بشقه محله كیده مزه و كیدوبده  
حيوان تلف اولسه ضامن اولور

مثلا تكفور طاغنه كيمك اوزره استيجار ايتديكي حيوان  
ايله اسليه يه كیتسه و حيوان تلف اولسه ضمان لازم كلور

۵۴۷ ماده

بر محل معينه ديو حيوان استيجار اولنوبده اورايه كيدن  
يولار متعدد اولسه مستأجر ناسك سلوك ايتديكي يولردن  
هر قنغيسيله استرسه كیده يولور

و حيوان صاحبي كیده جك يولي تعيين ايتمشيكن مستأجر  
بشقه يولدن كیدوبده حيوان تلف اولديغي صورته  
اكر بو يول حيوان صاحبنك تعيين ايلش اولديغي يولدن  
دها طولاشق يا صرب ايسه ضمان لازم كلور و اكر  
مساوي يا خود دها اهون ايسه ضمان لازم كلز

۵۴۸ ماده

مستأجر شو قدر مدت اچون استيجار ايلديكي حيواني

اول مدتدن زیاده استعمال ایده مز وایدوبده یدنده حیوان  
تلف اولسه ضمان اولور

ماده ۵۴۹

فلان آدم بنک اوزره دابه استکراسی صحیح اولدیغی کبی  
دیلدیکی بندیرمک اوزره تعمیماً استکراسی دخی صحیحیدر  
ماده ۵۵۰

رکوب ایچون استکرا اولنان حیوانه یوک یوکلیدمز  
و یوکلیدلوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور  
لکن بوخالده اجرت لازم اولماز (۸۶) مادهیه باق  
ماده ۵۵۱

فلان آدم بنک اوزره استکرا اولنان حیوانه بشقهسی  
ارکاب اولنه ماز . و ارکاب اولوبده حیوان تلف  
اولسه ضمان لازم کلور  
ماده ۵۵۲

برکیمسه دیلدیکی بندیرمک اوزره استکرا ایلدیکی دابهیه  
دیلسه کندوسی را کب اولور و دیلرسه بشقهسی  
ارکاب ایدر . فقط کک کندوسی بنسون و کرک  
بشقهسی بندرسون هرکیم را کب اولور ایسه مراد  
تعین و تخصص ایدوب اندن صکره بشقهسی ارکاب  
اولنه ماز

۵۵۳ ماده

رکوب ایچون بر حیوان استکرا اولتوبده کیمک بنه جکی  
تعیین و دیلدیکی بندرمک اوزره دیو تعمیم اولنسه اجاره  
قاسم اولور

فقط قبل الفسخ تعیین و بیان اولتور ایسه صحتہ منقلب  
اولور • و بوصورته دخی هرکیم تعیین ایدر ایسه  
اندن بشقه سی اول حیوانه ارکاب اولنده ماز  
۵۵۴ ماده

یوک ایچون حیوان استکرا اولندقدہ سمر وایب و جوال  
حقندہ عرف بلده معتبر در  
۵۵۵ ماده

یوکک مقداری بیان یا خود اشارتله تعیین ایدلیه رک حیوان  
استکرا اولندقدہ مقداری عرف و عادتہ محمول اولور  
۵۵۶ ماده

مستأجر کرا حیوانتی صاحبک اذنی اولسرتین ضرب  
ایده ماز و ضرب ایدوبده اندنناشی حیوان تلف اولسه  
ضامن اولور  
۵۵۷ ماده

کرا حیوانتی ضرب ایتمک اوزره صاحبی اذن ویردیکی  
صورتده مستأجر انجق ضربی معناد اولان یرینه



اوره بیلور . وا کر ضربی معتاد اولان موضعدن بشقه  
 رینه ضرب ایله مثلا صاغریسنه اوره جق برده باشنده  
 اورمغله حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور  
 ۵۵۸ ماده

یوک ایچون استکرا اولنان حیوانه باینیله بیلور  
 ۵۵۹ ماده

یوکک نوع و مقداری ذکر و بیان اولنهرق حیوان استیجار  
 اولندقدمه مضرتده اکامائل یا- و داندن دها هون اول قدر  
 دیگر بر نوع یوک دخی یوکدیلله بیلور . اما مضرتی  
 دها زیاده اولان شی یوکدیلله مز

مثلا بر کیمسه بش کیله بغدادی یوککتمک اوزره استکرا ایلدیکی  
 بار کیره کرک کندوسنک اولسون و کرک بشقه سنک اولسون  
 وهر قنغی نوعندن اولورسه اولسون بش کیله بغدادی  
 یوکده یلدیکی کبی بش کیله ارپه دخی یوکده بیلور .  
 اما بش کیله ارپه یوککتمک اوزره استکرا ایلدیکی  
 حیوانه بش کیله بغدادی یوکده مز نته کیم یوز قیه پموق  
 یوککتمک اوزره استکرا اولنان حیوانه یوز قیه تیمور  
 یوکدیلله مدیکی کبی  
 ۵۶۰ ماده

کرا حیوانندن یوکی ایندیرمک مکاری اوزرینه در

۵۶۱ ماده

مأجورك نفقه سی آجر اوزرینه در  
مثلا استکرا اولنان بارکیرک علفی و صوارلمسی صاحبی  
اوزرینه در فقط انک اذنی اولمقسزین مستأجر حیوانه یم  
ویرایسه تبرعدر صکره صاحبندن اچقه سنی الهماز

( فصل رابع )

( اجاره آدمی بیاننده در )

۵۶۲ ماده

خدمت یا اجرای صنعت ایچون باب ثانینک فصل ثالثنده  
بیان اولندیغی اوزره مدت بیانیه یاخود دیگر صورتده  
عملی تعیین ایله اجاره آدمی جائزدر

۵۶۳ ماده

اجرت مقوله ایدلیه درک بر شخص برکیمسه نک طلبی  
اوزرینه اول کیمسه یه خدمت ایتدکنده اجرت ایله خدمت  
ایدر مقوله دن ایسه اجر مثل اولور . دکل ایسه  
برشی الهماز

۵۶۴ ماده

برکیمسه بر شخصه مقدار بیان ایتیه درک فلان ایشی  
کورسکا ا کرام ایدرم دیوب اودخی ایفای خدمت ایلسه  
اجر مثله مستحق اولور

۵۶۵ ماده

اجرت تسمیه او انقسمتین عمله استخدام اولندقدده کونده لکی  
معلوم ایسه اجرت معلومه ودکل ایسه اجر مثلی  
ویریلور . بوکا بمائل اصنافک معامله لری دخی  
بو وجهله در

۵۶۶ ماده

قیامتدن لاعلی التعمین بر شی ویرمک اوزره اجیرایله عقد  
اجاره اولندقدده اجر مثل لازم اولور  
مثلا بر کیسه برینه کل بکا شو قدر کون خدمت ایت  
سکا بر چفت اوکوز الیوره یم دیسه اوکوز اعطاسی  
لازم کلیوب اجر مثل لازم کلور . فقط عادت اولدیغی  
اوزره البسه یا بلیق اوزره سوت انا استیجاری جائز  
والبسه نك نصل اوله جغی وصف و تعریف اولندیغی  
تقدیرده اوسط درجسی لازم اولور

۵۶۷ ماده

خدمه یه خارجدن ویرلمش اولان بخشش اجرتیه محسوب  
ایدیله ماز

۵۶۸ ماده

بر علم یا صنعت تعینی ایچون استاد استیجار اولندقدده اگر  
مدت بیان اولنور ایسه اجاره مدت اوزرینه منعقد اولور

حتی استاد تعلیمه حاضر و مهیا بولنمق ایله اجرتیه مستحق  
 اولور شا کرد کرک تعلم ایتسون و کرک ایتسون  
 و اگر مدت بیان اولنمز ایسه اجاره فاسد اولهرق منعقد  
 اولور . بوضورته شا کرد تعلم ایدرسه استاد اجرتیه  
 مستحق اولور . والا اجرت الهماز  
 ماده ۵۶۹

برکیمسه مثلا اوغلنی صنعت او کرنمک ایچون اوسته یه  
 و یروب احد هما آخره اجرت شرط ایتدک لری حالده  
 چوجق صنعت او کرند کدنتصکره یکدیگردن اجرت مطالبه  
 ایتسه لر عرف و عادت بلده نه ایسه انکله عمل اولنور  
 ماده ۵۷۰

برقریه اهالیسی برخواجه یاخود امام یامؤذن استیجار  
 یدوب انلر دخی ایفای خدمت ایلسه لر اجرتلرینی اول  
 قریه اهالیسندن الورلر  
 ماده ۵۷۱

بالنفس عمل ایتک یعنی کندو ایشمک اوزره استیجار اولنان  
 اجیر کندو یرنده بشته سنی قوللانه ماز  
 مثلاً برکیمسه برجه بی شو قدر غروشه درزی کندو الیه  
 دیکمک اوزره بازارلق ایتدکده درزی انی آخره  
 دیکدیره میوب کندوسی دیکمک لازم کاور و آخره

دیگردیکی تقدیرده تلف اولسه ضامن اولور

۵۷۲ ماده

• مطلق اولهرق مقاوله اولندیغی صورتده آجرکنندو یرنده

بشقه سنی قوللانه بیلور

۵۷۳ ماده

مستأجرک اجیره بو ایثی یاپ دیمه سی اطلاقدر

• مثلاً برکیمسه درزی یه بالذات یاخود کندوک دیو تقید

ایتمکسزین شو قدر غروشه بو جبه بی دیک دیو بده

مقاوله ایتدکده درزی انی قلفه سنه یاخود دیکر بر

درزی یه دیکدیرسه اجر مسمایه مستحق اولور • وبلا

تعد جبه تلف اولسه ضامن اولمز

۵۷۴ ماده

• ملک توابعندن اولوبده اجیر اوزرینه شرط قلمیمان هر نه

اولور ایسه اولسون بونده عرف وعادت بلده یه اعتبار اولنور

ایپاک درزینک اولمق اوزره عادت اولدیغی کبی

۵۷۵ ماده

• یوکی خانه یه ادحال ایتمک حانه لازم اولوب اما محلنه

قویمق انک اوزرینه لازم دکدر

• مثلاً یوکی اوست قانه چیقارمق و ذخیره بی انباره

دوکک حمالک بورجی دکدر

۵۷۶ ماده

اجیره بیك ویرمك مستأجره لازم اولماز . مكر كه عرف  
بلده اوله

۵۷۷ ماده

بر دلال بر مالی كز درو بده صا تهمسه بعدده صاخبی  
صا تهمسه اول دلال اجرت الهماز و دیگر بر دلال  
صا تهمی تقدیرده اجرت دلایه بی كاملا ایکنجی دلال  
الوب اولکنی برشی الهماز

۵۷۸ ماده

بر کیسه مالی دلالة و پروپ شو قدر غروشه صا ت  
دیدکده دلال اندن زیاده به صا تهمسه اول زیاده دخی مال  
صاحبك اولوب دلال اجرت دلایه سندن بشقه برشی  
الهماز

بیعه دلال دلایه سنی الدقدنصکره بر مستحق چیتو بده  
مبعی السه یا خود عیب ایله بیع رد اولنسه دلایه  
استرداد اولندماز

۵۸۰ ماده

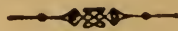
بر کیسه نك ترلا سنده کی اکینی بیچمك اوزره شو قدر  
غروشه استیجار ایلش اولدیغی اورا قیلر اکینك بر  
مقدارینی بیچدکاری حالدله طولو یا غمغله یا خود بشقه بر

قضا ظهوريله اكينك ماعداسى تلف اولسه اجر مسمادن  
بيچدكلى اكينك حصه سنه اصابت ايدن مقدارى اله بيلوب

باقيسى اله مازلر

۵۸۱ ماده

سوت انا خسته اولدوقده فسح اجاره ايديه بيلديكى كجى  
بويله خسته وكبه اولور ياخود چوجق انك مهنه سنى  
الماز و ياسوتينى استفراغ ايلر ايسه مسترضع دخی فسح  
اجاره ايديه بيلور



( باب سابع )

( بعد العقد آجر و مستأجرک وظیفه و صلاحیتلرینه )

( دائر اولوب اوچ فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( تسلیم مأجور حقنددر )

۵۸۲ ماده

مأجورک تسلیمی مستأجره بلا مانع آنکله انتفاع

ایدیه بیلجهك حالده آجرک اذن ورخصت ویرمیدر

۵۸۳ ماده

مدت یا مسافه اوزرینه اجاره صحیحه عقد اولندوقده

مدتک انقضاسنه و مسافه نك ختامنه قدر مأجورك متصل  
 و مستمراً ينده طور بق اوزره مستأجره تسليمي لازمدر  
 مثلاً بر كيمسه شو قدر مدت ايله يا خود فلان يره كيمتك  
 اوزره بر عربه استيجار ايندكده اول مدت ظرفنده يا خود  
 اورايه وارنجيدك اول عربه يي قوللانه ييلور و اوراده  
 صاحبي اني الويله كندو امورنده استعمال ايده من  
 ۵۸۴ ماده

آجرك بر ملك عقارينى ايچنده كندو مالى اولديغى حالده  
 ايچار ايتسه فارغا تسليم ايتدكجه كرا ايشلنز . مكر كه  
 اول مالى دخى مستأجره صاتمى اوله  
 ۵۸۵ ما

آجر خانه يي تسليم ايدوبده ايچنده كى اشياسنى قويدىغى  
 بر او طه يي تسليم ايتسه اول او طه نك بدل اجاره دن  
 حصه سى مقدارى ساقط اولور . و خانه نك باقىسنده  
 دخى مستأجر مخيردر . و اكر آجر قبل الفسخ خانه يي  
 تخليه و تسليم ايدرسه اجاره لازم اولور يعنى مستأجر ك  
 حق فسخى ساقط اولور



## ( فصل ثانی )

( بعد العقد عاقدینک مأجورده تصرفلرینه دائر در )

۵۸۶ ماده

مأجور عقار ایسه مسأجر انی قبل القبض آخره ایجار  
ایده بیلور . و اگر منقول ایسه ایده من

۵۸۷ ماده

ناسک استعمال و انتفاعده متفاوت اولدیغی مأجوری  
مستأجر بشقه سنه ایجار ایده بیلور

۵۸۸ ماده

اجاره فاسده ایله مستأجر اولان کیسه مأجوری  
بعدالقبض بشقه سنه اجاره صحیحه ایله ایجار ایسه  
جائز اولور

۵۸۹ ماده

پر کیسه مالی مدت معلومه اوزرینه برینه اجاره لازمه ایله  
ایجار ایتدکن صکره تکرار بشقه سنه اول مدتی ایجار  
ایسه اجاره ثانیه نافذ و معتبر اولماز

۵۹۰ ماده

مستأجرک اذنی اولقسزین آجر مأجوری صاتسه  
مستأجر حقنده بیع نافذ اولماز ایسه ده بایع ایله مشتری  
بیننده نافذ اولور

حتى مدت اجاره‌نك انقضاسنده مشتري حقننده بيع لازم  
اوله‌رق المقدن امتناع ايده‌من  
مكره‌كه مدت اجاره‌نك انقضاسندن مقدم مشتري بايعدن  
مبيعك تسليميني مطالبه ايدوبده تسليمي ممكن اولديغيني  
جهتله قاضي عقد بيعي فسخ ايليه واکر مستأجر  
بيعي مجيز اولور ايسه هر برى حقننده بيع نافذ اولور  
ليكن مستأجر ك بوجه پشين و يرمش اولديغيني بدل  
اجاره‌دن استيفا ايتديكي مقداري النه واصل اولدقجه  
مأجور انك النندن النه‌من

واكر مستأجر بوني استيفا ايتدن مأجوري تسليم ايدر  
ايسه حق حبسني اسقاط ايتش اولور

### ( فصل ثالث )

( رد و اعاده مأجوره متعلق مواد بياننده در )

۵۹۱ ماده

اجاره‌نك انقضاسندن صكره مستأجر مأجور اوزرندن  
رفع يدايتسي لازمدر

۵۹۲ ماده

اجاره‌نك انقضاسندن صكره مستأجر ارتق مأجوري  
استعمال ايده‌من

۵۹۳ ماده

اجاره منقضى اولوبده آجر مالنى المق استمه كده مستأجر ك  
دخى تسليم ايتمى لازمدر

۵۹۴ ماده

مأجورك رد و اعاده سى مستأجر ك اوزرينه لازم اوليوب  
اجاره نك انقضا سنده مأجورك اخذى آجر اوزرينه در  
مثلا برخانه نك اجاره سى منقضى اولدقده صاحبي  
واروب خانه سنى تسليم ايتك لازمدر .

كذلك فلان محله قدر بر حيوان استيجار اولندقده صاحبي  
اول محله بولنوب حيواننى المق لازم كلور . و كلوب  
المدبغى حالده مستأجر ك تعدى و تقصيرى اولقسزى  
يبنده اول حيوان تلف اولسه ضامن اولماز

اما بر محل معيندن كيدوب كلك اوزره استيجار ايتمش  
اولسه اول محله كوتورمى لازم كلور و اورايه  
كوتورميدرك كندو خانه سنه كوتوروب طوتسه و حيوان  
تلف اولسه ضامن اولور

۵۹۵ ماده

مأجورك رد و اعاده سى جل و مؤننه محتاج ايسه اجرت  
نقليه سى آجر اوزرينه در

( باب ثامن )

( ضمانات پيائنده اولوب اوچ فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( ضمان منفعت حقهنده در )

۵۹۶ ماده

برکیمسه بر مالی صاحبك اذنی اولقسزین استعمال  
ایتمش اولسه غصب قیلندن اوله رق منافعنی اوده مک  
لازم کلز

فقط مال وقف یا مال صغیر ایسه هر حالده ومعد للاستغلال  
ایسه تأویل ملک وعقد اولدیغنی حالده ضمان منفعت  
یعنی اجر مثل لازم اولور

مثلا برکیمسه آخرک خانه سنده عقد اجاره ایتمکسزین  
خود بنخود بر مدت ساکن اولسه اجرت ویرمسی لازم  
کلز . فقط اول خانه وقفک یا بر صغیرک مالی ایسه کرک  
تأویل ملک وعقد بولنسون و کرک بولنسون هر حالده  
ساکن اولدیغنی مدتک اجر مثلنی ویرمسی لازم کلور

کذلک کراخانه اولوبده تأویل ملک وعقد اولدیغنی  
حالده بنه اجر مثل لازم اولور

وکذا برکیمسه صاحبك اذنی اولقسزین برکرا بار کرینی

آلوده بر مدت قوللانسه اجر مثلنی ویرسی لازم کلور  
۵۹۷ ماده

تأویل ملك ايله استعمال اولنان مال معدلاستغلال اولسه  
دخی ضمان منفعت لازم کلز

مثلا بر مال مشترکی شریکارندن بریسی دیگر شریکنک  
اذنی اولقسزین بر مدت مستقلا تصرف و استعمال ایلسه  
ملکمدر دیو استعمال ایش اوله جغنی جهتله معد  
لاستغلال اولسه دخی دیگر شریکی حصه سنک اجر تنی اله ماز  
۵۹۸ ماده

تأویل عقد ايله استعمال اولنان مال معدلاستغلال اولسه  
دخی ضمان منفعت لازم کلز

مثلا بر کیمسه مشترکا مالک اولدیغنی دکانی شریکنک  
اذنی اولقسزین برینه صاتمغله مشتری دخی بر مدت  
تصرف ایدوب انجق دیگر شریکی بیعه اجازت  
ویرمیه رک حصه سنی ضبط ایلدکده دکان هر  
نقدر معدلاستغلال ایلده حصه سنک اجر تنی مطالبه  
ایده مز زبرا مشتری انی تأویل عقد ايله استعمال ایش  
یعنی عقد بیع ايله متصرف دیو قوللانمش اولدیغنی جهتله  
ضمان منفعت لازم کلز

کذلک بر کیمسه بر دکر منی ملکی اولق اوزره برینه بیع

وتسليم ايله مشترى بر مدت ضبط وتصرف ايتد كدن صكره  
 بشقه بر كسنه اول دكر منده مستحق چيقوب بعد الاثبات  
 والحكم مشترين السه مشترينك مدت مزبوره ده تصرفي  
 ايچون اجرت نامنه برشي اله مز زيرا بونده دخی تاويل  
 عقد واردر

ماده ۵۹۹

بر كيمسه بر صغيري و ايسنك اذني اولقسزين استخدام  
 ايلسه بالغ اولدقده خدمتك اجر مثلني الور . و صغیر  
 فوت اولسه ورثه سی دخی اول مدتك اجر مثلني اول  
 كيمسه دن اله بيلور لر

( فصل ثاني )

( مستأجر ك ضمانی حقننده در )

ماده ۶۰۰

عقد اجاره كرك صحيح اولسون وكرك صحيح اولسون  
 مستأجر ينده مأجور اماندر

ماده ۶۰۱

مأجور اكر مستأجر ينده تلف اولور ايسه مستأجر ك  
 تعديسي ياتقصيري و يا خود مأذونيتنه مخالفتي اولدقده  
 ضمان لازم كلز

۶۰۲ ماده

مستأجر ك تعدیسی ایله مأجور تلف اولسه یا خود قیمته نقصان کلسه مستأجره ضمان لازم کلور

مثلا مستأجر کرا حیوانی اوروب اولدرسه یا خود عنف و شدت اوزره سور مکله حیوان تلف اولسه قیمتی ضامن اولور

۶۰۳ ماده

مستأجر ك خلاف معتاد حرکتی تعدی اولوب بوندن تولد ایدن ضرر و خساری ضامن اولور

مثلا استیجار ایتدیکی البسه بی عادت ناسه مخالف اوله رق استعمال ایدوبده فرسوده اولسه ضامن اولور

کذلک خانه مأجورده ناسک یا قدریغی مرتبه زیاده آتش یا قسندن ناشی حریق ظهور یله خانه محترق اولسه ضامن اولور

۶۰۴ ماده

مستأجر ك امر محافظه ده تقصیری ایله مأجور تلف اولسه یا خود قیمته نقصان کلسه ضمان لازم کلور

مثلا مستأجر کرا حیوانی باشی بوش بر محله صالیویر مکله ضایع اولسه ضامن اولور

۶۰۵ ماده

مشروطك مافوقنه تجاوز ايله مستأجر ك كندو مأذونیتنه  
مخالفتی ضمانی موجب اولور . اما مثلنه یاخورد مادونه  
عدول ايله مخالفتی ضمانی ایجاب ایتمز

مثلا مستأجر شو قدر قیه یاغ یو کلمک اوزره استکرا  
ایلدیکی حیوانه اولقدر قیه تیمور یو کلدوبده حیوان تلف  
اولسه ضامن اولور

اما مضرتده یاغده مساوی یاخوددها خفیف برجنس حوله  
یو کلدوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلز

۶۰۶ ماده

اجاره نك انقضاسنده مأجور کما کان مستأجر یدنده  
ودیعه کبی امانت قالور بناءً علیه اجاره منقضى  
اولدقدنصکره مستأجر مأجوری استعمال ایدوبده تلف  
اولسه ضامن اولور

کذلک اجاره نك انقضاسنده آجر مالنی طلب ایدوبده  
مستأجر ویرمیوب امساک ایتدکدنصکره اول مال تلف  
اولسه ضمان لازم کلور



## ( فصل ثالث )

## ( اجيرك ضمانی حقنده در )

۶۰۷ ماده

اجيرك تعدیسی یا خود تقصیری ایله مستأجر فیہ تلف  
اولسه ضامن اولور

۶۰۸ ماده

اجيرك تعدیسی مستأجرک صراحةً یا دلالةً امرینه  
مخالف عمل و حرکت ایتسیدر

مثلا برکیمسه اجیر خاص اولان چوبانه شو حیوانلری  
فلان محلهده رعی ایت آخریره کوتورمه دیمشیکن چوبان  
اول محلهده رعی ایتیدرک بشقه محله کوتوروب رعی ایتسه  
تعدی ایتمش اولور .

واوراده رعی ایدر ایکن حیوانلر تلف اولسه چوبانه  
ضمان لازم کلور

کذلبک برکیمسه درزی به بر قاش و یروب و بکا براوزون  
انتاری چیقارسه کس دیوب درزی دخی چیقاردیه رک  
کسدکده اوزون انتاری چیقیمسه اول کیمسه قاشی درزی به  
تضمین ایتدیره بیلور

۶۰۹ ماده

اجيرك تقصيرى مستأجر فيهمك محافظه سنده بلا عذر قصور  
ايتسيدر

مثلا سوريدن بر حيوان فرار ايتدكده چوبان مجرد تكاسل  
وامهالنندن ناشى واروب طوتمديغى جهتهله حيوان ضايغ  
اولسه چوبان تقصير ايتمش اوله جغندن ضمان اولور  
اما انك ارقهسى صره كيتديكى تقديرده ديكر حيوانلرك  
ضايغ اولق احتمالى غالب اولديغى جهتهله واروب  
طوتمامش ايسه معذور اولمغله ضمان لازم كلز

۶۱۰ ماده

اجير خاص اميندر

حتى يندنه بغير صنعه تلف اولان مالى ضمان اولماز  
وكذا بلا تعد كندو عمليه تلف اولان مالى دخى ضمان  
اولماز

۶۱۱ ماده

اجير مشترك كرك تعديسى ياتقصيرى اولسون وكرك  
اولسون كندوسنك فعل وصنعندن تولد ايدن ضرر  
وخسارى ضمان اولور

۲۸۶ سنه ذى القعدة سنه ۶ فى

اراده سنه تاريخى

مفتش اوقاف همایون      ناظر دیوان احکام عدلیه

السید تخلیل      اجد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه      عن اعضاء شورای دولت

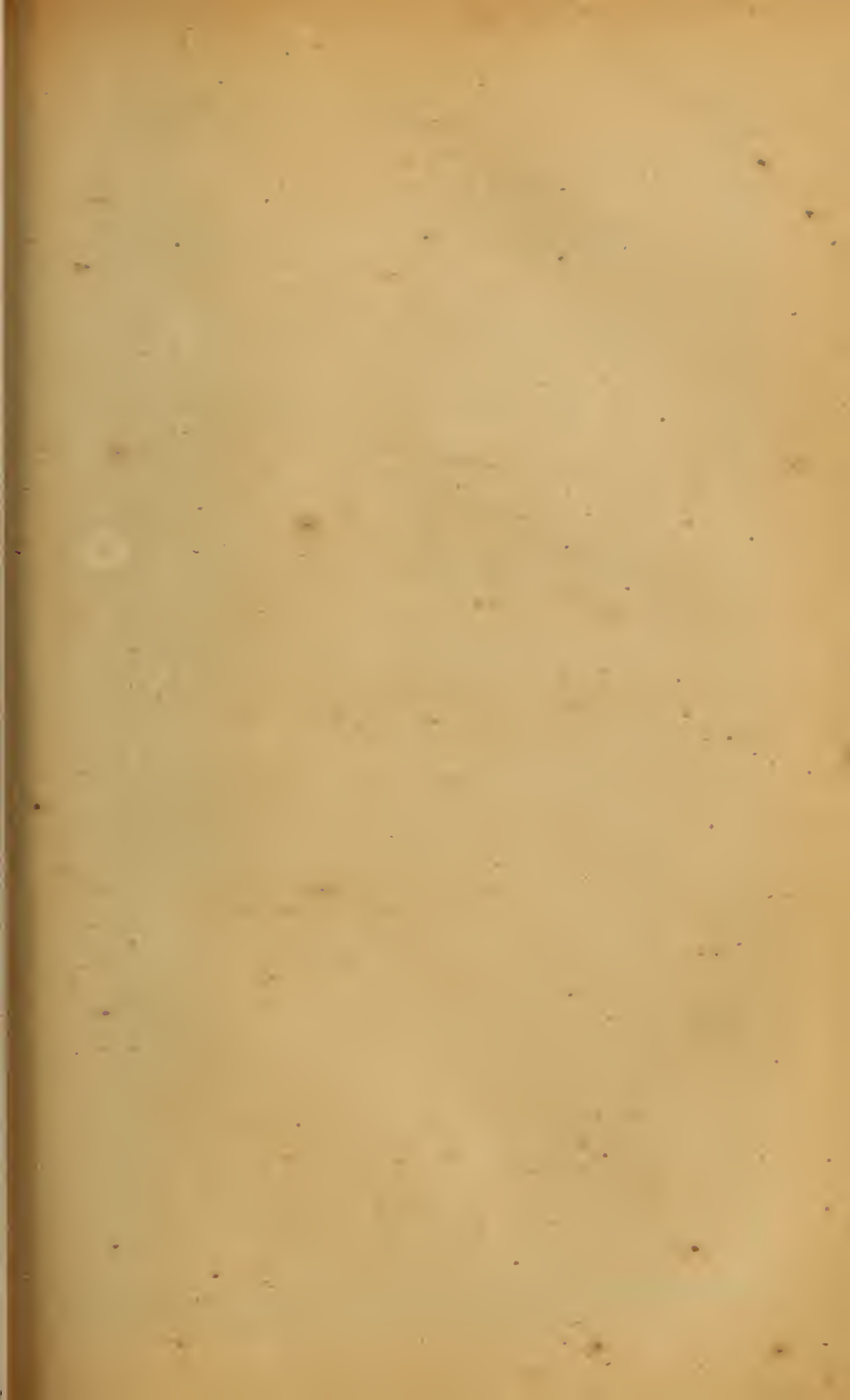
السید اجد خلوصی      سیف الدین

عن اعضاء شورای دولت      عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

محمد امین      السید اجد حلمی

عن اعضاء جمعیت ابن عابدین زاده

علاء الدین



كتاب الكفالة

✽ صورت خط همايون ✽

( موجنبه عمل اولنه )

( كتاب ثالث )

( كفالت حقنده اولوب بر مقدمه ايله اوچ بابي حاويدر )

( مقدمه )

( كفالته دائر اولان اصطلاحات فقهيه بياننده در )

ماده ۶۱۲

كفالت • بر شيك مطالبه سي حقنده ذهتي ذمته ضم

ايتكدر

يعني بر كيسه ذاتني ديكر ك ذاتنه ضم ايدوب وانك

حقنده لازم كلان مطالبه يي كندو دخی التزام ايتكدر

ماده ۶۱۳

كفالت بالنفس • بر آدمك شخصنه كفيل اولمقدر

ماده ۶۱۴

كفالت بالمال • بر مالك اداسنه كفيل اولمقدر

ماده ۶۱۵

كفالت بالتسليم • بر مالك تسليمه كفيل اولمقدر

ماده ۶۱۶

كفالت بالدرك • مبيع بالاستحقاق ضبط اولنديغي

تقدیرده آچه سنی ادا و تسلیمه یا خود بایعک نفسنه کفیل  
اولمقدر

۶۱۷ ماده

کفالت منجزه . شرطه معلق وزمان مستقبله مضاف  
اولیمان کفالتدر

۶۱۸ ماده

کفیل . کندو ذمتنی آخرک ذمتنه ضم ایدن یعنی  
آخرک متعهد اولدیغی شیئه کندو دخی متعهد اولان  
کیمسه درکه اول آخره اصیل و مکفول عنه دنیلور

۶۱۹ ماده

مکفول له . کفالت خصوصنده طالب وداین اولان  
کیمسه در

۶۲۰ ماده

مکفول به . کفیلک تسلیمه یا اداسنه متعهد اولدیغی  
شیدرکه کفالت بالنفسده مکفول عنه ایله مکفول به  
برشیدر



( باب اول )

( عقد کفالت حقننده اولوب ایکی فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( رکن کفالت حقننده در )

۶۲۱ ماده

یا لکز کفیلک ایجابیله کفالت منعقد و نافذ اولور . فقط  
مکفول له دیلر سه رد ایده یلور . و مکفول له رد ایتدیجه  
کفالت باقی قالور

بوصورتده مکفول لهک غیابنده برندن اله جفنه بر کیمسه  
کفیل اولوبده خبر کفالت کندویه و اصل اولدین  
وفات ایتسه کفیل بو کفالتیه مطالبه و موأخذه اولنور

۶۲۲ ماده

کفیلک ایجابی یعنی الفاظ کفالت عرف و عادتده تعهد  
و التزامه دلالت ایدن سوزلردر

مثلا کفیل اولدم یا خود کفیل و یا ضامنم دیسه کفالت  
منعقد اولور

۶۲۳ ماده

وعد معلق ایله دخی کفالت اولور ( ۸۴ ) ماده یه باق  
مثلا فلان آدم سنک الاجفکی ویرمز ایسه بن ویررم



دیسہ کفالت اولور و داین اله جغنی استیوبده . مدیون  
ویرمه کفیلدن مطالبه ایدر

۶۲۴ ماده

بو کوندن فلان وقته قدر کفیلیم دیدکده کفالت موقته  
اوله رق منجزا منعقد اولور

۶۲۵ ماده

کفالت . مطابق اوله رق منعقد اولدیغی کبی تعجیل  
و یا تأجیل قیدیه یعنی همان یا خود فلان وقته ایفا اولنمق  
اوزره دیو مقید اوله رق دخی منعقد اولور

۶۲۶ ماده

کفیله کفیل اولمق صحیحدر

۶۲۷ ماده

کفیلک تعددی جائز در

( فصل )

( شرائط کفالت بیاننده در )

۶۲۸ ماده

کفالت انعقادنده کفیلک عاقل و بالغ اولسی شرطدر  
بناء علیه مجنون و معتوه و صینیک کفالتی صحیح اولماز .  
وصبی ایکن کفیل اولوبده بعد البلوغ بو کفالتی مقر  
اولسه دخی انکاه مؤاخذه اولنه مار

۶۲۹ ماده

مکفول عنہک عاقل و بالغ اولسی شرط دکلدر  
بناء علیہ مجنون و صبینک بورجنہ کفالت صحیح اولور

۶۳۰ ماده

مکفول بہ نفس ایسہ معلوم اولسی شرطدر . و مال  
ایسہ معلوم اولسی شرط دکلدر

بناء علیہ فلان آدمک فلان آدمہ اولان بورجنہ کفیل دیدکده  
بورجک مقداری معلوم اولسه دخی کفالت صحیح اولور

۶۳۱ ماده

کفالت بالمالده مکفول بہ اصیل اوزرینہ مضمون اولوق  
یعنی اصیل اوزرینہ ایفاسی لازم اولوق شرطدر

بناء علیہ ثمن مبیعہ و بدل اجارہ بہ و سائر دیون صحیحہ بہ  
کفالت صحیح اولور

کذلک مال مغصوبہ کفالت صحیح اولوب لدی المطالبہ  
کفیل بونی عیناً یا بدلاً اینایہ مجبور اولور

و کذا سوم شرا طریقہ مقبوض اولان مالہ ثمن تسمیہ  
اولتمش ایسہ کفالت صحیحدر . اما قبل القبض مبیعک

عینہ کفالت صحیح اولماز زیرا عین مبیع بابع یدندہ  
تلف اولسه بیع منفسخ اوله جفندن بابع اوزرینہ مضمون

اولیوب یا لکز ثمنی قبض ایتمش ایسہ ردی لازم کاور

کذلک مرهون و مستعار و مأجور و امانات سائرہ اصیل  
 اوزرینہ مضمون اولمدیغندن بونلرک عینلرینہ کفالت  
 صحیح اولماز . فقط مکفول عنه بونلری اضاعه و استهلاک  
 ایدر ایسه کفیل دیسه صحیح اولور . و برده کرک مبیعک  
 و کرک بونلرک تسلیمه کفالت صحیح اولور . ولدی المطالبه  
 برجهتله حق حبسلیری یوغیسه کفیل بونلری تسلیمه مجبور  
 اولور . انجق کفالت بالنفسده مکفول بهک و قاتله  
 کفیل بری اولدیغی کبی بونلر تلف اولدیغی تقدیرده دخی  
 کفیله برشی لازم کلز

۶۳۲ ماده

عقوباتده نیابت جاری اولماز  
 بناء علیه قصاصه و سائر عقوبات و مجاوزات شخصیه به  
 کفالت صحیح دکدر . اما جارح و قاتل اوزرینه لازم  
 کلان ارش و دیته کفالت صحیحدر

۶۳۳ ماده

مکفول عنهک یسارنی شرط اولمیوب مفلسه دخی کفالت  
 صحیح اولور



## ( باب ثانی )

( کفالتک احکامی بیانده اولوب اوچ فصلی حاویدر )

## ( فصل اول )

( کفالت منجزه و معلقه و مضافتک حکمی بیانده در )

۶۳۴ ماده

کفالتک حکمی مطالبه در

یعنی مکقول لهک کفیلدن مکقول بهی مطالبه بهی حق  
اولقدر

۶۳۵ ماده

کفالت منجزه دن دین اکر اصیل حقنده معجل ایسه  
در حال و مؤجل ایسه مدت معینه سنک تمامنده کفیل  
مطالب اولورمثلا برکسه برینک بورجنه کفیل اولدم دیدکده بورج  
اگر معجل ایسه در حال مؤجل ایسه مدتی ختامنده  
دائن اله جعنی کفیلدن مطالبه ایده بیلور

۶۳۶ ماده

اما بر شرطه معلق وزمان مستقبله مضاف اولهرق منعقد  
اولان کفالتده شرط تحقق وزمان حلول ایتدیکجه کفیل  
مطالب اولاز

مثلا فلان آدم سنك اله جعكي ويرمز ايسه اداسنه كفيلم  
 ديدكده كفالت مشروطا منعقد اولوب لدى المطالبه اول  
 آدم بورجنى ويرمز ايسه كفيلمدن مطالبه اولنور يوخسه  
 اصلين قبل المطالبه كفيلم مطالب اولماز

كذا فلان آدم سنك مالكي سرقت ايدر ايسه بن ضاخم  
 ديسه كفالت صحيح واول آدمك سرقتى ثابت اولدوقده  
 كفيلم مطالب اولور

و كذا مكفول له نه وقت مطالبه ايدر ايسه شو قدر كون  
 مهلت ويرمك اوزره كفيلم اولسه مكفول لهك مطالبه  
 ايتديكى وقتدن اعتباراً اول قدر كون مهلت ويريلوب  
 ايام مذكورهك مرورندن صكره مكفول له هر نه وقت  
 ايستر ايسه مطالبه ايدر وكفيلم تكرار او قدر كون  
 استداسنه صلاحيتي اولماز

كذلك فلانده ثابت اوله جق اله جعكه ويا فلانده اقراض  
 ايدجكك مبلغه يا خود فلانك سندن غصب ايدجكي  
 شينه ويا خود فلانده صاته جعك مالك ثمنه كفيلم ديدكده  
 كفيلم انجق بو احوالك تحقسنده يعنى بورجك ثبوتى  
 واقچهك اقراضى وغصبك تحققي ومالك بيع وتسليمى  
 وقوعنده مطالب اولور

و كذا فلان كون احضار اتمك اوزره فلانك نفسنه

كفيلم ديدكده كفيل اول كوندن مقدم مكفول بهك  
احضاريله مطالب اولماز

ماده ۶۳۷

شرطك تحققتده وصف وقيدينك تحققي دنخي لازمدر  
مثلا فلان كيمسه نك اوزريندنه حكم اوانور ايسسه ادا سنه  
كفيلم ديديكى صورتده اول كيمسه شوقدر غروش بورج  
اقرار ايتسه حكم حاكم لاحق اولمديجه كفيلك آنى ادا  
ايتسى لازم كلز

ماده ۶۳۸

كفالت بالدر كده مبيعه مستحق چيقدقده بالمحاكه بايعك  
تمنى رد ايتسنه حكم اولمديجه كفيل مواخذده اولنماز  
ماده ۶۳۹

كفالت موقتده كفيل انجق مدت كفالت ظرفنده  
مطالب اولور

مثلا بو كوندن بر آيه قدر كفيلم ديدكده كفيل انجق بو بر  
آي ظرفنده مطالب اولوب اول آيك مرورنده كفالتدن  
برى اولور

ماده ۶۴۰

كفالتك انمقادتدن صكره كفيل كندوسنى كفالتدن  
اخراج ايده من فقط كفالت معلقه ومضافده دينك ذمت

مديونه ترتيبندن مقدم كفيل كندوسنى كفالتدن اخراج  
ايدہ پيلور

مثلا بر كيمسه بر آدمك نفسنه ياديننه منجزا كفيل اولدقدن  
صكره كندوسنى كفالتدن اخراج ايدہ مديكى كبي فلانده  
نه قدر الله جفك ثابت اولور ايسه ضامنم ديدكده دخي  
كفالتدن دونه مز زيرا دينك ثبوتى هر نه قدر عقد  
كفالتدن مؤخر ايسده دمت مديونه ترتبي عقد كفالتدن  
مقدمدر . اما فلان آدمه نه صاتار ايسهك ياخود  
صاته جفك مالك ثمننه كفيل ديديكى صورته مكقول  
لهك اول آدمه صاته جفنى مالك ثمننه ضامن اولور فقط  
قبل البيع كندوسنى كفالتدن اخراج ايدہ پيلور . شويلاه  
كه بن كفالتدن واز كچدم سن اول آدمه مال صاته  
ديدكدن صكره مكقول له اول آدمه برشى صاتار ايسه  
كفيل انك ثمننه ضامن اولماز

۶۴۱ ماده

بغصوب يامستعار اولان مالك رد و تسليمه قبل اولان  
كيمسه مالى صاحبنه تسليم ايتدكده اجره مستعمله صاحب  
و مستعيره رجوع ايدر يعنى اجره مستعمله مستعير  
الور

## ( فصل ثانی )

( کفالت بالنفسک حکمی بیانده در )

ماده ۶۴۲

کفالت بالنفسک حکمی مکفول بهی احضار دن عبارتدر  
 شویله که قنغی وقت مکفول بهک تسلیمنی شرط ایتمش  
 ایسه اولوقت مکفوله طلب ایتدیگی کبی کفیلک انی  
 احضار ایتمی لازم کلور احضار ایدر ایسه فبها واکر  
 ایتز ایسه انی احضار ایتک اوزره جبر اولنور

## ( فصل ثالث )

( کفالت بالمالک احکامی بیانده در )

ماده ۶۴۳

کفیل ضامن در

ماده ۶۴۴

طالب مطالبهده مخیردر الهجغنی دیلرسه کفیلدن  
 ودیلرسه اصیلدن مطالبه ایدر و برندن مطالبهسی  
 دیکرندن مطالبه حقنی اسقاط ایتیوب برندن مطالبه  
 ایتدکن صکره دیکرندن و یاخود معا ایکیسندن دخی  
 مطالبه ایده پیلوز

ماده ۶۴۵

کفیل بالمال اولان کیسه نک کفالتی حسبیله ذمته لازم



کلان مبلغه دیگر بری کفیل اولسه داین اله جغنی کفیلارک  
قنغیسندن استر ایسه مطالبه ایدر

۶۴۶ ماده

پر جهتدن طولایی مشترکا مدیون اولان کیسه لر یکدیگره  
کفیل اولسه لر هر بری دینک مجموعیله مطالب اولور

۶۴۷ ماده

بر دینک متعدد کفیلاری اولدیغی صورتده اگر بشقه  
بشقه کفیل اولشلر ایسه هر بری مجموع دین ایله مطالب  
اولور

واکر معا کفیل اولشلر ایسه هر بری دیندن حصه سی  
مقداریله مطالب اولور فقط بونلر یکدیگرک ذمتنه لازم  
کلان مبلغه دخی کفیل اولشلر ایسه اول حالده هر بری  
مجموع دین ایله مطالب اولور

مثلا بر کیسه نک بیک غروش بور جنه بری کفیل اولدقدن  
صکره دیگر بری دخی کذلک بیک عروشه کفیل اولسه  
داین بو مبلغی کفیلارک هر قنغیسندن استر ایسه مطالبه  
ایدر . اما اول ایکی کیسه بو بیک غروشه معا کفیل  
اولسه لر هر بری بیک غروشک نصفیله مطالب اولور  
مکر که یکدیگرک ذمتنه لازم کلان مبلغه دخی کفیل اولشلر  
ایسه اول حالده هر بری بیک غروش ایله مطالب اولور

۶۴۸ ماده

کفالتده اصیلک بری اولسی شرط قلمور ایسه حواله یه  
منقلب اولور

۶۴۹ ماده

محیلک عدم برائی شریطیله حواله کفالتدر  
بناء علیه برکیسه مدیونه سنده کی اله جغمی سن دخی  
ضامن اولق اوزره فلانک اوزرینه حواله ایت دیسه  
او دخی اولوجهله حواله ایتسه طالب اله جغنی هر  
قغیسندن استرایسه الور

۶۵۰ ماده

بری نزدنده برکیسه نك امانت مالی اولدیغی حالده  
اول مالدن ادا ایتک اوزره اول کیسه نك بورجنه  
کفیل اولسه جائز اولور . و اول مالدن ایفا ایتک  
اوزره کفیل اجبار اولنور . و اگر مال تلف  
اولسه کفیله برشی لازم کیز . فقط کفیل اولدقدن  
صکره اول مالی صاحبنه رد ایتسه اول حالده کندو  
ضامن اولور

۶۵۱ ماده

برکیسه برینی فلان وقتده احضار ایتک اوزره نفسنه  
واول وقت احضار ایتدیگی آهردده بورجنک اداسنه

کفیل اولدوقده وقت معینده احضار ایتمز ایسه کفیلک  
اول دینی ویرمسی لازم کاور

و کفیل فوت اولدوقده ورثه سی وقت معینه قدر مکفول  
بهی تسلیم ایدر لر یا خود مکفول به جهت کفالتدن  
طولانی نفسنی تسلیم ایلر ایسه کفیل طرفنه مالجه برشی  
ترتیب ایتمز و اگر انلر مکفول بهی یا خود مکفول به نفسنی  
تسلیم ایتمز ایسه کفیلک ترکه سندن مالک اداسی لازم کاور  
و مکفول له فوت اولسه وارثی مطالبه ایدر

و کفیل وقت معینده مکفول بهی احضار ایدوبده  
مکفول له تغیب واختقنا ایسه انک طرفندن بروکیل  
نصب ایله اکا تسلیم اولنمق اوزره مکفیل حاکمه  
مراجعت ایلر

۶۵۲ ماده

کفالت مطلقده دین اکر اصیل اوزرینه معجل ایسه  
کفیل حقنده دخی معجل و اصیل اوزرینه مؤجل ایسه  
کفیل حقنده دخی مؤجل اوله رق ثابت اولور

۶۵۳ ماده

کفالت مقیده ده تعجیل و تأجیل و صفلینک هر قنغیس ایله  
قید اولنمش ایسه کفیل اکا کوره مطالب اولور

۶۵۴ ماده

بر مدت معلومه ایله مؤجل اولان دینه اول مدت ایله  
مؤجل اوله رق کفالت صحیح اولدیغی کبی اندن  
زیاده مدت ایله مؤجل اوله رق کفالت دخی صحیح  
اولور

۶۵۵ ماده

داین اله جغنی اصیل حقنده تأجیل ایدر ایسه کرک  
کفیل و کرک کفیل الکنفیل حقنده دخی تأجیل ایتیش  
اولور

و کفیل اول حقنده تأجیلی کفیل ثانی حقنده دخی تأجیل  
اولور

اما کفیل حقنده تأجیلی اصیل حقنده تأجیل دکلد

۶۵۶ ماده

مؤجلامدیون اولان کیسه قبل حلول الاجل آخر  
دیاره کیده چک اولوبده داینی حاکمه مراجعتله اندن کفیل  
استدکده کفیل ویرمکه مجبور اولور

۶۵۷ ماده

بر کیسه برینه بنم فلان کیسه ایله اولان بورجه کفیل  
اول دیوب و او دخی کفیل اولوبده کفالت حسبیله  
بورجی ادا ایندکدنصکره اصیله رجوع ایده چک

اولدوقده كنفيل اولديغى شئيئله رجوع ايدر . مؤدايه  
اعتبار اولتماز

ما بورجك بر مقدارى اوزرينه دين ايله مصالحه ايتديكى  
تقديرده ويرديكى بدل صلح ايله رجوع ايدر يوخسه  
بجموع دين ايله رجوع ايده من

مثلا مسكوكات خالصه يه كنفيل اولوبده مغشوش آقچه  
ايلاه تأديه ايلسه اصليندن مسكوكات خالصه الور وبالعكس  
مغشوش سكه يه كنفيل اولوبده مسكوكات خالصه ايله  
تأديه ايلسه اصليندن مغشوش سكه الور كذلك شو قدر  
غروشه كنفيل اولوبده صلحا بعض اشيا اعطاسيله تأديه  
ييلسه اصليندن كنفيل اولديغى مقدار آقچه نى الور .  
اما بيك غروشه كنفيل اولوبده صلحاً بشيوز غروش ايله  
تأديه ايلسه اصليندن بشيوز غروش الور

ماده ۶۵۸

عقد معاوضه ضمننده بر كيمسه برينى الداتمش اولسه  
ضررينه ضامن اولور

مثلا بر كيمسه بر عرصه اشترا ايدوبده اوزرينه بنا ياپلدقن  
صكره مستحق چيقوبده ضبط اولنسه مشتري بايعدن  
عرصه نك قيمتى الدقن بشقه بنانك حين تسليمنده كي  
قيمتنى دخى الور

تذک بر کیمسه اهل سوقه اشبور صغیر او غله مال صاتیکز  
 اکا تجارت ایچون اذن ویردم دیسه وبعده اول چوجق  
 بشقه سنک اولدیغی میدانه چیقسه اهل سوق اول چوجغه  
 صاتمش اولدیغی مالک آقچه سنی اول کیمسه دن مطالبه  
 ایدر

— — —  
 ( باب ثالث )

( کفالتدن برائت حقنده اولوب اوچ فضلی حاویدر )

( فصل اول )

( بعض ضوابط عمومیہ بیانده در )

ماده ۶۵۹

مکفول به کرك اصیل و کرك کفیل طرفندن مکفول لهه  
 تسلیم و ایضا اولندقدده کفیل کفالتدن بری اولور

ماده ۶۶۰

مکفول له کفیلی ابرا ایتدم یا خود کفیل طرفنده حقم یو  
 قدر دیسه کفیل بری اولور

ماده ۶۶۱

کفیلک برائتندن اصیلک برائتی لازم کلز

ماده ۶۶۲

اصیلک برائتی کفیلک برائتی موجب اولور

## ( فصل ثانی )

( کفالت بالنفسدن برائت حقننده در )

۶۶۳ ماده

کفیل مکفول بهی شهر و قصبه کبی مخصوصه ممکن اولان  
 یرده مکفول لهه تسلیم ایتدکده مکفول له کرک قبول  
 ایتسون و کرک قبول ایتسون کفیل کفالتدن بری اولور  
 فقط بر بلده معینهده تسلیمی شرط ایدلش ایسه بشقه

بلدهده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز

و مجلس حا کده تسلیم ایتک اوزره کفیل اولدوقده  
 زقاقده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز . فقط ضابط  
 حضورنده تسلیم ایتسه بری اولور

۶۶۴ ماده

طالبک طلبی اوزرینه مکفول بهی مجرد تسلیم ایله کفیل  
 کفالتدن بری اولور . اما طالبک طلبی اولتسزین  
 تسلیم ایتدکده بحکم الکفاله تسلیم ایتدم دیمدیکه بری

اولماز

۶۶۵ ماده

فلان کون تسلیم ایتک اوزره کفیل اولوبده اول کوندن  
 اول تسلیم ایتدکده مکفول له قبول ایتسه بیله کفیل  
 کفالتدن بری اولور

ماده ۶۶۶

مكفول به فوت اولدقده كنفيل كنفالتدن برى اولديغى  
 كى كنفيلك كنفيلى وار ايسه او دىخى برى اولور  
 كذلك كنفيل فوت اولسه كندو كنفالتدن برى اولديغى  
 كى كنفيلى وار ايسه او دىخى برى اولور  
 اما مكفول لهك وقاتيله كنفيل كنفالتدن برى اولميوب،  
 وارثى مطالبه ايدر

( فصل ثالث )

( كنفالت بالمالدن برائت حقتده در )

ماده ۶۶۷

داين فوت اولوبده مديون اكا منحصر وارث اولسه  
 كنفيل كنفالتدن برى اولور  
 واكر داينك بشقه وارثى دىخى وار ايسه كنفيل يالكز  
 مديونك حصه سندن برى اولوب ديكر وارثك حصه سندن  
 برى اولماز

ماده ۶۶۸

كنفيل يا خود اصيل بورجك بر مقدارى اوزرينه داس  
 ايله مصالحه ايتدكارنده اكر اكينك يا اصيلك برائتى  
 شرط ايدلمش يا خود هيچ بر شرط درميان ايدلماش ايسه  
 ايكيسى دىخى برى اولور



واكر يالكز كفيلك برائتي شرط ايدلمش ايسه يالكز كفيل  
 برى اولوب طالب دخي مخير اولور . ديلر ايسه مجموع  
 دينني اصيلدن وديلر سه بدل صلحي كفيلدن و باقيسني  
 اصيلدن الور

۶۶۹ ماده

كفيل مكفول لهي برينك اوزرينه احاله ايدوب مكفول  
 له و محال عليه دخي قبول ايتسه هم كفيل و همده مكفول  
 عنه برى اولور

۶۷۰ ماده

كفيل بالمالك و فائده مال مكفول به تركه سندن مطالبه اولور  
 ۶۷۱ ماده

ثمن مبيعه كفيل اولوب ده بيع فسخ اولنسه يا خود مبيع  
 بالاستحقاق ضبط و يا عيله رد قلنسه كفيل كفالتدن برى اولور  
 ۶۷۲ ماده

مدت معلومه تماينه دك بر مال ايجار اولنوبه تسميه  
 قلنان بدل اجاره سنه بر كيمسه كفيل اولدوقده مدت  
 اجاره نك انقضا سنده اول كفالت دخي منتهى اولوب  
 بعده اول مال اوزرينه مجدداً عقد اجاره اولدوقده اول  
 كفالتك بوكا شمولى اولماز

في ۱۸ محرم سنه ۲۸۷

اراده سنه تاريخي

عن اعضاء شورای دولت      ناظر دیوان احکام عدلیه  
 سینف الدین      احمد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه      عن اعضاء دیوان احکام عدلیه  
 السید احمد حلمی      السید احمد خلوصی

عن اعضاء جمعیت ابن عابدین زاده      عن اعضاء شورای دولت  
 علاء الدین      محمد امین

— كتاب الحواله —

✽ صورت خط شمایون ✽

( موجب بجه عمل اولنه )

( کتاب رابع )

( حواله حقننده اولوب بر مقدمه ايله )

( ایکی بابی حاویدر )

( مقدمه )

( حواله یه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاتنده در )

۶۷۳ ماده

حواله • دینی بر ذمتدن دیگر ذمته نقل ایتمکدر

۶۷۴ ماده

محیل • حواله ایدن کیمسه که مدیوندر

۶۷۵ ماده

محال به • دائن اولان کیمسه در

۶۷۶ ماده

محال علیه • کندو اوزرینسه حواله یی قبول ایدن

کیمسه در

۶۷۷ ماده

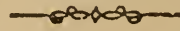
محال به • حواله اولنان مالدر

ماده ۶۷۸

حواله مقیده . محیلك محال علیه ذمتمده یا خود یدنده  
اولان مالندن ویرمك اوزره دیو مقید اولان حواله در

ماده ۶۷۹

حواله مطلقه . محیلك محال علیه ذمتمده اولان مالندن  
ویرمك اوزره دیو مقید اولیان حواله در



( باب اول )

D عقد حواله بیاننده اولوب ایکی فصله منقسمدر (

( فصل اول )

( رکن حواله بیاننده در )

ماده ۶۸۰

محیل کندو داننده سنی فلانك اوزرینه حواله ایتدم  
دیوب انلر دخی قبول ایتدکلرنده حواله منعقد اولور

ماده ۶۸۱

یا لکز محال له ابله محال علیه بیننده عقد حواله اولنه بیلور  
مثلا برکیسه برینه بنم فلانده اولان شو قدر غروش  
اله جغمی حواله سن اوزرینه ال دیوب او دخی قبول  
ایتدم دیسه یا خود فلانده اولان شو قدر غروش

الہ جعگی بنم اوزریمہ حوالہ قبول ایت دیوب اودخی  
ایتسہ حوالہ صحیح اولور حتی محال علیہ صکرہ نادم  
اولسہ ندامتی فائده ویرمز

۶۸۲ ماده

یالکز محیل ایله محالہ بینده اجرا اولنان حوالہ محال  
علیه لدی الاعلام قبول ایتدکده صحیح وتمام اولور  
مثلا برکیمسه دائنی آخر دیارده اولان برینک اوزرینه  
حوالہ ایدوب دائن دخی قبول ایتدکدنصکره محال علیہ  
لدی الاعلام اودخی قبول ایتدیگی کبی حوالہ تمام اولور

۶۸۳ ماده

یالکز محیل ایله محال علیہ بینده اجرا اولنان حوالہ  
محال لهک قبولنه موقوفا منعقد اولور  
مثلا برکیمسه برینه بنم فلانه اولان دینمی حواله سن  
اوزریکه آل دیوب اودخی قبول ایتسہ موقوفا منعقد  
اولوب محالہ قبول ایتدکده حواله نافذ اولور

( فصل ثانی )

( شرائط حواله بیانده در )

۶۸۴ ماده

انعقاد حواله ده محیل ایله محال لهک عاقل و محال علیہک  
عاقل بالغ اولسی شرطدر

بناء عليه صبي غير ميرك برينه بوج حواله ايتسي و برندن  
حواله المسى باطل اولديغي كبي صبي كرك ميرز اولسون  
و كرك غير ميرز اولسون و كرك مأذون و كرك محجور اولسون  
برندن كندو اوزرينه حواله قبول ايتسي باطلدر

۶۸۵ ماده

حواله لك نفاذنده محيل ايله محال لهك بالغ اولسي شرطدر  
بناء عليه صبيء ميرك حواله سي و حواله المسى و ليسنك  
اجازتنه موقوفا منعقد اولور و و ليسی اجازت و یردكده  
نافذ اولور

شو قدر كه حواله الديغي صورتده و ليسی اذن و یرسه  
دخی محال عليهك محیلدن دهاملی یعنی غنی اولسی شرطدر  
۶۸۶ ماده

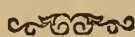
محال عليهك محيله مديون اولسی شرط اولیوب محیلک  
اندن اله جغنی اولسه ده حواله سی صحیح اولور  
۶۸۷ ماده

هر دین که ا کا کفالت صحیح اولیه حواله سی دخی صحیح اولماز  
۶۸۸ ماده

هر دین که ا کا کفالت صحیح اوله حواله سی دخی صحیح  
اولور . فقط محال بهك معلوم اولسی لازمدر . بناء  
عليه دین مجهولك حواله سی صحیح اولماز

مثلا فلانده ثابت اوله جق اله جغكى حواله قبول ايتدم  
ديسه حواله صحیح اولماز  
ماده ٦٨٩

اصالة ذمة مترتب اولان ديون صحیحه نك حواله سی  
صحیح اولدینغی کبی جهت کفالت و حواله دن طولایبی  
ذمه مترتب اولان دینك حواله سی دخی صحیح اولور



( باب ثانی )

( احکام حواله بیاننده در )

ماده ٦٩٠

حواله نك حکمی بودر که محیل بور جندن و کفیلی وار  
ایسه کفالتدن بری اولور . و محال علیه دن اول بور جی  
مطالبه ایتک حقی محال لهه ثابت اولور . و مرتهن  
برینی راهن اوزرینه حواله ایتدکده ارتق رهنی حبس  
و توقیفه صلاحیتی قائلز

ماده ٦٩١

محیل مطلق اوله رق حواله ایتدکده اکر محال علیه ده  
اله جغنی بوغیسه بعد الادا محال علیه محیله رجوع ایدر .  
واکر اله جغنی وار ایسه بعد الادا دینیه تقاص اولور



۶۹۲ ماده

حواله مقیده ده محیلک محال بهدن طولایی حق مطالبه سی  
 منقطع اولور . و محال علیه ارتق انی محیله ویره مز .  
 و ویرسه ضامن اولور . و بعد الضمان محیله رجوع  
 ایدر . و قبل الادا محیل دیونی ترکه سندن ازید اولدیغی  
 حالده فوت اولسه سائر دائئری محال بهه مداخله  
 ایده مز لر

۶۹۳ ماده

بایعک مشتری ذمتنده ثمن مبیع اولان اله جغندن ویرمک  
 اوزره دیو مقید اولان حواله ده مبیع قبل التسلیم هلاک  
 اولوبده ثمن ساقط اولسه یا خود مبیع خیبار شرط یا خیبار  
 رؤیت و یا خیبار عیب ایله رد اولنسه و یا خود اقاله  
 بیع ای دلسه حواله باطل اولماز و محال علیه بعد الادا  
 محیله رجوع ایدر یعنی ویردیکنی محیلدن الور اما  
 مستحق چیقوبده مبیع ضبط اولنغله محال علیه اول  
 دیندن بری ایدوکی تبین ایتسه حواله باطل اولور

۶۹۴ ماده

محیلک محال علیه یدنده امانت اولان مبلغندن ویرمک  
 اوزره دیو مقید اولان حواله ده مستحق چیقوبده اول

۱۹۸  
مال ضبط اولنسه حواله باطل اولور و بورج محيله

عودت ايدر

ماده ۶۹۵

محيلك محال اليه يندنه كي مبلغندن ويرلك اوزره ديو  
مقيد اولان حواله ده اول مبلغ تلف اولديغي صورتده  
اكر مضمون دكل ايسه حواله باطل اولور و بورج  
محيله عودت ايدر . و اكر مضمون ايسه حواله باطل  
اولماز

مثلا بر كيمسه نك يندنه كي امانت آچقه سندن ويرلك  
اوزره دائني اول كيمسه نك اوزرينه حواله ايتدكه قبل  
الايخذ اول آچقه بلا تعد تلف اولسه حواله باطل اولور  
و دائنك اله جغي محيله عودت ايدر . اما اول آچقه  
مال مغصوب اولسه يا خود امانت اولوبده اول كيمسه نك  
اتلافيله اوده سي لازم كاسه حواله باطل اولماز

ماده ۶۹۶

بر كيمسه كندوس نك بر معين مالني صاتوبده نمندن ادا  
ايتك اوزره دائني برينك اوزرينه حواله و او دخی  
اول شرطله حواله بي قبول ايتسه صحيح اولور و محال  
عليه اول مالي صاتوبده نمندن ديني ادا ايتك اوزره  
اجبار اولنور

۶۹۷ ماده

حواله مبهمه ده یعنی محال بهک تعجیل و تأجیلی بیان  
اولنمیان حواله ده دین ا کر محیل اوزرینه معجل ایسه  
حواله معجله اولوب محال علیهک انی همان تأدیه سی  
لازم کلا وروا کر دین مؤجل ایسه حواله مؤجله  
اولوب و عده سی حلولنده اداسی لازم اولور

۶۹۸ ماده

محال علیه دینی ادا ایتمدن محیل رجوع ایده مز  
ور رجوع ایده جک اولدقده محال به ایله رجوع ایدر  
یعنی نه جنس آقچه حواله اولنش ایسه محیلدن انی  
الور

یوخسه مؤدا ایله رجوع ایده مز

متلا کومش آقچه حواله اولنوبده التون ویرسه محیلدن  
کومش آقچه الوب التون مطالبه ایده مز . کذلک  
بشقه اموال و اشیا ایله تأدیه ایسه حواله اولنمان  
آقچه بی الور

۶۹۹ ماده

محال بهک اداسیله یادیکر برینک اوزرینه حواله سیله  
یاخود محال لهک محال علیهی ابراسیله محال علیه  
دیندن بری اولدیغی کبی محال له محال بهی هبه یاخود

تصدق ایدوبده محال علیه دخی قبول ایتسه كذلك  
دیندن بری اولور  
۷۰۰ ماده

محال له فوت اولوبده محال علیه اکا وارث اولسه  
حواله نك حکمی قلماز  
اراده سنیه تاریخی فی ۲۵ صفر سنه ۲۸۸

عن اعضاء شورای دولت      ناظر دیوان احکام عدلیه  
سیف الدین      احد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه      عن اعضاء دیوان احکام عدلیه  
السید احد حلمی      السید احد خلوصی

عن اعضاء جمعیت ابن بابدین زاده      عن اعضاء شورای دولت  
علاء الدین      محمد امین

— ❦ — كتاب الرهين — ❦ —

✽ صورت خط همایون ✽

( موج‌بند عمل اولنه )

( کتاب خامس )

( رهن حقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی شاملدر )

( مقدمه )

( رهنه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاندنه در )

۷۰۱ ماده

رهن • بر مالی اندن استیفاسی ممکن اولان برحق مقابلنده  
محبوس و موقوف قیلمقدر و اول مائه مرهون دینلدیکی

کبی رهن رهن دخی دینلور

۷۰۲ ماده

ارتهان • رهن المقدر

۷۰۳ ماده

راهن • رهن ویرن کیمسه در

۷۰۴ ماده

مرتهن • رهن الان کیمسه در

۷۰۵ ماده

عدل • راهن و مرتهنک امنیت ایدوبده رهنی تودیع

و تسلیم ایتدکاری کیمسه در

## ( باب اول )

( عقد رهنه دائر مسائل بیاننده اولوب اویچ فصله منقسمدر )

## ( فصل اول )

( رکن رهنه دائر اولان مسائل بیاننده در )

۷۰۶ ماده

راهن و مرتهنك ايجاب و قبولی ایله رهن منعقد اولور .

فقط قبض بولمقد قجه تمام لازم اولمز

بناء علیه راهن قبل التسليم رهنه ن رجوع ایده یلور

۷۰۷ ماده

رهنك ايجاب و قبولی راهن بوشیمی سکا دینم مقابیلنده

رهن ایتدم دیوب یا خود بو ما آله دیگر برسوز سویلیوب

مرتهن دخی قبول ایتدم و یا خود راضی اولدم دینك

کبی رضایه دلالت ایدر برسوز سویلیکدر . و رهن لفظنك

سویلمسی شرط دکلددر

مثلا بری شو قدر غروشه برشی اشترا ایله بايعه برمال

ویزوبده پاره بی ویرنجیه قدر بونی الیقوی دیسه اول مالی

رهن ایتمش اولور

## ( فصل ثانی )

( انعقاد رهنك شرطی بیانده در )

۷۰۸ ماده

راهن و مرهونك عاقل اولسی شرطدر . اما بالغ اولسی  
 شرط دكلدر . حتی صبی ممیزك رهن وارتهانی جائزدر

۷۰۹ ماده

مرهونك صاتلفه صالح برشی اولسی شرطدر  
 بناء علیه وقت عقدده موجود و مال متقوم و مقذور

التسليم اولسی لازمدر

۷۱۰ ماده

مرهونك مقابلی مال مضمون اولق شرطدر  
 بناء علیه مال مغصوب ایچون رهن المی جائزدر . اما  
 ضمانت اولان مال ایچون رهن المی صحیح اولماز

## ( فصل ثالث )

( مرهونك زوائد متصله سی و عقد رهندن صکره )

( واقع اولان تبدیل و زیاده حقدده در )

۷۱۱ ماده

بیعده بلاذکر داخل اولان مشتملات رهنده دخی داخل  
 اولدیغی کبی بر عرصه رهن ایدلدکده اوزرندکی بالجمله



اشجار بیله میوه سی و مغروسات و مزروعات ساره سی  
صراحة ذکر اولتمسه بيله داخل اولور

۷۱۲ ماده

رهنگ رهن آخره تبدیلی جا زدر

مثلا بر کیمسه شو قدر غروش دینی مقابلنده بر ساعت  
رهن ایتد کدن صکره بر قلیح کتور و بده ساعتک رینه  
بون، ال دیسه و مرتهن دخی ساعتی رد ایله قلیحی السه  
اول مبلغ مقابلنده قلیح مرهون اولور

۷۱۳ ماده

بعد العقد راهنگ مرهونی تزیدی جا زدر

یعنی برشی رهن ایتد کدن صکره هنوز عقد باقی ایکن اکا  
دیگر بر مالی دخی رهن اوله رق علاوه ایتمی صحیح  
اولور و بوزیاده اصل عقده ملحق اولور یعنی اصل  
عقد کویا بر ایکی مال اوزرینه وارد اولمش اولور  
و بر ایکی مالک مجموعی حین زیاده ده قائم اولان دینه

مرهون اولور

۷۱۴ ماده

بر دین مقابلنده بر مال رهن ایدل کده ینسه اول رهنه  
مقابل اولق اوزره دینک تزیدی صحیح اولور  
مثلا بر کیمسه بیک غروش دینی مقابلنده ایکی بیک

غرو شلق بر ساعت رهن ایتد کد نصکره ینه اول رهنه  
مقابل اولق اوزره دایندن بشیوز غروش دها السه  
اول ساعت بیک بشیوز غروشه رهن اولش اولور  
۷۱۵ ماده

مرهوندن متولد زیاده اصل مرهون ایله برابر مرهون  
اولور

( باب ثانی )

( رهن و مرتهنه متعلق بعض مسائل بیانده در )

۷۱۶ ماده

مرتهن خود بخود عقد رهنی فسخ ایده بیلور  
۷۱۷ ماده

مرتهنک رضاسی اولدقجه رهن عقد رهنی فسخ ایده من  
۷۱۸ ماده

• رهن و مرتهن بالاتفاق عقد رهنی فسخ ایده بیلور  
قط بعد الفسخ مرتهنک اول رهن مقابله کنده کی الاجفی  
راهندن استیفا ایدنجه دکن رهنی حبس و امساکه  
صلاحیتی وارد

۷۱۹ ماده

مکفول عنیه کفیله رهن ویرمی جائزدر

۷۲۰ ماده

برمدیونك ايكي دايي . كرك بريله شريك اولسون كرك  
اولسون كندوسندن بر رهن السهل جاژ اولور . و بو  
رهن ايكي دينك مجموعي مقابلنده مرهون اولور

۷۲۱ ماده

بري ايكي كيسه ده اولان الاجعي ايچون بر رهن  
السه جاژ اولور . بودخي ايكي الاجعك مجموعنه  
مرهون اولور

( باب ثالث )

( مرهونه متعلق مسائل بيانده اولوب ايكي فصله )

( منقسمدر )

( فصل اول )

( مرهونك مؤنت و مصارفی بيانده در )

۷۲۲ ماده

رهنی مرتهن بالذات بحفظ ايدر يا خود عيسالی يا شريكي  
ويا خود خدمتچيسي كبي اميني اولان كيسه يه حفظ ايتديرر

۷۲۳ ماده

بركراسي و بكيچي اجرتي كبي رهنك محـ افضه سي ايچون  
اولان مصرف مرتهنه عائددر

۷۲۴ ماده:

رهنك حيوان ايسه علني و چوبان اجرتي و عقار ايسه  
 تعميري و سقي و تلقيحي و او تيرينك آبقلانسي و خرقنك  
 تطهيري كبي بقاسي و اصلاح منافععي ايجون اولان مصرف  
 راهنه ماندر

۷۲۵ ماده

راهن مرتهندن و بريسي ديكرينه مانء اولان مصرفي خود  
 بخود ايفا ايتسه تبرعدر صكره مطالبه ايدهمز

( فصل ثاني )

( رهن مستعار حقهنده در )

۷۲۶ ماده

بركيسه ديكرنك مالي استعمار ايدوبده انك اذنيه رهن  
 ايتنك جائز اولور . و بوكا رهن مستعار دينلور  
 ۷۲۷ ماده

مال صاحبنك اذني مطلق ايسه مستعيراني هر وجهه  
 رهن ايده ييلور

۷۲۸ ماده

مال صاحبي شو قدر غروش و ياشو جنس مال مقابلنده  
 يا خود فلان آدمه و يا خود فلان بلدهده رهن ايدنك  
 اوزره ديو مقيدا اذن و ير دكده مستعير دخي انجتيق انك  
 قيد و شرطنه موافق اوله رق رهن ايده ييلور

## ( باب رابع )

( رهنك احكامى بيانده اولوب درت فصله منقسمدر )

## ( فصل اول )

( رهنك احكام عمومیه سی بیانده در )

۷۲۹ ماده

رهنك حكمی فكنه قدر مرتهنك حق حبسی اولوق  
وراهن فوت اولدوقده سائر غرماندن احق اوله رق راهنك  
رهنندن استیفای دین ایده بیلکدر

۷۳۰ ماده

رهن بورجك مطالبه سنه مانع اولیوب رهنی قبض  
ایتدكدن صکره دخی مرتهنك رهنندن الاجفی مطالبه یه  
صلاحیتی باقیدر

۷۳۱ ماده

دینك بر مقدارى ایفا اولندوقده اكا مقابل رهنك بر  
مقدارینی رد ایتمك لازم کلیوب بقیه دینی تماماً استیفا  
ایدنجه یه دك مرتهنك مجموع رهنی حبس و امساك صلاحیتی  
واردر . فقط ایکی شی رهن اولندوقده هر بری ایچون  
دیندن بر مقدار تعیین اولنمش ایسه بریسی ایچون تعیین

اولسان مقدار ادا اولندوقده رهن يالكز اني تخليص

ايدہ پيلور

مادہ ۷۳۲

رهن مستعاري تخليص ايله كندويه تسليم ايتك اوزره

صاحبك رهن مستعيري مؤاخذه يه صلاحيتي وارد ر.

ومستعير فقري سببيله اداء ديندن عاجز اولديغي صورته

معير اول ديني كندو طرفدن ادا ايله مالني رهندن

تخليص ايدہ پيلور

مادہ ۷۳۳

رهن ومرتھنك وقتيله رهن باطل اولماز

مادہ ۷۳۴

رهن فوت اولدوقده ورثه سي كبار ايسه انك مقاضه

قائم اولوب تركه دن تأديه دين ايله رهنني تخليص ايتلري

لازم اولور

واكرو ورثه صغار ايسه ياخود كبار اولوبده فائب

يعني مدت سفر بعيد اولان برده ايسه وصيسي مرتھنك

اذنيه رهنني صاتوب ثمنندن تأديه دين ايلر

مادہ ۷۳۵

رهن مستعير كرك بر حيات بولنسون كرك فك رهندن

مقدم فوت اولسون رهن مستعارك مقابلي اولان بورج

ادا اولندیجه معیر اولان کیمسه مالنی مرتهدن اله من

۷۳۶ ماده

راهن مستعیر اولان کیمسه مئلس مدیون اولدیغنی حالده فوت اولسه رهن مستعار مرتهن یدنده علی حاله مرهون قالور فقط معیرک رضاسی اولدیجه صاتلماز . ومعیر رهنی بیع ایله تأدییه دین ایده جک اولدوقده ثمنی دینه وفا ایدرسه مرتهنک رضاسنه باقمقمزین صاتیلور . واکر رهنک ثمنی دینه وفا ایتمز ایسه مرتهنک رضاسی اولدیجه صاتیله من

۷۳۷ ماده

معیرا کر دینی ترکه سندن ازید اولدیغنی حالده فوت اولسه راهنه بالنفس دینی تأدییه ایله رهن مستعاری تخلیص ورد ایتمک اوزره امر اولنور . واکر فقری سببیه تأدییه دیندن عاجز اولورسه اول رهن مستعار علی حاله مرتهن عنندنه مرهون قالور

فقط ورثه معیر بورجی ادا ایله انی تخلیص ایدمیلورلر . ومعیرک دایتری رهنک بیعنی مطالبه ایتمکرنده ثمنی دینه وفا ایدر ایسه مرتهنک رضاسنه باقمقمزین صاتیلور . واکر وفا ایتمز ایسه مرتهنک رضاسی اولدیجه صاتیله من

۲۳۲  
۷۳۸ ماده

مرتهن فوت اولدوقده رهن انك ورثه سی عندنده مرهون  
اوله رق قالور

۷۳۹ ماده

ایکی کیمسه یه اولان دینی ایچون بر رهن و برعش اولان  
راهن برینه اولان دینی ادا ایتسه رهنك نصفنی استرداد  
ایدیه میوب ایکی سنك دخی اله جغنی تماماً ایضا ایتدیکه رهنی  
تخلیصه صلاحیتی یوقدر

۷۴۰ ماده

ایکی مدیوننکدن بر رهن المئش اولان کیمسه ایکی سنده  
اولان الاجغنی تماماً استیفا ایدنجه به دك رهنی اسساک  
ایدیه بیلور

۷۴۱ ماده

رهنی راهن اتلاف یا خود تعییب ایتدکده ضامن اولسی  
لازم کلدیکی کبی مرتهن اتلاف یا خود تعییب ایتدکده  
دخی قیمتی مقداری دیندن ساقط اولور

۷۴۲ ماده

آخر بر کیمسه رهنی اتلاف ایتسه یوم اتلافنده کی قیمتی  
و برر و و اول قیمت مرتهن عندنده رهن اولور



## ( فصل ثانی )

( راهن و مرتهنك رهنده تصرفلری حقتده در )

۷۴۳ ماده

راهن و مرتهندن برينك اذنی اولقسزین دیکرینك رهنی  
بشقه بر کیمسه یه رهن ایتسی باطلدر

۷۴۴ ماده

مرتهنك اذنیله راهن رهنی دیکره رهن ایتسه رهن  
اول باطل و رهن ثانی صحیح اولور

۷۴۵ ماده

راهنك اذنیله مرتهن رهنی رهن ایتسه رهن اول باطل  
و رهن ثانی رهن مستعار قیلندن اولهرق صحیح اولور

۷۴۶ ماده

راهنك رضاسی اولقسزین مرتهن رهنی صاندقده  
راهن مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایلر دیلرسه اجازت  
ایله تنفیذ ایلر

۷۴۷ ماده

مرتهنك رضاسی اولقسزین راهن رهنی صاندقده بیعی  
نافذ اولماز و مرتهنك حق حبسنه خال کلز . فقط  
بورج ایفا اولنورسه اول بیع نافذ اولور

و کذا مرتهن اول بیعه اجازت و یرسه نافذ اولوب رهن  
دخی رهنیتدن چیقهرق بورج حالی اوزره قالور و مبیعک  
ثنی مبيع مقامنده رهن اولور . و اگر مرتهن اجازت  
و یرمز ایسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه رهنک فیکنه  
قدر بکلو و دیلرسه حاکمه مراجعت ایله بیعی فسخ ایتدیرر  
۷۴۸ ماده

راهن و مرتهنیدن بری دیگر ینک اذنیله رهنی آخر  
بر کیمسه یه اعاره ایده بیلور و بعده هر بری انی رهنیده  
اعاده ایده بیلور  
۷۴۹ ماده

مرتهن رهنی راهنه اعاره ایده بیلور  
بوصورتده راهن فوت اولسه مرتهن ینه رهنه راهنک  
سائر داینلرندن اسبق اولور  
۷۵۰ ماده

راهنک اذنی اولدقجه مرتهن رهندن انتفاع ایده مز  
اما راهنک اذن و اباحه سیله مرتهن رهنی قولانور  
و میوه و سوت، کبی حاصلاتی الوز و بونلرک مقابلنده  
دیندن برشی ساقط اولماز  
۷۵۱ ماده

مرتهن بر محله کیدر اولدقده یول امین ایسه رهنی برابر  
کتوره بیلور

## ( فصل ثالث )

( یدعدله اولان رهنک احکامی بیانده در )

۷۵۲ ماده

ید عدل • ید مرتهن کبیدر

یعنی راهن و مرتهن رهنی امنیت ایتدکری بر کیمسه به  
تودیع ایتدک اوزره مقاوله ایدوب او دخی راضی  
اوله رق قبض ایتسه رهن تمام و لازم اولور • و اول  
کیمسه مرتهن مقامنه قائم اولور

۷۵۳ ماده

حین عقدده رهنی مرتهن قبض ایتدک اوزره شرط  
ایدلکدن صکره راهن و مرتهن بالاتفاق یدعدله وضع  
ایتسه لر جائز اولور

۷۵۴ ماده

دین باقی ایکن عدل اولان کیمسه راهن و مرتهندن  
برینک رضاسی اولدقجه رهنی دیکرینه ویره مز و ویررسه  
استرداده صلاحیتی واردر • و قبل الاسترداد رهن  
تلف اولسه عدل انک قیمتی ضامن اولور

۷۵۵ ماده

عدل فوت اولسه تراضی طرفین ایله رهن بر بشقه عدله

تودیع اولنور . واکر ینلرنده اتفاق حاصل اوله من  
ایسه حاکم رهنی بر یعدله وضع ایدر  
( فصل رابع )

( بیع رهن حقنده در )

ماده ۷۵۶

راهن و مرتهندن بریسی دیکرینک رضاسی اولدقجه  
رهنی صانه من

ماده ۷۵۷

دینک وقت اداسی حلول ایدوبده راهن اداسندن امتناع  
ایتدکده رهنی بیع ایله ادای دین ایتمک اوزره حاکم  
طرفندن راهنه امر اولنور . اکر اباوعناد ایدرایسه  
حاکم رهنی بیع ایله دینی ادا ایدر

ماده ۷۵۸

راهن غائب اولوبده حیات و مماتی معلوم اولسه مرتهن  
رهنی بیع ایله الهجغنی استیفایتمک اوزره حاکم  
مراجعت ایدر

ماده ۷۵۹

رهنک فسادندن خوف اولنور ایسه مرتهن انی اذن  
حاکم صاته بیلور و ثمن کیندو یندنه رهن اولور . واکر  
حاکم اذنی اولقسزین صاتارسه ضامن اولور

کذلک رهن اولان باغ و بستانک میوه و سبزه سی یتشوبده  
تلف اولسنندن خوف اولنسه پیله رای حاکم ایله  
صاتیله بیلور اما خود بخود مرتهن صاتسه ضامن اولور  
۷۶۰ ماده

دینک وقت اداسی حلول ایتدکده رهنی صاتیق اوزره  
راهن مرتهنی یا عدلی یا خود بشقه برینی توکیل ایتسه  
صحیح اولور. و ارتقی راهن اول و کیلی و کالتدن عزل  
ایده مز. و راهن و مرتهندن برینک و فاتیله دخی منعزل  
اولماز

۷۶۱ ماده

رهنی بیعه و کیلی اولان کیمسه دینک وقت اداسی حلول  
ایتدکده رهنی بیع ایله ثمنی مرتهنه تسایم ایدر. و اگر  
ابا ایدر ایسه رهنی صاتیق اوزره راهنه جبر اولنور.  
اودخی ابا و عناد ایدرسه حاکم صاتار  
و اگر راهن یا خود ورثه سی غائب بولنور ایسه رهنی  
صاتیق اوزره و کیله جبر اولنور. و عناد ایدرسه  
حاکم کندو صاتار

اراده سنیه تاریخی فی ۲۵ صفر سنه ۲۸۸

وکیل درس و عن اعضاء مجلس رئیس جمعیت مجله و عن اعضاء

تدقیقات شرعیه مجلس تدقیقات شرعیه

السید خلیل عمر خلوصی

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء شورای دولت

احمد خلوصی سیف الدین

عن اعضاء جمعیت مجله ابن عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

بابدین زاده علامه الدین احمد حلمی

مدیر مکتب نواب السید عن اعضاء مجلس تدقیقات

یونس وهی شرعیه عیسی روحی

— كتاب الامانات —

✽ صورت خط همایون ✽

موجب بجه عمل اولنه

( کتاب سادس )

( امانات حقهنده اولوب بر مقدمه ایله اوچ بابی مشتملدر )

( مقدمه )

( امانات متعلق اصطلاحات فقهیه بیاننده در )

۷۶۲ ماده

امانت • امین اتخاذ اولنان کیسه نزدنده بولنان  
شیدر

کرك و ديعه کبی عقد استخفاظ ایله امانت ایدلسون  
و کرك مأجور و مستعار کبی بر عقد ضمننده امانت اولسون  
و کرك بر کونه عقد و قصد اولمقسزین بر کیسه نك بدینه  
امانت پکسون • نته کیم روز کار ایله بر کیسه نك خانه سنه  
قومشوسنك بر مالی دوشسه عقد اولدیغی جهتمله اول  
مال خانه صاحبی نزدنده و ديعه اولیوب فقط امانتدر

۷۶۳ ماده

و ديعه • حفظ ایچون بر کیسه ديه ایداع اولنان مالدر

۷۶۴ ماده

ایداع • کندو مالک محافظه سنی دیکره احاله ایتمکدر



که احاله ایدن کیمسه به دالت کسریله مودع و قبول ایدن  
 کیمسه به ودیع و دالت فتحیله مستودع دینلور  
 ماده ۷۶۵

عاریت • مجانا یعنی بلا بدل منفعتی تملیک اولنان مال  
 در که معار و مستعار دخی دینلور  
 ماده ۷۶۶

اعاره • عاریت ویرمکدر که ویرن کیمسه به معیر دینلور  
 ماده ۷۶۷

استعاره • عاریت المقدر که الان کیمسه به مستعیر دینلور

( باب اول )

( اماناته دائر بعض احکام عمومیه بیانده در )

ماده ۷۶۸

امانت مضمون لازم دکدر

یعنی امینک صنع و تقصیری اولتسزین تلف یا ضایع  
 اولدیغی تقدیرده ضمان لازم کلز

ماده ۷۶۹

بر کیمسه یولده یا خود دیگر محلده برشی بو او بده کندوسنه  
 مال اولوق اوزره اخذ ایتسه خاصب حکمنده اولور  
 بونک اوزرینه اول مال تلف یا ضایع اولدیغی حالده

کند و سنک صنع و تقصیری اولسه بیله ضامن اولور .  
 اما صاحبنه ویرمک اوزره اولدیغی صورتده اکر صاحبی  
 معلوم ایسه یندنه صرف امانتدر صاحبنه تسلیم ایتسی  
 لازم کلور . و اکر صاحبی معلوم دکلسه لقطه در  
 که ملتقط اولان یعنی بولوب الان کیسه یندنه امانتدر  
 ماده ۷۷۰

ملتقط بر لقطه بولدیغنی اعلان ایتدیرر . و صاحبی ظهور  
 ایدنجه یه دک نزدنه امانت اولمق اوزره حفظ ایدر و بر  
 کیسه ظهور ایله کندو مالی اولدیغنی اثبات ایدر ایسه  
 اکا تسلیم ایتسی لازم کلور  
 ماده ۷۷۱

بر کیسه نزدنه دیکرک مالی قضار اتلف اولدیغنی صورتده  
 اکر صاحبنک اذنی اولقسزین المش ایسه بهر حال  
 ضامن اولور . و اکر صاحبنک اذنیله المش ایسه  
 یندنه امانت اولمغله ضامن اولماز . فقط سوم شرا  
 صورتده ثمن تسمیه اولندیغنی حالده ضمان لازم کلور  
 مثلا بر کیسه سرچه جی دکاندن خود بخود برکاسه  
 الویده نندن دوشدرک قیرلسه ضامن اولور . و اکر  
 صاحبنک اذنیله الویده نظر ایدر کن قضار ایره دوشوب  
 قیرلسه ضمان لازم کلر . و اول کاسه دیکر برطاقم

کاسه اول اوزرینه دوشه رک قیریلوب انلری دخی قیرسه  
 بو کاسه رک ضمانی لازم کلور انجق اول کاسه امانت  
 اولمغله ینه انک ضمانی لازم کلز . اما بو کاسه قاج  
 غروشه در دیوب دکانجی دخی شو قدر غروشه در ال  
 دیدگدنصکره اله الویده یره دوشه رک قیرلسه ضامن اولور  
 کذلک بر کیمسه شربت ایچرکن شربتچینک بارداغی الندن  
 دوشوبده قیرلسه عاریت قیلندن امانت اولمغله ضمان  
 لازم کلز . فقط کندوسنک سوء استعمالندن ناشی دوشمش  
 ایسه ضامن اولور

۷۷۲ ماده

دلالة اذن صراحة اذن کبدر . فقط صراحة نهی  
 وار ایسه دلالته اعتبار اولنماز  
 مثلا بر کیمسه برینک اذنیله خانه سنه داخل اولدقه میدانده  
 طوران قدح ایله صو ایچمه که دلالة مأذوندر . و صو  
 ایچرکن قضارا یدندن قدح دوشوبده قیرلسه ضمان لازم  
 کلز

فقط صاحب خانه اول قدحه طوقمه دیو نهی ایتیشکن  
 اله الویده دوشه رک قیرلسه ضامن اولور

( باب ثانی )

( ودیعه حقه اولوب ایکی فصلی شاملدر )

( فصل اول )

( عقد و شرط ایداعه متعلق مسائل بیاننده در )

۷۷۳ ماده

صراحة یاخود دلالة ايجاب وقبول ایله ایداع منعقد

اولور

مثلا صاحب ودیعه شو مالی سکا ایداع ایتدم یاخود امانت

ایلدیم دیوب مستوع دخی قبول ایتدم دیسه صراحة

ایداع منعقد اولور

وکذا برکیمسه خانه داخل اوله رق خانجی به حیوانمی

زویه باغلیسه ایم دیدکده خانجی بریر کوسستروب اودخی

اورایه باغلیسه دلالة ایداع منعقد اولور

کذالك برکیمسه مالی بردکانجینک یانسه براغوب کیتسه

اودخی کوروت سکوت ایتسه اول مال اول دکان صاحبی

زدنده ودیعه اولور . واکر دکان صاحبی قبول ایتیم

دیهرک رد ایتسه ایداع منعقد اولماز

وکذالك برکیمسه مالی ودیعه اولوق اوزره برقاچ کشینک

یانه براغوب کیسه و انر دخی کوروب سکوت ایتسه لر  
 اول مال جله سنک نزدنده ودیعه اولور فقط برر بر اول  
 محلدن قالقوب کیسه لر اگ صکره قالان کیسه حفظه  
 تعین ایتمکه اگ نزدنده ودیعه اولمش اولور

۷۷۴ ماده

مودع ایله مستودعدن هر برینک هر نه وقت دیلرسه  
 عقد ایداعی فسخه صلاحیتی واردر

۷۷۵ ماده

ودیعه نك وضع یده قابل وقبضه صالح اولسی شرطدر  
 بناء علیه هواده کی قوشك ایداعی صحیح دکلدر

۷۷۶ ماده

مودع ایله مستودعدك عاقل ومیز اولمری شرطدر  
 بالغ اولمری شرط دکلدر

بناء علیه مجنونك وصبی غیر میزك ایداع وودیعه بی  
 قبول ایتلمی صحیح دکلدر اما مأذون اولان صبی میزك  
 ایداعی وودیعه بی قبول ایتلمی صحیحدر

( فصل ثانی )

( وودیعه نك احکامی و ضماناتی بیانده در )

۷۷۷ ماده

ودیعه ید مستودعه اماندر

بناء عليه مستودعك صنع و تعدیسی و حفظده تقصیری  
 اولقسمین تلف یا ضایع اولسه ضمان لازم کلز . فقط  
 اجرتله حفظ ایچون ایداع اولنش ایسه ممکن التحرز  
 اولان بر سببله تلف یا ضایع اولدیغی صورتده مضمون اولور  
 مثلاً بر کیمسه نك یدندن قضار اولدیعه اولان ساعت دوشوبده  
 قیرلسه ضمان لازم کلز اما ساعتی چکنسه یا خود النندن  
 برشی دوشوبده ساعت قیرلسه ضمان لازم کلور . كذلك  
 بر کیمسه مالنی دیگره ایداع و حفظ ایچون اکا اجرت  
 اعطا ایتد کدن صکره اول مال سرقت اولنق کبی ممکن التحرز  
 اولان بر سببدن ناشی ضایع اولسه مستوعه ضمان لازم  
 کلور

۷۷۸ ماده

مستودعک خدمتکاری یدندن ودیعه اوزرینه برشی  
 دوشوبده ودیعه تلف اولسه خدمتکار ضامن اولور  
 ۷۷۹ ماده

ودیعه حقنده صاحبک راضی اولدیغی شیئی یا مق  
 تعدیدر

۷۸۰ ماده

مستودع ودیعه بی کندو مالی کبی بالذات حفظ ایدر  
 یا خود امینی اولان کیمسه به حفظ ایتدیرر

وامینی عندندہ تعدنی و تقصیر اولقمزین تلف یا ضایع  
اولسه کرک مستودعه و کرک امینه ضمان لازم کلز  
۷۸۱ ماده

مستودع کندو مالنی زرده حفظ ایدر ایسه و دیعه بی  
دخی اوراده حفظ ایده بیلور  
۷۸۲ ماده

ودیعدنک امثالی وجهله محافظه سی لازمدر  
بناء علیه نقود و مجوهرات مثلاً اموالی اخور و صمانلق  
کبی پرلده طومق حفظده تقصیر اولمغله بو حالده تلف  
یا ضایع اولسه ضمان لازم کلور  
۷۸۳ ماده

مستودع متعدد اولدوقدا کر و دیعه قابل قسمت دکلسه  
برینک اذنیله دیگرکی حفظ ایدر یا خود بالناوبه حفظ  
ایدرلر

و بو حالده و دیعه بلا تعد ولا تقصیر تلف اولسه برینه  
ضمان لازم کلز

و اگر و دیعه قابل قسمت ایسه مستودع لر آنی بینلرنده  
سویا تقسیم ایله هر بری حصه سنی حفظ ایدر  
و بریسی حصه سنی مودعک اذنی اولدوقجه مستودع  
آخره ویره مز و پرونده آخرک بدنده ایکن بلا تعد ولا

۱۷۸  
تقصیر تلف یا ضایع اولسه الانه ضمان لازم کلز . اما  
ویرن کندو حصه سنی ضامن اولور  
۷۸۶ ماده

عقد ایداعده ایراد اولنان شرط اگر ممکن الا جراومفید  
اولور ایسه معتبر در دکل ایسه لغو در  
مثلا مستودعک خانه سنده حفظ اولنق شرطیله بر مال  
ایداع اولنمشیکن حریق و قوعیله دیگر محله نقلنه مجبوریت  
کلدکنده اول شرطه اعتبار اولتماز و بوصورتنده ودیعه  
دیگر محله نقل اولنوبده بلا تعد ولا تقصیر تلف یا ضایع  
اولسه ضمان لازم کلز

وکذا مودع مستودعه و دیعه نك حفظنی امر ایدوبده  
زوجه سنده یا اوغلنه یا خود خدمتکارینه و یا خود کندو  
طانی حفظ ایده کلان بر کیمسده ویرمکدن نهی ایتدکنده  
اگر اول کسنده ویرمکنده مجبوریت و ارایسه نهی معتبر  
اولماز . بوصورتنده مستودع و دیعه بی اول کسنده  
ویروبده بلا تعد ولا تقصیر تلف یا ضایع اولسه ضمان  
لازم کلز . و اگر مجبوریت یوق ایکن ویررسه ضامن  
اولور

کذلک خانه نك فلان او طه سنده حفظ اولنق شرط  
اولنمشیکن مستودع انی اول خانه نك دیگر او طه سنده



حفظ ایتدیکی صورتده اکر اول او طه لر امر محافظه ده  
 مساوی ايسه لر اول شرطه اعتبار اول نماز  
 و بو حالده وديعه تلف اولسه کنذاک ضمان لازم کلز .  
 اما او طه لرک بری کار کیر و دیگر ی اخشاب اولق کبی  
 بینلرنده تفاوت بولسه شرط معتبر اولوب مستودع انی  
 مشروط اولان او طه ده حفظ ایتمکه مجبور اولور .  
 و حفظده اول او طه نک مادونی اولان او طه یه قویوبده  
 تلف اولسه ضامن اولور

۷۸۵ ماده

و ديعة نك صاحبی غائب اولوبده حیات و مماتی معلوم  
 اولسه مستودع انی صاحبنک و قاتی تین ایدنجیه دک  
 حفظ ایدر

فقط وديعه طور مغله بوزيله جق شیردن اولدیغی حالده  
 حاکک اذنیله صاتوب ثمنی نزدنده امانت اوله رق حفظ  
 ایده بیلور . اما صا تمیوبده طور مغله بوزلسه ضمان  
 لازم کلز

۷۸۶ ماده

آت و اینک کبی نفقه یه محتاج اولان و ديعة نك نفقه سی  
 صاحبنه عأندر صاحبی غائب اولدقده مستودع اولان  
 کیسه حاککه مراجعت ایدوب اودخی صاحب و ديعه

حقننده اصلاح و انفع اولان صورتك اجراسنى امر ايلر  
شويله كه وديعه نك ايجارى ممكن ايسه مستودع انى رأى  
حاكمله ايجار ايدوب اجرتدن انفاق ايدر ياخود ثمن  
مثليه صاتار و ايجارى ممكن دكلسه كذلك رأى حاكمله  
همان ياخود اوچ گونه قدر كندو مالندن انفاق  
ايتدكدن صكره ثمن مثليه صاتوب نهايت اوچ كونك  
مصرفنى دخى صاحبندن ايستر . اما حاكك اذنى  
اولقسزبن مصرف ايدر ايسه مودعدن الهماز

۷۸۷ ماده

مستودعك تعدى و ياتقصيرى حالنده وديعه تلف و ياخود  
قيمتنه نقصان طارى اولسه ضمان لازمككور  
مثلا مستودع كندوسنده وديعه اولان نقودى امورينه  
صرف ايله استهلاك ايتسه ضمان اولور . بو صورتده  
نزدنده امانت اولان بر كيه نقودى اولوجهله صرف  
ايدوبده بعد كندو مالندن يرينه قويدقن صكره تعدى  
و تقصير اولقسزبن ضايع اولسه ضماندن قورتيله مز  
وكذا مستودع ينده وديعه اولان حيوانه بلا اذن بنوبده  
كيدر كن كرك فوق العاده سورمكله و كرك ديكر سبيله  
و كرك بلا سبب تلف اولسه و ياخود اثنای راهده سرقت  
اولسه مستودع اول حيوانى ضمان اولور

کذلك حريق وقوعنده مستودع وديعه يدي ديكر محمله نقله  
مقدر ايكن نقل ايتيوده محترق اولسه ضمان لازم كلور  
۷۸۸ ماده

وديعه يدي صاحبنك اذني اولقسزين ديكر مال ايله  
يكديكرندن تفريق اولنه ميه جق صورتده قارشدير مق تعديدر  
بناء عليه مستودع كندوسنده وديعه اولان بر مقدار يوزلك  
التونلري كندوسنك يوزلك التونلريه ياخود بر بشقه سنك  
وديعه اولان يوزلك التونلريه بلا اذن قارشدير دقدن  
صكره ضمايع اولسه ياخود سرقت اولسه ضمان اولور .  
وكذا مستودعدن بشقه بر كيمسه مذكور التونلري اولوجهله  
قارشيرسه اول كيمسه ضمان اولور  
۷۸۹ ماده

مستودع اكر وديعه يدي صاحبنك اذنيه ماده آتنده  
بيان اولنديغي اوزره ديكر مال ايله قارشيرسه ياخود  
كندوسنك صنعى المقسزين اينجى مال بر بريله كذلك  
يكديكردن تفريق اولنميه جق صورتده قارشيره مثلا  
بر صندوق دروننده وديعه اولان التون كيمسه سى يرتيلوب  
ايچنده كى التونلر ديكر التونلره قارشيره مجموعنده  
مستودع ايله صاحب وديعه حصه لري مقدار نجه شريك  
اولورلر . بو حالده بلا تعد ولا تقصير تلف و ضمايع اولسه  
ضمان لازم كلز

۷۹۰ ماده

مستودع ودیعه‌ی بلا اذن آخره ایداع ایده‌مز . ایدوبده  
بعده تلف اولسه ضامن اولور

واکر مستودع ثانینک تعدی یا تقصیری ایله تلف اولمش  
ایسه مودع دیلرسه مستودع ثانی‌یه تضمین ایتدیرر و دیلرسه  
مستودع اوله تضمین ایتدیروب اودخی مستودع ثانی‌یی  
رجوع ایدر

۷۹۱ ماده

مستودع ودیعه‌ی آخرکسنه‌یه ایداع ایدوبده مودع مجیز  
اولسه مستودع اول اره‌دن چیقوب اول کسنه مستودع  
اولور

۷۹۲ ماده

مستودع ودیعه‌ی صاحبنک اذنیله استعمال ایده‌بیلدیکی  
کبی آخره ایجار و اعاره و رهن دخی ایده‌بیلور  
اما صاحبنک اذنی اولقسزین آخره ایجار یا اعاره و یارهن  
ایدوبده و دیعه مستأجر یا مستعیر یا خود مرتهن یکنده  
تلف یا ضایع اولسه یا خود قیمته نقصان کسه مستودعه  
ضمان لازم کلور

۷۹۳ ماده

مستودع امانت اقیچه‌یی بلا اذن آخره اقراض و تسلیم

ایدوبده صاحبی مجیز اولسه مستودع اول اچیهی ضامن  
اولور

کذلک کندوسنده ودیعه اولان اچیه ایله صاحبنک آخره  
اولان دینی ادا ایتدکده صاحبی راضی اولسه ضامن  
اولور

۷۹۴ ماده

ودیعهی صاحبی طلب ایتدکده کندوسنه رد و تسلیمی لازم  
کلورورد تسلیم مؤنتی یعنی کافی و مصر فی مودعه مائد  
اولور

و مودع طلب ایتدکده مستودع ویرمیوبده و دیعه تلف  
یا ضایع اولسه ضامن اولور

قط حین طلبده و دیعه اوزاق محلده بولنمق کبی بر  
عذر دن ناشی ویرمیوبده تلف یا ضایع اولمش ایسه اول  
حالده ضمان لازم کلز

۷۹۵ ماده

مستودع و دیعهی بالذات، یا خود امینی ایله رد و تسلیم  
ایدر . و امینی ایله رد و ارسال ایتدیکی صورتده قبل  
الوصول و دیعه بلا تعد و لاتقصیر تلف یا ضایع اولسه  
ضمان لازم کلز

۷۹۶ ماده

ایمی کیسه مشترک مالربنی بر کیسه یه ایداع ایتدکن  
صکره اول شریکلردن بریسی کل-وبده آخرک غیه ابنده  
حصه سنی مستودعدن طلب ایتدکده ودیعه اکر مثلیاتدن  
ایسه مستودع انک حصه سنی کندوسنه ویرر . واکر  
قییاتدن ایسه ویرمز

۷۹۷ ماده

ودیعه بی تسئیده مکان ایداع معتبر در  
مثلا استانبولده ایداع اولنان متاع ینه استانبولده تسلیم  
اولنور ادرنه ده تسلیم ایتک اوزره مستودعه جبر  
اولنه ماز

۷۹۸ ماده

ودیعه نك منافعى صاحبكدر  
مثلا امانت اولان حیوانك یاوریسی وس-وتی و یوکی  
صاحبنه عائد اولور

۷۹۹ ماده

صاحب و دیعه غائب اولو بده اوزرینه نفقه سی واجب  
اولان کیسه نك مراجعتی اوزرینه حاکم اول غائبک و دیعه  
اولان آچه سندن اول کیسه یه نفقه تقدیر ایتدکده  
مستودع کندو یدنده و دیعه اولان آچه دن اول

کیمسه نك نفقه سنه صرف ایتسه ضمان لازم کلز  
 فقط حاکمک امری اولقسزین صرف ایدر ایسه ضمان  
 اولور

۸۰۰ ماده

مستودعه جنون عارض اولوبده صحو و افاقندن یأس  
 کلدکده قبل الجنه اخذ ایتش اولدیغی و دیعه عیناً موجود  
 اولسه صاحبی بر معتبر کفیل کوستره رک مجنونک مانندن  
 تضمینه صلاحیتی واردر

فقط صکره کندویه افاقت کل-وبده و دیعه بی صاحبنه  
 رد ایتش یا خود بلا تعد و لانتقصیر و دیعه تلف یا ضایع  
 اولمش ایدوکنی بیان ایدر ایسه یمینیه تصدیق اولنه رق  
 اخذ اولمش اولان اچقه سنی استرداد ایلر

۸۰۱ ماده

مستودع فوت اولدقده و دیعه عیناً ترکه سنده بولندیغی  
 صورتده وارثی یدنده دخی امانت اولمغله صاحبنه رد  
 اولور

اما عیناً ترکه سنده بولندیغی صورتده اگر مستودعک  
 حال حیاتنده اول و دیعه بی صاحبنه رد ایتدم یا خود  
 بلا تعد ضایع اولدی دیمک کبی بر صورتله و دیعه نك حالی

بیان و تقریر ایلدیکنی وارثی اثبات ایدر ایسه ضمان  
لازم کلز

کذلک وارث و دیعه یی پیلورز شـریله ایدی بویله ایدی  
دیو توصیف و تفسیر ایدرک مستودعک و فاتندن صکره  
بلاتعد و لا تقصیر ضایع اولدیغنی بیان ایتسه یمینیه  
تصدیق اولنهرق ضمان لازم کلز

و اگر مستودع و دیعه نك حالی بیان ایتماش ایسه مجهلا  
فوت اولمش دیمک اولمسایله دیون سائره کبی ترکه سندن  
استیفا اولنور

و کذا وارثک و دیعه یی توصیف و تفسیر ایتیه رک مجرد بز  
و دیعه یی پیلورز ضایع اولدی دیمسی معتبر اولمیوب  
اولوجهله ضایع اولدیغنی اثبات ایده مدیکی صورته  
ترکه دن ضمان لازم کلور

۸۰۲ ماده

مودع فوت اولرقده و دیعه وارثه ویریلور . فقط ترکه  
مستغرق بالدين ایسه حاکه مراجعت ایدیلور  
وا کر حاکه مراجعت ایتکسزین مستودع آنی وارثه  
ویروب او دخی استهلاک ایتسه مستودع ضامن اولور

۸۰۳ ماده

و دیعه نك تضمینی لازم کلدکده مثلیاتدن ایسه مثلنی



قیامت دن ایسه ضمانی موجب اولان شئیك یوم وقره عنده کی  
قیمتی ویرمک لازم کلور

( باب ثالث )

( عاریت حقنده اولوب ایکی فصلی شاملدر )

( فصل اول )

( عقد و شرط اعاره یه متعلق مسائل بیاننده در )

۸۰۴ ماده

اعاره ایجاب و قبول ایله و تعاطی ایله منعقد اولور  
مثلا بر کیمسه برینه شو مالی سکا اعاره ایتدم یاخود  
عاریت ویردم دیوب او دخی قبول ایلدم دیسه یاخود بر  
شیء سویلیه رک قبض ایتسه و یاخود بری دیکرینه شو  
مالی بکا عاریت ویر دیوب او دخی ویرسه اعاره منعقد  
اولور

۸۰۵ ماده

معیرك سکوتی قبول صائلاز  
بناء علیه بر کیمسه برندن برشی عاریت استیوبده صاحبی  
سکوت ایلش اولدیعی حالده السه غاصب اولور

۸۰۶ ماده

معیر ایستدیکی وقت اعاره دن رجوع ایده بیلور

۸۰۷ ماده

معبر و مستعیر دن هر قنغیسی فوت اولسه عقد ااره  
منفسخ اولور

۸۰۸ ماده

مستعارك انتفاعه صالح اولسی شرطدر  
بناء علیه فراری حیوانك ااره واستعاره سی صحیح دکلدر  
۸۰۹ ماده

معبر و مستعیرك عاقل و ممیز اولملری شرطدر . بالغ  
اولملری شرط دکلدر

بناء علیه مجنون ایله صبی غیر ممیزك ااره و استعاره لری  
جائز اولماز اما صبی مأذونك ااره و استعاره سی جائز  
اولور

۸۱۰ ماده

عاریتده قبض شرط اولوب قبل القبض حکمی یوقدر  
۸۱۱ ماده

مستعارك تعیینی لازمدر

مثلا تعیین و تخییر اولقسزین ایکی بار کیردن بری ااره  
اولسه صحیح اولیوب معبر هر قنغیسی ااره ایده جک  
ایسه تعیین ایتمی لازمدر فقط هر قنغیسی الور ایسهك  
ال دیو مستعیری تخییر ایسه ااره صحیح اولور

## ( فصل ثانی )

( عاریتک احکام و ضماناتی بیاننده در )

۸۱۲ ماده

مستعیر بلا بدل عاریتک منفعته مالک اولور  
 بناء علیه معیر بعدالاسعمال مستعیردن اجرت طلب  
 ایده مز

۸۱۳ ماده

عاریت مستعیر یدنده امانتدر • بلا تعد ولا تقصیر تلف  
 یا ضایع اولسه یا خود قیمتنه نقصان کسه ضمان لازم  
 کلز

مثلا عاریت آینه قضارا مستعیرک الندن دوشمکله یا خود  
 آیافی قایو بده کندوسی آینه یه چار پمغله قیرلسه ضمان  
 لازم کلز • كذلك عاریت کچه اوزرینه قضارا برشی  
 دو کولسکاه لیکه نو بده قیمتنه نقصان کسه ضمان لازم کلز

۸۱۴ ماده

مستعیرک برکونه تعدیسی یا تقصیری واقع اولدوقده  
 ارتق هر نه سببله اولور ایسه اولسون عاریت تلف  
 اولسه یا خود قیمتنه نقصان کسه ضمان لازم کلور  
 مثلا مستعیر ایکی کونده وارله جق محله عاریت حیوان

ایله بر کونده کیدو بده اول حیوان تلف اولسه یاخود  
 ز بون اوله رق قیمتنه نقصان کسه ضمان لازم کلور  
 و کذا بر محله قدر استعاره ایتدیکی حیوان ایله اول  
 محله وارو بده دها ایلرویه تجاوز ایتدکنصکره حتف  
 انقه حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور

کذاک بر کیسه بر کردانلق استعاره ایله بر صبینک بوینه  
 طاقوب و یاننده کوزه دیکیمی اولدیغی حالده براغوبده  
 سرقت اولندقده اکر صبی اوزرنده کی اشیایی حفظه  
 قادر ایسه ضمان لازم کلز اما قادر دکل ایسه ضمان  
 لازم کلور

۸۱۵ ماده

مستعارک نفقه سی مستعیر اوزرینه در

بناء علیه مستعیر عاریت حیوانه علف و یرمیو بده تلف  
 اولسه ضمان اولور

۸۱۶ ماده

اعاره مطلقه ده یعنی معیرک اعاره بی زمان و مکان و بر نوع  
 انتفاع ایله تقید ایتدیکی صورتده عاریتی مستعیر دیلدیکی  
 زمان و مکانده دیلدیکی وجهله استعمال ایده ییلور . فقط  
 عرف و عادت ایله تقید ایدر

مثلا بر کیسه بار کیرینی اولوجهله مطلق اوله رق اعاره

ایتد کده مستعیر اکا دیله دیکی وقت بنر و دیله دیکی محله کیدر .  
 فقط عادت اوزره ایکی ساعتده کیدیله جک محله بر ساعتده  
 کیده مز

کذلک مطلق اوله رق اعاره اولنان بر خان او طده سنده  
 مستعیر دیلر سه ساکن اولور و دیلر سه امتعه وضع ایدر .  
 فقط عرف و عادتک خلافی اوله رق ایچنده تیمور جیلک  
 ایده مز

۸۱۷ ماده

اعاره زمان و مکان ایله تقیید اولندوقده قید معتبر اولوب  
 مستعیر اکا مخالفت ایده مز

مثلا اوچ ساعت بنک اوزره استعاره اولنان حیواند درت  
 ساعت بنیله مز و بر محله کیتک اوزره استعاره اولنان  
 حیوان ایله بشقه محله کیدیله مز

۸۱۸ ماده

اعاره بر نوع انتفاع ایله تقیید اولندوقده مستعیر مأذون  
 اولدیغی انتفاعک مافوقنه تجا اوزر ایده مز . اما اکا  
 مساوی یا اهون صورتده استعمال ایله مخالفت ایده بیلور  
 مثلا بغدادی یوکلمک ایچون استعاره اولنان حیوانه تیمور  
 یاخورد طاش یوکلدیله مز . اما بغدایه مساوی یاخورد  
 اندن اخف بر یوک تحمیل اولنه بیلور . و کذا بنک ایچون

استعاره اولنان حیوانه یوک یوکدیله مز • اما یوک ایچون  
استعاره اولنان حیوانه بنیله بیلور

۸۱۹ ماده

معیرا کر منفعتی تعیین ایتمکسزین مطلق اوله رق اعاره  
ایتش ایسه مستعیرک انی اطلاق اوزره استعماله  
صلاحیتی واردر

یعنی دیلر سه انی کندو استعمال ایدر و دیلر سه بشقه سنه  
اعاره ایله استعمال ایتدیرر

عاریت کرک او طه کبی مستعملینک اختلافیله مختلف  
اولمیان شیردن اولسون و کرک بنک آتی کبی مستعملینک  
اختلافیله مختلف اولان شیردن اولسون

مثلا بر کیمسه او طه می سکا اعاره ایتدم دیدیکی صورتده  
مستعیرانده دیلر سه کندو اقامت ایدر و دیلر سه بشقه سنی  
اسکان ایدر

و کذا شو آتی سکا اعاره ایتدم دیدیکی صورتده مستعیر  
دیلر سه اول آنه کندو بنر و دیلر سه بشقه سنی بندیرر  
۸۲۰ ماده

منفعتک تعیینی مستعملینک اختلافیله مختلف اولان شیرده  
• معتبردر • و مختلف اولمیان شیرده معتبر دکدر • فقط

معیرانی بشقه سنه و برمه دیو نهی ایتمش ایسه مستعیر بهر  
حال انی بشقه سنه استعمال ایتدیره مز

مثلا سنک رکوبک ایچون بو آتی سکا اعاده ایتدم دیدیکی  
صورتده مستعیر اول آته اوشاغنی بندیره مز . اما سنک  
اقامتک ایچون بو اوطه بی اعاره ایتدم دیدیکی صورتده  
مستعیر کندو اقامت ایده بیلدیکی کبی بشقه سنی دخی اسکان  
ایده بیلور . فقط بشقه سنی اسکان ایته دیمش ایسه ایده مز  
۸۴۱ ماده

بر محل معینه دیو حیوان استعاره اولدوقده یولر متعدد  
اولسه مستعیر عادت اوزره ناسک سلوک ایتدیکی یولردن  
هر قنغیسيله دیلر سه کیده بیلور . اما معتاد اولمیان  
یولدن کیدوبده حیوان تلف اولسه ضامن اولور  
کذلک معیرک تعیین ایتدیکی یولک غیری بر یولدن  
کیدوبده حیوان تلف اولدوقده اکر مستعیرک سلوک  
ایتدیکی یول دها اوزاق یا غیر مأمون و یا خود خلاف  
معتاد ایسه مستعیره ضامن لازم کلور  
۸۲۲ ماده

برکسنه برقادیندن زوجنک ملکی اولان بر شیبی عاریت  
ایستیوب و اودخی بلا اذن و یرویده اول شی شایع  
اولدیغی صورتده اکر درون خانه ده و علی جری

العاده زوجته نك يندنه بولنان اشيدان ايسه كرك اول  
 قادينه و كرك مستعيره ضمان لازم كلز . دكل ايسه مثلا  
 آت كبي قادينل يندنه بولنميان برشي ايسه زوج ديلرسه  
 زوجته سنه و ديلرسه مستعيره تضمين ايتديرون

۸۲۳ ماده

معيرك اذني اولقسزین مستعير عاريتي آخره ايجار  
 يا خود رهن ايدمهز و بربلده ده كي بورجنه رهن ايتك  
 اوزره استعاره ايتديكي مالي آخر بلده ده كي وورجنه رهن  
 ايدمهز . ايدوبده عاريت تلف يا ضمايع اولسه ضمان  
 لازم كلور

۸۲۴ ماده

مستعير عاريتي آخره ايداع ايدمهيلور . ويد مستودعه  
 بلا تعد و تقصير تلف اولسه ضمان لازم كلز

مثلا بر محله كيدوب كلك اوزره استعاره ايتديكي بار كير  
 ايله اورايه وارد قده بار كير بوريلوب قالمغله اوراده برينه  
 ايداع ايتدكن صكره بار كير حتف انفه تلف اولسه ضمان  
 لازم كلز

۸۲۵ ماده

معير عاريتي طلب ايتدكه مستعيرك همسان رد و تسليمي  
 لازم كلور . و بلا عذر توقيف و تاخير ايدوبده عاريت



تلف یا ضایع اولسه یا خود قیمتده نقصان کاسه ضامن

اولور

۸۲۶ ماده

نصا یادلالة موقت اولان عاریتک ختام مدتده معیره ردی

لازمدر . فقط مکث معتاد معفودر

مثلا فلان کون وقت عصره قدر استعمال اولنمق اوزره

استعاره اولنان حلیاتی اول وقتک حلولنده رد اعاده

لازمدر . کذلک فلانک دو کوننده قوللانمق اوزره

استعاره اولنان حلیاتی اول دو کونک ختامنده رد واعاده

لازمدر . فقط بونی رد واعاده ایچون معتاد اولان

سرتبه وقتک مروری معفودر

۸۲۷ ماده

بر ایش ایچون بر شی استعاره اولندقدده اول ایشک

خطامنده عاریت مستعیر یکنده ودیعه کبی اولور . ارتق

انی استعمال ایده مز و مکث معتاددن زیاده توقیف

ایده مز ایدو بده تلف اولسه ضامن اولور

۸۲۸ ماده

ناریتی مستعیر بنفسه یا خود امینی ایله معیره رد ایدر .

امینی اولیان کسنه ایله رد ایدو بده قبل الوصول تلف

یا ضایع اولسه ضامن اولور

۸۲۹ ماده

مجوهرات کبی اشیای نفیسه دن اولان عاریتی معیرک  
 کندوسنه تسلیم ایتک لازمدر  
 اما سائر عاریتی عرف و عادتده تسلیم عد اولنان محمله  
 کوتورمک و یا معیرک خدمتکارینه و یرمک رد و تسلیمدر  
 مثلا عاریت حیوانی معیرک آخورینه کوتورمک یا خود  
 سائننه و یرمک تسلیمدر

۸۳۰ ماده

مستعیر یدنده اولان عاریتی رد ایده جک اولدقده مؤنتی  
 یعنی کافتی و مصارف نقلیه سی کندو اوزرینه در  
 ۸۳۱ ماده

ابنیه یا بمق و آغاج دیکمک ایچون یر استعاره ایتک  
 صحیحدر . لیکن معیردیلهدیکی وقت اعاره دن رجوع  
 ایله بونلری قلع ایتدیره پلور . شو قدر که اعاره موقت  
 ایسه ابنیه و اشجارک قلع اولندیغی زمانده کی مقلوما  
 قیمتی ایله انقضای مدته قدر طورمق اوزره قیمتی بیننده  
 تفاوت نه ایسه معیرانی ضامن اولور

مثلا ابنیه و اشجار درحال قلع اولندیغی تقدیرده مقلوما  
 قیمتی اون ایکی التون و انقضای مدته قدر طورمق  
 اوزره قیمتی یکرهی التون اولدیغی حالده معیردرحال

قلع ایتدیره جک اولور ایسه سکز التون ویرمسی لازم  
کلور

۸۳۲ ماده

کرك موقت و كرك غیر موقت اوله رق زرع ایچون  
اعاره اولنان اراضی بی معیر وقت حصاددن مقدم اعاره  
دن رجوع ایدوبده مستعیردن اترداد ایده من  
اراده سنیه تاریخی فی ۲۴ ذی الحجہ سنہ ۱۲۸۸

احمد جودت

عن اعضای مجلس تدقیقات

شرعیہ عمر خلوسی

درس و کیلی

امین الفتوی

السید خلیل

السید خلیل

عن أعضاء جمعیت

عن اعضای دیوان احکام عدلیہ

سیف الدین

احمد جملی

قسام عسکری

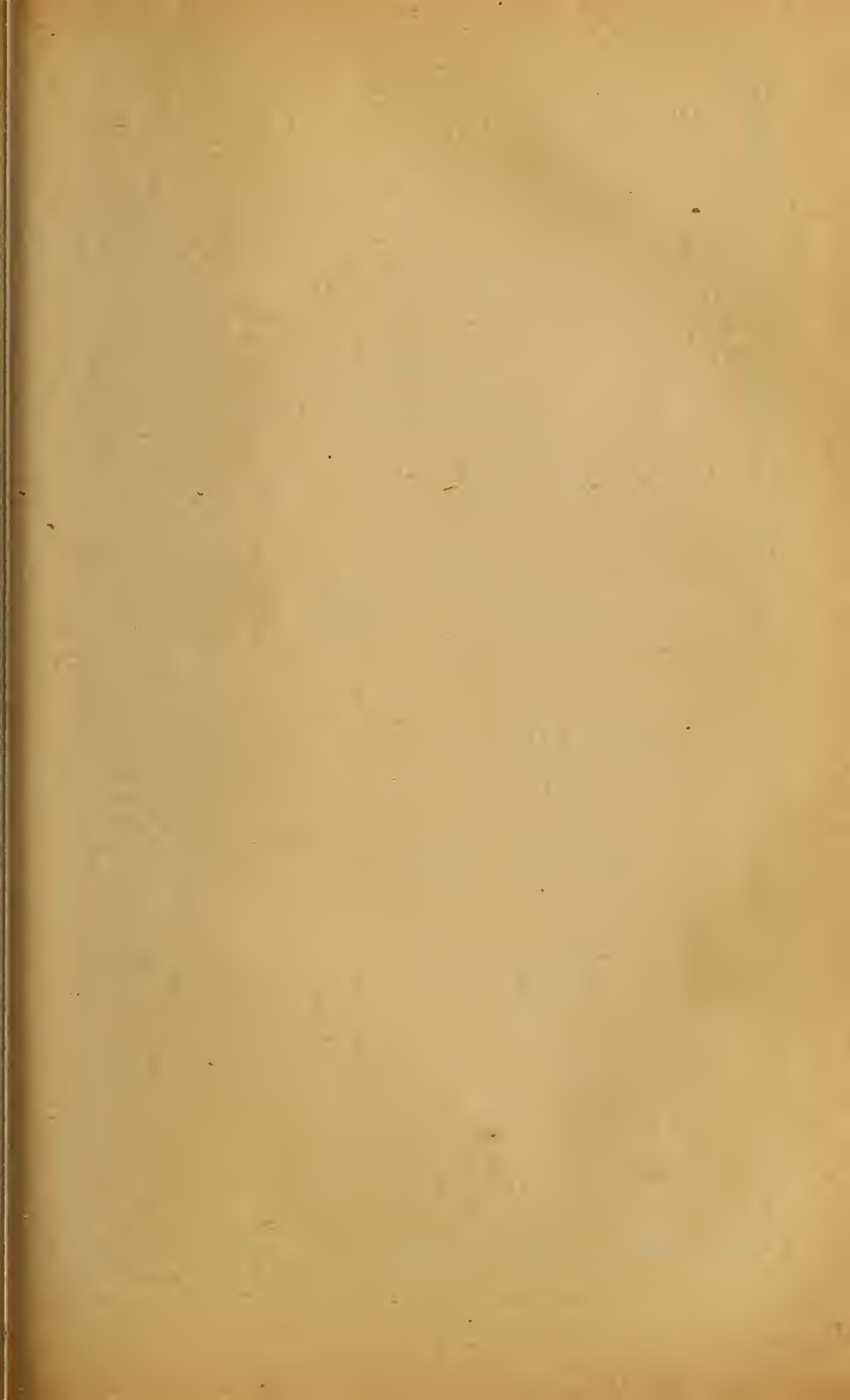
مدیر معلمخانه نواب

احمد خالد

یونس وهی

عن اعضای جمعیت

عبد اللطیف شکری



كتاب الهبة

۲۷۰  
\* صورت خط همایون \*

( موجب پنجه عمل اولنه )

( کتاب سابع )

( هبه حقهنده اولوب بر مقدمه ایله ایکی بابی مشتملدر )

( مقدمه )

( هبه یه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاننده در )

ماده ۸۳۳

هبه . بلا عوض بر مالی آخره تملیک ایتمکدر که ایدن

کیمسه یه و اهب و اول ماله موهوب و انی قبول ایدنه

موهوب له دینلور

اتهاب دخی هبه یی قبول دیمکدر

ماده ۸۳۴

هدیه . بر کیمسه یه اکراما کتوریلان یا کوندریلان

مالدر

ماده ۸۳۵

صدقه . ثواب ایچون هبه اولنان مالدر

ماده ۸۳۶

اباحه . بر شیئی بلا عوض اکل و تناول ایتک اوزره

آخره اذن و رخصت ویرمکدر

( باب اول )

( عقد هبیه متعلق مسائل بیاننده اولرب ایکی )

( فصلی شاملدر )

( فصل اول )

( رکن و قبض هبیه دائر اولان مسائل بیاننده در )

۸۳۷ ماده

هبیه ایجاب و قبول ایله منعقد و قبض ایله تمام اولور

۸۳۸ ماده

هبیه ده ایجاب باغشلادم و هبیه ایتدم و اهدا ایلدم کی

مجانا بر مالی تملیک معناسنده مستمهل اولان سوزلر در

و زوجک زوجه سننه بر چفت کویه یاخود حلیماتدن

دیگر بر نسنه و برو بده آل طاقن دیمه سی کی مجانا تملیکه

دلالت ایدن تعبیرلر دخی هبیه یی ایجابدر

۸۳۹ ماده

تعاطی ایله دخی هبیه منعقد اولور

۸۴۰ ماده

هبیه ده و صدقه ده ارسال و قبض لفظا ایجاب و قبول

مقامنه قائم اولور

۲۷۱  
۸۴۱ ماده

هبه ده قبض ببعده قبول کبیدر  
بناء علیه واهبک ایجابی مثلا شو مالی سکا هبه ایتدم  
دیمه سی اوزرینه موهوب له قبول ایتدم و یاخود اتهاب  
ایلدیم دیمکترین مجلس هبه ده اول مالی قبض ایتسه هبه  
تمام اولور

۸۴۲ ماده

قبضده واهبک صراحة یاخود دلالة اذنی لازمدر

۸۴۳ ماده

واهبک ایجابی دلالة قبضه اذندر . اما صراحة اذنی  
موهوب اکر مجلس هبه ده حاضر ایتسه بومالی سکا هبه  
ایتدم آل دیمک واکر غائب عن المجلس ایتسه فلان مالی  
سکا هبه ایتدم وار آل دیمک کبی امر صریحیدر

۸۴۴ ماده

واهب صراحة قبضه اذن ویردکده موهوب لهک انی  
کریک مجلس هبه ده وکریک بعد الافتراق قبضی صحیحدر .  
اما دلالة قبضه اذنی مجلس هبه ایله تقیید ایدوب بعد  
الافتراق قبضی معتبر اولماز

مثلا شو مالی سکا هبه ایتدم دیو بده موهوب له دخی انی  
اول مجلسده قبض ایدویرسه صحیح اولور اما مجلس



هبه دن آیرار قدن صکره قبض ایتسه صحیح اولماز . كذلك  
 فلان محله کی مالی سکا هبه ایتدم دیوبده وار آل دیماش  
 اولسه موهوب لهک کیدو بده انی قبض ایتسی صحیح اولماز  
 ماده ۸۴۵

مشتری بیعی بایعدن قبل التبض آخره هبه ایده یلور  
 ماده ۸۴۶

برکسنه نك یدنده بولنان مالی صاحبی اكا هبه ایتدکده  
 موهوب لهک قبول ایتدم یا اتهاب ایلدم دیسیله هبه تمام  
 اولوب مجددا تسلیم و قبضه محتاج دکدر  
 ماده ۸۴۷

برکیسه الاجفنی مدیونه هبه یاخود مدیونی امن ابرا  
 ایلوب اودخی رد ایتسه صحیح و دین همان ساقط  
 اولور

ماده ۸۴۸

برکیسه برینک ذمتنده اولان الاجفنی آخره هبه ایدوبده  
 وارال دو صراحة قبضه اذن ویرسه و موهوب له دخی  
 واروب قبض ایتسه هبه تمام اولور

ماده ۸۴۹

قبل القبض واهب یاخود موهوب له فوت اولسه هبه  
 باطل اولور

۸۵۰ ماده

بر کیمسه کبیر یعنی عاقل و بالغ اولان او غلنه بر شی هبه  
ایتدکده تسلیم و قبضی لازمدر

۸۵۱ ماده

صغیرک و صیمسی یا خود مریدسی یعنی حجر و تربیه سنده  
بولندیغی کیمسه کرک یدنده بولنان و کرک دیکرک نزدنده  
و دیعه اولان مالنی اول صغیره هبه ایتدکده مجرد  
ایجاب ایله یعنی یالکز هبه ایتدم دیسیله اول صغیرا کا  
مالک اولوب قبضه محتاج دکادر

۸۵۲ ماده

بر طفله آخر کسنه بر شی هبه ایتدکده ولیسنک یا خود  
مریدسنک قبضی ایله هبه تمام اولور

۸۵۳ ماده

صبی ممیزه بر شی هبه اولندقدده ولیسی اولسه بیله  
کندوسنک قبضیه هبه تمام اولور

۸۵۴ ماده

هبه مضافه صحیح دکادر

مثلا کله جک ای باشندن اعتباراً شو مالی سکا هبه ایتدم  
دیسه صحیح اولماز

۱۵۵ ماده

عوض شرطیله اولان هبه صحیح و شرط معتبر در  
 مثلا برکسینه شو مقوله عوض ویرمک یاخود کندوسنک  
 معلوم المقدار دینی ادا ایتمک شرطیله برینه برشی هبه  
 ایتدکده موهوب له اول شرطه رعایت ایدر ایسه هبه  
 لازم اولور ایتز ایسه واهب دخی هبه سندن رجوع  
 ایده یلور کذلک برکیمسه اولنجه کندوسنی بسلمک شرطیله  
 ملک عقارینی برینه هبه و تسلیم ایتدکده موهوب له  
 شرط مذکور اوزره واهبی بسلمکه راضی ایکن واهب  
 نادم اولو بده هبه سندن رجوع ایله اول عقارینی  
 استرداد ایده مز

( فصل ثانی )

( شرائط هبه بیاننده در )

۱۵۶ ماده

موهوبک وقت هبه ده موجود اولسی شرطدر  
 بناء علیه بر باغک حاصل اوله جق اوزومنی یاخود بر  
 قصر اغک طوغوراجق یاوریسنی هبه صحیح دکادر

۱۵۷ ماده

موهوب واهبک مالی اولق شرطدر

بناء عليه بر کیمسه بلا اذن بشقه سنك مالنی برینه هبه ایتسه  
صحیح اولماز فقط هبه ایتدکن صکره صاحبی مجیز اولسه  
صحیح اولور  
ماده ۸۵۸

موهوبك معلوم و معین اولسی لازمدر  
بناء علیه و اهب لاعلی التعمین مالمدن برشی یاخود شوایی  
آدن برینی هبه ایتدم دیسه صحیح اولماز . و بو ایکی آدن  
قنخیسنی دیلر سهك سنك اولسون دیدیکی صورتده اگر  
موهوب له مجلس هبه ده انلردن برینی تعیین ایلر سه صحیح  
اولور اما مجلس هبه دن بعد المفارقه تعیینی مفید اولماز  
ماده ۸۵۹

واهبك عاقل و بالغ اولسی شرطدر  
بناء علیه صغیر و مجنون و معنوهك هبه سی صحیح دکلدرد .  
اما بونلر ده هبه صحیحدر  
ماده ۸۶۰

هبه ده و اهبك رضاسی لازمدر  
بناء علیه جبر و اکراه ایله واقع اولان هبه صحیح دکلدرد



( باب ثانی )

( احکام هبه بیاننده اولوب ایکی فصلی شاملدر )

( فصل اول )

( هبه دن رجوع حقه در )

۸۶۱ ماده

موهوب له قبض ایله موهوبه مالک اولور

۸۶۲ ماده

قبل القبض واهب خود بخود هبه دن رجوع ایده یلور

۸۶۳ ماده

واهبك بعد الايجاب موهوب لهی قبضدن نهی ایتمسی  
رجوعدر

۸۶۴ ماده

واهب بعد القبض موهوب لهك رضاسیله هبه وهدیه دن  
رجوع ایده یلور . و موهوب له راضی اولمز ایسه حاکمه  
مراجعت ایلر . حاکم دخی مواد آیه دن بیان اولنه جق  
موانع رجوع یوغیسه هبه بی فسخ ایده یلور اما موانع  
رجوع دن بری بولنسه فسخ ایده مز

۸۶۵ ماده

بعد القبض واهب اکر موهوب لهك رضاسی یاخود

حاكم حكم وقضائى اولدن خود بخود موهوبى استرداد  
ايدرسه. غاصب اولور وبوصورتده ينده موهوب تلف  
ياضايغ اولسه ضامن اولور

ماده ۸۶۶

بركيسه اصول وفروعنه يا برادر وهمشيره سنه يا بونلرك  
اولادينه يا خود پدر ومادرينك برادر وهمشيره سنه برشى  
هبه ايتدكن صكره رجوع ايده من

ماده ۸۶۷

زوج ايله زوجه دن برى يينلرنده زوجيت قائم ايكن يك  
ديكرينه برشى هبه تسليم ايتدكدن صكره ارتق اندن  
رجوع ايده من

ماده ۸۶۸

هبه يه عوض ويريلوبده واهبك دخى قبض ايتسى مانع  
رجوعدر

بناء عليه كرك موهوب له طرفندن وكرك ديكر بر كسنه  
جانبدن واهبه هبه سنه عوض اولق اوزره برشى  
ويريلوبده اودخى قبض ايلسه اندن صكره هبه سندن  
رجوع ايده من

ماده ۸۶۹

مال موهوب ارض اولوبده موهوب له انك اوزرينه بنا

احداث یاخود آغاح غرس ایتمک و یاخود موهوب زبون حیوان اولور بده موهوب له یاننده سمرلتمک کی زیاده متصنه حاصل اولدوقده و یاخود بغدادی اولور بده اون ایلمک کی موهوبک اسمی دکشه جک صورتده تغییر اولدوقده هبه دن رجوع صحیح اولماز . اما زیاده منفصله مانع رجوع اولمز

بناء علیه بر کیمسه نك آخره هبه ایلدیکی قصراق حامل اولدوقده هبه دن رجوع ایده مز . اما طوغوردقن صکره رجوع ایده بیلور و بو صورتده یاوریمی موهوب لهه قالور

۸۷۰ ماده

موهوب له موهوبی بیع ایله یاخود هبه و تسلیم ایله ملکندن اخراج ایلسه و اهبک رجوعه صلاحیتی قالمز

۸۷۱ ماده

موهوب له ینده موهوب مستهلک اولسه رجوعه محل قالمز

۸۷۲ ماده

واهب و موهوب لهدن برینک وفاتی مانع رجوعدر بناء علیه موهوب له فوت اولسه و اهب هبه دن رجوع

ایده مدیکی کبی و اهب فوت اولدقه دخی ورثه سی  
 و هو بی استرداد ایده من

ماده ۸۷۳

داین اله جغنی مدیونه هبه ایتدکده آرتق اندن رجوع  
 ایده من (۵۱) و (۸۴۸) ماده لره باق

ماده ۸۷۴

بعد القبض صدقه دن بروجمله رجوع اولنه من

ماده ۸۷۵

بری برکیمسه یه مطعومانندن بر شیمیء اباحه ایتدکده اول  
 کسنه ا کرچه اول شیمیء آلوده آخره صاتمق یا خود هبه  
 ایتک کبی لوازم تملکدن اولان بروجمله تصرف  
 ایده من . فقط اول شیدن اکل و تناول ایده بیلور .  
 و بعده صاحبی انک قیمتی مطالبه ایده من

مثلا برباغ صاحبینک اذن و اباحه سیله بری باغندن بر مقدار  
 اوزم یاسه باغ صاحبی اول اوزمک آقچه سنی اله من

ماده ۸۷۶

ختان یا خود زفاف دو کونلرنده کلان هدیه لری اصحابی  
 چوجق یا کلین و بابا و انالرندن هر قنغیسنه دیو ننتور مشلر  
 ایسه اول هدیه لر انکدر . و اکر کیمک ایچون



کتور دکرینی بیان ایتیموب کندولزندن سؤال ایله تحقیق  
دخی قابل اولمز ایسه اولخالده عرف و عادت بلده یه رعایت  
اولور

( فصل ثانی )

( هبهٔ مریض حقیقه در )

۸۷۷ ماده

وارثی اولیمان کیسه مرض موتنده جمیع اموالی برینه  
هبه و تسلیم ایتسه صحیح اولور و بعد الوفاة ترکسنه امین  
بیت المال مداخله ایدهمز

۸۷۸ ماده

زوجه سندن ماعدا وارثی اولیمان کیسه مرض موتنده  
جمیع اموالی زوجه سنه و یا خود زوجندن ماعدا وارثی  
اولیمان قادین جمیع اموالی مرض موتنده زوجنه هبه  
و تسلیم ایتسه صحیح اولور

و بعد الوفاة بونلردن برینک ترکسنه امین بیت المال مداخله  
ایدهمز

۸۷۹ ماده

بر کیسه مرض موتنده ورثه سندن برینه برشی هبه  
ایدوبده فوت اولدقه دیکر ورثه مجیز اولماز ایسه اول  
هبه صحیح اولماز

اما ورثه سندن بشقه سنه هبه و تسلیم ایتدکده ثلث مالی

موهوبك تمامه مساعد ايسه صحيح اولور . مساعد  
اوليوبده ورثه دخي هبه يي مجيز اولماز ايسه مساعد  
اولديغي مقدارده هبه صحيح اولوب باقيسي موهوب له  
رده مجبوردر  
۸۸۰ ماده

ترکسی مستغرق ديون اولان کيمسه مرض موتنده اموالني  
وارثنه يا خود بشقه سنه هبه وتسليم ايتدکن صکره فوت  
اولسه داینر هبه يي طوتمیوب اول اموالی قسمت غرمایه  
ادخال ایدہ پیلور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۹ محرم سنه ۱۲۸۹

عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیہ احمد جودت

عمر خلوصی

ابین الفتوی

وکیل درس

السید خلیل

السید خلیل

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

عن اعضاء جمعیت

السید احمد حلمی

سیف الدین

مدیر معلمخانه نواب

قسام عسکری

یونس وهی

احمد خالد

عن اعضاء جمعیت

عبداللطیف شگری

— ❖ كتاب الغضب والانلاف ❖ —

✽ صورت خط همایون ✽

موجب‌بجه عمل اولنه

( کتاب ثامن )

( غصب و اطلاق حقنده اولوب بر مقدمه ایله )

( ایکی بابنه منقسمدر )

( مقدمه )

۸۸۱ ماده

غصب • بر کسه نك اذنی اولقسزین مالنی اخذ و ضبط  
ایتمکدر که اخذ ایدن کسه یه غاصب و اول ماله مغصوب  
و صاحبنه مغصوب منه دینلور

۸۸۲ ماده

قائم‌قیمت • ابنیه یا اشجارك بولندقلری یرده طور مق  
اوزره قیمت‌لریدر که ارض بر کره ابنیه یا اشجار ایله  
برابر و بر کره ابنیه یا اشجاردن خالی اوله رق تقویم  
اولنوب ایکی قیمت بیننده کی تفاضل و تفاوت نه ایسه  
ابنیه یا اشجارك قائماً قیمتی دیمک اولور

۸۸۳ ماده

مبنیا قیمت • ابنیه نك قائماً قیمتی دیمکدر

۸۸۴ ماده

مقلوعا قیمت . بعد القلع ابنیه انقاضنک و اشجار مقلوعه نك

قیمتدر

۸۸۵ ماده

مستحق القلع اولهرفی قیمت . مقلوعا قیمتدن اجرت قلع

لدى التمزیل باقی اولان قیمتدر

۸۸۶ ماده

نقصان ارض . بر یرك قبیل الزراعه دیگری اولان

اجرتله بعد الزراعه دگری اولان اجرت بیننده کی فرق

و تفاوتدر

۸۸۷ ماده

مباشرة اتلاف . بر شیئی بالذات تلف ایتکدر که

ایدن کیمسه یه فاعل مباشر دینلور

۸۸۸ ماده

تسبیا اتلاف . بر شیئیك تلفنه سبب اولمقدر یعنی

بر شیده دیگر شیده علی جری العاده تلفنه مفضی اولان

بر ایش احداث ایتکدر که ایدن کیمسه یه متسبب دینلور

نته کیم بر معلق قندیلك ایدنی کسمک قندیلك یره دوشوبده

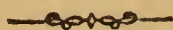
قیرلمسنه سبب مفضی اولمغله ایدنی کسن کیمسه مباشرة

ایدنی تلف ایتش و تسبیا قندیلی قیرمش اولور

کذاک بر کیمسه بر طولومی شق ایدو بده ایچنده کی یاغ  
اقوب تلف اولسه اول کیمسه مباشرة طولومی وتسببا  
یاغی اذلاف ایتمش اولور

۸۸۹ ماده

تقدم . مضرت ملحوظه نك دفع و ازاله سیچون اولجه  
تنبیه و توصیه ایتمکدر



( باب اول )

( غصب حقنده اولوب اوچ فصلی شاملدر )

( فصل اول )

( غصبک احکامی بیاننده در )

۸۹۰ ماده

مال مقصوب عینا موجود ایسه مکان غصبده صاحبنه  
رد و تسلیمی لازمدر . و صاحبی بشقه بلدهده غاصبه  
تصادف ایدو بده مال مقصوب دخی یا نشده اولدیغی  
حالده صاحبی دیلر سه مالنی اوراده استرداد ایلر . اکر  
مکان غصبده تسلیمی استر ایسه مؤنت ردی و مصارف  
نقلیه سی غاصب اوزرینه در

۸۹۱ ماده

مال مغصوبی غاصب استهلاک ایتدکده ضامن اولسی  
 لازم کلدیکی کبی کرک انک تعدیسیله و کرک بلا تعد تلف  
 یا ضایع اولدیغی تقدیرده دخی ضامن اولور  
 شو یله که قیامتدن ایسه زمان و مکان غصبده کی قیمتنی  
 و مثلیاتدن ایسه مثلنی و برمی لازم کلور

۱۸۹۲ ماده

غاصب مکان غصبده عین مغصوبی صاحبنه رد و تسلیم  
 ایتدکده ضماندن بری اولور

۱۸۹۳ ماده

غاصب عین مغصوبی صاحبی اخذ ایده بیله جک صورتده  
 اوکنه وضع ایتدکده حقیقه قبض بولنمه بیله مغصوبی  
 رد ایتش اولور

اما تلف اولان مغصوبک قیمتنی صاحبنک اوکنه وضع  
 ایسه حقیقه قبض بولنمدجه ضماندن بری اولماز

۱۸۹۴ ماده

عین مغصوبی غاصب بر محل محفوظده صاحبنه تسلیم ایسه  
 قبول ایتمامکه حق وار در و غاصب بو صورتده ضماندن  
 بری اولماز

۱۸۹۵ ماده

غاصب تلف اولان مال مغصوبک قیمتنی صاحبنه کتورده

قبول اتممه حاکمه مراجعت ایله قبولنی امر ایتدیرر  
 ماده ۸۹۶

مغضوب منه صبی اولدیغی حالده غاصب ا کا مغضوبی  
 رد ایتدکده صبی میز اولوبده مالی حفظه اهل ایسه  
 ردی صحیح اولور دکل ایسه صحیح اولماز  
 ماده ۸۹۷

مغضوبک میوه اولوبده غاصب عندنده قورومق کبی  
 حالی تغیر ایلر ایسه صاحبی مخیردر دیلرسه مغضوبی  
 عینا استرداد ایلر و دیلرسه تضمین ایتدیرر  
 ماده ۲۹۸

غاصب اکر کندو مالندن بر شی زیاده سیله مغضوبک  
 بعض اوصافی تغیر ایلر ایسه مغضوب منه مخیردر  
 دیلرسه اول مغضوبی تضمین ایتدیرر و دیلرسه اول  
 زیاده نک قیمتی و یروب عینا استرداد ایلر  
 مثلا مغضوب اولان بزی غاصب بویامش اولسه صاحبی  
 مخیردر و دیلرسه بزینی تضمین ایتدیرر و دیلرسه بویانک  
 بهاسنی و یروب عینا بزی استرداد ایلر  
 ماده ۸۹۹

غاصب اکر مال مغضوبی اسمی دکیشه جک صورتده



تغیر ایدر ایسه ضامن اولور و اول مال کندویه قالور  
 مثلا مغصوب بغدادی اولوبده غاصب انی اون ایدر ایسه  
 ضامن اولوب اون انک مالی اولور . ننه کیم بر کیمسه  
 دیگرک بغدادینی غصب ایله کندو ترلاسنه زرع ایسه  
 بغدادی ضامن اولوب محصول کندوسنک اولور

۹۰۰ ماده

بعد الغصب مغصوبک سعر و قیمتنی تناقص ایسه صاحبی  
 انی المیوبده زمان غصبده کی قیمتنی مطالبه ایده من  
 اما غاصبک استعمالیله مغصوبک قیمتده نقصان کسه ضمان  
 لازم کلور

مثلا بر کیمسه ننگ غصب ایلدیکی حیوان زبون اولسه انی  
 صاحبده رد ایتدکده نقصان قیمتنی دخی ضامن اولور  
 كذلك بر کیمسه غصب ایلدیکی البسه بی یرتمغله قیمتده نقصان  
 کلدکده اکر نقصان یسیر ایسه یعنی مغصوبک ربع قیمتده  
 بالغ دکل ایسه غاصب انک نقصان قیمتنی ضامن اولور .  
 و اکر نقصان فاحش ایسه یعنی مغصوبک ربع قیمتده  
 مساوی و یا خود ازید ایسه مغصوب منه مخیر در . دیلرسه  
 نقصان قیمتنی تضمین ایتدیرر و دیلرسه اول مالی غاصبه  
 ترک ایله تام قیمتنی الور

۲۹۰  
۹۰۱ ماده

ازالہ تصرفہ غصبہ مساوی اولان حال و کیفیت حکما  
غصب قبیلندن عد اولنور نته کیم مستودع و دیعه بی انکار  
ایتسه غاصب حکمنده اولور و اندن صکره یدنده و دیعه  
بلا تعد تلف اولسه ضامن اولور

۹۰۲ ماده

برطاغ اوزرنده کی باغچه ایله الت طرفده کی دیگر بر باغچه  
اوزرینه یقلوب دوشمک کبی بروجھله من غیر قصد  
بر کیمسه نك ملکی یدندن چیقسه قیمتجه اقلی اکثره تابع  
اولور

یعنی قیمتی اکثر اولانک صاحبی قیمتی اقل اولانی ضامن  
اوله رق اول یری تملک ایدر

مثلا طاغ بیقمازدن مقدم اوست طرفنده کی باغچه نك قیمتی  
بشیوز والت طرفنده کی باغچه نك قیمتی بیک غروش  
اولسه ایکنجیسنک صاحبی بشیوز غروش اولکینک  
صاحبنه اعطا ایله اوراسنی ضبط ایلر

نته کیم بر کیمسه نك النده کی الی غروش لاق اینجوسی  
دوشوبده دیگرک بش غروش قیمتلو طاووغی انی یوتسه  
اینجو صاحبی بش غروش ویروب ط اووغی الور  
(۲۷) و (۲۸) و (۲۹) ماده لره باقی

۹۰۳ ماده

مغضوبك زوائدى صاحبكدر . و غاصب انى استهلاك  
ايدرسه ضامن اولور

مثلا مغضوب اولان حيوانك غاصب ينده حاصل اولان  
سوتى و ياوريسى و بر باغچهدك يد غاصبه ايكن حصوله  
كلان ميوهسى مغضوب منهك مالى اولمغله غاصب بونلرى  
استهلاك ايلرسه ضامن اولور

كذلك بر كيسه برينك قوائنى ايچنده كى آريسيه برابر غصب  
ايتسه صاحبي آريسيه برابر قوائنى استرداد ايتد كده غاصب  
يائنده ايكن حاصل اولان بالنى دخی الور

۹۰۴ ماده

بر باغچه ده مكان اتخاذايدن آريلرك بالى باغچه صاحبك  
اولوب، ديكر كسسه اول، بالى اخذ و استهلاك ايلسه ضامن  
اولور

( فصل ثانى )

( غصب عقاره متعلق بعض مسائل بيانده در )

۹۰۵ ماده

مغضوب اكر عقار قبيلندن ايسه غاصب انى تغيير و تنقيص  
ايتدرك صاحبه رد ايتسى لازمدر

و غاصبک صنع و فعلی ایله اول عقارک قیمتته نقصان کلسه  
نقصان قیمتتی ضامن اولور

مثلا برکسنه غصب ایلدینی برخانهک بریرینی هدم ایدوب  
یا خود سکناسی سییه خراب اولوبده قیمتته نقصان کلسه  
مقدار نقصانی ضامن اولور . کذلک غاصبک خانه  
مغصوبده یا قدیخی آتشدن خانه محترق اولسه مبنیا قیمتتی  
ضامن اولور

۹۰۶ ماده

مغصوب ارض اولوبده غاصب آنک اوزرینه ابنیه انشا  
یا خود اشجار غرس ایسه بونلری قلع ایله ارضی رد  
ایتمک اوزره غاصبه امر اولنور

واگر ابنیه یا اشجارک قلعی ارضه مضر ایسه مغصوب  
منه انلرک مستحق القلع اوله زق قیمتیرینی اعطا ایله انلری  
دخی ضبط ایده یلور

فقط ابنیه یا اشجارک قیمتلری ارضک قیمتندن زیاده  
اولوبد سبب شرعی زعمیله انشا یا خود غرس اولتمش  
ایسه اول حالده ابنیه یا خود اشجارک صاحبی ارضک  
قیمتینی اعطا ایله ارضی تملک ایدر

مثلا برکیمسه پدرندن موروث اولان عرصه اوزرینه اول  
عرصهک قیمتندن زیاده اچده صرفیله ابنیه انشا ایتدکن

صکره بری عرصه به مستحق چیقسه اول کیمسه عرصه نك  
 قیمتنی و پروب عرصه بی ضبط ایلم  
 ماده ۹۰۷

بر کیمسه آخرک عرصه سنی غصب و زراعت ایلمسه صاحبی  
 عرصه سنی استرداد ایتدکده اول کسنه نك زراعتیله ترتب  
 ایدن نقصان ارضی دخی تضمین ایتدیرر  
 كذلك بر کسنه دیکریله مشترک متصرف اولدیغی عرصه بی  
 بلاذن مستقلا زراعت ایلمسه شریکی عرصه دن حصه سنی  
 الدقه اول کسنه نك زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضدن  
 حصه سنی تضمین ایتدیرر

ماده ۹۰۸

بر کیمسه دیکرک ترلا سنی غصباً نطس ایتدکدنصکره صاحبی  
 ترلایی الدقه اول کسنه نطس عملی مقابلنده اجرت  
 مطالبه ایده من

ماده ۹۰۹

بر کسنه سو پرندی یا خود دیکر نسنه وضع ایله برینک  
 عرصه سنی اشغال ایتسه قویدیغی شیئی رفع ایله عرصه بی  
 تخلیه ایتک اوزره کندویه جبر اولنور

( فصل ثالث )

( غاصب الغاصب حکمی بیانده در )

۹۱۰ ماده

غاصب الغاصب عین غاصب حکمده در  
بناء علیه مال مغبوبی غاصبدن شخص آخر غصب ایله  
اتلاف ایلدیکی یا خود یئنده تلف اولدیغی تقدیرده  
مغبوب منه دیلرسه غاصب اوله و دیلرسه غاصب ثانی به  
تضمین ایتدیرر و دیلرسه قیمت مغبوبک بر مقدارینی اوله  
و دیگر مقدارینی ثانی به تضمین ایتدیره بیلور  
و غاصب اوله تضمین ایتدیردیکی تقدیرده اودخی غاصب  
ثانی به رجوع ایدر اما ثانی به تضمین ایتدیردیکی تقدیرده  
ثانی اوله رجوع ایده مز

۹۱۱ ماده

غاصب الغاصب مال مغبوبی غاصب اوله رد ایتدکه  
یا لکز کندوسی و مغبوب منه رد ایتدکه ایکیسی دخی  
بری اولور

( باب ثانی )

( اتلاف بیاننده اولوب درت فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( مباشرة اتلاف حقه در )

۹۱۲ ماده

برکسنه دیکرک کرک کندوسنده وکرک امینی ینده اولان  
مالنی کرک قصداً وکرک من غیر قصد اتلاف ایتسه ضامن  
اولور

اما غاصب ینده کی مال، مفصوبی آخر کسنه اتلاف ایتسه  
مفصوب منه مخبردر دیلرسه غاصبه تضمین ایتدیروب  
او دخی متلفه رجوع ایدر و دیلر سه متلفه تضمین  
ایتدیروب متلف بو صورتده غاصبه رجوع ایده من

۹۱۳ ماده

برینک ایاغی قایوبده دوشه رک آخرک مالنی اتلاف ایتسه  
ضامن اولور

۹۱۴ ماده

برکسنه کندو مالی ظنیه دیکرک مالنی اتلاف ایتسه  
ضامن اولور

۹۱۵ ماده

بر کسیکه دیگرک البسه سنی چکو بده یرتسه تمام قیمتی  
ضامن اولور اما البسه به تشبث ایدو بده صاحبی  
چکمه بده یرتسه نصف قیمتی ضامن اولور  
کذلک بر کسیکه دیگرک اتکی اوزرینه اوتور و بده صاحبی  
بیله وک قالمغله البسه سی یرتسه او کسیکه البسه نک  
نصف قیمتی ضامن اولور

۹۱۶ ماده

بر صبی دیگرک مالی اتلاف ایتسه کندو مالندن ضامن  
لازم کاور مالی بوق ایتسه حال یرینه انتظار اولور  
ولیسنه تضمین ایتدیرلز

۹۱۷ ماده

بر کسیکه دیگرک مالنه قیمتی بر کونه نقصان کتورسه  
نقصان قیمتی ضامن اولور

۹۱۸ ماده

بر کسیکه دیگرک خانه و دکان مثللو عمارینی بغير حق هدم  
ایتسه صاحبی مخیردر . دیلرسه انقاضی هدم ایدن  
کیمسه به ترک ایدرک مبنیا قیمتی تضمین ایتدیرر و دیلرسه  
اول عقاروک مبنیا قیمتندن انقاضک قیمتی تنزیل و قیمت  
باقه بی تضمین ایله برابر انقاضی دخی الیقور



فقط غاصب انى كالاول بنا ايدويرسه ضماندن برى  
اولور

۹۱۹ ماده

بر محله حريق وقوعبولغله بر كيمسه بر خانه يى صاحبنك  
اذنى اولقسزىن يقوبده اوراده حريق منقطع اولدقده  
اكر امر ولى الامر ايله يقمش ايسه ضمان لازم كلز  
واكر خود بخود يقمش ايسه ضمان اولور

۹۲۰ ماده

بر كيمسه آنرك باغچه سنده كى اشجارى بغير حق قطع  
ايتدكه صاحبي مخير در . ديلرسه اول اشجارك قائما  
قيمتلر ينى اخذ ايله اشجار مقطوعه يى قاطعه ترك ايدر .  
و ديلرسه قائماً قيمتلرندن مقطوعاً قيمتلر ينى بالتنزىل باقى  
مباغ ايله برابر اشجار مقطوعه يى دخى اليقور

مثلا اشجار قائم اوله رق باغچه نك قيمتى اون بيك وبلا  
اشجار قيمتى بشييك و اشجار مقطوعه نك قيمتى ايكيك  
غروشه اولسه صاحبي مخير در . ديلرسه اشجار  
مقطوعه يى قاطعه ترك ايله بشييك غروش الور و ديلرسه  
اويج بيك غروشله برابر اشجار مقطوعه يى دخى اليقور

۹۲۱ ماده

بر كيمسه مظلوم اولغله آخره ظلم ايتمه صلاحيتى اوله ماز

مثلاً بری دیگرک مالنی اتلاف ایتمکله او دخی بالمقابله  
 انک مالنی اتلاف ایتمسه ایکیتمنی دخی ضامن اولدیغی  
 کبی بر قبیلهدن بری دیگر قبیلهدن بر شخصک مالنی اتلاف  
 ایتمکله او دخی اولکی قبیلهدن دیگر برینک مالنی اتلاف  
 ایلمسه هر بری تلف ایتمیکی مالی ضامن اولور . نتکم  
 بر کیسه الدانو بده آخردن بر قلب آچه السه آنی بشقه  
 سنه سورمهکه صلاحیتی اوله ماز

( فصل ثانی )

( تسبیحاً اتلاف بیانده در )

۹۲۲ ماده

بر کیسه تسبیحاً برینک مالنی اتلاف یاخود قیمتنی تنقیص  
 ایتمسه یعنی کندوسنک فعلی بر مالک تلفنه یاخود نقصان  
 قیمتنه سبب مفضی اولسه ضامن اولور  
 مثلاً بری دیگر کمسنه نیک اثوابنه صاریلوبده مجادله ایدرکن  
 اول کمسنه نیک اوزرندن برشی دوشوب تلف اولسه  
 یاخود سقطلانسه صاریلان کیسه ضامن اولور  
 و کذا بر کیسه دیگرک ترلا و باغچه سنک صوبینی بغیر حق  
 سد ایدوبده مزروعات و مغروساتی قوریوب تلف اولسه  
 یاخود صوبینی طاشیرو بده دیگرک ترلا سنی صوباصه رق

مزروعاتی تلف اولسه اول کیمسه ضامن اولور  
 كذلك بر کیمسه دیکر یک اخورینک قپوسنی آچو بده  
 ایچنده کی حیوان فرار ایله ضایع اولسه یاخود قفسنک  
 قپوسنی آچو بده ایچنده کی قوش اوچسه ضامن اولور  
 ۹۲۳ ماده

بر بنک حیوانی بر کیمسه دن اور کو بده فرار ایله ضایع  
 اولسه ضامن لازم کلر . اما اول کیمسه حیوانی قصداً  
 اور کتمش ایسه ضامن اولور

و کذا بر صیاد آوه تفنک آتو بده سسندن دیکرک حیوانی  
 اور کهرک فرار ابدرکن دوشوب تلف یاخود ایغنی سقط  
 اولسه ضامن اولماز اما حیوانی اور کتمک قصدیه تفنک  
 اتمش ایسه ضامن اولور (۹۳) ماده یه باق  
 ۹۲۴ ماده

تسبیک بر وجه بالا موجب ضمان اولسنده تعدی شرطدر  
 یعنی متسبیک بر ضرری ضامن اولسی اول ضرره  
 مفضی اولان فعلی حقسز اولهرق ایشلمش اولسی ایله  
 مشروطدر

مثلاً بر کیمسه بلا اذن ولی الامر طریق عامده بر قوی  
 قازو بده اورایه دیکرک حیوانی دوشهرک تلف اولسه  
 ضامن اولور . اما کندو ملکنده قازوش اولدیغنی

قوی بی به دیکرک حیوانی دوشه رک تلف اولسه ضامن  
اولماز

۹۲۵ ماده

بری بر شیئک تلفنه سبب اولان بر ایش ایشلمش اولدیغی  
حالده آره به بر فعل اختیاری حیلولت ایلسه یعنی بشقه  
بر کیسه اول شیئ مباشرة اتلاف ایلسه اول فعل  
اختیاری صاحبی اولان فاعل مباشر ضامن اولور  
(۹) ماده به باق

( فصل ثالث )

( طریق عامده احداث اولنان شیرله دائردر )

۹۲۶ ماده

هر کسک طریق عامده حق مروری وارددر . فقط بشرط  
السلامه در

یعنی ممکن التحرز اولان حالاتده بشقه سنه ضرر ویر مامک  
شرطیه مقید در . بناء علیه طریق عامده بر حالک  
ارقه سنده کی یوکی دوشوبده بر ینک مالنی تلف ایلسه  
حال ضامن اولور . تکیم تیمورجی دکاننده تیمور  
دوکر کن قیغلم صیچرایوبده طریق عامده مرور ایدن  
بر کیسه نک البسه سنی احراق ایلسه تیمورجی ضامن اولور

۹۲۷ ماده

اذن ولی الامر اولدقچه کسنه طریق عامده بیع و شرا  
ایچون اوتوره ماز • وبلا اذن برشی وضع واحداث  
ایده مز • وایدسه اندن تولد ایدن ضرر وزیانی ضامن  
اولور

بناء علیه بر کیمسه طریق عام اوزره کرسته یاخود طاش  
یغوبده اوزرینه دیکرک حیوانی باصوب سورچهرک  
تلف اولسه اول کیمسه ضامن اولور • کذلک بر کیمسه  
طریق نامه یاغ کبی بر قایغین نسنه دو کوبده دیکرک حیوانی  
قایوب تلف اولسه اول کسنه ضامن اوور

۹۲۸ ماده

برینک دیواری یقلوبده دیکره بر ضرر ایراث ایتسه  
ضمـان لازم کلز • فقط اولجه اول دیوار مائل انهدام  
اولوبده اکا دیکر بر کیمسه دیواریکی هدم ایت دیو  
تقدم وتنبیه ایدوبده دیواری هدم ایده جک قدر وقت  
کچمش ایسه اول حالدہ ضمان لازم کلور •

شو قدر که اول کیمسه حق تقدم وتنبیه اصحابندن اولمق  
شرطدر

شو بله که اول دایور اکر قومشونک خانه سی اوزرینه  
یقلش ایسه تقدم ایدن کیمسه اول خانه نک ساکنندن

اولماید در خارجدن برینک تقدّم و تنبیهنی مفید اولماز .  
 واکر طریق خاص اوزره بیقلش ایسه تقدّم ایدن کیسه  
 اول طریقده حق مروری اولان کساندن اولق لازمدر .  
 واکر طریق عام اوزرینه بیقلش ایسه هرکیم اولور ایسه  
 اولسون تقدّمه حق واردر

( فصل رابع )

( جنایت حیوان حقنده در )

۹۲۹ ماده

بر حیوانک کندولکنندن اوله رق ایتدیکی ضرری صاحبی  
 ضامن اولماز . (۹۴) ماده یه باق

فقط بر حیوان بر کیسه نك مالنی استهلاک ایدرکن اول  
 حیوانک صاحبی کورو بده منع ایتمز ایسه ضامن اولور  
 و برده ثور نطوح یعنی سوسکن اوکوز و کلب عقور یعنی  
 طالایچی کلب کبی ضرری متعین بر حیوان اولوبده  
 صاحبنه محله سی یا قریه سی اهانیسندن بری حیواننی  
 ضبط ایت دیو تقدّم ایتمشکن صاحبی صالیو پرو بده  
 بر کسه نك حیواننی یا دیگر مالنی تلف ایتمسه صاحبی  
 ضامن اولور

۹۳۰ ماده

بر کیسه کرک را کب اولسون و کرک اولسون کندو

ملکنده اینکن حیوانی اولک ایاغی یاخود باشی و یا قوروغی  
ایله چار پهرق و یاخود ارقه ایاغیله دپه رک آخر کسنه یه  
ضرر ایتسه صاحبی ضامن اولماز

۹۳۱ ماده

بر کیمسه دیکرک ملکنده حیوانی اذخال ایتدکده صاحبنک  
اذنیله اذخال ایتمش ایسه کندو ملکنده بولنمش کبی  
عد اولنه رق ماده آنفدهه بیان اولنان صورتلرده  
حیوانک جنایتنی ضامن اولماز

واگر صاحبنک اذنی اولمق سزین اذخال ایتمش ایسه  
کرک را کب اولسون و کرک قالد یعنی یدیحی یا سائق  
یعنی سوریحی اولسون و کرک حیوانک یاننده بولنسون  
هر حالده اول حیوانک ایتدیکی ضرر و زیانی ضامن  
اولور

اما حیوان بوشانوبده کندولکنندن اوله رق برینک  
ملکنه دخول ایله بر ضرر ایتسه صاحبی ضامن اولماز  
۹۳۲ ماده

هر کسک طریق عامده حیوانیله دخی مروره حتی  
وارد

بناء علیه بر کیمسه طریق عامده حیوانته را کب اولوب  
کیدرکن ممکن النحرز اولمیان ضرر و زیانی ضامن اولماز

مثلاً حیوانک ایغندن توز و چامور صیچرایو بده دیکرک  
 البسه سنی لکه دار ایلسه یاخود ارقه ایغیله دپوب و یا  
 قو یروغیله چار پو بده بر ضرر ایتمسه ضمان لازم کلز .  
 اما معصومه سندن یا اوک ایغیله یاخود باشیله چار پمسندن  
 وقوعه کلان ضرر و زیانی را کب اولان کیمسه ضمان  
 اولور

۹۳۳ ماده

طریق عامده قائد و سائق دخی را کب کبدر  
 یعنی انلر دخی آنجق را کبک ضمان اولدیغی ضرری  
 ضمان اولورلر

۹۳۴ ماده

بر کیمسه نک طریق عامده حیوانی طور دیرمغه یاخود باغلامغه  
 خقی بو قدر

بناء علیه بر کیمسه طریق عامده حیوانی طور دیرسه یاخود  
 باغلامه کرک اوک و یا ارقه ایغیله دپسون و کرک سائر  
 صورته ضرر ایتمسون اول کیمسه هر حالده اول حیوانک  
 جنایتی ضمان اولور . اما آت بازاری و کرا بار کیرلرینک  
 طور دیغی محللار کبی حیوان طورمغه اعداد و تعیین اولنمش  
 اولان یرلر مستشادر



۹۳۵ ماده

بر کیمسه حیوانی باشی بوش طریق عامه صالحیورسه اول  
حیوانک ایتدیکی ضرری ضامن اولور

۹۳۶ ماده

بر کیمسه ننگ را کب اولدیغی حیوان اولک یا خود ارقه  
ایاغیله کندو ملککنده و کرک سار محمله بر شینک اوزرینه  
باصوبده تلف ایتسه را کب اولان کیمسه اول شیئی  
مباشرة اتلاف ایتمش عد اولنه رق هر حالده ضامن

اولور

۹۳۷ ماده

آت کم آلبوبده را کبی باشنی ضبط ایدمه میهرک بر ضرر  
ایتسه ضمان لازم کلز

۹۳۸ ماده

بر کیمسه کندو ملککنده حیوانی باغلامش اولدیغی حالده  
دیگر بری کلوبده بلا اذن اورایه حیوانی باغلا دیغی  
صورتده صاحب ملکک حیوانی آنی دپوب تلف ایتسه  
ضمان لازم کلز . و اگر اول حیوان صاحب ملکک  
حیوانی تلف ایتسه صاحبی ضامن اولور

۹۳۹ ماده

بر محله حیوان باغلامغه حتی اولان ایکی کسنه

حيوانلرینی باغلا دقلمرنده حيوانلرك بری ديكرینی تلف  
ايتسه ضمان لازم كلز

مثلا بر خانه ده مشترك اولان ايكي كشي حيوانلرینی بر  
محلله باغلا بو بنده برينك حيوانی ديكرينك حيواننی تلف  
ايتسه ضمان لازم كلز

۹۴۰ ماده

ايكي كشي كندولرينك حيوان باغلامغه حقي اولميان برده  
حيوانلرینی باغلا يو بنده اول باغلايانك حيوانی ديكرك  
حيواننی تلف ايتسه ضمان لازم كلز. و صكره باغلايانك  
حيوانی اولكينك حيواننی تلف ايتسه ضمان لازم كلور  
اراده سنیه تاريخی فی ۲۳ ربیع الاخر سنه ۱۲۸۹

اجد چودت

عمر خلوصی

وکیل درس

امين القتوی

السید خلیل

السید خلیل

عن اعضای دیوان احکام عدلیه قاضی دارالخلافه العلیه

سیف الدین

اجد حملی

قسام عسکری

مدیر معلمخانه نواب

اجد خالد

السید یونس وهبی

عن اعضای جمعیت

عبداللطیف شکری

— ❦ كتاب الحجر والاكراه والشفعه ❦ —

✽ صورت خط همايون ✽

( موجبنجه عمل اولنده )

( كتاب تاسع )

( حجر واکراه وشفعه بياننده اولوب بر مقدمه ايله )

( اويچ بابي حاويدر )

( مقدمه )

( حجر واکراه وشفعه يه متعلق اصطلاحات فقيه )

۹۴۱ ماده

حجر . بر شخص مخصوصي تصرف قوايسندن منطرد که  
بعد الحجر اول شخصه محجور دنيلاور

۹۴۲ ماده

اذن . حجرى فك ايتك وحق منعى اسقاط ايلکدر که  
اذن ويريلاان شخصه مأذون دنيلاور

۹۴۳ ماده

صغير غير ميمز . بيع وشرایي فهم ايتيان يعنى ملكيتي بيعك  
سالبا و شرانك جالب اولديغنى بيليان واونده بش  
الدائق کبي غبن فاحش اولديغنى ظاهر اولان برغبن  
غبن يسيردن تمميز و تفريق ايليان چو جوق اولوب بونلری  
تمميز ايدن چو جغه صغير ميمز دنيلاور

۹۴۴ ماده

مجنون ایکی قسمدر . بری مجنون مطبقدر که جنونی جمیع  
اوقاتی مستوعب اولان کیمسه در . دیکری مجنون غیر  
مطبقدر که گاه مجنون اولوب گاه افاقت بولان کیمسه در

۹۴۵ ماده

معتوه . اول مختل الشعور اولان کیمسه در که فهمی قلیل  
وسوزی . شوش و تدبیری فاسد اولور

۹۴۶ ماده

سفیه . مالی پیهوده بره صرف ایله و مصارفنده تبذیر  
واسراف ایله اضاعه و اتلاف ایدن کیمسه در  
ایله و ساده دل اولوق حسبیله کار و تمتع یولنی بیله میوبده  
اخذ و اعطاسنده الدانه کلان کیمسه لر دخی سفیه  
حد اولنور

۹۴۷ ماده

رشید . مالی محافظه خصوصنده تقید ایدرک سفیه  
و تبذردن توقی ایدن کیمسه در

۹۴۸ ماده

اکراه . برکمنه بی اخافه ایله رضاسی اولمق سزین بر  
ایش ایشلمک اوزره بغیر حق اجبار ایتکدر که اول  
کمنه بیه رانک فحیله مکره و اجبار ایدن کیمسه بیه مجبر

و اول ايشه مكره عليه و خوفى موجب اولان شيئه مكره به  
دينلور.

۹۴۹ ماده

اكرهه ايكي قسمدر . قسم اول اكرهه لمجيدركه اتلاف  
نفس يا قطع عضو يا خود بوناردن برينه مؤدى اولور  
ضرب شديد ايله اولان اكرههدر . قسم ثانى اكرهه غير  
مجيدركه يالكز غم والمى موجب اولور ضرب و حبس  
كبي شيلره اولان اكرههدر

۹۵۰ ماده

شفعه . بر ملك مشترايى مشتريه هر قاچه مال اولديسه  
اول مقدار ايله تملك ايتكدركر

۹۵۱ ماده

شفيع . حق شفعهسى اولان كيمسهدر

۹۵۲ ماده

مشفوع . حق شفعهك تعلق ايلديكى عتاردر

۹۵۳ ماده

مشفوع به . شفيعك مابه الشفعه اولان ملكيدركر

۹۵۴ ماده

خليط . صو حصهسى و يول حصهسى كبي حقوق  
ملكده مشارك ديمكدر

۹۵۵ ماده

شرب خاص . اشخاص معدوده به مخصوص اولان ماء  
جاریده کی حق شربدر اما نمومک منتفع اولدیغی  
نهرلردن صوملق شرب خاص قبیلندن دکادر

۹۵۶ ماده

طریق خاص . چیقماز زقاق دیمکدر

( باب اول )

( حجره متعلق مسائل بیاننده اولوب درت فصله منقسمدر )

( فصل اول )

( صنوف واحکام محجورین بیاننده در )

۹۵۷ ماده

صغیرو مجنون و معتوه ذاتا محجورلر در

۹۵۸ ماده

سفیه اولان کیمسه حا کم طرفندن حجر اولنده یلور

۹۵۹ ماده

مدیون دخی غرمانک طلبیه حا کم طرفندن حجر اولنده یلور

۹۶۰ ماده

مواد آنفسده ذکر اولنان محجورینک بیع و شراکی

متصرفات قولیه لری معتبر اولمز ایسه ده کندو فعللرندن  
 نشئت ایدن ضرر و زبانی ضامن اولور لر  
 مثلا بز چوجق غیر ممیز اولسه بیله برینک مالنی اطلاق  
 ایتدکده ضمان لازم کلور  
 ماده ۹۶۱

سفییه و مدیون حاکم طرفندن حجر اولندقدده سببی ناسه  
 بیان ایله اشهاد و اعلان اولنور  
 ماده ۹۶۲

حاکم طرفندن حجری مراد اولنان کیمسه نیک حضورنی  
 شرط اولیوب غیاباً دخی حجری صحیح اولور  
 فقط خسر جکر اول کیمسه یه وصولی شرطدر . حجر  
 اولندیغنی خبری کندوسنه واصل اولدقجه منجر  
 اولیوب اولوقته قدر واقع اولان عتود و اقراری معتبر  
 اولور

ماده ۹۶۳  
 فاسق اولان کیمسه مالنی تبذیر و اسراف ایتدکجه مجرد  
 فسق سببیه حجر اولنده من  
 ماده ۹۶۴

طیب جاهل کبی عمومه مضرتی اولان بعض کسان دخی  
 حجر اولنور



فقط بونده جردن مراد اجرای عملدن منع دیمکدر  
بوخسه تصرفات قولیه دن منع معناسنه دکدر

ماده ۹۶۵

بر کیمسه بر چارشوده صنعت یا تجارت اجرا ایدو بده  
اول صنعت یا تجارت اربابی بزم کار و کسبزه نخل کلپور  
دیو اول کیمسه بی صنعت و یا تجارتی اجرا دن حجر و  
منع ایتدیره مز لر

( فصل ثانی )

( صغیر و مجنون و مهتوهه متعلق مسائل بیانده در )

ماده ۹۶۶

صغیر غیر میمرک و لیبسی اذن ویرسه بیله انک تصرفات  
قولیه سی اصلا صحیح اولمز

ماده ۹۶۷

صغیر میمرک قبول هبه و هدیه کبی حقهنده نفع محض  
اولان تصرفی و لیسنک اذن و اجازتی اولسه بیله معتبر در  
و آخره برشی هبه ایتمک کبی حقهنده ضرر محض اولان  
تصرفی و لیسنک اذن و اجازتی اولسه بیله معتبر  
اولماز

اما ذاتاً نفع ایله ضرر بیننده دائر اولان عقودی

ولیسنک اجازتہ موقوفاً منعقد اولور . ولیسی دخی  
اجازت ویروب ویرمامکده مجیردر . شویله که صغیر  
حقیقده فائده لو کوررسه مجیر اولور کورمز ایسه  
مجیر اولماز

مثلاً بر صغیر میر بلا اذن بر مال صائسه ولو که دیکرندن  
زیاده ثمن ایله صائش اولسه بیله بیعک نفاذی ولیسنک  
اجازتہ موقوفدر . زیرا عقد بیع ذاتاً بفع ایله ضرر  
بیننده متردد اولان عقوددندر

۹۶۸ ماده

صغیر میرنی تجربه ایچون مالنک بر مقدارینی ولیسی  
کندوسنه تسلیم ایله اخذ واعطایه اذن ویره یلور .  
ورشدی تحقق ایدر ایسه باقی اموالی دخی کندوسنه دفع  
وتسلیم ایلر

۹۶۹ ماده

رج قصد اولندیغنه دلالت ایسن عقد مکرر لر اخذ  
واعطایه اذندر

مثلاً بر صغیره ولیسنک الیش ویرش ایت یاخود فلان  
جنس مالی آل صات دیمسی اخذ واعطایه اذن دیمکدر .  
اما وار چارشودن فلان شیئی آل یاخود فلان شیئی  
صاتیور دیمسی کبی یالکز بر عقدک اجراسنی امر ایتیمی

اخذ و اعطایه اذن دیمک اولیوب بلکه عرف و عادت  
اوزره اول صغیری توکیلا استخدام قبلندن عهد  
اولنور

۹۷۰ ماده

ولینک اذنی زمان و مکان و برنوع اخذ و اعطایه ایله تقید  
و تخصص ایتمز

مثلا برکون یا خود بر آی ایچون اذن ویرسه صغیرمیر علی  
الاطلاق مأذون اولوب، ولیسی انی حجر ایتمدیکه مؤبد  
مأذون قالور

و کذا فلان چارشوده الیش ویرش ایت دیسه هر یرده  
اخذ و اعطایه مأذون اولور نذلک فلان جنس مالی آل  
صات دیسه هر جنس اموالی الوپ صاته بیلور  
۹۷۱ ماده

اذن صراحة اولدیغی کبی دلالة دخی اولور  
مثلا بر صغیرمیرنی ولیسی الیش ویرش ایدرکن کوردکده  
سکوت ایدوبده منع ایتمسه دلالة اذندر  
۹۷۲ ماده

بر صغیره ولیسی طرفندن اذن ویرلکده تحت اذنده  
داخل اولان خصوصاتده بالغ منزله سنده اولور . و بیع  
واجاره کبی عقود معتبر اولور

۹۷۳ ماده

برصغیره اذن ویرمش اولان ولیسی بعده آنی حجر ایله  
 اول اذنی ابطال ایده یلور . فقط نوجهله اذن ویرمش  
 ایسه ینه اول وجهله حجر ایتسی شرطدر  
 مثلاً برصغیره ولیسی اخذ واعطا ایچون اذن عام ویروبده  
 چارشومی خلقنک معلومی اولدقن صکره آنی حجر ایده جک  
 اولدقده حجری دخی اولوجهله عام اولوبده اول چارشو  
 خلقنک اکثریسنک معلومی اولق شرطدر یوخسه کندو  
 خانه سنده ایکی اوچ کشینک محضر نده حجر ایتسی صحیح  
 اولماز

۹۷۴ ماده

صغیرک بوبابده ولیسی اولا باباسی ثانیاً باباسی فوت اولمش  
 ایسه وصی مختاری یعنی باباسنک حال حیاتنده اختیار  
 ونصب ایتمش اولدیغی وصی ثالثاً وصی مختار دخی  
 وفات ایدرسه انک حال حیاتنده نصب ایلدیکی وصی  
 رابعاً جد صحیحی یعنی صغیرک باباسنک باباسی یاخود  
 باباسنک باباسنک باباسی خامساً اشبو جدک حال حیاتنده  
 اختیار ونصب ایلش اولدیغی وصی سادساً اولی وصینک  
 نصب ایلدیکی وصی سابغاً حاکم یاخود وصی منصوبی  
 یعنی حاکمک نصب ایلدیکی وصی در

اما قرداداش و عموجه و سائر اقرابانك وصی اولدقلمری  
 حالده اذن ویرملری جائز اولماز  
 ماده ۹۷۵

حاكم بر صغير ميرك تصرفنده منفعت كوردیكى حالده  
 اذن مقدم اولان ولی اذندن امتناع ایتسه حاكم بو  
 خصوصده اول صغيره اذن ویره پیلور و دیگر ولیسی  
 ارتقانی حجر ایده مز  
 ماده ۹۷۶

بر صغيری مأذون ایدن ولی فوت اولدقده و یرمش اولدیغی  
 اذن باطل اولور . فقط حاكمك اذنی وفاتيله یاخود  
 عزلیله باطل اولماز  
 ماده ۹۷۷

بر حاكمك مأذون ایتدیكى صغيری ینه اول حاكم یاخود  
 خانجی حجر ایده پیلور . یوشمه بابامسی یاخود دیگر  
 ولیسی حاكمك وفاتی یاخود عزلی اوزرینه آنی حجر  
 ایده مز  
 ماده ۹۷۸

معتوه اولان کیمسه صغير میر حکمنده در  
 ماده ۹۷۹

مجنون مطلق صغير غیر میر حکمنده در

۹۸۰ ماده

مجنون غیر مطبق حال افاقتند اولان تصرفاتی عاقلک  
تصرفی کبیدر

۹۸۱ ماده

بر چوجق بالغ اولدوقده مالنک کندوسنه اعطاسی  
خصوصنده استعجال اولنمیوب تانی ایله تجربه اولنملیدر  
رشید اولدیغی تحقق ایدر ایسه اول وقت اموالی  
کندوسنه و یریلور

۹۸۲ ماده

بر چوجق غیر رشید اوله رق بالغ اولور ایسه رشیدی  
تحقق ایتدیجکه مالی کندوسنه و یرلیوب کافی المسابق  
تصرفدن منع اولنور

۹۸۳ ماده

بر صغیرک رشیدی ثابت اولدین اموالی وصیسی طرفندن  
کندوسنه و یریلو بده اول صغیرک یدنده ضایع اولسه  
یا خود صغیراتلاف ایتسه وصی ضامن اولور

۹۸۴ ماده

بر صغیرک بلوغی اوزرینه مالی کندوسنه و یریلو بده  
بعده سفیه اولدیغی تحقق ایتسه حاکم طرفندن حجر  
اولنور

۹۸۵ ماده

حد بلوغ احتلام و احبال ( یعنی کبه ایلک ) و حیض  
و حبل ( یعنی کبه اولمق ) ایله ثابت اولور

۹۸۶ ماده

سن بلوغک مبدئی ارککده تام اون ایکی وقیزده تام  
طقوز و منتھاسی ایکیسندده دخی تام اون بش یاشر  
و بر ارکک اون ایکی و بر قیز طقوز یاشرنی تکمیل  
ایدو بده بالغ اولسه بالغ اولنجیدهک مرهق و مرهقه  
دینلور

۹۸۷ ماده

منتھای سن بلوغه وارمشیکن کندوسنده آثار بلوغ  
ظاهر اولمیان کیمسه حکما بالغ عد اولور

۹۸۸ ماده

مبدأ سن بلوغه وارمیان بر چوجق بالغ دیو دعوی  
ایلسه قبول اولتماز

۹۸۹ ماده

بر مرهق یاخود مرهقه حضور حاکمده بالغ اولدیغنی  
اقرار ایتدکده جته سنک بلوغه تحملی اولماق حسمیله  
ظاهر حال کندوسنی مکذب اولور ایسه بو اقراری  
تصدیق اولتماز و اگر جته سنک بلوغه تحملی اولوبده

ظاهر حال کند و سنی تکذیب ایتمز ایسه تصدیق اولنور  
 و عقود و اقراری نافذ و معتبر اولور . و بر مدت  
 صکره بن اولوقت یعنی حین اقرارده بالغ دکل ایدم دیو  
 بعد الاقرار واقع اولان تصرفات قولیه سنی فسخ ایتمک  
 ایستمه اکا التفات و اعتبار اولنماز

( فصل ثالث )

( سفیه محجور حقننده در )

۹۹۰ ماده

سفیه محجور معاهلاتده صغیر ممیز کبدر . فقط سفیهک  
 و ایسی آجق حاکمدر . انک اوزرنده اب وجدینک  
 و وصیلرینک حق ولایتی یوقدر

۹۹۱ ماده

سفیهک بعد الحجر معاهلاتجه تصرفات قولیه سی صحیح  
 اولماز ایسه ده قبل الحجر تصرفاتی سائر ناسک تصرفاتی  
 کبدر

۹۹۲ ماده

سفیه محجورک کرک کندو و کرک نفقه سی اوزرینه لازم  
 اولنر کندوسنک مالندن انفاق اولنورلر



۹۹۳ ماده

سفیه محجور برمانی صاتسه نافذ اولماز ایسه ده حاکم  
منفعت کورر ایسه اجازت ویرر

۹۹۴ ماده

سفیه محجورک آخره دین اقرارای مطلقا صحیح اولماز . یعنی  
کیرک وقت مجرده موجود و کیرک بعد الحجر حادث  
اولان اموالی حقنده اقرارینک تأثیری اولماز

۹۹۵ ماده

سفیه محجور اوزرنده اولان حقوق ناس کندوسنک  
مالندن تأدیه اولنور

۹۹۶ ماده

سفیه محجور آقچه استقراض ایدوبده کندو نفقه سنه  
صرف ایتدکده اکر قدر معروف اولهرق صرف ایتمش  
ایسه حاکم اول آقچه بی انک مالندن تأدیه ایلر .  
واکر فضله صرف ایتمش ایسه حاکم نفقه سی مقدارینی  
محسوب ایدوب فضله سنی ابطال ایلر

۹۹۷ ماده

سفیه محجور کسب صلاح ایتدکده حاکم طرفندن چیرفک  
اولنور

## ( فصل رابع )

## ( مدیون محجور حقیقه در )

۹۹۸ ماده

مدیونك قدرتی وار ایکن دینك اداسنده ماطله ایلدیکی نزد حاکمه ظاهر اولوبده دأشتری دخی مالی صاتیله رق دینك تأدیسهنی حاکدن طلب ایتدکارنده حاکم آنی حجر ایدر

وکندوسی مالی صاتوبده دینی ایفادن امتناع ایتدیکی تقدیرده حاکم انك مالی صاتوب دینی تأدییه ایلر شویله که مدیون حقیقه بیعی اهون اولاندن بدأ ایله صکره ده بو ترتیب اوزره اهونی تقدیم ایدرک ابتدا نقودندن باشلا یوب وفا ایتمز ایسه عروضنی وعروضی دخی وفا ایتمز ایسه عقارینی صاتار

۹۹۹ ماده

مدیون مفلس یعنی دیونی مالسه مساوی یاخود ازید اولوبده غرماسی تجارتله مالنك ضایع اولمسندن ویاخود مالی قاچرمسندن ویا آخرک اوزرینه کچورمسندن خوف ایله حاکمه مراجعت ایدرک مالنده تصرفدن یاخود آخره بوج اقرارندن حجر اولنسنی طلب ایتدکارنده حاکم اول کیسه بی حجر ایدر • واموالنی صاتوب ائماننی

بین الغرما تقسیم ایله . فقط کندوسنه بر یا ایکی قات  
البسه ترك اولنور

شو قدر که اول مديونك قیمتلو البسه سی اولوبده مادونی  
ایله اکتفا قابل اولور ایسه اول البسه دخی صاتیلوب  
ثمنندن کندوسنه برقات اوجوز البسه النهرق باقیسی  
غرمایه و بریلور کذلک برقوناغی اولوبده مادونی ا کا  
کفایت ایدر ایسه اول قوناق صاتیلوب ثمنندن  
حالنه مناسب بر مسکن النور و باقیسی غرمایه اعطا اولنور  
ماده ۱۰۰۰

مديون مفلسك مدت محجوریتنده كرك كندو و كرك  
اوزینه نفقه سی لازم اولان كسنه لر کندوسنك مالندن  
انفاق اولنور.

ماده ۱۰۰۱

دين ایچون حجرا نبحق مديونك وقت حجرده موجود  
اولان مالنه تأثیر ایدر اما بعد الحجر انه کچن مالنه تأثیری  
اولماز

ماده ۱۰۰۲

هبه و صدقه و ثمن مثلندن نقصاننه مال صاتیق كبی  
هرنه که غرمانك حقنی ابطاله مؤدی اوله حجر انده مؤثر  
اولور

بناء عليه مديون مفلسك حقوق غرمايه مضر اولان  
 عقودى وسائر تصرفات وتبرعاتى وقت مجردة موجود  
 اولان اموالى حقهنده معتبر اولماز . اما بعد الحجر  
 اكتساب ايلديكى اموالى حقهنده معتبر اولور . وبشقه سنه  
 بوج اقرار ايتدكده وقت مجردة موجود اولان اموالى  
 حقهنده معتبر اولماز . اما بعد زوال الحجر معتبر اولور  
 واولوقت ادا ايتك اوزره مديون قالور و برده بعد الحجر  
 مال قازانور ايسه اندن ويرلك اوزره اقرارى نافذ اولور

( باب ثانى )

( اكراهه متعلق مسائل بيانده در )

ماده ۱۰۰۳

مجبرك تهديدىنى ايقاعه مقتدر اولمى شرطدر  
 بناء عليه تهديدىنى ايقاع و اجرايه مقتدر اولمىان كيمسه نك  
 اكراهى معتبر اولماز

ماده ۱۰۰۴

مكره بهك وقوعنده مكرهك قورقسى يعنى مكره عليهى  
 ايشلمديكى تقديرده مجبرك مكره بهى اجرا ايدده جكمنه كندو سنبجه  
 ظن غالب حاصل اولمى شرطدر

۱۰۰۵ ماده

مکره اگر مکره علیهی مجبرک یا خود آدمتک حضورنده  
ایشلر ایسه اکره معتبر اولور . اما مجبرک یا خود آدمتک  
غیابنده ایشلر ایسه اکره تک زوالندن صکره طوعا ایشلش  
اوله جنجی جهتله بوا اکره معتبر اولماز  
مثلا بر کیمسه دیکره مالنی صائق اوزره اکره ایدوبده  
مکره انک غیابنده طرفندن بر آدمی دخی اولدیغی حالده  
واروب مالنی صائسه اکره معتبر اولیوب بیعی صحیح  
ومعتبر اولور

۱۰۰۶ ماده

اگره معتبر ایله و قوعبولان بیع و شرا و ایجار و هبه  
و فراغ و عن مال صلح و اقرار و ابراء و تأجیل دین  
و اسقاط شفعه معتبر اولماز . کرک اکره ملجی اولسون  
و کرک اکره غیر ملجی اولسون . فقط مکره بعد زوال  
الا اکره مجیز اولورسه اول حالده معتبر اولور

۱۰۰۷ ماده

اگره ملجی بوجه بالا تصرف قولیده معتبر اولدیغی  
کبی تصرفات فعلیه ده دخی معتبر اولور . اما اکره  
غیر ملجی یا لکن تصرفات قولیده معتبر اولوب تصرفات  
فعلیه ده معتبر اولماز بناء علیه بر کیمسه دیکره فلانک

مالنی اتلاف ایت یوخسه سنی قتل ایدرم یا خود بر عضوکی  
 کسرم دیو بده مکره دخی اتلاف ایتسه اکراه معتبر  
 اولوب ضمان انجق مجره لازم کلور . اما فلانک مالنی  
 اتلاف ایت یوخسه سنی ضرب یا حبس ایدرم دیو بده  
 او دخی اتلاف ایتسه اکراه معتبر اولیوب ضمان انجق  
 متلفه لازم کلور



( باب ثالث )

( شفعه بیاننده اولوب دوت فصله منقسمدر )

( فصل اول )

( مراتب شفعه بیاننده در )

۱۰۰۸ ماده

اسباب شفعه اوچدر . اولکیسی نفس میبعده مشارک  
 اولمقدر . نه کیم ایکی کیسه نک بر عقارده شایعا  
 اشتراکری کبی  
 ایکنجیسی حق میبعده خلیط اولمقدر . نه کیم حق شرب  
 خاص و طریق خاصده اشتراک کبی  
 مثلاً حق شرب خاصده اشتراکری اولان باغچه لردن  
 بر یسی صاندلقدده دیگر باغچدر اصحابی شب شفیع اولورلر  
 کرک جار ملاصق اولسونلرو کرک اولسونلر

کذلك قپوسی طریق خاصه آچیلان یرخانه صاتلدقده  
 اول طریق خاصه قپوسی اولان دیکر خانه لر اصحابنک  
 کافه سی شفیع اولور کک جار ملاصق اولسونلر و کک  
 اولسونلر . اما عموک منتقع اولدیغی بر نهر دن صو  
 آلان یاخود قپوسی طریق عامه آچیلان خانه لردن بری  
 صاتلدقده اول نهر دن صو آلان یاخود اول طریق عامه  
 قپوسی اولان دیکر خانه لر اصحابنک حق شفعه سی یوقدر  
 اوچنجیسی مبعده جار ملاصق اولقدر

۱۰۰۹ ماده

حق شفعه اولان نفس مبعده مشارک اولان کیمسه نک  
 ثانیاً حق مبعده خلیط اولانک ثالثاً جار ملاصق کدر .  
 و برنجی، طالب ایکن دیکر لرینک و ایکنجیسی طالب ایکن  
 اوچنجینک حق شفعه سی یوقدر

۱۰۱۰ ماده

نفس مبعده مشارک اولدیغی یاخود اولوبده حق شفعه  
 سنلن و از کچدیکی حالدده حق مبعده خلیطی وار ایسه  
 حق شفعه آنکدر

حق مبعده خلیطی دخی یوقیسه یاخود اولوبده  
 حقندن و از کچر ایسه اول حالدده جار ملاصق شفیع  
 اولور

مثلا بر کیمسه مستقلا ملکی اولان عقارینی صاندقده یاخود  
 بر مشترک عقارده کی خصه شایعه سنی صاتو بده مشارکی  
 حق شفعه سندن واز یکدکده اکر اول عقارک حق  
 شرب خاصنده یاخود طریق خاصنده خلیطی وار ایسه  
 حق شفعه آنکدر یوق ایسه یاخود اولوبده حقندن  
 یکر سه اول حالده حق شفعه جار ملاصقکدر  
 ماده ۱۰۱۱

بر بنانک فوقانیسی یعنی اوست قاتی بر ینک و تحتانیسی  
 یعنی الت قاتی دیکر ینک ملکی اولدیغی صورتده یکدیگره  
 جار ملاصق عد اولتور  
 ماده ۱۰۱۲

بر خانه نک دیوارنده مشارک اولان کیمسه اول خانه ده  
 مشارک حکمنده در . اما دیوارده مشارک اولیو بده  
 فقط کندو خانه سنک کیرشلی قوشوسنک دیواری  
 اوزرینه نمد اولدیغی صورتده جار ملاصق عد اولنور  
 مجرد اول دیوار اوزرینه کیرشلی ینک او جلینی قویمق  
 حقی اولغله شریک و خلیط عد اولنه ماز  
 ماده ۱۰۱۳

متعدد شفیعلر اولدیغی حالده عدد رؤسه اعتبار اولنور  
 مقدار سهامه یعنی حصدلرینک مقدارینه اعتبار اولنماز



مثلاً بر خانه نك نصف حصه سی بر کیمسه نك وثلث ایله  
سدس حصه لری دیگر ایکی کشینک اولدیغی حالده نصف  
حصه صاحبی حصه سنی آخره صاتدقده دیگر لری شفعه ایله  
طالب اولسه لر بالمناصفه بیلنرنده تقسیم اولنور . یوخسه  
ثلث حصه صاحبی حصه سنه کوره زیاده حصه الهماز

۱۰۱۴ ماده

ایکی صنف خلیطرا اجتماع ایتدکده اخصی اعمک اوزرینه  
تقدیم اولنور

مثلاً بر نهر صغیردن آچیلان خرقده حق شربی اولان  
یری ملک بر باغچه حق شربله بیلله صاتلقدده اول  
خرقده حق شربی اولنور حق شفعه ده مقدم و مر جحدور .  
اما اول نهرده حق شربی اولان یری ملک بر باغچه حق  
شربله بیلله صاتلقدده کرک اول نهرده و کرک خرقدده  
حق شربی اولنور هب شفیع اولور لر . نته کیم بر  
چیمماز زقاقدن منشعب دیگر بر چیمماز زقاغه قپوسی  
اچیلان بر ملک خانه صاتلقدده انجق بوشعبه یه قپوسی  
اولان خانه لر اصحابی شفیع اولور . اما اول چیمماز  
زقاقده قپوسی اولان بر خانه صاتلقدده کرک اول زقاقده  
و کرک شعبه سنده حق مروری اولنور هب شفیع اولور لر

۱۰۱۵ ماده

حق شرب خاصی اولان بر باغچه صاحبی حق شربنی  
صاتیوبده یالکز اول باغچه بی صاتسه حق شربنده خلیط  
اولنر شفیع اوله ماز

طریق خاص دخی بوکا قیاس اولنه

۱۰۱۶ ماده

حق شرب حق طریقہ مقدمدر

بناء علیه بر باغچه صاتیوبده بر کیسه انک حق شرب  
خاصنده و دیگر بری طریق خاصنده خلیط اولسه حق  
شرب صاحبی حق طریق صاحبی اوزر بنه ترجیح و تقدیم  
اولنور

( فصل ثانی )

( شرائط شفعه بیاننده در )

۱۰۱۷ ماده

مشفوعک ملک عقار اولسی شرطدر  
بناء علیه سفینه ده و سایر منقولاتده و وقف عقارده و اراضی  
امیر یه ده شفعه جاری اولماز

۱۰۱۸ ماده

مشفوع بیک دخی ملک اولسی شرطدر

بناء عليه بر ملك عقار صائلدقده اتصالنده بولنان وقف  
عقارك متوليسى ياخود متصرفى شفيع اوله ماز

۱۰۱۹ ماده

وقف ير ياخود اراضى اميريه اوزرنده كى ملك اشجار  
وابنيه منقول حكمنده اوله رق بونلرده شفيعه جارى  
اولماز

۱۰۲۰ ماده

بر ملك عرصه اوزرنده كى اشجار وابنيه ايله برابر صائلدقده  
يره تبعاً اشجار وابنيه ده دخى شفيعه جارى اولور . اما  
يالكر اشجار وابنيه صائلديغى صورتده شفيعه جارى اولماز

۱۰۲۱ ماده

شفيعه انجق عقد بيع ايله ثابت اولور

۱۰۲۲ ماده

هبه بشرط العوض بيع حكمنده در

بناء عليه بر كيمسه ملك خانه سنى بشرط العوض آخره هبه  
وتسليم ايتسه جار ملاصقى شفيع اولور

۱۰۲۳ ماده

بلاعوض هبه وميراث ووصيت كى بلا بدل آخره تمليك  
اولنان عقارده شفيعه جارى اولماز

۱۰۲۴ ماده

شفيعك واقع اولان عقد بيعه صراحة يا خود دلالة  
رضائى اولماق شرطدر

مثلا عقد بيعى ايشتكده يك اعلا ديسه حق شفعهسى  
ساقط اولوب اندن صكره طلب شفعه ايده مز • وكذا  
بيك عقدا ولنديغنى ايشتكده صكره عقار مشفوعى مشتريدن  
اشترا يا خود استيجار ايتك ايستسه حق شفعهسى ساقط  
اولور • كذلك بر كسـنهـنك بايعه وكيـل اولوبده  
صانديغى عقارده حق شفعهسى اولهـماز ( ۱۰۰ )

ماده يه باق

۱۰۲۵ ماده

بدلك معلوم المقدار مال اولسى شرطدر  
بناء عليه مال اولميان بدل ايله تمليك اولنان عقارده شفعه  
جارى اولماز

مثلا بر حرام استيجار ايله اجرت ديو ويريلان ملك خانهده  
شفعه جريان ايتمز زيرا بونده خانهك بدلى مال اولميوب  
منافع قبيلندن اولان اجرتدر • كذلك بدل مهر اولهـرق  
ويريلان ملك عقارده شفعه جارى اولماز

۱۰۲۶ ماده

بايعك مبيعدن ملكى زائل اولق شرطدر

بناء عليه بيع قاسده بابعك حق استردادی ساقط اولدقجه  
 شفعه جاری اولماز و بيع بشرط الخیارده اکر مخیر یالکز  
 مشتری ایسه شفعه جاری اولور . و اکر بابع مخیر ایسه  
 حق خیاری ساقط اولدقجه شفعه جاری اولماز . اما  
 خیاریعیب ایله خیاری رؤیت شفعه نك ثبوتنه مانع دکلدر  
 ماده ۱۰۲۷

تقسیم عقارده شفعه جاری اولماز  
 مثلاً بر مشترک خانه مشارکری بیننده تقسیم اولندقد  
 جار ملاصتی شفیع اوله ماز

( فصل ثالث )

( طلب شفعه بیاننده در )

ماده ۱۰۲۸

شفعهده اوچ طلب لازمدر که طلب مواثبه و طلب تقریر  
 و اشهاد و طلب خصومت و تملکدر

ماده ۱۰۲۹

شفیعک عقد بیعی طویدیغی مجلسده درحال بن مبعک  
 شفیعیمی یاخود بالشفعه طلب ایدرم دیمک کبی طلب  
 شفعهده دلالت ایدر بر سوز سویلمسی لازمدر . بوکا  
 طلب مواثبه دینلور

۱۰۳۰ ماده

طلب مواثبه دن صکره شفیعک طلب تقریر و اشهاد ایتیمی  
لازمدر

شویله که ایکی کشی حضورنده اوله رق مبیعک یاننده بو  
عقاری فلان کیسه اشترا ایتیش یا خود مشتری نیک یاننده سن  
فلان عقاری اشترا ایتیش سین و یا خود مبیع هنوز بابع  
بندنه ایسه انک یاننده سن فلان عقار کی فلانده صاتمیش سین  
بن ایسه شو جهتله انک شفیعیم و طلب شفعه ایتیش یدم  
شمدی دخی طلب ایدرم شاهد اولکز دیملیدر

واکر شفیع اوزاق محلده بولنوبده بالذات بو وجهله  
طلب تقریر و اشهاد ایده مزسه برینی توکیل ایدر . وکیل  
بوله ماز ایسه مکتوب کوندر

۱۰۳۱ ماده

طلب تقریر و اشهاد دن صکره شفیعک حضور حا کده طلب  
و دعوی ایتیمی لازمدر . ایشته بوکا طلب خصومت  
و تملک دینلور

۱۰۳۲ ماده

شفیع اکر طلب مواثبه بی تأخیر ایدر ایسه مثلا عقد بیعی  
طویدیغی کبی اول مجلسده طلب شفعه ایتیموبده بشقه ایش  
ایله یا خود آخر صده دایر بر بحث ایله مشغول اولمق کبی

اعراضه دلالت ایدر بر حالده بولنور ایسه یاخود طلب  
شفعه ایتمدین اول مجلسدن قالمار ایسه حق شفعه سی  
ساقط اولور

۱۰۳۳ ماده

شفیع اکر طلب تقریر و اشهادی ولوکه مکتوب ایله  
اولسون اجرا ایده جک قدر وقت کچوبده تأخیر ایدر سه  
حق شفعه ساقط اولور

۱۰۳۴ ماده

طلب تقریر و اشهاددن صکره شفیع اکر اخر دیار ده  
بولنمق کبی بر عذر شرعیسی یوق ایکن طلب خصومتی  
برآی تأخیر ایدر سه حق شفعه سی ساقط اولور

۱۰۳۵ ماده

مجبورینک حق شفعه سنی و لیبی طلب ایدر . و بر  
صغیرک حق شفعه سنی و لیبی طلب ایتمز ایسه بعد البلوغ  
کندونک طلب شفعه یه صلاحیتی قالماز

( فصل رابع )

( حکم شفعه بیانده در )

۱۰۳۶ ماده

مشرینک بالتراضی تسلیمیه یاخود حاکم حکمیه شفیع  
اولان کیسه شفوعه مالک اولور

۱۰۳۷ ماده

برملکی شفعه ایله المق ابتدا اشترای منزله سنده در  
بناء علیه خیار رؤیت و خیار عیب ایله رد کبی ابتدا  
اشترای ایله ثابت اولان حکم لر شفعه ایله دخی ثابت اولور

۱۰۳۸ ماده

طلب موایه و طلب تقریر دنصکره مشترینک بالتراضی  
تسلیمی یا خود حاکم حکمی ایله شفیع هنوز مشفوعه  
مالک اولدن فوت اولسه حق شفعه ورثه سنه انتقال ایتمز

۱۰۳۹ ماده

شفیع ایکی طلبدن صکره هنوز بوجه مشروح مشفوعه  
مالک اولدن مشفوعه بی صاتلسه حق شفعه سی ساقطا اولور

۱۰۴۰ ماده

شفیع بوجه مشروح هنوز مشفوعه مالک اولدن مالک  
مشفوعه اتصالینده دیگر برمالک عقار صاتلسه بوایکنجی  
عقاره شفیع اوله من

۱۰۴۱ ماده

شفعه تجزی قبول ایتمز  
بناء علی ذلک عقار مشفوعه بر مقدارینی ترک ایله دیگر  
بر مقدارینی المغه شفیعک حتی بو قدر



ماده ۱۰۴۲

شفعدان بعضی سی حصه سنی بعضی سنه هبه ایده من  
ایدرسه حق شفعه سنی اسقاط ایتش اولور

ماده ۱۰۴۳

شفیعلردن بریمی حاکم حکمندن مقدم حقنی اسقاط  
ایلسه دیگر شفیع عقار مشفوعی تماما الهیلور و اگر  
حاکم حکمندن صکره شفیعلردن بریمی حقنی اسقاط  
ایلسه شفیع دیگر انک حقنی الهماز

ماده ۱۰۴۴

مشتری بناء مشفوعی بویاتمق کبی مالندن بر شی زیاده  
ایلسه شفیع مخیردر دیلرسه ترک ایدر دیلرسه بنانک  
ثمنیه برابر اول زیاده نك دخی قیمتنی و یروب مشفوعی  
الور

و مشتری عقار مشفوع اوزرینه ابنیه یامش یاخود آتاج  
غرس ایتش ایسه مشفوع مخیر اولوب دیلرسه ترک ایدر  
و دیلرسه عقار مشفوعک ثمنیه برابر ابنیه نك یاخود  
اشجارک قیمتنی و یروب مشفوعی الور یوخسه ابنیه یاخود  
اشجاری قلع ایتک اوزره مشتری به جبر ایده من

اراده سنیه تاریخی فی ۱۶ ربیع الآخر سنه ۱۲۹۰

احمد جودت

امين الفتوى

السيد خليل

قاضى دار الخلافة العلية  
سيف الدين

عن اعضاء ديوان احكام عدليه  
احمد خلوصى

عن اعضاء ديوان احكام  
عدليه احمد حلى

عن اعضاء مجلس تدقيقات  
شرعية احمد خالد

— ❖ كتاب التمرکت ❖ —

✽ صورت خط همايون ✽

( موجبنجه عمل اولنه )

( كتاب عاشر )

( انواع شرکاته دائر اولوب بر مقدمه ايله سگز بابي )

( حاويدر )

( مقدمه )

( بعض اصطلاحات فقهيہ بيانده در )

۱۰۴۵ ماده

شرکت . في الاصل بردن زياده کيمسه لره بر شيئک

اختصاصي وانلرک اول شي ايله امتيازي در

فقط اويله بر اختصاصه سبب اولان عقد شرکت معناسنده

دخي عرف واصطلاح اوله رق مستعملدر

بناء عليه مطلقا شرکت ايکي قسمه تقسيم اولنور . بري

شرکت ملکرکه اشترا و اتماب کبي اسباب تملکدن بريله

حاصل اولور . ديکري شرکت عقد در که شريکدر

بينده ايجاب و قبول ايله حاصل اولور ايکيسنک دخي

تفصيلاتي باب مخصوصلرنده کلور

بونلردن بشقه برده شرکت اباحه وارددرکه مباح اولان

یعنی صوتی فی الاصل کمسنه نك ملكی اولمیان شیرلی  
 اخذ و احراز ایله تملکه صلاحیتده عامه نك متشارك  
 اولسیدر

۱۰۴۶ ماده

قسمت . تقسیم دیمکدر . تعریف و تفصیلی باب مخصوصنده  
 کلور

۱۰۴۷ ماده

حادث . دیوان و تخته پرده و چیت دیمکدر . جمعی حیطان  
 کلور

۱۰۴۸ ماده

ماره . عامه و زننده طریق عامدن مرور و عبور ایدنلردن  
 ۱۰۴۹ ماده

قنسات . قافک فتحیله یرده صوت اجرا ایده جک کول  
 و کار یزدر . جمعی قنوات کلور

۱۰۵۰ ماده

مسنات . میم مضمومه و سین مفتوحه و نون مشدده ایله  
 سنور و صوت بندی و صوت خرقلرینک کینارلری دیمکدر .  
 جمعی مسنیات کلور

۱۰۵۱ ماده

احیا . اعمار دیمکدر که اراضی بی زراعتده صالح قیلمقدر

۱۰۵۲ ماده

تکجیر . اراضی به بشقه کسسه وضع یدایتمامک ایچون  
اطرافنه طاش و سائر نسنه وضع ایتمکدر

۱۰۵۳ ماده

انفاق . مالی خرج و صرف ایتمکدر

۱۰۵۴ ماده

نفقه . حوایج و تعیسه صرف اولنه جق آقچه و زاد  
و ذخیره مقوله سیدر

۱۰۵۵ ماده

تقبل . برایشی تعهد و التزام ایتمکدر

۱۰۵۶ ماده

مفاوضین . عقد شرکت مفاوضه ایدنلدر

۱۰۵۷ ماده

رأس المال . سرمایه دیمکدر

۱۰۵۸ ماده

ربح . فائده و کار دیمکدر

۱۰۵۹ ماده

ایضاع . برکیمسه نك کاری تماما کندوسنه عائد اولوق  
اوزره دیگر کسسه به سرمایه و برمسیدر که سرمایه به بضاعه  
و ویرن کسسه به بضاع و الان کسسه به مستبضع دینلور

( باب اول )

( شرکت ملك بياننده اولوب اوچ فصلی مشتملدر )

( فصل اول )

( شرکت ملكك تعريف و تقسیمی بياننده در )

۱۰۶۰ ماده

شرکت ملك . اسباب تملکدن اولان اشترا و اتها و قبول وصیت و توارث کبی بر سببله یا خود خلط و اختلاط اموال ایله یعنی ماللری یکدیگره قابل تمیز و تفریق اولیه جق صورتده فارشدیرمق و یا خود ماللری اول صورتده یکدیگره قارشیق ایله بر شیک بردن زیاده کیمسه لر بیننده مشترک یعنی اول شیک انلره مخصوص اولمیدر

مثلا ایکی کیمسه بر مال اشترا یا خود بری انلره هبه یا وصیت ایدو بده انلر دخی قبول ایتسه و یا خود بر مال ایکی کشی یه موروث اولسه اول مال انلرک بیننده مشترک اولور وانلر اول مالده حصه دار و متشارك و هر بری انده دیکرینه مشارک اولورلر

کذلک ایکی کیمسه ذخیره لرینی بر برینه قارشیرسه یا خود چواللری دنلرک کبی بوجهله ایکیسنک ذخیره لری بر برینه

قارشسه اشبو مخلوط یا مختلط ذخیره ایکیمی بیننده مال  
مشترک اولور

۱۰۶۱ ماده

بر کیمسه بر التونی دیکرک اول جنسدن اولان ایکی  
التونیله قاریشوبده تمیزنی قابل اولدیغنی حالده ایکیمی  
ضایع اولسه قالان بر التون ایکیمی بیننده ثلث و ثلثان  
نسبتیله مشترک اولوب ثلثانی ایکی التون صاحبک و  
ثلثی بر التون صاحبک اولور

۱۰۶۲ ماده

شرکت ملک . اختیاری و جبری قسملرینه تقسیم اولور  
۱۰۶۳ ماده

شرکت اختیار به . مشارکک فعلری ایله حاصل  
اولان اشتراکدر

نته کیم بر وجه بالا اشترا و اتهاب و قبول و صیت ایله خلط  
اموال صورتلرنده حاصل اولان اشتراک کبی  
۱۰۶۴ ماده

شرکت جبری به . مشارکک فعلری ایله اولیبوب بشته  
سبب ایله حاصل اولان اشتراکدر  
نته کیم توارث و اختلاط مالین صورتلرنده حاصل اولان  
اشتراک کبی



۱۰۶۵ ماده

معدد ودیملک و دیعه بی حفظده اشتراکری شرکت  
 اختیاریه قبیلندندر . اما روزکار اسوبده برکسینه ننگ  
 جامه سنی برمشترک خانه یه اتسه اول خانه صاحبترینک  
 اول جامه بی حفظده اشتراکری شرکت جبریه قبیلندن  
 اولور

۱۰۶۶ ماده

شرکت ملک . شرکت عین و شرکت دین قسملرینه دخی  
 تقسیم اولنور  
 ۱۰۶۷ ماده

شرکت عین . معین و موجود اولان مالدده اشتراکدر  
 ایکی کشینک برقیونده یاخود برسوری قیونده شایعا  
 اشتراکری کبی  
 ۱۰۶۸ ماده

شرکت دین . الهجقده اشتراکدر  
 ایکی کشینک برکسینه ذمتده الهجقلری اولان شوقدر  
 غروشه اشتراکری کبی

## ( فصل ثانی )

( اعیان مشترکہ نك کیفیت تصرفی بیانده در )

۱۰۶۹ ماده

برملکده مستقلا صاحبی اولان کیمسه نصل که کیف مایشاء  
تصرف ایدرسه ملک مشترکہ دخی صاحببری بالاتفاق  
اولوجهله تصرف ایدرلر

۱۰۷۰ ماده

برمشترک خانده صاحببری برلکده اوله رق ساکن  
اوله بیلور . فقط بریمی اول خانیه اجنبی آدم ادخال  
ایده جک اولورسه دیگرکی مانع اوله بیلور

۱۰۷۱ ماده

برملک مشترکہ حصه دارلردن بری دیگرینک اذنیله  
مستقلا تصرف ایده بیلور فقط اول حصه داره مضر  
اوله جق وجهله تصرفی جائز اولماز

۱۰۷۲ ماده

حصه دارلردن بری آخره حصه کی بکاصات ویاخود  
بنم حصه می اشترا ایت دیو جبر ایده من فقط بینلرنده  
مشترک اولان ملک اکر قابل قسمت اولوبده مشارکی دخی  
غائب دکل ایسه تقسیم وقابل قسمت دکل ایسه مه ایآة  
ایتدیره بیلور . نته کیم تفصیلاتی باب ثانیده کاور

۱۰۷۳ ماده

شرکت ملك ايله مشترك اولان اموالك حاصلاتى  
صاحبلىرى بيشنده حصه لرينه كوره تقسيم اولتور  
بناء عليه بر مشترك حيوانك سوتندن يا خود يا وريلىردن  
مشاركلرك برينه حصه سندن فضله بر شى شرط ايدلسه  
صحيح اولماز

۱۰۷۴ ماده

ياوريلر ملكيتده انالرينه تابعدر  
مثلا برينك اتى ديكرك قيصراغنى اشمه حاصل اولان  
ياوريسى قيصراق صاحبكدر . كذلك برينك اركك  
و ديكرك ديشى كو كرجنلى اولسه بونلردن حاصل  
اولان ياوريلر ديشى كو كرجين صاحبلىرىكدر  
۱۰۷۵ ماده

شرکت ملكده مشاركلردن هر برى ديكرى حصه سنده  
اجنيدر . بريسى ديكرك و كيلي دكلدر  
بناء عليه برينك اذنى اولدقجه ديكرى انك حصه سنده  
تصرف ايدمه . فقط مشترك خانه سکناده و دخول  
و خروج كې توابع سکنادن اولان احوالده صاحبلىردن  
هر برينك على وجه الكمال ملك مخصوصى اولمق اوزره  
اعتبار اولنور

مثلا بر مشـترك بار كبرى صاحبـلرندن برى ديكرينك اذنى  
اولمقسزىن اعاره و يا اجاره ايدوبده بار كيرمسـتعير و يا  
مستأجر يندده تلف اولسه ديكرى اكا حصه سنى تضمين  
ايتـديره بيلور . كذلك برىسى بلا اذن مشـترك بار كيره  
بنوب يا خود يوك يوكـلـدوبده كيدر كن بار كير تلف اولسه  
ديكرينك حصه سنى ضامن اولور . وكذا بر مدت  
استعمال ايله بار كير زبون اولوبده قيمته نقصان كلسه  
ديكر كـ نقصان قيمتدن حصه سنى ضامن اولور . اما  
مشترك خانه ده صاحبـلرندن برى ديكرندن اذن المقسزىن  
بر مدت ساكن اولسه كندى ملكـكنده ساكن اولمش  
ديمك اولور . بوجهتله مشاركنك حصه سى ايچون  
اجرت ويرمى لازم اولماز . وقضارا خانه محـترق  
اولسه ضمان دخى لازم كلز

ماده ۱۰۷۶

مشـترك اراضى يى صاحبـلرندن برى زراعت اتمكـله  
ديكرينك نادت بلده اوزره حاصلاتدن ثلث ياربع كـبى  
بر حصه المغه صلاحيتى يوقدر

فقط زراعتيله ارضه نقصان كلش ايسه نقصان قيمتدن  
حصه سنى زراعت ايدن مشاركنه تضمين ايتـديره بيلور

۱۰۷۷ ماده

مال مشترکی صاحبزندان بری آخره ایجار ایله اجرتنی  
اخذ ایتدکه دیکرینک حصه سنی اکارد و اعطا ایدر

۱۰۷۸ ماده

حصه دارلردن بری غائب اولدیغی صورتده اکر مواد  
آیتهده بیان اولنه جغی وجهله دلالة رضاسی بولنور ایسه  
حاضر اولان کندی حصه سی قدر ملک مشترکدن انتفاع  
ایده بیلور

۱۰۷۹ ماده

حاضرک غایبه مضر اولیه جق وجهله ملک مشترکدن  
انتفاعنه غایبک رضاسی وار عد اولنور

۱۰۸۰ ماده

مستعملینک استعمالیه مختلف اولان ملک مشترکدن انتفاعه  
غایبک دلالة رضاسی بولنه ماز

بناء علیه مشترک البسه صاحبزندان بری دیکرک غیابنده  
تابس ایده مز

و کذا بریسی دیکرینک غیابنده بینلرنده مشترک اولان  
بار کیره بنده مز

اما یوک طاشیق و چفت سورمک کبی مستعملینک اختلافیه  
مختلف اولیمان ایشرده حصه سی قدر استعمال ایده بیلور

نته کیم متشار کردن بری غائب اولدوقده دیکری بیلنلرندہ  
بالاشترک اجیر اولان خدمتکاری کون آشوری استخدام

ایده بیلور

۱۰۸۱ ماده

خانہده سکنی مستعملینک اختلافیه مختلف دکلدن

بناء علیه مناصفة مشترک اولان خانہ صاحبیلرندن بریسی  
غائب اولسه دیکری التی آی ترک ایتک کبی بروجهله انتفاع

ایده بیلور

شو قدر که دائره سی خلقی غلبه لک ایسه مستعملینک  
استعمالیه مختلف قبیلندن اولور و بوندہ غائبک دلالة

رضایی بولنماز

۱۰۸۲ ماده

حاضر و غائبک خانہ مشترکده حصه لری یکدیگردن مفرز  
ایسه حاضر اولان کیمسه غائبک حصه سنده ساکن

اوله ماز لیکن بوش طور مغله خراب اولسندن خوف  
اولنور ایسه حاکم اول حصه مفرزه بی ایجار ایله اجرتنی

غائب ایچون حفظ و توقیف ایلر

۱۰۸۳ ماده

مهایاة انجق بعد الخصومه جاری و معتبر اولور

بناء علیه بر مشترک خانہده صاحبیلرندن بریسی نیکرینک

حصه سی ایچون اجرت ویر مکسزین بر مدت مستقلا ساکن اولدقده دیکری یا اول مدت ایچون بنم حصه مک اجرتنی ویر . و یا خود بن اولقدر مدت ساکن اولورم دیه میوب انجق دیلر سه خانه قابل قسمت اولدیغی تقدیرده تقسیم و دیلر سه اندن صکره معتبر اولق اوزره مه ایآة ایتدیرر

فقط مشترک خانه صاحب لرندن بری غائب اولوبده دیکری ماده آنفده بیان اولندیغی اوزره بر مدت انده ساکن اولسه غائب دخی کلدکده او قدر مدت انده ساکن اوله بیلور

ماده ۱۰۸۴

خانه مشترکی صاحب لرندن حاضر اولان کیمسه ایجار و اجرتندن کندی حصه سنی الوب غائب حصه سنی حفظ و توقیف ایتسه جائز اولور . و غائب کلدکده حصه سنی اندن الور

ماده ۱۰۸۵

مشترک اراضی صاحب لرندن بری غائب اولدقده زراعتک نقصان ارضی موجب اولیوب ارضه نافع اوله جنجی معلوم اولور ایسه حاضر اولان مشارکی اول اراضینک تمامی زراعت ایده بیلور . و نقدر مدت زراعت ایدر سه

غائب دخی کلدکده اول فدر اراضی بی زراعت ایلر  
 واکر زراعتک نقصان ارضی موجب وترکی نافع وارضک  
 قوتلشمسنی مؤدی اوله جنجی معلوم اولورسه اول اراضینک  
 زراعتنه غائبک دلالة اذن بولتماز . بناءعلیه حاضر اولان  
 مشارکی اول اراضیدن یالکز کنندی حصه سی مقدارینی  
 مثلا مناصفة مشترک ایسه نصفنی زراعت ایلر . وسنه  
 آتیده تکرار زراعت ایده جک اولورسه ینه اول نصفنی  
 زراعت ایدوب یوخسه بر سنه بر طرفنی و دیگر سنه  
 دیگر طرفنی زراعت ایده مز واکر اول اراضینک  
 تمامی زراعت ایدرسه غائب کلدکده ! کاقصان ارضدن  
 حصه سنی تضمین ایتدیره بیلور

تفصیلات سابقه حاضرک حاکمه مراجعت ایتدیکی تقدیرده  
 در . اما حاکمه مراجعت ایتدکده هر حالده عشریا خراج  
 اراضی ضایع اولماقی ایچون اول اراضینک تمامی  
 زراعت ایتک اوزره حاکم اکاذن ویرر . و بوتقدیرجه  
 غائب کلدکده نقصان ارض دعواسی ایده مز  
 ماده ۱۰۸۶

مشترک باغ صاحب لرنندن بری غائب اولدقده دیگرکی باغک  
 اوزرنده قائم اولوب میوه حصوله کلدکده کنندی  
 حصه سنی اخذ و استهلاك ایدر



غائبك حصه سنی دخی صاتوب ثمنی توفیف ایده بیلور .  
 فقط غائب کلد کده مخیردر . دیلر سه اول بیعی مجیز اولور  
 و موقوف اولان ثمنی الور . و دیلر سه مجیز اولیوب  
 حصه سنی اکا تضمین ایتدیرر

۱۰۸۷ ماده

مشار کلدن برینک حصه سی دیکرینک یدنده و دیعه  
 حکمنده در

بنا علیه بریسی خود بخود مال مشترکی آخره ایداع ایدوبده  
 اول مال تلف اولسه مشارکنک حصه سنی ضامن اولور  
 (۷۹۰) ماده یه باق

۱۰۸۸ ماده

حصه دارلدن بری حصه سنی دیلر سه مشارکنه صاتار .  
 و دیلر سه مشارکندن اذن المقسزین آخر کسنه یه دخی  
 صاته بیلور (۲۱۵) ماده یه باق

فقط فصل اولده بیان اولنان خلط و اختلاط اموال  
 صورتلرنده بری مشارکنک اذنی اولدجه مخلوط  
 یا مختلط اولان مال مشترکده کی حصه سنی بشقه کسنه یه  
 صاته مز

۱۰۸۹ ماده

موروث اولان اراضیده ورثه دن بعضیمی مشترک اولان

تخمی دیکر لرینک یا خود صغیر ایسه لر و صیلرینک اذنیله  
اکسه حاصلاتی جمله سنک بیننده مشترک اولور  
واکر ایچلرندن بریسی کندی تخمی اکسه حاصلاتی  
انکدر . فقط زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضدن سائر  
ورثه نك حصه سنی ضامن اولور

( ۹۰۷ ) ماده یه باق

۱۰۹۰ ماده

ورثه دن بری دیکر لرینک اذنی اولمقسزین قبل القسیمه  
ترکه دن بر مقدار پاره اخذ و اعمال ایسه ضرری کند و سنه  
حائذ اولدیغی کبی کار ایتدیگی صورتده دخی ورثه اندن  
حصه الهاماز

( فصل ثالث )

( دیون مشترکه بیاننده در )

۱۰۹۱ ماده

ایکی یا زیاده کیمسه لرك برکسنه ذمتنده اولان الاجقلمری  
سبب واحددن ناشی ایسه ایکیسی بیننده شرکت ملک  
ایله مشترک بر دین اولور . و اکر سبب متحد اولماز ایسه  
دین دخی مشترک اولماز . نه کیم مواد آتیه دن متضح  
و مستبان اولور

۱۰۹۲ ماده

متوفانك اعيان متروكسى وارثلىر بيننده حصه لرينه كوره  
مشترك اولديغى كېي آخرك ذمتنده اولان اله جغى دخى  
كذلك وارثلىر بيننده حصه لرينه كوره مشـترك اولور

۱۰۹۳ ماده

مال مشتركى اتلاف ايند كسنه نك ضمانا دينى اولان مبلغ  
اول مالك صاحبلرى بيننده مشترك اولور

۱۰۹۴ ماده

ايكى كشى بيننده مشترك اولان شوقدر غروشى بر كسنه يه  
اقراض ايتسه لر مستقرضك اشبو دينى اول ايكى كشى  
بيننده مشترك اولور

اما ايكى كشى بر كسنه يه بشقه بشقه آچه اقراض ايتسه لر  
هر برى بشقه بشقه اله جقلو اولوب مستقرضك بودينلىرى  
ايكيسى بيننده مشترك اولماز

۱۰۹۵ ماده

صفقه واحده ايله بر مال مشترك صايلوبوده صاحبلرندن  
هيچ بر ينك حصه سى حين بعهده ذكرو تسميه اولنسه  
بوندن طولايى مشترى ذمتنده اولان اله جقلرى دين  
مشترك اولور

واكر حين بعهده هر بر ينك ثمن مبعده اولان حصه سنك

مقداری یا خود نوعی تسمیه و تعیین قلنسسه مثلا برینک  
 حصه سی شو قدر و دیگرینک حصه سی بو قدر غروش  
 یا خود برینک حصه سی مسکوکات خالصه و دیگرینک  
 حصه سی مسکوکات مغشوشه دیو حصه لری تفریق و  
 تمیز اولنسه با یعلر ثمن مبیعه متشارک اولیوب هر بری  
 بشقه بشقه الاجقلو اولور

کذلک بریسی حصه شایعه سنی برکسنه یه صاندقدنصره  
 دیگرى دخی حصه شایعه سنی ابروجه اوله رق ینه اول  
 کسنه یه صاندسه ثمن مبیعه متشارک اولیوب هر بری  
 بشقه بشقه الاجقلو اولور

۱۰۹۶ ماده

ایکی کشی برمالنی نصفه و احده ایله برکسنه یه صاندسه لر  
 مثلا برینک برآتی و دیگرینک برقصراغی اولوبده ایکیسی  
 برلکده اوله رق شو قدر غروش بیع ایتسه لر مبلغ مزبور  
 با یعلر بینده مشترک براله جق اولور

و اگر هر بری کندو حیواننه شو قدر غروش دیو تسمیه  
 ثمن ایلسه هر بری بشقه بشقه الاجقلو اولوب حیوانلرک  
 مجموع اثمانی دین ایله مشترک اولماز. کذلک ایکی کشی  
 برکسنه یه بشته بشته بر مال صاندسه لر مبیعلرک اثمانی

دين مشترك اوليوب هر برى بشقه بشقه الاجقلو  
اولور

ماده ۱۰۹۷

ايكى كشى كفالتلى حسيبه بر كسنه نك بورجنى تأديه  
ايتد كلرنده اكر بينلرنده مشترك اولان مالدن وير مشلر  
ايسه مكفول عنده اولان الاجقلرى دين مشترك اولور  
ماده ۱۰۹۸

بر كيسه شو قدر غروش دينى ادا ايتك اوزره ايكى  
كشى به امر ايدوبده انلر دخى تأديه ايتد كلرنده اكر  
بينلرنده كى مال مشتركدن وير مشلر ايسه اول كيسه ده  
اولان الاجقلرى بر دين مشترك اولور  
واكرويرد كلرى آچه بينلرنده مشترك اوليوبده هر برينك  
حصه سى حقيقه متميز ايسه مجرد برلكده ادا ايتمش اولملىبه  
اول كيسه ده اولان الاجقلرى دين مشترك اولماز  
ماده ۱۰۹۹

دين مشترك دكل ايسه دانلرندن هر برى اله جغنى مديوندن  
بشقه بشقه طلب واستيفا ايلر . وهر بريسى هر نه قبض  
ايدرسه كندى اله جغنه محسوب ايدر . دان ديكراندىن  
حصه اله ماز

۱۱۰۰ ماده

دين مشترك ايسه دانلردن هر برى كندى حصه سنى  
مديوندن طلب ايده بيلور و برى مك غيا بنده دانن ديكر حاكمه  
مراجعت ايله حصه سنى مديوندن طلب ايتد كده و يرمى  
ايچون حاكم طرفندن امر اولنور

۱۱۰۱ ماده

دين مشترك دانلردن هر نه قبض ايدرسه ديكر ايله  
ينلرنده مشترك اولور . و مشاركى اندن حصه سنى  
الور . قابض انى يالكز كندى حصه سنه محسوب ايده من  
۱۱۰۲ ماده

دانلردن برى دين مشترك دن حصه سنى الوبده صرف  
واستهلاك ايتسه مشاركى اكا حصه سنى تضمين ايتديره بيلور  
مثلا ايكي كشي بيننده مناصفة مشترك اولان بيك غروش  
اله جقدن بريسي حصه سنى اولان بش يوز غروشى مديوندن  
اخذ و قبض ايله صرف و استهلاك ايتسه مشاركى اولان  
دانن ديكر اكا ايكي يوز اللى غروشى تضمين ايتديره بيلور  
و بو حالده مديونك ذمتنده قالان بش يوز غروش ينه  
ايكىسى بيننده مشترك اولور

۱۱۰۳ ماده

دانن مشاركاردن برى دين مشترك دن برشى قبض ايتجوب

فقط حصه سنه بدل مديوندن بر متاع اشترا ايلسه دائن  
ديكر اول متاعده مشارك اولماز فقط متاعك ثمنندن كندى  
حصه سنى اكا تضمين ايتديره بيلور . و اكر اشتراك اوزره  
اتفاق ايدر لسه او متاع بيلرنده مشترك اولور  
۱۱۰۴ ماده

دائن مشاركاردن برى دين مشتر كده كى حقتدن مثلا  
شو قدر طوپ بز اوزرينه مديون ايله صلح اوله رق او  
قدر طوپ بزى قبض ايتسه مخير اولور . ديلر سه الديغى  
بزلردن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن مقدارى  
اكا تسليم ايدر . و ديلر سه واز چكش اولديغى  
حقتدن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن مقدار مبلغى  
اكا ويرر

۱۱۰۵ ماده

دائردن برى بروجه بالا كرك دين مشتركلان بر مقدارينى  
يا تمامنى قبض ايتسون و كرك كندى حصه سنه بدل مال  
اشترا ايلسون و كرك اله جنجى مقابله نده بر مال اوزرينه  
مديون ايله صلح اولسون دائن ديكر هر صورتده مخير  
اولور . ديلر سه مشاركنك بو معامله سنى مجيز اولور .  
و مواد آفنده بيان اولنديغى اوزره حصه سنى اندن  
الور . و ديلر سه مجيز اوليوب حصه سنى مديوندن استر

وا کر می‌یونده اله جغی بانارسه دائن قابضه رجوع ایدر .  
 مقدا مجیز اولماسی مانع رجوع اولماز

۱۱۰۶ ماده

دائردن بری دین مشترکده اولان حصه سنی می‌یوندن  
 الو بده یدنده قضارا تلف اولسه مشارکنک بو مقبوضده  
 اولان حصه سنی ضامن اولماز . فقط کندوسی حصه سنی  
 استیفا ایتیش اولور . می‌یونده قلان اله جق دخی مشارکنه  
 عائد اولور

۱۱۰۷ ماده

دائردن بری دین مشترکده کی حصه سنه بدل می‌یونی  
 اجرت ایله استخدام ایلسه دیگرکی اجرتدن کندی  
 حصه سنه اصابت ایدن مقداری اکا تضمین ایتیره ییلور

۱۱۰۸ ماده

دائن مشارککردن بری کندی حصه سی ایچون می‌یوندن  
 رهنی الو بده یدنده رهن تلف اولسه مشارکی اندن  
 حصه سنه دوشن مقداری تضمین ایتیره ییلور

مناصفة مشترك اولان ديك مقداری بيك غروش  
 اولوبده دائردن بری کندی حصه سی ایچون بشیوز  
 غروشلق بر رهن السه و یدنده بو رهن تلف اولسه  
 دین مشترکک نصفی ساقط اوله جغندن دائن دیگر کندی



حصه سمنه عاٲه اولان ايكينوز اللى غروشى اكا تضمين  
ايتديره بيلور

۱۱۰۹ ماده

دانلردن برى دين مشتركده كى حصه سنى ايجون مديوندىن  
كفيل الديغى و ياخود حصه سنى بر كسمنه اوزرينه  
حواله ايتديرديكى صورتده كفيلدىن ياخود محال عليهدىن  
اخذ و قبض ايلديكى مبلغده دانن ديكر اكا مشارك  
اولور

۱۱۱۰ ماده

دانلردن برى دين مشتركده كى حصه سنى مديونه هبه  
ياخود مديونك ذمتنى اندن ابرا ايلسه هبه سنى يا ابراسى  
صحیح اولور . و بوندن طولايى مشاركنك حصه سنى  
ضامن اولماز

۱۱۱۱ ماده

برى دين مشتركده متشارك اولان دانلردن برى مديونك  
مالنى اتلاف ايدوبده ضمانانك الاجفنه تقاص اولسه  
مشاركى اندن حصه سنى اله بيلور

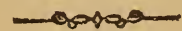
فقط دين مشتركك ثبوتندن مقدم اولان بر سبيله دانلردن  
برينك مديونه دينى اولوبده دين مشتركده كى حصه سبيله  
تقاص اولسه مشاركى اكا حصه سنى تضمين ايتديره من

ماده ۱۱۱۲

دائسردن بری دیکرینک اذنی اولقسزین دین مشترکی  
تأجیل و تأخیر ایده مز  
( لاحقہ )

ماده ۱۱۱۳

بر کیمسه ایکی کشی یه بر مال صائسه هر برندن حصه سنی  
بشقه بشقه مطالبه ایدر مشتریلر یکدیگره کفیل اولدجه  
بر ینک بورجی دیکرندن مطالبه اولنه ماز



( باب ثانی )

( قسمت بیانده اولوب طقوز فصلی مشتملدر )

( فصل اول )

( قسمتک تعریف و تقسیمی حقنده در )

ماده ۱۱۱۴

قسمت . حصه شایعه یی تعیین ایتمکدر  
یعنی کیل و وزن و ذراع کی بر مقیاس ایله حصه لری  
یکدیگردن تمیز و افراز ایلمکدر

ماده ۱۱۱۵

قسمت ایکی وجهله اولور . شو یله که یا اعیان مشترکه

یعنی متعدد و مشترك شیلر قسمله بولنهرك هر فردنده شایع اولان حصه لر برر قسمنده جمع ایدلش اولور . اوچ کشی بیننده مشترك اولان او توز قیونی اوز اوز اوچه تقسیم کبی بوکا قسمت جمع دینلور . یاخود برعین مشترك تقسیم اولنوب هر جزئنده شایع اولان حصه لر برر قسمنده تعین ایدر . بر عرصه نك ایکی به تقسیمی کبی . بوکا قسمت تفریق و قسمت فرد دینلور

۱۱۱۶ ماده

قسمت بر جهته افراز و بر جهته مبادله در مثلا ایکی کیمسه بیننده مناصفة مشترك اولان بر کیله بغدادیک هر حبه سنده هر برینك نصف حصه سی اولدیغی حالده مجموعی قسمت جمع قبیلندن اوله رق ایکی قسمه تقسیم ایله بر قسمی برینه و دیگر قسمی دیگرینه ویرلدکده هر بری کندوسنك نصف حصه سی افراز و نصف دیگرینی آخرک نصف حصه سیله مبادله ایتش اولور کذلک ایکی کشی بیننده مناصفة مشترك اولان بر عرصه نك هر جزئنده هر برینك نصف حصه سی اولدیغی حالده قسمت تفریق ایله ایکی به تقسیم اوله رق هر برینه برر قسمی ویرلدکده هر بری کندو نصف حصه سی افراز و نصف دیگرینی آخرک نصف حصه سیله مبادله ایتش اولور

۱۱۱۷ ماده

مثلیاتده افراز جهتی راجحدر

بناء علیه مثلیات مشترکده متشارك اولنلردن هربری  
 دیگرینک غیابنده وانک اذنی اولقسزین کندی حصه سنی  
 اخذ ایده بیلور . فقط غائبک حصه سی کندوسنه تسلیم  
 اولند قجه قسمت تمام اولماز . و قبل التسیم غائبک حصه سی  
 تلف اولسه مشارکنک قبض ایلش اولدیغی حصه یینلرنده  
 مشترک اولور

۱۱۱۸ ماده

قیمیاتده مبادلہ جهتی راجحدر . مبادلہ ایسه تراضی  
 یاخود حکم قاضی ایله اوله بیلور

بناء علیه مثلیاتدن اولیمان اعیان مشترکده متشارك اولنلردن  
 بریسی آخرک غیابنده وانک اذنی اولقسزین کندی حصه سنی  
 اخذ ایده من

۱۱۱۹ ماده

مکیلات و موزونات ایله جوز و یمورطه کبی عددیات  
 متقاربه هب مثلیاتدر فقط ال ایشی اولان او انی کبی  
 اختلاف صنعت حسبیه مختلف و متفاوت اولان موزونات  
 قییدر

ورده ارپه ایله قاریشقی بغدادی کبی خلاف جنسمیله یکدیگردن

تمیز و تفریق اولنه میه جق صورتده مخلوط اولان مثلی  
قیمتنددر

ذرعیات دخی قئیدر فقط برجنس چوقه وقابریقه  
معمولاتی اولان بزله کبی افرادی بیننده تفاوت اولیوبده  
ذراعی شو قدر غروشه دیو صائیلان ذرعیات مثلیدر  
حیوانات ایله قاون وقارپوز کبی افرادی بیننده قیمتجه  
تفاوت بولسان عددیات متفاوته قیمتنددر

یازمه کتابله قیمی وباصمه کتابله مثلیدر  
ماده ۱۱۲۰

قسمت جمع ایله قسمت تفریقندن هربری ایکی نوعه تقسیم  
اولنور • نوع اول قسمت رضا • ونوغ ثانی قسمت  
قضادر

ماده ۱۱۲۱

قسمت رضا • متقاسمینک یعنی ملک مشترک صاحبله  
رضایله اجرا اولنان قسمتدر که بالتراضی بیلنلنده تقسیم  
ایدرلر یاخود جمله سنک رضایله حاکم تقسیم ایلر

ماده ۱۱۲۲

قسمت قضا • مقسوم له اولنلردن یعنی ملک مشترک  
صاحبله نندن بعضیسنک طلبی اوزرینه قاضینک جبراً حکماً  
تقسیمیدر

## ( فصل ثانی )

## ( شرائط قسمت بیانده در )

ماده ۱۱۴۳

مقسومك عين اولسى شرطدر . بناء عليه دين مشترك  
 قبل القبض تقسیمی صحیح اولماز  
 مثلا متوفانك متعدد كسندلر ذمتنده اله جغی اولوبده  
 فلانده اولان اله جغی فلان وارثك وفلانده اولان اله جغی  
 فلان وارثك اولوق اوزره تقسیم اولنسه صحیح اولماز .  
 وبوصورتده وارثلردن بری نه تحصیل ایدرسسه وارث  
 دیگر اكا مشارك اولور ( باب اولك فصل ثالثه باقی )

ماده ۱۱۴۴

حصه لر تمیز و افراز اولنمدقچه قسمت صحیح اولماز  
 مثلا مشترك بریغین بغدادی صاحبلردن بری دیگرینه سن  
 یغنك شو طرفنی ال بو طرفنی بنم اولسون دیسه تقسیم  
 اولنمش اولماز

ماده ۱۱۴۵

مقسوم حین قسمتمده مشاركلك ملكی اولوق شرطدر  
 بناء عليه بعد القسمة مقسومك مجموعنه بری مستحق چیقسه  
 قسمت باطل اولور

و کذا مقسومك نصف وثلث کبی بر جزء شایعنه مستحق  
چیقسه قسمت باطل اولوب مقسومك تکرار تقسیمی  
لازم کلور

کذلک بر حصه نك مجموعنه مستحق چیقسه قسمت باطل  
اولوب حصه باقیه حصه دار لر بیننده مشترک اولور  
واکریالکز بر حصه نك بر مقدار معینده یا خود بر جزء شایعنه  
مستحق چیقسه اول حصه صاحبی مخیر در .

دیلسه قسمتی فسخ ایدر . و دیلسه فسخ ایتیموب مقدار  
نقصانیه دیگر حصه داره رجوع ایدر

مثلا یوز آلتش ارشون بر عرصه مناصفة ایکی به تقسیم  
اولندقدن صکره بر حصه نك نصفنه بری مستحق چیقسه  
اول حصه صاحبی دیلسه قسمتی فسخ ایدر و دیلسه  
حصه سنک ربعیله مشارکنه رجوع ایدر یعنی انک حصه سنک  
یکرمی ارشون محلی اولور و هر حصه نك بر مقدار معینده  
مستحق چیقدیغی تقدیرده اکر مساوات اوزره ایسه قسمت  
فسخ اولنماز . و اکر بریککی از و بریککی چوق ایسه  
انجق مقدار زیاده به اعتبار اولور . و یالکز برینک  
حصه نك بر مقدار معینده مستحق چیقشمش کبی اولور  
و زیاده کیمک حصه سنه اصابت ایتش ایسه بوجه بالا

مخیر اولوب دیلر سه قسمتی فسخ ایدر . و دیلر سه  
مقدار نقصانیه مشار کنه رجوع ایلر .

۱۱۲۶ ماده

قسمت فضولی . قولاً یا خود فعلاً اجازته موقوف اولور  
متلا بری مال مشترکی خود بخود تقسیم ایتسه جائز و نافذ  
اولماز . فقط صاحببری پک اعلا دیو قولاً اجازت و یرسه  
یا خود حصه مفزهر لنده تصرف املاک ایله یعنی بیع و  
ایجار کبی تملک لوازمندن اولان بر وجهله تصرف  
ایتسه لر قسمت صحیح و نافذ اولور

۱۱۲۷ ماده

قسمتک عادلانه اولسی یعنی حصه لر استحقاق لینه کوره  
تعديل اولنه رق بریسنده نقصان فاحش اولماسی لازمدر  
بناء علیه قسمته غبن فاحش دعواسی استماع اولنور .  
فقط مقسوم له اولنلر استیفای حق ایلد کربینی اقرار  
ایتد کدنصکره غبن فاحش دعواسی ایدر لر سه استماع  
اولنماز

۱۱۲۸ ماده

قسمت رضاده متقاسمیدن هر برینک رضاسی شرطدر  
بناء علیه بریسی غائب اولسه قسمت رضا صحیح اولماز .  
و ایچ لنده صغیر وار ایتسه و ایلمی یا خود و صیدی انک



مقامه قائم اولور . واکر ولیسی یاخود وصیسی یوق  
ایسه حاکم امرینه موقوف اولور و حاکم طرفندن بر  
وصی نصب اولندرق انک معرفتیه تقسیم اولنور  
۱۱۲۹ ماده

قسمت قضاده طلب شرطدر . حصه دارلرک بریسی  
طرفندن اولسون طلب واقع اولدجه حاکم طرفندن  
جبراً قسمت صحیح اولماز  
۱۱۳۰ ماده

حصه دارلردن بعضیمی قسمت استیو بده بعضیمی امتناع  
ایتدیکی تقدیرده فصل ثالث و فصل رابعده بیان اولنده جغنی  
وجهله مال مشترک اکر قابل قسمت ایسه حاکم آنی  
جبراً تقسیم ایلر . دکل ایسه تقسیم انلر  
۱۱۳۱ ماده

قابل قست . تقسیمه صالح اولان مال مشترکدر .  
شویله که اول مالدن مقصود اولان منفعت قسمت ایله  
فوت اولیه

## ( فصل ثالث )

## ( قسمت جمع بیانده در )

ماده ۱۱۳۲

متحد الجنس اولان اعیان مشترکه ده قسمت قضا جاری  
اولور

یعنی مشارک کردن یا لکز بعضیسنک طلبی اوزینه حاکم  
انلری حکما تقسیم ایلر . کرک مثلیاتدن اولسون و کرک  
قیمیاتدن اولسون

ماده ۱۱۳۳

متحد الجنس اولان مثلیاتک افرادی بینده فرقی و تفاوت  
اولدیغندن قسمتی مشارک کردن هیچ برینه مضر اولدقدن  
بشقه هر بری حقنی المش و هر برینک تمامیت ملکی  
حصوله کلمش اولور

نه تیم ایکی کشی بینده مشترک اولان بر مقدار بغدادی  
حصه لرینه کوره تقسیم اولندقدده هر بری حقنی استیفا  
ایدرک حصه ننه اصابت ایدن بغدایه مستقلاً مالک  
اولور . شو قدر درهم النون کلچیه و بو قدر قیه  
کوش یا باقر و یا تیمور کلچیه و برجنسدن اولان شو قدر  
باستال چورقه و بو قدر طوپ بزوشو قدر عددیمورطه  
دخی بو قیلدن در

۱۱۳۴ ماده

متحد الجنس اولان قيميائك افرادى بيننده فرق و تفاوت وار ايسه ده پك جرئى اولقى حسبيله يوق حكمنده اولديغندن بونلر دخی بروجہ بالا قابل قسمت عداولتمشدر مثلا ايكي كشي بيننده مشترك اولان بشيوز قيون حصدرينه كوره ايكي به تقسيم اولندوقده هر برى حقى عينيله اتمش كبي اولور .

شو قدر يوز دوه و بوقدر يوز اينك دخی بو قبيلنددر

۱۱۳۵ ماده

اجناس مختلفه ده يعنى مختلف الجنس اولان اعيان مشتركه ده قسمت قضا جارى اولماز . كرك مثلياندر اولسون و كرك قيميائندن اولسون يعنى مشاركلردن يالكلز برينك طلبى اوزرينه حاكم انلرى جبراً قسمت جمع ايله تقسيم ايده مز

مثلا حصه دارلردن برينه شو قدر كيله بغدادى و اكا مقابل ديكرينه بوقدر كيله ارپه يا خود برينه شو قدر قيون و اكا مقابل ديكرينه بوقدر دوه يا اينك و برينه بر قليج و ديكرينه براكر طاقى و برينه بر قوناق و ديكرينه بردكان يا برچفتلك اعطاسيله قسمت قضا جائز اولماز .

اما کندیلری راضی اولدقلری طالده وجه مشروح  
اوزره قسمت رضا جائز اولور  
ماده ۱۱۳۶

اختلاف صنعت حسیله مختلف اولان اوانی ولوکه بر  
جنس معدن مصنوع اولسه بيله مختلف الجنس عد  
اولنور

ماده ۱۱۳۷

جلیات و بیوک اینجو و جواهر دخی مختلف الجنس اولان  
اعیاندر

اما افرادی بینده قیمته تفاوت اولیان اوفق اینجولر  
و صایی طاشی دنیلان خرده الماسلر کبی جواهر صغیره  
متحد الجنس عد اولنور

ماده ۱۱۳۸

تمدد قوناقلر و دکانلر و چفتلکلر دخی مختلف الجنس  
اولوب قسمت جمع ایله تقسیم اولنمازلر

مثلا متعدد قوناقلردن بری مشارکلردن برینه و دیگری  
دیگرینه اعطا ایله قسمت قضا جائز اولوب بونلرک هر بری  
بروجه آتی قسمت تفریق ایله تقسیم اولنه بیلور

## ( فصل رابع )

## ( قسمت تفریق بیانده در )

۱۱۳۹ ماده

بر عین مشترک تفریق و تبعیضی صاحب‌لرندن هیچ برینه  
مضر دکل ایسه قابل قسمتدر

مثلا بر عرصه تقسیم اولندقدده هر قسمده ابنیه یاپاور .  
واغاج دیکیلور . و قیو قازیلور . بوجهتله عرصه دن  
مقصود اولان منفعت باقی اولور

کندک برقوناغک سلاملق و حرم دائره لری بشقه بشقه  
بر منزل اولمق اوزره تفریق تقسیم اولندقدده قوناقدن  
مقصود اولان سکنی منفعتی فوت اولماز . و مشارکاردن  
هربری مستقلاً بر منزل صاحبی اولور  
بناء علیه کرک عرصه ده و کرک قوناقدده قسمت قضا جاری  
اولور

یعنی صاحب‌لرندن بری قسمت ایستیوبده دیکیری امتناع  
ایلسه حا کم انلری جبراً تقسیم ایلر

۱۱۴۰ ماده

بر عین مشترک تفریق و تبعیضی صاحب‌لرندن برینه نافع  
و دیکرینه مضر یعنی منفعت مقصوده سنی نفوت اولوبده

نفعی اولان کیمسه قسمت ایسترایسه کذلک حاکم آنی  
حکماً تقسیم ایلر

مثلاً مشترک برخانه ده مشارک اولنلردن برینک حصه سی  
از اولوبده بعدالتقسیم انده سکنی ایله انتفاع اولنه میه جق  
اولدیغی حالده حصه سی چوق اولان مشارکی قسمت  
ایسترایسه حاکم انی قضاء تقسیم ایلر

۱۱۴۱ ماده

تفریق و تبعیضی صاحب لردن هر برینه مضر اولان برهین  
مشترکده قسمت قضا جاری اولماز

مثلاً بردکرمن تقسیم اولنسه ارتق دکرمن اوله رق استعمال  
اولنه مز بوجه تله منفعت مقصوده فوت اولور . بناء علیه  
مشارکلرندن یا لکز برینک طلبی اوزرینه حاکم آنی تقسیم  
ایده مز . اما بالتراضی تقسیم اولنور . جام وقوبی  
وقنات و کچوک او طه و ایکی خانه ارسنده کی حائط دخی  
بویله در . بر حیوان ایله بر عربه و بر اکر و برجبه و بر  
یوزک طاشی کبی یارمغه و قیرمغه محتاج اولان عروض  
دخی بوقبیلندندر که هیچ برنده قسمت قضا جاری اولماز

۱۱۴۲ ماده

بر مشترک کتباک تقسیم اوراقی جاژ اولدیغی کبی متعدد

جلد لره منقسم اولان بر کتابک جلد بجلد تقسیمی دخی جائز  
اولماز

۱۱۴۳ ماده

ایکی یا خود زیاده کیمسه لر بیننده مشترک اولوبده بشقه سنک  
اصلا دخوله حتی اولیمان طریقک بری قسمتنی ایستیوبده  
دیگری امتناع ایتدیکی تقدیرده نظر اولنور . ا کر  
بعداقسمه هر برینه بر طریق قاله جق اولور ایسه تقسیم  
اولنور

والا قسمته جبر اولتماز . مکرکه هر برینک بشقه بشقه  
طریق و منفذی اوله . اول حالده ینسه تقسیم اولنور  
۱۱۴۴ ماده

مسئل مشترک دخی طریق مشترک کبیرکه بری قسمت  
ایستیوبده دیگری امتناع ایتدیکی تقدیرده ا کر بعداقسمه  
هر برینه صوینی آقیده جق قدر بر قالورسه یا خود مسئل  
اتخاذ ایده جک بشقه بری وار ایسه تقسیم اولنور . والا  
تقسیم اولتماز

۱۱۴۵ ماده

بر کیمسه حق مروری باقی اولوق اوزره ملکی اولان طریق  
صاته بیلدیکی کبی ایکی کشی بیننده مشترک اولان بر عمارک  
تقسیمنده طریق مشترک رقبه سی یعنی مالکیتی برنده قالمق

و دیگرینک یالکز حق مروری اولق اوزره قسمت دخی

جائز اولور

ماده ۱۱۴۶

برخانہنک تقسیمده ایکی حصه اره سندکی حائط حصه دارلر

بینده مشترک اوله رق براغلق جائز اولدیغی کبی یالکز

برینک ملکی اولق اوزره قسمت دخی جائز اولور

( فصل خامس )

( کیفیت قسمت بیانده در )

ماده ۱۱۴۷

مال مشترک اگر مایلاتدن ایسه کیل ایله و موزونادن

ایسه وزن ایله و عددیاتدن ایسه عدد ایله و ذرعیاتدن

ایسه ذراع ایله تقسیم اولنور

ماده ۱۱۴۸

عرصه و اراضی ذرعیاتدن اولدقلرینه مبنی ذراع ایله

تقسیم اولنور

اما اوزرلرنده کی اشجار و ابذیه تقدیر قیمت ایله تقسیم

قلنورلر

ماده ۱۱۴۹

برقوناغک تقسیمده بر حصه نک ابذیه سی دیگر حصه نک



ابنیه منہ نسبتہ دہا قیمتلو اولدیغی تقدیرده ممکن  
ایسه دیگر حصه یه عرصه دن قیمتجه اکا معادل  
اوله جق قدر فضله یر و یریلور دکل ایسه اکا مقابل  
نقود علاوه ایدیلور

۱۱۵۰ ماده

ایکی ککشی بیننده مشترک برخانه نک فوقانیسی برینه  
وتختانیسی دیگرینه اعطا اولنمق اوزره قسمتی مراد  
اولندقدہ کرک فوقانی و کرک تختانی تقویم اولنهرق قیمت  
اعتبار یله تقسیم اولنور

۱۱۵۱ ماده

برقوناق تقسیم اولنہ جق اولدقدہ قسام اولان کیمسه  
ابتدائی کاغد اوزرنده تصویر و عرصه سنی ذراع ایله  
مساحه و ابنیه سنی تقویم و صاحب لرنک حصه لرنه کوره  
تسویه و تعدیل و ممکن ایسه هر حصه یی یکدیگره تعلق  
قلماق اوزره حق طریق و شرب و سبیلی ایله افراز  
و برنجی و ایکنجی و اوچنجی دیو تلیب ایتلی و بعده  
قرعه چکمیلیدر . برنجی ابتدا اسمی چیقانک و ایکنجی  
ثانیا اسمی چیقانک و اوچنجی ثالثا اسمی چیقانک اولور .  
زباده حصه وار ایسه ینه بو ترتیب اوزره یورر

۱۱۵۲ ماده

تکالیف امریه اکر محفاظه نفوذ ایچون ایسه عدد  
رؤس اوزرینه تقسیم اولنوب نسوان و صبیان دقت  
توزیعہ ادخال اولنماز . و اکر محفاظه املاک ایچون  
ایسه مقدار ملک اوزرینه تقسیم اولنور  
زیرا (۸۷) ماده ده مذکور اولدیغی اوزره غرامت  
غنیمته کوره در

( فصل سادس )

( خیارات بیانده در )

۱۱۵۳ ماده

بیعه اولدیغی کبی اجناس مختلفه نك تقسیمده دخی خیار  
شرط و خیار رؤیت و خیار عیب وار در  
مثلا حصه دارلردن بری شو قدر کیله بغدادی واکا مقابل  
دیگری بو قدر کیله ار په یا خود بری شو قدر قیون و  
اکا مقابل دیگری بو قدر اینک آلمق اوزره مال مشترکی  
بالتراصی بیلرلنده تقسیم ایندکلرلنده اکر بریسی شو قدر  
کون مخیر اولمق اوزره شرط اینلش اولسه اول مدت  
ظرفنده دیلرسه قسمتی قبول و دیلرسه فسخ ایدر و اکر  
بریسی هنوز مال مقسومی کور مامش ایسه کوردکده

كذلك مخیر اولور واکر بریسنک حصه سی عییلو چقیسه  
دیلسه قبول و دیلسه رد ایلر

۱۱۵۴ ماده

متحد الجنس اولان قییماتک تقسیمده دخی خیار شرط  
و رؤیت و عیب وار در

مثلا مشترک اولان یوزقیون صاحبلی پیننده حصه لرینه  
کوره تقسیم اولندقده اکر بریسی شو قدر کون مخیر  
اولیق اوزره شرط ایلمش اولسه اول مدت ظرفنده  
قسمتی قبول ایلوب ایتماکه مخیر اولور . واکر هنوز  
قیونلری کور مامش ایسه کوردکده كذلك مخیر اولور .  
واکر بریسنک حصه سنه اصابت ایدن قیونلرک عیب  
قدیمی ظهور ایتمسه كذلك مخیر اولوب دیلسه قبول  
و دیلسه رد ایلر

۱۱۵۵ ماده

متحد الجنس اولان مثلیاتک تقسیمده خیار شرط و رؤیت  
اولیوب فقط خیار عیب واردر

مثلا ایکی کشی پیننده مشترک اولان بریغین بغدادی تقسیم  
اولندقده شو قدر کون مخیر اولیق شرطی معتبر اولماز .  
و بری بغدادی کوز مامش ایسه کوردکده مخیر اولماز .  
اما برینه یغینک اوست طرفندن و دیگرینه الت طرفندن

ویریلوبده الت طرفی چورک چیقسه صاحبی مخیر اولوب  
دیلسه قبول و دیلسه رد ایدر

( فصل شابع )

( قسمتک فسخ و اقاله سی بیاننده در )

ماده ۱۱۵۶

قرعه لر کاملا چکلده کده قسمت تمام اولور

ماده ۱۱۵۷

قسمت تمام اولدوقده ارتقی اندن رجوع اولنه ماز

ماده ۱۱۵۸

اثنای قسمتده مثلا قرعه لرک چوغنی چیقوبده یالکز بری

قالمش اولدیغنی حالده حصه دارلردن بری رجوع ایده جک

اولسه باقیلور ۱۰ کر قسمت رضا ایسه رجوع ایده یلور .

وا کر قسمت قضا ایسه رجوع ایده مز

ماده ۱۱۵۹

بعد القسمه حصه دارلر کندی رضه الیه قسمتی فسخ

واقاله ایدرک مقسومی کافی السابق بینلرنده مشترک ایده یلور لر

ماده ۱۱۶۰

قسمتده غبن فاحش اولدیغنی تبین ایدر ایسه فسخ اولنه رق

تکرار قسمت عادلله ایله تقسیم اولنور

۱۱۶۱ ماده

ترکه نك تقسیمیدن صکره میتک دینی ظهور ایتسه قسمت  
فسخ اولنور

مکرکه ورثه دینی ایفا یاخود دائرله جقلمندن انلری  
ابرا ایدرله ویاخود میتک مقسومدن بشقه مالی اولوبده  
بورج انکله ایفا اولنور ایسه اول حالده قسمت فسخ  
اولنماز

( فصل ثامن )

( احکام قسمت بیانده در )

۱۱۶۲ ماده

حصه دارلردن هر بری بعدالقسمة کندی حصه سنه  
مستقلا مالک اولور . برینک حصه سنده ارتق دیگرینک  
علاقه سی قالماز . و باب ثالثه بیان اولنه جغی و جهله  
هر بریسی کندی حصه سنده کیف مایشاء تصرف ایدر  
حتی ایکی کشی بیننده مشترک بر خانه تقسیم اولنوبده  
برینک حصه سنه ابنیه و دیگرینک حصه سنه عرصه  
خالیه اصابت ایتدیکی صورتده عرصه صاحبی اول  
عرصه ده قوی قازار و کاریر یاپار و ابنیه انشا ایدوب  
دیلدیکی قنبر یوکسک چیقار ابنیه صاحبنک هواسنی  
یاخود کونشی سد ایتسه بیله مانع اوله ماز

۱۱۶۳ ماده

اراضی تقسیمده اشجار و چفتک تقسیمده اشجار ایله  
ابنیه من غیر ذکر داخل اولور . یعنی اشجار و ابنیه  
کیمک حصه سنده بولنور ایسه انک اولور . حین تقسیمده  
ذکر و تصریحه یاخود جمیع حقوقیله و یا جمیع مرقبیله  
دینلک کبی بر تعبیر عمومی ایله ادخاله حاجت یوقدر

۱۱۶۴ ماده

کریک اراضی و کریک چفتک تقسیمده اکین و میوه ذکر  
و تصریح اولنمدجه داخل اولمیوب انلر کماکان مشترک  
اوله رق قالور . حین تقسیمده کریک جمیع حق و قبیله کبی  
بر تعبیر عمومی ایراد اولنسون و کریک اولنسون

۱۱۶۵ ماده

مقسومک اراضی مجاوره ده اولان حق طریق و مسیلی  
هر حالده داخل قسمت اولور . یعنی کیمک حصه سنده  
واقع اولور سه انک حقوقندن اولور . حین قسمته  
کریک جمیع بحقوقیله دینلسون و کریک دینلسون

۱۱۶۶ ماده

حین قسمته بر حصه نک دیگر حصه ده طریق یاخود  
مسیلی اولسی شرط ایدیله و رسه اول شرطه رعایت  
ایدیلور

۱۱۶۷ ماده

بر حصه نك ديكر حصه ده طريق اولوبده حين قسمتده  
 ابقاسی شرط ايدلماش ايسه بشقه طرفه صرف  
 و تحویلی قابل اولدیغی تقدیرده صرف و تحویل اولنور .  
 حين قسمتده كرك جميع حقوقيله دنلسون و كرك دنلسون  
 اما طريقك بشته طرفه صرف و تحویلی قابل اولدیغی  
 تقدیرده باقیلور . اكر حين قسمتده جميع حقوقيله دنلمش  
 ايسه طريق داخل قسمت اوله رق حالی اوزره ابقا  
 اولنور . و اكر جميع حقوقيله كبی بر تعبير عمومی علاوه  
 ارنلماش ايسه قسمت فسخ اولنور

بو خصوصده مسیل دخی عینيله طريق کبدر

۱۱۶۸ ماده

ایکی کشی بینده مشترك بر خانه ده ديكر كسنه نك طريق  
 اولوبده خانه صاحبلری اول خانه بی تقسیم ایده جك  
 اولدقلرنده طريق صاحبی مانع اوله ماز . فقط انلر  
 دخی خانه بی تقسیم ایتدكلرنده طريق حالی اوزره ترك  
 ایدرلر

واوچی بالاتفاق خانه ايله برابر طريقی دخی صاندقلری  
 تقدیرده اكر طريق اوچنك بینده مشترك ايسه ثمن اوچنك  
 بینده تقسیم اولنور

واکر طریقک رقبه سی قوناق صاحبزینک اولوبده اول  
 کسنه نک یالکز حق مروری وار ایسه هر بری حقنی  
 الور

شویله که عرصه بر کره حق مرور ایله وبر کره حق  
 مرور سر تقویم اولنوب ایکی قسمت بینده کی فضله  
 حق مرور صاحبزینک اولور . و باقیسی خانه صاحبزینه  
 مائد اولور

مسیل دخی طریق کبیدر . یعنی بر مشترک خانه ده دیگر  
 کسنه نک حق مسیلی اولسه اول خانه صاحبزین خانه بی  
 تقسیم ایدوب مسیلی حالی اوزره ترک ایدر لر  
 ماده ۱۱۶۹

بر قوناغک حوالیسنده دیگر کسنه نک منزلی اولوبده منزل  
 صاحبی اول حولیدن مرور ایدر اولدیغی حالده قوناق  
 صاحبزین قوناغی تقسیم ایده جک اولدقلرنده منزل صاحبی  
 مانع اوله ماز

فقط انلر قوناغی تقسیم ایدکلرنده منزلک قپوسی عرضنده  
 اکا بر یول ترک ایدر لر  
 ماده ۱۱۷۰

ایکی به تقسیم اولنان بر قوناغک ایکی قسمی ارسنده بر  
 حائط اولوبده بر قسمک دیگر حائطنک اوزرنده کی کیر شلرک



اوجلری اول حائط مشترك اوزرنده بولنديغی صورتده  
اگر حین قسمته اول کیرشترك رفعی شرط ایلمش ایسه  
رفع اولنور . والا رفع اولتماز

ایکی قسم اره سنده کی حائط بر حصه دارک و اوجلری اول  
حائط اوزرینه بندیرلمش اولان کیرشئر دیگر حصه دارک  
ملکی اولق اوزره تقسیم اولنديغی صورتده دخی حکم  
ینه بو وجهله در

۱۱۷۱ ماده

بر قسمده واقع اولان اناج-لرک دالیری دیگر قسمک  
اوزرینه صارقش اولديغی صورتده دخی اگر حین  
قسمته قطعی شرط ایلماش ایسه اول دالیر

کسديريله مز

۱۱۷۲ ماده

بر طریق خاصده ح-ق مروری اولان بر مش-ترك خانه  
تقسیم اولندوقده حصه دارلردن هر بری اول طریق قپو  
و پنجره آچه-بیلور . سائر اصحاب طریق اکا مانع  
اوله ماز

۱۱۷۳ ماده

قابل قسمت اولان بر ملک مشرکده حصه دارلردن بری  
کنندوسیمچون دیگر حصه دارک اذنی اولقسمن بر بنا

یابد قد نص کره دیگر حصه دار قسمت طلب ایتد کده تقسیم  
اول نور

اول بنا بانسنگ حصه سنه اصابت ایدرسه فها . واکر  
دیگر حصه دارك حصه سنه اصابت ایدرسه بو حصه دار  
اول بنایی هدم و رفع ایتدیره بیلور

( فصل تاسع )

( مهائیه بیاننده در )

۱۱۷۴ ماده

مهائیه . قسمت منافعدن عبارتدر

۱۱۷۵ ماده

مثلیاتده مهائیه جاری اولماز

مهائیه اول قیمیاتده جاری اولور که عینلری باقی اوله رق  
انلرله انتفاع ممکن اوله

۱۱۷۶ ماده

مهائیه ایکی نوعدر . نوع اول زمانا مهائیه در

ته کیم ایکی کشی بیننده مش-ترک اراضی بی بر سنه بری  
و دیگر سنه دیگری زراعت ایتک و بر مشترک قوناق  
صاحب لرندن هر بری بالماوبه اول قوناقده برر سنه  
اوتور مق اوزره مهائیه لری کبی

نوع ثانی مکانا مهائیه در

نته کیم ایکی کشی بیننده مشترک اولان اراضینک یاریسنی  
بری و دیگر یاریسنی دیگری زراعت ایتک و مشترک  
قوناغک بر طرفنده بری و دیگر طرفنده دیگری یاخود  
اوست قاتنده بری و االت قاتنده دیگری و مشترک ایکی  
خانهک بریسنده بری و دیگرنده دیگری اوتوروق اوزره  
مهایاه لری کبی

ماده ۱۱۷۷

بر مشترک حیوانی صاحب لری بالمنابیه قوللانق اوزره  
مهاییه جائز اولدیغی کبی ایکی مشترک حیواندن برینی  
بری و دیگرینی قوللانق اوزره مهائیه دخی  
جائز اولور

ماده ۱۱۷۸

زمانا مهائیه بر نوع مبادله در  
شو یله که بر حصه دارک کندو نو بتنده کی حصه منفعتی  
دیگر حصه دارک نو بتنده کی حصه منفعتیه مبادله ایدلمش  
اولور . بوجهتله زمانا مهائیه اجاره حکمنده در  
بناء علی ذلک زمانا مهائیه ده شو قدر کون یاخود شو  
قدر آی کبی بر مدت ذکر و تعیین اولنق لازمدر

۱۱۷۹ ماده

مکانا مہایئہ بر نوع اقرار در

شویکہ کہ ایکی حصہ دارک مثلا بر مشترک قوناقدہ اولان  
منفعتلری شایع یعنی اول قوناغک ہر جزئہ شامل ایکن  
مہایئہ ایلہ برینک منفعتی اول قوناغک بر قطعہ سندنہ  
و دیگرینک منفعتی دیگر قطعہ سندنہ جمع ایدلمش اولور  
بناء علی ذلک مکانا مہایئہ ذکر و تعیین مدت لازم

دکدر

۱۱۸۰ ماده

زمانا مہایئہ بدایت ایچون یعنی حصہ دارلردن  
قنغیسی اول انتفاع ایتک ایچون قرعہ چکلدیکی کبی  
مکانا مہایئہ دخی قرعہ تعیین محل اولنماید

۱۱۸۱ ماده

مشترک و متعدد شیلرک صاحب لردن بری مہایئہ استیوبدہ  
دیگری امتناع ایتدکدہ اگر اول عین مشترک متفق المنفعہ  
ایسہلر مہایئہ جبر اولنور و اگر مختلف المنفعہ ایسہلر  
جبر اولنماز

مثلا ایکی مشترک خانہ دن برندہ بری و دیگرندہ دیگری  
ساکن اولق و ایکی مشترک حیواندن برینی بری  
و دیگرینی دیگری قوللانمق اوزرہ بری مہایئہ استیوبدہ

دیگری امتناع ایلسه مهائیه جبر اولنور . اما بری  
 خانه ده ساکن اولو بده دیگری جامی ایجار اینک یا خود  
 بری خانه ده ساکن اولو بده دیگری اراضی بی زراعت  
 ایتمک اوزره بالتراضی مهائیه جائز ایسه ده بری امتناع  
 ایلسه مهائیه به جبر اولنور

۱۱۸۲ ماده

قابل قسمت اولان مال مشـترك صاحب لرندن بری قسمت  
 و دیگری مهائیه ایستسه قسمت ادعای قبول اولنور  
 و هیچ بریسی قسمت طلبنده اولدیغی حالده بری مهائیه  
 استیو بده دیگری امتناع ایلسه مهائیه جبر اولنور

۱۱۸۳ ماده

قابل قسمت اولیان برعین مشترك صاحب لرندن بری مهائیه  
 استیو بده دیگری امتناع ایلسه مهائیه به جبر اولنور

۱۱۸۴ ماده

سـفینه و دکرمن و قهوه خانه و خان و حمام تبی عمومک  
 اجرتله منتفع اولدیغی عقارات مشـترکه اهله ایجار ایله  
 اجرتی حصه دار لر بینه حصه لرینه کوره تقسیم اولنور  
 و اگر حصه دار لردن بری حصه سنی ایجار دن امتناع ایدر  
 سه مهائیه به جبر اولنور . فقط برینک نو بنده غله سی

یعنی کراسی زیادہ اولورسہ اول زیادہ حصہ دارلر بپنندہ  
تقسیم اولنور

۱۱۸۵ مادہ

حصہ دارلردن هر بری زمانا مہایئہ دن صکرہ کندو  
نو بپنندہ عقار مشترکی ومکانا مہایاہ دن صکرہ کندو  
حصہ سنہ اصابت ایدن قطعہ بی بالذات استعمال  
ایدہ بیلدیکی کبی آخره ایجار ایله کندوسچون اجرتنی اخذ

ایدہ بیلور

۱۱۸۶ مادہ

ابتدا منافع اوزرینہ مہایئہ اولندقدن صکرہ حصہ دارلر  
کندو نو بتلرینی ایجار ایدوبده برینک نو بپنندہ غلہ زیادہ  
اولسہ دیگر حصہ دار اول زیادہ ده مشارک اولماز  
اما ابتدا استغلال ایتمک اوزره مثلا بر مش-ترک خانہ نک  
کراسنی بر آی بری و بر آی دیگر ی المق اوزره مہایئہ  
ایتمہ لر فضلہ سی مشترک اولور

فقط ایکی خانہ دن برینک غلہ سنی بری و دیگرینک غلہ سنی  
دیگری المق اوزره مہایئہ ایتدکلرنده بر خانہ نک غلہ سی  
زیادہ اولسہ دیگر حصہ دار اکا مشارک اولماز

۱۱۸۷ مادہ

اعیان اوزرینہ مہایئہ جائز اولماز

مثلاً مشترک اشجار میوه‌لری و مشترک حیوانلرک سوتی و یوکی اعیاندن اولمغله اشجار مشترکه دن بر مقدار ینک میوه‌سنی مشارک‌لردن بری و دیگر مقدار ینک میوه‌سنی دیگر ی و دیوشرمک و مشترک قیونلرک برسور یسنک سوتینی و یوکی بری و دیگر برسور یسنک سوتینی و یوکی دیگر ی آلمق اوزره مهائیه صحیح اولماز

۱۱۸۸ ماده

حصه دارلر بالتراضی بیلنلرنده مهائیه ایتدکارنده بعده یالکز بریسی آنی فسخ ایده بیلور ایسه ده بری کندی نوبتی آخره ایجار ایش ایسه مدت اجاره منقضی اولدجه دیگر ی مهائیه یی فسخ ایده من

۱۱۸۹ ماده

حکم حاکم ایله اجرا اولنان مهائیه یی حصه دارلردن یالکز بری فسخ ایده من ایسه ده هپسی بالتراضی فسخ ایده بیلور

۱۱۹۰ ماده

حصه دارلردن بری حصه‌سنی صامق یاخود تقسیم اینک مراد ایتدکده مهائیه یی فسخ ایده بیلور اما مجرد مال مشترکی اسکی حالنه اعاده اینک اوزره

بلا سبب مهائیه بی فسخ ایدہ جک اولسہ حاکم اکا

مساعده ایتمز

۱۱۹۱ ماده

حصه دارزدن برینک یاخود هپسنک وقتیلہ مهائیه

باطل اولماز

( باب ثالث )

( حیطان و جیرانه متعلق مسائل بیانده اولوب )

( درت فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( احکام املا که دائر بعض قواعد بیانده در )

۱۱۹۲ ماده

هرکس ملکنده ککیف مایشاء تصرف ایدر • فقط

بشقه سنک حق تعلق ایدر سه مالکی ملکنده استقلال

اوزره تصرفدن منع ایدر

مثلا فوقانیسی برینک و تحتانیسی دیکرک ملکی اولان

ابنیده فوقانی صاحبک تحتانیده حق قراری و تحتانی

صاحبک فوقانیده حق سقفی یعنی کونشدن و باغوردن

تستر و تحفظ حق اولمغله بریسی دیکرک اذنی اولمدجه اکا

مضر اوله بیلہ جک برشی یاپه ماز و کندو بناسنی یقه ماز



۱۱۹۳ ماده

فوقانی ایله تحت-انینک زقاق قپوسی بر اولدیغی حالده  
ایکیسنک صاحبلی اول قپویی مشترک استعمال ایدر لر .  
احد هما آخری دخول و خروجدن منع ایده مز

۱۱۹۴ ماده

کیم که بریره مالک اولورسه مافوقنه و ماتحتنه دخی مالک  
اولور

یعنی ملیکی اولان عرصه ده ایستدیکی ابنیه بی یایمق و دیلدیکی  
قدر چیقماق وزمینی حفریله مخزن یایمق و دیلدیکی قدر  
درین قویی قازمق کبی تصرفاته مقتدر اولور

۱۱۹۵ ماده

کسینه خانه سنده احداث ایلدیکی او طه سنک سچ-باغنی  
قومشوسنک خانه می اوزرینه اوزاده ماز . اوزادرسه  
اول خانه اوزرینه کلان مقداری قطع اولنور

۱۱۹۶ ماده

بر کیمسه نک باغچه سنده کی اغاجک دالاری قومشوسنک  
خانه سی یاخود باغچه سی اوزرینه اوزامش اولسه  
اول دالاری باغلابوده کیر و چکدیر مک یاخود کسدیر مک  
ایله کندو هواسنی تفریغ ایتدیر مک که قومشوسنک صلاحیتی  
واردر

اما اجاج کولکه سی قومشوسنک باغچه سنده کی مزرو عاته  
مضر در دیو اجاج کسپله مز  
۱۱۹۷ ماده

هیچ کیمسه ملکنده تصرفدن منع اولنه ماز . مکرکه  
آخره ضرر فاحشی اوله . اول حالده منع اولنه یلور .  
ته کیم فصل ثانیده تفصیل اولنور

( فصل ثانی )

( معاملات جواریه حقنده در )

۱۱۹۸ ماده

هرکس کندی ملکی اولان حائط اوزرینه دیلدیکی قدر  
چیقار واستدیکی شیئی یاپار ضرر فاحشی اولدجه  
قومشوسی مانع اوله ماز

۱۱۹۹ ماده

بنایه ضرر ویرن یعنی بنایه وهن کتورن وانهدامنه  
سبب اولان یاخود حوایج اصلیه بی یعنی سکنی کبی  
بنادن مقصود اولان منفعت اصلیه بی منع ایدن شیلر  
ضرر فاحشدر

۱۲۰۰ ماده

ضرر فاحش بأی وجه کان دفع ایتدیریلور

مثلا بر خانه نك اتصـالنده تیمور جی دکانی یا خود دکر من  
 یاپیلو بده تیمور ضربندن یاد کر منك دور انندن اول خانه نك  
 بناسنه وهن كلك یا خود فرون احداث ایله توتونك  
 کثرتندن ویابزر خانه احداث ایله رایحه کریمه سندن اول  
 خانه ده اوتور ایله میه جق مرتبه صاحبی مأذی اولق  
 ضرر فاحش اولغله بوضرر لر بأی وجه کان دفع وازاله  
 ایتدیریلور

و کذا بر کیسه دیگر ك خانه سنه متصل عرصه سنده خرق  
 احداث ایدر ك دکر مننه صو اجرا ایتمکله خانه نك دیوارینه  
 وهن کلسه یا خود بر کیسه قومشوسنك دیوارینك دینی  
 مزبله اتخاذ و سپورندی القسا ایتمکله دیوار چور یسه  
 دیوارك صاحبی ضررینی دفع ایتدیرر

کذلک برینك خانه سی قربنده دیگر ك احداث ایلدیکی  
 خرمنك توزی کلمکله اول خانه ده طور ایله میه جق مرتبه  
 صاحبی مأذی اولسه ضرری دفع ایتدیریلور

نته تیم برینك خرمن یری قربنده دیگر کی بر مرتقع بنا احداث  
 ایله خرمنك روزکارینی سد ایلسه ضرر فاحش اولغله  
 رفع ایتدیریلور کذلک بر کیسه بزازلر چارشوسنده آشچی  
 دکانی احداث ایدوبده توتونق قومشوسنك امتعه سنه  
 اصابت ایله ضرر فاحشی اولسه دفع ایتدیریلور

و کذلک بر کیمسه نك خانه سنده کی کارین یاریلو بدده قومشوسنک  
 خانه سنه جریان ایتمکه ضرر فاحش اولسه قومشوسنک  
 دعواسی اوزرینه اول کارینک تعمیر واصلاحی لازم کلور  
 ۹۲۰۱ ماده

بر خانه نك هواسنی یاخود نظارتنی کسمک و یاخود کونشک  
 دخولنی منع ایتک کبی حوایج اصلیه دن اولیان منافع  
 مانع اولق ضرر فاحش دکلدر

فقط ضیایی بالسکلیه سد ایتک ضرر فاحشدر

بناء علیه بر کیمسه بر بنا احداث ایله قومشوسنک بر پنجره لی  
 اولان او طه سنک پنجره سنی سد ایدوبده یازی او قونه میه جق  
 مرتبه قرانلق اولسه ضرر فاحش اولمغله دفع ایتدیر یلور .  
 قپوسندن ضیا السون دینیله مز . زیرا او طه سنک  
 قپوسی صوغوقدن واسباب سائر دن ناشی قپانمغه محتاج  
 اولور

وا کر او طه نك ایکی پنجره سی اولوبده بریسی بوجه  
 بالا بنا احداثیله سد ایدمش اولسه ضرر فاحش عد  
 اولنماز

۱۲۰۲ ماده

مطح و قوی باشی و خانه نك حولیسی کبی مقر نس-وان  
 اولان محاک کورنسی ضرر فاحش عد اولنور

بناء علی ذلك برکسنه نك خانه سنده احداث ایلدیکی  
 پنجره سندن یاخود مجدداً انشا ایلدیکی بنانک پنجره سندن  
 جارملا صقنک یاخود زقاق آشوری خانه سی اولان  
 برکیمسه نك مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه  
 بوضرک رفعیله امر اولنور . اول کسنه دخی نسوان  
 کورنیه چک صورتده دیوار یاخود تخته پرده یاپوب اول  
 ضرری دفع ایتکه مجبور اولور . اما بهر حال پنجره سی  
 سد ایتک اوزره جبر اولنه ماز

تسه کیم چیتدن معمول برحائطک ارالغندن قومشونک  
 مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه اول ارالقلمی  
 سد ایتک اوزره حائطک صاحبنه امر اولور . اما  
 یقوبده دیوار یا بمق اوزره جبر اولندماز

(۲۲) ماده یه باق

۱۲۰۳ ماده

برینک انسان بریندن بوکسک یرده پنجره سی اولوبده  
 احتمالکه نردبان وضعیله قومشوسنک مقر نسوان اولان  
 محلنه نظر ایلر دیو قومشوسی اول پنجره یی سد ایتدیره مز  
 (۷۴) ماده یه باق

۱۲۰۴ ماده

باغچه مقر نسوان عد اولتماز

بناء عليه بر كيمسه نك خانه سندن قومشوسنك مقر نسوان  
اولان محلی كورنمبوب فقط باغچه سی كورنمكله قومشوسی  
مجرد ار القده نسوان باغچه یه چیقده خانه كدن كورنمكله  
باغچه مه اولان نظارتکی كس دیه مز

۱۲۰۵ ماده

بر كيمسه باغچه سنده کی میوه اغاجنه چیقده قومشوسنك  
مقر نسوان اولان محلی كورینور اولسه كسنه  
اغاجك اوزرینه چیقده جق اولدقه نسوان تستر ایتك  
ایچون اخبار ایتك لازمدر . اخبار ایتدیکی تقدیرده  
حاکم انی بلا اخبار اول اغاجه چیقده منع ایدر

۱۲۰۶ ماده

ایکی كشی بیلرنده مشترك اولان قوناغی تقسیم ایتدكلرنده  
برینك حصه سنه اصابت ایدن محلدن دیکرینك مقر نسوان  
اولان محلی كورینور اولسه مشتركا بیلرنده برستره اتخاذا  
ایتملی ایچون امر اولنور

۱۲۰۷ ماده

بر كيمسه مشروع اوله رق ملكنده تصرف ایتكده ایكن  
بشقه سی انك یاننده بنا احدائيله كندوسی متضرر اولسه  
ضررینی انجق كندو دفع ایتك لازم كاور  
مثلا بر خانه نك قدیمی پنجره لرندن دیکر كسنه نك محدث

خانه سنک مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه محدث  
 خانه صاحبی مضرتنی کندو دفع ایتمک لازم کلور .  
 عتیق خانه صاحبندن ادعایه صلاحیتی یوقدر . نته کیم  
 برکسه تیمورجی دکانه متصل عرصه سنده برخانه احداث  
 ایلسه تیمور ضربندن خانه مه ضرر فاحش ترتب ایدیور  
 دیو دکانی تعطیل ایتدیره مز . و کذا اسکیدن خرمن یری  
 اولان بر محاکم قربنده بری خانه احداث ایتدکده خرمنک  
 توزی خانه م اوزرینه کلیور دیو خرمن صاحبینه بوراده  
 خرمن دوکده دیه مز

۱۲۰۸ ماده

بر منزل قدیمی یعنی عتیق پنجره لردن قومشوسونک  
 عرصه خالیه سی کورینور کن منزل محترق اولدقده اولا  
 قومشوسی اول عرصه ده خانه احداث ایتدکن صکره  
 اول منزلی دخی صاحبی وضع قدیمی اوزوه بنا ایدهرک  
 آپدیغی پنجره لردن اول محدث خانه نک مقر نسوان  
 اولان محلی کورینور اولسه بو مضرتی خانه صاحبی  
 کندو دفع ایتمک لازم کلور . صاحب منزله نظارتکی  
 کس دیو جبر ایده مز

۱۲۰۹ ماده

بر کیمسه نک خانه سنده احداث ایلدیکی پنجره لرا ایله

قومشوسنك مقرنسوان اولان مواضعی بیلنده قومشوسنك  
 بر یو كسك او طه سی اولمغله مقرنسوان اولان محلی اول  
 پنجره لردن كورنمز ایكن قومشوسنی اول او طه بی هدم  
 ایتمكله اول پنجره لردن قومشوسنك مقرنسوان اولان محلی  
 كورینور اولسه قومشوسنی مجرد پنجره له محدث ایدی  
 انكچون نظارتکی كس یا خود پنجره لری سدایت دیه میوب  
 مضرتنی كندو دفع ایتمك لازم كلور

۱۲۱۰ ماده

حائط مشترکی صاحب لردن بری دیگر ینك اذنی اولمدجه  
 ترفیع ایده مزو اوزرینه كوشك و سائره یابه مزو كرك  
 آخره مضر اولسون و كرك اولسون

فقط بریسی عرصه سی اوزرینه او طه بنا ایتمك اوزره  
 کیرش وضع ایده جك یعنی کیرش لرك او جلرینی اول حائط  
 اوزرینه بندیره جك اولسه مشارکی اكا مانع اوله مازو  
 لکن اون قدر کیرش وضع ایده جك ایسه مشارکنك  
 دخی اولقدر کیرش وضعنه حتی اوله جغندن حائط نقدر  
 کیرش وضعنه متحمل ایسه انجق نصفی قدر کیرش  
 وضع ایده بیلوب زیاده یه تجاوز ایده مزو

واكر اول حائط اوزرنده فی الاصل ایکی سنك دخی



مساوات اوزره کیرشلیری اولدیغی حالده بری کندی  
 کیرشلینی تزید ایده جک اولسه منع ایده ییلور  
 ۱۲۱۱ ماده

حائط مشترک صاحب لرندن بری اول حائط اوزرنده کی  
 کیرشلیک محللرینی صاغه صوله و اشاغیدن یوقارویه  
 دکشدره مز . اما کیرشلیک او جلری یوکسکده ایکن  
 ایندیرویده حائطک دها اشاغیسنه وضع ایده ییلور  
 ۱۲۱۲ ماده

بر کیمسه نک صو قویسی قربنده قوموشوسی بر ککیف  
 یا کاریز یاپوبده اول قویینک صوینی افساد ایلسه  
 ضرری دفع ایتدیره ییلور . و بر وجهله دفع ضرری  
 قابل اولماز ایسه او ککیف یا کاریز قیاتدیریلور  
 کذاک بر صویولنک یاننده برینک یاپدیغی کاریزک چرکابی  
 صویه واصل اوله رق ضرر فاحشی اولوبده قیاتمدن  
 غیره صورتله دفع ضرری قابل اولسه اول کاریز  
 قیاتدیریلور

( فصل ثالث )

( طریق لر حقننده در )

۱۲۱۳ ماده

بر طریق ک ایکی طرفنده خانه سی اولان کیمسه برندن

ديكرينه كوپرى انشا ايده جك اولسه منع اولنور . اما  
انشا ايتد كدن صكره اكر ماره يه ضررى يوق ايسه  
هدم اولنماز

فقط بويله طريق عام اوزره ياپاش اولان كو پير ده  
وشه نيشينلرده حق قرار اولماز . بناء على ذلك  
بر وجه بالا طريق عام اوزره انشا اولنان كوپرى منهدم  
اولدقن صكره صاحبي بنا ايده جك اولسه ينه منع اوله بيلور  
١٢١٤ ماده

طريق عام اوزرند، الحق چيتمديلر وشه نيشينلر كبي ماره يه  
ضرر فاحشى اولان شيلر قديم اولسه بيله رفع ايتديريلور  
(٧) ماده يه باق

١٢١٥ ماده

بر كيمسه خانه سنى تعمير ايده جك اولدقده ماره يه ضرر  
وير مامك شرطيله طريقك بر طرفنده سريعا چامور ياپوب  
بناسنه صرف ايده بيلور

١٢١٦ ماده

لدى الحاجه امر سلطانى ايله بر كسدنك ملكي قيمتيله  
التوب طريقه الحاق اولنه بيلور . فقط تأديه ثمن  
اولنمدجه ملكي يندن انده ماز (٢٥١) و (٢٦٢)  
ماده لره باق

۱۲۱۷ ماده

ماره به مضرتی اولدیغی حالده بر کسسه نه طریقك فضله  
اولان یرینی ثمن مثله یله جانب میریدن الوب خانه سسه نه  
الحاق ایده ییلور

۱۲۱۸ ماده

طریق عامه کیم اولور ایسه اولسون مجدد قپو  
آچه ییلور

۱۲۱۹ ماده

طریق خاصده حق مروری اولمیان کسسه نه مجددا قپو  
آچه ماز

۱۲۲۰ ماده

طریق خاص انده حق مروری اولنلرک ملک مشترکاری  
کبیدر

بناء علیه طریق خاص اصحابندن بریسی سائرینک اذنی  
اولدقجه کرک مضر اولسون و کرک اولسون اول طریقده  
برشی احداث ایده مز

۱۲۲۱ ماده

طریق خاص اصحابندن بری سائر اصحاب طریقك اذنی  
اولدقجه مجددا بنا ایلدیگی خانه سسنک طامله سنی اول  
طریقده اقیده ماز

ماده ۱۲۲۲

بر کیمسه طریق خاصه اولان قپوسنی سد ایتمکه حق  
مروری ساقط اولماز

بناء علیه صکره کندوسی و خانه سنی صاتسه مشتریسی  
تکرار قپوسنی آچه بیلور

ماده ۱۲۲۳

طریق عامدن مرور ایدننرک کثرت ازدحامدن ناشی طریق  
خاصه دخول ایتمکه حقلری واردر

بناء علیه بر طریق خاص اصحابی بینلرنده بالاتقیافی اول  
طریق خاصی صاتسه مازلر • و بینلرنده تقسیم ایده مازلر •  
واغزینی سد ایلیمه مازلر

( فصل رابع )

( حق مرور و مجری و مسیل بیاننده در )

ماده ۱۲۲۴

حق مرورده و حق مجراده و حق مسیلده قدمه اعتبار  
اولنور

یعنی بونلر قدیمدن اوله کلدیکی وجه اوزره ترک وابقا  
اولنورلر

زیرا ( ۶ ) ماده حکمنجه قدیم اولان شی حالی اوزره

ابقا اولنور . و خلافته دليل اولدجه تغير اولنماز  
 اما شرعه مخالف اولان قديمه اعتبار يوقدر . يعنى  
 فى الاصلي نامشروع اوله رق ياپلش اولان شى قديم  
 اولسه ده اكا اعتبار اولنميوب ضرر فاحشى وار ايسه  
 ازاله اولنور (٢٧) ماده يه باق

مثلا بر خاندهك چركابي از قديم طريق عامه جارى اوله كلسه  
 و ماره يه ضررى اولسه قديمه اعتبار اولنميوب ضررى  
 دفع ايتديريلور

١٢٢٥ ماده

برينك عرصه سندن ديكر كسنه نك حق مرورى اولديغى  
 حالده عرصه صاحبي آنى مرور و عبور دن منع ايده مز  
 ١٢٢٦ ماده

مبيحك اباحه سندن رجوعه صلاحيتى وارد در . و بر ضرر  
 اذن و رضا ايله لازم اولماز

بناء على ذلك بر كسنه ديكر ك عرصه سندن حق مرورى  
 اولديغى حالده مجرد صاحبينك اذنيه بر مدت مرور  
 ايتدكدن صكره صاحبي ديلرسه انى مرور دن منع  
 ايده بيلور

١٢٢٧ ماده

برينك عرصه سندن بر نمر معينده حق مرورى اولان

کسنه نك اذنيه صاحب عرصه اول ممر اوزرينه بنا  
احداث ايلسه اول کسنه نك حق مروزی ساقط اولوب  
صاحب عرصه ايله ارتق مخصوصه حقی قلماز

(۵۱) ماده یه باق

۱۲۲۸ ماده

برینک عرصه سندن دیکر کسنه نك خرقی یا خود صوت  
یولی بحقی جاری اوله کاورکن عرصه صاحبی فیما بعد  
اجرا ایتدیرم دیو منع ایده من

و بونلر اصلاح و تعمیره محتاج اولدوقده ممکن ایسه  
صاحبی مجرایه دخول ايله بونلری اصلاح و تعمیر ایدر  
اما اول عرصه یه کیرمدیکه تعمیرلری ممکن اولدیغی  
حاله صاحبی عرصه سنه کیرمکه اذن و رمز ایسه  
حاکم طرفندن کندوسنه یا عرصه که کیرمک اوزره اذن  
ویر یا خود سن تعمیر ایت دیو جبر اولنور

۱۲۲۹ ماده

بر خانه نك یا غور صورلی از قدیم قومشونک خانه سنه  
آقده اولدیغی حالده قومشوسی بوندن صکره اقمم دیو

منع ایده من

۱۲۳۰ ماده

بر طریقده اولان خانه لرك طامله لری از قدیم اول طریقده

منصب و اورادن الت طرفنده واقع بر عرصه ایچندن  
جاری اوله کاورکن عرصه صاحبی عرصه سنده کی مسیل  
قدیمی سد ایده مز . سد ایدرسه حاکم طرفندن سدی  
رفع ایله وضع قدیمه ارجاع اولنور

ماده ۱۲۳۱

کسنه محدث او طه سنک طاهله سنی آخرک خانه سنه  
اقیده ماز

ماده ۱۲۳۲

برخانه ده حق مسیلی اولان کاریزی خانه صاحبی یاخود  
صاتار ایسه مشتریسی کافی السابق المقدن منع ایده مز

ماده ۱۲۳۳

برخانه دن بحق جاری اولان کاریز طولوب یاخود  
یاریلوبده خانه صاحبنه ضرر فاحش اولسه کاریزک  
صاحبی بوضرری دفعه مجبور اولور

( باب رابع )

( شرکت اباحه بیاننده اولوب یدی فصلی حاویندر )

( فصل اول )

( مباح اولوب اولمیان شیر بیاننده در )

۱۲۳۴ ماده

صو و اوت و آتش مباحدر . ناس بو اوج شیده  
شرکادر

۱۲۳۵ ماده

یرالتنده جریان ایدن صور کیمسه نك ملیکی دکلدر

۱۲۳۶ ماده

بر شخص مخصوصک سعی و عملی ایله استنباط اولتمش  
اولیوبده ناسک انتفاع ایده کلدیکی قویلر بین الناس  
مشترک و مباح اولان شیردندر

۱۲۳۷ ماده

دکزر و بیوک کولر مباحدر

۱۲۳۸ ماده

مملوک اولمیان ائهار عامه که مقاسمه یعنی بر جاعتک ملیکی  
اولان مجرزه داخل اولمیان نه رلدر . بونلر دخی  
مباحدر



نیل و فرات و طونه و طونجه کبی

ماده ۱۲۳۹

انهار مملوکه یعنی بروجه مشروح مقاسمه داخل اولان  
نهرلر ایکی نوعدر

نوع اول اول نهرلردر که صویبی بین الشرکا متفرق  
و منقسم اولور فقط انلرک اراضیسینه تماماً محو اولیوب  
بقیه سی عامه یه مباح اولان مفازه لره یعنی قیرلره جریان  
ایلر

بو قبیلدن اولان نهرلر من وجه عام اولدیغندن بونلره  
دخی نهر عام دینلور بونلرده دخی شفعه جاری اولماز  
نوع ثانی نهر خاصدر که صویبی اشخاص معدوده نك  
اراضیسینه متفرق و منقسم اولور . و اراضیلرینک نهایتنه  
و ارنجه محو اولوب بر مفازه یه منفذی اولماز . ایشته  
شفعه انجق بونوعده جاری اولور

ماده ۱۲۴۰

بر کیمسه نك اراضیسینه نهرک کتوردیکی چامور انک  
ملکبدر . دیگر کیمسه اکا تعرض ایده من

ماده ۱۲۴۱

صاحبسز یرلرده خدایی نابت اولان اولتر مباح اولدیغی

کبی بر کیمسه نك ملكنده سببیتی اولقسنزین خدایی نابت  
اولان اوتلر دخی مباحدر

اما بو خصوصده اول کیمسه نك تسبی اولسه شویله که  
اراضیسنی سقی ایسه یاخود اطرافنه خندق چو یرمک  
کبی بروجهله انبات ایچون اعداد و تهیه ایسه اول  
اراضیده حاصل اولان نباتات کندوسنک مالی اولور .  
آخر کسنه انلردن برشی الهمز . الو بده استهلاک ایدرسه  
ضامن اولور

۱۲۴۲ ماده

اوت . ساقی اولیان نباتات اولوب اشجاره شامل  
اولماز

منتار دخی اوت حکمنده در

۱۲۴۳ ماده

جبال مباحده یعنی کسنه نك ید تملکنه کچماش اولان  
طاغلرده کی خدایی نابت اغاجلر مباحدر

۱۲۴۴ ماده

بر کیمسه نك ملكنده خدایی نابت اولان اغاجلر کندوسنک  
ملنکیدر . انک اذنی اولدجه بشقه سی انلری احتطاب  
ایده مز . ایدرسه ضامن اولور

۱۲۴۵ ماده

بر کیمسه بر اغاجی آشیلهسه آشی قلمندن سورن فلیر لر  
کندوسه نك ملكی اولدیغی کبی میوه لری دخی انک  
اولور

۱۲۴۶ ماده

بر کیمسه نك نفسیچون اکدیکی تخمک هر در لو حاصلاتی  
کندی مالیدر کسنه طرفندن تعرض اولنه ماز

۱۲۴۷ ماده

آو مباحدر

## ( فصل ثانی )

( مباح اولان شیرک کیفیت استملاکی بیانده در )

۱۲۴۸ ماده

اسباب تملك اوچدر . برنجیسی بیع و هبه کبی ملک  
بر مالکدن دیگر مالکده ناقدر . ایکنجیسی ارث کبی  
بر کسنه نك دیگره خلف اولسیدر . اوچنجیسی مالکی  
اولمیان بر مباح شیء اله کچور مکدر . بودخی یا حقیقیدر  
که اول شیء حقیقه وضع ید ایلکدر یا خود حکمیدر که  
یاغور صوبی بر کدیر مک ایچون بر قاب قویق و آو ایچون  
طوزاق قورمق کبی سببی تهیه ایله اولور

۱۲۴۹ ماده

هر کیم که مباح اولان شیئی احرار از ایترسه اکا مستقلا  
مالک اولور

مثلا بر کیمسه نك دستی یا خود فوچی کبی بر قاب ایله بر  
نهر دن الدیغی صواول قاب ایچنده محرز و محفوظ اولمغله  
اول کیمسه نك مالی اولور . بشقه سنك اندن انتفاعه  
صلاحیتی یوقدر . و صاحب نك اذنی اولمق سزین بشقه سی  
اخذ و استهلاك ایدرسه ضامن اولور

۱۲۵۰ ماده

احرازك قصده مقرون اولسی لازمدر

بناء علیه بر کیمسه یا غمور صویب المق قصدیله بر محله  
بر قاب قویدقده اول قاب ایچنده طویلانان یا غمور  
صویب اول کیمسه نك مالی اولور . كذلك صو بر کدر مک  
ایچون انشا اولنان حوض و صهر یجده کی صو صاحب نك  
مالیدر . اما بر کیمسه نك بغیر قصد بر محله وضع ایتدیکی  
قاب دروننده بر یکن یا غمور صویب کندوسنك مالی اولماز .  
بشقه بر کسنه آنی اخذ ایله استملاک ایده بیلور (۲)

ماده به باق

۱۲۵۱ ماده

صویب احرار زده ارقه سی منقطع اولمق شرطدر

بناء عليه ایچندن صوصیران قوییده کی صومحرز اولماز .  
صاحبی اباحه ایتمکسزین دیگر کمسنه اوبله بر قوییده  
صیزوبده مجتمع اولان صوی اخذواستهلاک ایلسه ضمان  
لازم کلز

وکذا صوی متتابع الوزود اولان یعنی بر طرفدن نقدر  
صو چیقارسه دیگر طرفندن او قدر صو کیرن حوضلمده کی  
صومحرز دکدر

۱۲۵۲ ماده

خدایی نابت اولتر طوپلامغله و بیچوب دمت ایتمکله احراز  
اولنیش اولور

۱۲۵۳ ماده

جبال مباحده خدایی نابت اولان اغاجلری کیم اولورسه  
اولسون احتطاب ایده بیلور . و مجرد احتطاب ایله  
یعنی طوپلامغله انلره مالک اولور . باغلاقی شرط دکدر

( فصل ثالث )

( مباح اولان شیرک احکام عمومی سی بیاننده در )

۱۲۵۴ ماده

مباح ایله هر کس انتفاع ایده بیلور . فقط سائر ضرر  
ویرمامک ایله مشروطدر

۱۲۵۵ ماده

مباح اولان شییء اخذ و احراز ایتمکدن بر کیمسه آخر  
کیمسه بی منع ایده مز

۱۲۵۶ ماده

صاحبسز پرلرده خدایی نابت اولان اوتلری هر کس  
حیواننه دیدره بیلور و انلردن استدیکی قدر اخذ و احراز  
ایده بیلور

۱۲۵۷ ماده

بر کیمسه نك ملكنده کندوسنك تسبی اولقمسزین خدایی  
نابت اولان اوتلر دخی مباح ایسه ده صاحبی کندی  
ملکنه آخری دخولدن متع ایده بیلور

۱۲۵۸ ماده

بر کیمسه نك جبال مباحه دن طوپلایو بده اوراده براقدیغی  
اودونلری بشقه سی اخذ ایلسه اول کیمسه استرداد  
ایده بیلور

۱۲۵۹ ماده

جبال مباحه ده و صاحبسز وادیلرده و مرعالرده کی  
صاحبسز آغاجلرک میوه لرینی کیم اولورسه اولسون  
دیوشیره بیلور

۱۲۶۰ ماده

بر کیمسه برینی قیردن اودون طویلامق یاخود آوطوتمق  
 ایچون استجاره ایتمسه اول اجیرک طویلا دیغی اودون  
 و یا طو تدیغی آو مستأجرک اولور

۱۲۶۱ ماده

بر کیمسه کندی ملکنده آتیش یاقسه سائر بنی ملکینه  
 دخول ایله انتفاعدن منع ایده ییلور  
 اما کسنه نیک ملکلی اولمیان صحرا ده بری آتیش یاقسه سائر  
 ناس انیکله انتفاع ایده ییلور . شویله که انیکله ایصینه ییلور  
 و ضیاسنده برشی دیکه ییلور . و اندن قندیلنی یاقه ییلور  
 آتیشک صاحبی مانع اوله ماز . فقط صاحبنیک اذنی  
 اولدجه کسنه اول آتیشدن بر قور اله مز

( فصل رابع )

( حق شرب و شفه بیاننده در )

۱۲۶۲ ماده

شرب . اکین و حیوان صولامق ایچون صو ایله  
 انتفاع ایتمک نو بتیدر

۱۲۶۳ ماده

حق شفه . صو ایچمک حتی دیمکدر

ماده ١٢٦٤

هر کس هوا و ضیا ایله انتفاع ایلدیکی کبی دکزلر و بیوک  
کولار ایله دخی انتفاع ایده یلور

ماده ١٢٦٥

مملوک اولیان نهرلردن هر کس اراضیسنی سقی ایده یلور .  
واراضیسنی سقی ایتک و دکرم انشا ایتک اوزره  
جدول و خرق آچه یلور . فقط سائره مضرتی اولماق  
شرطدر

بناء علیه صویبی طاشیرو بده خله ضرر ویرسه یا خود  
نهرک صویبی بتون بتون کسلسه و یا خود قایقلرک سیرینه  
مانع اولسه منع اولنور

ماده ١٢٦٦

محرز اولیان صوده جمله انسان و حیوانلرک حق شفہسی  
واردر

ماده ١٢٦٧

انهار مملوکهنک یعنی مجاریء مملوکیه داخل اولان صولرک  
حق شربی اصحابنکدر ، سائرینک انلرده حق شفہسی  
واردر

بناء علی ذلک برجاعتہ مخصوص اولان نهردن یا خود  
برینک خرقندن یا قناتندن یا خود قویسندن بلا اذن



بشقه سی اراضیسی سقی ایده مز • فقط حق شفه سی  
 اولق حسببله صو ایچه بیلور • و حیوانلرینک کثرتی  
 حسببله نهرک یاخرقک و یاخود قمانک تخریبندن خوف  
 اولتماز ایسه حیوانلرینی دخی کتوروب صولایه بیلور •  
 و برده دستی و فوجی ایله صو الوب خاله سنه و باغچه سنه  
 کوتوره بیلور

۱۲۶۸ ماده

برکیمسه نك ملیکی دروننده صوی متابع اولوزود اولان  
 برحوض یاخود برقویی و یاخود برنهر اولدیغی حالده  
 صو ایچمک استیسان کسنه ملسکنه دخرلدن منع  
 ایده بیلور

لکن قربنده بشقه ایچه جک مباح صو بولتماز ایسه  
 ملك صاحبی یا اول کیمسه یه صو چیقارمغه و یاخود  
 کیروبده صوالمسی ایچون رخصت و یرمکه مجبوردر •  
 و صو چیقارمدیغی تقدیرده اول کسنه نك کیروبده صو  
 المغه حق واردر • فقط بشرط السلامه در • یعنی  
 حوضک یا قویندنک و یاخود نهرک کینارینی بوزمق کبی  
 بر ضرر ایتماسی شرطدر

۱۲۶۹ ماده

بر نهر مشتمل ترکه حصه دار اولان کیمسه دیکرلرک اذنی

اولد بجه اندن دیکر برنهر یعنی جدول و یا خرق آچاماز .  
 و قدیم نوبتی تبدیل ایلیه من . و کندی نوبتی اول  
 نهر دن حق شربی اولیان دیکر اراضیسنه سوق ایده من  
 و بوشیلرد دیکر حصه داران رضا و برسه لر بعده کندولری  
 یا خود وارثلری رجوع ایده بیلور لر

( فصل خامس )

( احیاء موات حقه در )

۱۲۷۰ ماده

اراضی موات . اول یرلر در که کسنه نك ملنی و بر  
 قصبه و قریه نك مرعای یا محتطبی یعنی بالطله لغی اولدیغی  
 حالده اقصای عمران دن بعید اوله

یعنی قصبه یا قریه نك الك کسارنده کی خانه لر دن جهیر  
 الصوت اولان کیمسه نك صداسی استماع اولنیه

۱۲۷۱ ماده

عمرانه قریب اولان یرلر اهالییه مرعی و خرمن یری  
 و محتطب اواسق اوزره ترك اولنور . و بو برزه  
 اراضی متروکه دینلور

۱۲۷۲ ماده

بر کیمسه اذن سلطانی ایله اراضی مواتن بر یری احیا  
 و اعمار ایلسه اکا مالک اولور

واگر سلطان یا خود و کیلی بر کیمسه یه بر یردن مجرد  
انتفاع ایدوبده تملک ایتماک اوزره احیاسنه اذن و یرسه  
اول کیمسه مأذون اولدیغی وجهله اول یرده تصرف  
ایدر . اما اول یره مالک اولماز

۱۲۷۳ ماده

بر کیمسه بر قطعه اراضینک بر مقدارینی احیا ایدوبده  
باقیسینی ترک ایتسه احیا ایتدیکی محلاره مالک اولوب  
باقیسی انک اولماز

فقط احیا ایلدیکی اراضینک اورته سنده بر مقدار محلی  
خالی قالسه اول محل دخی انک اولور

۱۲۷۴ ماده

بر کیمسه اراضی موآدن بر یری احیا ایتدکدن صکره  
دیگر کسنهلر دخی کلوب درت طرفنده کی بر لری احیا  
ایتسه لر اول کیمسنه نیک یولی انک صکره احیا ایددنک  
اراضیسنده تعین ایدر . یعنی انک یولی اورادن اولور

۱۲۷۵ ماده

تخم انک و فدان دیکمک ارضی احیا اولدیغی کی  
نطاس انک یاسقی ایتک یا خود سقی ایچون خرق و جدول  
اچق دخی احیا در

۱۲۷۶ ماده

بر کیمسه اراضی مواتدن بر یرک اطرافنه دیوار چکسه  
یاخود سیل صوتندن محافظه ایده جک قدر اطرافنی  
یوکسلدوبده مسنات یاپسه اول یری احیا ایتمش اولور

۱۲۷۷ ماده

طاش یاخود دیکن و یا قوری اغاج دالری وضع ایدرک  
اراضینک جوانب اربعه سنی احاطه ایتمش یاخود  
اراضینک اولترینی آیقلاق و یاخود ایچنده کی دیکنلری  
یاقق و یاخود قوی قازمق اول اراضی بی احیا دیمک  
اولیوب انجق تکجیر در

۱۲۷۸ ماده

بر کیمسه اراضی مواتده اولان اولتری یا دیکنلری بیچوب  
و اراضینک اطرافنه وضع ابله اوزر لرینه طوپراق دخی  
وضع ایدوب انجق سیل صوتنه مانع اوله جق وجهله  
مسناتی اتمام ایتسه اول اراضی بی احیا ایتمش اولیوب  
فقط تکجیر ایتمش اولور

۱۲۷۹ ماده

بر کیمسه اراضی مواتدن بر محلی تکجیر ایتسه اوچ سنه  
مدت اول یره سائرندن احق اولور . اوچ سنه به قدر

نحیا ایتمز ایسه حتی قالماز . واحیا ایتمک اوزره بشقه

سنه ویریله بیلور

۱۲۸۰ ماده

برکیمسنگ اذن سلطانی ایله اراضیء موآنده قازدیغی

قوی کسندوسنگ ملکیدر

( فصل سادس )

( اراضیء موآنده اذن سلطانی ایله حفر اولمان قویملرک )

( واجرا اولمان صولرک و غیرس اولمان اغاجلرک )

( حریمی بیاننده در )

۱۲۸۱ ماده

قویسنگ حریمی یعنی حولیسنگ حقوقی هر طرفدن

قرقر ارشوندر

۱۲۸۲ ماده

کوزلرک یعنی بریردن چیقاریلوبده صویبی بر یوزنده

جاری اولان منبجملرک حریمی هر طرفدن بشر یوز

آرشوندر

۱۲۸۳ ماده

هر وقت آیقلاغغه محتاج اولمیان نهر کبیرک ایکی طرفدن

حریمی نهرک نصفی قدر در که ایکی طرفده کی حریملرینک

مقداری نهرک عرضنه مساوی اولور

۱۲۸۴ ماده

هر وقت آيقلانمغه محتاج اولان نهر صغيرك يعنى خرقلرك  
 وجدولارك و برده يرالتنده كى قناتك حرىملرى آيقلانمغه  
 وقت طاشلرىنى و چامورلرىنى طرح و القا ايچون لزومى  
 قدر ير در

۱۲۸۵ ماده

صويى ير يوزنده جارى اولان قناتك حرىمى كوزلركى  
 هر طرفدن بشر يوز آرشوندر

۱۲۸۶ ماده

قوييلرك حرىمى صاحبلىرىنك ملكيدىر . بشقه سى انده  
 بر وجهله تصرف ايده مز . و بر كيسه ديكرينك حرىمنده  
 قويى قازسه قياتد ير يلور

منبعلىرك و نهرلك و قناتك حرىملرى دخى بو وجهه  
 اوزره در

۱۲۸۷ ماده

بر قويينك حرىمى قربنده ديكرى اذن سـلمطانى ايله بر  
 قويى حنر ايتسه سائر جهتلردن بو قويينك دخى قرقر  
 آرشون حرىمى اولور . اما اولكى قويينك جهتمده  
 انك حرىمنه تجاوز ايده مز

۱۲۸۸ ماده

برقویدنك حریمی خارچنده برکسنه قویی قازوبده اولکی  
 قویدنك صویی بو قیویه کیتسه برشیدی لازم کلز  
 نته کیم برکسنه دیکرک دکانی یاننده دکان آچوبده اولکی  
 دکانك اخذ واعطاسی کاسد اولسه ایکنجی دکان سد  
 اولنه من

۱۲۸۹ ماده

اراضی موآنده اذن سلطانی ایله غرس اولنان اغاجک  
 حریمی هر طرفدن بشر آرشوندر • بو مسافه دروننده  
 بشقه سی اغاج غرس ایده من  
 ۱۲۹۰ ماده

دیکرک عرصه سی ایچنده جریان ایدن خرقک ایکی  
 طرفدن صویی طوته جق قدر ککنارلری خرق  
 صاحبکدر

وایکی طرفدن ککنارلری مرتفع ایسه بومرتفع یرلردخی  
 کذلک خرق صاحبکدر

واکر ککنارلری مرتفع اولیوبده اوزرلرنده کرک عرصه  
 صاحبنک وکرک خرق صاحبنک مغروس اغاجلری اولق  
 کبی برینک ذی الید اولدیغنه دائر بر دلیل دخی بولمز  
 ایسه اول حالده بو یرلر عرصه صاحبکدر • فقط خرق

صاحبی دخی خرقنی ایقلایه جغی وقت چامورینی ایکی  
طرفه طرح و القا ایتمه حقی وار در  
۱۲۹۱ ماده

بر کیسه نك كندی ملکینده حفر ایلدیکی قوی نك حریمی  
بو قدر . قومشوسوی دخی ایك یاننده و کندی ملکینده  
دیگر بر قوی حفر ایده بیلور . و اول کیسه بنم قوی نك  
صوبینی جذب ایدر دیو قومشوسنك قوی حفر ایتسنه  
مانع اوله مز

( فصل سابع )

( احکام صیده دائر اولان مسائل بیاننده در )

۱۲۹۲ ماده

کرك مزراق و تفنك کبی آلات جار حد ایله و کرك آغ  
و طوزلق کبی شیرله و کرك معلم کلب کبی آزیلی حیوانلر  
و معلم طوغان کبی یر تیچی قوشلر ایله آو طوتمق جائزدر  
۱۲۹۳ ماده

صید یعنی آوانساندن متوحش اولان یبانی حیواندر

۱۲۹۴ ماده

حیوانات اهلیه صید اولنمدیغی کبی انسان ایله مانوس  
اولان یبانی حیوانلر دخی صید اولنماز



بناء علی ذلك امثالی دلائلیله یبانی اولدیغی معلوم اولان  
 کوکرجین یاخود ایاغنده زیل اولان طوغان و بویننده  
 طاسمه برلنان کیك طوتلسه لقطه قیبلندن اولوب صاحبی  
 ظهورنده ویرمک اوزره طوتان کیسه نك انی اعلان  
 ایتمی لازم کلور

۱۱۹۵ ماده

صیدک انساندن ممتنع اولسی یعنی ایاقلرله یاخود قنادلرله  
 صاوشوب قورتیله بیله جک حالدده بولنمی لازمدر  
 قاچوب قورتیله میه جق حاله دوچار اولسه مثلا برکیك  
 برقوبی به دوشسه حال صیدیدن چیقشمش اولور

۱۲۹۶ ماده

کیم که برآوی حال صیدیدن چیقارارسه انی طوتمش  
 اولور

۱۲۹۷ ماده

آو طوتانکدر  
 مثلا برکیسه برآوه آتوبده انی قاچوب قورتیله میه جق  
 صورتده جرح ایلسه اکا مالک اولور . اما خفیفجه  
 یعنی قاچوب قوتیله بیله جک صورتده جرح ایتمکده اکا  
 مالک اولوب دیگر کسنه انی اورمغله یاخود دیگر  
 صورتده طوتسه اکا مالک اولور

و کذا بر کیمسه بر آوی اوروب دوشور دکدنصره اول  
 او قالقوبده قچارکن دیگر کیمسه انی اخذ ایله استملاک  
 ایده بیلور

ماده ۱۲۹۸

ایکی صیادک قورشونلری بردن بر آوه اصابت ایلمسه  
 اول او ایکیمی بیننده مناصفة مشترک اولور

ماده ۱۲۹۹

ایکی کیمسه کلب معلمین صالیویروبده ایکیمی بر آوه  
 اصابت ایتمسه اول او صاحبلری بیننده کذلک مشترک  
 اولور. و اگر هربری برر او طوتسه هر برینک طوتدیغی  
 او صاحبنک اولور

کذلک ایکی کیمسه کلب معلمینی صالیویروبده بری آوی  
 دوشورمش و دیگری اولدرمش اولدیغی صورتده اگر  
 اولکیسنک کلبی انی قاچوب قورتیلمیه جق حاله کتورمش  
 ایسه اول او انکدر

ماده ۱۳۰۰

بر کیمسه نک خر قنده یا جدولنده اولامقسنزین طوتیلمه ماز  
 اولان بالقلری دیگر کیمسه صید ایله استملاک ایده بیلور

ماده ۱۳۰۱

بر کیمسه صو کنارنده صیدماهی ایچون بریر تهیه ایدرک

اورایه برچوق بالق کلوبده صو ازالهرق اول بالقلر  
 اوله مغه محتاج اولمق سزین طوتیله بیلور اولسه اول بالقلر  
 اول کیمسه نک اولور

اما اول محمله صویک کثرتندن ناشی بالقلرک طوتلمسی  
 اوله مغه محتاج اولسه بوبالقلر اول کیمسه نک اولمیوب دیگر  
 کسنه انلری صید ایله استملاک ایده بیلور  
 ماده ۱۳۰۲

بر کیمسه نک خانه سنه بر آو کیروبده انی طوتیق ایچون قپوسنی  
 سد ایلسه اکا مالک اولور

اما قپوسنی سنه ایله احراز ایتمدن اکا مالک اولمیوب دیگر  
 بر کسنه اول آوی طوتیورسه اکا مالک اولور  
 ماده ۱۳۰۳

بر کیمسه صید ایچون بر محله آغ و طوزاق کبی برشی وضع  
 ایدوبده بر آو طوتلسه اول کیمسه نک مالی اولور  
 فقط بر کیمسه آغنی قوریمق ایچون بر محله سروبدده اکا  
 بر آو طوتیلویورسه انک مالی اولماز

نه کیم بر کیمسه نک اراضیسنده کی چقوره دوشن آوی  
 دیگر کسنه اخذ ایله استملاک ایده بیلور . اما اول اراضی  
 صاحبی اول چقوری صید ایچون حفر ایتمش ایسه اول  
 آوه سائرندن احق اولور (۱۲۵۰) ماده یه باق

۱۳۰۴ ماده

بریبانی حیوان بر کیمسه نك باغچه سنده بووه یاغله  
 و بیور طله مغله انك مالی اولماز . دیگر بر کیمسه انك  
 بیور طه لرینی یا خود یا ور یلرینی اخذ اید یور سه باغچه  
 صاحبی استرداد ایده مز

فقط اول کیمسه باغچه سنی بیانی حیوان کلوبده بیور طلامق  
 و یا ور یلامق ایچون تهیه ایتمش ایسه کلوب بیور طلایان و  
 یا ور یلیان حیوانلرک بیور طه لر ی و یا ور یلری کندوسنک اولور

۱۳۰۵ ماده

بر کیمسه نك باغچه سنده مکان اتخماز ایدن آر یلرک یا بدیغی  
 بال اول باغچه نك منافعدن معدود اوله رق اول کیمسه نك  
 مالیدر . کسنه اكا تعرض ایده مز . یالکزی بیت الماله  
 عشرینی ویر می لازم کاور

۱۳۰۶ ماده

بر کیمسه نك قواننده مجتمع بولن ان آر یلر مال محر زعد  
 اولنور . بونلرک بالی دخی اول کیمسه نك مالیدر

۱۳۰۷ ماده

برینک قوانندن چیقان اوغل آریسی دیگرک خانه سنده  
 قونوبده خانه صاحبی اخذ ایلسه قوان صاحبی انی  
 استرداد ایده یلور

( باب خامس )

( نفقات مشترکه پیماننده اولوب ایکی فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( اموال مشترکه نك تعمیراتی و دیگر بعض مصارفاتی )

( پیماننده در )

۱۳۰۸ ماده

بر ملك مشترك تعمیر و ترمیمه محتاج اولدوقده صاحبلی  
حصه لرینه کوره بالاشترک تعمیر ایدرلر

۱۳۰۹ ماده

حصه دارلردن بری دیگرینک اذنیله کنندی مالندن قدر  
معروف پاره صرف ایدرک ملک مشترکی تعمیر ایتسه  
مشارکنه حصه سیله رجوع ایدر

یعنی مصرفدن مشارکنک حصه سنه هر نه اصابت ایدر سه  
انی اندن الور

۱۳۱۰ ماده

محتاج تعمیر اولان ملک مشترکک صاحب لر نندن بری غائب  
اولوبده دیگر بری انی تعمیر ایتک ایستدکدر حاکمن اذن  
الور

و حاکمک اذنی غائب اولان حصه دارک اذنی مقامند قائم  
اولور

یعنی حاضر اولان حصه دار اذن حاکله اول ملک  
مشرکی تعمیر ایتدکده غائب اولان مشارکندن اذن المش  
حکمنده اولهرق مصرفدن حصه سیله اکار جوع ایدر

۱۳۱۱ ماده

برکیمسه مشارکنندن و حاکدن استینان ایتکسزین ملک  
مشرکی خود بخود تعمیر ایلسه متبرع اولور  
یعنی مصرفدن مشارکنک حصه سنه اصابت ایدن مقداری  
اندن آله ماز اول ملک مشترک کرک قابل قسمت اولسون  
و کرک اولسون

۱۳۱۲ ماده

برکیمسه قابل قسمت اولان ملک مشترک کنی تعمیر ایتک  
ایستیوبده مشارکی امتناع ایتیشیکن خود بخود تعمیر ایلسه  
متبرع اولور

یعنی مشارکنده حصه سیله رجوع ایده من  
واکر اول کیمسه مشارکنک بووجهله امتناعی اوزرینه  
حاکمه مراجعت ایتسه (۲۵) ماده یه مبنی تعمیره جبر  
اولنه ماز • فقط جبرا تقسیم اولنه بیلور • وبعد القسمه  
اول کیمسه کنایه حصه سنده ایستدیکنی یاپار

۱۳۱۳ ماده

دکرمین و حاکم کبی قابل قسمت اولیمان بر ملک مشترک

تعمیرہ محتاج اولغله صاحبزندن بری تعمیر ایتک استیوبده  
 مشارکی امتناع ایتسه حاکمک اذنیله کندی طرفندن قدر  
 معروف پاره صرف ایدرک تعمیر ایلمر . و مصارف  
 تعمیر یه دن مشارکنک حصه سنه اصابت ایدن مقدار پاره  
 کندوسنک اندن اله جغنی اولور . و اول ملک مشترکی  
 ایجار ایله اجرتندن اشبو اله جغنی استیفا ایده یلور  
 و اگر حاکمک استیذان ایتکسزین تعمیر ایتش ایسه نقدر  
 صرف ایتدیکنه باقلمیوب انجق بنانک وقت تعمیر ده کی  
 قیمتندن مشارکنک حصه سنه اصابت ایدن مقداری  
 روجه مشروح استیفا ایده یلور

۱۳۱۴ ماده

بویله دکرمن و حمام کی قابل قسمت اولمیان ملک مشترک  
 بالکلیه منهدم اولوبده عرصه صرفه قالدیغی حالده  
 صاحبزندن بری بنا ایتک ایستیوبده دیگرکی امتناع  
 ایسه بنایه جبر اولنمیوب عرصه سی تقسیم اولنور

۱۳۱۵ ماده

فوقانیسی برینک و تحتانیسی دیکرک ملکی اولان ابنیه  
 منهدم یا محترق اولسه هر بری کافی المسابق ابنیه سی  
 یاپار . احد هما آخره مانع اوله ماز

و فوقانی صاحبی تحتانی صاحبہ سن اہنیہ کی یاب کہ  
 اوزرینہ بندہ اہنیہ می پاہیم دیوبندہ تحتانی صاحبی امتناع  
 ایتملکہ فوقانی صاحبی حاکم دن اذن الہرق تحتانی  
 و فوقانی اہنیہ بی انشا ایتدکدہ تحتانی صاحبی حصہ  
 مصرفی و برنجیہ دک انی تحتانیہ تصرفدن منع ایدر  
 ۱۳۱۶ مادہ

ایکی قومشو بیندہ کنی حائط مشترک اوزرینہ طرفینک  
 کوشک و کیرش او جلی کبی جولہ لری اولدیغی حالده  
 حائط منہدم اولوبندہ برینک امتناعی اوزرینہ دیکری  
 بنا ایلسہ مشارکی مصرفنک نصننی تأدیہ ایدنجیہ دک  
 انی اول حائط اوزرینہ جولہ وضعندن منع ایدر  
 ۱۳۱۷ مادہ

ایکی خانہ بیندہ دیوار منہدم اولوبندہ برندن دیکرینک  
 متر نسوان اولان محلی کورینور اولدیغی جہتلہ برینک  
 صاحبی مشترکا دیواری بنا ایتک استدیکی حالده دیکرینک  
 صاحبی امتناع ایلسہ بنایہ جبر اولماز . فقط تحتہ دن  
 یاخود سائر نیندہ دن بالاشتراک بینلرندہ بر سترہ اتخاذ  
 ایتلری ایچون حاکم طرفندن جبر اولنور  
 ۱۳۱۸ مادہ

ایکی قومشوسی بیندہ مشترک اولان دیوارہ و هن کلر بندہ



سقوطندن خوف اولتمغله بری نقضنی ایستدیکی حالده  
دیگری امتناع ایسه بالاشترک نقض وهدم ایتمک اوزره  
جبر اولنور

۱۳۱۹ ماده

ایکی صغیر یاخود ایکی وقف بیلنده مشترک اولان بر عمار  
تعمیره محتاج اولوبده حالی اوزره ابقامی مضر اولدیغی  
حالده ایکی وصیدن یاخود ایکی متولیدن بری تعمیر ایتمک  
ایستیوبده دیگری امتناع ایسه تعمیره جبر اولنور

مثلا ایکی صغیرک خانه لری بیلنده بر مشترک دیوار اولوبده  
سقوطندن خوف اولنهرق برینک وصیسی تعمیر ایتمک  
ایستدیکی حالده دیگرینک وصیسی ابا ایسه جانب کا مدن  
بر امین آدم ارسال ایله نظر اولنور. فی الواقع دیوارک  
حالی اوزره ترکی تقدیرنده صغیرلر حقنده ضرر اوله جغی  
معلوم اولورسه ابا ایدن وصی دیگر وصی ایله مشترکا  
مال صغیردن اول دیواری تعمیر ایتمک اوزره جبر اولنور  
کذلک ایکی وقف بیلنده مشترک اولان بر خانه تعمیر محتاج  
اولوبده متولیلردن بری تعمیر ایتمک ایستدیکی حالده  
دیگری امتناع ایسه مال وققدن تعمیر ایتمک اوزره حاکم  
طرفندن جبر اولنور

۱۳۲۰ ماده

ایکی کشی یلنده مشترک بر حیوان اولوبده بریبی آنی  
بسلیکن ابا ایتمکه دیگر کی حاکمه مراجعت ایسه حاکم  
ابا ایدن حصه داره یا حصه کی صیات و یا خود مشترکا  
حیوانی بسله دیو امر ایدر

( فصل ثانی )

( نهر و مجر الرک کری و اصلاحی حقنه در )

۱۳۲۱ ماده

مملوک اولیان نهرک کری و اصلاحی یعنی آیقلا نسی بیت  
المال اوزرینه در و اکر بیت المالك وسعتی یوق ایسه  
انی آیقلامق اوزره ناسه جبر اولنور

۱۳۲۲ ماده

مملوک اولان نهر مشترک آیقلا نسی اصحابی یعنی حق  
شربی اولنور اوزرینه در . حق شفه اصحابی مؤنت  
کری و اصلاحده تشریک اولنده ماز

۱۳۲۳ ماده

حق شرب اصحابندن بعضیلری نهر مشترکی تطهیر ایتمک  
ایستیوبده بعضیلری ابا ایتمدیکی صورته نظر اولنور  
اگر نهر عام ایسه ابا ایدن کیمسه سائر لریله بالاشترک  
ایقلامق اوزره جبر اولنور (۲۶) ماده یه باق

واگر نهر خاص ایسه آیقلاق ایستیانلر حاکمک اذنیله  
اول نهری آیقلا یوب امتناع ایدن کیسه مصرفدن  
حصه سنه اصابت ایدن مقداری ایفا ایدنجه دک انی اول  
نهر ایله انتفاعدن منع ایدرلر

۱۳۲۴ ماده

حق شرب اصحابنک کافه سی نهر مشترکی آیقلامقدن  
امتناع ایتدکلی صورتده کذلک نهر عام ایسه آیقلاق  
اوزره کندولرینه جبر اولنور و اگر نهر خاص ایسه جبر  
اولماز

۱۳۲۵ ماده

کرك مملوك اولمیان و كرك مملوك اولان نهر عامک کنارنده  
برکیسه نك یری اولوبده صو ایچمک ونهری اصلاح  
ایتمک کبی احتیاجات ایچون بشقه یول اولدیغی حالده  
عامه اول یردن مرور ایده ییلور . صاحبی مانع  
اولماز

۱۳۲۶ ماده

نهر مشترک مؤنت کری و اصلاحی یوقارودن باشلار .  
و ابتدا جمله حصه دارلر بونده متشارك اولورلر . واک  
اوست طرفده کی حصه دارک اراضیمندن کچلدکده

او خلاص اولور و هکذا اشاغیسنه قدر اینر . زیرا  
غرامت غنیمته کوره در (۸۷) ماده یه باق

مثلا اون کشی بینده مشترک اولان بر نهر آیقلا نه جق  
اولدقده اک اوست طرفنده کی حصه دارک نهایت  
اراضیسنه قدر اولان قطعه سنک مصار فی جمله سنک  
اوزرینه و اندن صکره طقوزی اوزرینه و ایکنجیس سنک  
اراضیسی دخی کچلد کده سکزی اوزرینه تقسیم ایدیلور .  
صکره ده بوسیاق اوزره کیدیلور و اک اشاغیده کی  
حصه دار جمله سنک مصرفنده مشارک اوله رق اک صکره  
کندو حصه سنی یالکز یاپار بوجه تله اک یوقاروده کی  
حصه دارک مصرفی جمله سنندن آز و اک اشاغیده کی  
حصه دارک مصرفی جمله سنندن زیاده اولور

۱۳۲۷ ماده

کاریز مشترکی آیقلامق مؤنتی اشاغیدن باشلار  
شویله که اک اشاغیده کی حصه دارک عرصه سننده کی حصه  
کاریزک مصرفنده جمله سی حصه دار اولور لر و اندن  
یوقارو چیقلدقده اول حصه دار خلاص اولور و هکذا  
برر برر خلاص اوله رق اک یوقاروده کی حصه دار کندی  
حصه سنی یالکزجه یاپار بوجه تله اک اشاغیده کی

حصه دارك مصرفی جله سندن از واك يوقاروده كي  
حصه دار مصرفی جله سندن زیاده اولور

۱۳۲۸ ماده

طریق خاصك تعمیری دخی کاریز کبی اشاغیدن باشلار .  
واغزی یعنی مدخلی اشافی منتها سی یوقارو عد و اعتبار  
اولور . واغزنده بولنسان حصه دار یالکز کندی  
حصه سنه عائد اولان مصارف تعمیریه ده مشارك اولور  
و منتها سنده اولان حصه دار هر برینك حصه مصارفنده  
مشارك اولدوقدن بشقه کندی حصه سنی یالکز کندی  
یا پار



( باب سادس )

( شرکت عقد بیاننده اولوب التي فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( شرکت عقدك تعریف و تقسیم بیاننده در )

۱۳۲۹ ماده

شرکت عقد . ایکی یا زیاده کیسه لر بیننده سرمایه  
و فائده سی مشترک اولمق اوزره عقد شرکتدن عبارتدر

۱۳۳۰ ماده

شرکت عقدك رکنی لفظا یا خود معنی ایجاب و قبولدر

مثلاً بر کیمسه دیگر کیمسه به شو قدر غروش سرمایه ایله  
 اخذ و اعطا ایتک اوزره سنکله شریک اولدم دیوبده  
 دیگری دخی قبول ایتدم دیسه لفظاً ایجاب و قبول ایله  
 شرکت منعقد اولور . واکر بریسی دیگرینه بیسک  
 غروش و یروب و بونک اوزرینه سنده بیسک غروش قوی  
 و مال اشترایت دیوبده دیگری دخی انک دیدیکی کبی  
 یاپسه معنی قبول ایتیش اولمغله شرکت منعقد اولور

۱۳۳۱ ماده

شرکت عقد . ایکی قسمه تقسیم اولنور . شویله که  
 شریکارا کر بینلرنده مساوات تامه اولمق شرطیله عقد  
 شرکت ایدرک سرمایه شرکت اوله بیله جک ماللرینی  
 شرکتته ادخال ایتدکاری حالده مقدار سرمایه لری  
 و ربحدن حصه لری متساوی اولورسه شرکت مفاوضه  
 اولور

نته کیم بر کیمسه وفات ایدوبده اوغلاری پدردن قالان  
 مجموع اموالی سرمایه اتخاذا ایدرک هر درلو مال آلوب  
 صاتمق و ربیحی بینلرنده مساوات اوزره عقد شرکت  
 مفاوضه ایده یلور فقط بویله مساوات تامه اوزره شرکتک  
 وقوعی نادر اولور

واکر مساوات تامہ شرط ایڈمکسٹریژن عقد شرکت  
ایدرلر ایسہ شرکت عنان اولور

۱۳۳۲ مادہ

شرکت کرک مفاوضہ و کرک عنان اولسون یا شرکت  
اموال و یا شرکت اعمال و یا خود شرکت و جوہدر  
شویله کہ شریکرا کر اورتہیہ سرمایہ اولق اوزرہ  
بر مقدار مال فویوبده بر لکده یا خود آرو آرو و یا خود  
مطلقا اخذ و اعطا ایتک و حاصل اوله جق ربھی  
بینلرنده تقسیم ایتک اوزرہ عقد شرکت ایدرلر ایسہ  
شرکت اموال اولور

واکر عمللرینی سرمایہ ایڈوبده آخردن ایش تقبل یعنی  
تعهد و التزام ایدرک حاصل اوله جق کسبی یعنی اجرتی  
بینلرنده تقسیم ایتک اوزرہ عقد شرکت ایدرلر ایسہ  
شرکت اعمال اولور . بوکا شرکت ابدان و شرکت  
صنایع و شرکت تقبل دخی دنیلور . ننه کیم ایکی درزینک  
یا خود بر درزی ایله بر بو یا جینک شریک اولمیری کبی  
واکر سرمایہ لری اولدیغی حالده کندی اعتبار لریله  
ویره سیله مال آلوب صاتہرق حاصل اوله جق ربھی  
بینلرنده تقسیم ایتک اوزرہ عقد شرکت ایدرلر ایسہ  
شرکت وجوه اولور

## ( فصل ثانی )

( شرکت عقدك شرائط عمومیه سی بیانده در )

ماده ۱۳۳۳

شرکت عقدك هر قسمی و کالتی متضمندر  
شویله که شریک کردن هر بری تصرفده یعنی الوب  
صائمده و آخردن اجرته ایش تقبل اتمکده دیگر بنک  
و کیلیدر

بناء علی ذلك و کالنده عقل و تمیز شرط اولدیغی کبی  
علی العموم شرکنده دخی شریکک عاقل و ممیز اولمیری  
شرطدر

ماده ۱۳۳۴

شرکت مفاوضه کفالتی دخی متضمندر  
بناء علیه مفاوضک کفالتله اهلیتری دخی شرطدر

ماده ۱۳۳۵

شرکت عنان یا لکز و کالتی متضمن اولوب کفالتی متضمن  
دکدر

بناء علیه حین عقدنده کفالت ذکر اولمدیغی صورتده  
شریککریکدییکریک کفیلی دکدر • بوجهتله صبی مأذون  
دخی عقد شرکت عنان ایده یلور



اما شرکت عنانك حين عقدنده كفالت ذكر اولنديغي  
تقديرده شريكلر يكديكرك كفيلى اولور  
ماده ۱۳۳۶

شريكلر بيننده ربحك نه وجهاه تقسيم اولنده جعي بيان  
اولتقى شرطدر • مبهم ومجهول قالمورسه شركت فاسد  
اولور  
ماده ۱۳۳۷

شريكلر بيننده تقسيم اولنده جق ربحك حصه لري نصف  
وثلث وربع كبي جزء شايع اولق شرطدر • شريكلردن  
برينه ربجدن مقطوعا شو قدر غروش ويرلك اوزره  
مقاوله اولنسه شركت باطل اولور

( فصل ثالث )

( شركت اموالك شرائط مخصوصه سي بياننده در )  
ماده ۱۳۳۸

سرمايه نك نقود قبيلندن اولسي شرطدر  
ماده ۱۳۳۹

رايج اولان باقر سكه عرفا نقوددن معدود در  
ماده ۱۳۴۰

مسكوك اوليان التون وكومش ايله معامله بين الناس

عرف و عادت ایسه بونلر دخی نقود حکمنده اولورلر .  
 دکل ایسه عروض حکمنده در لر  
 ماده ۱۳۴۱

سرمایه نك عین اولسی شرطدر . دین یعنی ذم فاسده  
 اولان اله جق سرمایه شرکت اوله ماز  
 مثلا ایکی کیمسه آخر کیمسه ذمتنده اولان اله جق لرینی  
 سرمایه اتخاذا ایدو بده انك اوزرینه عقد شرکت  
 ایده مز لر . و برینک سرمایه سی عین و دیگرینک سرمایه سی  
 دین اولسه ینه شرکت صحیح اولماز  
 ماده ۱۳۴۲

عروض و عقار کبی نقوددن معدود اولمیان اموال  
 اوزرینه عقد شرکت صحیح اولماز یعنی بونلر سرمایه  
 شرکت اوله ماز

مکرکه ایکی کیمسه بویله نقود قبیلندن اولمیان مال لرینی  
 سرمایه شرکت ایتک استدلارنده هر بری مالنک نصفنی  
 دیگرینه صانوبده اشتراک لری حاصل اولدقدن صکره  
 بو مال مشترک لری اوزرینه عقد شرکت ایده بیلورلر  
 نته کیم ایکی کیمسه مثلایندن اولان بر نوع مال لرینی مثلا  
 بر مقدار بغدادیلرینی بکدیگرینه قارشدیرو بده بیلنرنده  
 شرکت مالک حاصل اولدقدن صکره اشبو ماز

مخلوطی سرمایه اتخاذ ایدرک انک اوزرینه عقد شرکت

ایده بیلور

ماده ۱۳۴۳

برینک بارگیری و دیگرینک اکر طاقی اولوبده بونلری  
ایجار ایله حاصل اولان اجرتی بینلرنده تقسیم اتمک  
اوزره شریک اولسهلر شرکت فاسد اولوب اجرت  
حاصله بارکیر صاحبنه عائد اولور . و اکر طاقی  
بارگیریه دخیل و تابع اولغله صاحبی اجرتدن حصه دار  
اوله میوب انجق اکرینک اجر مثلنی الور

ماده ۱۳۴۴

برینک دابه سی اوزرینه دیگریمی امتعه سنی تحمیل ایله  
کزدیروب صاتمق و ربجی بینلرنده مشترک اولمق اوزره  
شریک اولسهلر شرکت فاسد اولوب حاصل اولان کار  
امتعده صاحبنک اولور . دابه صاحبی دخی دابه سنک  
اجر مثلنی الور

دکان دخی دابه کبیدرکه بری دیگرک دکاننده امتعه سنی  
صناتوبده ربجی بینلرنده مشترک اولمق اوزره شریک  
اولسهلر شرکت فاسد اولوب امتعه نک ربجی صاحبنه  
عائد اولور . دکان صاحبی دخی دکانک اجر مثلنی  
الور

## ( فصل رابع )

( شرکت عقده متعلق بعض ضوابط حقنده در )

۱۳۴۵ ماده

عمل تقویم ایله متقوم اولور . یعنی ایش تعین قیمت ایله  
قیمتتور . و بر شخصک عملی دیگر شخصک عملده نسبتله  
دها قیمتلو اوله بیلور

مثلا شرکت عنان ایله شریک اولان ایکی کیمسه نک  
سرمایه لری متساوی و ایکینسک دخی عمل ایتسی مشروط  
اولدییی حالده برینه ربحدن فضلده حصه اعطاسی شرط  
قیلنسه جائز اولور . زیرا بریسی اخذ و اعطاسی دها  
ماهر و عملی ازید و انفع اوله بیلور

۱۳۴۶ ماده

ضمان عمل بر نوع عمل در

بناعلیه بر کیمسه دکانه ارباب صنایعدن برینی قویوب  
و تقبل و تعهد ایلدییکی ایشلری اکا کوردیروبدده حاصل  
اوله جق کسبی یعنی اجرتی بندلرنده مناصفة تقسیم  
ایتمک اوزره عقد شرکت صنایع اینسه ل جائز اولور .  
و دکان صاحبک نصف حصه به استحقاقی انجوتی عملی  
ضامن و متهد اولمسایله در شو قدر که بونک ضمنده  
دکانک منفعتنه دخی نائل اولور

۱۳۴۷ ماده

ربحه استحقاق بعضاً مال یا عمل ایله اولدیغی کبی بعضاً  
 دخی (۸۵) ماده حکمنجه ضمان ایله اولور  
 نته کیم مضاربه ده ربحه رب المال مالیه و مضارب عملیه  
 مستحق اولور و ارباب صنایعدن بری یانه برشا کرد  
 الویده تقبل و تعهد ایلدیکی ایشلری نصف اجرتله  
 اکا کوردیرسه جائز اولور و کسبک یعنی ایش صاحب لرندن  
 الزان اجرتک نصفنه اول شا کرد عملیه مستحق اولدیغی  
 کبی استاد دخی عملی ضامن و متعهد اولسایله نصف  
 دیکرینه مستحق اولور

۱۳۴۸ ماده

سالف الذکر امور ثلثه دن یعنی مال و عمل و ضماندن  
 بریسی بولتماز ایسه ربحه استحقاق یوقدر  
 مثلاً بر کیمسه دیکرینه سن مالکله تجارت ایتده ربحی  
 بیتزده مشترک اولسون دیسه شرکتی ایجاب الیز . و  
 بوصورته حاصل اولان ربحدن حصه الهاماز

۱۳۴۹ ماده

ربحه استحقاق انجق عقد شرکته ایراد اولنان شرطه  
 کوره در . اجرا اولنان ایسه کوره دکلد

بناء عليه عمل ايتسى مشروط اولان شريك عمل ايتسه  
 بيله عمل ايتش كبي عد اولنور  
 مثلا شركت صحیحه ايله شريك اولان ايكي كيمسه نك  
 ايكيسی دخی عمل ايتك اوزره شرط ايدلمش اولديغی  
 حالده يالکيز بريسی عمل ايدوبده ديکری بعذر ياخود  
 بغير عذر عمل ايتسه بيله يکديکرك وکيلي اولديغندن  
 شريکنك عمل ايتسيله کندوسی دخی عمل ايتش كبي عد  
 اولنورق کار بينلرنده شرط ايتدکاری وجهله تقسيم  
 اولنور

۱۳۵۰ ماده

شريك يکديکرك امينيدر

هر برينك ينده مال شركت وديعه حکمنده در . بلا تعد  
 و لا تقصير بريسنك ينده مال شركت تلف اولسه  
 شريکنك حصه سنی ضامن اولماز

۱۳۵۱ ماده

شركت اموالده سرمايه شريك بيننده متساويا ياخود  
 متفاضلا مشترك اولور  
 اما برندن سرمايه ديکرنندن عامل اولديغی صورتده اگر  
 ربحي بينلرنده مشترك اولمق اوزره مقاوله اولسه  
 مضاربه اولور . نته کيم باب مخصوصنده کاور

واکر رجحی تماما عاملنه عائد اوله جق ایسه قرض اولور  
 واکر رجحک تماما سرمایه صاحبنه عائد اولسی شرط  
 ایدیلورسه اول سرمایه عاملک یئنده بضاعه و عامل  
 مستبضع اولور

مستبضع ایسه وکیل متبرع حکمنده اولدیغندن کار و  
 زیان تماما مال صاحبنه عائد اولور  
 ماده ۱۳۵۲

شریکاردن بری فوت یاخود جنون مطبق ایله مجنون  
 اولسه شرکت منسوخ اولور

فقط شریکار اوچ یاز یاده اولدیغی صورته شرکتک  
 انفساخنی یا لکز فوت یا مجنون اولان حقنده اولوب  
 دیگر لک یئنده شرکت باقی قالور  
 ماده ۱۳۵۳

شریکاردن برینک فسخینه شرکت منسوخ اولور  
 فقط انک فسخنی دیگرک بیلمسی شرطدر . برینک فسخ  
 ایلدیگی دیگرینک معلومی اولدیجه شرکت منسوخ اولماز  
 ماده ۱۳۵۴

شریکار فسخ شرکت ایدوبده نقود موجوده برینک  
 و ذمده اولان اله جق دیگرینک اولقی اوزره اقسام  
 ایسه لر قسمت صحیح اولماز

بوصورتده نقود موجوده دن بری نه قبض ایسه دیکری  
 ا کا مشارک اولور . ذمده کی اله جق دخی بینلرنده  
 مشترک قالور (۱۱۲۳) ماده یه باق

۱۳۵۵ ماده

شریکلردن بری مال شرکتدن برمقدارینی الویده اعمال  
 ایدرکن مجهلا فوت اولسه ترکه سندن شریکنک حصه سی  
 استیفا اولنور (۸۰۱) ماده یه باق

( فصل خامس )

( شرکت مفاوضه بیاننده در )

۱۳۵۶ ماده

فصل ثانیده بیان اولندیغی اوزره مفاوضلر یکدیگرک  
 کفیلیدر

بناء علیه برینک اقراری کندی حقمده نصل نافذ اولورسه  
 شریکی حقمده دخی اویله جه نافذ اولور

وبری دین اقرار ایتدکده مقرله هر قنغیسندن ایسترایسه

مطالبه ایدر و بیع و شرا و اجاره کبی شرکت جاری اولان

معاملاتدن طولایی مفاوضلردن برینه هر نه درلو بورج

ترتب ایدر ایسه دیکرینه دخی لازم اولور

وبرینک صاندیغی شی عیبله دیکرینه رد اولنه بیلدیکی



کبی برینک اشترا ایلدیکی شیئی دیکری عیبه رد  
ایده بیلور

ماده ۱۳۵۷

مفاوضلدن برینک کندویه واهل وعیالنه الدیغنی  
مأکولات و البسه و سائر حوائج ضروریه کندوسنکدر  
شریکنک انده حتی یوقدر

فقط بایع بونلرک ثمننی دخی بحسب الکفاله شریکندن  
مطالبه ایده بیلور

ماده ۱۲۵۸

شرکت اموالده مفاوضلرک مقدار سرمایه لری وربجدن  
حصه لری متساوی اولوق شرط اولدیغنی کبی برینک  
سرمایه شرکتدن فضلنه سرمایه شرکت اوله بیله جک  
مالی یعنی نقودی یاخود نقود حکمنده اولان اموالی  
اولماق شرطدر

امابرینک سرمایه شرکتدن فضلنه سرمایه شرکت  
اولیه جق مالی یعنی عروض یا عقاری یاخود آخر  
کمننه ذمننده الدیغنی اولسه مفاوضه به ضرر  
ویرمز

ماده ۱۳۵۹

شرکت اعمالده شریکلرک هربری فصل ایش اولورسه

اولسون تقبل والتزام ايده بيلك وعلى السويه على ضامن  
 و متعهد و قائده و ضررده و تساوى و برينه شركت سبيله  
 نه ترتيب ايدرسه ديكرى اكا كفيل اولق اوزره عقد  
 شركت ايدرلسه مفاوضه اولور

بوصورته هر قنغيسندن اولورسه اولسون اجيرو دكان  
 اجرتى مطالبه اولنه بيلور

و انلردن آخر بر كسنه بر متاع دعوى ايدوبده بريسى  
 اقرار ايتدكده ديكرى انكار ايتسه بيله انك اقرارى  
 نافذ اولور

١٣٦٠ ماده

ايكى كيمسه ويره سى به مال الوب صاتمق و مال مشترا  
 و ثمن و ربحى بيلنرنده مناصفة مشترك و هر برى ديكرينه  
 كفيل اولق اوزره عقد شركت ايتسه لر شركت  
 و جوهك مفاوضه سى اولور

١٣٦١ ماده

عقد مفاوضه ده مفاوضه لفظى سويلتمك يا خود  
 مفاوضه نك جميع شرائطى تعداد اولتمق شرطدر  
 على الاطلاق عقد شركت اولنورسه عنان  
 اولور

۱۳۶۲ ماده

بر وجه بالا بو فصلده مذکور اولان شرطلردن بریسی  
بولنمه مفاوضه عنانه منقلب اولور

مثلا شرکت اموالده مفاوضلردن برینک دیدنه ارت ایله  
یا هبه طریقله بر مال یکدکده اکر نقود کبی سرمایه  
شرکت اوله یله جک مال ایسه مفاوضه عنانه منقلب  
اولور . اما عروض و عقار کبی سرمایه شرکت  
اولیان مال ایسه مفاوضه یه ضرر ویرمز

۱۳۶۳ ماده

شرکت عنانک صحتی ایچون هر نه که شرط ایسه  
مفاوضه نک صحتی ایچون دخی شرطدر

۱۳۶۴ ماده

شرکت عنان ایله شریک اولانلر تصریحه هر نه یابه یلور  
ایسه مفاوضلر دخی انی یابه یلور

( فصل سادس )

( شرکت عنان حقنده اولوب اوچ مجتبی حاویدر )

( مجتبی اول )

( شرکت امواله دائر اولان مسائل بیانده در )

۱۳۶۵ ماده

شرکت عنان ایله شریک اولنلرک سرمایه لری متساوی

اولیق شرط دکادر • برینک سرمایہ سی دیکرینک  
 سرمایہ سندن دها زیادہ اولہ پیلور • وهر بریسی بالجمله  
 نقدلرینی سرمایہ یه ادخال ایتمکه مجبور اولمیوب ماللرینک  
 مجموعی یا خود برر مقداری اوزرینه عقد شرکت ایدہ پیلور •  
 بوجهتله سرمایہ لرنندن فضلہ سرمایہ شرکت اولہ پیلہ جک  
 ماللری مثلا نقدلری اولہ پیلور

ماده ۱۳۶۶

عموم تجارت اوزرینه عقد شرکت جائز اولدیغی کبی  
 خاصه برنوع تجارت اوزرینه مثلا ذخیره تجارتمی اوزرینه  
 دخی عقد شرکت اولنه پیلور

ماده ۱۳۶۷

شرکت صحیحده ربحک نوجهتله تقسیمی شرط ایدیلور  
 ایسه هر حالده اول شرطه رعایت اولنور

ماده ۱۳۶۸

شرکت فاسدهده ربح وفائده سرمایہ لرك مقدارینه کوره  
 تقسیم اولنور • شریکلردن برینه فضلہ شرط ایدلش  
 ایسه اکا اعتبار اولنماز

ماده ۱۳۶۹

بلا تعد ولا تقصیر وقوعه کلان ضرر وزیان هر حالده

سرمایه لرك مقدارينه كوره منقسم اولور . ديكر وجهله  
شرط ايدلسه اكا اعتبار اولتماز  
ماده ۱۳۷۰

سرمایه لرك متساوی و كرك متفاضل اولسون  
شريكار كاری بينلرنده سرمايه لرينك مقدارينه كوره  
تقسيم ايتك اوزره شرط ايتسه ل صحیح اولور . و كار  
بينلرنده شرط ايتدكاری وجهله سرمايه لرينك مقدارينه  
كوره تقسیم اولنور . كرك ايكي سنك دخی عمل ايتمی  
شرط اولسون و كرك يالكز برينك عمل ايتمی شرط  
قيلنسون . شوقدر وار كه يالكز برينك عمل ايتمی  
مشروط اولديغی تقدیرده انك ينده ديكر ك سرمايه سی  
بضاعه حكمنده اولور

ماده ۱۳۷۱

شريكار ك سرمايه لری متساوی اولديغی حالده برينه  
ربحدن فضله حصه مثلاً ربحك ثلثانی شرط ايدلسه  
ايكي سنك دخی عمل ايتمی مشروط اولديغی تقدیرده  
شرکت صحیح و شرط معتبر اولور

(۱۳۴۵) ماده به باق

اما يالكز برينك عمل ايتمی مشروط اولديغی تقدیرده  
نظر اولنور . عمل اكر ربحدن حصه سی زياده اولان

شریک اوزرینه شرط ایدلمش ایسه کذلک شرکت صحیح و شرط معتبر اولور . و اول شریک مالیه سرمایه سنک ربحنه و عملیه فضله سنه مستحق اولور فقط انک یئنده شریکنک سرمایه سی مال مضاربه حکمنده اوله رق مضاربه یه شبیه بر شرکت اولور

و عمل اکر ر بحدن حصه سی آز اولان شریک اوزرینه شرط ایدلمش ایسه جائز اولیوب ریح بینلرنده سرمایه لرینک مقدارینه کوره تقسیم اولنور

زیرا ریح اکر شرط ایتدکاری وجهله تقسیم اولنسه عامال اولیمان شریکنک الهجعی فضله مال و عمل و ضماندن برشی مقابل اولماز ربحه استحقاق ایسه انجق بوامور ثلثه دن بریله در (۱۳۴۷) و (۱۳۴۸) ماده لره باق  
ماده ۱۳۷۲

شریکلرک سرمایه لری متفاضل مثلا برینک سرمایه سی یوز بیک و دیگرینک سرمایه سی یوز الی بیک غروش اولدیغی حالده ربحک بینلرنده مساوات اوزره تقسیمی شرط اولنسه سرمایه سی آز اولان کیمسه نک سرمایه سنه نسبتله ر بحدن فضله حصه المسی شرط ایدلمش دیمک اوله جغندن شریکارک سرمایه لری متساوی اولدیغی حالده برینه ر بحدن فضله شرط ایدلمش کبی اولور

بناء عليه ايكيسنك ياخود ربحدن حصهسى زياده يعنى  
 سرمايهسى از اولان شريكك عمل ايتمى شرط ايدلمش  
 ايسه شركت صحيح و شرط معتبر اولور . و اكر  
 يالكز ربحدن حصهسى از يعنى سرمايهسى چوق  
 اولان شريكك عمل ايتمى شرط ايدلمش ايسه جائز  
 اوليوب كار بيلرنده سرمايه لرى مقدار ينه كوره تقسيم  
 اولنور

۱۳۷۳ ماده

شريكك هر برى مال شركتى كرك پشين پاره ايله وكرك  
 ويرهسى يه اوله رق از و چوق بها ايله صماته بيلور

۱۳۷۴ ماده

شريككردن قنغيسى اولور ايسه اولسون ينده شركتك  
 سرمايهسى اولديغى حالده پشين پاره ايله و ويرهسى يه  
 مال اشترا ايد بيلور

فقط غبن فاحش ايله مال اشترا ايدر ايسه الديغى مال  
 كندوسنك اولوب شركتك اولماز

۱۳۷۵ ماده

شريككردن برى ينده شركتك سرمايهسى اولمديغى  
 حالده شركت ايچون مال اشترا ايدمهز . ايدرسه  
 اول مال كندوسنك اولور

ماده ۱۳۷۶

شریک کردن بری تجارتلری جنسندن اولمیان بر شیی کندو  
پارده سیله اشترای ایتدکده اول مال کندوسنک اولوب  
شریکی اندن حصه مند اولماز

اما بریسنک یندنه شرکتک سرمایه سی وار ایکن  
تجارتلری جنسندن اولان بر مالی کندوی پارده سیله اشترای  
ایتسه بیله شرکتک اولور

مثلا قاشجیلیق ایتک اوزره عقد شرکت ایدن ایکی کسنه دن  
بری کندو پارده سیله برآت السه کندوسنک اولوب شریکی  
اول آته حصه دار اولماز . اما بر قاش السه شرکتک  
اولور و آلور ایکن بن قاشی کندم ایچون ایورم شریکمک  
بونده حصه سی یوقدر دیوا اشهاد ایتسه بیله مفید اولیوب  
اول قاش شریکیله یینلرنده مشترک اولور

ماده ۱۳۷۷

حقوق عقد انجق عاقده عاندر

بناء علیه شریک کردن برینک اشترای ایلدیکی مالی قبض ایله  
ثمنی تأدیه ایتک یالکزانک اوزرینه لازم اولور . بو  
جهتله برینک اشترای ایلدیکی مالک ثمنی انجق اندن مطالبه  
اولنوب شریکندن مطالبه اولنده ماز . و کذا شریک کردن  
برینک صاندیغی مالک ثمنی قبض ایتک انجق آنک



حقیق در بوجهتله مشتری ثمنی دیگرینه ویرسه یالکز  
 ثمنی قابض اولان شریکک حصه سندن بری اولوب  
 عاقد اولان شریکک حصه سندن بری اولماز .  
 وینه بوجهتله عاقد اولان شریکک صاندیغی مالک ثمنی  
 قبضه آخر برکیمسه بی توکیل ایتسه شریکی انی عزل  
 ایده مز . اما بیع و شرا و اجاره ایچون شریکلردن  
 برینک توکیل ایتدیکنی دیگر شریکی عزل ایده بیلور  
 ماده ۱۳۷۸

عیب ایله رد دخی حقوق عقددن اولمغله شریکلردن  
 برینک اشترا ایلدیکی مالی دیگرکی عیب ایله رد ایده مز .  
 و برینک صاندیغی مال عیب ایله دیگکینه رد  
 اولنده مز

ماده ۱۳۷۹

شریکلردن هربری مال شرکتی ایداع و ابضاع ایده بیلور .  
 و مضاربه یه ویره بیلور . و عقد اجاره ایده بیلوب  
 مثلا مال شرکتی حفظ ایچون دکان و اجیر استیجار  
 ایده بیلور

اما شریکنک اذنی اولمدیجه مال شرکتی کسندو مالیه  
 خلط و آخر کسنه ایله عقد شرکت ایده مز . ایدوبده

مال شرکت ضایع اولسه شریکنک حصه سنی ضامن  
اولور

۱۳۸۰ ماده

شریکردن بری دیگرینک اذنی اولدجه مال شرکتدن آخر  
کسنه یه اقراض ایده ماز اما شرکت ایچون استقراض  
ایده بیلور • وبری هر نقدر آقچه استقراض ایدر ایسه  
بالاشترک شریکنک دخی بورجی اولور

۱۳۸۱ ماده

شریکردن بری امور شرکت ایچون آخر دیاره کیتدکده  
مصرفنی مال شرکتدن اولور

۱۳۸۲ ماده

شریکردن هر بری دیگرینه رأیکله عمل ایت یاخود  
دیلدیکیکی یاپ دیهرک شرکت ایشنی یکدیگرک رأینه  
نفویض ایتسه هر بری توابع تجارندن اولان ایشلمری  
یاپه بیلور

شویله که مال شرکتی رهن شرکت ایچون ارتهان  
و مال شرکت ایله سفر و مال شرکتی کندنی مالیه خلط  
و آخر کسنه ایله عقد شرکت ایده بیلور

اما مالی اتلاف و بغیر عوض تملیک خصوصلمری  
شریکنک اذن صریحی اولدجه یاپه مز

مثلا شریکنک اذن صریحی اولدقجه مال شرکتدن  
کسنه یه اقراض و هبه ایده مز  
ماده ۱۳۸۳

شریکلردن بری دیکرینی مال شرکتله آخر دیاره کیتسه  
یاخود ویره سی به مال صاتمه دیو نهی ایتمش یکن دیکری  
دکلی و بده آخر دیاره کیتسه یاخود ویره سی به مال  
صاتسه واقع اولان ضرردن شریکنک حصه سنی  
ضامن اولور

ماده ۱۳۸۴

شرکت عنانک معامله لرنده شریکلردن برینک بوج  
اقرار ایتسی دیکرینه سرایت ایتز  
شویله که اول دینک انجق کندو عقد و معامله سی ائله  
اولدیغنی اقرار ایتش ایسه تمامی کندوسنک ایفا ایتسی  
لازم کلور

واکر شریکیله برلکده اجرا ایلدیکی معامله دن طولایی  
بز بوج اولدیغنی اقرار ایتش ایسه نصفنی ادا ایتسی  
لازم اولور

واکر انجق شریکنک اجرا ایلدیکی بر معامله دن طولایی  
بوج اولدیغنی اقرار ایتش ایسه برشی لازم کلز

( بحث ثانی )

( شرکت اعماله دائر اولان مسائل بیانده در )

۱۳۸۵ ماده

شرکت اعمال ایش تقبل ایتمک اوزره عقد شرکتدن عبارتدر

شویله که اجیر مشترک مستأجرین طرفندن طلب و تکلیف اولنان عملک ایفاسنی تقبل یعنی تعهد و التزام ایتمک اوزره عقد شرکت ایدرلر . ضمان عملده کرک متساوی و کرک متفاضل اولسونلر . یعنی کرک علی علی التساوی متعهد و ضامن اولمق شرطیله عقد شرکت ایلسونلر و کرک عملک مثلا ثلثنی بریسی اوزرینه و ثلثانی دیکری اوزرینه شرط ایلسونلر

۱۳۸۶ ماده

شریکلردن هربری ایش تقبل و تعهد ایده بیلور بری تقبل ایده دیکری عمل ایتمک دخی جائز اولور و شرکت صنایع ایله شریک اولان ایکی درزینک بری متاعی قبول ایله کسوب بیچمک و دیکری دیکمک دخی جائزدر

۱۳۸۷ ماده

ایش تقبل ایتمکده شریکار یکدیگرک و کیلیدر  
 بوجهتله برینک تقبل ایلدیکی ایشک ایفاسی هم کندوسنه  
 و همده شریکنه لازم کلور

بناء علی ذلک ضمان عملده شرکت اعمالک عنانی مفاوضه  
 حکمنده در که شریکردن برینک تقبل ایلدیکی ایشک  
 ایفاسنی مستأجر هر قنغیسندن ایستر ایسه ه مطالبه ایدر  
 و شریکردن هر بریسی اول ایشی ایفایی مجبور اولور  
 بریسی بو ایشی شریکم تقبل ایش بن قارشیم دیه من

۱۳۸۸ ماده

اقتضای بدل خصوصنده دخی شرکت اعمالک عنانی  
 مفاوضه حکمنده در

یعنی شریکردن هر بری مستأجر دن تمام اجرتی مطالبه  
 ایده یلور مستأجر دخی هر قنغیسنه ویرسه بری اولور

۱۳۸۹ ماده

شریکردن بری تقبل ایلدیکی ایشی بالذات ایفایه مجبور  
 دکدر ۱۰ دیلرسه کندوسی یاپار و دیلرسه شریکنه یا خود  
 دیگر برینه یاپدر

فقط مستأجر اکر بالذات انک عمل ایتسنی شرط

ایدرسه اول حالده ککندوسنک یاپسی لازم کاور

(۵۷۱) مادینه باق

ماده ۱۳۹۰

شریک کسبی شرط ایتدکاری وجهله تقسیم ایدرلر  
یعنی مساویا تقسیم ایتک اوزره شرط ایتشلر ایسه مساوات  
اوزره تقسیم ایدرلر . واکر متفاضلا مثلا ثلث وثلثان  
وجهله تقسیم ایتک اوزره شرط ایتشلر ایسه ایکیلی برلی  
اوله رق تقسیم ایدرلر

ماده ۱۳۹۱

عملده تساوی وکسبده تفاضل شرط ایدلسه جائز  
اولور

مثلا شریکرتساویا عمل ایتک وکسبی ایکیلی برلی اوله رق  
تقسیم ایتک اوزره شرط ایتسلر جائز اولور . زیرا  
بریبی صنعتده دها ماهر و عمل دها ایی اوله ییلور

ماده ۱۳۹۲

شریکرتضمان عمل ایله اجرتیه مستحق اولورلر  
بناء علیه بری مریض اولوق یا بر طرفه کیتک ویاخود  
بوش طوررق کبی بر وجهله ایشلیوبده یالکرتشریکی  
ایشلسه حاصل اولان کسب و اجرتینه شرط ایتدکاری  
وجهله تقسیم اولور

۲۳۹۳ ماده

شریکردن برینک صنعيله مستأجر فیه تلف یا سقط اولسه  
 دیگر شریکیله بالاشترک ضامن اولورلر  
 و مستأجر مالنی قنغیسنه ایسترایسه تضمین ایتدیرر .  
 و بوزیان شریکار بیننده مقدار ضمانه کوره تقسیم اولنور  
 مثلاً ایشی مناصفة تقبل و تعهد ایتک شرطیله عقد شرکت  
 ایتشلر ایسه زیان دخی یاری یاری به تقسیم اولنور .  
 واکر ثلث وثلثان وجهله عمل تقبل و تعهد ایتک اوزره  
 عقد شرکت ایتشلر ایسه زیان دخی ایکیلی برلی اوله رق  
 تقسیم اولنور

۱۳۹۴ ماده

تقبلده و عملده مشارک اولق اوزره حاکم عقد شرکت  
 ایتسی صحیحدر

۱۳۹۵ ماده

دکان برینک و آلات و ادوات دیگرینک اوله رق ایکی  
 کشی تقبل عمل ایتک اوزره عقد شرکت ایتسه لر صحیح  
 اولور

۱۳۹۶ ماده

برندن دکان و دیگرندن عمل اولق اوزره ایکی کشی عقد  
 شرکت صنایع ایتسه لر صحیح اولور (۱۳۴۶) ماده یه باق

۱۳۹۷ ماده

برينك بر استرى و ديكرينك بر دوهسى اولوبده انلرله  
 حوله نقلنى متساويا تقبل وتعهد ايتك اوزره عقد  
 شركت اعمال ايتسه لر صحيح اولور . وحاصل اولان  
 كسب واجرت بينلرنده مناصفة تقسيم اولنور . دوه  
 يوكنك زياده اولسونه باقلماز . زيرا شركت اعمالده  
 شريكار ضمان عمل ايله بدله مستحق اولور لر

اماتقبل عمل اوزرينه عقد شركت اولنميو بده استرودوهين  
 عينا ايجار ايتك وحاصل اولان اجرتى بينلرنده تقسيم  
 ايتك اوزره شريك اولسه لر شركت فاسد اولوب  
 استرودوه دن قنغيسى ايجار اولنور ايسه اجرتى صاحبنه  
 عائد اولور . فقط ديكرى تحمىل ونقلده اكا اعانه ايتمش  
 ايسه غملىك اجر مثلنى الرر

۱۳۹۸ ماده

بر كيمسه كندوسنك عيالنده بولنان او غمليه بر لكده اوله رق  
 اجراى صنعت ايلسه كسبك كافهسى اول كيمسه نك اولور  
 و اوغلى معين صايلاور

نته كيم بر كيمسه اغاچ غرس ايدر كن عيالنده اولان اوغلى  
 اكا اعانه ايتسه اغاچ اول كيمسه نك اولوب اوغلى اكا  
 شارك اولماز



( مبحث ثالث )

( شرکت وجوهه دائر اولان مسائل بیانده در )

۱۳۹۹. ماده

شریکک مال مشتری علی التساوی حصه دار اولمری  
شرط دکدر

مثلا الدقلمری مال بینلرنده نصفیت اوزره اوله بیلدیکی  
کبی ایکیلی برلی اولمق دخی جائز اولور  
۱۴۰۰. ماده

شرکت وجوهده ربجه استحقاق انجق ضمان ایله در  
۱۴۰۱. ماده

مال مشتری انک ضمان ثمنی شریکک مال مشتری کی حصه لینه  
کوره در

۱۴۰۲. ماده

شریککدن هر برینک مال مشتری حصه سی نقدر ایسه  
ربجدن حصه سی دخی او قدر اولور  
واکر برینه مال مشتری کی حصه سندن فضله شرط  
ایدسه شرط لغو اولور

وربح بینلرنده مال مشتری کی حصه لینه کوره تقسیم اولنور  
مثلا الدقلمری اشیانک بینلرنده یاری به اولسنی شرط

اید رلر ایسه ربح دخی یاری یاری یه اولور  
 واکر ایکیلی برلی اولوق اوزره شرط ایدرلرسه ربح دخی  
 ایکیلی برلی اولور

اما الدقلری اشیانک نصفیت اوزره اولسی مشروط  
 اولدیغی حالده ربحک ثلث وثلشان وجهله تقسیمنی شرط  
 ایتسه لر بو شرطه اعتبار اولمییوب ربح بینلرنده مناصفة  
 تقسیم اولنور

۱۴۰۳ ماده

ضرر و زیان هر حالده شریکک مال مشتراده کی حصه لرینه  
 کوره تقسیم اولنور . عقد شرایه کک برلکده مباشرت  
 ایتسونلر و کک یالکز بریسی مباشرت ایلسون

مثلا شرکت وجوه ایله شریک اولان ایکی کیسه اخذ  
 واعطالرنده متضرر اولدقلری صورتده اکر مال مشترا  
 بینلرنده نصفیت اوزره اولوق شرطیله عقد شرکت ایتشلر  
 ایسه ضرر و زیان دخی مساوات اوزره تقسیم اولنور .

واکر مال مشتراده ثلث وثلشان وجهله حصه دار اولوق  
 شرطیله عقد شرکت ایتشلر ایسه ضرر و زیان دخی ایکیلی  
 برلی اوله رق تقسیم اولنور . ضرر ایتدکاری مالی  
 کک برلکده صاتون السونلر و کک بریسی شرکت ایچون  
 صاتون المش اولسون

( باب سابع )

( مضاربه حقه اولوب اوچ فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( مضاربه نك تعريف و تقسیم بیانده در )

۱۴۰۴ ماده

مضاربه • بر طرفدن سرمایه و دیگر طرفدن سعی و عمل  
اولمق اوزره بر نوع شرکتدر • سرمایه صاحبنه  
رب المال و عامله مضارب دینلور

۱۴۰۵ ماده

مضاربه نك ركنی ایجاب و قبولدر

مثلا رب المال مضاربه شو سرمایه بی آل ربھی بینزده  
یاری یاری به یاخود ایکیلی برلی تقسیم اولمق اوزره  
مضاربه سعی و عمل آیت دیسه یاخود شو پاره لری آل  
و سرمایه آیت ربھی بینزده شو نسبت اوزره مشترک  
اولسون دیمک کبی مضاربه معناسنی افاده ایدر برسوز  
سویلسه و مضارب دخی قبول ایلسه مضاربه منعقد اولور

۱۴۰۶ ماده

مضاربه ایکی قسمدر • بری مضاربهء مطلقه • و دیگری  
مضاربهء مقیده در

۱۴۰۷ ماده

مضار بهء مطلقه • زمان و مکان و برنوع تجارت، ایله  
 و بايع و مشـتری بی تعیینله مقید اولمیان مضار به در •  
 و بونلردن بریله تقید اولنورسه مضار بهء مقیده اولور  
 مثلا فلان وقت یا فلان یرده یاخود فلان جنس مال آل،  
 صات و یاخود فلان کیمسه لر ایله یا فلان بلده اهالیسیله  
 آلس و یرش ایت دیسه مضار بهء مقیده اولور

( فصل ثانی )

( مضار به نك شروطی بیانده در )

۱۴۰۸ ماده

رب المالك توكيله و مضار بك و كالته اهلیتلی شرطدر

۱۴۰۹ ماده

رأس المالك سرمایهء شرکت اوله یله جك مال اولمی  
 شرطدر • ( باب شرکت عقدك فصلی ثالثه باق ) -  
 بناء علی ذلك عروض و عقار ایله ذم ناسده اولان  
 آله جق مضار به ده رأس المال اوله ماز

فقط رب المال اکر عروضدن برشی و یروده بونی صات  
 و ثمنیه مضار بهء عمل ایت دیسه و مضارب دخی قبول  
 و قبض ایدرك اول مالی صاتوب و بدلی اولان نقوددی

سرمایه ایدو بده آتش ویرش ایلسه مضار به صحیح  
اولور

کذلت فلانک ذمتنده آله جـ غم اولان شو قدر غروشی  
قبض ایتده مضار به یولنده قوللان دیسه و اودخی قبول  
ایتسه صحیح اولور

۱۴۱۰ ماده

سرمایه نك مضار به تسلیم اولنمسی شرطدر

۱۴۱۱ ماده

شرکت عقدکی مضار به ده دخی رأس المالك معلوم  
اولنسی و عاقدینک ر بحدن حصه لری نصف و ثلث کی  
بر جزء شایع اوله رق تعیین ایدلمسی شرطدر

فقط علی الاطلاق شرکت تعبیر اولنسه مثلا ربخی بینزده  
مشارك اولسون دینلسه مساواته مصروف اولور  
و رب المال ایله مضارب بیننده ربج یاری یاری به تقسیم  
اولنور

۱۴۱۲ ماده

بالاده مذکور اولان شرطلردن بری بولنسه مثلا عاقدینک  
حصه لری جزء شایع اوله رق معین اولیوبده برینه ربحدن  
شو قدر غروش ویرلک اوزره قطع و تعیین اولنسه  
مضار به فاسد اولور

## ( فصل ثالث )

## ( مضار به نك احكامی بيانده در )

۱۴۱۳ ماده

مضارب اميندر . انك يدينده سرمايه و ديجه حكمنده در  
و سرمايه ده تصرف ايتمی جهته رب المالك و كيليدر .  
و كار ايدرسه انده شريك اولور

۱۴۱۴ ماده

مضارب بهء مطلقه ده مضارب مجرد عقد مضارب به ايله  
مضارب به نك لوازم و تفردا تنیدن اولان ايشلمری يابمغه  
مأذون اولور

شويله كه اولا صاتوب كار ايتك ايچون مال اشترا  
ايده بيلور . فقط غبن فاحش ايله مال اشترا ايدرسه  
كندوسی ايچون المش اولور . مضاربه حسابنه داخل  
اولماز

ثانياً كرك پشين پاره ايله و كرك ويره سي به اوله رق  
آز و چوق بهما ايله مال صاته بيلور . فقط بين التجار  
عرف و عادت اولديغي مرتبه مهلت ويره بيلور يوخسه  
بين التجار معروف اولميان اوزون مدت ايله مال صاته ماز  
ثالثاً صاتديغي مالك ثمننی حواله قبول ايده بيلور

رابعاً آخر کسنتی بی بیع و شرایه و کیل ایدہ پیلور  
 خامساً مال مضار بہ بی ایداع و ابضاع و رهن و ارتھان  
 و ایجار و استیجار ایدہ پیلور  
 سادساً آلس و یرش ایتک اوزرہ آخر بلدہ یہ  
 کیدہ پیلور

۱۴۱۵ مادہ

مضار بہء مطلقہ دہ مال مضار بہ بی مضارب کندی مالیلہ  
 قارشدر مغہ و مضار بہ یہ و یر مکہ مجرد عقد مضار بہ ایلہ  
 مأذون اولماز

فقط مضار بلرک مال مضار بہ بی کندی مالاری ایلہ  
 قارشدر ملری عادت اولان بلدہ دہ ایسہ مضار بہء مطلقہ دہ  
 مضارب ا کا دخی مأذون اولور

۱۴۱۶ مادہ

ا کر مضار بہء مطلقہ دہ رب المال مضار بہ رأیکلہ عمل  
 ایت دیہرک مضار بہ امورینی انک رأینہ تقویض الملش  
 ایسہ مضارب ہر حالہ مال مضار بہ بی کندی مالیلہ  
 قارشدر مغہ و مضار بہ یہ و یر مکہ مأذون اولور

اما مال مضار بہ دن ہبہ و اقراض ایتککہ و سرمایہ دن  
 زیادہ بورج التہ کیر مکہ بوصورتہ دخی مأذون

اولیوب بونلرک اجراسی رب المالك اذن صریحنه  
موقوفدر

۱۴۱۷ ماده

مضارب کندی مالیه مال مضارب به بی قارشدردیغی  
صورتده حاصل اولان ربیحی سرمایهلرک مقدارینه کوره  
تقسیم ایدر

یعنی کندی سرمایهنک فائدهسنی کندوسی آاور و مال  
مضارب به نک فائدهسی رب المال ایله بینلرنده شرط ایتدکلری  
وجهله تقسیم اولنور

۱۴۱۸ ماده

رب المالك اذنیله مضاربك سرمایهدن زیاده اولهرق  
ویرهسی به الدیغی مال ایکیسی بیننده شرکت وجوه ایله  
مشترک اولور

۱۴۱۹ ماده

مضارب اکر مضارب به ایشیله بولندیغی بلدهدن بشقه  
یره کیدرسه قدر معروف مصرفنی مال مضارب بهدن آلور

۱۴۲۰ ماده

مضاربده مقیده ده رب المالك قید وشرطی نه ایسه  
مضاربك اکارعایت ایتسی لازمدر



۱۴۲۱ ماده

مضارب اگر مأذونیتک خارجنه چیقار و شرطه مخالفت  
ایدر ایسه غایب اولور و بوحالده ایتدیکی آلس و یرشک  
کار و ضرری کندوسنه عائد اولور . و مال مضاربه  
تلف اولورسه ضامن اولور

۱۴۲۲ ماده

رب المال اگر مال مضاربه ایله فلان محله کیمه یاخود  
ویرهسی به مال صاتمه دیو نهی ایتمش-یکن مضارب اکا  
مخالفت ایدرک مال مضاربه ایله اول محله کیدو بده  
مال مضاربه تلف اولسه یاخود ویرهسی به مال صاتو بده  
پارهسی باتسه مضارب ضامن اولور

۱۴۲۳ ماده

رب المال مضاربه بی روقت معین ایله توقیت ایتدکده اول  
وقتک یکمسیله مضاربه منفسخ اولور

۱۴۲۴ ماده

رب المال مضاربه بی عزل ایتدکده عزلی اکا بیلدیرمسی لازم  
کلور

مضارب کندوسنک عزله واقف اولنجیه دک واقع اولان  
تصرفاتی معتبر اولور

وعزله واقف اولدقن صکره النده کی نقوده تصرف

ایده مز اما النده نقوددن بشقه مال بولنورسه انی صاتوب  
نقده تبدیل ایده بیلور

۱۴۲۵ ماده

مضارب انجق عملی مقابله سنده ربحه مستحق اولور  
عمل ایسه انجق عقد ایله متقوم اولور . بناء علیه عقد  
مضاربه ده مضاربه نه مقدار شرط ایلمش ایسه اکاکوره  
ربحدن حصه آلور

۱۴۲۶ ماده

رب المالك ربحه استحقاقی مالی ایله در  
بناء علیه مضاربه فاسده ده ربحك مجموعی اکاعائد  
اولور . ومضارب انك اجیری منزله سنده اولوب  
اجر مثل آلور . فقط حین عقده شرط ایتدکاری  
مقداری تجاوز ایده مز . ورمح یوق ایسه اجر مثله دخی  
مستحق اولماز

۱۴۲۷ ماده

مال مضاربه دن برمقداری تلف اولسه اول امرده ربحدن  
محسوب اولنوب رأس الماله سرایت ایتدیرلمز  
واکر ربحك مقدارینی تجاوز ایدوبده رأس الماله سرایت  
ایدورسه مضارب انی ضامن اولماز . مضاربه کرک صحیح  
اولسون وکرک فاسد اولسون

۱۴۲۸ ماده

ضرر و زیان هر حالده رب الماله عائد اولور . و مضارب  
ایله بینلرنده مشترک اولسی شرط ای دیلورسه اول شرطه  
اعتبار اولتماز

۱۴۲۹ ماده

رب المال یا مضارب فوت یا خود جنون مطبق ایله مجنون  
اولسه مضاربه منفسخ اولور

۱۴۳۰ ماده

مضارب مجهلا فوت اولسه ترکه سندن ضمان لازم کلور  
(۸۰۱) و (۱۳۵۵) ماده لره باق

( باب ثامن )

( مزارعه و مسافات بیاننده اولوب ایکی فصله )

( منقسمدر )

( فصل اول )

( مزارعه بیاننده در )

۱۴۳۱ ماده

مزارعه . بر طرفدن اراضی و دیگر طرفدن عمل یعنی  
زراعت اوله رق حاصلات بینلرنده تقسیم اولتمق اوزره  
برنوع شرکتدر

۱۴۳۲ ماده

مزارعه نك ركنی ایجاب و قبولدر  
 شویله که اراضی صاحبی عامله یعنی چفتجی به بوری  
 حاصلاتدن شو قدر حصه اولق اوزره سکا مزارعه  
 وجهله ویردم دیوبده چفتجی دخی قبول ایتدم یا راضی  
 اولدم دیسه یا خود رضاسنه دلالت ایدر برسوزسویلسه  
 ویاخود چفتجی یر صاحبنه بن سنک یرکده مزارعه  
 وجهله عمل ایدیم دیوبده اودخی راضی اولسه مزارعه  
 منعقد اولور

۱۴۳۳ ماده

مزارعه ده عاقدینک ناقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی  
 شرطدکلدر . بناء علیه صبی مأذون دخی عقد مزارعه  
 ایده یلور

۱۴۳۴ ماده

زرعک یعنی نه اکیله جکسکک تعیینی یاخود چفتجی هر نه  
 دیلرسه اکک اوزره تعمیمی شرطدر

۱۴۳۵ ماده

حین عقده چفتجینک حاصلاتدن اولق اوزره حصه سی  
 نصف وثلث کبی جزء شایع اوله رق تعیین اولنق  
 شرطدر

واکر حصہ سی تعیین اول نماز یا خود حاصلاتدن بشقہ  
 برشی و برلک اوزرہ تعیین قیلنور و یا خود حاصلاتدن  
 شو قدر کیلہ دیو قطع اولنور ایسہ مزارعہ صحیح  
 اولماز

۱۴۳۶ مادہ

یرک زرعه صالح اولسی و چقجی به تسلیم ایلمسی شرطدر  
 ۱۴۳۷ مادہ

بالادہ مذکور اولان شرطلردن بری بولنماز ایسہ مزارعہ  
 فاسد اولور

۱۴۳۸ مادہ

مزارعہ صحیحہ عاقدین نصل شرط ایتدیلم ایسہ  
 حاصلاتی بینلرنده اولوجہله تقسیم ایدرلر

۱۴۳۹ مادہ

مزارعہ فاسدہ حاصلات کاملاتخم صاحبک اولور  
 دیگرری بر صاحبی ایسہ یرینک اجرتنی آلور . واکر  
 چقجی ایسہ اجر مثل آلور

۱۴۴۰ مادہ

اکین یشیل ایکن بر صاحبی فوت اولسه اکین یتشجیہ  
 قدر چقجی ایسنه دوام ایدر . متوفانک وارثلری اکا  
 مانع اوله ماز

واگر چفتجی فوت اولسه کندوسنک وارثی انک مقامنه  
 قائم اولوب دیلر سه ا کین یتشجیه د کین زراعت ایشنه  
 دوام ایلر . یر صاحبی ا کا مانع اوله ماز

( فصل ثانی )

( مساقات بیاننده در )

۱۴۴۱ ماده

مساقات . بر طرفدن اشجار و دیگر طرفدن تربیه اولق  
 و حاصل اولان میوه بینلرنده تقسیم اولمق اوزره بر نوع  
 شرکتدر

۱۴۴۲ ماده

مساقاتک رکنی ایجاب و قبولدر

شویله که اشجار صاحبی میوه سندن شو قدر حصه  
 اولق اوزره مساقات وجهیله شو اشجاری سکا و یردم  
 دیوب عامل یعنی اول اشجاری تربیه ایده جک اولان  
 کیمسه دخی قبول ایتسه مساقات منعقد اولور

۱۴۴۳ ماده

عاقدینک عاقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی شرط  
 دکلدر

۱۴۴۴ ماده

مزارعه ده اولدیغی کبی عقد مساقانده دخی عاقدینک

حصه لری نصف وثلث کبی جزء شایع اوله رق تعیین

اولنق شرطدر

۱۴۴۵ ماده

اشجارک عامله تسلیمی شرطدر

۱۴۴۶ ماده

مساقت صحیحده عاقدین بینلرنده شرط ایتدکری وجهله

میوه بی تقسیم ایدرلر

۱۴۴۷ ماده

• مساقت فاسدهده حاصل اولان میوه تماماً اشجار صاحبک

اولور • عامل دخی اجر مثل آلور

۱۴۴۸ ماده

میوه خام ایکن اشجار صاحبی فوت اولسه میوه یتشنجیه

قدر عامل ایشنه دوام ایدر • متوفانک وارثلری اکا

مانع اوله ماز

واکر عامل فوت اولسه وارثی انک مقامنه قائم اولوب

دیلسه ایشنه دوام ایدر • اشجار صاحبی اکا مانع

اوله ماز

اراده سنیه تاریخی فی ۱۶ جادی الاخره سنه ۱۲۹۱

ناظر معارف عمومیه

امین الفتوی

احمد جودت

السید خلیل

قاضی دار الخلافۃ العلیہ

مفتی دارشورای عسکری

سابقا سیف الدین

احمد خلوصی

عن اعضاء دیوان احکام

عن اعضاء مجلس تدقیقات

عدلیہ احمد حلی

شرعیہ احمد خالد



— ❖ كتاب الوكالة ❖ —

✽ صورت خط همایون ✽

( موجبنجه عمل اولنه )

( کتاب حادی عشر )

( وکالت حقننده اولوب بر مقدمه ایله اویج بابی مشتملدر )  
( مقدمه )

( بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده در )

۱۴۴۹ ماده

وکالت . بر کیمسه ایشنی بشقه سنه تفویض ایتمک و اول  
ایشده انی کندو برینه اقامه ایتمکدر

اول کیمسه به موکل و برینه اقامه ایلدیکی کیمسنده و کیل  
و اول ایشه موکل به دینلور

۱۴۵۰ ماده

رسالت . بر کیمسه تصرفده دخلی اولمق سزین بر کیمسنه نک  
سوزینی دیکره تبلیغ ایتمکدر

اول کیمسنده رسول و اول کیمسنده مرسل و دیکرینه  
مرسل ایله دینلور

## ( باب اول )

( وکالتک رکن و تقسیمی بیانده در )

۱۴۵۱ ماده

توکیلک رکنی ایجاب و قبولدر

شویله که موکل شو خصوصه سنی وکیل ایتدم دیو بده  
 وکیل دخی قبول ایتدم دیسه یاخود قبولی مشعر بشقه  
 برسوز سویلسه وکالت منعقد اولور کذلک وکیل برشی  
 سونلیو بده اول خصوصک اجراسنه تشبث ایلسه دلالة  
 وکالتی قبولی ایتش اولغله تصرفی صحیح اولور

اما بعدالایجاب وکیل رد ایتسه ایجابک حکمی قالماز

بناء علیه موکل بوخصوصه سنی وکیل ایتدم دیو بده  
 وکیل اوله جق کسنه قبول ایتم دیو رد ایلدکنصکره  
 موکل بهک اجراسنه مباشرت ایلسه تصرفی صحیح اولماز

۱۴۵۲ ماده

اذن و اجازت توکیلدر

۱۴۵۳ ماده

اجازت لاحقه وکالت سابقه حکمنده در

مثلا برکیمسه فضولی آخرک مالنی صائدقندن صکره مال  
 صاحبنه خبرو ووروب اودخنی مجیز اولسه اولجه انی وکیل  
 ایتش کبی اولور

۱۴۵۴ ماده

رسالت و کالت قبیلندن دکدر

مثلا بر کیمسه یه صراف آچه اقراض ایده جک اولوبده  
 او دخی آچه بی کتورمک اوزره خدمتکارینی کوندرسه  
 خدمتکار اول کسنه نك رسولیدر یوخسه استقراضه و کیلی  
 دکدر

کذلک بر کیمسه نك بر آت اشترا ایتک اوزره جانبازه  
 کوندردیکی شخص اول جانبازه فلان کیمسه سندن فلان  
 آتی صاتون المق ایستبور دیمسی اوزرینه جانباز دخی  
 شو قدر غروشه اولمق اوزره بو آتی اکا صاتم وار اکا  
 س-ویله و آتی تسلیم ایله دیهرک اول شخصه و یروب او  
 دخی منوال مشروح اوزره اول کیمسه یه اتی تسلیم و او  
 دخی همان قبول ایتدکده اول کیمسه ایله جانباز بیننده  
 بیع منعقد اوله رق اول شخص ارده مجرد بررسول  
 و واسطه اولور • یوخسه و کیلی اولماز

و کذلک بر کیمسه قصابه بنم بازاره کیدوب کلان فلان  
 خدمتکاریمه بنم ایچ-ون یومیه شو قدر قیه ات و پر  
 دیوب او دخی بو وجهله ویرسه اول خدمتکار افندیسنک  
 رسولی اولور و کیلی دیمک اولماز

۱۴۵۵ ماده

امر بعضا وکالت و بعضا رسالت قبیلندن اولور  
 مثلا بر کیمسه نك امر یله خدمتکاری بر تاجردن مال اشترا  
 ایلدکده اول کیمسه نك شرایه وکیلی اولور  
 اما اول کیمسه بر تاجر ایله بازارلق ایدوبده مالی الوب  
 کتورمک اوزره خدمتکارینی کوندرسه افندیسنک رسولی  
 دیمک اولوب یوخسه وکیلی اولماز

۱۴۵۶ ماده

رکن توکیل بعضا مطلق اولور  
 یعنی بر شرطه معلق یا بروفته مضاف یا خود بر قید ایله  
 مقید اولماز و بعضا شرطه معلق اولور  
 مثلا فلان تاجر بورایه کلور ایسه بنم شو آتمی صاتمق  
 اوزره سنی وکیل ایتدم دیوبده اودخی قبول ایتسه وکالت  
 اول تاجرک کلمسنه معلق اوله رق منعقد اولور • و اول  
 تاجر کلور ایسه وکیل دخی اول مالی صاته بیلور •  
 والا صاته ماز

و بعضا بروفته مضاف اولور  
 مثلا نیشان آینده بنم حیوانلریمی صاتمغه سنی وکیل ایتدم  
 دیوبده اودخی قبول ایتسه شهر نیشان حلولنده وکیل

اولوب همان اولوقت یا خود اندن صکره اول حیوانلری  
 بالوکاله صاته بیلور اما نیتساندن اول صاته ماز  
 وبعضا برقید ایله مقید اولور  
 مثلا شوساعتمی بیک غروشه صاتمغه سنی وکیل ایتدم  
 دیسه وکیلک وکالتی انی بیک غروشدن اشافی به صاتمماق  
 ایله مقید اولور

( باب ثانی )

( شرط وکالت بیانده در )

۱۴۵۷ ماده

موکلک موکل به اولان ایشی یا پیغمبه مقتدر اولمی  
 شرطدر  
 بناء علیه صبی غیر ممیز ایله مجنونک توکیلی صحیح  
 اولماز

وصبی ممیز حقنده هبه و صدقه کبی ضرر محض اولان  
 ایشلرده ولیسی اذن ویرسه بیله آخری توکیل اینده مز .  
 وقبول هبه و صدقه کبی حقنده نفع محض اولان ایشلرده  
 ولیسنک اذنی اولسه بیله آخری توکیل ایده بیلور .  
 اما بیع و شرا کبی نفع ایله ضرر بیننده دائر و متزدد اولان  
 تصرفاتده اگر اخذ و اعطایه مأذون ایسه بشقه سنی

دخی توکیل ایده بیلور • دکل ایسه توکیل ولیسنک  
اجازته موقوفا منعقد اولور

ماده ۱۴۵۸

وکیلک عاقل و ممیز اولسی شرطدر • بالغ اولسی شرط  
دکدر

بناء علیه صبی ممیز مأذون اولسه بیله وکیل اوله بیلور •  
فقط حقوق عقد اکا عائد اولیوب موکلنه عائد اولور

ماده ۱۴۵۹

برکیمسه بالذات یاپه بیله چکی خصوصلرده و معاملاتده دائر  
اولان هر حقت ایفا و استیفاسنده بشقه سنی توکیل ایده  
بیلور

مثلا برکیمسه بیع و شرا و ایجار و استیجار و رهن و ارتهان  
و ایداع و استیداع و هبه و اتهاب و صلح و ابراه و اقرار  
و دعوی و طلب شفعه و قسمت و ایفا و استیفای دیونه  
و قبض مالیه دیگر برکیمسینی توکیل ایسه جائز اولور  
فقط موکل بهک معلوم اولسی لازمدر

( باب ثالث )

( وکالتک احکامی بیانده اولوب الی فصلی مشتملدر )

( فصل اول )

( وکالتک احکام عمومی بیانده در )

۱۴۶۰ ماده

هبه و اعاره و رهن و ایداع و اقراض و شرکت و مضاربه ده  
و عن انکار صلحده و کیلک عقدی موکلنه مضاف  
قیلمسی لازمدر . موکلنه مضاف قیلناز ایسه صحیح  
اولماز

۱۴۶۱ ماده

بیع و شرا و اجاره ده و عن اقرار صلحده و کیلک عقدی  
موکلنه مضاف قیلمسی شرط دکلدر . موکلنه مضاف  
قیلمیوبده نفسنه اضافت ایله اکتفا ایتمسی دخی صحیح  
اولور . و ایکی صورتده دخی ملکیت انجق موکلنه  
ثابت اولور

فقط عقد اگر موکله مضاف قیلناز ایسه حقوق عقد  
عاقده یعنی و کیله عائد اولور . و اگر موکله مضاف  
قیلمنور ایسه حقوق عقد دخی موکله عائد اولور .  
و بوضورتده وکیل رسول کبی اولور



مثلا وکیل بالبیع عقدی موکله مضاف قیلوبده نفسنه  
 اضافت ایله آکتفا ایدرک موکله برمانی صاندقده مبیعی  
 مشتری به تسلیم ایتکه مجبور اولور و ثمنی مشتریدن طلب  
 و قبض ایده یلور و مال مشترایه بر مستحق چیقوبده بعد  
 الحکم ضبط اولسه مشتری وکیل بالبیعه رجوع ایدر .  
 یعنی ویردیکی ثمنی اندن ایستر

وکیل بالشرا عقدی بو وجهله موکله مضاف قیلقسزین  
 اشترا ایلدیکی مالی قبض ایدر و مال مشترانک ثمنی  
 موکلندن المسه بیله کندی مالندن بایعه و یرمک اوزره  
 جبر اولور . و مال مشتراده عیب قدیم ظهور ایتسه رد  
 ایچون وکیلک مخصوصه به حق اولور . اما وکیل اگر  
 عقدی موکله مضاف قیلش ایسه مثلا فلانک طرفندن  
 بالو کاله صاتم یاخود فلان ایچون الدم زیهرک عقد  
 بیع ایلش اولسه اولخالده آنفا بیان اولنان حقوق عقد  
 هب موکله عائد اولور . و بو صورتده وکیل رسول  
 حکمنده قالور

۱۴۶۲ ماده

رسالنده حقوق عقد مرسله عائد اولور . رسوله اصلا  
 تعلق ایتمز

۱۴۶۳ ماده

بیع و شرا و ایفا و استیفای دینه و قبض عینه و کیل اولان  
 کیسه نك جهت و کالتدن طولایی مقبوضی اولان مال  
 کندی ینده و دیعه حکمنده در . بلا تعد و لاتقصیر تلف  
 اولسه ضمان لازم کلز

جهت رسالتدن طولایی رسولک ینده کی مال دخی کذلک  
 و دیعه حکمنده در

۱۴۶۴ ماده

مدیون بورجنی دائه کوندرو بده قبل الوصول رسول  
 ینده تلف اولدیغی صورتده اکر مدیونک رسولی ایسه  
 مدیونک مالندن تلف اولور و اکر داتک رسولی ایسه  
 داتک مالندن تلف اولوب مدیون بورجندن بری  
 اولور

۱۴۶۵ ماده

برکیسه ایکی کشی بی بردن توکیل ایسه و کیل اولدقلری  
 خصوصده یالکز بریسی تصرف یعنی ایفای و کالت  
 ایده مز

فقط خصوصته یا خود رد و دیعه یه و یا خود قضاء دینه  
 و کیل ایسه لر یالکز بریسی ایفای و کالت ایده بیلور  
 اما برکیسه بی بر خصوصده و کیل ایتد کدنصکره دیگرینی

دخی رأساً او ایشه وکیل ایتدیکی صورتده هر قنغیسی  
ایفای وکالت ایتسه جائز اولور  
۱۴۶۶ ماده

برکیمسه وکیل اولدیغی خصوصده بشقه سنی توکیل  
ایده من

مکرکه موکل ا کا اذن ویرمش ویاخود رأیکله عمل ایت  
دیمش اوله اول حالده وکیل بشقه سنی توکیل  
ایده بیلور

و بو وجهله وکیلک توکیل ایتدیکی کیمسه موکلک و کیلی  
اولور . یوخسه اول وکیلک و کیلی اولماز . حتی  
وکیل اولک عزلیله یاخود وفاتیلله وکیل ثانی منعزل  
اولماز

۱۴۶۷ ماده

ا کر وکالتده اجرت شرط ایدیلوبده وکیل دخی ایفای  
وکالت ایتر ایتسه اجرتیه مستحق اولور . واکر شرط  
ایدیلوبده وکیل دخی اجرت ایله خدمت ایدر . مقوله دن  
دکل ایتسه متبرع اولوب اجرت ایستیه من

( فصل ثانی )

( شرایه وکالت بیاننده در )

۱۴۶۸ ماده

( ۱۴۵۹ ) ماده نك فقره آخره سی حکمجه وکالتك  
ایفاسی قابل اوله جق مرتبه موکل بهک معلوم اولمی  
لازمدر

شویله که موکل اش ترا ایتدیره جکی شیئک جنسنی بیان  
ایتملیدر و جنسک تحتنده اگر انواع متغایره وار ایسه  
یا لکز جنسک بیانی کافی اولمیوب نوعنی یا خود بهاسنی  
دخی بیان ایتک لازم کلور

واگر انه جق شیئک جنسنی بیان اولنماز ایسه یا خود  
جنسنی بیان اولنوب انجق تحتنده انواع متغایره اولدیغنی  
حالده نوعنی یا بهاسنی تعیین قلمناز ایسه وکالت صحیح  
اولماز مکرکه وکالت عامه ایله توکیل ایتمش اوله

مثلا برکیمسه بکا برآت آل دیو دیکرینی توکیل ایتسه  
وکالت صحیح اولور و برکیمسه ائوابلق قاش آلمق  
اوزره برینی توکیل ایده جک اولدوقده جنسنی یعنی  
چتاریمی المق ایستریوخسه بشقه جنس قاشمی ایستر  
بوراسنی بیان ایله برابر شام یا هند قاشی دیو نوعنی

یاخود طوپی شو قدر غرو شلق دیو بهاسنی بیان ایتسی  
 لازمدر . جنسنی بیان ایتمیوبده یالکز بکا بردابه ال  
 یاخود قاش آل دیسه و یاخود مثلا چتاری آل دیوبده  
 نوعنی یا بهاسنی بیان ایتسه وکالت صحیح اولماز فقط  
 بکا برقات روبالق قاش یاخود چتاری آل هر قنخی جنس  
 و یا نوعدن اولورسه اولسون سنک رأیکه مفوضدر  
 دیسه وکالت عامه اولوب وکیل قنخی جنس ونوعدن  
 ایسترایسه الهیلور

۱۴۶۹ ماده

اصلک یا مقصدک و یاخود صنعتک اختلافیه جنس دخی  
 مختلف اولور

مثلا پاموق بزیه کتسان بزنی اصلار ینک اختلاقی سببیه  
 مختلف الجنسدر لر و قیونک یوکی ایله دریبی اختلاف  
 مقصد حسبیه مختلف الجنسدر زیرا دریدن مقصد طلوم  
 یایمق اولوب یوک المقدن مقصد ایسه ایپک یاپوب کایم  
 طوقومق کبی اکا مغایر اولان خصوصلردر . و شار  
 کوی کچه سبیه عشاق کچه سی هب یوآدن معمول اولدقلمی  
 حالده اختلاف صنعت حسبیه مختلف الجنسدر لر

۱۴۷۰ ماده

وکیل اگر جنسده مخالفت ایدرسه یعنی موکل فلان

جندیدن برشی آل دیو بده و کیل بشقه بر جندیدن بر مال  
 آلسه هر نه قدر الدیغی شی دها فائده لو اولسه بیله  
 موکل حقنده نافذ اولماز یعنی وکیلک الدیغی مال کندو  
 اوزرنده قالب موکل ایچون انمش اولماز

۱۴۷۱ ماده

موکل قوج آل دیو بده و کیل دیشی قیون السه موکل  
 حقنده نافذ اولمیوب النان قیون وکیلک اولور

۱۴۷۲ ماده

موکل بکا فلان عرصه بی آل دیو بده اول عرصه اوزرینه  
 ابنیه یاپسه اندن صکره وکیل انی بالو کاله الهماز . اما  
 قلان خانه بی آل دیو بده اول خانه صیوادلسه یاخود  
 اکا بر دیوار علاوه ایدلسه بو حالدیه وکیل انی بالو کاله

الهیلور

۱۴۷۳ ماده

موکل سوت آل دیو بده نه سوتی اولدیغنی تصریح  
 ایتمسه بلده ده معروف اولان سوته سخمول اولور

۱۴۷۴ ماده

موکل پرنج آل دیسه وکیل اولان کیمسه چارشوده  
 صاتیلان هر نوع پرنجدن الهیلور

۱۴۷۵ ماده

بر کیمسه بر خانه المق ایچ-ون دیکرینی توکیل ایده جک  
اولدقده محله سنی و بهاسنی بیان ایتلیدر . بیان ایتمز  
ایسه وکالت صحیح اولماز

۱۴۷۶ ماده

بر کیمسه پر نک اینجو یاخود بر قرمزی یا قوت طاشی المق  
اوزره برینی توکیل ایده جک اولدقده بهاسی قاچ غروشه  
قدر اوله جغنی بیان ایتمسی لازمدر . ایتمز ایسه وکالت  
صحیح اولماز

۱۴۱۷ ماده

مقدراتده موکل بهک مقداری یاخود ثمنی بیان اولنمق  
لازمدر

مثلا بغدادی المق ایچ-ون برینی توکیل ایتدکده قاچ کیله  
اوله جغنی سوئلسی یاخود شر قدر غروشلق بغدادی دیو  
مقدار ثمنی بیان ایلمسی لازم کاور . بیان ایتمز ایسه  
وکالت صحیح اولماز

۱۴۷۸ ماده

موکل بهک وصفی بیان اولنمق لازم دکادر  
مثلا اعلی یا اوسط یا ادنی دیو وصفنک بیانی لازم کلمز

شو قدر که موکل بهک و صفی موکلک حالته موافق اولمق  
لازمدر

مثلا بر باز کیر کیر اجیسی کندوسنه بر بار کیر المق اوزره  
برینی توکیل ایتدکده وکیل کیدو بده یکر می بیک غروشلق  
بر عرب آتی آله مز الور ایسه شراسی موکل حقننده  
نافذ اولماز یعنی اول آت موکل ایچون النمش اولیوب  
وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۷۹ ماده

وکالت بر قید ایله تقیید اولندقدده وکیل اکا مخالفت  
ایده مز ایدر ایسه شراسی موکل حقننده نافذ اولیوب  
الدیغی مال کندو اوزرنده قالور  
قیط موکل حقننده دها فائده لو بر صورتد مخالفت ایدر سه  
معنا مخالفت اولنمز

مثلا بر کیسه فلان خانینی بنم ایچون اونبیک غروشه آل  
دیدکده وکیل دها زیاده اشترا ایتسه موکل حقننده نافذ  
اولیوب اول خانه کندوسنک اوزرنده قالور اما اونبیک  
غروشدن اشاغی ایسه موکل ایچون النمش اولور  
کذلک ویره سی به آل دیوبده وکیل پشین اچجه ایله الهه  
اول مال وکیلک اوزرنده قالور اما پشین اچجه ایله آل  
دیوبده ویره سی به الهه موکل ایچون النمش اولور



۱۴۸۰ ماده

بر کیمسه اشتراسنه وکیل اولدیغی شیئک نصفی اشترا  
ایتدیکی صورتده اکر اول شیئک تبعیضنده ضرر وار  
ایسه شراسی موکل حقنده نافذ اولماز یوق ایسه نافذ  
اولور

مثلا بر طوپ قاش آل دیوبده وکیل یارم طوپ السه موکل  
حقنده نافذ اولمیوب اول مال وکیلک اوزرنده قالور اما  
التي کیله بغدادی آل دیوبده وکیل اوچ کیله السه موکل  
ایچون النمش اولور

۱۴۸۱ ماده

موکل بکا بر جبهه لك چوقه آل دیوبده وکیلک الیدیغی  
چوقه دن جبهه چیمسه شراسی موکل حقنده نافذ اولمیوب  
اول چوقه وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۸۲ ماده

بر شیئک بهاسی بیان اولنمق سزین اشتراسنه وکیل اولان  
کسنه اول شیئی قیمت مثلیه سیله آله بیلدیکی کبی غبن یسیر  
ایله دخی آله یلور

فقط ات و آلك کبی سعر و قیمتی معین اولان ش-یلرده  
غبن یسیر دخی معنو اولماز

اما غبن فاحش ایله آلورسه هر حالده شراسی موکل

حقننده نافذ اولمیوب اول مال ککندوسنک اوزرنده

قالور

۱۴۸۳ ماده

علی الاطلاق اشترا نقود ایله اشترا به مصروف اولور  
بوصورنده بر شیئک اشترا سنه وکیل اولان کیمسه انی بر  
مالی ایله ترانیه ایتسه موکل حقننده نافذ اولمیوب اولشی  
وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۸۴ ماده

بر موسم معینده لزومی اولان شیئی المق ایچون بر کیمسه  
دیگرینی توکیل ایتسه اول موسم مصروف اولور  
مثلا بر کیمسه بر هر موسمده شالی جبه المق ایچون  
برینی توکیل ایتسه او یازین قوللا تلیق اوزره جبه المسی  
ایچون توکیل ایتش اولور موسم کچر کدن صکره یا خود  
کله جاک سنه نك بهارنده السنه موکل حقننده نافذ اولمیوب  
وکیلک الدیغی جبه کندی اوزرنده قالور

۱۴۸۵ ماده

بر معین شیئک اشترا سنه وکیل اولان کیمسه اول شیئ  
کندوسی ایچون اشترا ایدمز و اشترا ایدرکن بن بونی  
کندم ایچون الدم دیسه بیله کندوسنک اولمیوب  
موکلک اولور

مکرکه موکلک تعیین ایتدیکی بهادن زیاده و تعیین بها  
ایتدیکی صورتده غبن فاحش ایله اولورسه اول وقت  
مال و کیلک اولور

و برده موکل حاضر اولدیغی حالده وکیل بن بونی کندم  
ایچون الدم دیرسه اول مال و کیلک اولور

۱۴۸۶ ماده

برکیمسه بکا فلانک آتنی آل دیوبده وکیل لا ونعم رشی  
سویلیکسز بن کیدوب اول آتی اشترا ایتدیکی تقدیرده  
اگر آلورکن موکل ایچون آلام دیرسه موکلک اولور  
واگر کندم ایچون الدم دیرسه کندوسنک اولور

اما یالکز الدم دیوبده کیمک ایچون الدیغنی سویللاه شیکن  
صکره دن موکل ایچون الدم دیدیکی صورتده اگر آت  
تلف یاخود بر عیب حادث اولدن دیمش ایسه تصدیق  
اولنور . و اگر آت تلف یاخود بر عیب حادث اولدقن  
صکره دیمش ایسه تصدیق اولنماز

۱۴۸۷ ماده

برشی المقی اوزره برکیمسه بی ایکی کشی بشقه بشته  
توکیل ایتدیکی صورتده وکیل اول مالی الورکن قنغیسی  
ایچون قصدمراد ایتمش ایسه اول مال ملک اولور

۱۴۸۸ ماده

وکیل بالشرا کندی مالی موکل ایچون صاتسه صحیح اولماز

۱۴۸۹ ماده

وکیلی الدیغی مالی هنوز موکله تسلیم ایتمدن عیبینه  
مطلع اولسه انی کندولکنندن اولهرق رد ایده یلور  
اما موکله تسلیم ایتمکدن صکره انک امر وتوکیلی  
اولقسزین رد ایده مز

۱۴۹۰ ماده

وکیل اکر مالی مؤجل اولهرق اشترا ایلسه موکل حتمده  
دخی مؤجل اولوب وکیل انک ثمننی پشین اولهرق طلب  
ایده مز

اما وکیل پشین پاره ایله اشترا ایتمکدن صکره بایع ثمننی  
تاجیل ایتمسه وکیل ثمننی موکلدن بوجه پشین طلب  
ایده یلور

۱۴۹۱ ماده

وکیل بالشرا ثمننی کندی مالندن و یرو بده مبیعی قبض  
ایتمسه موکله رجوع ایده یلور یعنی ویردیگی ثمننی اندن  
اله یلور . و مال مشترا انک ثمننی هنوز بایعه ویرمامش  
اولسه بیله موکلندن ثمننی طلب و موکل انی ادا ایدنجه دک  
مالی حبس و توقیف ایده یلور

۱۴۹۲ ماده

وکیل بالشرا یدنده مال مشترا قضایا تلف یا ضایع  
اولسه موکلک مالندن تلف اولور و ثمنندن برشی ساقط  
اولماز

فقط وکیل انی استیفای ثمن ایچون حبس ایدوبده  
اول حالده تلف یا ضایع اولسه ثمننی وکیلک ویرمی  
لازمکلور

۱۴۹۳ ماده

وکیل بالشرا موکلک اذنی اولدقجه عقد بیعی اقاله  
ایده من

( فصل ثالث )

( بیعه وکالت حقننده در )

۱۴۹۴ ماده

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیسه موکلنک مالنی  
ازه چوغه یعنی مناسب کوردیکی بها ایله صانه بیلور

۱۴۹۵ ماده

موکل اکر تعیین ثمن ایتمش ایسه یعنی شو قدر غروشه  
صات دیمش ایسه وکیل اندن نقصانه صانه ماز  
• صاتار ایسه بیعی موکلنک اجازتنه موقو فامعقد اولور

و خود بخود نقصانته صاتوبده مالی مشتری به تسلیم  
ایتدکده موکل ا کا اول مالی تضمین ایتدیره بیلور  
ماده ۱۴۹۶

وکیل بالبيع موکل مالی کندوسی ایچون ایسه صحیح  
اولماز  
ماده ۱۴۹۷

وکیل بالبيع کندو لهنده شهادتتری جائز اولمایانلره موکل  
مانی صاته مز مکرکه دکرندن زیاده صاتار ایسه  
بیعی صحیح اولور

ورده موکل اگر دیلدیکک کیسه به صات دیو وکالت  
عاه ایله توکیل ایتش ایسه اول حالده وکیلک انلره دخی  
ثمن مثلله صاتسی جائز اولور  
ماده ۱۴۹۸

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیسه موکل مالی  
پشین اقچه ایله یاخود اول مال حقنده بین النجار معروف  
اولان مدت ایله ویره سی به صاته بیلور . اما عرف  
وعادته مخالف برمدت طویله ایله صاته مز  
ورده صراحة یاخود دلالة بروجه پشین صاتمغه وکیل  
اولسه ویره سی به صاته مز  
مثلا موکل بو مالی بروجه پشین صات یاخود شو مالی

صاته بورجی ویردسه و کیل انی ویره سی به صاته مز

ماده ۱۴۹۹

بر مالک تبعیضنده ضرر وار ایسه و کیل انک نصه فنی

صاته مز یوق ایسه صاته ییلور

ماده ۱۵۰۰

وکیل ویره سی به صاتدیغی مالک ثمنی مقابانده رهن

یا کفیل الهیلور . فقط رهن تلف یا کفیل مفلس اولسه

وکیل ضامن اولماز

ماده ۱۵۰۱

موکل رهن ایله یا کفیل ایله صات دیدکده وکیل

بلا رهن و بلا کفیل صاته مز

ماده ۱۵۰۲

وکیل بالبیع صاتدیغی مالک ثمنی مشتریدن المدیغی

حاله کندی مالندن موکله ادا ایتک اوزره جبه

اولتماز

ماده ۱۵۰۳

ثمن مبیی قبض ایتک و کیلک حق اولسه دخی موکل

قبض ای دیورسه صحیح اولور

ماده ۱۵۰۴

وکیل اگر اجرتسز ایسه صاتدیغی مالک ثمنی

استیفا و تحصیله مجبور دکدر فقط کندو رضاسیله تحصیل  
ایتمیکی تقدیرده موکلنی قبض و تحصیل ثمنه توکیل ایتمسی  
لازم کلور

اما دلال و سمسار کبی اجرت ایله بیعه وکیل اولان کیمسه  
مبیعک ثمننی استیفا و تحصیله مجبوردر  
۱۵۵ ماده

وکیل بالبیع خود بخود بیعی اقاله ایده بیلور  
فقط بو اقاله موکل حقننده نافذ اولیوب وکیلک موکله  
ثمننی ویرمسی لازم کلور

( فصل رابع )

( مآدوره دائر اولان مسائلی بیاننده در )

۱۵۶ ماده

برکیمسه یر شخیصه یاخود میری به اولان دیننی ادا ایتمک  
اوزره دیگر کیمسه به امر ایذوبده اودخی کندنی مالندن  
ایفا ایتمسه صکره آمره رجوع ایدر آمر کرک رجوعی  
شرط ایتمسون و کرک شرط ایتمسون

یعنی کرک صکره بدنن الموق اوزره بورجی ویر یاخود  
سن ویرده صکره بن سکا ویره یم دیمک کبی بر تعبیر ایله  
مأمورک کندوسنه رجوع ایتمسنی شرط ایلمسون و کرک  
یا لکز بورجی ویردیمش اولسون



ماده ۱۵۰۷

کندی مالندن مسکوکات مغشوشه ایله ایله ایفای دینه  
 مأمور اولان کیمسه دائئه مسکوکات خالصه ویرسه آمر دن  
 مسکوکات مغشوشه الور . و مسکوکات خالصه ایله  
 ایفای دینه مأمور اولان کیمسه مسکوکات مغشوشه  
 ایله اداء دین ایتسه آمر دن مسکوکات مغشوشه الور  
 اما بر دینک اداسنه مأمور اولان کیمسه دائئه کندی  
 مالنی صاتوبده آمرک دینه تقاص ایتسه دینک مقداری  
 نه ایسه آمر دن انی آلور . و کندی مالنی دائئه دکرندن  
 زیاده صاتمش اولسه بیله امر مدیون اول زیاده یی  
 دیندن تنزیل ایتدیره مز

ماده ۱۵۰۸

بر کیمسه کندوسی یا خود اهل و عیالی ایچون مصرف  
 ایتک اوزره آخر کسنه یه امر ایتدکدنصکره مصرفنی  
 بن ویره م رجوعی شرط ایتسه بیله اول کسنه قدر  
 معروف مصرفنی آمر دن الور

کذلک خانه می یادر دیو امر ایدوبده مأمور دخی  
 یادر دیغی صورتده رجوعی شرط ایتماش اولسه بیله  
 صرف ایتدیکی قدر معروف مبلغی آمر دن الور

۱۵۰۹ ماده

بر کیمسه فلانه اودونج اچقه یاخود بخشش و یاخود صدقه  
ویر صکره بن سکا ویرهیم دیو آخر کسنه یه امر ایدوبده  
اودخی ویره صکره آمره رجوع ایدر

اما صکره بن سکا ویرهیم یاخود صکره بدن آل دیمک  
کبی رس-وز ایله رجوعی شرط ایتمکسزین یالکز ویر  
دیدیکی صورتده مأمور اکا رجوع ایدهنز . شو قدر  
وارکه مأمور اکر آمرک عیالنده بولتمق یاخود شریکی  
اولق کبی بروجهله بومثلاو خصوص صکره آمره رجوعی  
عرف و عادت ایسه رجوعی شرط ایتماش اولدیغی  
صورتده دخی رجوع ایلر . (۳۶) ماده یه باق

۱۵۱۰ ماده

بر کسنه نك امری انجق کندی ملکی حقننده جاری اولور  
مثلا بر کیمسه شو مالی دکره آت دیوبده مأمور دخی انی  
بشقه سنک مالی اولدیغی بیلهرک آتسه صاحبی او مالی  
اتانه تضمین ایتدیرر مجبر اولدجه آمره برشی لازم کلز

۱۵۱۱ ماده

بر کیمسه بنم شو قدر غروش دینی سن کندی مالندن  
ادا ایت دیو آخر کسنه یه امر ایدوب اودخی وعد

ایتدکنصکره ادادن امتناع ایسه مجرد وعد ایش  
اولسبیله اول مکسند ادای دینه جبر اولتماز  
۱۵۱۲ ماده

آمرک مأمورده الاجعی یاخود امانت اچقه سی اولو بده  
اندن دیننی ادا ایتمک اوزره امر ایلسه مأمور ادای  
دینه جبر اولنور

اما آمر فلان مالی صساتده دیننی ادا ایت دیدیکی  
صورتده مأمور اکر وکیل متبرع ایسه بیله جبر اولتماز  
واکر وکیل بالاجره ایسه اول مالی بیع ایله آمر دیننی  
ادا ایتمک اوزره جبر اولنور

۱۵۱۳ ماده

برکیمسه فلان دائمه ویر دیو آخر مکسندیه بر مقدار اچقه  
ویردیکی صورتده آمرک بشقه دائلری اندن حصه المغه  
صلاحتیلری اولیوب مأمور اول اچقه بی انجیق آمرک  
امر ایتدیکی دانه ویرر

۱۵۱۴ ماده

برکیمسه بورجینی تأدیه ایتمک اوزره بشقه سنه بر مقدار  
اچقه ویروبده مأمور هنوز اول مبلغی دانه اعطا  
یا ارسال و ایصال ایتمدن آمرک فوت اولدیغی معلوم

اولسه اول اچہ آمرک ترکه سنه رحعت ایدر • ودائنک  
ترکیه مراجعتی لازم کاور

۱۵۱۵ ماده

برکیمسه دائنده ویرمک اوزره آخر کیمسنه به بر مقدار اچہ  
ویروب انجق دائنده کی سننیمه ظهریه ایتدیکه ویانخود  
علم و خبر المدقہ اچہ بی تسنیم ایتہ دیونہی ایتمش-یکن  
مأمور ظهریه ایتدیر مکسنین علم و خبر المقسنین اچہ بی  
دائنه ویروب بعدہ دائن انی انکار ایتسه و قبضی اثبات  
اولنه میوبده تکرار اول پاره بی آمر دن السه آمر انی  
مأموره تضمین ایتدیر

( فصل خامس )

( خصوصته یعنی مرافعه به وکالت خقنده در )

۱۵۱۶ ماده

مدعی و مدعا علیھدن هر بری دیلاریکنی خصوصته توکیل  
ایده پیلور دیکرینک رضاسی شرط دکلد

۱۵۱۷ ماده

خصوصته وکیل اولان کیمسه نک موکلی علیھنه اقراری  
اگر حضور حاکنده ایسه معتبر اولور • حضور حاکنده  
دکل ایسه معتبر اولماز • وکنندوسی وکالتدن منعزل اولور

۱۵۱۸ ماده

بر کیمسه آخری خصومه توکیل ایدوبده کندی علیهنه  
اقراری استشا ایلسه جائز اولور

بوصورتده موکلک علیهنه وکیلک اقراری صحیح اولماز  
(۱۴۵۶) مادهنک فقرهٔ اخیره سنه باق

و بوبله اقراره مأذون دکل ایکن حضور حاکمه اقرار  
ایتدیکی صورتده وکالتدن منعزل اولور

۱۵۱۹ ماده

خصومه وکالت قبضه وکالتی مستلزم اولماز  
بناء علیه دعوی وکیلی قبضه دخی وکیل دکل ایسه  
محکوم به اولان مالک بالو کاله قبضه سلاحیتی اولماز

۱۵۲۰ ماده

قبضه وکالت خصومه وکالتی مستلزم اولماز

( فصل سادس )

( عزل وکیله دائر اولان مسائل بیاننده در )

۱۵۲۱ ماده

موکل وکیلانی وکالتدن عزل ایده یلور

فقط غیرک حقی تعلق ایش ایسه عزل ایده مز

نته کیم بر مدیون مالنی رهن ایدوبده حین عقد رهنده

یاخورد صکره دن دینک و عاده سی حلولنده رهنی صاتمق  
 اوزره برینی توکیل ایتدیگی صورتده مرتهنک رضاسی  
 اولدقجه موکل راهن او وکیلی عزل ایده من  
 کذلک مدعینک طلبی اوزرینه مدعی علیه برینی خصوصته  
 توکیل ایتدکده مدعینک غیابنده انی عزل ایده من  
 ۱۵۲۲ ماده

وکیل کندینی وکالتدن عزل ایده بیلور  
 فقط بر وجه بالا غیرک حقی تعلق ایش ایسه عزل  
 ایده میوب ایفی وکالتده مجبور اولور  
 ۱۵۲۳ ماده

موکل وکیلینی عزل ایتدکده وکیلله خبر عزلی واصل  
 اولنجیه دک وکالتی اوزرنده قالور • واولوقته قدر  
 تصرفی صحیح اولور  
 ۱۵۲۴ ماده

وکیل کندوسنی عزل ایتدکده عزلی موکله بیلدیرمه سی  
 لازم کالور و عزلی موکک معلومی اولنجیه ده دک وکالت  
 کندی عهده سنده قالور  
 ۱۵۲۵ ماده

مدیونک غیابنده قبض دینه وکیل اولان کیمسه بی موکلی  
 عزل ایده بیلور اما دائن انی مدیونک حضورنده توکیل

ایتمش ایسه مدیونک علمی لاحق اولدقجه عزلی صحیح اولماز  
 بوصورتده مدیون انک عزلی او کر نمکدن ا کا دینی اعطا  
 ایسه دیندن بری اولور

ماده ۱۵۲۶

موکل بهک خت-امیله وکالت نه-ایت بولور وکیل دخی  
 بالطبع وکالتدن منعزل اولور

ماده ۱۵۲۷

موکلک وفاتیه وکیل منعزل اولور

فقط غیرک حقی تمامق ایتمش ایسه منعزل اولماز

(۷۶۰) مادهیه باق

ماده ۱۵۲۸

موکلک وفاتیه وکیلک وکیلی دخی منعزل اولور

(۱۴۶۶) مادهیه باق

ماده ۱۵۲۹

وکالت موروث اولماز

یعنی وکیل فوت اولدقده وکالتک حکمی قلماز . و بو

جهته وکیلک وارثی انک مقامنه قائم اولماز

ماده ۱۵۳۰

موکلک یا خود وکیلک تبخین ایتمیله وکالت باطل اولور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۰ جادی الاولی سنه ۱۲۹۱

امین الفتوی  
معاون ریاست شورای دولت

السید خلیل

احمد جودت

رئیس دائرة محاکمات  
قاضی دارالخلافة العلیه

سیف الدین

احمد خلوصی

عن اعضای دیوان احکام عدلیه

احمد جملی



— ❦ كتاب الصلح والابرا ❦ —

✽ صورت خط ۵ مایون ✽

( . موجب عمل اولنه )

( کتاب ثانی عشر )

( صلح و ابرا حقننده اولوب بر مقدمه ایله دوت بابی )

( مشتملدر )

( مقدمه )

( بعض اصطلاحات فقهیه بیانده در )

۱۵۳۱ ماده

صلح . بالتراضی نزاعی رفع ایدن بر عقد در که ایجاب

و قبول ایله منعقد اولور

۱۵۳۲ ماده

مصالح . عقد صلح ایدن کسنه در

۱۵۳۳ ماده

مصالح علیه . بدل صلح دیمکدر

۱۵۳۴ ماده

مصالح عننه . مدعی به اولان شیدر

۱۵۳۵ ماده

صلح . اوچ قسمدر . قسم اول عن اقرار صلحدر که

مدعی علیه اقراری اوزرینه واقع اولان صلحدر .

قسم ثانی عن انکار صلحدر که مدعی علیه انکاری  
 اوزرینه واقع اولان صلحدر . قسم ثالث عن سکوت  
 صلحدر که مدعی علیه اقرار و انکار ایتیوب سکوتی  
 اوزرینه واقع اولان صلحدر

ماده ۱۵۳۶

ابرا . ایکی قسم اولوب بری ابراء استساق و دیگری  
 ابراء استیفا در . ابراء استساق . برکیمسه دیگر کسنه ده  
 اولان حقیقت تمامی استساق یا خود بر مقدارینی حط و تنزیل  
 ایله اول کسنه بی بری قیلمقدز . اشته بو کتاب صلحده  
 موضوع بحث اولان ابرا بو در

ابراء استیفا برکیمسه دیگر کسنه دن حقی قبض و استیفا  
 ایلمش اولدیغنی اعتراف ایتمکدن عبارت اوله رق بر نوع  
 اقرار در

ماده ۱۵۳۷

ابراء خاص . بر خانه یا خود بر چفتلک و یا خود بر جهتن  
 اولابی اله جق دعوائی کبی بر خوصه متعلق دعوا دن  
 برکسنه بی ابرا ایتمکدر

ماده ۱۵۳۸

ابراء عام . کافه دعاو بدن برکسنه بی ابرا ایتمکدر

( باب اول عقد صلح و ابرا ایدنلر حقننده در )

ماده ۱۵۳۹

مصالحك عاقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی شرط  
دكدر

بناء علیه مجنون و متوه ایله صبی غیر ممیزك صلحی اصلا  
صحیح اولماز . وصبی مأذونك صلحنده ضرر بین یوق  
ایسه صحیح اولور . شویله بر کیمسه صبی مأذوندن  
برشی دعوی ایدوبده او دخی اقرار ایتدیکی صورته  
عن اقرار صلحی صحیح اولور

وصبی مأذون اله جغنی امهال و تأجیل ایتك اوزره  
عقد صلح ایده یلور . و اله جغنك بر مقدار ی اوزرینه  
صلح اولدوقده ا کرینه سی وار ایسه صلحی صحیح اولماز .  
وا کرینه سی اولیوبده خصمنك یسین ایده جکی دخی  
معلوم اولور ایسه صلحی صحیح اولور . و آخر کسنه دن  
بر مال دعوی ایدوبده مقدار قیمتی اوزرینه صلح اولسه  
صحیح اولور . فقط اولمالک قیمتدن نقصان فاحش  
اوزرینه صلح اولسه صحیح اولماز

ماده ۱۵۴۰

بر صبینك دعوا سندن ولیسی صلح اولدوقده ا کر صبی به

ضرر بین یوق ایسه صحیح اولور . واکر ضرر بین  
وار ایسه صحیح اولماز

بناء علیه برکیمه بر صیدن شو قدر غروش دعوی ایدوبده  
صیینک پاره سندن ویرمک اوزره پدیری صلح اولدوقده  
اکر مدعینک بینده سی وار ایسه صلح صحیح اولور واکر  
مدعینک بینده سی یوق ایسه صلح صحیح اولماز .  
وصیینک آخر کسنه نعمتده اله جنجی اولوبده پدیری انک  
بر مقدارینی حط و تنزیل ایله صلح اولدوقده اکر بینده سی  
وار ایسه صحیح اولماز واکر بینده سی اولیوبده خصمنک  
یمین ایده جکی دخی معلوم اولور ایسه اول حالده صلح  
صحیح اولور و صیینک اله جنجی قیمتنده بر مال اوزرینه  
و ایسی صلح اولسه صحیح اولور . فقط غبن فاحش بولنور  
ایسه صلحی اولماز

۱۵۴۱ ماده

علی الاطلاق صبی ایله بجنون و معتوهک ابراسی صحیح

اولماز

۱۵۴۲ ماده

خصوصته وکالت صلحه وکالتی مستلزم اولماز

بناء علیه برکیمه آخر کسنه بی دعواسنه وکیل ایدوبده  
اودخی بلا اذن اول دعوادن صلح اولسه صحیح اولماز

۱۵۴۳ ماده

بر کسیسه کنندی دعواسندن صلح اولوق اوزره دیکرینی  
توکیل ایدوبده اودخی بالوکاله صلح اولدقده مصالح  
علیه موکل اوزرینه لازم کاور وکیل انکله مؤاخذه  
ومطالب اولماز

مکرکه وکیل مصالح علیه ضامن اوله اول حالده وکیل  
کفالتی حسیه مؤاخذه اولنور

وبرده وکیل عن اقرار برمالدن مال اوزرینه صلح اولوبده  
صلحی نفسنه مضاف قیلار ایسه اولوقت وکیل  
مؤاخذه اولنور • یعنی بدل صلح اندن النور اودخی  
موکله رجوع ایلر

مثلا وکیل بالوکاله شو قدر غروش اوزرینه صلح  
اولدقده اول مبلغی موکلک ویرمی لازم کاور وکیل اندن  
مسؤل اولماز

فقط سن شو قدر غروش اوزرینه صلح اول بن کفیلدیمش  
ایسه اول حالده بو اچه وکیلدن النور اودخی موکلنه  
رجوع ایلر • وبرده عن اقرار مالندن مال اوزرینه صلح  
واقع اولوبده وکیل سن فلانک دعواسندن بنله صلح  
اول دهرک عقد صلح ایش ایسه بیع حکمنده اولدیغی

جهتله بوصورته دخی بدل صلح وکیلدن النور او دخی  
موکلنه رجوع ایدر

ماده ۱۵۴۴

ایکی کشی بیننده اولان دعواندن آخر بر کسنه فضولی  
اوله رق یعنی بلا امر صلح اولدوقده ~~اگر~~ بدل صلحه  
ضامن اولور ایسه یاخود بنم فلان مالم اوزرینه دیو بدل  
صلحی کندی مالنه مضاف قیلار ایسه ویخود شو مبلغ  
یاخود شو ساعت اوزرینه دیو میدانده اولان نقوده  
یا عرضه اشـارت ایدر ایسه یاخود ضامن اولیوب  
وکندی مالنه اضافه یا اشـارت دخی ایتیبده علی الاطلاق  
شوقدر غروش اوزرینه صلح اولدم دیر و اول مقدار  
مبلغی تسلیم ایدر ایسه اشبو درت صورتده دخی صلح  
صحیح و اول کسنه متبرع اولور

واگر دردنجی صورتده بدل صلحی تسلیم ایتز ایسه  
مدعی علیهک اجازته موقوف اولوب اکر مجیز اولور  
ایسه صلح صحیح و بدل صلح مدعی علیه اوزرینه لازم  
اولور. و ~~اگر~~ مجیز اولماز ایسه صلح باطل اولور  
ودعوی حالی اوزره قالور

( باب ثانی )

( مصالح علیه ایله مصالح عنهنك بعض احوال )

( وشروطی بیاننده در )

۱۵۴۵ ماده

مصالح علیه اکر عین ایسه مبیع حکمنده و اکر دین  
ایسه ثمن حکمنده اولور بنساء علیه بیعده مبیع یاخود  
ثمن اولغه صالح اولان شیء صلحده بدل صلح اولغه دخی  
صالح اولور

۱۵۴۶ ماده

مصالح علیه مصالحك مال وملکی اولوق شرطدر  
بناء علیه مصالح شقه کسنه نك مالنی بدل صلح اوله رق  
ویرسه صلحی صحیح اولماز

۱۵۴۷ ماده

کرك مصالح علیه وکرك مصالح عنه قبض و تسلیمه محتاج  
ایسه معلوم اولسی لازم . و اکر قبض و تسلیمه محتاج  
دیکل ایسه معلوم اولسی شرط دکلد  
مثلا برکیمسه دیکر کسنه نك یدنده بولنان برخانه دن و اول  
کسنه دخی انك یدنده بولنان باغچه دن برحق دعوی  
ایدوبده ایکیمی دخی تعیین مدعا ایتیمکسزین دعوالرندن



واز پچمک اوزره صلح اولسدر صحیح اولور . کذلک  
برکیمسه دیکرک یندنه کی خانه ده برحق دعوی ایدوبده  
تعین مدعا ایتکمزین مدعی علیه اکا بر بدل معلوم ویرمک  
واو دخی ترک دعوی ایتک اوزره صلح اولسدر صحیح  
اولور . اما مدعی مدعی علیه بدل ویرمک واو دخی  
اکا حقنی تسلیم ایتک اوزره صلح اولسدر صحیح اولماز

( باب ثالث )

( مصالح عنده حقنده اولوب ایکی فصلی مشتملدر )

( فصل اول )

( صلح عن الاعیان حقنده در )

ماده ۱۶۴۸

برمال معین دعواسندن عن اقرار صلح اکر مال اوزرینه  
واقع اولور ایسه بیع حکمنده در  
بونده خیاری عیب و خیاری رؤیت و خیاری شرط جاری  
اولدیغی کبی کرک مصالح عنده و کرک مصالح علیه عقار  
اولدیغی تقدیرده شفعه دعواسی دخی جاری اولور .  
ومصالح عنده کلبسی یا خود بعضیسی بالاستحقاق ضبط  
اولسسه مدعی علیه ویرمش اولدیغی بدل صلحک

اولمقدار بینی یعنی کایسنی یاخود بعضیسنی کیر و آلور .  
 واکر بدل صلح کایسی یاخود بعضیسی بالاستحقاق  
 ضبط اولسه مدعی مدعی علیه مدعی صلح عنهک اول  
 مقدارینی یعنی کایسنی یاخود بعضیسنی ایستر

مثلا بر کیمسه دیکرندن بر خانه دعوی ایدوب او دخی  
 اول خانه انک اولدیغنی اقرار ایله برار شو قدر غروش  
 بدل ویرمک اوزره صلح اولسه هر مدعی اول خانه بی  
 مدعی علیه صاتممش کبی اولور . و بونده بر وجه بالا  
 بیعک احکامی جاری اولور

ماده ۱۵۴۹

مال دعوا سندن عن اقرار صلح اکر منفعت اوزرینه  
 واقع اولور ایسه اجاره حکمنده در . بونده دخی  
 اجاره احکامی جاری اولور

مثلا بر کیمسه بر باغچه دعوا سندن شو قدر مدت مدعی  
 علیه خانه سنده اوتور مق اوزره صلح اولسه باغچه  
 مقابلنده اول خانه بی او قدر مدت ایله استیجار ایتمش  
 اولور

ماده ۱۵۵۰

عن انکار یاخود عن سکوت صلح اولوق مدعی حقهنده

معاوضه و مدعی علیه حقیقه میزند خلاص ایله قطع  
منزعه در

بناء علی ذلك مصالح علیه اولان عقارده شفعه جریان  
ایدر اما مصالح عنده اولان عقارده شفعه جریان ایتمز .  
و مصالح عنده کایسی یاخود بعضیسی بالاستحقاق ضبط  
اولنسه مدعی بدل صلحک اول مقدارینی یعنی کایسی  
یاخود بعضیسی مدعی علیه رد ایدر . و مستحق ایله  
خصوصته باشلار و بدل صلحک کایسی یاخود بعضیسی  
بالاستحقاق ضبط اولنسه مدعی اول مقدارده دعواسنه  
رجوع ایلر

ماده ۱۵۵۱

بر کیمسه بر مال معین مثلا بر باغچه دعوی ایدوبده بر  
مقداری اوزرینه صلح اوله رق باقیسنک دعواسندن مدعی  
علیهی ابرا ایتسه حقیقک بر مقدارینی المش و باقیسنک  
دعواسندن و از کچمش یعنی باقیسنک کی دعوی حقیقی  
اسقاط ایش اولور

( فصل ثانی )

( دیندن یعنی اله جقیدن و حقوق سائره دن صلح اولوق )

( پیاونده در )

ماده ۱۵۵۲

بر کیمسه آخر کسنده ذمتنده کی اله جقنک بر مقداری اوزرینه  
صلح اولسه اله جقنک بعضیسی استیفا ایله باقیسی اسقاط  
یعنی باقیسندن اول کسنده یی ابرایش اولور

ماده ۱۵۵۳

بر کیمسه مجمل اولان هر در لو اله جقنی تأجیل و اهمال  
ایتمک اوزره صلح اولسه کندوسنک حق تعجیلنی اسقاط  
ایش اولور

ماده ۱۵۵۴

بر کیمسه مسکوکات خالصه اولان اله جقنی مسکوکات  
مغشوشه اوله رق الموق اوز، صلح اولسه اله جقنک سکه  
خالصه اولوق حقنی اسقاط ایش اولور

ماده ۱۵۵۵

حق شرب و شفعه و حق مرور کبی حقوق دعوالرنده  
بمندن قور تلمق ایچون بدل و پرونده صلح اولوق دخی

صحیح دز

( باب رابع )

( احکام صلح و ابرا بیانده اولوب ایکی فصلی مشتملدر )

( فصل اول )

( احکام صلحه دائر اولان مسائل بیانده در )

۱۵۵۶ ماده

صلح تمام اولدوقده یا لکز طرفیندن بری اندن دونه مز  
ومدعی صلحه بدل صلحه مالک اولور . و ارتق دعواده  
حقی قالماز . ومدعی علیه دخی بدل صلحی اندن استرداد  
ایده مز

۱۵۵۷ ماده

طرفیندن بری فوت اولسه وارثلری دخی انک صلحی  
فسخ ایده مز

۱۵۵۸ ماده

صلح اکر معاوضه حکمنده ایسه طرفین انی کیندو  
رضالریله فسخ واقاله ایده بیلورلر . و اکر معاوضه  
معتاسنه اولیوبده بعض حقوق اسقاطنی متضمن ایسه  
اصلا نقض و فسخی صحیح اولماز . ( ۵۱ ) ماده یه باق

۱۵۵۹ ماده

بیندن خلاص ایچون بدل ویرمک اوزره عقد صلح

اولدنده مدعی حق خصوصتی اسقاط ایلش اولور .  
 وارتق مدعی علیه تحلیف اولدوماز

ماده ۱۵۶۰

بدل صلح هنوز مدعی به تسلیم اولنمدن کلیسی یاخود  
 بعضیسی تلف اولدیغی صورته اکر تعیین ایله متعین  
 اولان شیردن ایسه بالاستحقاق ضبط اولنش حکمنده  
 اولور

یعنی عن اقرار واقع اولان صلحده مدعی مصالح عنهک  
 کیسینی یاخود بعضیسی مدعی علیهدن ایسترو عن انکار  
 یاخود عن سکوت واقع اولان صلحده مدعی  
 دعواسنده رجوع ایلمه . ( ۱۵۴۸ ) و ( ۱۵۵۰ )  
 مادهلره باق . واکر بدل صلح دین ایسه یعنی  
 شوقدرغروش کبی تعیین ایله متعین اولمیان شیردن ایسه  
 صلحه خلیل کلیوب تلف اولان مقدارک مثلی مدعی علیه  
 طرفندن مدعی به ویرلمک لازم کلور

( فصل ثانی )

( احکام ابرایه دائر اولان مسائل بیاننده در )

ماده ۱۵۶۱

برکیمسه فلان ایله دعوی و نزاعم یوقدر وفلانده حقم

یوقدر وفلاں ایله اولان دعوامدن فارغ اولدم یاخود  
واز کچدم و فلانده حقم قالمدی و فلانندن تماما حقیقی الدم  
دیسه انی ابرا ایتمش اولور

۱۵۶۲ ماده

برکیمسه دیکرینی برحقندن ابرا ایتدکده اول حقیقی ساقط  
اولور . ارتق انی دعوی ایده مز . (۵۱) ماده یه باقی

۱۵۶۳ ماده

ابرائک مابعدینه شمولی اولماز

یعنی برکیمسه دیکر کیمسندی ابرا ایتدکده ابرادن مقدم  
اولان حقوقی ساقط اولور . یوخسه ابرادن صکره  
حادث اولان حقیقی دعوی ایده ییلور

۱۵۶۴ ماده

برکیمسه دیکرینی برخصوصه متعلق دعوان ابرا ایتسه  
ابراء خاص اولوب بعده اول خصوصه متعلق دعوا سی  
مسموع اولماز اما بشقد خصوصه متعلق حقیقی دعوی  
ایده ییلور

مثلا برکیمسه برخانه دعوا سندن خصمنی ابرا ایاسه ارتق  
اول خانه یه متعلق دعوا سی مسموع اولماز . اما چقتک  
وسائر نسنه یه متعلق دعوا سی استماع اولنور

۱۵۶۵ ماده

بر کیمسه فلانی کافه دعاویدن بری قیلدم یاخود انده  
اصلا حقم بوقدر دیسه ابراء عام اولوب ارتق ابرادن  
مقدم اولان هیچ برحق دعوی ایده مز . حتی کفالتدن  
طولایی برحق دعوی ایته سه سموع اولماز

شویله که اول ابرادن مقدم سن فلان کسه نه یه کفیل  
اولمشیدک دیو دعوی ایته سه استماع اولندیغی کبی آخر  
بر شخصدن سن بنم ابرا ایتش اولدیغیم کیمسه یه قبل ابرا  
کفیل اولمشیدک دیو دعوی ایده مز . (۶۶۲) ماده یه  
باق

۱۵۶۶ ماده

بر کیمسه مال صا توب و ثمنی قبض ایدوبده مبیعه متعلق  
کافه دعاویدن مشتری بی ابرا ایتدیگی کبی مشتری دخی  
انی ثمن مذکورہ متعلق کافه دعاویدن ابرا ایتش و بو  
وجهله نینلرنده سند تعاطی ایدلمش ایکن مبیع بالاستحقاق  
ضبط اولنسه ابرانک تأثیری اولوبوب مشتری و یرمش  
اولدیغی ثمنی بایعدن استرداد ایلر . (۵۲) ماده یه باق

۱۵۶۷ ماده

ابرا اولنان کسنه لر معین و معلوم اولق لازمدر  
بناء علیه بر کیمسه جمله میونلریمی ابرا ایتدم یاخود هیچ



کیمسه ده حقم یوق دیسه ابراسی صحیح اولماز . اما  
 فلان محله اهالیسی ابرا ایتدم دیوب اول محله اهالیسی  
 دخی معین و معدود کساندن تجارت ایسه لر ابرا صحیح  
 اولور

۱۵۶۸ ماده

ابرا قبوله توقف ایتمز . فقط رد ایله مردود اولور  
 شویله که برکسنه دیگر کسنه بی ابرا ایتدکه اول کسنه نک  
 قبولی شرط دکادر . فقط او مجلسده ابرایی قبول ایتمز  
 دیورد ایسه اول ابرا مردود اولور . یعنی حکمی  
 قالماز

لیکن ابرایی قبول ایتدکن صکره رد ایسه ابرا مردود  
 اولماز

ورده محال له محال علیه یا خود اله جقلو کفیلی ابرا  
 ایدوبده محال علیه یا خود کفیل انی رد ایسه ابرا مردود  
 اولماز

۱۵۶۹ ماده

وقات ایدن کسنه بی دیندن ابرا ایتمز صحیح اولور

۱۵۷۰ ماده

برکیمسه مرض موتنده ورثه مندن برینی دیندن ابرا ایسه

صحیح و نافذ اولماز اما وارثی اولمیان کسمنه بی دینندن  
ابرا ایتسه ثلث مالندن معتبر اولور  
۱۵۷۱ ماده

ترکسی مستغرق دیون اولان کسمنه مرض موتنده کندی  
مدیونلرندن برینی دینندن ابرا ایتسه صحیح و نافذ اولماز

اراده سنیه تاریخی فی ۶ شوال سنه ۱۲۹۱

سیف الدین      السید خلیل      احمد جودت

احمد حللی      احمد خلوصی

— ❖ — كتاب الاقرار ❖ —

✽ صورت خط همايون ✽

( موجب پنجه عمل اولنه )

( كتاب ثالث عشر )

( اقرار حقنده اولوب درت بابي مشتملدر )

( باب اول )

( اقرارك شرائطی بیانده در )

۱۵۷۲ ماده

اقرار . بر کیمسه دیگر کسنه نك کند و سنده اولان حقنی  
خبر و بر مکدر اول کیمسه به مقر و اول کسنه به مقرله و اول  
حقه مقر به دینلور

۱۵۷۳ ماده

مقرک عاقل بالغ اولسی شرطدر  
بناء علیه صغیر و صغیره و مجنون و مجنوننه و معتوه و معتوه نك  
اقراری صحیح دکلدر . و بونلرک علیه نه ولی و وصیلرینک  
اقراری دخی صحیح اولاز . فقط صغیر ممیز مأذون کند و سنک  
مأذونیتی صحیح اولان خصوص صلرده بالغ حکمنده در

۱۵۷۴ ماده

مقرلهک عاقل اولسی شرط دکلدر

بناء عليه بر كيمسه بر صغير غير مميز ايچون مال اقرار ايلسه  
صحیح اولور واول مالی ویرمی لازم کلور

۱۵۷۵ ماده

اقرارده مقررک رضاسی شرطدر

بناء عليه جبروا كراه ايله واقع اولان اقرار صحیح اولماز

(۱۰۰۶) مادهیه باق

۱۵۷۶ ماده

مقررک محجور اولماسی شرطدر

کتاب جبرک ایکنجی و اوچنجی و دردنجی فصللارینه باق

۱۵۷۷ ماده

ظاهر حالک اقراری تکذیب ایتماسی شرطدر • بناء

عليه جثه سنک بلوغه تحملی اولمیان بر صغير اکر بالغ

اولدم دیو اقرار ايلسه صحیح و معتبر اولماز

۱۵۷۸ ماده

• مقررلهک جهالت فاحشه ايله مجهول اولماسی شرطدر •

اما جهالت یسیره اقرارک صحتنه مانع اولماز

مثلا بر کيمسه یندنه کی مال معینه اشارت ايله بومال بر

آدمکدر دیو اقرار ايلسه یا خود بومال فلان بلده

اهالیسندن برینکدر دیو اقرار ایدوبده اول بلده اهالیسی

معدود اولسه اول کيمسه نک اقراری صحیح اولماز اما

بو مال شو ایکی کشیدن برینکدر دیسه یاخود فلان محله  
 اهالیسنندن برینکدر دیوبده اول محله اهالیسی قوم محصور  
 اولسه اقراری صحیح اولور . و بوجه بالا کیسه بو مال  
 شو ایکی کشیدن برینکدر دیدیکی صورتده اکر اول ایکی  
 کشی اتفق ایذرلر ایسه اول مالی مقردن اله بیلورلر و  
 بعد الاخذ اول ماله بالاشترک مالک اولورلر . و اکر  
 اختلاف ایذرلر ایسه هربری اول مال کندوسنک اولدیغنه  
 مقررک یمین ایتمسنی طلب ایده بیلورلر و مقرر ایکیسنک یمینندن  
 دخی نکول ایدرسه اول مال کذلک اول ایکی کشی  
 ییننده مشترک اولور . و اکر یالکز برینک یمینندن نکول  
 ایدرسه اول مال مستقلا یمینندن نکول ایتدیکی کشینک  
 اولور ایکیسنه دخی یمین ایدرسه مقرر انلرک دعواسندن  
 بری اولوب مقربه اولان مال کندوی یینده قالور

( باب ثانی )

( اقرارک و جوه صحتی بیاننده در )

ماده ۱۵۷۹

معلومی اقرار صحیح اولدیغی کبی مجهولی اقرار دخی  
 صحیح اولور . و اقرارک و جوه صحتی بیاننده در

اولیان عقودده مقر بهک مجهول اولسی اقرارک صحته  
مانعدر

ته کیم بر کیمسه بنده فلان کسنه نک امانتی واردر یاخود  
بن فلان آدمک مالنی غصب یا سرقت ایلام دیسه اقراری  
صحیح اولوب اول امانت مجهوله یی یاخود مال معصوب  
یا مسروقی بیان و تعیین ایتمک اوزره کندوسنه جبر  
اولنور اما بن فلان کسنه یه برشی صاتم یاخود اندن  
برشی استیجار ایتم دیسه صحیح اولماز و اول صاتیغک  
و یا استیجار ایتمک ندر دیو بیان ایتمک اوزره جبر  
اولنماز

۱۵۸۰ ماده

اقرار متر لهک قبولنه توافق ایتمز . فقط انک ردله  
مردود اولوب حکمی قالماز . و مقرله مقر بهک یا لکز  
بر مقدارینی رد ایلسه انجق اول مقدارده اقرارک حکمی  
قالمیوب رد ایتمدیکی مقدارده اقراری صحیح اولور

۱۵۸۱ ماده

مقر ایله مقرله مقر بهک سسیندن اختلاف ایلسه لر بو  
اختلافلی اقرارک صحته مانع اولماز

مثلا بر کیمسه جهت قرضدن طولایی بیک غروش دعوی  
ایدوب مدعی علیه ایسه ثمن مبیع اوله رق بیک غروش

اقرار ایلسه بو وجهله اختلا فلی اقرارک صحته مانع  
اولماز

ماده ۱۵۸۲

بر مالدن صلحه طالب اولمق اول مالی اقرار دیمک اولور  
اما بر مالک دعواسندن صلحه طالب اولمق اول مالی  
اقرار دیمک اولماز

شویله که بر کیمسه دیگر کسنه یه زمتکده بیک غروش  
الاجق حقم اولغله ویردیده اول کسنه مبلغ مز بوردن  
یدی یوز غروشه صلح اولهلم دیو صلحه طالب اولسه  
مطلوب اولان بیک غروشی اقرار ایتش اولور . اما  
شویله غروش دعواسندن صلح اولهلم دیو مجرد دفع  
منازعه ایچون صلحه طالب اولسه مبلغ مز بوری اقرار  
ایتش اولماز

ماده ۱۵۸۳

بر کیمسه نک یدنده کی مالی دیگر کسنه نک شرابه یا استیجاره  
و یا استعاره یه طائب اولسی یا خود بو مالی بکا هبه ایت  
و یا ودیعه اولهرق ویر دیمسی و یا خود اول کسنه اکا  
بو مالی ودیعه اولهرق ال دیو بده انک دخی قبول ایتسی  
اول مال کندوسنک اولدیغنی اقرار در



۱۵۸۴ ماده

شرطه تعلیق اولنان اقرار باطلدن . فقط عرف ناسده  
 حلول اجله صالح اولان بر زمانه تعلیق اولنور ایسه  
 دین مؤجلی اقراره حمل اولنور

مثلا بر کیمسه دیگر کسنهیه بن فلان محله وار رسم یاخود  
 فلان مصلحتی در عهده ایدرسم سکا شو قدر غروش دیندر  
 دیسه اشبو اقراری باطل اولوب مبلغ مز بورک تأدیسه  
 لازم کلز . اما فلان آیک ایتداسی یاخود روز قاسم  
 کلورسه سکا شو قدر غروش دیندر دیسه دین مؤجلی  
 اقراره حمل اولنور و او وقتک حلوننده مبلغ مز بورک  
 تأدیسه لازم کلور (۴۰) مادهیه باق

۱۵۸۵ ماده

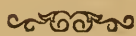
مشاعی اقرار صحیحدر

شو یله که بر کیمسه یدنده اولان بر ملک عقارک نصف و  
 ثلث کبی بر حصه شایعه سنی دیگر کسنهیه اقرار و او  
 دخی تصدیق ایتدکنده صکره قبل الافراز والتسلیم مقروفات  
 اینسه مقر بهک شیوعی اشبو اقرارک صحته مانع اولماز

۱۵۸۶ ماده

دلسزک اشارت معهوده سیله اقراری معتبردر . اما ناطق  
 اولان کسنهنگ اشارتیه اولان اقراری معتبر دکلدر

مثلا بر کیمسه ناطق اولان کسه نه یه فلانک سنده شو قدر  
غروش حقی وارمیدر دیدکده اول کسه نه باشنی اکسیله  
اول حقی اقرار ایتمش اولماز



( باب ثالث )

( اقرارک احکامی بیانده اولوب اوچ فصلی مشتملدر )

( فصل اول )

( احکام عمومی بیانده در )

۱۵۸۷ ماده

یتمش طقه-وزنجی ماده موجبجه کشی اقرارایله الزام  
اولنور انجق حاکم حکمیله تکذیب اولنورسه اقراری  
حکمسز قالور

شویله که بر کیمسه نک صاتون الو بده یدنده بولنان بر شیئه آخر  
کسه نه مستحق چیقهرق انی ادعا ایتسی اوزرینه  
لدی الحاکمه اول کسه نه بوشی فلانک مالی ایدی بکا  
صاتی دیمش اولدیغی حالده اول کسه نه دعواسنی  
اثبات و حاکم دخی حکم ایتدکده مشتمری بایعه رجوع  
ایله ثمن مبیی اندن استرداد ایلر واکرچه حین محاکمه ده  
اول شی بایعک مالی ایدوکنی اقرارایله مستحقک دعواسنی  
انکار ایلش ایسه ده حاکم حکمیله تکذیب اولنمش

ایدوکندن اقرارینک حکمی قلمدیغی جهتهله مانع رجوع  
اوله ماز

۱۵۸۸ ماده

حقوق عبادده اقراردن رجوع صحیح اولماز  
شو یله که برکیسه فلان کسنه یه شو قدر غروش دینم  
وار در دیدکده صکره اقرارمدن رجوع ایتدم دیسنه  
اعتبار اولنمیوب اقرار یله الزام اولنور

۱۵۸۹ ماده

برکیسه وقوعبولان اقرارنده کاذب اولدیغی ادعا ایتسه  
مقرله انک کاذب دکل ایدوکنه تحلیف اولنور  
مثلا برکیسه فلاندن شو قدر غروش استقراض ایتدم  
دیو برقطعه سند ویردکن صکره واقعا او قدر غروش  
استقراض ایتدم دیو سند ویردم ایسه ده هنوز مبلغ  
مزبوری اندن المدم دیسه انک بو اقرارنده کاذب  
اولدیغنه مقرله تحلیف اولنور

۱۵۹۰ ماده

برکیسه دیگر کسنه یه ذمتمده شو قدر غروش الایجغک  
واردر دیو اقرار ایتدکده اول کسنه دخی اول الهجق  
بنم دکلدر فلان شخصکدر دیو اقرار و او شخص دخی  
انی تصدیق ایلسه اول الهجق ایکنجی مقر لهات اولور

لکن حق قبضی اولکی مقرلهک اولور . یعنی ایکنجی  
مقرله انی مدیوندن مطالبه ایسه اکا ادا ایتک اوزره  
مدیونده جبر اولتماز . شو قدر که مدیون کندی رضاسیله  
اول دینی ایکنجی مقرلهه اعطا ایدرسه ذمتی بری  
اولوب اولکی مقرله انی تکرار مدیوندن مطالبه  
ایده عزیز

### ( فصل ثانی )

( نفی ملک و نام مستعار بیانده در )

۱۵۹۱ ماده

مقر اکر اقرارنده مقرهیی نفسنه مضاف قیلارسه  
انی مقرلهه هبه ایتش اولوب تسلیم و قبض اولنمرجه  
تمام اولماز و اکر نفسنه مضاف قیلمازسه مقره قبل  
الاقرار مقرلهک ملکی اولدیغنی اقرار ایله نفی ملک ایتش  
اولور

مثلا برکیمسه یدمده اولان کافه اموال و اشیا فلان کسنه  
نکدر بنم اصلا علاقهم یوقدر دیسه اول وقت یدنده  
موجود اولان جمیع اموال و اشیا سن اول کسنه یه هبه  
ایتش اولوب تسلیم و قبض لازم کلور و اکر اوزریمه  
لابس اولدیغیم اثوابدن ما عدا بکا نسبت اولنسان کافه  
اموال و اشیا فلان کسنه نکدر بنم اصلا علاقهم یوقدر

دیسہ اولوقت لابس اولدیغی اثوابدن ماعدا کندوسنه  
نسبت اولنان یعنی انکدر دینلان کافه اموال واشیایی  
اول کسـنـه یه اقرار ایله نفی ملک ایتمش اولور فقط بو  
اقرارندن صکره بعض اشیا به مالک اولسه اشبو اقراری  
اول اشیا به شامل اولماز

کذاک شو دکام ایچنده اولان جمیع اموال واشیام فلان  
کبیر اوغلمکدر بنم علاقهم یوقدر دیسه اولوقت دکان  
مذکور ایچنده موجود اولان جمیع اموال واشیاسنی اول  
بیوک اوغلنه هبه ایتمش اولوب تسلیم لازم کاور

واکر شو دکام ایچنده اولان جمیع اموال واشیام فلان  
کبیر اوغلمکدر بنم علاقهم یوقدر دیسه اولوقت دکان  
مذکور ایچنده موجود اولان جمیع اموال واشیایی اول  
بیوک اوغلنه اقرار ایله نفی ملک ایتمش اولور فقط اندن  
صکره اول دکانه بعض اشیا قویسه بو اقراری اول اشیا به  
شامل اولماز

وکذاک برکیمسه فلان یرده کی دکام زوجهمکدر دیسه  
هنه قیلندن اولوب تسلیم لازم کاور واکر بکانسه بت  
اولنان فلان دکان زوجهمکدر دیسه قبل الاقرار اول  
دکان زوجهمکدر اولوب کندوسنه نیک ملیکی اولدیغی  
اقرار ایتمش اولور

۱۵۹۲ ماده

بر کیمسه باسند یدنده اولان بر ملک دکان حقنده بو دکان  
 فلان کسنه نکدر بنم علاقه م یوقدر وسندنده محرر اسمم  
 مستعاردر دیوب یاخود باسند آخردن صاتون الدیغی  
 بر ملک دکان ایچون بودکانی فلان کسنه ایچون المشدم  
 ثمن اولهرق ویردیگم ایچه دخی انک مالندندر وسندنده  
 اسمم مستعار اولهرق قید اولنمشدر دیسه اول دکان نفس  
 الامرده اول کسنه نك ملکى اولدیغنی اقرار ایتمش اولور

۱۵۹۳ ماده

بر کیمسه باسند فلان کسنه ذمتنده اولان شوقدر غروش  
 اله جق هر نقدر سندده بنم نامه محرر ایسه ده مبلغ مزبور  
 فلان کسنه نکدر سندده اسمم مستعاردر دیسه مبلغ مزبور  
 نفس الامرده اول کچینه نك حقی اولدیغنی اقرار ایتمش اولور

۱۵۹۴ ماده

بر کیمسه حال صحتمده ایکن بروجه بالا اقرار ایله نفی ملک  
 ایتمش اولسه یاخود اسمنک مستعار اولدیغنی اقرار ایتسه  
 اقراری معتبر اولوب حال حیاتنده کیندوسی و وفاتندن  
 صکره ورثه سی بو اقرار ایله الزام اولنور . اما مرض  
 موتنده ایکن اول وجهله اقرار ایتسه حکمی فصل آتیده  
 مستبان اولور

## ( فصل ثالث )

## ( اقرار مریض بیانده )

۱۵۹۵ ماده

مرض موت اول خسته لکدر که اکثریا آنده اولوم قور قوسی  
اولدیغی حالده خسته ذکور دن ایسه خانه سی خار جنده  
واناشدن ایسه خانه سی داخلنده اولان مصالحنی کور مکدن  
عاجز اولوب بو حال اوزره برسنه مرور ایتمدن وفات  
ایلیه کرک صـ احب فراش اولسون و کرک اولسون  
واکر مریضک مرضی متمد اولوبده دائما بر حال اوزره  
برسنه پکر ایسه اول مریضک مرضی مشدد و حالی متغیر  
اولدجه صحیح حکمنده اولوب تصرفاتی صحیحک  
تصرفاتی کبیر

اما مرضی مشدد و حالی متغیر اولوبده برسنه کچمه دن  
وقات ایدرسه وقت تغیر دن اعتبارا وفاتنه دک اولان حالی  
مرض موت عد اولنور

۱۵۹۶ ماده

غیج وارثی اولمیان کشینک یا خود زوجه سندن بشته  
وارثی اولمیان آدمک و یا خود زوجندن بشته وارثی  
اولمیان قالدینک مرض موتنده اقراری بر نوع وصیت  
اوله رق معتبر اولور

بناء عليه وارثي اوليان كشي مرض موتنده جميع اموالني  
بر كسنه يه اقرار ايله نفي ملك ايتسه صحيح اولوب وفاندن  
صكره تركسنه امين بيت المال طرفندن مداخله اولنه ماز  
كذلك زوجه سندن بشقه وارثي اوليان كيمسه مرض  
موتنده جميع اموالني زوجه سنه يا خود زوجندن بشقه  
وارثي اوليان قادين جميع اموالني زوجنه اقرار ايله نفي  
ملك ايتسه صحيح اولوب بعد الوفاة بونلردن بريسنگ  
تر كسنه امين بيت المال طرفندن مداخله اولنه ماز

ماده ۱۵۹۷

بر كيمسه مريض ايكن ورثه سندن برينه مال اقرار ايدوبده  
بعده اول مرضدن افاقت بولسه بواقاراري معتبر  
اولور

ماده ۱۵۹۸

بر كيمسه مرض موتنده وارثلردن برينه بر عين يا خود دين  
اقرار ايتدكدن صكره فوت اولسه ديكر وارثلك  
اجازته موقوفدر انلر مجيز او اورسه انك اقراراري دخي  
معتبر اولور . واكر انلر مجيز اولماز ايسه انك اقراراري  
دخي معتبر اولماز

شوقدر وار كه مقرر حياتنده ديكر وارثلر اني تصديق



ایتمشدر ایسه و فاندن صکره انظر بو تصدیق لریدن رجوع  
ایده میوب اول اقرار معتبر اولور

و برده وارثه امانت اقراری هر حالده صحیحدر .  
شویله که بر کیمسه کندوسنک بر وارثنده اولان امانتی  
قبض ایتمش یا خود وارثک کندوسنده اولان امانت  
معلومهستی استهلاک ایلمش ایدوکنی مرض موتنده اقرار  
ایسه صحیح اولور

مثلا فلان او غلمده ودیعه اولان مالمی اخذ و قبض ایتمشدر  
دیو اقرار ایسه صحیح و معتبر اولور و کذا فلان کیمسه ده  
اولان اله جغمی فلان او غلم بالوکاله اخذ ایدوب بکا  
تسلیم ایتمشدر دیسه اقراری معتبر اولور . کذلک فلان  
او غلمک بنده ودیعه یا خود عاریت اولان بشییک غرو شلق  
الماس یوزوکنی صاتوب ثمننی کنندی اموریمه صرف  
واستهلاک ایتمشدر دیسه اقراری معتبر اولوب اول  
یوزوکل قیمتی ترکه دن تضمین اولنقی لازم کاور

۱۵۹۹ ماده

بومجشده وارثدن مراد مریضک وقت وفاتنده وارث  
بولان کیمسه در

شوقدر وارکه وارث دکل ایکن صکره دن بر سبب حادث

ایله مقرر وقت و فائنده حاصل اولان ورثت اقرارک  
صحتنه مانع اولماز

نته کیم بر کیمسه مرض موتنده بر اجنبی قالدینه مال اقرار  
ایدوبده بعده انی تزوج ایتدکدن صکره فوت اولسه  
اقراری نافذ اولور

اما وراثتی بویله بر سبب حادث ایله حاصل اولیوبده سبب  
قدیم ایله اولور ایسه اقراری ینه نافذ اولماز

مثلا اوغلی اولان بر کیمسه لابوین قرداشلرندن برینه مال  
اقرار ایدوبده اوغلیک و فائندن صکره کندوسی و فات  
ایتسه مقرر ایکن قرداشی بولندیغی جهتله وارث  
اوله جغندن اول اقرار نافذ اولماز

۱۶۰۰ ماده

مريضك مرض موتنده ایکن زمان صحتنه اسناد ایله  
اقراری زمان مرضندکی اقراری حکمنده در

بناء علیه مرض موتنده ایکن وارثنده اله جغی اولان  
شوقدر غروشی زمان صحتنده استیفای ایلش ایدوکنی  
اقرار ایتسه دیگر وارثلر مجیز اولدجه نافذ اولماز

کذلک حال صحتنده ایکن فلان مالنی ورثه سندن فلانه  
هبه و تسلیم ایلش ایدوکنی مرض موتنده اقرار ایتسه

هېبه سی بینه ایله ثابت یاخود دیگر وارثلری انی مجیر  
اولدقجه اقراری نافذ اولماز  
۱۶۰۱ ماده

مریضك مرض موتنده اجنبی یه یعنی کندوسنه وارث  
اولمایا کیسه یه کرک عین و کرک دین اقراری جمع اموالی  
محیط اواسه بیله صحیح اولور  
شو قدر وارکه مقربه مقربه هنوز بیع یا هبه اولنمش یاخود  
اخر دن ارثا انتقال ایلش اولق کبی برسبیله وقت اقرارده  
انک ملکی اولدیغی چوق کیسه لک معلومی اوله رق  
کندو اقرارنده کاذبایدو کی ظاهر اولورسه اول حالده  
نظر اولنور . اکر بو اقراری مذاکره وصیت ائساننده  
دکل ایسه هبه دیمک اوله رق تسلیم لازم کلور . و اکر  
مذاکره وصیت ائساننده ایسه وصیت معناسنه محمول  
اولور و کرک هبه اولسون و کرک وصیت اولسون انجق  
ثلث مانندن معتبر اولور

۱۶۰۲ ماده

دیون صحت دیون مرض اوزرینه مقدمدر  
یعنی ترکه سی غریم اولان کیسه نك حال صحتمنده ذمتنه  
تعلق ایدن دیونی مرض موتنده کی اقراریله ذمتنه تعلق  
ایدن دیونی اوزرینه تقدیم قلنور . شویله که مریضك

ترکسندن اولاد یون صحت استیفا قلوب بعده فضله  
قالور ایسه دیون مرض تأدیه اولنور

فقط مریضك مرض موتنده اسباب معروفه ایله یعنی  
اقراردن بشقه ناسك مشاهد و معلومی اولان شرا  
و استقراض و اتلاف مال كبی سبیلرله ذمتنه تعلق ایدن  
دینلری دیون صحت حکمنده در

مقربه اعیانندن برشی اولدیغی صورتده دخی حکمی بو  
منوال اوزره در

یعنی برکیمسه مرض موتنده اجنبی به هرنه درلوشی اقرار  
ایتسه دیون صحتی یا خود بوجه بالا اسباب معروفه ایله  
لازم کله رك دیون صحت حکمنده اولان دیونی تأدیه  
اولنمدیقه مقرله مقربه مستحق اولماز

۱۶۰۳ ماده

برکیمسه کندوسنك بر اجنبی کسنه دن اولان اله جغنی  
استیفا ایش اولدیغی مرض موتنده اقرار ایتدکده  
نظر اولنور . اکر بو اله جغنی کندوسنك حال مرضنده  
ایکن اول کسنه نك ذمتنه تعلق ایش ایسه بو اقراری  
صحیح اولور . فقط غرماء صحت حقیقه نافذ اولماز  
واکر بو اله جغنی کندوسنك حال صحتمده ایکن اول

کسینه لك ذمتنه تعلق ایتمش ایسه هر حالده صحیح اولور .  
 کراک دیون صحت اولسون و کراک اولسون  
 مثلا بر مر یضک حال مرضنده ایکن بر مال صاندقدن  
 صکره ثمننی قبض ایلش اولدیغنی اقرار ایسه صحیح  
 اولور ایسه ده غرماء صحت وار ایسه انلر بو اقراری  
 طوتمامغه قادر اولورلر . واکر حال صحتمنده ایکن بر مال  
 صاندقدن صکره ثمننی قبض ایلش اولدیغنی مرض موتنده  
 اقرار ایسه هر حالده صحیح اولوب غرماء صحت اولسه  
 دخی انلر بو اقراری طوتمیز دیه مزلر  
 ماده ۱۶۰۴

کسینه مرض موتنده دانلرندن برینک دیننی ادا ایله سائر  
 دانلرینک حوقوقنی ابطال ایده مز  
 فقط مریض ایکن استقراض ایلدیکی پاره بی واشترا  
 ایلدیکی مالک ثمننی ادا ایده بیلور  
 ماده ۱۶۰۵

بو مجتمده کفالت بالمال دین اصلی حکمنده در  
 بناء علیه بر کسینه مرض موتنده وارثنک بورجنه یا خود  
 اله جفته کفیل اولسه نافذ اولماز . واجنبی یه کفیل  
 اولدوقده ثلث مالندن معتبر اولور . اما حال صحتمنده

ایکن اجنبی به کفیل اولدیغنی مرض موتنده اقرار  
ایتدکده مجموع مالندن معتبر اولور . شو قدر که دیون  
صحت وار ایسه تقدیم اولنور



( باب رابع )

( اقرار بالکتابه بیاننده در )

ماده ۱۶۰۶

کتابتله یعنی یازو ایله اقرار لسان ایله اقرار کبیر  
(۶۹) ماده یه باقی

ماده ۱۶۰۷

بر کسندنک کندو اقرارینی یازمق اوزره آخره امر  
ایتمی حکما اقرار در

بناء علیه فلان کیمسه یه شو قدر غروش بورجم اولدیغنه  
دائر برسند یازدیو کاتبه امر ایدرک یازدیرو بده امضا  
ایلش یاخود مهرلش اولدیغنی سند کندو خط دستتبله  
اولان سند کبی اقرار بالکتابه قییلنددر

ماده ۱۶۰۸

تجارک متد به اولان دفترلرنده کی قیودی دخی اقرار  
بالکتابه قییلنددر

مثلاً بر تاجر بر کمندیه شو قدر غروش بوری اولدیغنی  
کندو دفترینه قید ایتیش اولسه اول کمندیه اول قدر  
بورج اقرار ایتیش اولوب لاری الحاجه اقرار شفاهیسی  
کبی معتبر و مرعی اولور

ماده ۱۶۰۹

بر کیمسه کندوسی یازوب یاخود بر کاتبه یازدیرو بده  
ممضا یاخود مختوم اولهرق آخره ویرمش اولدیغنی دین  
سندی اسکر مرسوم ایسه یعنی رسم وعادته موافق  
اولهرق یازلمش ایسه اقرار بالکتابه اولوب تقریر  
شفاهیسی کبی معتبر و مرعی اولور

بر معتاد ویریه کلان وصولار یعنی مقبوض علم و خبر لری  
دخی بو قبیلندر

ماده ۱۶۱۰

بر کیمسه بر وجه بالا مرسوم اولهرق یازوب یاخود  
یازدیرو بده ممضا یاخود مختوم اولهرق ویرمش اولدیغنی  
دین سندی کندوسنک اولدیغنی معترف ایکن حاوی  
اولدیغنی بوری انکار ایسه انکارینه اعتبار اولمیب  
اول بوری ایفا ایلمی لازم کاور

اما سند کندوسنک اولدیغنی انکار ایتمی تقدیرد،

اگر خط و یا ختمی مشهور متعارف ایسه انکارینه اعتبار  
اولم یوب اول سند ایله عمل اولنور  
واگر خط و ختمی مشهور و متعارف دکل ایسه استک کتاب  
اولندرق اهل خبره یه ~~ک~~وسه تریلور انلر ایکی سیده  
بر شخصک یازوسیدر دیو خبر و پررلر ایسه دین مذ کوری  
ویرمک اوزره اول کیسه یه امر اولنور

الحاصل سند اگر شایسته تزویر و شبهه تصنیعدن بری  
اولور ایسه انکه عمل اولنور

اما شبهه دن بری اولدیغنی تقدیرده مدیون اول سند  
کندی سندی اولدیغنی انکار ایلدیکی کبی اصل دینی  
دخی منکر ایسه دینی اولیوب سند دخی کندوسنک  
اولدیغنه مدعینک طلبیه تحلیف اولنور

۱۶۱۱ ماده

بر وجه بالا بر کیسه مرسوم اولهرق دین سندی  
ویردکن صکره قوت اولسه وارثلری او سند متوفانک  
اولدیغنی معترف اولدقلری حالده اول دینی ترکه  
متوفادن ایفا ایللری لازم کاور

اما اول سند متوفانک اولدیغنی انکار ایتدکاری تقدیرده  
اگر متوفانک خط و ختمی مشهور و متعارف ایسه اول  
سند ایله عمل اولنور



۱۶۱۴ ماده

وفات ایدن بر کیسه نك ترکه سندن نقود ایله مملو بر کیسه  
 ظهور ایدوب اوزرند، بو کیسه فترن کسنه نك مالیدر  
 بنم یدمه امانتدر دیو متوفانك خطیله محرر بر یافته  
 بولنسه اول کسنه اول کیسه بی ترکه متوفان اخذ ایدر  
 دیگر وجهله اثباته محتاج اولماز

اراده سنیه تاریخی فی ۹ جادی الاولی سنه ۱۲۹۱

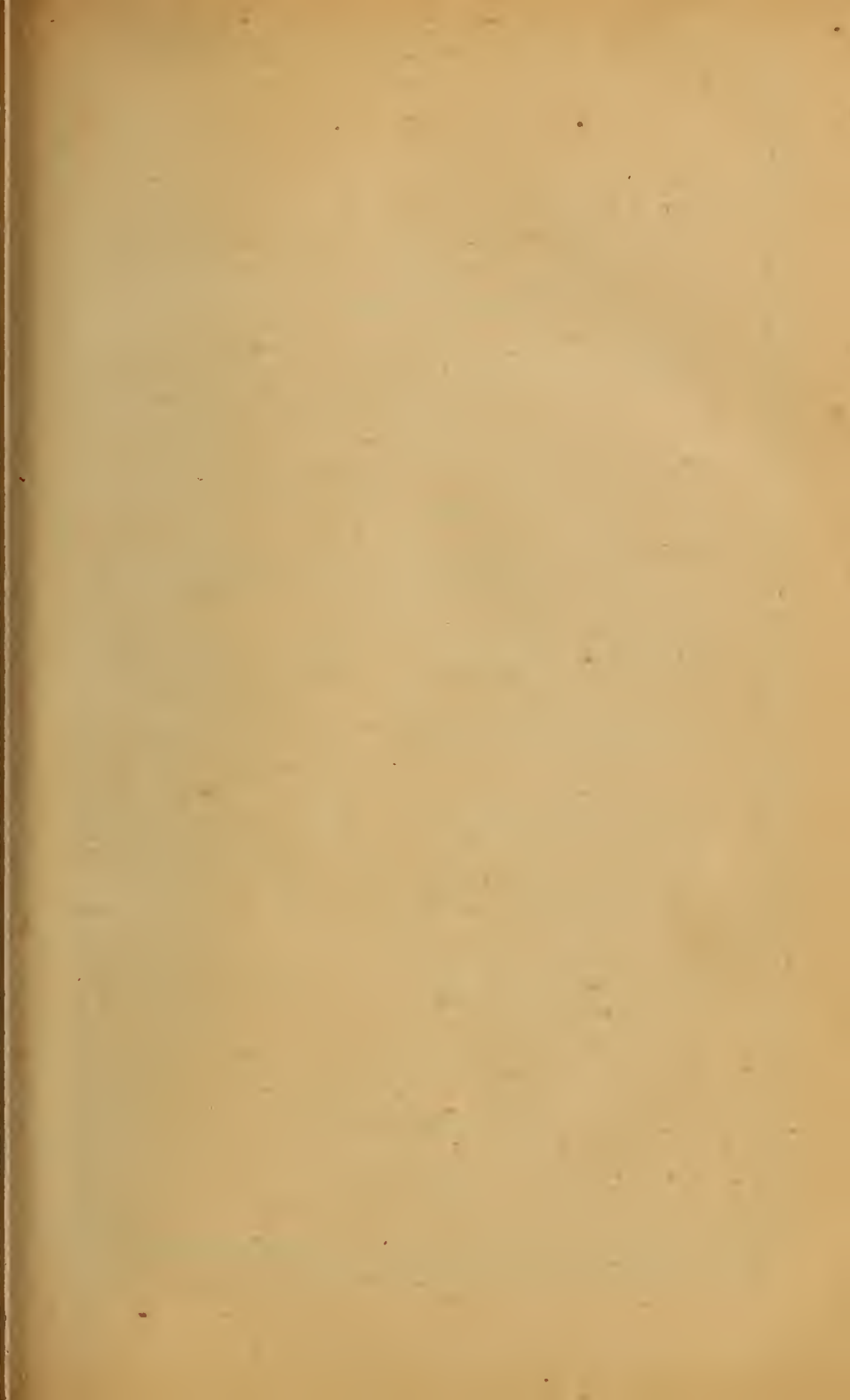
عن اعضاء شورای دولت امین القتوی ناظر عدلیه  
 سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز عن اعضاء مجلس تدقیقات  
 السید احمد حلمی شرعیه السید احمد خلوصی

رئیس المسودین عن اعضاء مجلس تدقیقات  
 عمر حلمی شرعیه احمد خالد

اعلامات ممیزی معاونی

عبد الستار



— ❖ كتاب الدعوى ❖ —

✽ صورت خط هایون ✽

( موجب‌جه عمل اولنه )

( کتاب رابع عشر )

( دعوی حقنده اولوب بره مقدمه ایله ایکی بابی مشتملدر )

( مقدمه )

( بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده در )

ماده ۱۶۱۳

دعوی • بر کیمسه دیگر کسنه دن حضور حاکمه حقنی  
طلب ایتمکدر

اول کیمسه یه مدعی و اول کسنه یه مدعا علیه دینلور

ماده ۱۶۱۴

مدعا • مدعینک دعوی ایلدیکی شیدر که مدعا به دخی  
دینلور

ماده ۱۶۱۵

تناقض • مدعیدن کندی دعوا سنه مناقض یعنی دعوا سنک  
بطلانی • وجب برسوز سبقت ایلمش اولمقدر



( باب اول )

( دعوانك شروط و احكامنه و دفع دعوايه دائر اولوب )

( درت فصلى حاويدر )

( فصل اول )

( دعوانك شروط صحتي بيانده در )

۱۶۱۶ ماده

مدعى و مدعا عليهك عاقل اولملى شرطدر  
 مجنونك و صبيء غير ميرك دعوازى صحيح دكلدر .  
 فقط و ليلى و وصيلى بالولاية و بالوصايه انلك يرينه  
 مدعى و مدعى عليه اولورلر

۱۶۱۷ ماده

مدعا عليهك معلوم اولملى شرطدر  
 بناء عليه مدعى فلان قريه اهاليسندن لاعلى التعيين برنده  
 يا خود برقاچنده شو قدر غروش اله جفم وار ديبه صحيح  
 اولماز مدعى عليهى تعيين ائلك لازم كلور

۱۶۱۸ ماده

حين دعوايه خصمك حضورى شرطدر . و مدعا عليه  
 محكمهيه، كلكدن و وكيل كوندر مكدن امتناع ايتديكى  
 تقديرده اولنده جق معامله كتاب فضاده بيان قلنه جقدر

۱۶۱۹ ماده

مدعاہک معلوم اولسی شرطدر • مجهول اولور ایسه

دعوی صحیح اولماز

۱۶۲۰ ماده

مدعاہک معلومی اشارت ایله یاخود وصف و تعریف

ایله در

شویله که عین منقول اولدیغی تقدیرده مجلس محاکمه ده

حاضر ایسه اکا اشارت کافیدر • وحاضر دکل ایسه

وصف و تعریف و قیمتی بیان ایله معلوم اولورو عقار

اولدیغی تقدیرده حدودینک بیانیه تعیین اولوزور •

ودین ایسه جنس و نوع و وصف و مقداری بیان

اولنق لازم کلور • نته ~~صکم~~ مواد آیه دن متضح

اولور

۱۶۲۱ ماده

مدعا به عین منقول اولدیغی حالده حاضر بالمجلس ایسه

مدعی اکا ایله اشارت ایدرک اشته بو بئدر بو آدم اکا

بغیر حق وضع یه ایدیور البور بلسنی طلب ایدرم دیو

دعوی ایدر واکر حاضر بالمجلس اولمیوب انجق

مصر فسر جلب و احضاری ممکن ایسه دعوا ده

و شهادت و یاخود یمینده اکا بو یله جه اشارت اولنق

اوزره مجلس حکمه کتوریکور . واکر مصرفسن  
 احضاری ممکن دکل ایسه مدعی انی تعریف و قیمتنی  
 بیان ایله

فقط غصب ورهن دعوارنده قیمتک بیانی لازم کلز  
 مثلاً بر زمرد یوزکی غصب ابتدی دیسه و قیمتنی بیان  
 ایتمه وحتی قیمتنی بیلم دیسه بیه دعواسی صحیح اولور  
 ماده ۱۶۲۲

مدعا به اکر جنس نوع و وصفی مختلف اعیان ایسه  
 جمله سنک مجموع قیمتنی ذکر ایتمک کافی اولور . هر برینک  
 بشقه بشقه قیمتلرینی تعیین ایتمک لازم کلز  
 ماده ۱۶۲۳

مدعا به عقار ایسه حین دعوی و شهادتده بلده سی  
 و قریه سی و یا محله سی و زقاعی و حدود اربعه سی یا خود  
 ثلثه سی و حدودینک صاحببری وار ایسه انلرک و بابا  
 و دده لرینک اسم لری ذکر اولنمق لازمدر فقط مشهور  
 و معروف اولان آدمک یا لکر اسم و شهرتی ذکر ایتمک  
 کافیدر . بابا و دده سنک اسملرینی ذکره حاجت یوقدر  
 كذلك اول عقار اکر شهرتده مبنی تحدیدن مستغنی  
 ایسه کرک دعواده و کرک شهادتده حدودینک بیانی  
 شرط دکلد

و برده مدعی اگر شو سنده حدودی محرز اولان  
 عقار بنم ملکهدر دیو دعوی ایدر ایسه صحیح اولور  
 ماده ۱۶۲۴

مدعی حدودک بیاننده اصابت ایدو بده عقارک مقدار  
 ذراع و یا دونمنی اکسک یا زیاده سویلسه دعواسنک  
 صحته مانع اولماز  
 ماده ۱۶۲۵

عقارک ثمننی دعواده حدودینک بیانی شرط دکدر  
 ماده ۱۶۲۶

مدعابه دین ایسه مدعی انک جنس ونوع ووصف  
 و مقدارینی بیان ایلسی لازمدر

مثلا التون و کومش دیو جنسینی و عثمانلی سکه سی یا خود  
 انگلیز سکه سی دیو نوعنی و سکه خالصه یا خود سکه  
 مغشوشه دیو وصفنی ونه مقدار اولدیغنی بیان ایلسی  
 لازمدر . فقط علی الاطلاق شو قدر غروش دیو ادعا  
 ایسه دعواسی صحیح و عرف بلده جه معهود اولان  
 غروشه مصروف اولور . و ایکی درلو غروش متعارف  
 اولدیغنی حالده برینک رواج و اعتباری دها زیاده اولسه  
 ادناسنه صرف اولنور . نه کیم شو قدر عدد بشلک دیو



دعوی ایتسه فی زماننا مسکوکات مغشوشه دن اولان  
قره بشلکه مصروف اولور

ماده ۱۶۲۷

مدعا به عین اولدیغی تقدیرده سبب ملکیت بیان اولتمق  
لازم کلیوب بلکه بومال بندر دیو ملک مطلق دعواسی  
صحیح اولور

امادین اولدیغی تقدیرده سبب وجهتی یعنی ثمن مبیعه بیدر  
یوخسه اجر تمیدر و یا خود آخر جهتمدن طولایمی بر  
بور جدر الحاصل نه جهتمدن طولایمی دین اولدیغی  
سؤال اولنور

ماده ۱۶۲۸

اقرارک حکمی مقربک ظهوریدر یوخسه بدایه حدوشی  
دکدر . بوجهتمله اقرار سبب ملک اوله ماز . بناء علیه  
مدعی مجرد مدعا علیه اقرارینی سبب طوتهرق اندن  
برشی دعوی ایتسه استماع اولنماز

مثلا مدعی بومال بندر وانک ذی الیدی اولان شو آدم  
دخی بنم اولدیغی اقرار ایتشیدی دیو دعوی ایتسه استماع  
اولنور اما بومال بندر زیرا انک ذی الیدی اولان شو  
آدم بنم اولدیغی اقرار ایتشیدی دیو دعوی ایتسه استماع  
اولنماز . کذلک مدعی جهت قرضدن طولایمی شو

آدمه بو قدر غروش اله جغم واردر حقی کندوسی دخی  
 بوجهتن طولایی او قدر غروش بورجی اولدیغنی اقرار  
 ایتشیدی دیو دعوی ایتسه مسموع اولور اما شول آدم  
 بکاجهت قرضدن طولایی بو قدر غروش بورجی اولدیغنی  
 اقرار ایتش اولدیغنی ایچون انده بو قدر غروش حقم  
 واردر ایسترم دیو دعوی ایتسه مسموع اولماز

۱۶۲۹ ماده

مدعا بهک محتمل الثبوت اولسی شرطدر

بناء علیه عقلاً یا عادة وجودی محال اولان شیئی ادعا  
 صحیح اولماز

مثلاً بر کیمسه کندوسندن سنأ بیولک یا خود نسبی معروف  
 اولان کسنه حقنده بو بنم او غلدر دیو ادعا ایتسه دعواسی  
 صحیح دکلدر

۱۶۳۰ ماده

دعویاتک ثبوتی تقدیرنده مدعا علیهک برشی ایله محکوم  
 و ملزم اولسی شرطدر

مثلاً بر کیمسه دیگر کسنه یه برشی اعاره ایتدکده دیگر بر  
 شخص چقوبده بن انک متعلقه ایتدنه نم بکا اعاره ایتسون  
 دیو دعوی ایتسه صحیح اولماز کذلک بر کیمسه دیگر  
 کسنه یی بر خصوصه توکیل ایتدکده دیگر بر شخص

چيقوبده بن انك قومشوسى يم انك و كالتنه دهـا مناسيم  
 ديو دعوى ايتسه صحیح اولماز . زیرا هر كس مالنى  
 ديلديكنه اعاره و ديلديكنى امورينه تو كـيل  
 اينه بيله چكندن بو دعوالر ثايت اولديغى تقديرده مدعا  
 عليه حقنده هيچ بر حاكم ترتب ايتمز .

( فصل ثانى )

( دفع دعوى حقنددر )

۱۶۳۱ ماده

دفع . مدعا عليه طرفندن مدعينك دعواسنى دفع ايديه چك  
 بر دعوى در ميان اولتمقده در  
 مثلاً بر كيمسه جهت قرضدن طولايى شو قدر غروش دعوى  
 ايتدكده مدعا عليه بن انى ادا ايتمشـيدم يا خود سن بنى  
 اندن ابرا ايتمشـيدك و يا خود بز صلح اولمش ايدك يا خود  
 بو مبلغ قرض دكلدر بلكه سـكا صـاتمش اولديغم فلان  
 مالك ثمنيدر و يا خود فلان كسنه ده اله جغم اولان اولمقدار  
 غروشى سـكا حواله ايتكله سن دخی بكا اول مبلغى  
 و بر مشيدك ديسه مدعينك دعواسنى دفع ايتمش اولور  
 كذا بر كيمسه ديكر كسنه دن فلانك ذمتنده اله جغم اولان  
 شو قدر غروشه سن كفيل اولمشك ديو دعوى ايتدكده

اول کسینه مديونك مبلغ مزبورى ادا ايلش ايدوكنى ادما  
 ايتسه مدعينك دعواسنى دفع ايتش اولور  
 و كذا بر كيمسه ديكر كسینه نك يندنه بولنان برمالى بندر  
 ديودعوى ايتدكده اول كسینه اكا بوندىن مقدم فلان  
 آدم اول مالى بندىن دعوى ايتدكده سن انك دعواسنه  
 شهادت ايتشيدك ديو ادما ايلسه مدعينك دعواسنى دفع  
 ايلش اولور

كذلك بر كيمسه بر متوفاك تركه سندن شو قدر غروش اله جق  
 دعوى و وارثك انكارى اوزرينه بو دعواسنى اثبات  
 ايتدكده نصكره متوفاك حال حياتنده اول دينى ادا ايلش  
 اولديغنى وارثى ادما ايلسه مدعينك دعواسنى دفع ايتش  
 اولور

۱۶۳۲ ماده

دفع دعوى ايدن كيمسه دفعنى اثبات ايتدكده مدعينك  
 دعواسى مندفع اولور و اثبات ايدمه مديكى تقديرده انك  
 طلبيله اصل مدعى تحليف اولنور  
 مدعى يميندن نكول ايدر ايسه مدعا عليهك دفعى ثابت  
 اولور و اكر مدعى يمين ايدر ايسه كندوسنك اصل  
 دعواسى عودت ايدر

ماده ۱۶۳۳

بر کسیسه دیگر کسیسه نه دن شو قدر غروش اله جق دعوی  
ایدوبده مدعی علیه دخی بن سنی بومبلغ ایله فلاک  
اوزرینه حواله ایدوب هر بریکز دخی حواله بی قبول  
ایتمش ایدیکز دیو ادما و بونی محال علیه دخی حاضر  
اولدیغی حالده اثبات ایسه مدعی بی دفع ایله مطالبه سندن  
خلاص اولور . واکر محال علیه حاضر دکل ایسه  
انک حضورینه قدر موقوفا مدعی بی دفع ایتمش اولور

( فصل ثالث )

( خصم اولوب اولیانلر بیاننده دیر )

ماده ۱۶۳۴

بر کسیسه برشی دعوی ایتدکده اکر مدعا علیهک اقراری  
تقدیرنده انک اقراری اوزرینه بر حکم ترتب ایدر ایسه  
انکاریه دعواده و اقامه بینه ده خصم اولور  
واکر مدعا علیهک اقراری تقدیرنده بر حکم ترتب ایتمز  
ایسه انکاریه خصم اولماز

مثلا اصنافدن بری کلوبده بر ذاتدن سنک رس-ولک  
فلان بندن شو مالی المدی ثمنی ویر دیو دعوا ایتدکده  
اول ذات اقرار ایسه ثمن مبیعی دفع و تسلیمه مجبور

اولدیغی جهته له انکار ایتدیکی صورتده دخی مدعی به  
 خصم اولور اول حالده مدعینک دعواسی و بینه سی  
 استماع اولنور . اما مدعی سنک شرابه و کیلک اولان  
 کسسه الدی دیو دعوی ایتدکده مدعی علیه اقرار ایتسه  
 ثمن مبیعی مدعی به دفع و تسلیمه مجبور اولمادیغی جهته له  
 انکار ایتدیکی صورتده مدعی به خصم اولماز  
 اول حالده مدعینک دعواسی استماع اولتماز

ولی و وصی و متولی بوقاعده دن مستشادر . شویله که  
 برکیمسه مال یتیمی یاخود مال وقفی ملکمدردیو دعوی  
 ایتدکده و کیلینک یاو صینک یاخود متولینک اقرارلری نافذ  
 اولمادیغندن اوزرینه برحکم ترتب ایتمز . اما انکارلری  
 صحیح اولوب انک اوزرینه مدعینک دعوی و بینه سی  
 استماع اولنور شو قدر وار که ولی و وصی و متولیدن  
 صادر اولان بر عقد اوزرینه دعوی اولندیغی حالده  
 اقرارلری دخی معتبر اولور

مثلا مسوغ شرعی به بناء بر صغیرک مالنی و ایسی صا توبده  
 اکا دائر مشتری طرفندن بر دعوی و قوعبولسه ولینک  
 اقرارنی معتبر اولور

۱۶۳۵ ماده

دعوی عینده خصم انجق ذی الیددر

مثلاً بر کسیسه دیگر کسیسه نك آتني غصب ايله آخر بر  
 شخصه بيع و تسليم ايدو بده اول، کسیسه آتني استرداد  
 ايتك استدكده انجق ذی الیددن دعوی ايدر اما او  
 آتک قیمتی تضمین ایتدیرمك استدكده غاصبدن دعوی  
 ايدر

۱۶۳۶ ماده

بر کسیسه مال مشتراه مستحق چیقو بده آنی دعوی  
 ایتدكده نظر اولنور

اگر مشتری اول مالی قبض ایتش ایسه حین دعوی  
 و شهادتده خصم یالکز مشتریدر بابعك حضورى شرط  
 دکلدیر . و اگر مشتری اول مالی هنوز باعدن قبض  
 ایتامش ایسه مشتری مالک و بابع ذی الید اولمق حسبيله  
 حین دعوی و شهادتده ایکیسنگ دخی حضورى لازمدر  
 ۱۶۳۷ ماده

ودیعه یی و دیعه دن و مستعارى مستعیردن و مأجورى  
 مستأجردن و مرهونى مرتهدن دعوی وقتنده و دیع ايله  
 مودعك و مستعیر ايله معیرك و مستأجر ايله . و جرك  
 و مرتهن ايله راهنك برلكده حاضر بولنماری شرطدر  
 فقط و دیعه و یا مستعار و یا مأجور و یا خود مرهون  
 غصب اولسه یالکز و دیع و مستعیر و مستأجر و مرتهن

انلری غاصبدن دعوی ایدہ پیلور مالکک حضوری  
لازم کلز و بونلر حاضر اولدجه یالکز مالک آنلری  
دعوی ایدہمر

ماده ۱۶۳۸

ودیع مشتری یه خصم اولماز

شویله که برکسنه دیگر کسنهک یئنده اولان خانه ایچون  
بن بو خانه بی فلان شخصدن شو قدر غروشه صاتون  
آلدم انی بکا تسلیم ایت دیو دعوی ایتدکده اول کسنه  
بو خانه بی بکا اول شخص ایداع و تسلیم ایتدی دیسه  
مدعینک خصومتی مندفع اولور اول شخصک ایداعی اثباته  
حاجت یوقدر . فقط مدعی دخی فی الواقع اول شخص  
بو خانه بی سکا ایداع ایتشیدی. لکن صکره بکا صاتدی  
وسندن قبض و تسلیمه بنی توکیل ایتدی دیوبده اول  
شخصک بیع و توکیلنی اثبات ایدرسه اول خانه بی  
ودیعدن اخذ ایدر

ماده ۱۶۳۹

ودیع مودعک دائننه خصم اولماز

بناء علیه دائن مودعده اولان اله جغنی ودیعک مواجهه  
سندده اثبات ایدو بده انده کی ودیعه دن استیفای هین  
ایدہ مر . فقط (۷۹۹) ماده ده بیان اولندیغی اوزره



غائبك اوزرينه نفقه سي واجب اولان كشي نفقه سني  
غائبك امانت آنچه سندن الموق اوزره وديعدن دعوى  
ايدة بيلور

ماده ۱۶۴۰

دائنه مديونك مديوني خصم اولماز  
بناء عليه بر كيمسه متوفاده اولان اله جغني متوفاك مديوني  
مواجهه سنده اثبات ايدو بده اندن استيفا ايدة مز

ماده ۱۶۴۱

بايعه مشتريك مشتريسي خصم اولماز  
مثلا بر كيمسه بر مالي ديكر كسنه يه بيع و او دخي آني قبض  
ايله آخر شخصه بيع و تسليم ايتدكدن صكره (مشتري  
اول اول مالي ثمنني ادا ايتكسز ين قبض ايتمشيدي انك  
ثمنني وير يا خود ثمنك استيفاسنه قدر حبس ايتك اوزره  
آني بكا و ير) ديوبايك مشتري ثانيدن دعواسي استماع  
اولتماز

ماده ۱۶۴۲

متوفاك لهنه و عليلهنه اولان دعوا ده يالكز ورته دن  
بريسي خصم اوله بيلور

فقط تركه دن بر عيني دعوا ده اول عين ورته دن كيمك

یئنده اېسه خصم او در . ذی الید اولیان وارث خصم  
اوله ماز

مثلا متوفانك بر كمنه ده اولان اله جغنی ورته دن یالکز  
بری دعوی ایده ییلور و بعد اثبوت اول اله جغك مجموعی  
جمله ورته ایچون حکم اولنور . فقط مدعی اولان  
وارث اندن یالکز کندی حصه سنی قبض ایدر سائر  
ورته نك حصه سنی قبض ایده مز

کذالك بر کیمسه ترته دن دین دعوی ایده جك اولدقده  
ورته دن یالکز بر یسنك حضورنده دعوی ایده ییلور .

کرك اول وارث یئنده ترکه دن مال بولنسون و کرك  
بولنسون . و بویله یالکز بر وارثك حضورنده دعوی

دین ایدو بده اول وارث دخی دینی اقرار ایتدیکی تقدیرده  
دیندن آنك حصه سنه نقدر اصابت ایدر سه یالکز اول

مقداری و یرمک اوزره امر اولنور وانك اقراری سائر  
ورته یه سرایت ایتمز . و اکر اقرار ایتیبده مدعی

یالکز اول وارثك حضورنده دعوا سنی اثبات ایدر سه  
جمله ورته علیهنه حکم اولنور . و مدعی اولوجهله

محکوم به اولان دینی ترکه دن اله جق اولدقده سائر ورته  
مدعی یه اول دینی تکرار بزم حضور مزده اثبات ایت

دیهمز لر فقط مدعی نك دعوا سنی دفعه صلاحیتلری وار

در . اما قبل القسمه متوفانك تركه سندن اولان و فقط  
 ورثه دن برينك ينده بولنسان بر آتی بر کیمسه بنم مالم  
 اولوب متوفایه ایداع ایتمشیدم دیو دعوی ایده جک  
 اولدنده خصم انجق ذوالید اولان وارث در . دیگر  
 ورثه دن دعوی ایتسه استماع اولتماز . و ذی الیددن دعوی  
 ایدوبده انک اقرار یله حکم اولنوز ایسه سائر ورثه یه سرایت  
 ایتزانک اقراری انجق کندی حصه سی مقدار نجه نافذ اولوب  
 انک اول آتده اولان حصه سی مدعینک اولق اوزره حکم  
 اولنوروا کر ذی الید اولان وارث انکار ایدوبده مدعی  
 دعوا سنی اثبات ایدرسه مجموع ورثه علیه نه حکم  
 اولنور . (۷۸) ماده یه باق  
 ماده ۱۶۴۳

ارثدن غیری بر سبب ملک ایله بر قایچ کیمسه بینده  
 مشترک اولان بر عینی دعوا ده شرکادن بری دیگرک  
 حصه سنده مدعی یه خصم اولدمن  
 مثلا شراطر یقیله بر قایچ کیمسه بینده مشترک بر خانده بی  
 بر کیمسه شرکادن یا لکز بری حضورنده ملکدر دیو  
 دعوی و اثبات ایدوبده حکم اولنسه حکم انجق حاضر  
 اولان شریکک حصه سنده مقصور اولوب سائرینه سرایت  
 ایتمز

۱۶۴۴ ماده

طریق عام کبی منافی عمومہ عائد اولان یرلرک دعواسنده  
 عامه دن یالکز بریسی مدعی اولوب انک دعواسی  
 استماع ایله مدعا علیه اوزرینه حکم اولنه بیلور

۱۶۴۵ ماده

اهالیبری قوم غیر محصور اولان ایکی قریه بیننده نهر  
 و مرعی کبی منافی مشترک اولان شیلر دعواسنده طرفیندن  
 بعضیلرینک حضوری کافیدر . اما اهالیبری قوم  
 محصور اولدیغی صورتده بعضلرینک حضوری کافی  
 اولیوب جمله سنک یا خود طرفلرندن وکیللرینک حضوری  
 لازمدر

۱۶۴۶ ماده

یوز نفردن زیاده اولان قریه اهالیسی قوم غیر محصور  
 عدا اولنور

( فصل رابع )

( تناقض بیاندنه در )

۱۶۴۷ ماده

تناقض ملکیت دعواسنده مانع اولور  
 مثلا بر کیمسه بر مال استشرا ایدوبده یعنی صاتون المق

استبویده بعده اول مال قبل الاشتهر اکنندوسنک ملکی  
ایدوکنی دعوی ایسه مسموع اولماز . وکذا فلان کسنه ده  
هیج برحقم یوقدر دیدکدن صکره اول کسنه دن برشی  
دعوی ایسه مسموع اولماز

کذلک برکیمسه دیگر کسنه دن فلان آدمه ویرمک اوزره  
سکا شو قدر غروش ویرمشیدم سن اکا ویرمیوب بدکده  
قالمغله کتور اول مبلغی ویر دیو دعوی ایتدکده مدعا  
علیه انکار ایتکله مدعی اقامه یینه ایتدکدن صکره مدعا  
علیه دونوبده کرچک اول آدمه ویرمک اوزره بکا او قدر  
غروش ویرمشیدک لیکن بن اول مبلغی اکا تسلیم ایلدم  
دیو دفع دعوی ایده جک اولسه مسموع اولماز

وکذلک برکیمسه دیگرک یئنده اولان بر دکانی ملکمدر  
دیو دعوی ایتدکده ذوالیدکرچک اول دکان سنک ملکک  
ایدی لیکن فلان تارینخده سن انی بکا بیع ایتشیدک دیو  
دعوی ومدعی اصلا بیتمزده بیع وشرایح جریان ایتدی دیو  
کلیما انکار ایتکله ذی الید دعواسنی اثبات ایتدکدن  
صکره مدعی دونوب فی الحقیقه اول دکانی اول نارینخده  
سکا بیع ایتش ایلدم لیکن بیع وفا یاخود شومقوله شرط  
ایله عقد اولمشیدی دیو دعوی ایسه استماع اولتماز

۱۶۴۸ ماده

بر کیمسه بر مالی دیگر کسنه نك اولدیغنی اقرار ایتدکن  
صکره بندر دیو دعوی ایتسه صحیح اولدیغنی کبی آخرک  
طرفندن بالوکانه یا بالوصایه دعوی ایتسی دخی صحیح  
اولماز

۱۶۴۹ ماده

بر کیمسه دیگر کسنه یی جمیع دعوا دن ابرا ایتدکن  
صکره کندوسی ایچون اندن بر مال دعوی ایتسه صحیح  
اولماز . اما بشقه سی ایچون بالوکاله یا خود بالوصایه  
دعوی ایددیلمور

۱۶۵۰ ماده

بر کیمسه بر مالی آخر کسنه ایچون دعوی ایتدکن  
صکره کندوسی ایچون دعوی ایتسه صحیح اولماز .  
اما کندوسی ایچون دعوی ایتدکن صکره بالوکاله  
آخر کسنه ایچون دعوی ایددیلمور زیرا دعوی و کیلی  
بعضا ملکی نفسنه مضاف قیلار اما بر کسنه عند الخصومه  
کندو ملکی بشقه سنه مضاف قیلماز

۱۶۵۱ ماده

حق و احد ایکی کشیدن ابرو ابرو استیفا اولنه مدیغنی

کبی جهت و احوده دن طولایی حق واحد ایکی کشیدن  
ادما دخی اولنه ماز  
۱۶۵۲ ماده

نصل که متکلم و احدک دعواسنده تناقض بولنور  
ایسه وکیل و موکل و وارث و مورث کبی متکلم  
واحد حکمنده اولان ایکی کسنه نك کلاملرنده دخی  
تناقض تحققی ایدر • شویله که بر خصوص حقننده  
موکلدن سبق ایدن دعوایه منافی و کیلی بر دعوی در میان  
ایتسه صحیح اولماز  
۱۶۵۳ ماده

خصمک تصدیقیله تناقض مرتفع اولور  
مثلا بر کیمسه جهت قرضدن اوله رق دیگر کسنه دن شو  
قدر غروش اله جق دعوی ایتدکن صکره مبلغ مزبورک  
جهت کفالتدن اولدیغنی دعوی ایدوبده مدعی علیه  
دخی بونی تصدیق ایلسه تناقض مرتفع اولور  
۱۶۵۴ ماده

حاکمک تکذیبیله دخی تناقض مرتفع اولور  
مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نك یدنده اولان مالی بندر دیو  
دعوی ایدوب مدعی علیه دخی اول مال فلانک ایدی  
بن اندن صاتون الدم دیو انکار ایتکله مدعی اقامه بینده

ایدو بده حکم اولنسه محکوم علیه اول مالک ثمنیه بایعنه  
رجوع ایدر واکرچه ابتدا اول مال بایعک ایدوکنی  
اقرار ایتمیله صکره کی رجوعی بیتنده تناقض وار ایسه  
ده حاکم حکمیله بواقاراری تکذیب اولندیغندن تناقض  
مرتفعدر

ماده ۱۶۵۵

محل خنما اولوبده مدعینک معذرتی ظاهر اولور ایسه  
تناقض مغفور اولور

مثلا برکیمسه برخانه بی استیجاری ایتدکدنصکره بن صغیر  
ایکن پدرم بوخانه بی بنم ایچون اشترا ایش حین استیجاری ده  
خبرم یوق ایدی دیو موجردن ادما و بو یولده بر قطعه  
سند ابراز ایلسه دعواسی مسموع اولور

کذلک برکیمسه برخانه بی استیجاری ایتدکدنصکره وقتیه  
اول خانه کندوسنه پدرندن ارثا انتقال ایش ایدوکنه  
واقف اولوبده موجردن ادما ایلسه دعواسی استماع قلنور  
ماده ۱۶۵۶

تقسیم ترکیه ایتدار مقسومک مشترک اولدیغنی اقرار در  
بناء علیه بعدالتقسیم مقسومی بنمدر دیو دعوی ایتک  
تناقضدر



مثلا تركه نك تقسيمند نصكره ورثه دن بر يسي اعيان  
مقسوم و مه دن بر يني بن متوفان صاتون المشيدم يا خود  
متوفى انى حال صحته بكا هبه و تسليم ايتشيدى ديو ادما  
ايتسه مسموع اولماز فقط بن صخير ايكن متوفى اول مالى  
بكا ويرمش وقت تقسيمه بيليو رددم دير ايسه معذور و  
دعواسى مسموع اولور

ماده ۱۶۵۷

متناقض كور ينان ايكي كلامك توفيق ممكن اولو بده مدعى  
دخى توفيق ايدر ايسه تناقض مرتفع اولور  
مثلا بر خانه ده مستأجر اولديغنى اقرار ايتش ايكن بو خانه  
بندر ديو دعوى ايتسه استماع اولماز . اما مستأجر  
ايدم صكره صاحبندن صاتون الدم ديو توفيق ايلسه  
دعواسى استماع اولنور

كذلك بر كيسه جهت قرضدن معلوم المقدار غروش  
دعوى ايدوبده مدعا عليه دخى بن سندن بر شى المدم  
وسنگله ببنزده هيچ بر معامله جارى اولماشدر يا خود  
بن سنى اصلا طائيم ديو بده مدعى اقاؤ بيزه ايتد كدن  
صكره مدعا عليه بن اول مبلغى ايضا ايتشيدم يا خرد سن  
بنى اندن ارا ايتشيدم ديو ادما ايلسه تناقض اولغله  
دعواسى استماع اولنماز . اما مدعيناك دعواى

مشروحده سی اوزرینه مدعا علیه سکا هیچ بورجم یوقدر  
دیو بده مدعی اقامه بینه ایتدکدنصکره مدعا علیه اوت  
سکا او قدر بورجم وار ایدی لکن بن انی سکا نأدیه  
ایتمشیدم یاخود سن بنی اندن ابرا ایتمشیدک دیو دعوی  
واثبات ایلسه مدعی بی دفعه ایدیلور

وکنلک برکیمسه دیگرکمنه دن سنده شویله برودیعه م  
وار ایلی ویر دیو دعوی ایتدکده مدعا علیه سن بکا  
اصلا برشی ایداع ایتدک دیو انکار ایدوبده مدعی  
اقامه بینه ایتدکدنصکره مدعا علیه بن انی سکا ردوتسلیم  
ایتمشیدم دیو دفعه ایدجک اولورسه بو دفعی مجموع  
اولیوب ودیعه ایلک بنده موجود ایسه مدعی انی عینا  
الور وستهلک ایسه قیمتنی تضمین ایتدیرر اما مدعینک  
دعوای مشروحده سی اوزرینه مدعا علیه بنده سنک اویله  
ودیعهک یوقدر دیو انکار ایدوبده مدعی اقامه بینه  
ایتدکدنصکره مدعا علیه اوت اویله برودیعهک وار ایدی  
لکن بن انی سکا ردوتسلیم ایتمشیدم دیو ادعا ایسه دعواسی  
مجموع اولور

۱۶۵۸ ماده

برکیمسه برعقدک باتاً و صحیحاً کندوسدن صادر اولدیغنی  
اقرار ایدهلک بو اقراری سنده ربط اولمدقن صکره

دو نوبده اول عقدك و فاء و يا خود قاسمدا منعقد اولديغنى  
 ادعا ايتسه دعواسى مسموع اولماز  
 (۱۰۰) ماده يه باق

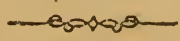
مثلا بر كيمسه ملك منزلنى بر كسنه يه ثمن معلوم مقابلنده  
 بيع و تسليم ايتد كدنصكره حضور حاكه واروب بن  
 شو حدود ايله محدود اولان منزلنى شو و قدر غروش  
 مقابلنده فلان كسنه يه بيع بات صحیح ايله صاتم ديو  
 اقرار ايدوبده بو اقرارى سنده ربط اولندقدنصكره  
 دو نوبده بيع مزبورى وفا طريقيله يا خود شو و مقوله  
 شرط مفسد ايله عقد اولمشيدى ديو ادعا ايتسه دعواسى  
 مسموع اولماز

كذلك بر كيمسه ديكر كسنه ايله اولان دعواسندن صلح  
 اوله رق حضور حاكه واروبده اول صلحك صحیح  
 عقد اولنديغنى اقرار ايدرك بو اقرارى سنده ربط  
 اولندقدنصكره دو نوبده صلح مزبورى شو و مقوله شرط  
 مفسد ايله اولمشيدى ديو ادعا ايتسه دعواسى مسموع  
 اولماز

ماده ۱۶۵۹

بر كيمسه بر مالى ملكهدر ديو ديكر كسنه حضورنده آخره  
 بيع و تسليم ايتد كده اول كسنه كوروبده بلا عذر

سكوت ايتشيكن صكره دن اول مال بندر ياخود انده  
 حصدم واردر ديو دعوى ايتسه نظر اولنور . اكر  
 اول كسنه بايعك اقرار بدن ياخود زوج و زوجه دن  
 برىسى ايسه اشبو دعواسى مطلقا استماع اولنماز . واكر  
 اجان بدن ايسه اول وجهله يالكر مجلس بيعدہ بولنمى  
 دعواسنك استماعنه مانع اوليوب انجق مجلس بيعدہ  
 حاضر اولدقد نيشقه مشترينك بر مدت اول ملكده انيه  
 يامق ياخود يقيمق و ياخود اغاج ديكهك كبي تصرف  
 ملاك ايله تصرفنى كور و بده بلا عذر سكوت ايتدكدن  
 صكره بر وجه بالا بنم ملكمدر ياخود آنده حصدم وار  
 در ديو دعوى ايتسه كذلك استماع اولنماز



( باب ثانى )

( مرور زمان حقنده در )

۱۶۶۰ ماده

دين و وديعه و ملك عقار و ميراث و عقارات موقوفه ده  
 مقاطعه ياخود اجار تين ايله تصرف و مشروطه توليت  
 و غـله دعوالرى كبي اصل وقفه و عمومه حائذ اولميان  
 دعوالر اون بش سنه ترك اولندقدن صكره استماع اولنماز

۱۶۶۱ ماده

اصل وقف حقننده متولی و مرتزقه کد دعوالری اوتور  
 التی سنه یه قدر استماع اولنور -  
 اما اوتوز التی سنه مرور ایتدکدنصکره ارتق استماع  
 اولنماز

مثلا بر کیسه اوتوز التی سنه بر عقاره ملکیت اوزره  
 متصرف اولدقدنصکره بروققک متولینسی اولعقاره بنم  
 و ققمک مستغلاتنددر دیو دعوی ایتسه استماع اولنماز

۱۶۶۲ ماده

طریق خاص و مسیل و حق شرب دعوالری اکر ملک  
 عقارده ایسه اون بش سنه مرور ایتدکدن صکره  
 استماع اولنماز و اکر عقارات موقوفده ایسه متولینک  
 انلری اوتوز التی سنه یه قدر دعوابه صلاحیتی واردر  
 اون سنه مرورندن صکره اراضی میریه دعوالری  
 استماع اولنمدیغی کبی اراضی میریه دهکی طریق خاص  
 و مسیل و حق شرب دعوالری دخی اون سنه ترک  
 اولندقدنصکره استماع اولنماز

۱۶۶۳ ماده

بو بابده معتبر یعنی دعواک استماعنه مانع اولان مرور  
 زمان انجق بلا عذر واقع اولان مرور زماندر

یوخیسه مدعینک و صدیقی بولنسه-ون بولنسه-ون صغیر  
یا مجنون یا معتوه اولسی یا خود مدت سفر اولان اخی  
دیارده بولنسی و یا خود خصمنک متغلبه دن اولسی کبی  
اعذار شرعیه دن بویله مرور ایدن زمانه اعتبار اولنماز  
بناء علیه مرور زمانک مبدئی عذرک زوال و اندفاعی  
تاریخندن اعتبار اولنور

مثلا بر کیمسه نك حال صغرنده کچن زمانه اعتبار اولنمیوب  
مرور زمان انجق حد بلوغه و اصل اولدیغی تاریخندن  
معتبر در

کذلک بر کیمسه نك متغلبه دن بویله دعواسی اولوبده  
خصمنک تغلبی ممتد اوله رق دعوی ایده مدیکندن مرور  
زمان بولنسه اول دعوانک استماعنه مانع اولماز . مرور  
زمان انجق تغلبک زوالی تاریخندن معتبر در

ماده ۱۶۶۴

مدت سفر سیر معتدل ایله اوچ کونلک یعنی اون سگز  
ساعتلک مسافه در

ماده ۱۶۶۵

بینلرنده مدت سفر اولان ایکی بلده سا کینلرن دن بریسی  
بر قاق سنده بر کوره بر بلده ده بر لشوب یکدیگر یله  
محاکمه لری قابل ایکن بر بندن برشی دعوی اتمه رک

بووجهله مرور زمان بولندقدن صکره مدت مرور دن  
مقدم تاریخ ایله برینک دیکرندن دعواسی استماع اولنماز  
۱۶۶۶ ماده

برکیمسه بر خصوصی حضور حالکده دیکر کیمسه دن  
برقاج سنده بر کره دعوی ایلوب انجق فصل دعوی  
ایدلمیه رک بووجهله اون بش سنه مرور ایسه دعوانک  
استماعنه مانع اولماز . اما حضور حالکده اولسان ادعا  
ومطالبه مرور زمانی دفع ایده من

بناء علیه بر کیمسه بر خصوصی مجلس حاکم غیری  
برلرده ادعا ومطالبه ایدرک بووجهله مرور زمان بولنسه  
مدعینک دعواسی استماع اولنماز  
۱۶۶۷ ماده

مرور زمان مدعی مدعا بهی ادمایه صلاحیت کلدیکی  
تاریخدن اعتبار اولنور

بناء علیه دین مؤجلی دعواده مرور زمان انجق حلول  
اجلدن معتبر اولور . زیرا قبل حلول الاجل مدعینک  
اول دینی دعوی ومطالبه به صلاحیتی یوقدر

مثلا برکیمسه دیکر کیمسه دن بوندن اون بش سنه مقدم ثمنی  
اوج سنه مؤجل اولوق اوزره سکا بیع ایلدیکم فلان شی  
ثمنندن سنده شو قدر غروش اله جغم واردر دیو دعوی

ایلسه استماع اولنور . زیرا حملول اجلدن اعتبارا  
انجق اون ایکی سنه کچمش اولور

کذلک بطننا بعد بطن اولاده مشروط وقفه دائر بطن  
ثانیه بولنان اولادک دعوالرنده مرور زمان انجق بطن  
اولک انقراضی تاریخندن معتبردر . زیرا بطن اول  
موجود ایکن بطن ثانینک دعوایه صلاحیتی یوقدر

و ذلک مهر مؤجل دعواسنده مرور زمانک مبدائی وقت  
طلاقدن یاخود احد زوجینک وفائی تاریخندن اعتبار  
اولنور . زیرا مهر مؤجل یاطلاق یاخود وفات ایله  
معجل اولنور

۱۶۶۸ ماده

مفلس اولان کسینده دن الهجق دعواسنده مرور زمان  
انجق افلاسک زوالی تاریخندن معتبردر

مثلا اون بش سینهدنبرو متمادیا مفلس اولوب هنوز کسب  
یسار ایلدیکی متحقق اولان بر کیمسه دن دیگر کسینده  
اون بش سنه مقدم ذمتکده فلان جهتدن شوقدر غروش  
اله جغم و ارایدی اول تاریخندنبرو مفلس اولدیغک جهته  
دعوی ایدهدم شمعی اداء دینه اقتدارک اولغله دعوی  
ایدرم دیسه استماع اولنور



۱۶۶۹ ماده

بر کیمسه بر دعوایی بوجه بالا بلا عذر ترك ایدرک مرور  
 زمان بولنسه اول دعوی حیاتنده کندوسندن استماع  
 اولندیغی کبی وفاتنده وارشدن دخی استماع اولتماز

۱۶۷۰ ماده

بر دعوایی برمدت مورث و برمدت وارث ترك ایدوبده  
 ایکی مدتک مجموعی مرور زمان حدینه بالغ اولورسه  
 ارتق استماع اولتماز

۱۶۷۱ ماده

بایع ایله مشتری و واهب ایله موهوبله مورث ایله وارث  
 کبیدر

مثلا بر کیمسه بر عرصه یه اون بش سنه متصرف اولوب  
 اول عرصه نك اتصالنده خانه سی اولان کسنه بومدته  
 سکوت ایتدکن صکره اول خانه یی آخره بیع ایتدکده  
 مشتری اول عرصه اشبو اشترا ایتدیکم خانه نك طریق  
 خاصیدر دیو دعوی ایلسه مسموع اولماز

کذلک برمدت بایع و برمدت مشتری سکوت ایدوبده ایکی  
 مدتک مجموعی مرور زمان حدینه بالغ اولسه مشتری نك  
 دعواسی استماع اولتماز

۱۶۷۲ ماده

متوفاتك ديكرنده اولان بر مالي دعواده ورثه سندن  
بعضيلري حقتده مرور زمان بولنش-يكن ديكر بعضيسي  
حقتده صغر كبي بر عذر ايله مرور زمان بولنديغنه ميني  
اول مالي دعوى و اثبات ايتدكده مدعا بده اولان  
حصه سي كندوسنه حكم اولنور و بو حكم سار وورثه يه  
سرايت ايتمز

۱۶۷۳ ماده

بر كيسه بر عقارده مستأجر اولديغني مقر ايكن اون بش  
سنه دن زياده زمان مرور ايتمكه اكا مالك اوله ماز  
اما انكار ايدوبده مالك دخي اول عقار بنم ملكدر شو  
قدر سنه مقدم سكا ايجار ايتشيدم دائما اجرتني قبض ايدرم  
ديو دعوى ايتدكده نظر اولنور

اكر ايجاري بين الناس معروف ايسه دعواسي استماع  
اولنور . دكل ايسه استماع اولنماز

۱۶۷۴ ماده

تقادم زمان ايله حق ساقط اولماز  
بناء عليه مرور زمان بولنان بر دعواده مدعا عليه حضور  
حاكمه مدعينك دعواسي وجهله حالا كندوسنده حقي  
اولديغني صراحة اقرار و اعتراف ايدوبورر ايسه مرور

زمانه اعتبار اولنمىوب مدعا عليه اقرارى موجبجه  
حکم اولنور

امامدعى عليه حضور حاکمه اقرار ایتىوبده مدعى انک  
دیگر محله اقرار ایتىش اولدیغنى دعوى ایدرسه مدعینک  
اصل دعواسى استماع اولنمدیغى کبی اقرار دعواسى  
دخی استماع اولنماز

قط دعوى اولنان اقرار مقدم مدعى عليه معروف  
اولان خط ویاختمی حاوی برسندده ربط اولنوبده اول  
سندک تاریخندن وقت دعوايه قدر مرور زمان مدتی  
بولنماش ایسه اوصورتده اقرار دعواسى استماع اولنور  
ماده ۱۶۷۵

طریق عام ونهر ومرعى کبی منافعى عمومه عائد اولان  
یرلک دعواسنده مرور زمانه اعتبار اولنماز  
مثلا بر قریه یه مخصوص اولان مرعایى برکیمسه بلا نزاع  
الی سنه ضبط وتصرف ایتدکدنصکره قریه سی اهالیسی  
اول مرعایى اندن دعوى ایتسه لر استماع اولنور

اراده سنیه تاریخى فی ۹ جادی الاخرى سنه ۱۲۹۳

عن اعضاء شوراي دولت      امين الفتوى      ناظر عدليه  
 سيف الدين      السيد خليل      احمد جودت

رئيس ثانی محکمه تمیز      عن اعضاء مجلس تدقیقات  
 السيد احمد حلمی      شرعيه السيد احمد خلوصی

رئيس المسودين      عن اعضاء مجلس تدقیقات  
 عمر حلمی      شرعيه احمد خالد

اعلامات ميمزى معاونى

عبد الستار

— ❦ كتاب البيّنات والتحليف ❦ —

✽ صورت خط همایون ✽

( . و جنبه عمل اولنه )

( کتاب خامس عشر )

( بینات و تحلیف حقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی )

( . شتملدر )

( مقدمه )

( بعض اصطلاحات قهیهه بیانده در )

۱۶۷۶ ماده

بینه . حجت قویه دیمکدر

۱۶۷۷ ماده

تواتر . کذب اوزره اتفاقلری عقلا جائز اولمیان جماعتک

خبریدر

۱۶۷۸ ماده

ملک مطلق . ارث و شراکی اسباب ملکدن بر یله

مقید اولمیان ملکیتدر . و بویله بر سبب ایله مقید اولان

ملکیته دخی ملک بسبب دینیلور

۱۶۷۹ ماده

ذی الید . بر عینه بالفعل وضع ید بدن یا خود تصرف

ملاک ایله تصرفی ثابت اولان کیمسه در

۱۶۸۰ ماده

خارج • بوجه بالا وضع بد و تصرف بد نری اولان  
کیمسه در

۱۶۸۱ ماده

تحلیف • احد خصمینه بین ویرمکدر

۱۶۸۲ ماده

تحالف • خصمندن ایکیمسه دخی بین ویرمکدر

۱۶۸۳ ماده

تحکیم حال • یعنی حال حاضری حکم قیلق استحجاب  
قبیلندندر

استحجاب دخی عدمی مظنون اولیان بر امر محقق  
بقاسیله حکم ایتکدر که ابقاء ما کان علی ما کان دیمک  
اولور

( باب اول )

( شهادت حقه اولوب سکز فصلی مشتملدر )

( فصل اول )

( شهادتک تعریف و نصابی بیاننده در )

۱۶۸۴ ماده

شهادت • بر کیمسندک آخر کیمسه ده اولان حقنی اثبات

ایچون حضور سجا کده و خصمینک مواجهه لرنده شهادت  
لفظیله یعنی شهادت ایدرم دیو خبر ویرم کدر  
اشبو مخبره شاهد و اول کیسه یه مشهود له و اول کسنه یه  
مشهود علیه و اول حقه مشهود به دینیلور  
۱۶۸۵ ماده

حقوق عبادده شهادتک نصیابی ایکی ار یاخود بر ار ایله  
ایکی خانوندر . فقط ار ککلرک اطلاعی مکن اولیان  
یرلرده یا لکز خانونلرک مال حقننده شهادتلی قبول  
اولنور

۱۶۸۶ ماده

دلسزک و اعمانک شهادتلی مقبول دکلدر

( فصل ثانی )

( شهادتک کیفیت اداسی بیاننده در )

۱۶۸۷ ماده

مجلس محاکمه نک خارجنده اولان شهادت معتبر دکلدر

۱۶۸۸ ماده

شاهدلرک مشهود بهی بالذات معاینه ایتمش اولوبده  
اولوجهله شهادت ایلمسی لازمدر . سماع ایله یعنی ناسدن  
ایشتمد دیو شهادت ایلمسی جائز اولماز



۵۴  
فقط بر محلك و قف يا خود بر كس نه ك فوت اولديغنه  
ثقه دن ايشتم ديو شهادت ايتسه يعنى بو كا شهادت  
ايدرم زيرا ثقه دن بويله ايشتم ديسه شهادتى مقبول  
اولور

و ولايت و موت و نسب خصوصلمرنده وجه شهادتى  
بويله تفسير ايليه رك يعنى ايشتمه سوزيني سويليه رك سماع  
ايله شهادت ايلسى جا زدر

مثلا فلان آدم فلان تاريخده بوبلدهده والى يا خود حاكم  
ايدى و فلان آدم فلان وقت فوت اولدى و فلان كيسه  
فلانك او غليدر بويله بيلورم ديوبده ايشتم ديميدرك  
صورت قطعيله شهادت ايتديكى صورتده هر نقدر  
بو خصوصلمرى معاينه ايتماش اولسه و سنى انلرى معاينه به  
مساعد اولسه بيله شهادتى قبول اولنور . و برده ناسدن  
ايشتم ديميو بده بلكه بز بو خصوصى معاينه ايتدك  
اما بينمزده بويله مشتهردر بويله بيلورز ديهرك شهادت  
ايتسه هر صورتده جا ز اولور

۱۶۸۹ ماده

شاهد اكر شهادت ايدرم ديميو بده يالكلز فلان خصوصى  
بويله بيلورم يا خود خبر و بررم ديمش اولسه اداء  
شهادت ايتش اولماز . فقط انك اوزرينه حاكم اكا

بویله شهادت ایدرمیسن دیوسؤال ایدو بده او دخی اوت  
 بویله شهادت ایدرم دیدکده ایفای شهادت ایتمش اولور  
 واکرچه اهل خـبره نك اخباری کبی مجرد تحقیق  
 و اشته تکشاف حال ایچـون واقع اولان افادته شهادت  
 لفظی شرط دکادر انجق بونلر شهادت شرعیه اولیوب  
 مجرد اخبار قبیلندندر

۱۶۹۰ ماده

مشهودله و مشهود علیه و مشهود به حاضر ایسه لر شاهد  
 شهادت ایدرکن اوچنه دخی اشارت ایدر وانک بووجهله  
 اشارتی کفایت ایدر • مشهودله ایله مشهود علیهک بابا  
 و دده لرینک اسملرینی ذکر ایلمسی لازم کلر

اما غائب اولان موککله یاخود متوفایه دایر اولان  
 شهادته شاهد انلرک بابا و دده لرینک اسملرینی ذکر ایتمک  
 لازمدر • فقط مشهور و معروف اولان برکیسه ایسه  
 شاهد انک یالکز اسم و شهرتی ذکر ایتمک کافیدر زیرا  
 مقصد اصلی انی سائرندن تمیز ایده جک وجهله تعریفدر  
 ۱۶۹۱ ماده

عقاره دایر اولان شهادته حدودنک بیانی لازمدر •  
 فقط شاهد اکر مشهود به اولان عقارک حدودینی ذکر

ایتموبده محلنده تعیین و ارائه ایده بیله جگنی بیان ایلر ایسه  
 محلنه کیدیلوب ارائه ایتدیریلور  
 ماده ۱۶۹۲

(۱۶۲۳) ماده ده بیان اولندیغی اوزره مدعی سندنده کی  
 حدوده استناد ایله دعوی ایتدیگی تقدیرده شاهدلر  
 دخی بو سندده حدودی محرر اولان عقار انک ملکیدر  
 دیو شهادت ایتسه لر صحیح اولور  
 ماده ۱۶۹۳

برکیمسه مورثک دیگر کسنه ذمتنده شو قدر غروش  
 اله جغی اولدیغنی دعوی ایتدکده شاهدلر اکر متوفانک  
 اول کسنه ده اول مقدار اله جغی اولدیغنه شهادت  
 ایتسه لر کفایت ایدر ورثه سنه موروث اولمشدر دیو  
 تصریح حاجت یوقدر

دین یرینه عین ادعا اولندیغی صورتده یعنی اول کسنه  
 بدنده مورثک برمال معینی بولندیغی ادعا اولندقدده دخی  
 حکم ینه بو وجهله در  
 ماده ۱۶۹۴

برکیمسه ترکدن شو قدر غروش اله جق دعوی ایتدکده  
 شاهدلر اکر متوفانک اول کیمسه به او قدر زینی اولدیغنه  
 شهادت ایتسه لر کفایت ایدر وفاتنه قدر ذمتنه باقی ایدی

دیو تصریحاً حاجت یوقدر • دین یرینه عین ادعا  
اولدیغی صورتده یعنی اول کیمسه متوفانک یدنده  
کندوسنک بر مال معینی اولدیغنی دعوی ایتدکده دخی  
حال بومنوال اوزره در

۱۶۹۵ ماده

بر کیمسه دیگر کسنه دن الهجق دعوی ایتدکده شاهدلر  
اگر اول کیمسه نك مدعی به اول مقدار دینی اولدیغنه  
شهادت ایتسه لر کفایت ایدر • فقط خصمی حالا دینک  
بقاسندن سؤال ایدو بده شاهدلر حالا بقاسنی بیلیر ديسه لر  
شهادتلی رد اولنور

( فصل ثالث )

( شهادتک شروط اساسیه می بیانده در )

۱۶۹۶ ماده

حقوق ناسه شهادتده سبق دعوی شرطدر

۱۶۹۷ ماده

محسوسک خلافتنه اقامه اولنان بینه مقبول اولماز  
مثلا بر کیمسه نك بر حیيات ویا بر خانه نك معهور اولدیغی  
مشاهد ایکن اول کسنه نك و فات ایلدیکنه یا خود اول  
خانه نك خراب اولدیغنه بینه اقامه اولنسه مقبول و معتبر  
اولماز

۱۶۹۸ ماده

متواترک خلافتنه اقامه اولنان بینہ قبول اولماز

۱۶۹۹ ماده

بینہ برحقى اظهار ایچون مشروع قلمشدر • بناء علیه  
فلان کیمسه اوایشی ایشلدی و فلان شی فلان کسنه نك  
دکدر و فلانک فلانہ بورجی یوقدر کبی نفی صرفه  
شهادت قبول اولماز • فقط نفی متواتر بینہ سی مقبولدر  
مثلا بر کیمسه فلان کیمسه یه فلان وقت فلان محمله شو  
قدر غروش اقراض ایتدم دیوجھت فرضدن اول مقدار  
غروش دعوی ایدوب حالبوکه اول کسنه نك اولوقت  
اوراده اولیوبده بشقه محمله بولندیغی تواترا اثبات  
اولنسه اشبو تواتر بینہ سی مقبول اولوب مدعینک  
دعواسی مسموع اولماز

۱۷۰۰ ماده

شهادتده دفع مغرم وجر مغرم یعنی دفع مضرت و جلب  
منفعت داعیه سی اولماقی شرطدر

بناء علیه اصلک فرعه و فرعک اصله یعنی ابا و اجداد  
وامهات و جدانک اولاد و احفادی لهترینه و اولاد  
و احفادک ابا و اجدادی و امهات و جداتی لهترینه و هکذا  
احد زوجینک دیکری لهنه شهادتتری مقبول اولماز •

اما بونلردن ماعدا اقر بانك يك ديكرى لهسنه شهادتلى  
 مقبول اولور كذلك بر كيمسه نك اتفـ اقبيله تعيش ايدن  
 آدهنك و اجير خاصنك كندو لهسنه شهادتلى مقبول  
 اولماز . اما قيو يولداشلىرىنك يكديكرى لهنه شهادتلى  
 مقبول اولور و كذلك شريكلك مال شركته يكديكرى  
 لهسنه شهادتلى و كفيل بالمال اولان كيمسه نك اصيل  
 طرفندن مكفول بهك ادا اولنديغنه شهادتى مقبول اولماز  
 اما سائر خصوصلرده يكديكره شهادتلى مقبول اولور  
 ماده ۱۷۰۱

دوسنك دوسته شهادتى مقبولدر . فقط بيلنلرنده كى  
 دوستلق يكديكره مالنده تصرف اتمه مرتبه سنه وارر  
 ايسه اول حالده يكديكره لهسنه شهادتلى مقبول اولماز  
 ماده ۱۷۰۲

شاهد ايله مشهود عليه بيننده عداوت دنيويه اولماق  
 شرطدر . عداوت دنيويه عرف ايله بيلنور  
 ماده ۱۷۰۳

بر كيمسه هم مدعى وهم شاهد اوله ماز  
 بناء عليه وصينك يتيمه ووكيلك مؤكده شهادتلى صحيح  
 اولماز

ماده ۱۷۰۴

بر کیمسه نك كندو فعلنه شهادتی معتبر دکلدر  
بناء علیه وکیللرک و دلاللرک بزبیر ایتشیدک دیو کندو  
فعللرینه شهادتلی معتبر اولماز

کذلک بر بلده حاکی انفصا-انندن صکره قبل الانفصال  
کندوسندن صدور ایتش اولان حکمه شهادت ایلسه  
صحیح اولماز اما قبل الانفصال بر کیمسه نك کندی حضورنده  
واقع اولان اقرارینه بعد الانفصال شهادت ایلسه معتبر  
اولور

ماده ۱۷۰۵

شاهدک عادل اولسی شرطدر  
عادل حسنانی سیئانه غالب اولان کیمسه در  
بناء علیه رقااص و مسخره کبی ناموس و مروتی مخل حال  
و حرکتلی اعتیاد ایدن اشخاصک و کذب ایله معروف  
اولان کسانک شهادتلی مقبول اولماز

( فصل رابع )

( شهادتک دعوایه موافقتی بیاننده در )

ماده ۱۷۰۶

شهادت اکر دعوایه موافق ایسه قبول اولور . دکل

ایسه قبول اولتماز . فقط لفظه اعتبار اولیوب معنی  
موافقت کافیدر

مثلا مدعا به ودیعه اولوبده شاهدلر مدعا علیهمک ایداعی  
اقرار ایلدیکنه شهادت ایتسدر یاخود مدعا به غضب  
اولوبده شاهدلر مدعا علیهمک غصبی اقرار ایلدیکنه  
شهادت ایتسدر مقبول اولور .

کذلت مدیون اداء دین ایلدیکنی دعوی ایدوبده شاهدلر  
داننک مدیونی ابرا ایلدیکنه شهادت ایتسدر مقبول  
اولور

۱۷۰۶ مانه

شهادتک دعوا به موافقتی یا اکا تمامیه مطابقتی ویاخود  
مشهود بهک مدعا بهدن اقل اولسی صورتیدر

مثلا مدعی بومال ایکی سنه دنبرو بنم ملکمدر دیو دعوی  
ایدوبده شاهدلر دخی ایکی سنه دنبرو ملکی اولدیغنه  
شهادت ایتدکاری صورتده شهادتلی مقبول اولدیغی  
کچی برسنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت ایتدکاری  
صورتده شهادتلی قبول قیلنور

کذلت مدعی بیک غروش دعوی ایدوبده شاهدلر بشیوزه  
شهادت ایتدکاری صورتده بشیوز غروش حقهده شهادتلی  
قبول اولنور



۱۷۰۸ ماده

مدعا به اقل اولوبده شاهدلر اکثره شهادت ايلسه در  
مقبول اولماز

مگر که شهادت ايله دعوی بینده کی اختلاف ذاتاً قابل  
توفیق اولوبده مدعی دخی انلرک بینی توفیق ایلده  
اولخالده شهادت قبول قیلنور

مثلا مدعی بومال ایکی سنه دنبرو بنم ملکدر دیو دعوی  
ایدو بده شاهدلر اوچ سنه دنبرو ملک ایلدیغنه شهادت  
ايلسه لر قبول قیلنماز . کذلک مدعی بشیوز غروش دعوی  
ایدو بده شاهدلر بیک غروشه شهادت ایتسه لر قبول اولنماز  
اما مدعی بنم آنده اله جغم فی الواقع بیک غروش ایدی  
لکن بشیوز بینی استیفا ایتشیدم شاهدلر اوراسنی بیلمزلر  
دیو دعوی ايله شهادتک بینی توفیق ایلسه شاهدلر ینک  
شهادتی قبول اولنور

۱۷۰۹ ماده

مدعی مثلا شو باغ بنم ملکدر دیو ملک مطلق دعواسی  
ایدو بده شاهدلر مدعی بو باغی فلانندن صامتون الدی  
دیو ملک مقیده شهادت ایتسه لر قبول اولنور  
شویله که شاهدلر اولوجهله ملک مقیده شهادت ایتدکرنده  
حاکم سنده بوسبيله می ملک دعواسی ایلده یورسین بوخسه

آخر سبيله می دیو مدعیدن سؤال ایدر مدعی اکر اوت  
 بنده بوسبيله دعوی ایدرم دیر ایسه حاکم اول شاهدلرک  
 شهادتی قبول ایدر واکر سبب آخرله دعوی ایدرم  
 یاخود بن بوسبيله دعوی ایتم دیر ایسه حاکم اول  
 شاهدلرک شهادتی رد ایلر

ماده ۱۷۱۰

مدعی مثلاً بر باغده ملک مقید دعواسی ایتدیکی صورتده  
 نظر اولنور اکر بایعنی ذکر ایتیهرک صاتون الدم  
 یاخود مبهم اوله رق بر ادمدن صاتون الدم دیر ایسه  
 ملک مطلق دعواسی حکمنده اولغله شاهدلر بو باغ  
 انک ملکیدر دیو ملک مطلقه شهادت ایتسه لر قبول  
 اولنور

اما فلان آدمدن صاتون الدم دیو بایعنی تصریح ایدوبده  
 شاهدلر ملک مطلقه شهادت ایتسه لر شهادتلی قبول  
 اولنماز

چونکه ملک مطلق ثابت اولسه عن اصل وقوعی ثابت  
 اولوب زوائدینه مثلاً باغک مقدا حصوله کلمش اولان  
 میوهلرینه دخی مدعینک مالک اولسی لازم کلور ملک  
 مقید ایسه انجق سینک مثلاً عقد بیع وشرانک تاریخ

وقوعندن اعتباراً نابت اولور بو جهته ملك مطلق ملك  
مقيده نسبتله اكثر اولور و بصورتده شاهدلر اكثره  
شهادت ايتمش اولورلر

۱۷۱۱ ماده

شهادت اكر دينك سبينده دعوايه مخالف اولور ايسه  
مقبول اولماز

مثلا مدعى ثمن مبيع اولوق اوزره بيك غروش اله جق  
دعوى ايدوبده شاهدلر مدعا عليهك جهت قرضدن  
طولاي اولمقدار ديني اولديغنه شهادت ايتسهلر مقبول  
اولماز . كذلك مدعى بوملك بكا پدرمدن موروثدر ديو  
دعوى ايدوبده شاهدلر اناسندن موروث اولديغنه  
شهادت ايتسهلر مقبول اولماز

( فصل خامس )

( شاهدلرک اختلافلى بيانده در )

۱۷۱۲ ماده

شاهدلر مشهود بده اختلاف ايتسهلر شهادتلى مقبول  
اولماز

مثلا شاهدلرک برى بيك غروشلىق التون و ديكرى بيك  
غروشلىق سيم مجيده ديو شهادت ايتسهلر شهادتلى  
قبول اولماز

شاهدلك مشهود بهه متعلق اولان برشیده اختلافری  
 مشهود بهه اختلافی موجب اولور ایسه شهادتلی  
 قبول اولنماز و موجب اولماز ایسه قبول اولنور  
 بناء علیه غصب و ایفای دین کبی صرف فعلندن عبارت  
 اولان خصوصاً شده شاهدلك بری بر زمان معینده و یا مکان  
 معینده فعلله و دیگری زمان آخرده یا مکان آخرده فعلله  
 شهادت ایسه لر بو اختلافری مشهود بهه اختلافی موجب  
 اولمغله شهادتلی قبول اولنماز

اما قول قبیلندن اولان بیع و شرا و اجاره و کفالت  
 و حواله و هبه و رهن و دین و قرض و ابرا و وصیت  
 خصوصاً شده شاهدلك زمان و مکانده اختلافری مشهود  
 بهه اختلافی موجب اولمغله شهادتلی قبولنه مانع  
 اولماز

مثلاً بر کیمسه بورجنی ادا ایتمش اولدیغنی دعوی ایدو بهه  
 شاهدلك بری خانه سنده و دیگری دکاننده ادا ایتمش  
 اولدیغنه شهادت ایسه لر شهادتلی قبول اولنماز . اما  
 بر کیمسه دیگر کس سنده یننده اولان بر مال ایچون سن  
 بو مالی بکا شو قدر غروشه صاتممش ایدک انی بکا تسلیم  
 ایت دیو دعوی ایتدکده شاهدلك بریسی فلان خانه ده

ودیکری فلان دکانده صانمش اولدیغنه شهادت ایتسه لر  
 شهادتلی قبول اولنور . زیرا فعل تکرار و اعاده  
 اولنه ماز . اما قول تکرار و اعاده اولنه بیلور  
 ۱۷۱۴ ماده

شاهد لر مال مغصوبک رنکنده یا خود ارکک و یا دیشی  
 اولسنده اختلاف ایتسه لر شهادتلی قبول اولنماز  
 مثلا مغصوب اولان حیوان حقنده شاهدلرک بری قیر  
 آت و دیکری یاغز یا آل آت و یا خود بری آت و دیکری  
 قسراق دیو شهادت ایتسه لر شهادتلی قبول اولنماز  
 ۱۷۱۵ ماده

دعوی عقدده شاهد لر بدلاک مقدارنده اختلاف ایتسه لر  
 شهادتلی قبول اولنماز  
 مثلا شاهدلرک بری بر مالک بشیوز غروشه و دیکری اوج  
 یوز غروشه صانادیغنه شهادت ایتسه لر شهادتلی قبول  
 اولنماز

( فصل سادس )

( تزکیه شهود حقنده در )

۱۷۱۶ ماده

شاهد لر شهادت ایتدکده حاکم مشهود علیهمدن نه دیر سین  
 بونلر شهادتلینده صادقیدر لر بوخسه دکلیدر لر دیو سؤال

ایدر . مشهود علیه اگر شاهد بر بوشهادت نرند صاقد رلر  
یا خود بوشهادت نرند عادل رلر دیر ایسه مدعا بهی اقرار  
ایتمش اولور واقرار یله حکم اولنور . واکر یونلر شاهد  
زوردرلر یا خود بونلر عادل آدملر در لکن بو خصوصده  
خطا ایده یورلر یا خود واقعه یی اونوتمش لر دیر ایسه ویا خود  
یا لکز بونلر عادل آدملر در دیمکله برابر مدعا بهی انکار  
ایسه حاکم حکم ایتموب شاهد لری سرا وعلنا تزکیه ایله  
عادل اولوب اولدقلرینی تحقیق ایلر  
۱۷۱۷ ماده

شاهد لر کرک سرا وکرک علنا منسوب اولدقلری جانبدن  
یعنی طلبه علومدن ایسه ساکن اولدقلری مدرسه مدرس  
ایله معتمد اهالیسندن و عسکریدن ایسه طابوری ضابطان  
و کاتب لردن و کتبه دن ایسه قلمی ضابطان و خلف اسندن  
و تجاردن ایسه تجارک معتبرانندن و اصنافدن ایسه  
کتخداسیله اونجه اوسته لرندن و صنوف ساره دن ایسه  
محلله ویا قریه لرینک موثوق و مؤتمن اهالیسندن تزکیه  
اولنور

۱۷۱۸ ماده

سرا تزکیه اصطلاح فقهاده مستوره تعبیر اولنور ورقه  
ایله اجرا اولنور

شویله که حاکم اول ورقه به مدعی و مدعی علیه اسملرینی  
 و مدعا به ایله شهودک اسم و شهرت و صنعتلرینی و اشکال  
 و محللرینی و بابا و دده لرینک اسملرینی و معروف ایسه دلر  
 یالکزام و شهرتلرینی تحریر و الحاصل شاهدلری سائرندن  
 تمیز ایده جک و جهله تعریف و بیان و برظرف درونه  
 وضع ایله اوزرینی مهرلدکن صکره مزکی انتخاب  
 اولنان کسنه لره ارسال ایدر مزکیلر دخی مستوره بی  
 فتح و قرائت ایدوب ایچنده اسملری محرر اولان شاهدلر  
 عادل ایسه دلر اسملری تحته عدل و مقبول الشهاده دیو تحریر  
 و عادل دکالر ایسه عادل دکالر دیو تحریر و امضا ایلیه رک  
 مستوره بی کتورن آدمی و آخر کسنه بی مضمونه واقف  
 ایتمکسزین ظرف اوزرینی مهرلیوب حاکم اعاده ایدر  
 ماده ۱۷۱۹

مستورده مزکیلر طرفندن شاهدلر حقنده عادل و مقبول  
 الشهاده دیو یازلیوبده عادل دکالر یاخود حاللرینی بیلیر  
 و یا مجهول الاحوال و یاخود الله یلور کبی صراحة  
 یاخود دلالة جرحی افاده ایدر بر سوز یازلمش اولور  
 و یاخود هیچ بر شی یازمقسزین مستوره محتوما حاکم  
 اعاده اولنور ایسه حاکم اول شاهدلرک شهادتی قبول  
 ایتز

بوصورتده حاکم طرفندن مدعییه سنک شاهدلرک جرح  
اولندی دینلیوب انجق بشقه شهاهدلرک وارایسه کتور  
دینلور

واکر مستورهده عادل ومقبول الشهاده درلر دیویازلمش  
ایسه مرتبه ثانیهده اولهرق علنا تزکیهیه ایتدار اولنور  
ماده ١٧٢٠

علنا تزکیه بوجهله اجرا اولنور که مزکیلر حضور  
حاکم جلب ایله مترافعان حاضر اولدقلری حالده  
شاهدلر تزکیه اولنور ویاخود مترافعان برابر اولدقلری  
حالده شاهدلر تزکیه نایبته ترفیقا مزکیلرک یانلرینه  
کوندریلهرک محملارنده علنا تزکیه اولنورلر

ماده ١٧٢١

سرا تزکیهده برمزکی کافی ایسهده احتیاطه رعایه لااقل  
ایکی اولملیدر

ماده ١٧٢٢

تزکیه علنیه شهادت قیلندن اولوب شهادتک شرط  
ونصابی بونده دخی معتبردر . شو قدر وار که مزکیلرک  
شهادت لفظنی ذکر ایتلمی لازم دکادر

ماده ١٧٢٣

بر حاکمک عندنده بر خصوص ضمننده عدالتی ثابت



اولان شاهدلرینه اول حاکمک حضورنده دیکر بر خصوصه  
شهادت ایتدکارنده اکر ارسدی التی آی یکماش ایسه  
حاکم تکرار انلری تزکیه ایله مشغول اولماز . واکر  
التی آی یکماش ایسه حاکم تکرار انلری تزکیه ایله  
ماده ۱۷۲۴

کریک قبل التزکیه وکریک بعد التزکیه مشهود علیه دفع  
مغرم یاخود جر مغرم کبی شهادتک قبولنه مانع اولور  
برشی اسنادیله شاهدلره طعن ایدر ایسه حاکم اندن بدینه  
طلب ایله . و مشهود علیه بونی بالینه اثبات ایله دیکر  
تقدیرده حاکم اول شاهدلرک شهادتلرینی رد ایدر و اثبات  
ایده مدیکر تقدیرده حاکم اکر شاهدلری تزکیه ایتماش  
ایسه تزکیه ایله . واکر تزکیه ایتماش ایسه شهادتلری  
موجبجه حکم ایدر

ماده ۱۷۲۵

مزکیلردن بعضیسی شاهدلری جرح و بعضیسی تعدیل ایله  
جرح طرفی مرجح اوله رق حاکم انلرک شهادتلیله حکم ایتمز  
ماده ۱۷۲۶

معاملاتده شاهدلر بعد اداء الشهاده فوت و یاخود غائب  
اولسدر حاکم انلری تزکیه ایدرک شهادتلیله حکم  
ایده یلور

( تذييب )

( تحليف شهود حقنده در )

ماده ۱۷۲۷

شهود اليه قبل الحكم شاهد له شهادتارنده كاذب  
اولدقارينه يمين وير ديو حاكمه الحاج ايدوبده شهادتك  
يمين ايله تقويته دخي لزوم كورلديكي تقديرده حاكم  
او شاهد له يمين ايتديره بيلور . و حاكم شاهد له يمين  
ايدرسه كز شهادتكزي قبول ايدرم والا ايتيم ديه بيلور

( فصل سابع )

( شاهدك شهادتن رجوعي حقنده در )

ماده ۱۷۲۸

شاهدك بعد اداء الشهاده وقبل الحكم حضور حاكمه  
شهادتارندن رجوع ايتسهلر شهادتاري كان لم يكن  
حكمنده اولور و كندولري تعذير اولنورلر

ماده ۱۷۲۹

شاهدك بعد الحكم حضور حاكمه شهادتارندن رجوع  
ايتسهلر حاكمك حكيمي نقض اولنميبوب محكوم به  
شاهد له تضمين ايتدير بيلور ( ۸۰ ) ماهيه باق

١٧٣٠ ماده

شاهدلك بعضيسى بروجہ بالا شهادتدن رجوع ايتدكده  
اكر باقيسى نصاب شهادته بالغ ايسه رجوع ايدندن  
ضمان لازم كلز فقط تعزير اولنور . واكر باقيسى نصاب  
شهادته بالغ دكسه محكوم بهك نصفى رجوع ايدن بر كشي  
اولديغى تقديرده مستقلا اكا و بردن زياده اولدقلى  
تقديرده بالاشتراك سو يا انلره تضمين ايتدير يلور

١٧٣١ ماده

رجوعك شرطى حضور حاكمده اولمقدر . شاهدلك  
بشقه محمله رجوعنه اعتبار يوقدر  
بناء على ذلك مشهود عليه شاهدلك بشقه محمله  
شهادتدن رجوع ايتدكربنى دعوى ايتسه مسموع اولماز  
وشاهد بر حاكمك حضورنده شهادت ايتدكدنصكره ديكر  
حاكمك حضورنده شهادتدن رجوع ايتسه رجوعى  
معتبر اولور

( فصل ثامن )

( تواتر حقیقه در )

ماده ۱۷۳۲

کثرت شهوده اعتبار یوقدر  
یعنی طرفیندن برینک طرف آخره نسبتله شاهدلری زیاده  
اولغله انک ترجیح اولنمسی لازم کلز . مکرکه شاهدلرینک  
کثرتی درجه تواتره بالغ اوله

ماده ۱۷۳۳

تواتر علم یقین افاده ایدر  
بناء علیه بالاده بیان اولندیغی اوزره تواترک خلافده بینه  
اقامه اولنه ماز

ماده ۱۷۳۴

تواترده لفظ شهادت شرط اولدیغی کبی عدالت دخی  
ارانماز . بناء علیه مخبرلرک تزکیه سنه حاجت کورنمز  
ماده ۱۷۳۵

تواترده مخبرلرک عدد معینی یوقدر . انجق عقل انلرک  
کذب اوزره اتفاقلرینی تجویز ایتیه جک مرتبه برجم  
غفیر اوللری لازمدر

( باب ثانی )

( حجج خطیه وقرینه قاطعه بیاننده اولوب ایکی )

( فصله منقسمدر )

( فصل اول )

( حجج خطیه بیاننده در )

ماده ۱۷۳۶

بالکز خط و ختم ایله عمل اولتماز . فقط شبهه تزویر  
وتصنیعدن سالم ایسه معمول به یعنی مدار حکم اولور  
بشقه وجهله ثبوته حاجت قالماز

ماده ۱۷۳۷

برات سلطانی و قیود دفتر خاقانی تزویردن امین اولمغله  
معلول بهدر

ماده ۱۷۳۸

کتاب قضاد بیان اولنه جنغی وجهله حیلله و فساددن  
سالم اوله جق صورتده طوتیلان سبجلات محاکم ایله دخی  
عمل اولنور

ماده ۱۷۳۹

مجرد و ققیه ایله عمل اولتماز . اما بوجه بالا موثوق  
و معتمد به اولان سبجل محکمه ده مقید ایسه اول حالده  
معمول به اولور

( فصل ثانی )

( قرینه قاطعه بیاننده در )

۱۷۴۰ ماده

اسباب حکمیدن بریسی دخی قرینه قاطعه ددر

۱۷۴۱ ماده

قرینه قاطعه حدیقینه بالغ اولان اماره در

مثلا بر کسسه النده قانه بولا شمش بچ باق اولدیغی حالده  
خوف وتلاش ایله بر خالی خانه دن چیقدیغی کبی در عقب  
او خانه یه کیر یلوبده هنوز بوغاز لانش بر شخص کورلسه  
اول کسسه بو شخصک قانلی اولدیغنه اشتباه اولنماز .  
شاید که اول شخص کندو کندوسنی اولدرمش اولوق  
کبی صرف احتمالات وهمیه یه التفات قلنماز . ( ۷۴ )  
ماده یه باق



( باب ثالث )

( تحلیف بیاننده در )

۱۷۴۲ ماده

اسباب حکمیدن بری دخی یمین یاخود یمیندن نکولدر  
شویله که مدعی دعواسنی اثباتدن اظهار عجز ایلمدیکی  
تقدیرده انک طلبیله مدعا علیه یمین ویریلور

فقط بر کیمسه دیگر کسسه نه دن سن فلانک و کیلیسین دیو  
 دعوی ایدوبده اول کسسه انکار ایتدیکی صورتده  
 کندوسنه یمین ویرلمک لازم گلز

کذلک ایکی کشینک هربری بر کسسه نک یدنده کی مالی اندن  
 اشترا ایتدم دیودعوی ایدوبده اول کسسه برینه صاندیغنی  
 اقرار ایله دیگرینک دعواسنی انکار ایتدیکی صورتده  
 کندویه یمین توجه ایتز

بوخصوصده استیجار و ارتھان و اتهاب دخی اشترا  
 کبیدر

۱۷۴۳ ماده

خصمندن بری تحلیف اولنه جق اولدیغنی حالده والله  
 و یاخود بالله دیو الله تعالی حضرتلرینک اسمنه قسم  
 ایتدیریلور

۱۷۴۴ ماده

یمین انجیق حاکمک یاخود نایبک حضورنده اولور  
 بشقه کسسه حضورنده اولان یمیدن نکوله اعتبار  
 یوقدر

۱۷۴۵ ماده

تحلیفده نیابت جاری اولور . اما یمینده نیابت جاری  
 اولماز

بناء عليه دعوى و كيلارى خصمه يمین و يرديره بيلور .  
 اما موكلارينه يمین توجه ايتدكده بالذات انلوك يمین ايتمی  
 لازم كلور و كيلارينه يمین ايتديريله من

۱۷۴۶ ماده

يمین انجق خصمك طلبی اوزرينه و يريلور . فقط درت  
 رده بلا طلب حا كم طرفندن يمین و يريلور

اولا بر كيمسه تركه دن برحق دعوى و اثبات ايتدكده  
 حا كم مدعی يه بو حقی متوفادن بروجله استيفا ايتديكنه  
 و ايتدرمديكنه و انی ابرا و بشقه سنك اوزرينه حواله  
 ايتديكنه و بشقه كسنه طرفندن ايضا اولنديغنه و بو حقت  
 مقابلنده متوفانك رهنی اولنديغنه يمین و يرر اشته بوكا  
 يمین استظهار دينور

ثانياً بر كيمسه بر ماله مستحق چيقوبده دعواسنی اثبات  
 ايتدكده اول مالی كسنه يه صاتمماش و هبه ايتماش  
 و الحاصل بروجله ملكندن چيقار ماش ايدوكنه حا كم  
 طرفندن يمین و يريلور

ثالثاً مشتری ميبعی عيینه بناء رد ايدو جك اولدقده  
 عيینه مطلع اولدقن صكره قولاي خود (۳۴۴) ماده ده  
 بيان اولنديغنی اوزره ملاكك تصرفی كبی تصرف ايله



دلالة عینه راضی اولماش ایدوکنه حاکم طرفندن یمین  
ویریلور

رابعاً حاکم طرفندن شفعه ایله حکم اولنه جق اولدوقده  
شفیعه شفعه بی ابطال یعنی حق شفعه سنی بروجهله اسقاط  
ایتماش اولدیغنه یمین ویریلور

۱۷۴۷ ماده

خصمک طلبی اوزرینه هنوز حاکم طرفندن یمین تکلیف  
اولنمدین مدعا علیه یمین ایدیورسه معتبر اولیوب تکرار  
حاکم طرفندن تکلیف اولنمق لازم کلور

۱۷۴۸ ماده

برکیمسه کندو فعلنه دائر یمین ایده جک اولدوقده بتاته  
یمین ویریلور یعنی بوشی بویله در یاخود دکدر دیو قطعیا  
یمین ایتدیریلور

اما دیگر کیمسه نک فعلی حقتنده یمین ایده جک اولدوقده  
عدم علمه یمین ویریلور یعنی اول شیئی بیلمدیکنه یمین  
ایتدیریلور

۱۷۴۹ ماده

یمین یاسبیه یاخود حاصله اولور  
شویله که بر خصوصک واقع اولوب اولدیغنه یمین ایتمک

سببه یمیندر و بر خصوصك حالا باقی اولوب اولدیغنه  
یمین ایتك حاصله یمیندر

مثلا بیع و شرا دعواسنده عقد بیعك اصلا وقوع  
بولدیغنه یمین ایتك سببه یمیندر . اما عقدك حالا باقی  
اولوب اولدیغنه یمین ایتك حاصله یمیندر

۱۷۵۰ ماده

مختلف دعوالر مجتمتع اولدوقده بر یمین کفایت ایدر هر  
برینه بشقه بشقه یمین و یرمك لازم کلز

۱۷۵۱ ماده

معاملاته دائر اولان دعوالرده کندویه یمین توجه ایدن  
کیمسه یه یمین تکلیف اولنوبده یمین ایتم دیو صراحة  
یاخود بلاعذر سکوت ایله دلالة یمیندن نکول ایتسه حاکم  
انك نکول ایله حکم ایدر . و بعدالحکم یمین ایده جك  
اولسه اكا التفتات اولنمیوب حاکم حکمی حالی اوزره

قالور

۱۷۵۲ ماده

دلسزك اشارت معهوده سیله یمینی و یمیندن نکولی  
معتبردر

( لاحقہ )

۱۷۵۳ مادہ

مدعی هیچ شاهد یوقدر دیدکدن صکره شاهد  
کتوره جک اولسه یاخود فلان وفلانن بشقه شاهد  
یوقدر دیدکدن صکره آخر شاهدم وار دیسه قبول  
اولنماز



( باب رابع )

( ترجیح بینات و تحالفه دائر اولوب درت فصلی )

( مشتملدر )

( فصل اول )

( تنازع بالایدی بیاننده در )

۱۷۵۴ مادہ

منازع فیه اولان عقارده ذی الیدلک بینہ ایله اثبات  
اولنمق لازمدر . طرفینک تصادقی یعنی مدعینک  
دعواسی اوزرینه مدعا علیہک دخی اقرار ایلسی ایله مدعا  
علیہک ذی الید اولدیغنه حکم اولنه ماز  
فقط مدعی اول عقاری بن سندن اشترا ایتمشیدم یاخود  
سن انی بدن غصب ایتمشیدک دیودعوا ایتدیکی مسورتده

مدعا علیہک ذی الید اولدیغنی بینه ایله اثباته حاجت  
یوقدر

و برده منقول هر کیمک بدنده ایسه ذی الید اودر بروجه  
بالابینه ایله اثباته حاجت یوقدر . و بونده طرفینک  
تصادقی کافیدر

۱۷۵۵ ماده

ایکی کیمسه بر عقارده نزاع ایدوب هربری اول عقاره  
ذی الید اولدیغنه بینه طلب اولنور  
ایکیسی بردن ذی الید اولدقلرینه اقامه بینه ایتدکلی  
تقدیرده ایکیسنک دخی مشترکا ذی الید اولدقلری ثابت  
اولور

واکر بری وضع یدینی اثباتدن اظهار عجز ایدوبده  
دیگری واضع الید اولدیغنه اقامه بینه ایدرسه انک ذی  
الید اولدیغنه حکم اولنوب اوبری خارج عد اولنور  
و خصمیندن هیچ بریسی ذی الید اولدیغنی اثبات ایدمز  
ایسه هر برینه آخرک طایفه خصمینک اول عقارده ذی الید  
اولدیغنه یمین و یریلور . ایکیسی دخی یمیندن نکول  
ایدرسه بالاشتراک اول عقارده ذی الید اولدقلری ثابت  
اولور . واکر بری یمیندن نکول ایدوبده دیگری یمین

۲۲۱  
ایدر ایسه یمین ایدن کیمسه اول عقاره مستقلا واضع  
الید اولقی اوزره حکم اولنوب دیکری خارج عدا اولنور .  
واکر هر بری یمین ایدرسه هیچ بریسنگ ذی الید  
اولدیغنه حکم اولنمیوب حقیقت حال ظاهر اولنجبه یه دک  
مدعا به اولان عقار توقیف اولنور

( فصل ثانی )

( ترجیح بینات حقنده در )

۱۷۵۶ ماده

ایکی کشی بر مالده علی الاشتراک متصرف یعنی ایکیمی  
دخی ذی الید ایکن بری بالاستقلال و دیکری بالاستشتراک  
ملکدر دیو دعوی ایتدکده استقلال بینه سی اولادر  
یعنی ایکیمی دخی اقامه بینه ایده جک اولدقلرنده دعوی  
استقلال ایده نک بینه سی دعوی اشتراک ایده نک بینه سی  
اوزرینه ترجیح اولنور واکر ایکیمی دخی استقلال  
دعوانی ایدوبده اقامه بینه ایتسه لر اول عقار مشترکا انلره  
حکم اولنور . واکر بری اثباتدن عاجز اولوبده دیکری  
اثبات ایلسه اول عقار مستقلا نک ملکی اولقی اوزره  
حکم ایدیاور

۲۲۲  
ماده ۱۷۵۷

تاریخ بیان اولنمیان ملک مطلق دعواسنده خارجک

بینه سی اولادر

مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نک یدنده اولان خانه ایچون بو

خانه بنم ملکمدر بو آدم اکا بغیر حق وضع بد ایدیور

الیورلمسی مطلوبدر دیو دعوی و ذی الیددخی بو خانه

بنم ملکمدر بو جهته له بحق وضع بد ایدرم دیو دعوی

ایتدکده خارج اولان کیمسه نک بینه سی ترجیح واستماع

قلنور

ماده ۱۷۵۸

شراکی تکرری قابل بر سببله مقید اولان و تاریخ بیان

اولنمیان ملکیت دعواری ملک مطلق دعوایی حکمنده

اولوب بونلرده دخی خارجک بینه سی ذی الیدک بینه سی

اوزرینه ترجیح اولنور

فقط ایکیمی دخی بر شخصدن تلیق ملک ایتمش اولدقلرینی

ادعا ایتدکری صورتده ذی الید بینه سی ترجیح قلنور

مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نک یدنده اولان بر دکان ایچون

بو دکانی بن ولی اغادن اشترا ایتدم بو جهته بنم ملکم

ایکن بو آدم بغیر حق وضع بد ایدیور دیو دعوی و ذی

الید دخی بن انی بکرافتیدن اشترا ایتدم یا خود پدرمدن

موروثدر بوجهتله وضع ید ایدرم دیو دعوی ایتدکده  
خارجک بینهسی ترجیح واستماع اولنور . اماذی الید  
بو دکانی ولی اغادن بن اشتر ایتدم دیسه اول حالده  
انک بینهسی خارجک بینهسی اوزرینه ترجیح قلنور  
۱۷۵۹ ماده

تجاج کبی تکرری قابل اولمیان برسبیله مفید ملکیت  
دعوالرنده ذی الید بینهسی اولادر  
مثلا خارج و ذی الید برطایده نزاع ایدو بده هر بری اول  
طایک کندو قسراغندن طوغمه مالی اولدیغنی دعوا  
ایتدکرنده ذی الیدک بینهسی ترجیح اولنور  
۱۷۶۰ ماده

ملک مورخ دعواسنده تاریخی مقدم اولانک بینهسی  
اولادر

مثلا برکیمسه دیگر کسنده نک یدنده اولان عرصه ایچون  
بن بو عرصهیی بر سنه مقدم فلان شخصندن اشتر ایتدم  
دیو دعوی و ذی الید دخی بو عرصه بش سنه مقدم  
وفات ایدن پدرمدن بکا موروثدر دیو دعوی ایتدکده  
ذی الیدک بینهسی ترجیح اولنور . واکر التی آی  
مقدم وفات ایدن پدرمدن موروثدر دیمش اولسه اول  
حالده خارجک بینهسی ترجیح قلنور . کذلک خصمینک

هر بری مدعا بهی بشقه بشقه شخصلردن اشترا ایتش  
اولدقلرینی ادعا وایکیسیده بایعربنک تاریخ تملککرینی بیان  
ایتسه لر قنغیسنک بایعربنک تاریخ تملکی مقدم ایسه انک  
بینه سی ترجیح اولنور

۱۷۶۱ ماده

تساج دعواسنده تاریخه اعتبار اولیوب بوجه بالا  
ذی الید بینه سی ترجیح اولنور

انجق مدعا بهک سنی ذی الیدک تاریخه توافق ایتدیکی  
صورتده اکر خارجک تاریخه توافق ایدرسه خارجک  
بینه سی ترجیح اولنور . واکر سنی ایکیسنه دخی مخالف  
اولور یاخود معلوم اولماز ایسه اول حالده ایکیسنک  
بینه لری متها تر یعنی متساقط اوله رق مدعا به ذی الیدک  
یدنده ترك وابقا قلنور

۱۷۶۲ ماده

زیاده بینه سی اولادر

مثلا بایع و مشتری ثمنک یامبیعک مقدارنده اختلاف ایتسه لر  
زیاده دعوی ایدهنک بینه سی ترجیح اولنور

۱۷۶۳ ماده

تملیک بینه سی عاریت بینه سی اوزرینه ترجیح اولنور  
مثلا برکیسه دیگر کسنه نک یدنده کی مالی عاریت ویرمشیدم



دیو کبر و الموق ایستوبده اول کمنه دخی سن اول مالی  
بکا بیع یا هبه ایتمشیدک دیسه بیع یا هبه بینه سی ترجیح  
قیلنور

۱۷۶۴ ماده

بیع بینه سی هبه ورهن و اجاره بینه لری اوزرینه و اجاره  
بینه سی رهن بینه سی اوزرینه ترجیح اولنور  
مثلا بر کیمسه دیگر کمنه یه فلان مالی سکا صامتشیدم ثمنی  
ویر دیو دعوی ایدوبده اول کمنه دخی سن انی بکا هبه  
و تسلیم ایتمشیدک دیو دعوی ایتدکده بیع بینه سی ترجیح  
قیلنور

۱۷۶۵ ماده

عاریتده اطلاق بینه سی اولادر

مثلا بر عاریت آت مستعیر بدنده تلف اولوبده معیر بن انی  
سکا درت کون قوللانق اوزره اعاره ایتمشیدم سن ایسه  
درت کون مرورنده آتی بکا تسلیم ایتیبوشنجی کون  
بدنده هلاک اولمغله قیمتی ضامن اول دیو دعوی و مستعیر  
دخی سن او یله درت کونه دک دیو تقید ایتیبو علی  
الاطلاق قوللانق اوزره بکا اول آتی اعاره ایتمشیدک دیو  
دعوی ایتدکده مستعیرک بینه سی ترجیح و استماع اولنور

۱۷۶۶ ماده

صحت بینہ سی مرض موت بینہ سی اوزرینہ ترجمیح اولنور  
 مثلا برکیمسہ برمالی ورثہ سندن برینہ ہبہ ایدوبدہ  
 وفات ایتدکدہ دیگر ورثہ انی مرض موتندہ ہبہ ایش  
 اولدیغنی وموہوب له دخی حال صحتندہ ہبہ ایش  
 ایدوکنی ادعا ایتدکدہ موہوب لہک بینہ سی ترجمیح  
 قلنور

۱۷۶۷ ماده

عقل بینہ سی جنون و یاغته بینہ سی اوزرینہ ترجمیح  
 اولنور

۱۷۶۸ ماده

حدوث ایله قدم بینہ سی جمع اولدوقدہ حدوث بینہ سی  
 ترجمیح اولنور

مثلا برکیمسہ مک ملکندہ دیگر کسنہ نک مسیلی اولوبدہ  
 حادثہ یاخود قدیمردیو بینلرنده اختلاف واقع اوله رق  
 صاحب خانہ انک حدوثنی ادعا ایله رفعنی طلب و  
 صاحب مسیلی دخی انک قدمنی ادعا ایتدکدہ صاحب  
 خانہ مک بینہ سی ترجمیح قلنور

۱۷۶۹ ماده

راجع طرفی اقامہ بینہ دن اظهار عجز ایتدیکی صورندہ

مرجوح طرفدن بینه ایستنیلور اثبات ایدر سه فیه  
ایده مدیکی صورتده کندوسنه یمین ایتدیریلور  
۱۷۷۰ ماده

بروجه بالا راجح طرفی اثباتدن اظهار عجز ایتدکله  
مرجوح طرفی اقامه بینه ایدو بده موجبله حکم اولندقدن  
صکره راجح طرفی اقامه بینه ایتدک استمدیکی تقدیرده  
ارتق اکا التفات اولنماز

( فصل ثالث )

( سوز کیم اولدیغنه و تحکیم حاله دائر در )

۱۷۷۱ ماده

زوج ایله زوجه ساکن اولدقلری خانه دروننده کی اشیاده  
اختلاف ایتدکلی صورتده نظر اولنور . تفنک و قلمج  
کبی یالکز زوجه صالح اولان یا خود اوانی و مفروشات  
کبی ایکیسنه ده صالح اولان شیرده زوجه نك بینه سی  
ترجیح اولنور . و ایکیسیده اثباتدن عاجز اولدقلری  
صورتده سوز مع الیمین زوجکدر . یعنی اول اشیا  
زوجه سنک اولدیغنه یمین ایدر سه کندوسنک اولدیغنه  
حکم اولنور

اما یالکز نسایه صالح اولان البسه و حلیات کبی شیرده

زوجك بينه سى ترجيح قلنور . وایکسیده اثباتدن عاجز  
اولدقلری تقدیرده سوز مع الیمین زوجه نکدر . مکر که  
بری دیکره صالح اولان شیلرک صانع و بایعی اونورسه  
هر حالده سوز مع الیمین انک در

مثلا کوپه نسایه مخصوص حلیاتدن اولوب انحق زوج  
قیومجی اولدیغی صورتده سوز مع الیمین آنک اولور  
۱۷۷۲ ماده

احد زوجینک وفاتیده ورثه مورثک مقامنه قائم اولور  
فقط طرفین برمنوال محرر اثباتدن عاجز اولدقلری تقدیرده  
ایکسینه دخی صالح اولان شیلرده سوز مع الیمین حیاتده  
اولانکدر . وایکسینی بردن وفات ایتدکاری صورتده  
ایکسینه صالح شیلرده سوز مع الیمین زوجک  
ورثه سنکدر

۱۷۷۳ ماده

واهب هبه دن رجوع ایتک استیوبده موهوب له دخی  
موهوبک تلف اولدیغی دعوی ایتدکده سوز بلا الیمین  
موهوب له کدر

۱۷۷۴ ماده

امین اولان کیمسه برائت ذمتی حقننده یمینله تصدیق  
اولنور

ته کیم مودع ودیعہ بی دعوی ایدوبده ودیع دخی بن انی  
سکا رد ایتدم دیدکده سوز مع الیمین ودیعکدر • فقط  
یمیندن خلاص ایچون اقامه بینہ ایدہ جک اولورسه  
بینہ سی استماع قلنور

۱۷۶۵ ماده

مختلف دیونی اولان کسنه دائننه بر مقدار شی ویردکن  
صکره قنغی دیننه محسو با ویرمش اولدیغنی دعوی  
ایدرسه سوز انکدر

۱۷۷۶ ماده

بردکره نیک مدت اجاره سی منقضى اولدقندن صکره  
مستأجر مدت اجاره اثناسنده صویک انقطاعی حسبیلہ  
اول مدتک اجرتدن حصه سنی تنزیل ایتک ایسه تیه رک  
موجرایله بینلرنده اختلاف واقع اولوبده بینہ دخی  
اولدیغنی تقدیرده نظر اولنور

اگر اختلافی مدت انقطاع مقدارنده ایسه مثلاً  
مستأجر اون کون وموچر انجق بش کون انقطاعی  
دعوی ایتسه سوز مع الیمین مستأجر کدر

واگر اختلافی اصل انقطاعده ایسه یعنی موجر  
صویک انقطاعی کلیاً انکار ایتسه حال حاضر تحکیم  
اولنور • یعنی حکم قلنور • شویله که اگر صووقت

دعوی و خصوصتده جاری ایسه سوز مع الیمین موجر کدر  
واکر اولوقت منقطع ایسه سوز مع الیمین مستأجر کدر  
ماده ۱۷۷۷

بر کیمسه نك خانه سنه اقان صو یولی حقنده حادثدر یا خود  
قدیمدر دیو اختلاف اولنویده صاحب خانه مسیلک  
حادث اولدیغنی ادما ایله رفه نی ایستدیکی و طرفینک  
بینه لری اولدیغنی صورتده نظر اولنور

اگر وقت خصوصتده اول مسیلدن صو جریان ایدر  
یا خود اولجه جریان معلوم اولور ایسه حالی اوزره  
ابقا اولنور . و سوز مع الیمین صاحب مسیلک اولور .  
یعنی مسیلک حادث اولدیغنه یمین ایتدیریلور  
واکر وقت خصوصتده صو جریان ایتمز و یا اندن اولجه  
جریان معلوم اولماز ایسه سوز مع الیمین صاحب خانه نك  
اولور

( فصل رابع )

( تحالفه دائر در )

ماده ۱۷۷۸

بایع و مشتری ثمنک یا مبیعک و یا ایکسینک دخی مقدارنده  
یا و صفنده و یا جنسنده اختلاف ایتدکری صورتده

هر قنغیسی اقامه بیند ایلر ایسه انک لهنه حکم اولنور  
واکری ایکیسی دخی اقامه بیند ایدر لر ایسه زیاده بی  
اثبات ایده نك لهسنه حکم اولنور

وایکسی دخی اثباتدن عاجز اولور لر ایسه انلره یا بریکز  
او بریکزك دعواسنه راضی اولور یا خود بیعی فسح  
ایلر دینیلور . و بونک اوزرینه بریسی دیگرینک  
دعواسنه راضی اولماز ایسه حاکم انلرک هر برینه  
دیگرینک دعواسی اوزرینه یمین و برر و ابتدا مشتریدن  
بدأ ایلر هر قنغیسی یمیندن نکول ایدر ایسه آخرک  
دعواسی ثابت اولور و اکر ایکیسی دخی یمین ایدر سه  
حاکم اول بیعی فسح ایدر

ماده ۱۷۷۹

مستأجر هنوز مأجورده تصرف ایتمدین اجرتک  
مقدارنده موجر ایله اختلاف ایتمدکده مثلا مستأجر  
اجرت اون التوندور و موجر اون بش التوندور دیو دعوی  
ایتمکاری تقدیرده قنغیسی اقامه بیند ایدر ایسه قبول  
اولنور

وایکسی بردن اقامه بیند ایدر لر ایسه موجرک بیند سیله  
حکم اولنور و اکر ایکیسی دخی اثباتدن عاجز اولور لر  
ایسه ایکیسیده تحلیف قنور و مستأجرک تحلیفیه بدأ

اولنور . هر قنغیسی ننگول ایدر ایسه ننگولیه الزام  
قیلنور وایکیسی دخی یمین ایدر ایسه حاکم عقد اجاره بی  
فسخ ایلر

مدته یاخود مسافده اختلاف ایتدکاری خالده دخی  
حکم بو وجهله در شوقدر وارکه ایکیسی دخی اقامه یننه  
ایتدکاری تقدیرده مستأجرک یننه سیله حکم اولنور  
و تحالف صورتده موجرک تحلیفیه بدأ ایدیاور  
۱۷۸۰ ماده

مدت اجاره نك انقضاسندن صکره موجر و مستأجر ماده  
آنقده بیان اولندیغی اوزره اختلاف ایتسه لر تحالف  
بوقدر سوز مع الیمین مستأجر کدر  
۱۷۸۱ ماده

مدت اجاره ائناسنده موجر و مستأجر اجرتک مقدارنده  
اختلاف ایتسه لر تحالف جاری اولوب باقی مدت حقنده  
عقد اجاره فسخ اولنور کچن مدتک حصه سنده دخی سوز  
مستأجرک اولور  
۱۷۸۲ ماده

مشتري یننده مبیع تلف یاخود مانع رد اولور برعیب  
حادث اولدوقدن صکره متبایعان اختلاف ایتسه لر تحالف  
بوقدر انجق مشتری تحلیف اولنور



۱۷۸۳ ماده

اجل دعوا سنده یعنی مؤجل اولوب اولما مقده و شرط  
خیارده و ثمنک کلیسنی یا بعضیسنی قبضده تحالف  
اولیوب بو اوچ صورتده دخی منکر اولان تحلیف  
قلنور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۶ شعبان سنه ۱۲۹۳

عن اعضاء شورای دولت امین القوی معارف ناظری

سیف الدین السید خلیل احد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز رئیس مجلس تدقیقات شرعیه

السید احد حلمی و مجلس انتخاب احکام

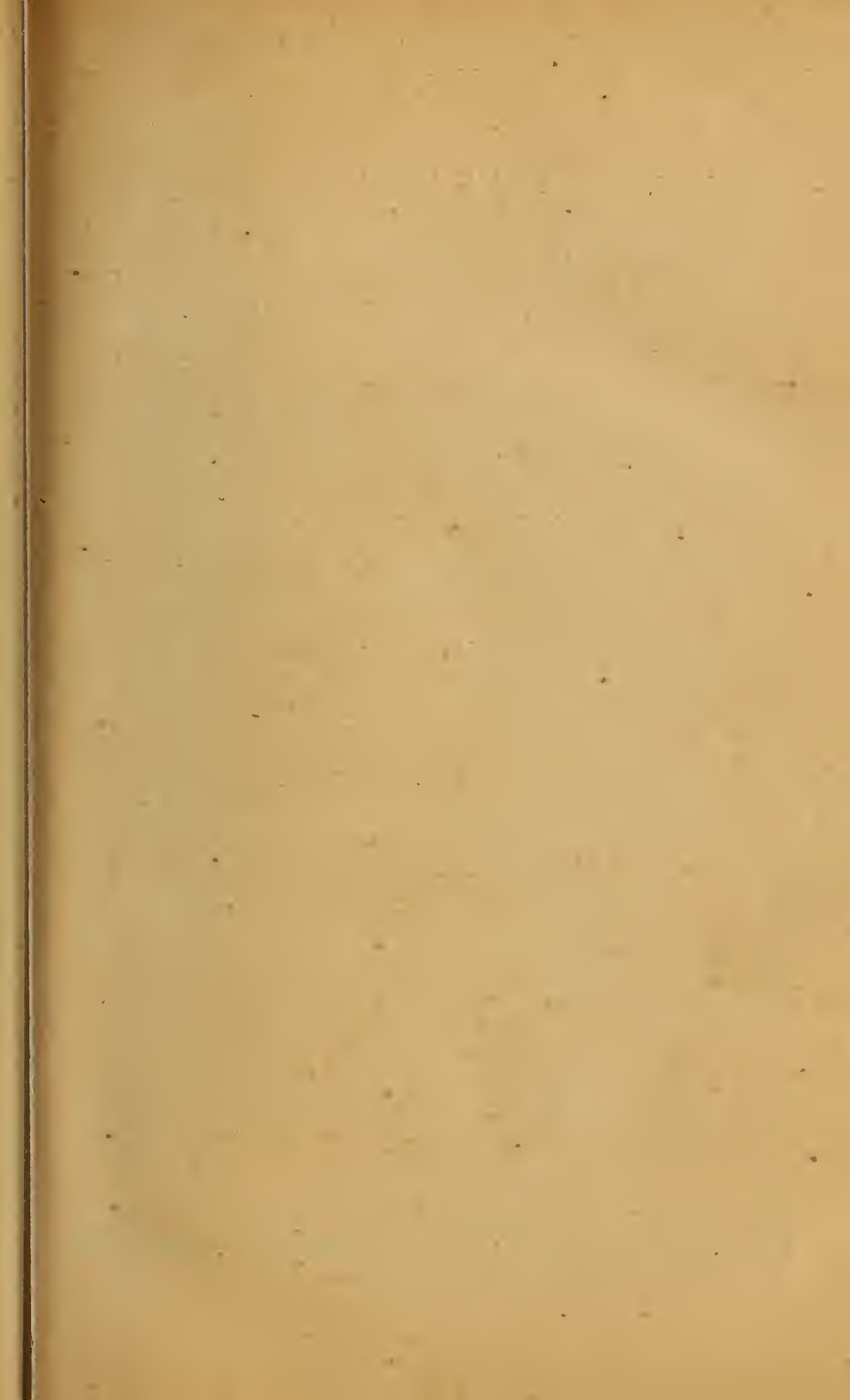
السید احد خلوصی

مشتشار مفتش اوقاف قاضی دار الخلافه العلیه

عمر حلمی احد خالد

اعلامات شرعیه مبینی معاونی

عبد الستار



— ❖ كتاب القضا ❖ —

✽ صورت خط همايون ✽

( موجنبه عمل اولنه )

( كتاب سادس عشر )

( قضا حتمده اولوب بر مقدمه ايله درت بابي مشتملدر )

( مقدمه )

( بعض اصطلاحات فقهيه بيانده در )

۱۷۸۴ ماده

قضا . حكم و حاكمك معنارينه كلور

۱۷۸۵ ماده

حاكم . بين الناس وقوعبولان دعوى ومخاصمه بي احكام  
مشروعده سنه توفيقاً فصل وحسم ايچون طرف سلطانیدن  
نصب وتعيين بيور يلان ذاتدر

۱۷۸۶ ماده

حكم . حاكمك مخاصمه بي قطع وحسم ايلسيدر . بودخي  
ايكي قسمدر

قسم اول . حاكمك حكم ايتدم ادا اولنان شيدئ  
ويپر ديمك كبي سوزلر ايله محكوم بهي محكوم عليهه  
الزام ايتسي يعنى لازم قينلسيدر ايشته بوكا قضاء الزام  
وقضاء استحقاق دينلور

قسم ثانی . حقك بوقدر منازعه دن بمنوعه سین دیمك كبی  
سوزلر ایله حاکم مدعی بی منازعه دن منع ایتستیدر  
بوکا دخی قضاء ترك دینلور

۱۷۸۷ ماده

محکوم به . حاکم محکوم علیه الزام ایلدیکی شیدر  
که قضاء الزامده مدعینك حقنی ایفا ایتسی وقضاء ترکهده  
مدعینك منازعه دن واز یکمسیدر

۱۷۸۸ ماده

محکوم علیه . علیه حکم اولنان کسنه در

۱۷۸۹ ماده

محکوم له . لهسنه حکم اولنان کیمسه در

۱۷۹۰ ماده

تحکیم . خصمینك خصومت ودعوالرینی فصل ایچون  
رضالریله آخر کیمسه بی حاکم اتخاذ ایتلرندن عبارتدر  
اول کیمسه به فتنحین ایله حکم ومیمك ضمی و خانك فتحی  
وکاف مشدده مفتوحه ایله محکم دینلور

۱۷۹۱ ماده

وکیل مسخر . محکمه به احضار اولنه میان مدعا علیه  
حاکم طرفندن نصب اولنان وکیلدر



( باب اول )

( حکامه دائر اولوب درت فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( حاکم اوصافی بیاننده در )

ماده ۱۷۹۲

حاکم . حکیم فهیم مستقیم و امین مکین متین اولملیدر

ماده ۱۷۹۳

حاکم . مسائل فقهیه و اصول محاکمه و واقف و دعاوی و اقعیهی انلره تطبیقا فصل و حسمه مقتدر اولملیدر

ماده ۱۷۹۴

حاکم تمیز تامه مقتدر اولسی لازمدر بناء علیه صغیر و معتوه و اعمی و طرفینک صوت قویلرینی ایشیده میه جک مرتبه صاغر اولان کسمنه نك قضاسی جاز دکلدز

( فصل ثانی )

( حاکم آدابی بیاننده در )

ماده ۱۷۹۵

حاکم . مجلس محاکمه ده الش و یرش و ملاطفه کبی

مهابت مجلسی از اله ایده جک افعال و حرکاتدن اجتناب  
ایتمیدر

۱۷۹۶ ماده

حا کم . ایکی خصمدن هیچ بر یسنک هدیه سنی قبول ایتمز

۱۷۹۷ ماده

حا کم منخاصمیندن هیچ بر یسنک ضیافتنه کیتمز

۱۷۹۸ ماده

اشای محاکمه ده حا کم طرفیندن یا لکز بر یسنی خانه سانه  
قبول ایتمک و مجلس حکمه بر یله خلوت و یا خود ایکی سندن  
بر یسنه ال یا کوز و یا باش ایله اشارت ایتمک و یا انلردن  
بر یسنه کیرلو لاقردی یا خود دیکرینک بیلمدیکی لسان ایله  
سوز سولمک کبی تهمت و سوء ظنه سبب اوله یسه جک  
حال و حرکته ده بولنماملیدر

۱۷۹۹ ماده

حا کم بین الخصمین عدل ایله مأموردر  
بناء علیه طرفیندن بری هر نقدر اشرافدن و دیکری آحاد  
ناسدن اولسه یله حین محاکمه طرفینی او تورتمق  
و کندولره احاله نظر و توجیه خطاب ایتمک کبی محاکمه  
متعلق معاملاتده تمامیه عدل و مساواته رعایت ایتمسی  
لازمدر

## ( فصل ثالث )

## ( حاکم وظائفی بیانده در )

۱۸۰۰ ماده

حاکم . طرف سلطانیدن اجرای محاکمه و حکمه  
و کیلدر

۱۸۰۱ ماده

قضا . زمان و مکان ایله و بعض خصوصاتک استثناسیله  
تقید و تخصص ایدر

مثلا بر سنه مدت ایله حکمه مأهور اولان حاکم انجق  
اوسنه ایچنده حکم ایدر اول سنه نك خلولندن اول  
ویامروزندن صکره حکم ایده مز . و کذا معین بر قضاده  
حکم ایتمک اوزره نصب اولنان حاکم اول قضاتک هر  
محلنده حکم ایدر اما دیگر قضاده حکم ایده مز .  
وبر محکمه معینه ده حکم ایتمک اوزره نصب اولنان حاکم  
انجق اول محکمه ده حکم ایدوب دیگر محلده حکم ایده مز .  
و کذاک مصلحت عامه ملاحظه عادلانه بناه فلان خصوصه  
متعلق دعوی استماع اولنیه دیو امر سلطانی صادر اولسه  
حاکم اول دعوی استماع و حکم ایده مز و یا خود بر  
محکمه حاکمی بعض خصوصات معینه استماعنه مأذون



اولوبده ماعداسنی استماعه مأذون اولسه اول حاکم انجق  
 مأذون اولدیغنی خصوصاتی استماع و حکم ایدر ماعداسنی  
 استماع و حکم ایده من . و کذلک بر مجتهدک بر خصوصده  
 رأی ناسه ارفق و مصلحت عصره اوفق اولدیغنه بناء  
 انک رأیله عمل اولتمق اوزره امر سلطانی صادر اولسه  
 اول خصوصده حاکم اول مجتهدک رأینه منافی دیگر بر  
 مجتهدک رأیله عمل ایده من ایدر ایسه حکمی نافذ اولماز  
 ماده ۱۸۰۲

بر دعوائی معاً استماع و حکم ایتمک اوزره نصب اولنان  
 ایکی حاکم یالکیز بریسی اول دعوائی استماع و حکم  
 ایده من ایدرسه حکمی نافذ اولماز (۱۴۶۵) ماده یه باق  
 ماده ۱۸۰۳

متعدد حاکمی اولان بلدهده خصمیندن بریسی بر حاکمک  
 و دیگری او بر حاکمک حضورنده مرافعه اولمق ایستیوب  
 بو وجهله بینلرنده اختلاف واقع اولسه مدعی علیهک  
 اختیار ایلدیکی حاکم ترجیح اولنور  
 ماده ۱۸۰۴

بر حاکمک عزلی و قوعبولوب فقط بر مدت خبر عزل  
 کندویه و اصل اولامغله اول مدته بعض دعوائی استماع  
 و فصل ایتمش اولسه صحیح اولور

اما خبر عزلك و وصولندن صكره و وقوعبولان حكمى

صحیح اولماز

۱۸۰۵ ماده

حاکم اکر نصب و عزل نائبه مأذون ایسه دیگر کیمسه بی

کندوسنه نائب نصب وانی عزل ایده بیلور دکل ایسه

ایده مز و کندوسنک معرول یافوت اولسیله نائبی منعزل

اولماز (۱۶۶۶) ماده یه باق

بناء علیه بر قضایک حاکمی وفات ایتدکده برینه دیگر حاکم

کنجه یه دکل اول قضاده و وقوعبولان دعوا بی حاکم متوفانک

نائبی استماع و حکم ایده بیلور

۱۸۰۶ ماده

حاکمک استماع ایلدیکی بینه ایله نائبی و نائبک استماع

ایلدیکی بینه ایله کندوسی حکم ایده بیلور

شویله که حاکم بر دعوی حقدنه بینه استماع و نائبه اخبار

ایلمه نائبی اعاده بینه ایتکسزین حاکمک اخبار یله حکم

ایده بیلور و حکمه مأذون اولان نائب بر خصوصده

بینه استماع ایدوبده حاکمک آنها ایلمه حاکم اعاده بینه

ایتکسزین نائبک آنها سیله حکم ایده بیلور اما حکمه

مأذون اولمیوبده انجق تدقیق و استکشاف ایچون بینه

استماعه مأمور اولان کیمسه ننگ انهاسیله حاکم حکم  
ایده مبوب بالذات استماع بینه ایتیمی لازمدر  
۱۸۰۷ ماده

بر قضا حاکمی بشقه بر قضا داخلنده کی اراضی دعواسنی  
استماع ایده بیلور . فقط کتاب دعواده بیان اولندیغی  
وجهله حدود شرعیه سنک بیاتی لازم کلور  
۱۸۰۸ ماده

محکوم له حاکم اصول و فروغندن بری وزوجه سی  
وحکم اولنه جق مالده شریکی واجیر خاصی و حاکم  
انفاقیه تعیس ایدر آدمی اولماق شرطدر  
بناء علیه حاکم بونلردن برینک دعواسنی استماع ایله  
لهسیه حکم ایده مز  
۱۸۰۹ ماده

بر بلده حاکمک یاخوردماده آنفده مذکور منسوباتندن  
برینک اول بلده اهالیسنندن برکسنه ایله دعواسنی  
اولدیغی صیورته اول بلده ده دیگر حاکم وار ایسه  
انک حضورنده مرافعه اولررلر  
واکر اول بلده ده دیگر حاکم یوق ایسه طرفین کندی  
رضالیه نصب ایده جکبری حکمک یاخود اول حاکم  
نائب نصبنه مأذون اولدیغی تقدیرده طرفندن منصوب

نائبك و يا خود جو وارده كى ديكر بر قضا حا كنك  
حضورنده مرافعه اولورلر

و طرفين بو صورتلردن برينه راضى اولمدقلىرى صورته  
طرف سلطانيدن مولى استدا ايدرلر  
۱۸۱۰ ماده

حاكم رؤيت دعوا ده الاقدم فالاقدم قاعده سنه رعایت  
ایتملیدر

فقط و رودى مؤخر اولان بر دعوانك تعجیلی ایجاب حال  
و مصلحتدن كورلديكى حالده انك رؤيتنى تقدیم ایلر  
۱۸۱۱ ماده

حاكم ندى الحاجه آخردن استفتا ایتسی جائزدر  
۱۸۱۲ ماده

حاكم . غم و غصه و اچلق و غلبه نوم كى صحت تفكره  
مانع اوله بيله جك بر عارضه ايله ذهنى مشوش اولديغى  
حالده حكمه تصدى ایتاملیدر  
۱۸۱۳ ماده

حاكم مرافعاتده اجراى تدقیقات ایتكله برابر ایشی  
سورنجمه ده بر اقاملیدر  
۱۸۱۴ ماده

حاكم محكمه یه سجلات دفتری وضع ایدوب و بره جکی

اعلامات و سنداتى حيله و فساددن سالم اوله بيله جك  
منتظم بر صورتده اول دفتره قيد و تحرير وانك حفظنه  
دقت و اعتنا ايدر . و كندوسنك عزلى و قوعبولدوقده  
يا بالذات و يامينى واسطه سيله سيجلاتى خلفى اولان حاكه  
دور و تسليم ايلر

( فصل رابع )

( صورت محاكمه يه دائر در )

۱۸۱۵ ماده

حاكم محاكمه يى علنا اجرا ايدر . فقط قبل الحكم نه وجهله  
حكم ايديله جكنى افشا ايتمز

۱۸۱۶ ماده

طرفين لاجل المحاكمه حضور حاكه كلكدكارنده حاكم اولا  
مدعى يه دعواسنى تقرير ايتديرر . و اكر اولجه دعواسى  
تحريراً ضبط اولنمش ايسه قرائت ايله مضمونى كندوسنه  
تصديق ايتديريلور و ثانيا مدعا عليه يى استجواب ايلر .  
شويله كه مدعى سندن شو و جهله دعوى ايديور نه ديرسين

ديو سؤال ايدر

۱۸۱۷ ماده

مدعى عليه اقرار ايدر ايسه حاكم انى اقراريله ازام  
ايدر . و اكر انكار ايدرسه حاكم مدعين بينه ايتتر

۱۲۹  
۱۸۱۸ ماده

مدعی بالبینه دعواسنی اثبات ایتدیگی صورتده حاکم  
انک اوزرینه حکم ایلمر . واثبات ایده مدیگی صورتده  
بریمین حقی قالمغله طالب اولور ایسه حاکم انک طلبی  
اوزرینه مدعی علیه یمین تکلیف ایلمر

۱۸۱۹ ماده

مدعا علیه یمین ایدرسه یاخود مدعی یمین ویردیرمز اینسه  
حاکم مدعی بی مدعا علیه معارضه دن منع ایلمر

۱۸۲۰ ماده

مدعا علیه یمیندن نکول ایدرسه حاکم نکولیله حکم ایلمر  
ونکولیله حکم ایتدکدن صکره یمین ایدرم دیسه ارتق  
التفات اولتماز

۱۸۲۱ ماده

اصولنه موافق و شبهه تزویر وتصنیعدن سالم اوله رق  
بر محکمه حاکمی طرفندن ویریلان اعلام و سندک بلا بینه  
مضمونیه عمل و حکم جائزدر

۱۸۲۲ ماده

مدعی علیه بروجه بالالندی الاستجواب لاونعم بر جواب  
ویرمیویده سکوتنده اصرار ایلمر ایسه سکوتی انکار عد  
اولنور

و كذلك اقرارده ایتیم انکارده ایتیم دیو جواب ویررسه  
بوجوابی دخی انکار عد اولنور وایکی صورتده دخی  
مدعیدن بوجه بالاینه طلب قیلنور

ماده ۱۸۲۳

مدعی علیه اقرار یا انکار ایده جک یرده مدعینک  
دعواسنی دفع ایده جک بردعوی درمیان ایتدکده کتاب  
دعواده و کتاب بینانده بیان اولنان مسائله توفیقا معامله  
اولنور

ماده ۱۸۲۴

طرفیندن بریسی افاده سنی تکمیل ایتدکجه دیگرکی افاده یه  
تصدی ایده منز ایده جک اولور ایسه حاکم طرفندن منع  
اولنور

ماده ۱۸۲۵

طرفیندن لسان بیلیان کسنه نك افاده سنی ترجمه ایچون  
محکمه ده موثوق و مؤتمن ترجمان بولندیریلور

ماده ۱۸۲۶

اقربا بیننده وقوعبولان و یاخود طرفینک صلحه رغبتلری  
مأمول اولان مختصمه ده حاکم بر ویا ایکی دفعه طرفینه  
مصالحه بی توصیه و اخطار ایدر موافقت ایدرلر ایسه

کتاب صلحه مندرج اولان مسأله توفیقا مصالحه ایدر  
و موافقت ایتزلر ایسه محاکمه بی اتمام ایلر  
ماده ۱۸۲۷

حاکم محاکمه بی اتمام ایتدکدنصکره مقتضاسنی حکم  
و طرفینه تفهیم ایلر واسباب موجبہ سبیلہ برابر حکم  
و تبیهی حاوی بر اعلام تنظیم ایدوب محکوم ایه  
ولدی الایجاب بر نسخہ سنی دخی محکوم علیه اعطا ایدر  
ماده ۱۸۲۸

حکمک سبب و شرطری تمامیلہ بولندقدنصکره حاکمک  
حکمی تأخیر ایتسی جائز دکدر



( باب ثانی )

( حکمه دائر اولوب ایکی فصلی مشتملدر )

( فصل اول )

( حکمک شرطی بیاننده در )

ماده ۱۸۲۹

حکمه سبق دعوی شرطدر

شویله که حاکمک حقوق ناسه متعلق بر خصوصی حکم  
ایتمی اول امرده اول خصوصی بر کیسه نک آخر کسنه دن  
دعوی ایتسیله مشروطدر



دعوی سبق ایتمدن وقوعبولان حکم صحیح اولماز  
 ماده ۱۸۳۰

حین حکمده طرفینک حضوری شرطدر  
 یعنی طرفین بالمواجبه محاکمه ایدلد کدنصکره حکم  
 اولنده جنجی وقت مجلس حکمده حاضر اوللمری لازمدر  
 فقط برکیسه دیکرندن برخصوصی دعوی ایدوبده مدعا  
 علیه دخی اقرار ایتد کدنصکره قبل الحکم مجلس حکمدن  
 غائب اولسه حاکم انک غیابنده اقرارینه بناء حکم  
 ایده یلور

کذلک مدعا علیه مدعینک دعواسنی انکار ایدوبده مدعی  
 بالمواجبه مدعاسنه اقامه یننه ایتد کدنصکره قبل التزکیه  
 والحکم مدعا علیه مجلس حکمدن تغیب ایلسه حاکم انک  
 غیابنده یننه بی تزکیه وحکم ایده یلور  
 ماده ۱۸۳۱

مدعا علیه وکیلی مواجهه سنده اقامه یننه اولندقدن  
 صکره مدعا علیه بالذات مجلس حکمه حاضر اولسه  
 حاکم اول یننه ایله مدعا علیه اوزرینه حکم ایده یلور  
 و بالعکس مدعی علیه مواجهه سنده اقامه یننه اولندقدن  
 صکره وکیلی مجلسه حاضر اولسه حاکم اول یننه ایله  
 وکیلک اوزرینه حکم ایده یلور

ماده ۱۸۳۲

جمله ورثه به خصوصت توجه ایدن دعوا ده و ورثه دن  
بر ینک مواجهه سنده اقامه یننه اولنوبده قبل الحکم  
غائب اولسه حا کا اول یننه ایله احضار اولنان دیکر  
وارث اوزر یننه حکم ایده بیلور اعاده یننه به حاجت  
یوقدر

( فصل ثانی )

( حکم غیابی بیاننده در )

ماده ۱۸۳۳

مدعینک طلب واستدعاسی اوزر یننه حا کم طرفندن مدعا  
علیه محکمه به دعوت اولنور  
معذرت مشروعه سی اولمدیغی حالده محکمه به کلمه کن  
و وکیل کوندر مکدن امتناع آیدر سه بالا جبار محکمه به  
احضار قیلنور

ماده ۱۸۳۴

مدعا علیه محکمه به کلمه کن و وکیل کوندر مکدن  
امتناع آیدوبده جلب واحضاری قابل اولمدیغی تقدیرده  
مدعینک طلبیه محکمه به مخصوص اولان ورقه دعوتیه  
آرو آرو کونلرده اوچ دفعه کندویه کوندر یلهرک  
محکمه به دعوت و کلمدیگی صورتده حا کم ا کا بروکیل

نصیبه مدعینک دعوی و بینہ سی استماع ایده جگنی  
کندویہ تفہیم ایلر • بونک اوزرینہ مدعا علیہ  
ینہ محکمہ یہ کلز و وکیل کوندرمز ایسہ حاکم انک  
حقوقنی محافظہ ایده جگ بر کیسہ یی اکا وکیل نصب  
ایدوب وکیل مز بور مواجہہ سیندہ مدعینک دعوی  
و بینہ سنی استماع و تدقیق ایدرک مقارن صحت اولدیغی  
تین ایدرسہ بعد الثبوت حکم ایدر

۱۸۳۵ ماده

برمنوال مشروح واقع اولان حکم غیابی مدعی علیہ

تبلیغ ایدیلور

۱۸۳۶ ماده

غیابا علیہنہ حکم اولانان کیسہ محکمہ یہ حاضر  
اولوبدہ مدعینک دعواسنی دفعہ صالح بر دعویہ تثبت  
ایدر ایسہ استماع و ایجابی و جہلہ فصل اولنور •  
دعویای دفعہ تثبت ایتدیکی و یا ایدوبدہ دفعہ صالح  
اولدیغی تقدیرده حکم واقع انفاذ اجرا قیلنور



## ( باب ثالث )

( دعوانك بعد الحكم رؤيتى حقه در )

ماده ۱۸۳۷

اصول مشروعه سنه موافق يعنى حكمك سبب و شرط لى  
موجود اوله رق حكم و اعلام اولان دعوانك تكرار  
رؤيت و استماعى جائز اولماز

ماده ۱۸۳۸

بر دعوى حقه لاحق اولان حكمك اصول مشروعه سنه  
موافق اولمديغنى محكوم عليه ادما و عدم موافقت جهتنى  
دخلى بيان ايدوبده استيناف دعوى طلبنده بولنديغنى  
حاله و قوعبولان حكم لى التحقيق اصول مشروعه  
سنه موافق ايسه تصديق اولنور دكل ايسه استيناف  
قيلنور

ماده ۱۸۳۹

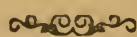
بر دعوى حقه لاحق اولان حكمه محكوم عليه قناعت  
ايتيوبده اول حكمى حاوى اولان اعلامك تميزنى طلبنده  
بولنديغنى حاله لى التدقيق اصول مشروعه سنه  
موافق ايسه تصديق قيلنور دكل ايسه نقض اولنور

۱۸۴۰ ماده

دفع دعوی قبل الحکم صحیح اولدیغی کبی بعد الحکم  
دخی صحیح اولور

بنام علیه بر دعوا ده محکوم علیه اولان کیمسه اول دعوی  
دفعه صالح بر سبب سرد و بیان ایله دفع دعوی ادعا سنده  
و اناده محاکمه طلبنده بولندیغی حالده محکوم لهک  
مواجهه سنده اشبو ادعای استماع و بو خصوص حقیقه  
محاکمه لری اجرا اولنور

مثلا بر کیمسه دیگر کیمسه نک یدتصرفنده اولان بر خانه  
پدرندن کندویه موروث اولدیغی دعوی و اثبات  
ایدوبده حاکم دخی حکم ایتدکنصکره اول کیمسه نک پدری  
اول خانه بی مقدماتی الیدک پدرینه صتامش اولدیغی  
مبین برسند معمول به ظهور ایتدکنده ذی الیدن دعواسی  
استماع ایله اثبات ایلدیکی تقدیرده حکم اول منتقض و اول  
کیمسه نک دعواسی مندفع اولور



( باب رابع )

( تحکیمه دائر مسائل بیاننده در )

۱۸۴۱ ماده

حقوق ناسه متعلق مال دعوا رنده تحکیم جائز هور

۱۸۴۲ ماده

محکمک حکمی انجیق کندوسنی تحکیم ایدن خصمین  
حقیقده و تحکیم ایتدکاری خصوصده جائز و نافذ اولوب  
انلردن بشقه سنه تجاوز ایتمز وانلرک خصوصات سائر سنه  
دخی شامل اولماز

۱۸۴۳ ماده

محکمک تعددی جائز در

یعنی بر خصوصه ایکی یا خود دها ز یاده کیمسه نك حکم  
نصب اولنسی جائز در

مدعی و مدعا علیه طرفلرندن برر حکم نصب ایتسه لر  
جائز اولور

۱۸۴۴ ماده

بر وجه بالا محکمک متعدد اولدقلری صورتده هپسه نك  
رأیی متفق اولوق لازمدر . یالکز بریسی حکم ایده مز

۱۸۴۵ ماده

حکمک طرفیندن تحکیمه مأذون ایتسه لر دیگر بر کیمه بی  
تحکیم ایده بیلوز لر دکل ایتسه لر ایده مز لر

۱۸۴۶ ماده

تحکیم بر وقت ایله تقیید اولندقه اول وقتک مزور یله  
زائل اولور

۶۵  
مثلا فلان کوندن بر آیه قدر حکم ایتمک اوزره نصب  
اولان حکم انج-ق بو بر آئی ایچنده حکم ایده بیلور اول  
ایک مرورنده حکم ایده مز ایدرسه حکمی نافذ اولماز

۱۸۴۷ ماده

محکمک حکمندن اول طرفیندن هر بری آئی عزل  
ایده بیلور

شوقدر وارکه طرفین انی تحکیم ایده بده طرف سلطانیدن  
منصوب ونائب نصبنه مأذون اولان حاکم دخی انی  
مجیز اولسه حاکم انی استخلاف ایتمش اولمسیله اول محکم  
بر حاکمک نائبی منزله سنده اولور

۱۸۴۸ ماده

حاکمک قضااری داخلنده کی اهالیکنک جله سی حقنده  
حکملری نسل که لازم الاجرا ایسه محکمک دخی انلری  
تحکیم ایدنلر حقنده و محکوم اولدقلری خصوصده حکملری  
اولوجهله لازم اولور

بناء علیه حکملر اصول مشروعده سنه موافق اوله رق  
حکم ایتمکدن صدکره طرفیندن هیچ بریسی اول حکمی  
قبولدن امتناع ایده مز

۱۸۴۹ ماده

محکم حکمی طرف سلطانی منسوب حاکم عرض  
اولندقدہ موافق اصول ایسہ قبول و تصدیق ایدر  
• دکل ایسہ نقض ایلر

۱۸۵۰ ماده

طرفین احکام مشروعہ سنہ توفیقاً حکمہ مأذون  
قیلقلری محکم لری لدی التمسیب صلحا تسویہ یه دخی  
مأذون ایسہ لر محکم لر صلحا تسویہ لری معتبر اولور  
• شویله که طرفیندن بری محکم لردن برینی و دیگری دخی  
اوبرینی منازع فیہ اولان خصوصک اولوجهله صلحا  
تسویہ سنہ دخی توکیل ایدوبده انلری دخی کتاب صلحه  
مندرج اولان مسألہ بالتوفیق صلحا تسویہ ایسہ لر اشبو  
صلح و تسویہ بی طرفیندن بری قبولدن امتناع ایدہ مز

۱۸۵۱ ماده

برکیمه تحکیم اولنماش اولدیغی حالده ایکی کشی  
بیننده کی دعوا بی فصل ایتدکن صکره طرفین اکاراضی  
وانک حکمنی مجیز اولسہ لر حکمی نافذ اولور (۱۴۵۳)

ماده یه باق



١٥٧  
ارادة سنیه تاریخی فی ٢٦ شعبان سنه ١٢٩٣

عن اعضاء شورای دولت امین الفتوی معارف ناظری

سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز رئیس مجلس تدقیقات شرعیه

السید احمد حلمی و مجلس انتخاب حکام

السید احمد خلوصی

مشتشار مفتش اوقاف قاضی دار الخلافه العلیه

عمر حلمی احمد خالد

اعلامات شرعیه ممیزی معاونی

عبد الستار

( مجله احكام عدليه دن كتاب بينات حقنده بعض )

( وصاباي شامل مذكرة عدليه )

مجله احكام عدليه نك اون بشنجي كتابي اولان كتاب  
بينات بوكره رهين حد ختام اوله رق با اراده سنيه  
جناب پادشاهي طبع و نشر قلندي

مجله مذكور نك نشر اولنان اون درت كتابي محاكم  
شرعيه ده نوجهله معمول به ايسه محاكم نظاميه ده دخی  
سياق مطرد اوزره دستور العمل اولق امر طبعيدر

ذکر اولنان كتاب بينات دخی كرك محاكم شرعيه ده  
و كرك محاكم نظاميه ده مرعي الاجرا اولق لارم كلور  
چونكه كتاب مزبور درت بابي مشتمل اولوب . برنجيسي

شهادت و تواتر . ايكنجيسي حجاج نحر بریه و قرينه قاطعه  
اوچنجيسي يمين . در دنجيسي ترجيح بينات ايله تحالف .

حقنده در ابواب ثلثه اخيره حقنده برديه جك اوليوب  
على الخصوص يمين حقنده محاكم نظاميه ايچون بر نظام  
اولديغي جهتله محاكم نظاميه نك يمين بانه شدت احتياجي

وار در مناحت سائره يه دخی بالجمله محاكم نظاميه نك  
احتياجي در كار در  
شهادت بچنده كلنجه بيع و شرا حقنده شاهد استماعي

تجارت قانوننامه سنده مندرج اولدیغی حالده هنوز  
 کیفیت استماعنه دأر بر نظام یا پلامشدر شو حالده باب  
 اولک دخی علی العموم محاکم نظامیده مرجع اولسی  
 امر طبیعیدر شو قدر وارکه تجارت قانوننامه سنده  
 مصرح شاهد استماعی خصوصی محکمہ نك تنسیبینه  
 معلق اوله رق مندرجدر و شرکت و پولیچه کبی نیجه  
 مواد تجاریه و التزام و ملتزمینده عقد شرکت مثللو  
 بک چوق معاملات نظامیه هب سندات و اوراق معتبره  
 ایله اجرا اولنهرق بولنردن متحدت دعاوی و منازعاتک  
 محاکم نظامیده حین رؤیتنده یا لکز سنداتنه اعتبار  
 اولنمق معروف و مرعیدر و تجار بیننده معروف اولان  
 شی مشروط حکمنده اولمق دخی مجله نك مقدمه سنده  
 مندرج اولان اصول فقهیه دندر

بناء علی ذلک بو مثللو معاملاتک شهادت اوزرینه بناسی  
 قابل اولدیغی کبی تجارت محکمہ لرده شاهد استماعی  
 محکمہ نك تنسیبینه معلق اوله رق جریان ایده یله جکدر .  
 کتاب مذکورده شهادت بحثی ایسه اطلاق اوزره  
 مندرج اولدیغندن و سندات اوزرینه تعامل جاری اولان  
 خصوصیلرده یته سندا اتمق امر ضروری بولندیغندن

محاکم نظامیہ دہ و علی الخصوص تجارت محکمہ لرنده  
نه درلو بخصوص لمرده و قلیح غروشہ قدر دعوالرده  
شاهد استماع اولنه جغنه دائر بر نظام یا بلیق لازمه حالدن  
کوریلور انجق بو نظام یا بلنجیه قدر محاکم نظامیہ دہ  
کافی السابق شاهد استماع اولنان دعوالرده شاهد استماع  
اولنہ درق خصوصات سائرده کما کان بینہ تحریریه اراتمسی  
ومواد سائرده اشبو کتاب بیناتک احکام مندرجه سنه  
تمامیله توفیق معامله اولتمسی لازمه دن اولغله محاکم  
نظامیہ یه بو یولده تبلیغات اجراسی خصوصی دخی امر  
و فرمان جناب شهنشاهیدن بولندیغندن اولوجهله ایفای  
مقتضاسی خصوصه صند همت

فی ۹ ذی القعدہ سنه ۱۲۹۳



بلاینه مضمونیه عمل و حکم جائز اوله بیله جک  
صورتده سندات شرعیه نك تنظیمه دائر تعلیمات

سنیه در

برنجی ماده براسندما محکمه به حواله اولنوب طرفین  
محکمه به کادکارنده کرک مدعی و کرک مدعی علیه  
شخصی محکمه جه مجهول بولندیغی و اقامه اولنان دعوی  
کندی دعوالری اولدیغنه دلالت ایدر یدلرنده اوراق  
معتبره بولندیغی و یاخود دعواده همان یکدیگری  
تصدیق ایدرک بر صنیعه شائبه سی حسن اولندیغی  
تقدیرجه شخصلرینی واسم و شهرتیه صنعت و مأموریت  
و محل اقامتلرینی تعریف ایچون محله لری مختارلرندن و یاخود  
تابع اولدقلری اصناف کتخداستندن و یا آمر و ضابطلرندن  
و منسوب اولدقلری دوائر ورؤسا طرفلرندن برقطعه  
علم و خبر کتوریه جکدر

ایکنجی ماده وکالت تسجیلنه مخصوص اولمق اوزره  
محکمه ده برجریده طوتیه جقدر طرفیندن بری تسجیل  
وکالت ایده جک اولدقده نه صورتله و کیمی توکیل ایتدیکنی  
حاکم و یا نائی حضورنده تقریر ایدوب تقریری عینیه  
تسجیل جریده سنه یازیلوب کندوسنه امضا و تمهیر

ایتدیریله جک واکر کندوسنک یازوسی یوق ایسه انک  
 امر وانجنا بیله دیکری تحریر ایدوب زیرینی کندی  
 مهری و یا اشارت مخصوصه سبیله تصدیق ایتدکن  
 صکره تقریر وکالت حاکم و یا نائبدن قنغیسی حضورنده  
 وقوعبولمش ایسه اول دخی امضا وتمهیر ایده جکدر  
 و حین تسجیلده موکلک بابا و دده سنک اسمی دخی سؤال  
 اولنهرق جریده یه قید اولنه جقدر

اوچنجی ماده ماده آنفدهه بیان اولندیغی وجهله  
 بر محکمه حاکم و یا نائی حضورنده وکالت تسجیل  
 و جریده مخصوصه سنه تحریر اولندقدن صکره محاکمه  
 ختام بولقسزین اول حاکمک عزل و یاوقاتی وقوع  
 بولدیغی تقدیرجه موکل تکرار حاکم لاحق حضورنده  
 تسجیل وکالته محتاج اولیوب جریدهده مسطور اولان  
 قید موجبجه حاکم لاحق خصم مواجهه سنده وکیلیک  
 وکالتیله حکم ایدوب مرافعه یی رؤیت واستماع  
 ایده پیلور

دردنجی ماده ضبط دعوی موقعنده ضبط کاتبی  
 طرفینک افاده لرینی کمال مرتبه دقتله استماع و تأیید  
 مدعا ضمننده ابراز ایده جکری اوراق وسنداتق لایقیله

۶۱۳  
طالعہ ایتدکد نصکرہ طرفینک اسم و شہرت و محل  
اقامت لری و شخص لری تعریف اولتمش ایسہ معرفلرینک  
اسم و شہرت و صورت افادہ لرینی و ابراز اولنسان  
سندات و اوراقل خلاصہ لرینی عادی ورقہ اوزرینہ  
ضبط و تحریر ایڈہ جکدر

بشجی مادہ مادہ آنفہدہ بیان اولنسان ضبط دعوی  
طرفینک اکلاہہ پیلہ جکی آچق بر عبارہ ایلہ یازیلہ جقدر  
التبجی مادہ دعوی ضبط اولندقد نصکرہ ضبط کاتبی  
طرفین ایلہ برابر مستشاری اولان محکمہ لردہ مستشار  
حضورینہ مستشاری اولیمان محکمہ لردہ حاکم و یانائبی  
حضورینہ کیروب ضبطی قرائت ایدر و بعد القرائہ  
صورت ضبط طرفینک افادہ لرینہ موافق اولوب  
اولدیغنی مستشار و یا حاکم و یانائبی آرو آرو  
طرفیندن سؤال ایلہ طرفیندن ہر بری صورت ضبطک  
افادہ سنہ موافق اولدیغنی تصدیق ایدر ایسہ درحال  
واکر تصدیق ایتیمو بدہ ضبطدہ بر سہو و یا نقصان  
وقوعندن و یا خود محاکمہ جہ لزومی اولان بعض شیلرک  
سؤال و جوابی ضبط و تحریر اولنسان سندن طولایی  
ضبطک تصحیحہ لزوم کوریلور ایسہ تصحیح ایدلدکن

صکره محکمه یه مخصوص اولان ضبط جریده سنه قید  
اولندرق زیری طرفینه امضا و تمهیر ایتدیرله جکدر  
ضبط جریده سنده حک و سلنتی وقوعبولیه جقدر

یدنجی ماه ضبط برمنوال محرر جریده مخصوصه سنه  
تحریر و طرفینه امضا و تمهیر ایتدیرلدکن صکره  
درسه ائده صدرین دائره لرنده مستشار و یا معاون  
و استانبول باب محکمه سنده مستشار بولندیقنی حالده  
معاون و مشاور لرندن بری محکمه تفتیشده مستشار  
بولندیقنی تقدیرده محکمه ننگ میز اولی و محاکم سارّه ایله  
علی العموم طشره محکمه لرنده حاکم و یا نائبی و باش کاتبی  
ضبطک زیرینی تصدیقا امضا و یا مهر ذاتیلرله تمهیر  
ایده جکدر

سکزنجی ماده محاکمه یه مباشرت اولندقدن صکره  
محاکمه ننگ نختامنه دکن اول محاکمه یه متعلق جریان  
ایده جک بالجمله معاملات و تحقیقاتک جریان  
سالف البیان ضبط جریده سنه دعوانک ضبطی زیرینه  
خلاصه وجهله قید و تحریر اولندجغنی مثلوه محاکمه ننگ  
رنکی دکشوبده طرفینک افاداتنه بعض عباره علاوسی  
لازم کلدیکی تقدیرده ضبطی امضا و تمهیر ایدن مأمورلر



معرفتیله طرفین حضورنده ترقیم و علاوه اولنه رق زیرینی  
طرفین و اهمیتتی اولدیغنی حالده مأمور لر دخی امضا  
و تمهیر ایده جک کردر

طقوزنجی ماده طرفیندن برینه شاهد اقامه سی لازم  
کادکده اولا شاهد لری اولوب اولدیغنی کندوسندن  
سؤال اولنور شاهد لری اولدیغنی بیان و تقریر ایتدیکی  
حالده کیملر ایدوکی واسم و شهرت لری وانلردن باعدا  
شاهد لری اولوب اولدیغنی و اولدیغنی تقدیرده انلرک اسم  
و شهرت لری صوریلور کرک شاهد لری حقنده واقع اوله جق  
افاداتی و کرک اصلا شاهد لری اولدیغنی سویلدیکی حالده  
افادات و اقعه سی ضبط جریده سنه قیدیه کندوسنه امضا  
و تمهیر ایتدیر یله جک کردر

اوننجی ماده بر محاکمه فصل اولندقدنه وجهله حکم  
اولدیغنی و حکمک اسباب موجبده سی خلاصه وجهله  
ضبطده شرح و یریلوب وزیر ی حاکم طرفیندن تمهیر  
ایدیلوب بعده اعلام مسوده سی قله النور

اون برنجی ماده ضبط کاتبی محکمه یه مخصوص اولان  
ضبط جریده سندن صورت ضبطی عینیه کندو  
جریده سنه نقل و تحریر ایدوب اندن تقریر ایدر و محکمه یه

مخصوص اولان جریده محکمه نك بر مامن محلانده حفظ  
اولنوب لازم کلدبکه اخراج اولنه جقدر محکمه ده  
دعاوینک کثرتی نسبتند محکمه به مخصوص متعدد ضبط  
جریده لری طوتیلور

اون ایکنجی ماده جریده ده محرر صورت دعوی  
اساس طوتیلورق اعلام مسوده سی اصول صک اوزره  
قله النور حین تسویده صورت ضبطک بعض عبارلرنده  
قاعده صک اوزره محو واثبات جائز ایسه ده اساس  
مسئله جه تعیر اولماق شرطدر طرفیندن بری اصلا  
شاهد لری اولدیغنی افاده ایتدیکی صورتده افاده  
مذکوره سی عینیه اعلامه درج اولنوب اقامه بینهدن  
اظهار عجز تعبیریه اکتفا اولنمیه جقدر

اون اوچنجی ماده ضبط کاتبی اعلام مسوده سنی قلمه  
الدقندن صکره مسوده اولا صدرین واستانبول باب  
محکمه لرنده وقایع کاتبی و محکمه تفتیشده ممیز اول  
طرفلرندن تصحیح و بعده مستشار طرفندن دخی تدقیق  
و صورت ضبطه توفیق اولنهرق تصحیح وامضا وضعیه  
حاکمه تقدیم اولنور محاکم سارده ده محکمه نك باش کاتبی  
وار ایسه انک طرفندن مسوده تصحیح اولنهرق حاکمه

تقدیم اولنور یوق ایسه ضبط کاتبی مسوده بی بالذات  
 حاکم تقدیم ایدر غلطه و خواص رفیعہ محکمہ لری  
 کبی مرکز نائی بولنان محکمہ لردہ نائب مستشار و ظائفنی  
 ایفا ایدہ جقدر مسوده حاکم تقدیم اولندقدہ بعدالنظر  
 والتدقیق کشیده ایدہ جکی یازیلہ موجبہ اعلامی تحریر  
 اولنه جقدر

اون دردنجی ماده بر وجه مشروح اعلام یازلدقن  
 صکره ضبط کاتبی اسمنی ظهر اعلامه تحریر و مسوده بی  
 تدقیق و امضا ایدن مأمور لر ترتیب سابق اوزره اعلامی  
 دخی مطالعه و ظهرینی امضا و یا تمهیر ایدوب بعده اعلام  
 حاکم تقدیم اولنور

اون بشنجی ماده حاکم دخی مطالعه ایتدکدنصکره  
 سجدله قید و مقابله اولنه دیو اعلامک ظهرینه یازوب  
 مقیده کوندرر مقید دخی سجدله قید و مقابله ایدوب و مقابله  
 ایتدیکنی ظهر اعلامه شرح و یروب زیرینی تمهیر و حاکم  
 اعاده ایتدکدنصکره حاکم اصول و جهله اعلامی تمهیر ایدر  
 اون التنجی ماده طشره یه کوندرملک اوزره در سعادت  
 محاکمندن تنظیم اولنه جق و کالت محتملرندن بالاده بیان  
 اولنان اصول تمامیلہ اجرا اولنه جقدر

اون یدنجی ماده طشره حکامی وکالت تقدیرینی  
قضا داخلنده ایسه اول قضانک بدایت محکمه سنده  
ومرکز لوا اولان قضاده ایسه لوا بدایت محکمه سنده  
کرسی ولایتده ایسه استیناف محکمه سنده اله جقدر

اون سکزنجی ماده بر وجه محرر موکلک تقریری  
الندقدن صکره صورت تقریری عینله جریدهیه قید  
وتحریر اولنوب موکله مهر و یا امضا و یا اشارت  
مخصوصه ایله تصدیق ایتدیردکن صکره اصول  
موضوعه سنه توفیقا وکالت حجتی تنظیم و تمهیر اولنور

اون طقوزنجی ماده حاکم طرفندن برمنوال محرر  
تنظیم قلمنان حجت شرعیسه ده بیان اولندیغی اوزره  
وکالت تقریرینک کندو حضور لرلنده و قوعبولدیغنی  
حین تقریرده حاضر بولنان اعضا بامضبطه تصدیق  
ایده جک و بوتصدیق مضبطه سی قضا بدایت محکمه سندن  
اعطا قلمش ایسه اول قضانک ملحق بولندیغی ولایت  
استیناف محکمه سندن و یاخود لوا بدایت محکمه سندن  
تصدیق اولنده جقدر .

یکرمنجی ماده موکلک شخصی مجهول بولندیغنی

تقدیر چه برنجی ماده ده بیان اولندیغی وجهله شخصی  
تعریف ایتدیله جکدر

یکرمی برنجی ماده طشره ده تنظیم اولنان وکالت  
جتلرینک کافی السابقی فتوا خانه دن تدقیق و تطبیقی  
اجرا اولنه جنغی کبی بعدما طشره به کوندر ملک اوزره  
در سعادت محاکمندن ویریلان وکالت جتلرینک مهری  
مطابق ایدوکی ظهرینه فتوا خانه دن شرح ویریله جکدر  
یکرمی ایکنجی ماده بشقه بلده به کوندر ملک اوزره  
وراثت و وصایت کبی موادک ثبوتنی حاوی سند شرعی  
تنظیمی لازم کلدکده طشره حکامی اون یدنجی ماده  
و جنبه مواد مذکوره بی بدایت یا استیناف محکمه لرنده  
استماع و فصل ایدر و طشره ده تنظیم اولنه جق وکالت  
جتلری حقنده بیان اولنان اصول بو مثالو سند شرعی  
حقنده دخی جاری و معتبر در

یکرمی اوچنجی ماده مأمور و امنار سالیله محکمه  
استماع قلنه جق خصوصاتی تحریر ایچون محکمه ده بر ویا  
بر قاج خصوص جریده لری طوتیله جقدر و بو جریده لر  
ضبط جریده لری کبی حفظ اولنوب خصوصه کیدملک لازم  
کلدکده مأموره ویریله جکدر فصل دعوی و تسجیل وکالت

واقرار و وقف و وصیت و مخانعه و تطلیق و کشف و تقسیم  
عقار و صلح و ابرا و اخبار ملک و تصرف و طرفیندن برینی  
تحلیف کبی خصوصات ایچون حاکم طرفندن مأذونابر محله  
ویا برقریه به اعزام قلنان مأور اول محله و یاقریه ده مختاران  
واهلیدن برقاچ ذاتی جلب و جمع ایله بر مجلس عقدایدوب  
خصوصات واقعه بی استماع و بعده خصوص جریده سنه  
قید و تحریر وزیرینی مجلسک انعقادینه باعث اولان  
اصحاب مصالحه و حین استماعده حاضر بولنان ذواته مهر  
و یا امضا و یا اشارت مخصوصه لریله تصدیق ایتدیردکن  
صکره مختار مهریله دخی تمهیر ایتدیروب بعده کندویه  
ترفیق ایدیلان امنایله برابر حاکمه انها ایده جکدر  
خصوصه محکمه کتبه سندن اهلیت و استقامتی مجرب  
و معلوم اولان ذات تعیین ایدلملیندر

یکرمی دردنجی ماده برحجتک مضمونیه حکم اولنوب  
موجبجه اعلامی تنظیم اولندقدده اول حجت محکمه د  
البقونیلوب دفتر سجلا تک حفظ اولندیغی محلده حفظ  
اولنه جقدر حجتلریله برابر طشره دن ورود ایدن تصدیق  
مضبطلری دخی حجتلر کبی حفظ اولنه جقدر

یکرمی بشنجی ماده اشبو نظامنامه یه نوفیقماً تنظیم

واعطا قلنمان سندات شرعيه نك مضمونى خصم طرفدن  
اينكار اولندقدرد مجله احكام عدليه نك ۱۱۳۸ و ۱۸۲۱  
ماده لرى منظوقلرنجه حكام شرعيه سندات مذ كوره نك  
بلا بينه مضمونيله حاكم ايده ييلور فقط لى التديق  
بر اعلام و يا حجت و يا بر قيده تزوير و تصنيع شائبه سى  
حس اولنديغى تقديرجه حاكم اول اعلام و حجت و قيدك  
بلا بينه مضمونيله حاكم ايتيوب مضمونه بينه طلب ايدر

في ۴ جادى الاولى سنه ۱۲۹۶

( تعليم اصول تحليف )

مدعا عليهه يمين ويرلك لازم كلديكى حالده دعـوانك  
رؤيت اولنديغى محكمه ده ياخود محكمه طرفدن  
== و ندريلان نائب حضورنده خصمى دخى حاضر  
اولنديغى حالده يمين ايتديريلور

شـويله حاكم ياخود نائبي مسئله يى تصوير ايدرك  
بو خصوصه يمين ايدر ميسين ديو مدعا عليهدن سـؤال  
ايدوب او دخى اوت ايدرم ديدكدن صكره يمينك شكل  
و كيفيتنى تصوير ايدرك مجله احكام عدليه نك بيك

یدیوز قرق در دنجی ماده سی حکمنجه ( والله ) دیو

الله تعالی حضرتلر نیک اسمنه قسم ایتدیرر

والله یرنده ( بالله ) یاخود ( تالله ) دینک دخی جائز

اولور فارسجهده ( بخدا سوکند میخورم ) وترجه

( اللهم اند ایچیورم ) تعبیرلری دخی یمیندر

تحلیفک اصولی مجله احکام عدلیهده مسطور ایسه ده

بونى بر مرتبه دهها ایضاح ایچون ز یرده بعض امثله

ایراد اولنده جقدر فقط ابتدا بوکا دائر بر وجه اتی

بعض مواد اساسیه بیان قلنده جقدر

مدعی ادعا ایدوبده مدعا علیهک انکار ایتدیکی نه ایسه

انک اوزرینه یمین ویرنک لازم کور ادعا وانکار

اولنان شی اگر مدعا علیهک کند و فعلی ایسه بتاه

و اگر غیرینک فعلی ایسه عدم علمه یمین ویریلور

مجله احکام عدلیه نک ( ۱۷۴۸ ) ماده سنه باق و برده

یمین یاسیبه و خود حاصله یعنی مدعینک حاصل دعواسی

اوزرینه اولور ایشته بووجهله دخی یمین ایکی قسمه

تقسیم ایدیلور

شویله که مدعینک دعواسیله مدعا علیهک انکارینده نظر

اولور اگر مدعی جهت بیان ایتکسزین برحق یاخود

مجله احکام عدلیه نک بیک التی یوز یتمش سکزنجی ماده سی



حکمنجه ملک مطلق دعواسنی ایدوبده مدعا علیه دخی  
 انک بود دعواسنی انکار ایدرسه حاصله یمین ویریلور  
 واکر مدعی جهت بیان ایدرک برحق یاخود ملک بسبب  
 دعوی ایدوبده مدعا علیه انک حاصل دعواسنی انکار  
 ایدرسه کذلک حاصله یمین ویریلور اما مدعا علیه جهت  
 ویاسبی انکار ایدرسه او حالده سببه یمین ویریلور نته کیم  
 کیفیت امثله آتیه دن متضح اولور

( بتاته تحلیف حقنده بعض امثله )

مدعی مدعا علیه دن جهت بیان ایتکسزین سنده شو قدر  
 غروش اله جنم وار در انی ایسترم دیو دعوی ولدی  
 الاستجواب مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی اثباتدن  
 اظهار عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم اکا  
 ( و الله بنم بو آدمه او قدر غروش بورجم یوقدر ) دیو  
 یمین ایتدیررکه حاصله تحلیف دیمک اولور

( صورت اخری )

مدعی مدعا علیه دن اولان معلوم الحدود بر عقار  
 حقنده بو عقار بنم ملک مدر سن اکا بغیر حق وضع ید  
 ایدیورسین اندن کف یدایت دیو دعوی ولدی الاستجواب  
 مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی اثباتدن اظهار عجز ایله

اكا يمين ايتدرمك ايستدكده حاكم اكا ( والله اول عقار  
 بو آدهك ملكي دكلدر ) ديو يمين ايتديرر و بو دخی  
 حاصله تخليف قبيلندن اولور

( ديكر مسئله )

مدعی جهت قرضدن سنده شو قدر غروش اله جغم وار  
 انی ایسترم دیو دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه بورجم  
 یوقدر دیو حاصل دعوی انکار ایدر ایسه حاکم اكا  
 كذلك ( والله بنم اكا او قدر غروش بورجم یوقدر )  
 دیو حاصله یمين ايتديرر و اکر مدعا علیه بن اندن او قدر  
 غروش استقراض ایتدم دیو جهتی انکار ایدر ایسه  
 اول حالده حاکم اكا ( والله بن بو آدمدن او قدر غروش  
 استقراض ایتدم ) دیو سببه یمين ايتديرر

( ديكر صورت )

مدعی مدعا علیه یدنده بولنان معلوم الحدود بر عقار  
 حقنده فلان تاریخده سن بو عقاری اون بيك غروش بدل  
 مقابلنده بکا صائدك بن دخی اشترا ایتدم اول جهتدن  
 بو عقار بنم ملكيدر اون بيك غروشی اله بو عقاری  
 بکاتسليم ایت دیو دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه بو عقار  
 سنك ملكك دکلدر دیو حاصل دعوی انکار ایدر

ایسه حاکم اکا (والله بو عقار بو آدمک ملکی دکدر)  
دیو حاصله یمین ایتدیرر

وا کر مدعا علیه بن بو عقاری سکا صاتمدم دیو سببی انکار  
ایدر ایسه اول حالده حاکم اکا (والله بن بو عقاری بو آدمه  
صاتمدم) دیو سببه یمین ایتدیرر

(مسئلهٔ اخری)

مدعی مدعا علیه بن بنم فلان کسینه ذمتده فلان  
جهتدن اله جق حقم اولان شر قدر غروشک اداسنه انک  
امر یله کفیل اولمشیدک بناء علیه کفالنک حسبیله  
سندده او قدر غروش حقم اولغله انی سندن ایسترم دیو  
دعوی ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدرک مدعی  
اثباتدن عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم  
اکا (والله بو آدمک بیان وادما ایلدیکی کفالت جهتندن  
بنده او قدر غروش حتی بو قدر) دیو یمین ایتدیرر

(مسئلهٔ اخری)

مدعی مدعا علیه بن سنک ذمتکده ثمن مبيع اوله رق شو  
قدر غروش اله جق حقم اولوب حتی اول جهتدن او قدر  
غروش بورجک اولدیغنی اقرار دخی ایتمشیدک دیو دعوی  
ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایذبده مدعی کرک

اصل دینی و کرب مدعا علیہک انی اقرار ایتدیکنی اثباتدن  
 اظهار عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده اقراره یمین  
 ویرلیوب ماله یمین ویریلور شویله که مدعا علیہه (والله  
 بنم بو آدمه او قدر غروش بورجم یوقدر) دیو یمین  
 ایتدیریلور

( عدم علمه تحلیف حقنـده بعض امثله )

برکیمسه جهت بیان ایتیه رک بر متوفانک ترکه سندن شو قدر  
 غروش اله جق دعوی ایدوبده اثباتدن اظهار عجز ایله  
 متوفانک وار شه یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم انی عدم  
 علمه تحلیف ایدر شویله که (والله بن مورثمک بو آدمه  
 او قدر غروش بورجی اولدیغنی بیلم) دیو یمین ایتدیر  
 ( صورت اخری )

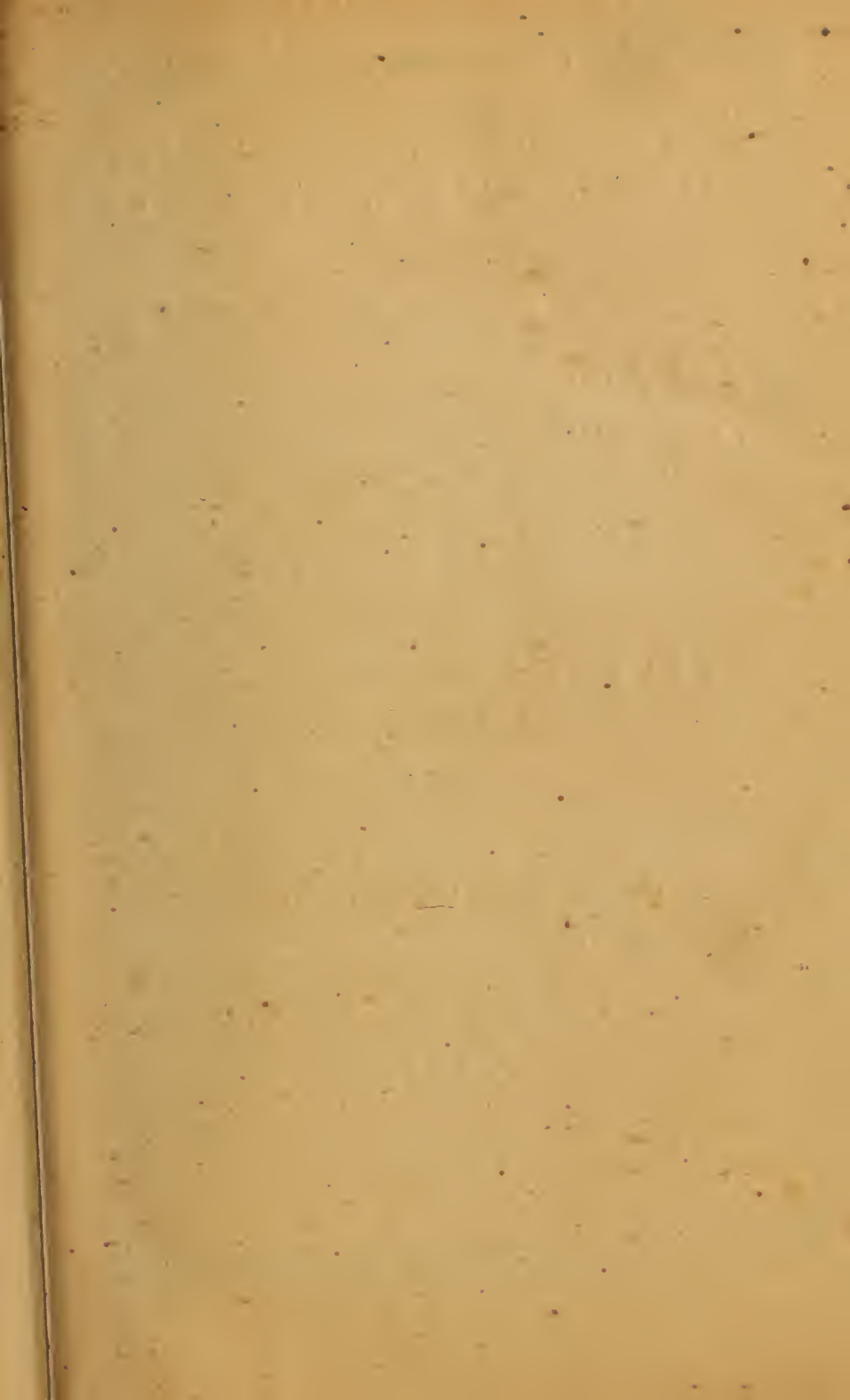
مدعی فلان کسمنه حیاته ایکن فلان تازیخده بدن شو قدر  
 غروش استقراض ایله امورینه صرف ایدوب حالا حقم  
 اولغله ترکه سندن ایسترم دیو دعوی ولدی الانکار اثباتدن  
 اظهار عجز اولوبده متوفانک وار شه یمین ایتدیرمک  
 ایستدکده وارث اکر مورثمک اکا بورجی اولدیغنی  
 انکار ایدر ایسه حاکم اکا (والله مورثمک بو آدمه او قدر  
 بورجی اولدیغنی بیلم) دیو یمین ایتدیر

واگر استقراضی انکار ایدر ایسه حاکم اکا (والله مورثکم  
 بو آدمدن او قدر غروش استقراض ایتدیکنی بیلم) دیو  
 یمین ایتدیرر

( دیگر صورت )

بر آدمک بر شخصدن اشترا ایلدیکی عقاری دیگر کسینه  
 اول عقاری دهها اول بن او شخصدن اشترا ایتشدم دیو  
 دعوی ایدویده اثبات ایده مدیکی جهته اول آمده یمین  
 ایتدیرمک ایستدکده حاکم اول آدمی عدم علمه یعنی  
 کندوسندن اول بو عقاری اول کسندنک اشترا ایلش  
 اولدیغنی بیلدیکنه تحلیف ایدر شویله که ( والله بن  
 بو آدمک بو عقاری بندن اول اولی شخصدن صاتون  
 الدیغنی بیلم ) دیو یمین ایتدیرر

بالاده مذکور اولان صورتلر هب مدعینک طلبی اوزرینه  
 ویریلان یمینله مشالدر اما مدعینک طلبی اولقسزین  
 حاکم طرفندن یمین ویریلان صورتلر مجله احکام عدلیه ننگ  
 بیکی یوز قرق التنجی ماده سنده مسطور اولغله  
 انلردن بجه حاجت کورلماشدر

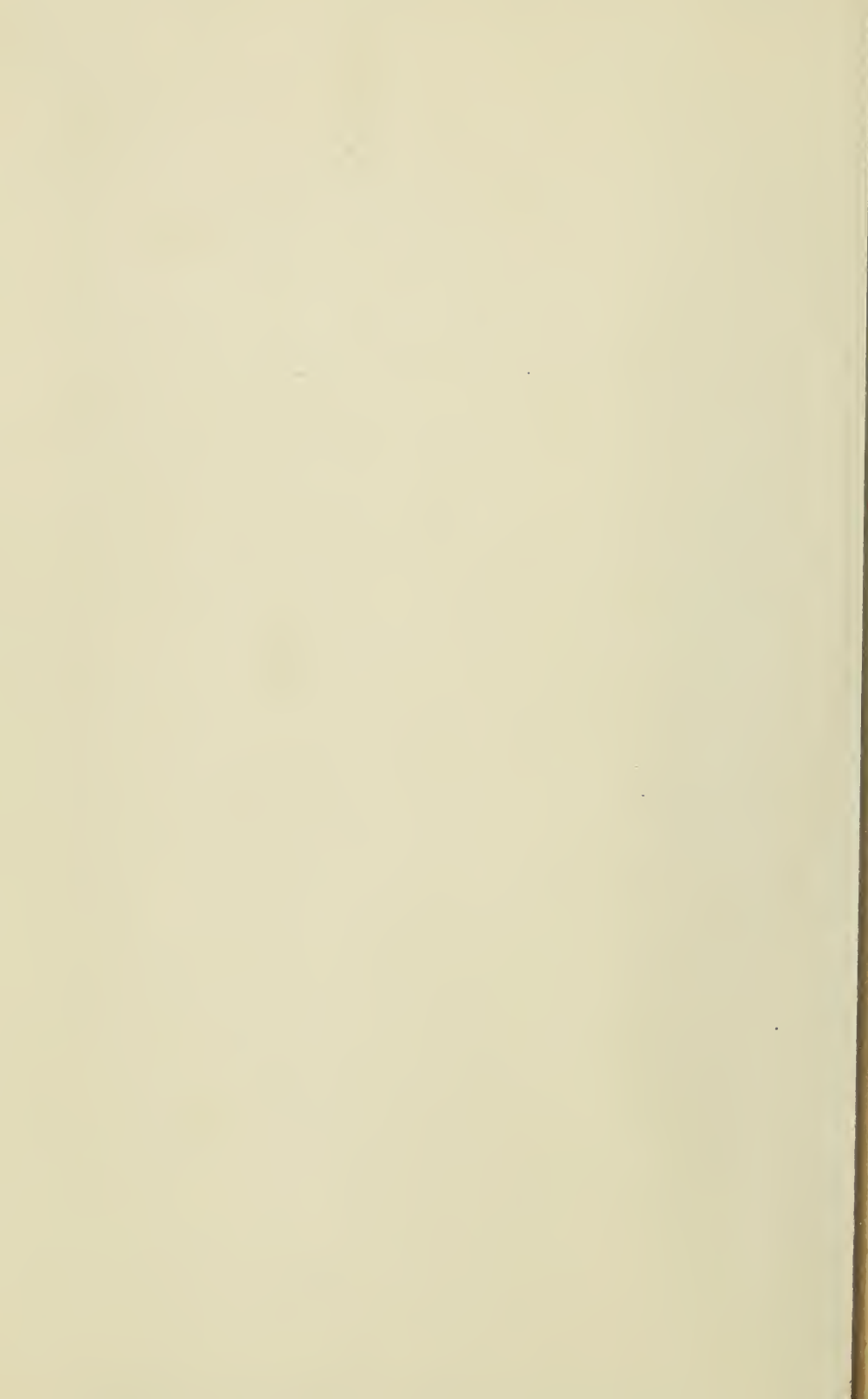


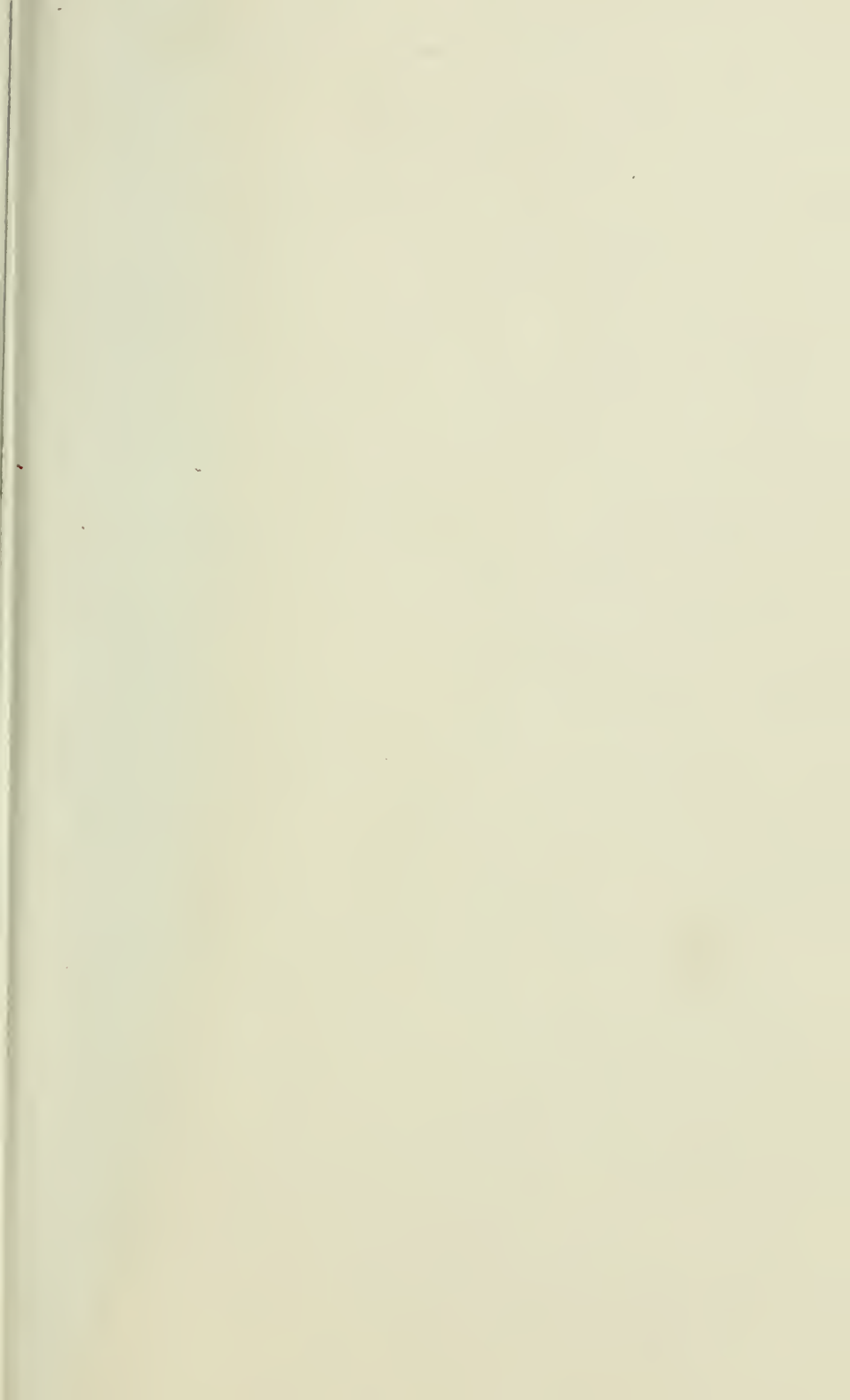


287

10



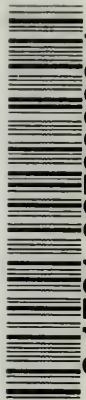












3 1761 06739238 1